



جمهوری اسلامی ایران

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان

دفتر چهارم

تدوین:
گروه واژه‌گزینی



Islamic Republic of Iran

Academy of Persian Language & Literature

A Collection of Terms

Approved by:
The Academy

Vol. 4

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

فہرست
ادبیات و تاریخ

تدوین:
گروہ
واژه‌گزینی

۸	۰۲۵
۲۱	۱۱

۱۱/۰۰۱

۲۲/۰۰۱

۹/۱۱

۱۳۹۵
تاریخ ثبت در کتابخانه

فرهنگ واژه‌های
مصوب فرهنگستان
دفتر چهارم

**فرهنگ واژه‌های
مصوب فرهنگستان**

دفتر چهارم

گروه واژه‌گزینی



فرهنگستان زبان و ادب فارسی

گروه نشر آثار / تهران ۱۳۸۶

فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر چهارم

تدوین و ویرایش و حروف‌نگاری: گروه واژه‌گزینی

مدیر فنی چاپ: محمد رثوف مرادی

چاپ اول: تیر ۱۳۸۶

طراحی جلد: کارگاه گرافیک سپهر

لیتوگرافی: باختر، چاپ: دالاهو، صحافی: چاووش

نشانی: تهران، خیابان احمد قصیر، نبش کوچه سوم،

شماره ۸، صندوق پستی: ۶۳۹۴-۱۵۸۷۵

وب‌گاه: www.persianacademy.ir

پیام‌نگار (ایمیل): terminology@persianacademy.ir

شابک دفتر چهارم: ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۳۱-۵۹-۱

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۳۱-۳۷-۰

ISBN: 978-964-7531-59-1 (vol.4)

ISBN: 978-964-7531-37-0 (set)

حق چاپ محفوظ است.

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه واژه‌گزینی.
فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان: دفتر چهارم/
تدوین گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۶.
بیست‌وشش، ۲۵۲، ۱۷۸ ص.
فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر آثار؛ ۴۸.
۹۷۸-۹۶۴-۷۵۳۱-۵۹-۱

فیبا

انگلیسی - فارسی.

A Collection of Terms, ع. به انگلیسی:

Approved by: The Academy of

Persian Language and Literature

فارسی - - واژه‌سازی.

فارسی - - واژه‌های جدید.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

PIR ۲۹۶۴/۴ ف ۴۱۳۸۶

۴۳/۱

۱۰۳۴۴۳۸

سرشناسه

عنوان و پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

شابک

وضعیت فهرست‌نویسی

یادداشت کلی

یادداشت

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره کتابخانه ملی

متن پی‌نوشت ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران دربارهٔ
مصوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی که طی نامهٔ شمارهٔ ۴۹۷۹۱
مورخ ۸۶/۴/۹ به فرهنگستان ابلاغ شده است.

شماره ۴۹۷۹۱
آبج ۹ - غیر ۱۳۸۶
ست

(پ)
جمهوری اسلامی ایران
ریاست جمهوری

رئیس دفتر

باسمه تعالی

جناب آقای دکتر حبیبی
رئیس محترم فرهنگستان زبان و ادب فارسی

سلام علیکم

نامه شماره ۱۱۰۱/۵۶۶ مورخ ۱۳۸۶/۳/۲۱ منضم به چهارمین دفتر رازده های
مصوب فرهنگستان به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت
فرمودند:

"بسمه تعالی

صیانت از میراث گرانقدر زبان فارسی که تجلی فرهنگ و رمز ماندگاری آن
است وظیفه ای همگانی و بسیار مهم و فوری است. از تلاش این عزیزان در
فرهنگستان سپاسگزارم و موارد را نایید می کنم."

عبد الرضا شیخ الاسلامی

فهرست مطالب

پیشگفتار	یازده
مقدمه	پانزده
همکاران علمی	نوزده
نشانه‌های اختصاری	بیست و چهار
فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان به ترتیب الفبای فارسی	۱ - ۲۵۰
پیوست	۲۵۱
فهرست واژه‌ها به ترتیب الفبای لاتینی	۹۲ - ۳
فهرست واژه‌ها بر اساس حوزه به ترتیب الفبای لاتینی	۱۷۸ - ۹۵

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

پیشگفتار

دفتر چهارم فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، که حاصل کار گروه‌های تخصصی و شوراهای واژه‌گزینی فرهنگستان در سال ۱۳۸۵ است، به پیشگاه استادان گرانقدر و مردم عزیز ایران، که علاقه‌مندان به زبان و ادب فارسی هستند، پیشکش می‌شود. با خرسندی می‌گوییم که بیش‌وکم به وعده خود وفا کرده و بر سرعت کار واژه‌گزینی و تصویب معادلها افزوده‌ایم.

برای برخورداری از همکاری صاحب‌نظران دانشگاهی و انجمنهای علمی نیازمند چارچوبی فنی در زمینه اصول و ضوابط واژه‌گزینی بوده‌ایم و هستیم. پیش‌نویس اصول و ضوابط یادشده در سال گذشته آماده شد و به نظر استادان متعدد رسید و در میزگرد یک‌روزه‌ای، که به تاریخ ششم اردیبهشت ۱۳۸۶ برگزار شد، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. امیدواریم بتوانیم اصول و ضوابط را همراه با توضیح و تفسیر در مدتی کوتاه در اختیار علاقه‌مندان بگذاریم.

علاوه بر این، در سال جاری باید پس از گرفتن برخی مجوزهای اداری و مالی، گروه‌های واژه‌گزینی دیگری را در امر واژه‌گزینی در دانشگاهها و نیز انجمنهای علمی به عنوان همکاران فرهنگستان تشکیل دهیم تا با یاری آنها کار واژه‌گزینی شتاب بیشتری بگیرد، به گونه‌ای که نه تنها کیفیت کار تغییر نکند که بر پرمایگی نتایج آن افزوده شود. کار گروه‌هایی که در دانشگاهها و نیز انجمنهای علمی تشکیل می‌شوند، با در دست داشتن اصول و ضوابط

واژه‌گزینی بازبینی شده، که به تأیید فرهنگستان رسیده است، پیشنهادهای خود را به فرهنگستان خواهند داد و فرهنگستان آنها را پس از بررسی، تصویب خواهد کرد. درباره چگونگی همکاری جامعه علاقه‌مند به زبان فارسی و شرکت فعال صاحب‌نظران در امر واژه‌گزینی در دفترهای پیشین نکته‌هایی را یادآور شده‌ایم و بنابراین در اینجا دیگر بار بدانها نمی‌پردازیم. در پیشگفتار دفتر سوم گفته بودیم که با فعال کردن شوراهای هماهنگی و هیئت فنی گروه واژه‌گزینی بر سرعت کارمان خواهیم افزود؛ چنین کرده‌ایم و علاوه بر آن، با ایجاد یک شورای واژه‌گزینی دیگر حاصل کارمان را به دوبرابر رسانده‌ایم.

استادان و صاحب‌نظران، با توجه به آنچه گذشت، عنایت می‌کنند که روش جدید، تعاملی جدی و مشارکتی پرمعنا و دوسویه طلب می‌کند. بدون رودربایستی باید گفت که گروه واژه‌گزینی از یکسو بدون مساعدت و حمایت فعال شورای فرهنگستان و همه اعضای هیئت علمی و پژوهشگران فرهنگستان و از سوی دیگر تمامی فرهنگستان بدون یاری و همکاری فعال همکاران دانشمند واژه‌گزینی دانشگاهها، پژوهشگاهها و انجمنهای علمی نمی‌تواند برنامه جدید را به نتیجه برساند.

به نظر می‌رسد خواننده گرامی بتواند بر کوشش مختصری که در پیش بردن برنامه‌های واژه‌گزینی به انجام رسیده است و نیز بر وفای به عهد و پیمان و قول و قرار سال گذشته بعین‌الرضا نظر کند.

فرهنگستان از همه دست‌اندرکاران واژه‌گزینی: گروه‌های تخصصی حوزه‌های شش‌گانه که همواره یار و مددکارش بوده‌اند، اعضای شوراهای هماهنگی، اعضای هیئت فنی سرکار خانم دکتر نعمت‌زاده، سرکار خانم پرویزی و آقایان دکتر طباطبایی و دکتر سمائی و هم‌چنین آقای مهندس کافی که در تجدیدنظر و تهیه و تدوین پیش‌نویس اصول و ضوابط واژه‌گزینی کوشش کرده‌اند، و نیز اعضای دو شورای واژه‌گزینی و دیگر پژوهشگرانی که کارهای واژه‌گزینی را به سامان رسانده‌اند و موجب شده‌اند این دفتر در مدتی اندک به علاقه‌مندان زبان و ادب فارسی تقدیم شود، سپاسگزاری می‌کند. اینجانب نیز به سهم خود از زحمات شبانه‌روزی همه همکاران گروه واژه‌گزینی و نیز از سرکار خانم نسرین پرویزی که در تنظیم و ترتیب امور کوشش نموده‌اند، سپاسگزارم.

فرهنگستان برای به سامان رساندن امور مربوط به زبان فارسی گام در راهی دشوار نهاده است؛ معادل‌یابی و واژه‌گزینی نیز با پیچ‌وخم‌های فراوان روبه‌روست. آن گروه از علاقه‌مندان به زبان فارسی که در فرهنگستان گرد آمده‌اند، با همه توان در این راه گام برمی‌دارند و از افتادنها و برخاستنها رنجه‌خاطر و دل‌آزرده نمی‌شوند. باین‌همه، همگان، یعنی همه علاقه‌مندان به زبان و ادب فارسی و استادان دانشمندی که به حق با همت بلند خویش چراغ پرفروغ این زبان بی‌همتا را نگاهبانی می‌کنند، باید بیش از پیش فرهنگستانها را یاری دهند تا بتوان دست در دست هم با گام‌های استوار این راه پر نشیب و فراز را پیمود و آنچنان سرعتی به کار بخشید که در ظرف چند سال دل‌مشغولیهای کنونی جای خود را به آنچنان شادی و دل‌آسودگی واگذارد که شایسته زبان و ادب مردمی خردمند و عاشق و دل‌دادۀ زبانی شیوا و رسا و عاری از واژه‌های بیگانه و ناآشناست.

حسن حبیبی

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی

و

رئیس گروه واژه‌گزینی

اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۶

مقدمه

گروه واژه‌گزینی سال ۸۵ را با تلاشی بی‌وقفه به پایان رساند و مفتخر است حاصل کار استادان و صاحب‌نظران رشته‌های گوناگون در گروه‌های واژه‌گزینی تخصصی و پژوهشگران خود را با حجمی دوبرابر سال قبل در کتاب حاضر که چهارمین فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان است، به جامعه عرضه نماید. این مجموعه نیز دارای یک بخش اصلی و دو فهرست است. در بخش اصلی، که بر اساس الفبای فارسی تنظیم شده، واژه‌بیگانه و معادل مصوب و تعریف و حوزه کاربرد واژه آمده است. از آنجا که این فرهنگ مجموعه‌ای از مصوبات فرهنگستان را دربردارد و در تصویب واژه‌ها ملاحظات در نظر گرفته شده که در تدوین این کتاب رعایت آنها ضروری بوده است، ساختار آن با فرهنگ‌های معمول تفاوت‌هایی دارد که لازم است در مورد شیوه تدوین آن توضیحاتی داده شود.

واژه‌بیگانه: مبنای کار تخصصی در گروه‌ها واژه‌های انگلیسی بوده است. منظور از واژه انگلیسی واژه‌ای است که در فرهنگ‌های انگلیسی‌زبان با مفهوم مورد نظر ما مدخل شده است، هرچند ممکن است از زبان دیگری به زبان انگلیسی راه یافته باشد. گاه بیش از یک واژه بیگانه در مقابل معادل فارسی ذکر شده است. این واژه‌ها با هم مترادف هستند و در ردیف الفبایی جداگانه ذکر شده و به واژه اول ارجاع داده شده‌اند. تفاوت فرهنگ حاضر با فرهنگ‌های رایج در این است که، نظر به مصوب بودن این واژه‌ها، سعی شده است در مدخل اصلی، تمام اطلاعات، از جمله تمام واژه‌های بیگانه، ذکر شود تا چنانچه کسی به سایر مدخل‌ها مراجعه نکرد، این تصور ایجاد نشود که فرهنگستان صرفاً برای یکی از واژه‌های بیگانه مربوط معادل ساخته و واژه‌های دیگر را نادیده گرفته است. در برخی رشته‌ها، که در آنها زبانی غیر از زبان انگلیسی غلبه دارد، به ناچار علاوه بر لفظ انگلیسی، لفظ موجود در

زبان دیگر نیز آمده است. این لفظ با حروف اختصاری مربوط به آن زبان مشخص شده است. معادل مصوب: برخی از معادلها برای جلوگیری از بدخوانی اعراب‌گذاری شده است. ذکر این نکته ضروری است که به دلیل رواج صورت نوشتاری برخی از واژه‌ها در علوم مختلف و همچنین وضوح بیشتر معادل مصوب در مواردی دستور خط فرهنگستان رعایت نشده است.

حوزه کاربرد: صورت اختصاری نام هر گروه تخصصی در داخل دو قلاب در ابتدای تعریف ذکر شده است. چنانچه واژه‌ای با یک مفهوم و یک معادل در بیش از یک حوزه کاربرد داشته، نشانه اختصاری نام گروه‌های تخصصی مربوط به ترتیب الفبایی در کنار یکدیگر در قلاب آمده است. همچنین در فهرست حوزه‌ای واژه‌ها، واژه موردنظر در تمام حوزه‌های مربوط ذکر شده است. در برخی موارد یک لفظ بیگانه چند بار تکرار شده و با شماره از هم متمایز شده‌اند. این بدان معناست که واژه مذکور در حوزه‌های مختلف تعریفهای متفاوت دارد و برای هر حوزه معادل‌های متفاوتی به کار رفته است. شماره‌گذاری واژه‌های بیگانه و معادلها در هر فهرست مطابق با صورت الفبایی آن فهرست آمده است و در فهرست حوزه‌ای لزوماً شماره‌گذاری فهرست واژه‌های لاتین رعایت نشده است. توجه به این نکته ضروری است که تقسیم‌بندی گروه‌های تخصصی لزوماً مطابق با رشته‌های دانشگاهی نیست و بیشتر به استناد کتابهای مرجع و نظر اهل فن تعیین شده است.

برخی واژه‌ها، به دلیل نیاز، در حوزه‌ای به تصویب رسیده که خاستگاه اصلی آنها نبوده است و از آنجاکه گروه اصلی تا آن زمان تشکیل نشده یا واژه‌ای را به تصویب فرهنگستان نرسانده، به‌ناچار تحت عنوان حوزه به‌کاربرنده آمده است. در مراحل بعدی کار، این گونه واژه‌ها به فهرست واژه‌های حوزه اصلی آنها افزوده خواهد شد.

تعریف: تعریف‌نگاری کاری بسیار دشوار و بااهمیت در فرهنگ‌نویسی است. همان‌طور که تأکید شد، گروه واژه‌گزینی بیشتر به اصطلاح‌شناسی و معادل‌گزینی توجه دارد و مسئله استاندارد کردن تعاریف شاید مراحل بعدی کار ما را تشکیل دهد. در کار واژه‌گزینی، پیش از انتخاب معادل، تعریف واژه مبدأ از یک یا چند فرهنگ معتبر استخراج می‌شود و در نهایت با نظر اهل فن تعریف نهایی عرضه می‌گردد. از آنجاکه معادل‌های مصوب گاه نوساخته است، لازم است شیوه ساخت یا مفهوم آنها با توجه به تعریف روشن شود. تعریف‌های ارائه شده تعریف‌هایی است که استادان گروه‌های تخصصی عرضه کرده‌اند و به توصیه فرهنگستان سعی شده است تعریفی داده شود که معادل مصوب را برای عموم روشن‌تر سازد، یعنی برای

افرادی که تا مقطع کارشناسی تحصیل کرده‌اند، قابل درک باشد. ممکن است در مواردی تعریفها دقت علمی موردنظر در مقاطع تحصیلی بالاتر از کارشناسی را نداشته باشد، اما از آنجا که نگارش فرهنگ تخصصی هدف اصلی نبوده، به مفهوم عمومی اکتفا شده است. در برخی از تعریفها در مقابل واژه‌های فارسی صورت لاتینی آن داخل دو کمان آمده است؛ این بدان معناست که این واژه هنوز به تصویب نهایی فرهنگستان نرسیده و صرفاً پیشنهاد گروه تخصصی است. واژه‌هایی نیز در تعریفها وجود دارد که در زمره اصطلاحات معمول در آن رشته خاص است و به دلیل مأنوس بودن آنها از ذکر واژه لاتینی پرهیز شده است. در مواردی که یک واژه فارسی معادل یک واژه لاتینی قرار گرفته، ولی در حوزه‌های مختلف تعریفهای متفاوت داشته است، واژه فارسی و لاتینی در یک مدخل و تعریفها به ترتیب در زیر آن با ذکر حوزه در ابتدای تعریف آمده است.

در پایان، قدردانی خود را از تمامی کسانی که با پیشنهادهای خود ما را یاری داده‌اند، ابراز و اعلام می‌دارد که فرهنگستان همواره آماده دریافت نظرها و پیشنهادهای ایشان است. گردآوری و تدوین این دفتر با یاری و همکاری استادان گروه‌های تخصصی و همکاران گروه واژه‌گزینی انجام شد که از همه آنها که نامشان در فهرست همکاران علمی آمده است، سپاسگزاری می‌شود. تنی چند از همکاران گروه زحمت مضاعفی را متحمل شده‌اند که بدین وسیله از ایشان تشکر می‌کنیم: از آقای محمدرضا پارسایار که تجربه‌ای طولانی و ارزشمند در فرهنگ‌نگاری دوزبانه دارند و مدخلها و تعاریف را با منابع اصلی تطبیق داده و ویرایش کرده‌اند؛ از آقای حمید حسنی که در فرهنگ‌نگاری فارسی صاحب تجربه‌اند و با دقت نظر فراوان ویرایش فنی این دفتر را بر عهده گرفتند؛ و خانمها اکرم زرمحمدی و زهرا ساقی که با دلسوزی و دقت کار حروفچینی و صفحه‌آرایی را عهده‌دار شدند.

گروه واژه‌گزینی

اردیبهشت ۸۶

همکاران علمی

اعضای پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی (شورای فرهنگستان):

استاد عبدالمحمد آیتی، دکتر قیصر امین پور، دکتر حسن انوری، دکتر نصرالله پورجوادی، دکتر یدالله ثمره، دکتر حسن حبیبی (رئیس فرهنگستان)، دکتر غلامعلی حداد عادل، استاد بهاءالدین خرمشاهی، دکتر محمد خوانساری، دکتر علی رواقی، دکتر بهمن سرکاراتی، استاد اسماعیل سعادت، استاد احمد سمیعی (گیلانی)، دکتر علی اشرف صادقی، استاد کامران فانی، دکتر حمید فرزام، دکتر بدرالزمان قریب، دکتر فتح الله مجتبابی، دکتر مهدی محقق، استاد هوشنگ مرادی کرمانی، دکتر حسین معصومی همدانی، دکتر محمدعلی موحد، استاد ابوالحسن نجفی، دکتر سلیم نیساری؛ اعضای افغان: فضل الله قدسی، دکتر غلام سرور همایون، دکتر محمدحسین یمین؛ اعضای تاجیک: دکتر محمدجان شکوری، دکتر عبدالقادر منیازف

اعضای شورای واژه گزینی:

دکتر حسن ابراهیم زاده، خانم نسرين پرویزی، دکتر یدالله ثمره، دکتر حسن حبیبی، دکتر محمد خوانساری، دکتر محمد دبیرمقدم، دکتر علی رواقی، دکتر زهره زرشناس، استاد احمد سمیعی (گیلانی)، دکتر علی اشرف صادقی، دکتر قطب الدین صادقی، دکتر علاءالدین طباطبایی، استاد کامران فانی، دکتر لطیف کاشیگر، آقای سیامک کاظمی، مهندس علی کافی، دکتر مهدی محقق، استاد هوشنگ مرادی کرمانی، دکتر حسین معصومی همدانی، دکتر رضا منصوری، استاد ابوالحسن نجفی، دکتر شهین نعمت زاده، دکتر سلیم نیساری، دکتر اسماعیل یزدی
هیئت فنی: نسرين پرویزی (معاون گروه)، دکتر سید مهدی سمائی، دکتر علاءالدین طباطبایی، دکتر شهین نعمت زاده (مشاوران گروه)

نماینده هیئت فنی برای نظارت بر تدوین فرهنگ: دکتر علاءالدین طباطبایی

ویراستار: محمدرضا پارسایار

پژوهشگران گروه واژه‌گزینی: فاطمه اکبری، مریم توسلی، مهنوش تهرانی، مرضیه چوپانزاده، سید مهدی حریری*، سعید حسامی تکللو، حمید حسنی، رؤیا خدادادی، محمدرضا رضوی، ابوالفضل زرنیخی، فرزانه سخایی، فرشید سمائی، محمود ظریف، رضا عطاریان، مهرآذر فارسی، بشارت فتحی، آویشن محضری، علی مهرامی، شکوه‌السادات میرفارسی

اعضای گروه‌های تخصصی:

پزشکی: دکتر مسلم بهادری، دکتر عباس ثامن، دکتر هاراطون داویدیان، دکتر حسن رفیعی، دکتر حسن فرسام، دکتر مسعود کنزی، دکتر مصطفی مفیدی، دکتر ابوالحسن ندیم، دکتر اسماعیل یزدی

تغذیه و صنایع غذایی: دکتر زهرا امام‌جمعه، مهندس آزاده امین‌پور، دکتر سید ابوالقاسم جزایری، دکتر پروین زندی، دکتر محمدعلی سحری، دکتر محمد شاهدی، دکتر فروغ اعظم طالبان، دکتر سید مسعود کیمیاگر، دکتر حسن لامع
حمل و نقل درون‌شهری - جاده‌ای: مهندس اسماعیل حاج‌نصراللهی، مهندس حسین‌رضا شهیدزاده‌اسدی، دکتر مهدی عظیمی تبریزی، مهندس محمدرضا معدلت، مرحوم دکتر هاشم مهرآذین

حمل و نقل ریلی: مهندس محمدحسن اسماعیلی، مهندس محمود خبازنیا، دکتر جبارعلی ذاکری، دکتر محمدعلی رضوانی، دکتر حسین قهرمانی
حمل و نقل هوایی: مهندس اکبر اسدالله‌خان‌والی، مهندس علی‌اکبر اکبرزاده، کاپیتان سید محمود تدین، علی محمد خان‌محمدی، ذبیح‌الله کریمی و مهندس حسن هوشنگی

رایانه و فناوری اطلاعات: دکتر مصطفی عاصی، دکتر غلامعلی منتظر، مهندس احمد منصوری، دکتر ابراهیم نقیب‌زاده مشایخ و علی مصلحی مصلح‌آبادی
(دبیر گروه)

روان‌شناسی: دکتر هاراطون داویدیان، دکتر حسن رفیعی، دکتر علی محمد کاردان، دکتر نیک‌چهر محسنی و سعید نوروزی (دبیر گروه)

ریاضی: دکتر علیرضا جمالی، دکتر مهدی رجبعلی پور، دکتر طاهر قاسمی، سیامک کاظمی، دکتر محمدرضا مشکانی و فاطمه بهمنی (دبیر گروه)

زبان شناسی: دکتر محمود بی جن خان، دکتر محمد دبیرمقدم، دکتر مصطفی عاصی، دکتر رضا نیلی پور، دکتر لطف الله یارمحمدی

زمین شناسی: دکتر مجید قادری، مهندس سروش مدبری، دکتر فرید مُر، دکتر عبدالمجید یعقوب پور

زیست شناسی: دکتر حسن ابراهیم زاده، دکتر جمشید درویش، دکتر پروین رستمی، دکتر شاهین زارع، دکتر شایسته سپهر، دکتر مرتضی عطری، دکتر علی فرازمند، دکتر وحید نیکنام، سعید حسامی تَکَلّو (دبیر گروه)

ژئوفیزیک: مهندس تاج الدین بنی هاشم، دکتر حسین زمردیان، دکتر حمیدرضا سیاه کوهی و دکتر نوربخش میرزایی

سینما و تلویزیون: مسعود اوحدی، دکتر مهدی رحیمیان، دکتر محمد شهباء، دکتر محمدباقر قهرمانی

شیمی: دکتر غلامعباس پارسا فر، دکتر علی پورجوادی، دکتر اعظم رحیمی، دکتر محمدنبی سربلوکی، دکتر منصور عابدینی، دکتر علی عباسیان

علوم جوّ: مهندس حسین اردکانی، مهندس تاج الدین بنی هاشم، مهندس عباس جعفری، مهندس پرویز رضازاده، دکتر حسن عسکری شیرازی، مهندس احمد عسگری، دکتر هوشنگ قائمی، دکتر لطیف کاشیگر

علوم سیاسی: دکتر علیرضا ازغندی، دکتر محمود سریع القلم، دکتر محمدفرهاد عطائی، غلامرضا علی بابائی، دکتر بهرام مستقیمی، دکتر عبدالرضا (هوشنگ) مهدوی

علوم کتابداری: دکتر ناهید بنی اقبال، دکتر عباس حری، پوران دخت سلطانی شیرازی، کامران فانی، دکتر نورالله مرادی، دکتر نرگس نشاط

علوم نظامی: ناخدایکم مهرداد آل احمد، سرهنگ شهید اکبر استیری، سرهنگ مسعود اسفندیاری، سرگرد غلامحسین بیابانی، سرهنگ کوروش پاک فر، محسن پورجمع مقدم، عسکر پورغفاری بشری، خلبان سید محمود تدین، سیدکریم رستگار، سرتیپ دوم حمید سلطانی، ناخدایکم عباس علایی، سرتیپ دوم پاسدار داوود غیاثی راد، سهراب فاضل، سرهنگ خداداد کفایی، سرهنگ اسدالله کیا، سرتیپ دوم بیژن مرادی، سرهنگ ابراهیم مسلمی، سرهنگ حسین هاتفی اردکانی، سرهنگ احمدرضا هدایتی

فیزیک: دکتر فیروز آرش، دکتر محمد ابراهیم ابوکاظمی، محمدرضا بهاری، دکتر حبیب تجلی، دکتر جلال‌الدین پاشایی راد، دکتر حسن عزیزی، ناصر مقبلی، دکتر عزالدین مهاجرانی

کشاورزی-شاخه باغبانی: دکتر رضا امیدییگی، دکتر عنایت‌الله تفضلی، دکتر مرتضی خوشخوی، مهندس محمدرضا داهی، دکتر وازگین گریگوریان، دکتر ولی‌الله مظفریان

کشاورزی-شاخه زراعت و اصلاح نباتات: مهندس محمدرضا داهی، دکتر عبدالمجید رضایی، دکتر علیرضا کوچکی، دکتر داریوش مظاهری، دکتر پرویز وجدانی، دکتر مصطفی ولیزاده، دکتر بهمن یزدی صمدی

گردشگری و جهانگردی: فریدون تبریزی، اسدالله‌ثیان رئیس روحانی، محمدمهدی ضیاءالدین و جلال نصیریان

مخابرات: مهندس عباس پورخصالیان، دکتر مصطفی ذاکری، دکتر سعدان زکابی، مهندس عباس زندباف، مهندس محمد شریعتمداری، مهندس میترا شمالی مقدم، مهندس علی کافی، دکتر محمد اسماعیل کلاتری، مهندس محمدرضا متوسلی، مهندس علی اکبر محسن‌زاده، دکتر محمد (شهرام) معین، مهندس فرخ مهرداد و لادن مظفرزاده (دبیر گروه)

مخابرات - شاخه پست: مهندس اصغر آقاسرشار، مهندس منصور جعفر طیاری، مهندس مسعود حاجی‌تهرانی، مهندس عباس ریاحی وفا، مهندس کریم زارعی فرد، مهندس علی کافی، مهندس محمدرضا متوسلی، لادن مظفرزاده (دبیر گروه)

موسیقی: دکتر هومان اسعدی، امیر بکان، علی اصغر بیانی، مصطفی کمال پورتراب، مهندس حمیدرضا رضایی، دکتر ساسان فاطمی

مهندسی پلیمر - شاخه علوم و فناوری رنگ: دکتر علی جان‌نثاری، دکتر سعید رستگار، دکتر زهرا رنجبر، دکتر نادر طاهری، دکتر علی عباسیان، مهندس تیمان کامران

مهندسی محیط زیست و انرژی: دکتر رضا خیراندیش، دکتر جلال‌الدین شایگان سالک، دکتر منصور غیاث‌الدین، مهندس بهرام معلمی، دکتر سیمین ناصری، مهندس اکرم پایدار (دبیر گروه)

مهندسی منابع طبیعی - شاخه علوم جنگل و محیط زیست: دکتر محمدحسین جزیره‌ای، دکتر محمود زبیری، دکتر جهانگیر فقهی، دکتر مجید مخدوم، دکتر محمدرضا مروی مهاجر، مهندس بهرام معلمی

مهندسی نقشه برداری: مهندس علی اکبر امیری، دکتر محمود ذوالفقاری، دکتر سعید
صادقیان، مهندس شاهین قوامیان، دکتر عباس مالیان، دکتر محمدرضا ملک
هنرهای تجسمی: دکتر حبیب الله آیت اللهی، دکتر محمد خزائی، دکتر زهرا رهبرنیا،
دکتر اکبر عالمی، دکتر مهرانگیز مظاهری

نشانه‌های اختصاری

پزشکی	[پزشکی]	عمومی	عمومی
تغذیه و صنایع غذایی	[تغذیه و صنا.]	فیزیک	[فیزیک]
حمل و نقل درون شهری - جاده‌ای	[ح. شهری]	کشاورزی - شاخه باغبانی	[کشا. < باغد.]
حمل و نقل ریلی	[ح. ریلی]	کشاورزی - شاخه زراعت و اصلاح نباتات	[کشا. < زراع.]
حمل و نقل هوایی	[ح. هوایی]	گردشگری و جهانگردی	[گردشگری]
رایانه و فناوری اطلاعات	[رایانه و فن.]	مخابرات	[مخابرات]
روان‌شناسی	[روان.]	مخابرات - شاخه پست	[مخابرات < پست]
ریاضی	[ریاضی]	موسیقی	[موسیقی]
زبان‌شناسی	[زبان.]	مهندسی پلیمر، شاخه علوم و فناوری رنگ	[م. پلیمر < رنگ]
زمین‌شناسی	[زمین.]		
زیست‌شناسی	[زیست.]		
ژئوفیزیک	[ژئوفیزیک]		
سینما و تلویزیون	[سینما و تلو.]		
شیمی	[شیمی]		
علوم جو	[ع. جو]		
علوم سیاسی و روابط بین‌الملل	[ع. سیاسی]		
علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی	[ع. کتابداری]		
علوم نظامی	[ع. نظامی]		

فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان
به ترتیب الفبای فارسی

T

amphibious

آب‌خاکی

[ع. نظامی] ویژگی عملیات و ادوات و تجهیزات و نفراتی که توأمان توانایی عمل در دریا و خشکی را دارند

aquiclude, aquitard

آبخوان کم‌تراوا

[زمین.] واحد زمین‌شناختی سیرشده که در شرایط هیدرولیکی عادی آب چندانی از آن نمی‌گذرد

hygroscopic water

آب‌داشت

[ع. جو] ۱. آبی که بر اثر چسبندگی خاک بر سطح ذرات آن باقی می‌ماند ۲. آب موجود در خاک، در دما و رطوبت نسبی معین (معمولاً در دمای 25°C و رطوبت نسبی ۹۸٪)

water smoke

آب‌دود

← بخارمه

saline water

آب شور

[زمین.] آبی که حاوی مقدار قابل توجهی مواد جامد حل شده است

fresh water

آب شیرین

[زمین.] آبی که کمتر از ۱۰۰۰ میلی‌گرم در لیتر، جامدات حل شده داشته باشد

aerogramme, aérogramme (fr.)

[مخابرات] پست] نوعی پاکت - نامه فوری با عنوان چاپی Aerogramme، به شکل ورقه کاغذی که لبه‌های چسب‌دار آن را تا می‌زنند و ابعاد آن در احکام اتحادیه جهانی پست تعریف شده است

potable water

آب آشامیدنی

[زمین.] آبی که برای نوشیدن دارای کیفیت مناسب است

hydrochory

آب‌برافشانی

[کشا.] باغ.] پراکنده شدن میوه با آب

receiving water

آب پذیرنده

[م. محیط.] رودخانه یا دریاچه یا اقیانوس یا هرگونه آبراهه که فاضلاب یا پساب تصفیه شده در آن تخلیه می‌شود

ballast water

آب توازن

[م. محیط.] آبی که در مخازن کشتی‌ها پس از تخلیه بار آنها برای حفظ تعادل بارگیری می‌شود و معمولاً پسایی روغنی است که نیاز به تصفیه دارد

آب‌گرده‌افشانی	hydrophily	الکترونیکی دشمن
[کشا. باغ.] گرده‌افشانی با آب		
آبگیری لجن	sludge dewatering, dewatering	آرایش رزمی راداری radar order of battle
[م. محیط.] فرایند جدا کردن بخشی از آب موجود در لجن		[ع. نظامی.] وضعیت استقرار سامانه‌های راداری دشمن
آب‌نمک	brine	آرایه‌کار swing gang member
[تغذیه و صنایع.] محلول آب و نمک طعام که در نگهداری مواد غذایی به کار می‌رود		[سینما و تلر.] عضو گروه آرایه‌کاری
آبی‌کور	tritanope	آرد استخوان bone meal
[بزشکی.] فرد مبتلا به آبی‌کوری		[تغذیه و صنایع.] پودری که از استخوان حیوان پس از گرفتن چربی آن تهیه می‌شود و به عنوان مکمل غذا در غذای انسان و حیوان استفاده می‌شود
آبی‌کوری	tritanopia	آرمان ideal
[بزشکی.] اختلال نادری در تشخیص رنگ که در آن شخص مبتلا، به نور آبی حساس نیست و آبی و سبز را با هم اشتباه می‌کند		[هنر. تجر.] ادراک هنری هنرمند که کاملاً از اثر هنری اوست و از اندیشه خود هنرمند سرچشمه گرفته است
آرامه	calm	آرمان‌گرا idealist
[ع. جو.] بادی با سرعت کمتر از ۵/۰ متر بر ثانیه		[هنر. تجر.] ۱. هنرمندی که به شیوه آرمان‌گرایی کار می‌کند ۲. اثر هنری‌ای که به شیوه آرمان‌گرایی خلق شده باشد
آرایش	formation	آرمان‌گرایی idealism
[ع. نظامی.] ترتیب قرار گرفتن تعدادی از یگانهای نظامی به شکلی ویژه برای انجام یا آمادگی انجام مأموریتی خاص		[هنر. تجر.] گرایش هنری‌ای که صرفاً بر اندیشه‌ها و انگاره‌های هنرمند استوار است
آرایش رزمی الکترونیکی	electronic order of battle	آرمانی‌سازی idealization
[ع. نظامی.] وضعیت استقرار سامانه‌های		[هنر. تجر.] روشی برای برافزایی بازنمایی از شکلی ویژه به شکلی کلی به‌منظور دست یافتن به مفهومی والا از مفهومی نسبی

آشفستگی خودآگاهی consciousness disturbance [روان.] نوعی اختلال در آگاهی شامل گیجی و سردرگمی و حالتهای رؤیاگونه و توهم	آزمون اریب biased test [ریاضی] آزمونی که توان آن (احتمال رد کردن فرض صفر وقتی فرض مقابل درست است) کمتر از سطح آن (احتمال رد کردن فرض صفر وقتی فرض صفر درست است) باشد
آشیانه ۱ engine shed, locomotive shed, locomotive hangar [ح. ریلی] محلی برای نظافت و تعمیرات جاری و نگهداری لوکوموتیو در وضعیتی آماده برای بهره‌برداری	آزمون توانایی ability test [روان.] آزمونی برای سنجش مهارتهای کنونی فرد از لحاظ جسمی و ذهنی
آشیانه ۲ hangar [ع. نظامی] محل سرپوشیده استقرار و تعمیر بالگرد یا هواپیما یا تانک	آزمون موفقیت achievement test [روان.] آزمونی استاندارد برای سنجش سطح فعلی مهارتهای آزمودنی یا دانش او در یک موضوع خاص
آغازین primitive [هنر. تج.] ویژگی هنرمندی که پیش از دوران به کمال رسیدن هنر زندگی می‌کرده است	آسترپوشه priming coat [م. پلیمر] رنگ [اولین پوشه از سامانه‌ای که روی سطح قرار می‌گیرد
آفرینندگی، خلاقیت creativity [روان.] توانایی ایجاد اندیشه نو و بی‌سابقه‌ای که سودمند یا جذاب یا معنادار باشد	آسیب‌شناس جنگل forest pathologist [م. منابع] جنگل [متخصص آسیب‌شناسی جنگل
آگاهی awareness [روان.] آگاه بودن از وقایع یا تجارب درونی یا بیرونی	آسیب‌شناسی جنگل forest pathology [م. منابع] شاخه‌ای از علوم جنگل که به بررسی بیماریها و ناهنجاریهای درختان جنگل اختصاص دارد
آگهی‌افزار adware, advertising-supported software [رایانه و فن.] بسته نرم‌افزاری‌ای که پس از نصب یا هنگام اجرای برنامه، آگهی تبلیغاتی نمایش می‌دهد	آشغال‌گیر درشت ← درشت‌گیر آشغال‌گیر ریز ← ریزگیر

آلودگی هوای داخل indoor air pollution

[م. محیط.] آلودگیهای فیزیکی و شیمیایی و زیست‌شناختی در محیطهای بسته

آماده‌به‌کار stand-by

[رایانه و فن.] وضعیتی که در آن دستگاه آماده استفاده باشد، ولی از آن استفاده نشود

آماره statistic

[ریاضی] هر تابع از مشاهدات که فارغ از پارامتر مجهول باشد

آماره آزمون test statistic

[ریاضی] تابعی از مشاهدات نمونه‌ای که مبنایی را برای آزمون کردن یک فرض آماری فراهم می‌کند

آماره اریب biased statistic

[ریاضی] آماره‌ای که برای برآورد پارامتری به کار برود و امید ریاضی آن برابر با پارامتر موردنظر نباشد

آماره ترتیبی order statistic

[ریاضی] وقتی در یک نمونه تصادفی از متغیری تصادفی مقدارهای متغیر به ترتیب افزایشی مرتب شوند، هریک از آنها یک آماره ترتیبی است

آماره کارا efficient statistic

[ریاضی] در بافتار برآورد یک پارامتر، آماره‌ای که واریانس آن کوچکتر از واریانس هر آماره دیگری باشد که برای برآورد آن پارامتر به کار می‌رود

آماره کمکی ancillary statistic

[ریاضی] آماره‌ای که توزیع نمونه‌گیری آن به

پارامتر جامعه وابسته نیست

آماره گزینش selection statistic

[ریاضی] در بافتار کنترل کیفیت کالاها، آماره‌ای که برای پذیرفتن کالایی طبق استاندارد به کار می‌رود

آموزش همدلی empathy training

[روان.] روشی که عموماً برای افزایش ارتباطات همدلانه به کار می‌رود

آموزشی پایه ← هواپیمای آموزشی پایه**آموزشی پیشرفته ← هواپیمای آموزشی پیشرفته****آموزشی مقدماتی ← هواپیمای آموزشی مقدماتی****آمیزه mélange**

[زمین.] توده‌ای از سنگ با اندازه‌ای قابل نقشه‌برداری که در آن مرز بین واحدهای سنگی پیوستگی ندارد و قطعاتی از سنگهای بومی یا بیگانه با اندازه‌های گوناگون در آن یافت می‌شود

آمیزه رنگین colored mélange

[زمین.] گونه‌ای آمیزه زمین‌ساختی که واحدهای سازنده آن رنگهای متفاوتی دارند

آمیزه زمین‌ساختی tectonic mélange

[زمین.] گونه‌ای آمیزه که بر اثر فرایندهای زمین‌ساختی ایجاد شده است

آنزیم‌بر، زی‌مایه‌بر blancher

[تغذیه و صنایع.] دستگاهی که در آن عمل آنزیم‌بری /

bar magnet**آهن‌ربای میله‌ای**

[ژئوفیزیک] میله‌ای از فولاد سخت به شدت مغناطیده که خاصیت مغناطیسی خود را حفظ می‌کند

mirror 1**آینه**

[ارایانه و فن.] وبگاهی که نسخه‌بدل یک وبگاه دیگر است و برای کاهش شلوغی شبکه یا سهولت دسترسی به وبگاه اصلی به کار می‌رود

mirrored**آینه‌شده**

[ارایانه و فن.] ویژگی هر وبگاهی که آن را آینه کرده باشند

mirror 2**آینه کردن ۱**

[ارایانه و فن.] ایجاد وبگاهی به عنوان نسخه‌بدل یک وبگاه دیگر

mirroring**آینه کردن ۲**

[ارایانه و فن.] ایجاد وبگاهی به عنوان نسخه‌بدل یک وبگاه دیگر برای کاهش شلوغی شبکه یا سهولت دسترسی به وبگاه اصلی

field manual**آیین‌نامه رزمی**

[ع. نظامی] آیین‌نامه‌ای حاوی اطلاعاتی درباره آموزش و هدایت و طرح‌ریزی و اجرای عملیات نظامی و همچنین ارائه مطالبی درباره آموزه و تاکتیک و روشها و فنون نظامی

technical manual**آیین‌نامه فنی**

[ع. نظامی] متنی حاوی جزئیات طرز کار یک وسیله، نظیر مشخصات فنی و دستورالعمل بهره‌برداری و تعمیر و نگهداری آن

زی‌مایه‌بری صورت می‌گیرد

blanching**آنزیم‌بری، زی‌مایه‌بری**

[تغذیه و صنایع] فرایندی که در آن آب داغ یا بخار آب برای غیرفعال کردن آنزیمهای زی‌مایه‌های مواد غذایی خام استفاده می‌شود

آنزیم‌بری با آب داغ، زی‌مایه‌بری با آب داغ**hot-water blanching**

[تغذیه و صنایع] فرایندی که در آن آب داغ برای غیرفعال کردن آنزیمها/ زی‌مایه‌های مواد غذایی خام استفاده می‌شود

آنزیم‌بری با بخار آب، زی‌مایه‌بری با بخار آب**steam blanching**

[تغذیه و صنایع] فرایندی که در آن از بخار آب برای غیرفعال شدن آنزیمها/ زی‌مایه‌های مواد غذایی خام استفاده می‌شود

آواشناسی زبرزنجیری**suprasegmental phonetics**

[زبان.] شاخه‌ای از آواشناسی که در آن ویژگیهای زبرزنجیری گفتار مطالعه می‌شود

forensic phonetics**آواشناسی قانونی**

[زبان.] شاخه‌ای از آواشناسی که در آن از روشهای آواشناختی برای بررسی و تشخیص جرم استفاده می‌کنند

April, avril (fr.)**آوریل**

[عمومی] چهارمین ماه سال میلادی، بعد از مارس و قبل از مه

توده الکترونهاي اَبَررسانشي به‌طور غيرعادي زياد است

supercooling اَبَرسرمایش

[فيزيك] سرد كردن ماده خالص تا دمائي پايين تر از دماي تغيير حالت آن ماده در شرايط عادي، بي آنكه تغيير حالي در آن رخ دهد

superfluidity اَبَرشارگي

[فيزيك] خاصيت هليوم مايع كه بخشي از آن در دمائي پايين تر از نقطه لاندا (λ) گرانيروي از خود نشان نمي‌دهد

superfluid اَبَرشاره

[فيزيك] شاره‌اي كوانتومي كه حتي در باريكترين لوله‌ها گرانيروي ندارد

supercontinent اَبَرقاره

[زمين‌]. توده قاره‌اي بزرگي، مانند پانجه‌آ (Pangea)، كه از چند قاره كوچكتر تشكيل و سپس قطعه‌قطعه شده است

supercontinental اَبَرقاره‌اي

[زمين‌]. مربوط به اَبَرقاره

coalition ائتلاف

[ع. سياسي] همكاري كنشگران سياسي رقيب در مقابل حريف مشترك

supersymmetry اَبَر تقارن

[فيزيك] تعميم تقارنهاي فضا-زمانی در نظريه ميدانهاي كوانتومي كه به‌موجب آن بوزونها و فرميونها به همدیگر تبديل می‌شوند

oxid superconductor اَبَررساناي اكسیدی

← اَبَررساناي دما بالا

اَبَررساناي دما بالا

high temperature superconductor

[فيزيك] ماده‌اي كه در دماي نيتروژن مايع (77°K) يا بالاتر اَبَررسانا می‌شود

اَبَررساناي سراميكي

ceramic superconductor

← اَبَررساناي دما بالا

اَبَررساناي فرميون سنگين

heavy-fermion superconductor

[فيزيك] اَبَررسانايي كه در آن جرم

[کشا. باغ.] اتاقی با شرایط گرم و مرطوب که گیاهان پیوندخوردۀ را در آن قرار می‌دهند تا محل پیوند، پینه‌زایی کند و جوش بخورد

اتاقک پسین
posterior chamber,
camera posterior bulbi, camera oculi
posterior

[پزشکی] آن بخش از فضای حاوی مایع زلالیه که بین قرنیه و عدسی قرار دارد و از جلو به عنبریه و از عقب به عدسی محدود است

اتاقک پیشین
anterior chamber,
camera anterior bulbi, camera oculi
anterior

[پزشکی] بخشی از فضای حاوی زلالیه چشم که در جلو عنبریه قرار دارد

اتاقک جرقه
spark chamber

[فیزیک] اتاقک سربسته‌ای که با تولید مجموعه‌ای از جرقه‌ها مسیر عبور ذرات پرانرژی را نشان می‌دهد

اتاقک خلبان
cockpit

[ح. هوابی] محلی در هواپیما که خلبان و دستیارانش در آن مستقر می‌شوند

اتحاد
alliance

[ع. سیاسی] ۱. گروهی از کشورها یا احزاب سیاسی یا سازمان‌ها که به دلیل داشتن اهداف مشابه با یکدیگر متحد می‌شوند ۲. هم‌پیمان شدن گروهی از کشورها یا احزاب سیاسی یا سازمانها که اهداف مشابهی دارند

ابر کومه‌ای باد بسامان، کومه‌ای باد بسامان

trade-wind cumulus, trade cumulus

[ع. جو] ابر کومه‌ای بسیار گسترده در کمربندهای باد بسامان برفراز اقیانوسها

آبرگرمایش
superheating

[فیزیک] گرم کردن ماده خالص تا دمایی بالاتر از دمای تغییر حالت آن ماده در شرایط عادی، بی‌آنکه تغییر حالتی در آن رخ دهد

آبرگونه
superspecies

[زیست] گروهی از گونه‌هایی با نیای مشترک و زادگاههای متفاوت که تفاوت ریختی آنها بیش از آن است که بتوان آنها را در یک گونه جای داد

آبرگونه‌ای
superspecific

[زیست] مربوط به آبرگونه

ابزارپوش
instrument shelter,
thermometer screen, thermometer shelter,
thermoscreen

[ع. جو] سازه‌ای جعبه مانند مشبک که با تهویه مناسب برای حفاظت از ابزارهای هواشناسی در مقابل تابش مستقیم خورشید و بارش و میعان به کار می‌رود

اپتیک پیرامحوری
paraxial optics

[فیزیک] نورشناسی مربوط به پرتوهای پیرامحوری

اتاق پینه‌زایی
callusing room

سیگنال/نشانه را از کاربری به کاربر دیگر انتقال می‌دهد

اتصال‌دهندگی connectivity

[مخابرات] قابلیت ایجاد و حفظ اتصال بین دو یا چند نقطه در سامانهٔ مخابراتی

اتصال‌دهنده connector

[مخابرات] افزاره‌ای که نقش میانای فیزیکی را برای کابل‌هایی مثل کابل نوری و هم‌محور ایفا می‌کند

اتصال‌دهندهٔ ماده female connector

[مخابرات] اتصال‌دهنده‌ای که اتصال‌های آن درون حفره‌ای تعبیه شده است و اتصال‌دهندهٔ نر درون این حفره فرو می‌رود و اتصال‌هایشان به هم وصل می‌شود؛ هدف از این سازوکار، ایجاد اتصال الکتریکی محکم و مطلوب بین اتصال‌دهندهٔ نر و ماده است

اتصال‌دهندهٔ نر male connector

[مخابرات] اتصال‌دهنده‌ای متناظر با اتصال‌دهندهٔ ماده که زائدهٔ برجستهٔ آن درون حفرهٔ اتصال‌دهندهٔ ماده قرار می‌گیرد تا اتصال الکتریکی مطلوبی ایجاد شود

اتفاق آرا unanimity

[ع. سیاسی] وحدت نظر مبتنی بر رأی‌گیری بر سر موضوعی خاص

اتم هادرونی hadronic atom

[فیزیک] سامانه‌ای هیدروژن‌گونه که در آن ذره‌ای

اتحاد تدافعی defensive alliance

[ع. سیاسی] نوعی اتحاد برای دفع حملهٔ دیگران به هریک از اعضای اتحاد

اتحاد مثلث Triple Alliance

[ع. سیاسی] اتحاد میان آلمان و اتریش - مجارستان و ایتالیا (در سال ۱۸۸۲)

اتحاد مقدس Holy Alliance

[ع. سیاسی] اتحادی ارتجاعی میان پادشاهان روسیه و اتریش و پروس در سال ۱۸۱۵ برای سرکوب جنبش‌های آزادیخواهانه

اتحادیهٔ اروپا European Union

[ع. سیاسی] نهادی متشکل از تعدادی از کشورهای اروپایی با هدف یکپارچگی اقتصادی و توسعهٔ اجتماعی و در نهایت یکپارچگی سیاسی میان آنها

اتر تاجی crown ether

[شیمی] واحد مولکولی متشکل از حلقه‌ای با سه موضع اتصال یا بیشتر که می‌توانند به یک عنصر میهمان در مرکز (یا نزدیک به مرکز) متصل شوند

اتصال ۱ attachment 1

[شیمی] تبدیل یک واحد مولکولی (جزء مورد عمل) فقط با تشکیل یک پیوند دوترمرزی به واحد مولکولی دیگر، بی‌آنکه در پیوندهای جزء مورد عمل تغییری روی دهد

اتصال ۲ connection

[مخابرات] مسیری در شبکهٔ مخابرات که

انباشت هوا (ایجاد بالشتک هوا) در زیر هواگرد

اجبار compulsion

[روان.] حالتی ذهنی که در آن فرد احساس می‌کند عملی تکراری را باید انجام دهد و قادر به مقاومت در برابر آن نیست

اجباری compulsive, compulsory

[روان.] مربوط به اجبار

اجتناب avoidance

[روان.] سازوکاری دفاعی که در آن، فرد از آنچه یادآور موارد ناگوار باشد، دوری می‌کند

اجتناب‌آموزی avoidance learning

[روان.] فرایندی آموزشی که در آن، موجود زنده با استفاده از پاسخ مناسب و قابل پیش‌بینی از محرک آزاردهنده اجتناب می‌کند

اجزا ← اجزای غذا

اجزای غذا، اجزا food ingredients, ingredients

[تغذیه و صنایع.] اجزایی که ترکیب محصول غذایی را تشکیل می‌دهند

اجماع consensus

[ع. سیاسی] توافق همگانی بدون اخذ رأی بر سر موضوعی که مستلزم تصمیم مشترک است

اجماع ملی national consensus

[ع. سیاسی] اجماعی که در سطح کشور شکل می‌گیرد

هادرونی با بار منفی در میدان کولنی هسته‌ای معمولی به دام افتاده باشد و به دور آن بچرخد

اتوبوس برقی trolley bus

[ح. شهری] اتوبوسی که نیروی محرکه آن از طریق شاخکهای متصل به دو کابل برق مثبت و منفی بالاسری در طول مسیر اتوبوس تأمین می‌شود

اثر برش مجاز allowable cut effect, ACE

[م. منابع] جنگل [میزان اثرگذاری برداشت مجاز کنونی بر محصول آینده

اثر تعامل interaction effect

[روان.] در تحلیل پراکنش (variance)، اثر مشترک دو یا چند متغیر مستقل بر متغیر وابسته

اثر چاه borehole effect

[ژئوفیزیک] آشفتگی ایجادشده در چاه‌نگاره به سبب اندازه و تأثیر چاه و زون تاخته

اثر چنگاله‌ای chelate effect

[شیمی] اثر افزایش پایداری همتافت چنگاله‌ای در مقایسه با همتافت تک‌دانه مشابه

اثر حباب bubble effect

[ژئوفیزیک] تکرار اولین رسیده‌ها و دیگر رویدادهای حاصل از چشمه لرزه‌ای بر اثر تپهای حباب

اثر زمین ground effect

[ح. هوایی] افزایش موقتی نیروی برار به هنگام پرواز در فاصله بسیار کم از سطح زمین، به علت

complete mix**اختلاط کامل**

[م. محیط.] نوعی فرایند لجن فعال که در آن فاضلاب به سرعت و به طور یکنواخت در سرتاسر حوض هوادهی توزیع می شود، به طوری که غلظت مواد در همه جای حوض یکسان است

posterior probability, a posteriori probability **احتمال پسینی**

[ریاضی] احتمال یک پیشامد که پس از مشاهده داده های مربوط به متغیری تصادفی محاسبه می شود و در تقابل با احتمال پیشینی همان پیشامد قبل از مشاهده داده هاست

jamming**اختلال**

[ع. نظامی] ایجاد سیگنالهای غیرمطلوب در دستگاه گیرنده یا مختل شدن ارتباط به وسیله امواج مزاحم که منجر به کم شدن اثر دستگاههای مخابراتی و ردیابی امواج شود

prior probability, a priori probability **احتمال پیشینی**

[ریاضی] احتمال در نظر گرفته شده برای پیشامدی بر پایه باورها و اطلاعات پیشین بدون استفاده از داده های تجربی

memory disorder**اختلال حافظه**

[روان.] اصطلاحی عمومی برای اختلالات عضوی و روان زاد (psychogenic) حافظه شامل یادزدودگی و نقایص مربوط به حافظه کوتاه مدت و بلندمدت

coalition parties **احزاب ائتلافی**

[ع. سیاسی] احزابی که در ائتلاف سیاسی شرکت دارند

attachment disorder**اختلال دلبستگی**

[روان.] عدم رشد جسمی و عاطفی کودک به دلیل غفلت هیجانی یا انزوای اجتماعی

feeling **احساس**

[روان.] حالتی که در هر زمان و مکان ممکن است عارض شود و ذهن را موقتاً اشغال کند، بی آنکه لزوماً تظاهری داشته باشد؛ احساس ممکن است در تصمیم گیری دخالت داشته باشد و منشأ عمل یا حرکتی شود

behavior disorder**اختلال رفتاری**

[روان.] گروهی از اختلالات روان شناختی در کودکان و نوجوانان که ناشی از بیماری جسمی نیست و واکنشی در مقابل محیط نامساعد تلقی می شود

inferiority feeling **احساس کهنری**

[روان.] احساس کم ارزشی نسبت به دیگران، که گرچه ناخوشایند است، اما منجر به رشد و پیشرفت فرد می شود

affective disorder**اختلال عاطفی**

[روان.] دسته ای از اختلالات که مشخصه آنها

superiority feeling **احساس مهتری**

[روان.] نگرش اغراق آمیز فرد نسبت به تواناییهای ذهنی و جسمی خود در مقایسه با تواناییهای دیگران، که عموماً دفاعی در برابر احساس کهنری است

downward continuation ادامه فروسو

[ژئوفیزیک] محاسبه میدان پتانسیل در ترازى پایین‌تر از ترازى که میدان در آن اندازه‌گیری شده است

ادراک ← ادراک حسی

perception ادراک حسی، ادراک

[روان.] تأثیر ذهنی حاصل از برخورد محرکهای خارجی با یکی از حواس

extrasensory perception, paranormal cognition ادراک فراحسی

[روان.] نوعی واکنش به محرکهای خارجی بدون دخالت حواس شناخته‌شده

perceptual, perceptive ادراکی

[روان.] مربوط به ادراک

radiocommunications ارتباطات رادیویی

[مخابرات] انتقال اطلاعات از طریق امواج الکترومغناطیسی

steady-state vibration ارتعاش حالت پایا

[فیزیک] ارتعاشی که در آن سرعت هر ذره سامانه به‌طور پیوسته و دوره‌ای، اما با دامنه ثابت، تغییر می‌کند

decision height ارتفاع تصمیم

[ج. هوایی] ارتفاعی مشخص از سطح زمین که خلبان با رسیدن به آن، بر اساس شرایط،

آشفته‌گی اولیه در خُلق، نظیر افسردگی یا سرخوشی فراوان است

jammer اختلال‌گر

[ع. نظامی] وسیله‌ای که برای ایجاد سیگنالهای غیرمطلوب در دستگاه گیرنده یا مختل کردن ارتباط به کار می‌رود

spot jammer اختلال‌گر نقطه‌ای

[ع. نظامی] وسیله‌ای برای ایجاد اختلال که تمام توان آن در یک عرض باند باریک متمرکز می‌شود؛ این اختلال‌گر می‌تواند اطلاعات مربوط به زاویه و مسافت را در رادارها از بین ببرد و مکالمات و سایر سیگنالهای / نشانکها مدوله‌شده را در گیرنده‌های ارتباطی نامفهوم سازد

spot jamming اختلال نقطه‌ای

[ع. نظامی] ایجاد اختلال در کانال یا بسامدی خاص

identity disorder اختلال هویت

[روان.] آشفته‌گی مزمنی که عموماً در اواخر نوجوانی روی می‌دهد و در آن فرد دچار عدم قطعیت و تنش ناشی از مسائلی چون انتخاب اهداف درازمدت و انتخاب شغل و ارزشهای اخلاقی و رفتار و جهت‌گیری جنسی می‌شود

upward continuation ادامه فراسو

[ژئوفیزیک] محاسبه میدان پتانسیل در ترازى بالاتر از ترازى که میدان در آن اندازه‌گیری شده است

Trojan Horse, Trojan اسب تروا

[رایانه و فن.] بدافزاری که خود را نرم‌افزاری قانونی جلوه می‌دهد

dictatorship استبداد

[ع. سیاسی] حکومت خودسرانه و مهارنشده یک فرد یا گروه

dictatorship of proletariat, dictatorship of proletariat

[ع. سیاسی] حکومت جامعه‌ای که در آن پرولتاریا قدرت سیاسی را در دست دارد و به‌طرف برپایی حکومت سوسیالیسم و کمونیسم پیش می‌رود

military dictatorship استبداد نظامی

[ع. سیاسی] حکومت استبدادی نظامیان که معمولاً بعد از کودتا برقرار می‌شود

dictatorial استبدادی

[ع. سیاسی] مربوط به استبداد

camouflage استتار

[ع. نظامی] استفاده از مواد طبیعی یا الکترونیکی یا مصنوعی برای پوشاندن افراد یا تجهیزات یا مکانهای تاکتیکی با هدف فریب دشمن

stabilization pond, stabilization lagoon, lagoon, oxidation pond استخر تثبیت

[م. محیط.] استخر مصنوعی یا طبیعی برای تصفیه فاضلاب، که در آن بر اثر تابش نور خورشید و کنش باکتریها و اکسیژن، مواد آلی از طریق

تصمیم به ادامهٔ تقرب و نشست یا انصراف از تقرب می‌گیرد

geoid(al) height ارتفاع زمینوار

[ژئوفیزیک] فاصلهٔ عمودی زمینوار از بیضوی مرجع

value ارزش

[هنر. تج.] درجهٔ تیرگی یا روشنی رنگ

breeding value ارزش بهنژادی

[کشاورزی] ارزش فردی که با میانگین ارزش ژن‌نمودی نتایج خود ارزیابی می‌شود

forest valuation ارزش‌گذاری جنگل

[م. منابع] جنگل شاخه‌ای از جنگلداری که به ارزش‌گذاری ملک جنگلی و اجزای آن می‌پردازد

biased اریب

[ریاضی] ویژگی یک برآوردگر که امید ریاضی آن برابر با مقدار پارامتر مورد برآورد نباشد

bias اریبی

[ریاضی] اثری که به‌طور منظم باعث می‌شود یک نتیجهٔ آماری ویژگی معرف بودن را نداشته باشد، در مقابل خطای تصادفی که ممکن است در هر مورد باعث اختلال شود

ozonosphere ازن‌سپهر

[ع. جو] منطقه‌ای از جو، تقریباً در ارتفاع ۱۵ تا ۶۰ کیلومتری سطح زمین با غلظت زیاد ازن

dispositional attribution **اِسناد گرایشی**

[روان]. تبیین هرگونه رفتاری که ناشی از عوامل روان‌شناختی زیربنایی است

situational attribution **اِسناد موقعیتی**

[روان]. نسبت دادن علل بیرونی به رفتار شخصی خود یا دیگران

attributional **اِسنادی ۱**

[روان]. مربوط به اِسناد

predicative **اِسنادی ۲**

[زبان]. مربوط به اِسناد

acidulant, acidulent **اسیدی‌کننده**

[تغذیه و صنایع]. هریک از مواد شیمیایی که باعث اسیدی کردن محصولات غذایی طی مراحل فراوری می‌شود و دارای عملکردهای گوناگونی مانند نگهدارندگی و طعم‌دهندگی و حفاظت در برابر تغییر رنگ است

resource sharing **اشتراک منابع**

[ع. کتابداری]. فعالیتی براساس توافق دو یا چند کتابخانه برای استفاده مشترک از مجموعه‌ها و اطلاعات و امکانات و نیروی انسانی و مانند آن

thesaurus **اصطلاحنامه**

[ع. کتابداری]. مجموعه‌ای نظام‌مند از اصطلاحات تخصصی یک رشته که روابط معنایی میان آنها مشخص باشد

اکسایش زیستی حذف می‌شود

aerated pond **استخر هوادهی‌شده**

← برکهٔ هوادهی‌شده

drawback **استرداد**

[عمومی]. بازگرداندن عوارض گمرکی کالاهای وارداتی، در صورتی که این کالاهای مجدداً صادر شوند

interrogation **استعلام**

[مخابرات]. فرایند ارسال سیگنال/ نشانک برای آگاهی از حالت افزارهٔ مخاطب یا اخذ برخی اطلاعات دیگر

geomagnetic equator **استوای زمین‌مغناطیسی**

[ژئوفیزیک]. دایرهٔ عظیمه‌ای بر روی زمین، به فاصلهٔ ۹۰ درجه از قطبهای مغناطیسی

meteorological equator **استوای هواشناختی**

← ناوهٔ استوایی

arabesque **اسلیمی**

[هنر. تجر.]. نقش تزئینی به شکل گیاه با ساقه‌های مارپیچی که ابتدا و انتهای آن مشخص نیست

attribution **اِسناد ۱**

[روان]. توضیح رفتار دیگران یا خود و تعیین علت آن با استنباط از شرایط و اسباب آن

predication **اِسناد ۲**

[زبان]. رابطه بین نهاد و گزاره

میدان جنگ تأثیر بسزایی در پیروزی داشته باشد

اصطلاحنامه خُرد **microthesaurus**

[ع. کتابداری] اصطلاحنامه‌ای که اصطلاحات یک حوزه خاص را در بر می‌گیرد و از نظر روابط معنایی از عمق بیشتری برخوردار است

اضطراب **anxiety**

[روان.] هیجانی مبهم و ناخوشایند که با بیقراری و پریشانی همراه است

اصطلاحنامه کلان **macrothesaurus**

[ع. کتابداری] اصطلاحنامه‌ای که اصطلاحات بیش از یک حوزه را در بر می‌گیرد و از نظر روابط معنایی از عمق کمتری برخوردار است

اضطرابی **anxious 1**

[روان.] مربوط به اضطراب

اطلاع کمکی **ancillary information**

[ریاضی] اطلاع موجود در آماره کمکی که با بهره‌گیری از آن گاهی می‌توان به کارایی بیشتری دست یافت

اصلاح ← به‌نژادی

اصلاح نباتات ← به‌نژادی گیاهی

اعلام ورود **advice of arrival, avis d'arrivée (fr.)**

[مخابرات] پست] برگه‌ای که در آن به‌گیرنده اطلاع داده می‌شود که مرسوله پستی به واحد پستی رسیده است

اصلاح نژاد ← به‌نژادی

اصل موازنه تفصیلی

principle of detailed balancing

[شیمی] اصلی که بر اساس آن در یک واکنش تعادلی با تعداد اختیاری اجزای سازنده و مسیرهای واکنش، تعداد اتمهایی که (در واحدهای مولکولی مربوط به خود) در هر مسیر مشخص در واکنش رفت و برگشت شرکت دارند، برابر است؛ از این رو مسیر واکنش برگشت نیز باید از هر نظر عکس مسیر رفت باشد

اعلام وصول **advice of receipt, avis de réception (fr.)**

[مخابرات] پست] خدماتی که در آن فرستنده می‌تواند، با پرداخت هزینه اضافی، تأییدیه تحویل مرسوله به‌گیرنده را دریافت کند

اعوجاج پهنای پالس ← اعوجاج پهنای تپ

اصل موضوع همنهشتی **congruence axiom**

[ریاضی] اصل موضوع مربوط به انطباق اشیای هندسی

اعوجاج پهنای تپ، اعوجاج پهنای پالس

pulse duration distortion

[مخابرات] تفاوت پهنای تپ/پالس در دو نقطه مختلف خط انتقال بر اثر تغییر شکل تپ/پالس

اصول جنگ **principles of war**

[ع. نظامی] اصولی که کاربرد به‌موقع و مؤثر آنها در

authoritative

اقتداری

[روان.] مربوط به اقتدار

اقتصاد پایدار جنگل

sustainable forest economy

[م. منابع > جنگل] شیوه‌ای در اقتصاد جنگل که بر
مبنای پایداری استوار است

اقتصاد جنگل ۱، بهره‌دهی جنگل

forest economy

[م. منابع > جنگل] بخشی از اقتصاد محلی و
منطقه‌ای یا ملی که کلاً یا عمدتاً از تولید جنگلی
بهره می‌گیرد

اقتصاد جنگل ۲ ← علم اقتصاد جنگل

camouflage measures اقدامات استتاری

[ع. نظامی] اقداماتی که نیروهای خودی انجام می‌دهند
تا با استفاده از مواد طبیعی یا مصنوعی، افراد یا مواضع
تاکتیکی خود را از دیدبانی دشمن حفظ کنند و
بدین ترتیب باعث گمراهی و سردرگمی دشمن شوند

electronic اقدامات ضد الکترونیکی
countermeasures, electronic attack

[ع. نظامی] اقداماتی مانند اختلال و فریب الکترونیکی
که مانع استفاده دشمن از طیف الکترومغناطیسی
می‌شود یا امکان استفاده از آن را کاهش می‌دهد

October, octobre (fr.)

اکتبر

[عمومی] دهمین ماه سال میلادی، بعد از سپتامبر
و قبل از نوامبر

stress drop

افت تنش

[ژئوفیزیک] اختلاف تنشهای برشی وارد بر صفحه
گسل، پیش از زمین‌لرزه و پس از آن

strain partitioning

افراز کرنش

← افراز لغزش

slip partitioning

افراز لغزش

[ژئوفیزیک] شکل‌گیری گسلهای شیب‌لغز
(dip slip) و امتدادلغز (strike slip) به موازات
هم در ناحیه‌ای با همگرایی مایل

food additives

افزودنیهای غذایی

[تغذیه و صنایع] ترکیباتی که طی مراحل فرآوری
برای بهبود دادن رنگ و طعم و ماندگاری و غیره
به محصولات غذایی اضافه می‌کنند

افسر جنگ الکترونیکی

electronic warfare officer

[ع. نظامی] افسر مسئول طرح‌ریزی و آماده و
هماهنگ کردن فعالیتهای تمام امور عملیاتی
مرتبط با جنگ الکترونیکی که در ستاد عملیاتی
انجام وظیفه می‌کند

charm

افسون

[فیزیک] عددی کوانتومی که مشخصه کوارکها و
هادرونهاست و برای توصیف تقارن بین کوارک و
لپتون ابداع شده است

authority

اقتدار

[روان.] قابلیت نفوذ و تأثیرگذاری بر دیگران

seasonal pattern

الگوی فصلی

[گردشگری] الگویی که نوسانات منظم فعالیتهای مهمان‌یاری را متناسب با دوره‌ای از زمان نشان می‌دهد

interlibrary loan, امانت بین‌کتابخانه‌ای

interlending, interlibrary lending

[ع. کتابداری] تبادل منابع اطلاعاتی میان دو یا چند کتابخانه به صورت امانی

امتیاز بهره‌برداری جنگل، امتیاز جنگل

forest concession, forest privilege

[م. منابع] جنگل [حق استفاده از کلیه مواهب جنگل، شامل برداشت چوب و فرآورده‌های غیرچوبی و استفاده‌های دیگر از قبیل استحصال آب و گردشگری در جنگل برای اشخاص حقیقی یا حقوقی در کوتاه‌مدت یا درازمدت]

امتیاز جنگل ← امتیاز بهره‌برداری جنگل

collective security

امنیت جمعی

[ع. سیاسی] سامانه بین‌المللی که در آن تعدادی از کشورهای هم‌پیمان برای تأمین امنیت خود همکاری می‌کنند و در صورت تجاوز به یکی از آنها، دیگران موظف به اقدام مشترک در رفع تجاوزند

forest finance

امور مالی جنگل

[م. منابع] جنگل [ارزشیابی و حسابرسی و بررسی سرمایه‌گذاری در امور جنگلداری شامل بیمه و مالیات‌بندی و تخصیص اعتبارات]

plurality

اکثریت نسبی

[ع. سیاسی] وضعیتی در یک انتخابات با بیش از دو نامزد که یکی از نامزدها آرای بیشتری نسبت به دیگران کسب می‌کند؛ اما تعداد آرای او به نصف به علاوه یک نمی‌رسد

aleph null, aleph zero, aleph nought

الف‌صفر

[ریاضی] عدد اصلی هر مجموعه که با مجموعه اعداد طبیعی در تناظر یک‌به‌یک است

asymmetric induction

القای بی‌تقارنی

[شیمی] شکل‌گیری یک انانتیومتر یا دیاستریوایزومر که به علت تأثیر القایی دستواره مبنا بیش از دیگر انواع همپارها امکان‌پذیر است

electron beam curing

الکترون‌پزی

[م. پلیمر] رنگ [پخت سریع ماده پوششی با ارسال باریکه الکترون به سطح ماده و تشکیل رادیکالهای آزاد و انجام واکنش بسپارش زنجیری]

template 1

الگو

[آرایانه و فن.]. مجموعه‌ای از داده‌ها که برای ایجاد سندهای جدید یا مقایسه مجموعه داده‌های مختلف به کار می‌رود

behavior pattern

الگوی رفتاری

[روان.]. ترتیب دو یا چند پاسخ که به نحو معینی داده می‌شوند و به آن زنجیره رفتار نیز می‌گویند

radio transmission انتقال رادیویی

[مخابرات] انتقال با استفاده از سیگنالها/
نشانکهای بسامد رادیویی

heat transfer انتقال گرما

[فیزیک] فرایندی که در آن گرما، در سطوح مرزی،
از یک محیط به محیط دیگر منتقل می‌شود

melodic curve انحنای لحنی

← نمای لحنی

population size اندازه جمعیت

[زیست]. تعداد افراد یک جمعیت معین

forest measurement, measurement اندازه‌گیری جنگل

[م. منابع] جنگل] شاخه‌ای از علم جنگلداری که
به تعیین ابعاد و شکل و میزان رویش و حجم و
سن درختان و محصولات حاصله به‌ویژه گردبینه
و انواع چوب می‌پردازد

ideography اندیشه‌نگاری

[هنر. تجر.] ترسیم نگاره‌هایی که بیانگر اندیشه‌های
خاصی هستند

ideogram, ideograph اندیشه‌نگاشت

[هنر. تجر.] ساده‌ترین شکلی که به‌طور نمادین
شیء یا اندیشه‌ای را بازنمایی می‌کند

ideographic اندیشه‌نگاشتی

[هنر. تجر.] ویژگی آنچه مربوط به اندیشه‌نگاشتها باشد

aggregation انبوهش

[ع. جو] ۱. فرایند ترکیب ویژگیهای مختلف
سطحی مناطق ناهمگون مجاور به‌صورت مقدار
میانگین منطقه‌ای ۲. انباشته شدن بلورهای برف
بر اثر برخورد آنها به یکدیگر به‌هنگام سقوط و
تشکیل پَرکهای برف (snow flakes)

flux aggregation انبوهش شار

[ع. جو] فرایند تشکیل میانگین افقی مؤثر یا انبوهه
شارهای تلاطمی روی سطوح ناهمگن

casting, cast 1 انتخاب بازیگر

[سینما و تلو.] گزینش بازیگران برای ایفای نقش در
یک برنامه تلویزیونی یا فیلم

commemorative issue, émission commémorative (fr.) انتشار تمبر یادبود

[مخابرات] پست] انتشار نوعی تمبر پستی
به‌مناسبت گرامیداشت وقایع حال یا گذشته

radio propagation, wave propagation انتشار رادیویی

[مخابرات] انتقال یا انتشار امواج رادیویی از طریق جو

gravitational redshift انتقال به‌سرخ گرانشی

[فیزیک] افزایش طول موج نوری که از اجسام با
میدان گرانشی قوی گسیل می‌شود

paid transfer انتقال پولی

[ح. شهری] جابه‌جایی مسافر با اخذ مبلغ اضافه در
شروع سفر یا در حین انتقال

تبادل و پایداری نسبی رسیده است	bond energy	انرژی پیوند
		[شیمی] مقدار میانگین انرژی گسستن پیوند خاص یک مولکول در حالت گازی
first arrival	اولین رسید	
[ژئوفیزیک] اولین سیگنال/ نشانک رسیده از چشمه لرزه‌ای		
	biomass energy	انرژی زی توده‌ای
		[زیست.] انرژی موجود در زی توده
first break	اولین شکن	
← اولین رسید		
station	ایستگاه	
[ح. شهری] مکانی دور از خیابان برای سوار و پیاده شدن یا تغییر وسیله	motive, motif, figure 1	انگاره
		[موسیقی] واحد موسیقایی لحنی یا ریتمی یا هارمونیک (harmonic) کوچکی که تکرار آن به اثر انسجام می‌دهد
	motivic	انگاره‌ای
		[موسیقی] منسوب به انگاره
bus stop, transit stop	ایستگاه اتوبوس	
[ح. شهری] محوطه‌ای که در آن مسافران برای سوار شدن به وسیله نقلیه و پیاده شدن از آن انتظار می‌کشند و معمولاً علائمی برای مشخص کردن محل ایستگاه در آنجا نصب می‌شود	rhythmic motive	انگاره ریتمی
		[موسیقی] انگاره‌ای که بر مبنای یک ریتم پایه ساخته شده است
all-stop station	ایستگاه اصلی	
[ح. شهری] ایستگاهی در سامانه حمل‌ونقل با واحدهای سریع‌السير که تمامی واحدهای حمل‌ونقل در آن توقف می‌کنند	acquisition motive	انگیزه فراگیری
		[روان.] نیروی درونی که محرک فرد برای فراگیری است
online-station	ایستگاه برخط	
[ح. شهری] ایستگاهی که در آن واحدهای حمل‌ونقل (خودرو یا قطار) در خط عبور اصلی توقف می‌کنند	achievement motive	انگیزه موفقیت
		[روان.] نیاز فرد برای غلبه بر موانع و چالشهای دشوار
	August, août (fr.)	اوت
		[عمومی] هشتمین ماه سال میلادی، بعد از ژوئیه و قبل از سپتامبر
radio range station	ایستگاه برد رادیویی	
[مخابرات] ایستگاهی زمینی در ارائه خدمات	climax	اوج
		[زیست.] مرحله نهایی یک توالی/ پی‌آیی که به

far-side stop**ایستگاه پس تقاطع**

[ح. شهری] ایستگاه حمل و نقلی که بعد از تقاطع قرار دارد

near-side stop**ایستگاه پیش تقاطع**

[ح. شهری] ایستگاه حمل و نقلی که قبل از تقاطع قرار دارد

interchange station, transfer, interchange**ایستگاه تغییر خط**

[م. ریلی] ایستگاهی که در آن مسافر از قطار یک خط پیاده می‌شود و با سوار شدن به قطار خط دیگر ادامه مسیر می‌دهد

ایستگاه کاری تصویرسنجی رقمی**digital photogrammetric workstation, DPW, soft copy workstation**

[م. نقشه] مجموعه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری که به کمک روشهای دستی و خودکار برای استخراج محصولات تصویرسنجی از تصاویر رقمی به کار می‌رود

midblock stop**ایستگاه میانی**

[ح. شهری] ایستگاه حمل و نقلی که دور از تقاطع قرار دارد

سیگنالها/ نشانکهای رادیویی که به عملیات ناوبری کمک می‌کند

off-line station**ایستگاه برون خط**

[ح. شهری] ایستگاهی خارج از خط عبور که در آن وسایل حمل و نقل مسافران را سوار و پیاده می‌کنند، بی‌آنکه مانع عبور سایر وسایل نقلیه شوند

terminal stop**ایستگاه پایانی**

[ح. شهری] هریک از ایستگاههای دو سر یک خط حمل و نقل

ایستگاه پخش مستقل**independent broadcast station, independent station, indie 1**

[سینما و تلو.] ایستگاه پخش تلویزیونی یا رادیویی که به شبکه‌های اصلی وابسته نیست

network affiliated station, affiliate, affiliated station**ایستگاه پخش وابسته**

[سینما و تلو.] ایستگاه پخش تلویزیونی که به موجب عقد قرارداد با شبکه‌های اصلی ملزم می‌شود تا بخشی از پخش هفتگی خود را به برنامه‌ها و آگهیهای آنها اختصاص دهد

ب

- flipper** **بادکردگی خفیف**
[تغذیه و صنا.] تورم قوطی کنسرو که در حالت عادی نامشخص است، اما بر اثر ضربه ناگهانی یا گرما، در یک سر قوطی نمایان می‌شود و با فشار دست به حالت اول برمی‌گردد
- solid-state battery** **باتری حالت جامد**
[فیزیک] باتری شامل ماده‌ای پرتوزا و یک سلول فوتولتایی که در آن تابش ناشی از ماده پرتوزا سبب تولید برق در سلول می‌شود
- fresh water swamp** **باتلاق آب شیرین**
[زمین.] باتلاقی که منبع آن آب شیرین است
- anemochory** **بادبرافشانی**
[کشا. باغ.] پراکنده شدن میوه با باد
- soft swell** **بادکردگی نرم**
[تغذیه و صنا.] تورم قوطی کنسرو ناشی از فساد مواد غذایی که در آن دو سر قوطی برآمده باشد و با فشار دست فروبرود
- countergradient wind** **باد پادشیو**
[ج. جو] شارش مخالف با باد شیو (gradient wind) مورد انتظار
- windmilling** **بادچرخ**
[ج. هوایی] چرخش آزادانه ملخ یا هر نوع پروانه بر اثر عبور جریان هوا از بین پره‌های آن
- hydrogen swell** **بادکردگی هیدروژنی**
[تغذیه و صنا.] تورم قوطی کنسرو که عامل آن گاز هیدروژن حاصل از واکنش فلز قوطی با ماده غذایی است
- springer** **بادکردگی پرشی**
[تغذیه و صنا.] تورم قوطی کنسرو که در یک سر آن رخ می‌دهد و با فشار دادن آن به داخل، بادکردگی به سر دیگر منتقل می‌شود
- anemophilous** **بادگرده‌افشان**
[کشا. باغ.] ویژگی گیاهی که در گرده‌افشانی گل‌های آن، باد اصلی‌ترین عامل محسوب شود

load 2**بار کردن**

[رایانه و فن.] ۱. (در برنامه‌نویسی) کپی کردن داده‌ها از حافظه اصلی به ثبات داده‌ها ۲. کپی کردن برنامه‌ای از یک افزاره ذخیره‌سازی به حافظه برای اجرا

reload**بار کردن مجدد**

[رایانه و فن.] بار کردن دوباره یک برنامه به حافظه

loader**بارکن**

[رایانه و فن.] برنامه یا هر واسطه‌ای که داده‌ها را بار می‌کند

باری ← هواگرد باری

grass, narrow-leaved plant **باریک‌برگ**

[کشاورزی و باغبانی.] ویژگی گیاهان تک‌په‌ای از تیره گندمیان که برگهای باریک با رگبرگهای موازی و ساقه‌های توخالی یا توپر دارند

passage 1**بازارچه**

[عمومی.] بازار سرپوشیده‌ای که معمولاً دو در ورودی و خروجی دارد

checklist**بازبینی**

[عمومی.] فهرست نامها و موضوعها و مانند آنها که برای تأیید و بررسی یا مقایسه تهیه می‌شود

primary reflection**بازتاب اولیه**

[ژئوفیزیک] انرژی (موج) لرزه‌ای که تنها یک بار بازتاب شده است

anemophily**بادگرده‌افشانی**

[کشاورزی و باغبانی.] گرده‌افشانی با باد

trade winds**بادهای بسامان**

[جغرافیا.] سامانه باد، در بخش وسیعی از مدارگان، که از پرفشارهای (highs) جنب حاره به سوی ناوه استوایی می‌وزد

load 1**بار**

[رایانه و فن.] مقدار داده‌هایی که از طریق شبکه منتقل می‌شود

bed load**بار بستر**

[زمین‌شناسی.] بخشی از بار کل رود که درست در بالای بستر در حرکت است

load-balanced**بارتراز شده**

[رایانه و فن.] ویژگی شبکه‌ای رایانه‌ای که آن را بارتراز کرده باشند

load-balance**بارتراز کردن**

[رایانه و فن.] توزیع کردن متوازن فعالیتهای پردازشی و ارتباطی در سراسر شبکه رایانه‌ای به‌طوری که هیچ افزاره‌ای متحمل بار بیش از حد نشود

load-balancing**بارترازی**

[رایانه و فن.] عمل بارتراز کردن

loaded**بار شده**

[رایانه و فن.] ویژگی داده‌ها یا برنامه‌هایی که بار شده باشند

repolarization**بازقطبش**

[زیست.] قطبش مجدد غشای تحریک‌پذیر پس از مرحلهٔ واقطبش تا رسیدن به پتانسیل استراحت

recurrence interval**بازهٔ بازگشت**

[ژئوفیزیک] میانگین دورهٔ زمانی وقوع زمین‌لرزه‌های اصلی روی یک گسل یا در گستره‌ای معین

بازهٔ تکرار پالس ← بازهٔ تکرار تپ

بازهٔ تکرار تپ، بازهٔ تکرار پالس

pulse repetition interval, pulse repetition period, pulse interval

[مخابرات] فاصلهٔ زمانی بین یک تپ / پالس و تپ / پالس بعدی

holiday club, holiday saving club

باشگاه گردشگری

[گردشگری] باشگاهی مبتنی بر مالکیت زمانی که گردشگران به‌جای خرید سهمی از یک تفریحگاه، حق عضویت باشگاه را می‌پردازند و از امتیازات آن برخوردار می‌شوند

bacteriostat, bacteriostatic agent

باکتری‌ایستان

[تغذیه و صنایع.] ماده‌ای که رشد و تکثیر باکتری‌ها را متوقف می‌کند

bactericide**باکتری‌کش**

[تغذیه و صنایع.] ماده‌ای که موجب از بین رفتن باکتری‌ها می‌شود

multiple reflection**بازتاب چندباره**

[ژئوفیزیک] انرژی (موج) لرزه‌ای که بیش از یک بار بازتاب شده است

corner reflector**بازتابهٔ چندوجهی**

[ع. نظامی] شیئی که به‌نسبت اندازهٔ فیزیکی خود، بازتاب راداری بیش از حد انتظار دارد

barrier 1**بازدار**

[ع. نظامی] موانعی که برای تقلیل سرعت یا توقف هواپیما روی باند پرواز یا ناو هواپیمابر ایجاد شود

deterrence**بازدارندگی**

[ع. سیاسی] مهار نظامی دشمن با سلاحهای کشتار جمعی به‌طوری که حریف جرئت حمله به کشور مقابل را نداشته باشد

nuclear deterrence**بازدارندگی هسته‌ای**

[ع. سیاسی] مهار نظامی دشمن با استفاده از سلاحهای هسته‌ای به‌طوری که حریف جرئت حمله به کشور مقابل را نداشته باشد

propeller efficiency**بازده ملخ**

[ح. هوایی] در هواپیما، نسبت رانش ملخ به توان دریافتی از موتور

reboot**بازراه‌اندازی کردن**

[رایانه و فن.] به‌کار انداختن دوبارهٔ یک رایانه بلافاصله پس از خاموش کردن آن

basic runway	باند ساده	tandem rotor helicopter	بالگرد دوپشته
[ح. هوایی] باند پرواز فاقد تجهیزات کمک‌ناوبری و فقط دارای علائم مقررات پرواز با دید، شامل خط‌کشی یا پیکانهای وسط و شماره سمت و در صورت لزوم آستانه جابه‌جاشده		[ح. هوایی] بالگرد دوچرخانه‌ای که یک چرخانه آن در جلو و دیگری در عقب قرار دارد	
active runway	باند فعال	compound helicopter	بالگرد مرکب
[ح. هوایی] باند پرواز در حال بهره‌برداری		[ح. هوایی] بالگردي که دارای وسیله رانش (معمولاً فن توربینی و جت توربینی) و چرخانه بالابرنده است	
instrument runway	باند مجهز	synchropter	بالگرد همگام
[ح. هوایی] باند پرواز دارای تجهیزات لازم برای تقرب با دستگاه		[ح. هوایی] بالگرد دوچرخانه‌ای که ملخهای آن در جهت مخالف هم می‌چرخند	
identity crisis	بحران هویت	aeronaut	بالون‌ران
[روان.] وضعیتی توأم با تردید نسبت به خود و پرس‌وجوی فعالانه درباره تعریف خود، که نوعاً در نوجوانی پیدا می‌شود		[ح. هوایی] فردی که هواگرد سبکتر از هوا را هدایت می‌کند	
steam mist	بخارتنک‌مه	moderated	بامیاندار
← بخاژمه		[ارایانه و فن.] ویژگی هر فرایندی که به دست انسان (میاندار) هدایت می‌شود	
steam fog	بخاژمه	frequency band	باند بسامد
[ع. جو] تشکیل مه در توده‌های سرد و پایدار بر اثر تبخیر سطحی سریع آب گرم در زیر آن		[مخابرات] گستره پیوسته‌ای از بسامد که در حد فاصل یک کران پایین و یک کران بالا قرار می‌گیرد	
sorting floor, sortation section, work floor, chantier de tri (fr.)	بخش تجزیه	radio frequency band	باند بسامد رادیویی
[مخابرات] پست [بخشی که در آن عملیات تجزیه انواع مرسولات پستی یا کیسه‌های پستی و عملیات وابسته به آن انجام می‌شود]		[مخابرات] طیف بسامد رادیویی که به یک رشته محدوده‌های بسامدی کوچک تقسیم می‌شود	
		runway	باند پرواز
		[ح. هوایی] سطح هموار و معمولاً مستطیل شکل، با طول مشخص، در محوطه فرودگاه‌های واقع در خشکی، برای نشست و برخاست هواگرد	

donateware, donationware	بخشش افزار
[رایانه و فن.] نرم افزاری رایگان که در آن به کاربر توصیه می شود وجهی را برای امور خیریه بپردازد تا نرم افزار به ثبت برسد	
sound department	بخش صدا
[سینما و تلو.] بخشی در سینما یا تلویزیون که امور مربوط به صدای فیلم یا برنامه (مانند صدابرداری و صداگذاری و صداسازی) را انجام می دهد	
reference department	بخش مرجع
[ع. کتابداری] بخشی در کتابخانه که محلی است برای نگهداری منابع مرجع و استقرار کتابدار مرجع برای رفع نیازهای اطلاعاتی کاربران	
lighting department	بخش نور
[سینما و تلو.] بخشی که مسئولیت کلی آموز نورپردازی را در تولید فیلم برعهده دارد	
malware, malicious ware	بدافزار
[رایانه و فن.] نرم افزاری که برای تسلط بر سامانه عامل رایانه یا آسیب رساندن به آن، بدون آگاهی یا تأیید کاربر، به کار می رود	
variant	بدیل
[موسیقی] ۱. اصطلاحی برای روایتهای مختلف از یک اثر موسیقایی ۲. تغییر ناگهانی از مقام بزرگ به کوچک یا بالعکس ۳. روایتهای مختلف از یک موسیقی مردمی که، با تغییراتی، از یک ناحیه به ناحیه دیگر انتقال می یابد	
rhythmic variant	بدیل ریتمی
[موسیقی] روایت متفاوتی از یک ریتم	
formal variant	بدیل شکلی
[موسیقی] روایت متفاوتی از یک شکل (form)	
melodic variant	بدیل لحنی
[موسیقی] روایت متفاوتی از یک لحن	
metric variant	بدیل وزنی
[موسیقی] روایت متفاوتی از یک وزن	
breeder's seed	بذر بهنژادگر
[کشا. > زراع.] بذری که بهنژادگر مستقیماً تولید و کنترل می کند	
seed broadcaster	بذرپاش
[کشا. > زراع.] ماشینی برای پخش بذر به مقدار معین بر سطح خاک	
aerial seeding, aerial sowing, air seeding	بذرپاشی هوایی
[م. منابع > جنگل] پاشیدن تخم درختان جنگلی از هوا به کمک بالگرد یا هواپیمای سبک مخصوص، به منظور احداث جنگل در محل، پس از آماده سازی بستر کاشت	
estimation	برآورد ۱
[ریاضی] شیوه ای آماری برای ارائه فرمولی که بتواند تحت شرایطی معین با استفاده از مقدار	

مشاهدات نمونه‌ای، تقریبی را برای یک پارامتر ارائه کند

برآورد ۲

estimate

[ریاضی] مقدار عددی یک برآوردگر تحت شرایطی معین که به عنوان تقریبی از یک پارامتر در نظر گرفته می‌شود

برآوردگر

estimator

[ریاضی] تابعی از مشاهدات آماری که به عنوان تقریب‌زننده پارامتر یک توزیع به کار می‌رود

برآوردگر اریب

biased estimator

[ریاضی] برآوردگری که امید ریاضی آن برابر با مقدار پارامتر مورد برآورد نیست

برآوردگر پذیرفتنی

admissible estimator

[ریاضی] برآوردگری که نتوان برآوردگری بهتر از آن، به معنای داشتن مخاطره کمتری به ازای همه مقادیر پارامتر، پیدا کرد

برآوردگر خطی

linear estimator

[ریاضی] برآوردگری که تابعی خطی از مشاهدات نمونه است

برآوردگر کارا

efficient estimator

[ریاضی] برآوردگری که واریانس آن کمترین مقدار است

برآوردگر کارای مجانبی

asymptotic efficient estimator

[ریاضی] برآوردگری که وقتی تعداد نمونه به

برآوردگر مجانبی نااریب

asymptotically unbiased estimator

[ریاضی] برآوردگری که وقتی تعداد نمونه به بی‌نهایت بگراید، به یک برآوردگر نااریب تبدیل شود

برآوردگر نااریب

unbiased estimator

[ریاضی] برآوردگری که امید ریاضی آن به ازای همه مقادیر پارامتر برابر با پارامتر برآوردنی باشد

برآوردگر ناکارا

inefficient estimator

[ریاضی] برآوردگری که واریانس آن بزرگتر از واریانس کمینه ممکن باشد

برآوردگر وایازشی

regression estimator

[ریاضی] برآوردگری که مقدار یک متغیر وابسته را به ازای مقدار معلوم متغیرهای پیشگو به کمک رابطه وایازشی برآورد می‌کند

برآورد نااریب

unbiased estimate

[ریاضی] مقدار تحقق یافته یک برآوردگر نااریب

برآوردنی

estimand

[ریاضی] مقدار مجهول یک پارامتر یا تابع پارامتری که باید تحت شرایط معین با استفاده از مقدار مشاهدات نمونه‌ای، برآورد شود

برانگیزش جرقه‌ای

spark excitation

[فیزیک] برانگیزش اتمها یا مولکولها برای گسیل

allowable cut, calculated cut, allowable sale برداشت مجاز

[م. منابع] جنگل میزان چوبی که در طرحهای جنگلداری برای برداشت در دوره معینی پیش‌بینی می‌شود

radio range برد رادیویی

[مخابرات] حداکثر فاصله از فرستنده رادیویی که در آن می‌توان سیگنال/نشانه رادیویی را به خوبی دریافت کرد

ferry range برد فرابری

[ح. هوایی] مسافتی که می‌توان در طول آن هواگرد را، بدون استفاده از مخزن سوخت اضافی یا با استفاده از آن، فرابری کرد

section 1 برش ۱

[موسیقی] قسمتی از لحن که از چند انگاره تشکیل می‌شود و کوچکتر از عبارت است

advance felling برش پیش‌هنگام

[م. منابع] جنگل برش درخت پیش از زمان مناسب یا مقرر

clear cutting برش یکسره

[م. منابع] جنگل برداشت همزمان کلیه درختان جنگلی در یک ناحیه برای جنگلکاری یا به منظورهای دیگر

strip clear cutting برش یکسره نواری

[م. منابع] جنگل روشی که در آن کلیه درختان

خطوط طیفی از طریق جرقه الکتریکی (با ولتاژ ۱۰,۰۰۰ تا ۳۰,۰۰۰ ولت)

evapotranspiration, تبخیر-تعرق
total evaporation, water loss, fly-off

[زیست] فرایند خروج آب بر اثر تبخیر سطحی خاک یا رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و ترادیش/تعرق پوشش گیاهی یک منطقه در دوره‌ای معین

stereoscopic vision برجسته‌بینی

[م. نقشه] قابلیت درک فضای سه‌بعدی و تشخیص عمق با استفاده از هندسه جفت‌تصویری

stereoscope برجسته‌نما

[م. نقشه] وسیله‌ای که برای برجسته‌بینی تصاویر به کار می‌رود

stereoscopy برجسته‌نمایی

[م. نقشه] دانش و فناوری ایجاد تصویر ذهنی سه‌بعدی بر پایه عکسهای همپوش از شیء یا بهره‌گیری از قابلیت دستگاه بینایی انسان

aborted take-off برخاست نافرجام

[ح. هوایی] ناتمام ماندن روند پرواز در حین برخاست به دلیل احتمال بروز خطرات جدی برای هواگرد

inelastic collision برخورد ناکشسان

[فیزیک] برخوردی که در آن مجموع انرژیهای جنبشی ذرات برخوردکننده ثابت نمی‌ماند

chorus 1, refrain, burden برگردان

[موسیقی] قسمتی از متن یا موسیقی که در یک

قطعه چندبندی بعد از هر بند تکرار می‌شود

Bougner reduction, Bougner correction برگردان بوگه

[ژئوفیزیک] تصحیح در داده‌های گرانی به نحوی

که در آن ارتفاع ایستگاه و لایه سنگی میان

ایستگاه و سطح دریا در نظر گرفته شود

leaf abscission برگ‌ریزی

[کش. باغ.] ریزش برگ بر اثر تشکیل لایه

ریزشی

tropopause leaf برگ وردایست

[ع. جو] هریک از سطوح منفرد پیوسته وردایست

چندتایی

whorled leaves, verticillate leaves برگهای فراهم

[کش. باغ.] سه یا چند برگ که روی یک گره قرار

دارند

opposite leaves برگهای متقابل

[کش. باغ.] دو برگ در یک گروه که روبه‌روی هم

قرار دارند

alternate leaves برگهای متناوب

[کش. باغ.] برگهایی که شیوه قرار گرفتن آنها

روی ساقه به نحوی است که هر دو برگ

پشت‌سرهم روی یک خط مستقیم نیستند

جنگلی، به صورت نواری برداشت می‌شوند

برش یکسره نواری متناوب**alternate strip clear cutting**

[م. منابع جنگل] روشی که در آن کلیه درختان

جنگلی به صورت نوارهای یک‌درمیان برداشت

می‌شوند

snowplow برف‌روب

[ح. ریلی] ماشینی مجهز به تیغه‌ای برای پاک کردن

برف سنگین از روی خط

clutter برفک

[ع. نظامی] آنچه در نتیجه بازتاب امواج از

اجسامی غیر از هدف روی صفحه رادار ظاهر

شود

defroster برفک‌زدا

[تغذیه و صن.] عاملی که باعث ذوب شدن

برفکهای تشکیل‌شده روی قسمت سردکننده

یخ‌زنها می‌شود

defrosting 1 برفک‌زدایی

[تغذیه و صن.] ذوب کردن یخ و برفک تشکیل‌شده

روی قسمت سردکننده یخ‌زنها

aerated lagoon برکه هواده‌شده

[م. محیط.] استخر تصفیه فاضلاب که در آن رشد و

فعالیت ریزاندامگان تجزیه‌گر مواد آلی با هواده‌ی

تسریع می‌شود

برگهٔ تمبر

application program, application software برنامه کاربردی

[رایانه و فن.] برنامه یا مجموعه برنامه‌هایی که برای کاربر نهایی طراحی می‌شود و بدون سامانهٔ عامل، قابل اجرا نیست

moveout, stepout برون‌راند

[ژئوفیزیک] اختلاف زمان رسید موج به لرزه‌یابهای واقع در فاصله‌های مختلف از چشمه

normal moveout برون‌راند بهنجار

[ژئوفیزیک] اختلاف زمانهای رسید موج بازتابی به هر لرزه‌یاب با بازتاب عمودی

dip moveout برون‌راند شیب

[ژئوفیزیک] تغییر در زمان رسید موج بازتابی بر اثر شیب سطح بازتابنده

برون‌ریزش ← برون‌ریزش هیجان

abreaction برون‌ریزش هیجان، برون‌ریزش

[روان.] فرایند تخلیهٔ تنش هیجانی یا اضطرابی که از راه بازپیدایی تجربه تنش‌زا در گفتار یا کردار یا هردو پدید می‌آید

outcrop برون‌زد

[زمین.] بخشی از یک سازند یا ساختار زمین‌شناختی که در سطح زمین پدیدار می‌شود

outcropping برون‌زدن، برون‌زشتن

[زمین.] ظاهر شدن و مرئی شدن در سطح زمین

miniature sheet of postage stamps, miniatur sheet, souvenir sheet, bloc-feuillet (fr.)

[مخابرات] «پست» ورقهٔ کوچکی که بر روی آن تصویر یک یا چند تمبر پستی مربوط به یک نوبت انتشار چاپ می‌شود

applet برنامه‌ک

[رایانه و فن.] برنامه‌ای که برای به اجرا در درون برنامه‌ای دیگر طراحی شده باشد

برنامه‌ریزی کارکرد جنگل

forest function planning

[م. منابع] جنگل] تهیه و تدوین برنامه‌های مربوط به کارکرد جنگل

dialler program برنامهٔ شماره‌گیر

[رایانه و فن.] نرم‌افزاری که اعداد ۰ تا ۹ را به صورت پشت‌سرهم و به تعداد معین و با ترتیب ویژه با هم ترکیب می‌کند و آنها را برای اتصال به مقصد معین به نشانک/سیگنال تبدیل می‌کند

برنامهٔ ضد ویروس، نرم‌افزار ضد ویروس

anti-virus software

[رایانه و فن.] کارایی‌ای که محتویات دیسک سخت را جست‌وجو می‌کند تا بدافزارهای آن، به‌ویژه ویروس‌ها، را پیدا کند و از بین ببرد یا ناکار کند

بالتر از ۵۰۰ کیلومتر که در آن گازهای سبک (مانند هیدروژن) امکان فرار از جو را پیدا می‌کنند

outcropped**برون‌زده**

[زمین.] هر سازند یا ساختار زمین‌شناختی که در سطح زمین پدیدار شده باشد

outflow**برون‌شارش****برون‌زنش ← برون‌زدن**

[ع. جو] جریان خروجی از تنگه یا گذرگاه

exudation 1**برون‌زهش**

[زیست.] خروج آهسته مایع، حاوی پروتئین‌ها و گویچه‌های سفید، از دیوارهٔ رگهای خونی سالم که معمولاً بر اثر التهاب رخ می‌دهد

exudative**برون‌زهشی**

[زیست.] مربوط به برون‌زهش

exudate, exudation 2**برون‌زه**

[زیست.] مایعی حاوی پروتئین‌ها و گویچه‌های سفید که بر اثر التهاب از دیوارهٔ عروق خارج می‌شود و در بافت‌های اطراف نفوذ می‌کند

outsourcing**برون‌سپاری**

[مخابرات] سپردن کار یا خدمات درون سازمان به یک شرکت در بیرون

outsourcing of calls **برون‌سپاری برخوانیها**

[مخابرات] سپردن خدمات پاسخ‌گویی به تماس‌های تلفنی به پیمان‌کار بیرونی که ممکن است حتی در کشور دیگری حضور داشته باشد

exosphere**برون‌سپهر**

[ع. جو] لایه‌ای از جو، در ارتفاع تقریباً

برهم‌کنش اسپین - اسپین**spin-spin interaction**

[فیزیک] برهم‌کنشی که سبب سمت‌گیری اسپین الکترون‌ها به یکدیگر می‌شود

spin-orbit**برهم‌کنش اسپین - مدار****interaction, spin-orbit coupling**

[فیزیک] برهم‌کنش میان‌گشتاور مغناطیسی اسپینی الکترون و تکانهٔ زاویه‌ای مداری

interatomic interaction **برهم‌کنش بین‌اتمی**

[فیزیک] نیروی بین‌اتمی در بلور یا مولکول

برهم‌کنش بین‌مولکولی**intermolecular interaction**

[فیزیک] نیرویی که بین مولکول‌ها وجود دارد و باعث انسجام جامدات مولکولی می‌شود؛
[شیمی] تأثیر متقابل بین دو یا چند مولکول

برهم‌کنش درون‌مولکولی**intramolecular interaction**

[شیمی] تأثیر متقابل دو یا چند اتم یا گروه اتمی درون یک مولکول

لرزه‌ای، با فرض ثابت بودن افت تنش

local magnitude **بزرگی محلی**

[ژئوفیزیک] بزرگی زمین‌لرزه بر پایهٔ لگاریتم بیشینهٔ دامنهٔ امواج درونی ثبت‌شده با لرزه‌نگار معیار در فاصلهٔ ۱۰۰ کیلومتری رومرکز زمین‌لرزه

body-wave magnitude **بزرگی موج حجمی**

[ژئوفیزیک] بزرگی زمین‌لرزه بر پایهٔ لگاریتم نسبت اندازهٔ دامنهٔ موج P به دورهٔ آن

emmetrope, emmetropic **بسا‌زین**

[بزشکی] فردی که هیچ‌گونه خطای انکساری رویت ندارد

emmetropia **بسا‌زینی**

[بزشکی] حالت شکست نور در چشم بهنجار، چنانکه پرتوهای موازی نور، بدون تطابق در کانونی واقع بر روی شبکیه تشکیل تصویر دهند

trade(s) **بسامان(ها)**

← بادهای بسامان

بسامد تکرار پالس ← بسامد تکرار تپ

بسامد تکرار تپ، بسامد تکرار پالس

pulse repetition frequency, pulse repetition rate

[مخابرات] تعداد تپ/پالس در یک واحد زمان مشخص

برهم‌کنش دوقطبی - دوقطبی

dipole-dipole interaction

[شیمی] برهم‌کنش بین مولکولی یا درون مولکولی مولکولها یا گروههایی که گشتاور دوقطبی الکتریکی دائمی دارند

strong interaction **برهم‌کنش قوی**

← نیروی قوی

broil **بریان کردن**

[تغذیه و صنا.] پختن با حرارت مستقیم به وسیلهٔ منابع حرارتی، مانند گاز و زغال و الکتریسیته

broiler **بریان‌کن**

[تغذیه و صنا.] دستگاه یا وسیله‌ای برای بریان کردن

بزرگی در مقیاس ریشتر، بزرگی ریشتر

Richter magnitude

← بزرگی محلی

بزرگی ریشتر ← بزرگی در مقیاس ریشتر

earthquake magnitude **بزرگی زمین‌لرزه**

[ژئوفیزیک] میزان قدرت زمین‌لرزه یا انرژی کرنشی آزادشده با آن، بر پایهٔ مشاهدات لرزه‌نگاشتی

moment magnitude **بزرگی گشتاوری**

[ژئوفیزیک] بزرگی زمین‌لرزه بر پایهٔ گشتاور

food packaging بسته‌بندی مواد غذایی

[تغذیه و صنا.] قرار دادن غذا یا مواد غذایی در ظرف یا لفاف برای حفظ کیفیت و سلامت و ماندگاری و امکان عرضه آن به بازار

postal parcel, colis postal (fr.) بسته پستی, CP (fr.)

[مخابرات < پست] مرسوله‌ای که مطابق با احکام اتحادیه جهانی پست و آیین‌نامه امانات پستی حمل می‌شود و عموماً حاوی کالاست

cumbersome parcel, bulky parcel, colis encombrant (fr.) بسته خارج‌ازاندازه

[مخابرات < پست] بسته‌ای که ابعاد و حجم آن از حدود مقرر در آیین‌نامه امانات پستی تجاوز کند و در نتیجه نیاز به اقدامات احتیاطی داشته باشد

ordinary parcel, colis ordinaire (fr.) بسته عادی

[مخابرات < پست] بسته‌ای که به تشریفات و اقدامات ویژه‌ای در انجام عملیات پستی نیاز ندارد و مشتری برای نقل و انتقال آن خدمات خاصی درخواست نمی‌کند

hosting package بسته میزبانی

[رایانه و فن.] بسته‌ای معمولاً تجارتي شامل مفاد قراردادی که برای فروش یا اجاره فضای از سامانه‌ای رایانه‌ای ارائه می‌شود تا کاربر بتواند با خرید یا اجاره کردن هر یک از آنها داده‌هایی را به‌عنوان منبع اطلاعات در آن سامانه قرار دهد و از محلی دور و از طریق پایانه‌ای رایانه‌ای به آن دسترسی پیدا کند

بسامد خانه‌ای، فراوانی خانه‌ای**cell frequency**

[ریاضی] تعداد مشاهدات ثبت‌شده در خانه‌ای از جدول پیشابندی (contingency table)

holiday frequency, travel propensity بسامد گردشگری

[گردشگری] میانگین تعداد سفرهای انجام‌شده در یک دوره زمانی معین نسبت به کل جمعیتی که به سفر می‌روند

بسامد مطلق، فراوانی مطلق**absolute frequency**

[ریاضی] تعداد دفعاتی که مقداری خاص از یک متغیر تصادفی در بین تعداد معینی از مشاهدات رخ داده است

sludge drying bed بستر لجن خشک‌کن

[م. محیط.] بستری از شن یا سایر مواد نفوذپذیر که در آن آب لجن از طریق زهکشی یا تبخیر گرفته می‌شود

bale بسته، عدل

[کشا. < باغ.] محموله‌ای بزرگ و کاملاً فشرده و نخ‌کشی‌شده از محصولات کشاورزی

insured parcel, colis avec valeur déclarée (fr.) بسته با ارزش اظهارشده

[مخابرات < پست] بسته‌ای پستی که معادل ارزش اظهارشده آن به‌وسیله فرستنده بیمه می‌شود

serotinal

بُن تابستانی

[زیست.] ویژگی آن دسته از پدیده‌های مربوط به
نمو که در اواخر فصل تابستان اتفاق می‌افتد

verse, stanza, stroph

بند

[موسیقی] در موسیقی مردم‌پسند آمریکایی
میانۀ قرن بیستم، لحن و شعری که قبل از
برگردان قرار می‌گیرد و بدنه اصلی ترانه
را شامل می‌شود

بنگالو ← کلبه

above-the-line budget بودجه بالاسری

[سینما و تلو.] بخشی از بودجه اولیه تولید فیلم که
صرف هزینه‌های اصلی نظیر دستمزد بازیگران و
کارگردان می‌شود

below-the-line budget بودجه زیرخط

[سینما و تلو.] کلیۀ هزینه‌های تولید یک فیلم
سینمایی، به استثنای هزینه‌های بالاسری، که
شامل هزینه‌هایی مانند مواد اولیه و امتیازات
قانونی و تبلیغات است

X boson

بوزون X

← بوزون آبرسنگین

superheavy boson

بوزون آبرسنگین

[فیزیک] ذره‌ای فرضی در نظریه‌های
وحدت بزرگ که برای توجیه برهم‌کنش
کوارکها و لپتونها در عالم آغازین در نظر
گرفته می‌شود

consciousness expansion بسط خودآگاهی

[روان.] روشی برای کمک به افراد به منظور تعدیل
افکار آنها، به‌ویژه برای پذیرفتن هرچه بیشتر یک باور
جدید که عموماً در فعالیتهای گروهی انجام می‌شود

ferroelectric crystal بلور فزوالکتریکی

[فیزیک] بلوری که خاصیت فزوالکتریکی دارد

بلیت خوانی ← دروازه بلیت خوانی

automatic fare collection بلیت فروشی خودکار

[ح. ریلی] سامانه خودکار فروش و کنترل بلیت در
مترو و راه‌آهن شهری

electromagnetic bomb بمب الکترومغناطیسی

[ع. نظامی] نوعی بمب که تأثیرات مخربی بر
فرستنده‌ها و گیرنده‌های با بسامد پایین دارد

بمب ریز موج پُر توان

high power microwave bomb

[ع. نظامی] بمبی که باعث اختلال کامل امواج
مخابراتی و رادیویی، اعم از امواج کوتاه یا بلند، شود

vernal 1

بُن بهاری

[زیست.] ویژگی آن دسته از پدیده‌های مربوط به
نمو که در اواخر فصل بهار اتفاق می‌افتد

base coat

بُن پوشه

[م. پلیمر] رنگ نخستین پوشۀ تزئینی در سامانه
پوششی چندپوشه‌ای، که قبل از شفاف‌پوشه قرار
می‌گیرد

vernalize

بهاره کردن

[کشا. باغ.] نگه داشتن بذر در تاریکی و دمای پایین در مدت زمان معین برای آنکه زودتر به گِل بنشیند یا میوه دهد

vernal 2

بهاری

[زیست.] ویژگی آن دسته از پدیده‌های مربوط به نمو که در فصل بهار اتفاق می افتد

bread improver,
bread modifier

بهبوددهنده نان

[تغذیه و صنا.] نوعی افزودنی غذایی که باعث بهبود بافت و رنگ نان و تعویق بیانی (staling) آن می شود

exploit

بهره جو

[ارایانه و فن.] نرم افزاری که به حفره‌های امنیتی سامانه یا نرم افزارهای دیگر نفوذ و از آنها استفاده می کند

exploitation

بهره جویی

[ارایانه و فن.] سوء استفاده از حفره‌های امنیتی سامانه یا نرم افزارهای دیگر

بهره دهی جنگل ← اقتصاد جنگل ۱

run ground

به گِل نشستن

[ع. نظامی.] برخورد کردن کشتی به کف دریا یا صخره به نحوی که به طور دائم یا موقت از حرکت بازماند

بوزون بُرداری میانجی

intermediate vector boson

[فیزیک] هریک از ذره‌های W و Z با اسپین ۱ که حامل نیروی ضعیف اند

بوم سازگان ecosystem, ecological system

[زیست.] اجتماع زیستی یک منطقه که با محیط پیرامون خود برهم کنش دارد

ecosphere

بوم سپهر

[ع. جو] جو و اقیانوسها و زیست کره و بخش روی پوسته زمین که در برهم کنشهای پیچیده بوم شناختی دخالت دارند

بوم شناسی جمعیت population ecology

[زیست.] بررسی جمعیت از دیدگاه علم بوم شناسی

ecospecies

بوم گونه

[زیست.] گروهی از افراد یک گونه که تحت تأثیر شرایط بوم شناختی معین از سایر گروهها متمایز می شوند و دارای توان زادآوری هستند به طوری که توان زادآوری آنها با یکدیگر بیشتر از افراد سایر گروههاست

vernalization

بهارش

[کشا. باغ.] عمل بهاره کردن

vernalized

بهاره شده

[کشا. باغ.] بذری که آن را بهاره کرده باشند

pedigree breeding بهنژادی شجره‌ای

[کشا. > زراع.] یکی از روشهای بهنژادی که در آن، هر بوته، در نسلهای درحال تفرق، بر اساس صفات مطلوب ظاهری و با توجه به شجره‌نامه گزینش می‌شود

بهنژادی گیاهی، اصلاح نباتات**plant breeding**

[کشا. > زراع.] اصلاح گیاهان به روشهای مختلف، از جمله گزینش (selection) و دورگ‌گیری و خویش‌آمیزی (inbreeding)

trade-wind desert بیابان باد بسانان

[ع. جو] پهنه‌ای از خشکی با بارش بسیار کم و دمای بالا، ناشی از وزش بادهای بسانان

بی‌اکسل ← بی اکسیژن محلول

anoxic بی‌اکسیژن محلول، بی‌اکسل

[م. محیط.] ویژگی ناشی از فقدان اکسیژن آزاد در فاضلاب

acarpous, acarpic بی‌بر

[کشا. > باغ.] ویژگی گیاهی که نازاست

emotional liability بی‌ثباتی هیجانی

[روان.] حالتی که در آن، فرد نسبت به مسائل واکنش نامناسب نشان می‌دهد، مانند خندیدن به موضوعی که خنده‌دار نیست یا خندیدن در زمانی که فرد احساس ناکامی یا خشم دارد

aground به گِل نشسته

[ع. نظامی] ویژگی کشتی‌ای که به گِل نشسته است

بهنجاری مجانبی، نرمال بودن مجانبی**asymptotic normality**

[ریاضی] نوعی توزیع نمونه‌گیری یک آماره که وقتی اندازه نمونه به بی‌نهایت بگراید، توزیع حادی آن بهنجار باشد

breeding بهنژادی، اصلاح نژاد، اصلاح

[کشا. > زراع.] اجرای عملیات مختلف برای بهبود ساختار ژنتیکی گیاهان

bulk breeding بهنژادی جمعی

[کشا. > زراع.] کشت متوالی جمعیت‌های گیاهان خودکشن متنوع از لحاظ ژنتیکی تا حصول خلوص موردنظر

بهنژادی جمعی - شجره‌ای**bulk-pedigree breeding**

[کشا. > زراع.] یکی از روشهای بهنژادی که در آن، جمعیت به صورت توده‌ای، تا زمانی که شرایط برای انتخاب فراهم شود، تکثیر می‌شود و سپس با انتخاب تک‌بوته از روش شجره‌ای برای گزینش استفاده می‌شود

mutation breeding بهنژادی جهشی

[کشا. > زراع.] روشی در بهنژادی گیاهان که در آن با جهشهای فیزیکی یا شیمیایی، ویژگیهای گیاهان را تغییر می‌دهند

مناسب اما طولانی مدت، که منجر به کاهش مقاومت محصول در برابر پیرشدگی می شود

overbaking بیش پزی کوره ای

[م. پلیمر] رنگ [قرار دادن ماده در معرض دمایی بیشتر از دمایی که سازنده توصیه کرده است یا در مدتی طولانی تر از زمان توصیه شده

hyperactivity بیش فعالی

[روان.] فعالیت حرکتی بیش از حد همراه با بیقراری و پاسخ شدید

aphakic بی عدسی

[پزشکی] ۱. مربوط به نبود عدسی ۲. فرد مبتلا به نبود عدسی

aseasonal بی فصل

[کش. باغ.] ویژگی گیاهی که در همه فصول سال می تواند گل دهد

xenocryst بیگانه بلور

[زمین.] بلوری در یک سنگ آذرین که نسبت به سنگ دربرگیرنده بیگانه به شمار می آید

xenolith بیگانه سنگ

[زمین.] قطعه ای از سنگ دیواره در یک توده آذرین پلوتونیک یا آتشفشانی

aseismic بی لرزه

[ژئوفیزیک] رویداد یا فرایندی زمین ساختی که زمین لرزه به همراه ندارد

real-time بی درنگ

[رایانه و فن.] ویژگی عملیاتی در یک سامانه که در آن مجموع زمانهای کنش و واکنش یک واحد عملیاتی جاری بزرگتر از حداکثر تأخیر مجاز نباشد

astomatal, astomous بی روزنه

[کش. باغ.] ویژگی برگ که فاقد روزنه است

aversion بیزاری

[روان.] احساس ضرورت اجتناب و دوری گزیدن از یک فرد یا شیء یا موقعیت

aversion therapy بیزاری درمانی

[روان.] گونه ای رفتاردرمانی که در آن بیمار برای اجتناب از رفتار یا نشانه های ناخوشایند از طریق مرتبط کردن آنها با تجارب دردناک شرطی می شود

a cappella, cappella بی ساز

[موسیقی] موسیقی آوازی بدون همراهی ساز که تا قرن شانزدهم در اروپا بسیار رایج بوده است

acaulescent, acauline, stemless بی ساقه

[کش. باغ.] ویژگی گیاهی که ساقه ندارد یا ساقه آن خیلی کوتاه است یا قابل دیدن نیست

overcure بیش پختگی

[م. پلیمر] رنگ [حالتی ناشی از پخت مجدد نمونه یا قرار گرفتن آن در دمای خیلی زیاد یا دمای

[زیست.] ویژگی هر پدیده ناشی از تعامل دو یا چند گونه

holiday insurance,
travel insurance

بیمه مسافرتی

[گردشگری] بیمه‌ای برای جبران خسارات ناشی از حوادث و گم شدن وسایل و بیماری و سایر موارد مربوط به مسافران

intermolecular بین‌مولکولی

[شیمی] ویژگی هر پدیده‌ای که شامل انتقال (اتمها و گروهها و الکترونها) یا برهم‌کنش بین دو یا چند واحد مولکولی است

interspecific

بین‌گونه‌ای

پ

antitrade(s), countertrade(s) پادبسامان(ها)

[ع. جو] لایه عمیقی از بادهای غربی در وردسپهر،
بر فراز بادهای بسامان سطحی مدارگان

countertransport پادترابردی

[زیست.] انتقال هم‌زمان دو ماده از خلال غشای
یاخته در خلاف جهت یکدیگر به کمک یک ناقل
یا دو ناقل مختلف که از لحاظ زیست‌شیمیایی به
هم وابسته‌اند

antiautomorphism پادخودریختی

[ریاضی.] حالت خاصی از پادیکریختی از حلقه‌ای
به همان حلقه

antiendomorphism پاددرون‌ریختی

[ریاضی.] یک پادهم‌ریختی از یک حلقه به همان
حلقه

countergradient پادشیو

[ع. جو] مخالف شیو

sucker پاجوش

[کشاء. باغ.] شاخه‌ای که از جوانه‌های نابه جای
ریشه یا پاهنگ / طوقه (crown) حاصل می‌شود

suckering 1 پاجوش‌برداری

[کشاء. باغ.] برداشتن پاجوش از گیاهانی که
تولیدکننده پاجوش‌اند

suckering 2 پاجوش‌دهی

[کشاء. باغ.] تولید پاجوش توسط گیاه
(معمولاً درخت)

antiporter پادبَر

[زیست.] نوعی پروتئین ناقل غشایی که دو ماده را
به طور هم‌زمان و در جهت مخالف هم از خلال
غشا عبور می‌دهد

antiport پادبری

[زیست.] نوعی هم‌ترابردی که در آن، دو ماده
به کمک یک ترابَر در جهت مخالف هم از خلال
غشا عبور می‌کنند

mosaicking **پاره‌چین‌سازی**
[م. نقشه.] فرایند تولید پاره‌چین عکسی

photomosaic, photographic mosaic, mosaic 2 **پاره‌چین عکسی**

[م. نقشه.] تصویری یکپارچه که از کنار هم چیدن عکسهای یک منطقه به دست می‌آید

پاره‌چین عکسی کنترل‌شده

controlled photomosaic

[م. نقشه.] پاره‌چینی که از کنار هم چیدن عکسهای کنترل‌شده به دست می‌آید

پاره‌چین عکسی هوایی، پاره‌چین هوایی
aerial mosaic

[م. نقشه.] پاره‌چینی که از کنار هم چیدن عکسهای هوایی تولید می‌شود

پاره‌چین کنترل‌شده **controlled mosaic**

[م. نقشه.] پاره‌چینی که از کنار هم چیدن عکسهای کنترل‌شده تولید می‌شود

پاره‌چین کنترل‌نشده **uncontrolled mosaic**

[م. نقشه.] پاره‌چین عکسهای هوایی که در آن عکسها یا از نظر توجه یا از نظر مقیاس نسبت به نقاط کنترل زمینی تعدیل و تنظیم نشده‌اند

strip mosaic **پاره‌چین نواری**

[م. نقشه.] پاره‌چینی که تنها دربردارنده یک ردیف عکس است یا از کنار هم گذاشتن نوارهای پاره‌چین تولید شود

antiferromagnetism **پادفرومغناطیس**

[فیزیک] خاصیت برخی مواد مغناطیسی که در آنها گشتاورهای مغناطیسی اتمی پادموازی (antiparallel) هستند و همدیگر را خنثی می‌کنند

antiferromagnetic **پادفرومغناطیسی**

[فیزیک] مربوط به خاصیت مواد پادفرومغناطیس

countersubject **پادنهاده**

[موسیقی] نهاد تابعی در فوگ که در مقابل نهاد اصلی قرار می‌گیرد

anti-spam **پادهرز**

[رایانه و فن.] مجموعه روشهای مقابله با نامه‌های الکترونیکی که بدون خواست مخاطب و معمولاً برای ایجاد مزاحمت فرستاده می‌شوند

paraelectricity **پاراالکتریسیته**

[فیزیک] خاصیت برخی دی‌الکتریکها که قطبش آنها متناسب با میدان الکتریکی خارجی است

mosaic 1 **پاره‌چین**

[هنر، تج.] تصویری که با چیدن منظم و هموار قطعات کوچک سنگهای رنگی یا سفال در کنار هم ساخته می‌شود

orthophoto mosaic **پاره‌چین راست‌عکس**

[م. نقشه.] پاره‌چینی که از کنار هم چیدن راست‌عکسها تولید می‌شود

پایه پیوند **permalink, permanent link**

[رایانه و فن.] نشانی هریک از مدخلهای یک وب‌نوشت

پایانه بن‌گرد **stub terminal**

[ح. شهری] پایانه‌ای که وسایل نقلیه تنها از یک هادی‌راه به آن وارد یا از آن خارج می‌شوند

پایانه غیرهوشمند **dumb terminal**

[رایانه و فن.] پایانه‌ای که هیچ قابلیت پردازشی ندارد و کاملاً متکی به رایانه مرکزی است

پایانه نیم‌هوشمند **smart terminal, programmable terminal**

[رایانه و فن.] پایانه‌ای با برخی قابلیت‌های پردازشی که وابستگی کمی به رایانه مرکزی دارد

پایانه هوشمند **intelligent terminal**

[رایانه و فن.] پایانه‌ای با قدرت کامل پردازش که مستقل از رایانه مرکزی است

پایه ۱ **stock, rootstock, understock**

[کش. باغد.] بخش پایینی در ترکیب پیوندی

پایه ۲ **root**

[موسیقی] نتی که آکورد بر مبنای آن نامیده می‌شود

پایه دماسنج **thermometer support**

[ع. جو] ابزاری که دماسنجهای کمینه و بیشینه را در وضعیت مناسب برای اندازه‌گیری در ابزارپوش نگهداری می‌کند

پاره‌چین نیمه کنترل‌شده

semi-controlled mosaic

[م. نقشه.] پاره‌چین عکسهای هوایی متشکل از عکسهایی که به جای نقاط کنترل زمینی نسبت به یک مرجع مختصات دیگر توجیه شده‌اند

پاره‌چین هوایی ← پاره‌چین عکسی هوایی

پاسخ هیجانی **emotional response**

[روان.] واکنشی همراه با هیجان نسبت به افراد یا وقایع

پاسگاه فرماندهی **command post**

[ع. نظامی] قرارگاهی که در آن، فرمانده و ستاد، هدایت یگان را برعهده دارند

پاشاخه‌دهی **basitony**

[کش. باغد.] شاخه‌دهی در پایین ساقه

پاشش پالس ← پاشش تپ

پاشش تپ، پاشش پالس **pulse dispersion**

[مخابرات] افزایش پهنای تپ/پالس بر اثر عبور از خط انتقال

پاکت - نامه هوایی ← آئروگرام

پاگیاه **offset 1**

[کش. باغد.] گیاه کوچکی که از پایین پاهنگ / طوقه (crown) منشأ می‌گیرد و شبیه گیاه مادر است

پالس‌افزایی ← تپ‌افزایی

پخت ناقص ← ناپختگی	autumnal	پاییزی
پخش آزاد free diffusion	[زیست.] ویژگی آن دسته از پدیده‌های مربوط به نمو که در فصل پاییز اتفاق می‌افتد	پتانسیل آستانه threshold potential, firing point, firing level, threshold
[زیست.] پخشی که بدون عبور از مانعی مانند غشا صورت گیرد	[زیست.] تغییر پتانسیل غشا تا نقطه شروع پتانسیل کنش	پتانسیل استراحت resting potential
پخش آسان facilitated diffusion, uniport, carrier membrane diffusion	[زیست.] پتانسیل الکتریکی در دو سوی غشاهای عصبی و ماهیچه‌ای در حالت استراحت	پتانسیل غشا membrane potential, transmembrane potential
[زیست.] نوعی تراژرد غیرفعال که در آن مولکولها از خلال غشاهای زیستی، مانند غشای یاخته، به کمک ناقل عبور می‌کنند	[زیست.] اختلاف پتانسیل الکتریکی دو طرف غشا	پتانسیل کنش action potential
پخش ایمنی‌شناختی immunodiffusion, gel diffusion	[زیست.] روشی در ایمنی‌شناسی که اساس آن پخش پادگن و پادتن در یک محیط نیمه‌جامد مانند آگار (Agar) و واکنش رسوبی آنها به یکدیگر است	[زیست.] تغییر گذرا و پیشرونده پتانسیل الکتریکی در امتداد غشاهای تحریک‌پذیر به هنگام فعالیت
پخش دوجانبه double diffusion, double immunodiffusion	[زیست.] نوعی پخش ایمنی‌شناختی که در آن پادگن و پادتن به سوی هم حرکت می‌کنند	پتانسیل نیزه‌ای spike potential
پخش ساده simple diffusion, diffusion	[زیست.] نوعی تراژرد غیرفعال که در آن یونها یا مولکولها از کانالهای یونی یا لایه چربی غشا در جهت شیب الکتروشیمیایی عبور می‌کنند	[زیست.] تغییر شدید اولیه در پتانسیل غشا به هنگام تحریک
پخش مبادله‌ای exchange diffusion	[زیست.] فرایندی که در آن پخش مولکولها از خلال غشا در دو جهت مخالف به تعادل می‌رسد	پخت curing
	[م. پلیمر] رنگ فرایندی شیمیایی که در آن بسپارها یا کم‌پارها به هم متصل می‌شوند تا شبکه‌ای بسپاری تشکیل دهند	پخت تکمیلی ← پس‌پزی

dispersion 2	پراکنه	single diffusion	پخش یک‌جانبه
[م. پلیمر] رنگ [سامانه‌ای دوفازی که فاز پراکنده آن به صورت ذرات کوچک در فاز پیوسته (continuous phase) توزیع می‌شود]		[زیست.] نوعی پخش ایمنی‌شناختی که در آن پادگن ثابت می‌ماند و پادتن به سمت آن حرکت می‌کند یا بالعکس	
aqueous dispersion	پراکنه آبی	obscuring phenomenon	پدیده پنهان‌ساز
[م. پلیمر] رنگ [پراکنه‌ای که فاز پیوسته آن آب، همراه یا بدون مواد حل‌شده در آن است]		[ع. جو] هر پدیده جوی (به جز ابر) که در محل دیدبانی، بخشی از آسمان را پنهان می‌کند	
non-aqueous dispersion	پراکنه غیرآبی	compliance	پذیرندگی
[م. پلیمر] رنگ [پراکنه‌ای که در آن یک بسپار در مایعی آلی و فزّار، که حلال بسپار نیست، توزیع می‌شود]		[روان.] تن دادن به خواست دیگری، بی‌آنکه فرد الزاماً عقاید یا مواضع شخصی خود را تغییر دهد	
flare dispenser	پرتاب‌کننده منور	compliant	پذیرنده
[ع. نظامی] وسیله‌ای در هواگرد که مواد منور را جهت فریب موشکهای حرارتی دشمن به بیرون پرتاب می‌کند		[روان.] ویژگی فردی که دارای پذیرندگی است	
ordinary ray, ordinary wave	پرتو عادی	inelastic scattering	پراکندگی ناکشسان
[فیزیک] یکی از دو مؤلفه موج الکترومغناطیسی که در عبور از بلور ناهمسانگرد تشکیل می‌شود و از قانون اسنل پیروی می‌کند		[فیزیک] پراکندگی ناشی از برخورد ناکشسان	
extraordinary ray	پرتو غیرعادی	dispersion 1, dispersing	پراکنش
[فیزیک] یکی از دو مؤلفه موج الکترومغناطیسی که در عبور نور از بلور ناهمسانگرد تشکیل می‌شود و از قانون اسنل پیروی نمی‌کند		[م. پلیمر] رنگ [فرایندی که در آن ذرات یک ماده در ماده‌ای دیگر پراکنده می‌شود]	
paraxial rays	پرتوهای پیرامحوری	age class distribution	پراکنش رده سنی
[فیزیک] پرتوهای نوری که مسیرهای آنها بسیار نزدیک به محور اپتیکی و تقریباً موازی با آن است		[م. منابع جنگل] چگونگی توزیع رده‌های سنی درختان جنگلی	
		stand age distribution	پراکنش سن توده
		[م. منابع جنگل] چگونگی توزیع سن توده	
			پراکنش یار ← عامل پراکنش

ornithochory

پرنده‌برافشانی

[کشا. > باغ.] پراکنده شدن میوه توسط پرندگان

free flight

پرواز آزاد

[ح. هوایی] پرواز هواگرد بدون هدایت و یا صرفاً با استفاده از دستگاه خلبان خودکار

ferry flight

پرواز فرابری

[ح. هوایی] پروازی که به قصد جابه‌جایی هواگرد از یک مکان به مکانی دیگر انجام می‌شود

پروتون‌دار شدن، پروتون‌دار کردن

protonation

[شیمی] افزوده شدن یا افزودن یک پروتون به یک گونه شیمیایی

پروتون‌دار کردن < پروتون‌دار شدن

consciousness raising

[روان.] فرایندی در بحث‌های گروهی به منظور کسب آگاهی بیشتر از نیازها و اهداف و ارزشها و همچنین رفتار و نحوه ارتباط با دیگران

پروفیل لرزه‌ای یکسوگسترش

end-on spread seismic profile

[ژئوفیزیک] نوعی آرایش لرزه‌ای برای داده‌برداری یکسوگسترش

propeller blade

پره ملخ

[ح. هوایی] سطح ماهیوار ملخ که باعث تولید رانش می‌شود

prepayment of postage, affranchissement (fr.)

[مخابرات > پست] پرداخت هزینه ارسال مرسوله‌های پستی

artifact, footprint

پردازش‌ماند

[ژئوفیزیک] اثر اتفاقی و ناخواسته ناشی از داده‌برداری یا داده‌پردازی

hyper-threading

پُرریسگی

[رایانه و فن.] قابلیت در نرم‌افزارهای خاصی که در آنها ریشه‌ها به جای آنکه به صورت خطی پردازش شوند، به صورت موازی و در یک پردازنده چند هسته‌ای اجرا می‌شوند

hyper-threaded

پُرریسه

[رایانه و فن.] نرم‌افزارهایی مجهز به فناوری پُرریسگی

برز بینایی < صفحه بینایی

reference question

پرسش مرجع

[ع. کتابداری] درخواستی که کاربر کتابخانه برای یافتن اطلاعات خاص یا استفاده از منابع به‌طور عام مطرح می‌کند

cold high

پرفشار سرد

< واجرخند سردهسته

cold-core high

پرفشار سردهسته

< واجرخند سردهسته

پستانداربرافشانی mammaliochory

[کشا. باغ.] پراکنده شدن میوه توسط پستانداران

پستچی postman, facteur (fr.), facteur des postes (fr.)

[مخابرات « پست » شخصی که مسئولیت توزیع و تحویل مرسوله‌های پستی را تا منازل و واحدهای کسب و کار بر عهده دارد

پست سپاری posting, dépôt (fr.)

[مخابرات « پست » تحویل مرسوله پستی به واحد پستی برای ارسال به گیرنده

پس تصویر ۱ afterimage 1

[روان.] تجربه‌ای حسی که پس از قطع محرک باقی می‌ماند و معمولاً بصری است

پس تصویر ۲ afterimage 2, aftervision, negative image, accidental image

[پزشکی] حس بینایی‌ای که اندکی پس از قطع محرک‌های ایجادکننده تصویر اولیه دوام می‌یابد

پس تصویر مثبت positive afterimage

[پزشکی] پس تصویری که در آن نواحی روشن و تاریک همانند تصویر اصلی‌اند

پس تصویر منفی negative afterimage

[پزشکی] پس تصویری که در آن قسمت‌های روشن و تاریک نسبت به تصویر اصلی معکوس و مکمل یکدیگرند

پزشک صحنه set medic

[سینما و تلو.] شخصی (نه لزوماً پزشک) که مسئولیت حفظ ایمنی و سلامت جسمی اعضای گروه تولید را در جریان تهیه فیلم برعهده دارد

پزشک هوایی flight surgeon

[ج. هوایی] پزشکی که متخصص طب هوایی است و وظیفه اصلی او انجام معاینات و مراقبت‌های پزشکی از خدمه پروازی در روی زمین است

پسار بادچرخى windmilling drag

[ج. هوایی] پسار اضافی که ملخ درحال بادچرخى تولید می‌کند

پسایند consequent 1

[موسیقی] عبارت دوم در یک جمله دو قسمتی که عبارت اول را حل یا تکمیل می‌کند

پسایه wake

[ع. جو] منطقه‌ای متلاطم درست پشت‌سر جسمی جامد و متحرک نسبت به شاره

پس پتانسیل afterpotential, after-hyperpolarizing potential, after-hyperpolarization

[زیست.] بخش پایانی پتانسیل کنش که آهسته و کوتاه است و معمولاً در پی پتانسیل نیزه‌ای می‌آید

پس پزی، پخت تکمیلی postcuring

[م. پلیمر] رنگ [مرحله نهایی پخت برخی از محصولات

به صورت پلی بین عرشه کشتی و اسکله یا بین دو کشتی قرار گیرد و از طریق آن تردد کارکنان کشتی میسر شود

پناهگاه shelter

[ع. نظامی] محل سرپوشیده و امن برای استقرار انواع هواگرد و ادوات و تجهیزات و نفرات که در برابر گلوله و بمب مقاوم باشد

پنجه آبرفتی alluvial fan

[زمین.] توده‌ای کم‌شیب و کم‌ارتفاع و نسبتاً مسطح از مواد سنگی سست نهشته‌شده به وسیله رود

پنهان‌ساز obscuration

← پدیده پنهان‌ساز

پوچ‌افزار vaporware

[رایانه و فن.] نرم‌افزار یا سخت‌افزاری که سازنده ادعا کند آن را در آینده عرضه می‌کند، ولی در موعد مقرر یا هرگز عرضه نکند

پوده‌خوار detritivore, detriphage, detriphagous, detritivorous, detritus feeder

[زیست.] موجودی که از بقایای موجودات زنده تغذیه می‌کند

پوده‌خواری detritivory

[زیست.] تغذیه از بقایای موجودات زنده

پوسته هوازدگی weathering crust

[زمین.] پوسته ضخیم و گسترده از مواد هوازده

پس تولید post-production

[سینما و تلو.] کارهای مربوط به تدوین و جلوه‌های ویژه که پس از اتمام فیلمبرداری اولیه بر روی فیلم صورت می‌گیرد

پس‌سوز afterburner, reheat

[ح. هوایی] لوله‌ای در آگزوز موتور جت که برای افزایش رانش موتور به کار می‌رود

پس‌سوزی afterburn(ing)

[ح. هوایی] تزریق و احتراق سوخت اضافی در آگزوز موتور جت که باعث افزایش رانش آن می‌شود

پشته میان‌اقیانوسی mid-oceanic ridge, oceanic ridge

[زمین.] رشته‌کوهی پیوسته و لرزه‌خیز به ارتفاع ۱ تا ۳ و پهنای ۱۵۰۰ کیلومتر، در وسط اقیانوس

پشتیبانی جنگ الکترونیکی

electronic support measures

[ع. نظامی] بخشی از جنگ الکترونیکی برای جست‌وجو و شناسایی و تعیین موقعیت منابع متشکرکننده انرژی الکترومغناطیسی، به منظور شناسایی تهدیدات آتی و طرح‌ریزی و هدایت عملیات

پل پینه‌ای callus bridge

[کشا.] توده پینه‌ای که از لایه‌های زاینده پایه و پیوندک ایجاد می‌شود

پل تردد gang way

[ع. نظامی] تخته یا سازه‌ای فلزی یا چوبی که

[م. پلیمر] رنگ [انواع پوشش‌رنگها (paints) و لعابها (enamels) و مرکبهای چاپ (printing inks) و سایر مواد مشابه که بر سطحی نشانده می‌شوند

پوشش تبدیلی conversion coating

[م. پلیمر] رنگ [پوشش حاصل از عملیات شیمیایی یا الکتروشیمیایی سطوح فلزی که ماهیتی متفاوت با فلز پایه دارد

پوشش تبدیلی شیمیایی

chemical conversion coating

[م. پلیمر] رنگ [پوشش غیرفلزی حفاظتی یا تزئینی سطح فلز که بر اثر واکنش شیمیایی یک فلز با محیطی خاص ایجاد می‌شود؛ این پوشش را معمولاً پیش از ماده پوششی آلی می‌نشانند

پوشش جنگل forest cover

[م. منابع جنگل] مجموعه رستنیهایی که عرصه جنگل را می‌پوشانند

پوشش دهی ← پوشانش

پوشن ایست stratopause

[ع. جو] مرز یا لایه گذار از پوشن سپهر به میان سپهر

پوشن سپهر stratosphere

[ع. جو] منطقه‌ای از جو که از وردایست در ارتفاع تقریباً ۱۰ تا ۱۷ کیلومتر تا کف میان سپهر در ارتفاع تقریباً ۵۰ کیلومتر ادامه می‌یابد

پوسیدگی گلگاه blossom-end rot

[کشا. باغ.] عارضه‌ای ناشی از کمبود کلسیم و آبیاری نامنظم و دمای زیاد که به صورت لکه‌های کوچک آبگز در گلگاه میوه گیاهان ایجاد می‌شود؛ این لکه‌ها بعداً قهوه‌ای و خشک می‌شوند

پوش آذین (a)estivation 1, prefloration

[زیست.] آرایش پوشش گل در غنچه

پوشانش، پوشش دهی coating 1

[م. پلیمر] رنگ [فرایند تشکیل دادن پوشه بر سطح

پوشانش پرده‌ای curtain coating

[م. پلیمر] رنگ [یکی از روشهای پوشانش سطح با رزین یا محلول یا تعلیق یا نامیزه رقیق که در آن، زیرآیند (substrate) به صورت عمود بر پرده یا آبشاری فروریزنده، از آن عبور می‌کند؛ آهنگ شارش مایع فروریز و سرعت خطی زیرآیند بر ضخامت پوشش تأثیر می‌گذارد

پوشانش غرقه‌ای dip coating, dipping

[م. پلیمر] رنگ [قرار دادن ماده پوششی بر سطح قطعه با فرو بردن آن در ظرف حاوی ماده پوششی

پوشانش غلتکی roller coating

[م. پلیمر] رنگ [فرایندی که در آن، ماده پوششی به صورت مکانیکی بر ورق فلزی میان دو غلتک قرار می‌گیرد. یکی از این غلتکها با فیلمی از ماده پوششی مایع پوشانده می‌شود

پوشش coating 2

[مخابرات] بازه‌ای زمانی در هر تپ/پالس که از تپ/پالس زمان خیز تا آغاز زمان فرود سپری می‌شود

broad-leaved پهن‌برگ
[کنا، باغ.] ویژگی گیاهی که دارای پهنک برگ گسترده است

MMS message پیام چندرسانه‌ای
[مخابرات] نوعی پیام کوتاه که علاوه بر نوشتار، صوت و تصویر و ویدئو را هم در بر می‌گیرد

messenger پیام‌رسان
[رایانه و فن.] نرم‌افزاری برای استفاده از خدمات پیام‌رسانی فوری

instant messaging پیام‌رسانی فوری
[رایانه و فن.] نوعی ارتباط سریع بین دو یا چند نفر متصل به یک شبکه از طریق حروف‌نگاری

instant message پیام فوری
[رایانه و فن.] پیامی که به سرعت بین دو یا چند نفر متصل به یک شبکه از طریق حروف‌نگاری ردوبدل شود

پیامک ← پیام کوتاه

SMS message 1, short message پیام کوتاه، پیامک
[مخابرات] پیامی که از طریق خدمات پیام کوتاه ارسال می‌شود

stratospheric پوشن سپهری
[ع. جو] مربوط به پوشن سپهر

coat پوشه
[م. پلیمر] رنگ [لایه‌ای پیوسته از ماده‌ای پوششی که طی یک مرحله روی شیء قرار می‌گیرد]

dipcoat پوشه غرقه‌ای
[م. پلیمر] رنگ [پوششی همه‌گیر و کامل که با فروبردن قطعه در ظرف حاوی ماده پوششی مایع بر آن تشکیل می‌شود]

پهلוגاه ← پهلוגاه ویژه اتوبوس

bus bay پهلוגاه ویژه اتوبوس، پهلוגاه
[ح. شهری] انشعاب یا قسمت عریض شده‌ای از راه که به اتوبوسها امکان می‌دهد، بدون این‌که مزاحم جریان شدآمد شوند، برای سوار شدن یا پیاده کردن مسافر توقف کنند

bank پهلوگرد
[ح. هوایی] غلت هواگرد با زاویه‌ای محدود که معمولاً برای دور زدن انجام می‌شود

banking پهلوگردی
[ح. هوایی] عمل غلتاندن هواگرد به صورت پهلوگرد

پهنای قطار پالس ← پهنای قطار تپ

پهنای قطار تپ، پهنای قطار پالس
pulse train duration

**early warning,
tactical warning****پیش‌اخطار**

[ع. نظامی] اعلام خطر رادار زمینی یا رادار پرنده و ایستگاههای شنود مبنی بر احتمال حمله هوایی یا موشکی دشمن از فاصله دور

antecedent 1**پیش‌ایند**

[موسیقی] عبارت اول در یک جمله دو قسمتی که با عبارت دوم حل یا تکمیل می‌شود

pre-production**پیش‌تولید**

[سینما و تلو.] مرحله‌ای از فرایند تولید که در آن کلیه مقدمات و لوازم و تجهیزات تهیه فیلم فراهم می‌شود

prodelta**پیش‌دلتا**

[زمین.] بخشی از دلتا که در زیر ژرفای مؤثر فرسایش امواج قرار گرفته است

progression**پیشروی**

[موسیقی] حرکت از یک نت یا آکورد به یک نت یا آکورد دیگر در مبانی هارمونی

cadential progression**پیشروی فرودی**

[موسیقی] پیشروی آکوردها که منجر به فرود می‌شود

melodic progression**پیشروی لحنی**

[موسیقی] حرکت از یک نت به نت دیگر در مبانی هارمونی

sequence**پیایند**

[موسیقی] عبارتی شامل یک قالب لحنی یا هارمونیک (harmonic) و تکرار آن در درجات بالاتر یا پایین‌تر

melodic sequence**پیایند لحنی**

[موسیقی] یک الگوی لحنی که در سطوح مختلف نغمگی (pitch levels) حداقل سه بار با نظم خاص ظاهر می‌شود

sequential**پیاینده**

[موسیقی] منسوب به پیایند

eddy**پیچک**

[ع. جو] عنصری از شماره که هویت و عمر خاص خود را دارد و انرژی خود را از شارش اصلی می‌گیرد

**stationary eddies,
standing eddies****پیچکهای مانا**

[ع. جو] مؤلفه میانگین زمانی یا ناوردای زمانی میدان پیچک

presbyope**پیرچشم**

[بزشکی] شخص دچار پیرچشمی

presbyopia**پیرچشمی**

[بزشکی] دوربینی و اختلال دید بر اثر بالا رفتن سن، که در آن با از دست رفتن تدریجی خاصیت ارتجاعی عدسی چشم، قدرت تطابق کم می‌شود

در کشت مصنوعی تولید می‌شود

callusing پینه‌زایی
[کشا. > باغ.] تولید یاخته‌های پارانشیمی نامتمايز
در کشت بافت

پیوستگاه ← پیوستگاه همساز

triple junction پیوستگاه سه‌گانه
[زمین.] نقطه اتصال سه صفحه سنگ‌کره‌ای

discordant junction پیوستگاه ناهم‌ساز
[زمین.] محل به هم پیوستن دو رود یا دو دره که
در محل اتصال هم‌سطح نیستند

accordant junction, concordant junction پیوستگاه هم‌ساز، پیوستگاه
[زمین.] محل به هم پیوستن دو رود یا دو دره که
در محل اتصال هم‌سطح هستند

bonding 1 پیوند ۱
[روان.] فرایندی که در طی آن والدین و فرزند از
نظر عاطفی به یکدیگر وابسته می‌شوند

association پیوند ۲
[ریاضی.] مفهومی عام برای بیان رابطه بین دو یا چند
متغیر که معمولاً در مورد متغیرهای کیفی به کار می‌رود

پیوند ۳ ← پیوندزنی

tie coat پیوندپوشه
[م. پلیمر > رنگ] پوشه واسطی که پوشه‌های

upbeat, anacrusis, pick up پیش‌ضرب
[موسیقی.] ضرب ضعیفی که قبل از ضرب قوی
میزان اول یک قطعه یا عبارت می‌آید

cadenza پیش‌فرو
[موسیقی.] بخش انتهایی قسمت اول کنسرتوی
کلاسیک یا روماننتیک که در آن تکنواز بدون
همراهی ارکستر و غالباً به صورت بداهه به
هنرنمایی می‌پردازد

earthquake precursors پیش‌نشانگرهای زمین‌لرزه
[ژئوفیزیک] پدیده‌هایی که پیش از وقوع زمین‌لرزه
رخ می‌دهند

airframe پیکر
[ح. هوایی] مجموعه هواگرد به‌علاوه ارایه
فرو، به استثنای موتور یا موتورهای و
سامانه‌ها و تجهیزات و تسلیحات و اقلام
برداشتنی

figurine پیکرک
[هنر. تج.] پیکره کوچک انسان

polarographic cell پیل قطبش‌نگاشتی
[شیمی.] ابزاری برای تجزیه قطبش‌نگاشتی یک
محلول الکترولیت

callus پینه
[کشا. > باغ.] بافت پارانشیمی که در نتیجه ترمیم
زخم روی گیاه و همچنین یاخته‌های تمایز نیافته

graft union

پیوندگاه

متفاوت را به یکدیگر پیوند می‌دهد

[کشا. > باغ.] محل اتصال پایه و پیوندک

repair grafting

پیوند ترمیمی

[کشا. > باغ.] پیوندی که برای ترمیم قسمتهای

آسیب‌دیده تنه درخت به کار می‌رود

approach grafting,
grafting by approach

پیوند مجاورتی

[کشا. > باغ.] نوعی چوپيوند که در آن به دلیل

جوش نخوردن پیوندگاه دو گیاه مستقل، پایه و

پیوندک نزدیک به هم کاشته می‌شوند و پس از

جوش خوردن، بخش بالایی پایه و بخش پایینی

پیوندک قطع می‌شود

grafting 1, graftage, ۳
graft

[کشا. > باغ.] ایجاد گیاه جدید از ترکیب

بخشهایی از دو یا چند گیاه مختلف

binder

پیونده

[م. پلیمر > رنگ] رزین یا ماده چسبناکی که از آن

برای نگه داشتن ذرات در کنار هم و ایجاد

یکنواختی و استحکام مکانیکی و پیوند آنها به

سطح استفاده می‌شود

double working

پیوندزنی دوگانه

[کشا. > باغ.] قرار دادن میان پایه بین پایه و پیوندک

با انجام دو پیوند جداگانه

triple bond

پیوند سه گانه

[شیمی] پیوندی که از اشتراک سه زوج الکترون،

بین دو اتم به وجود می‌آید

hydrogen bond

پیوند هیدروژنی

[شیمی] نوعی برهم‌کنش الکترواستاتیکی میان

مولکولهایی که در آن، اتم هیدروژن به اتم

الکترون کشان متصل شده است

three-center bond

پیوند سه مرکزی

[شیمی] نوعی پیوند در مولکولی که بین سه اتم آن

یک زوج الکترون مشترک است

dative bond,

پیوند یکسویه

coordinate bond, coordinate valence

[شیمی] پیوند شیمیایی بین دو اتم که در آن، یکی

از دو اتم، زوج الکترون مشترک را تأمین می‌کند

scion, cion

پیوندک

[کشا. > باغ.] جوانه یا بخشی از شاخه با یک یا

چند جوانه که روی پایه قرار داده می‌شود و بخش

هوایی گیاه پیوندی را تشکیل می‌دهد

ت

تابع پیوسته continuous function
[ریاضی] تابعی که در هر نقطه از دامنه‌اش پیوسته باشد

تابع جمعی additive function
[ریاضی] تابعی که عمل جمع را حفظ کند، یعنی
همواره $f(x+y) = f(x)+f(y)$

تابع خودهمبستگی

autocorrelation function
[ریاضی] در بافتار کنترل کیفیت کالاها، آماره‌ای که برای پذیرفتن کالایی طبق استاندارد به کار می‌رود

تابع زیرجمعی superadditive function
[ریاضی] تابعی مانند f به گونه‌ای که به ازای هر x ،
در دامنه f ، $f(x+y) \geq f(x)+f(y)$

تابع زیرجمعی subadditive function
[ریاضی] تابعی مانند f به گونه‌ای که به ازای هر x ،
در دامنه f ، $f(x+y) \leq f(x)+f(y)$

تابع مجموعه‌ای set function
[ریاضی] تابعی که دامنه آن گردایه‌ای (collection) از مجموعه‌هاست

تابستان خوابی (a)estivation 2, summer dormancy, torpidity

[زیست.] مجموعه تغییراتی که بر اثر گرما و خشکی در بعضی از موجودات زنده رخ می‌دهد و آنها را به حالت رخوت فرومی‌برد

تابستانی (a)estival 1
[زیست.] ویژگی آن دسته از پدیده‌های مربوط به نمو که در فصل تابستان اتفاق می‌افتد

تابش پزی radiation curing
[م. پلیمر] رنگ ایجاد پیوند عرضی (cross-link) و پخت بسیاری به کمک تابش فرابنفش یا ریزموج (microwave) یا باریکه‌های الکترونی

تابش جسم سیاه blackbody radiation
[فیزیک] تابشی که از جسم سیاه آرمانی گسیل می‌شود و توزیع انرژی فقط به دمای جسم بستگی دارد

تابش گرمایی heat radiation, thermal radiation
[فیزیک] گسیل موج الکترومغناطیسی که عمدتاً در ناحیه فروسرخ باشد

**blackout system,
black clothing**

تاریک‌سازی

[کشا. > باغ.] پوشاندن گیاهان روزکوتاه با پارچه یا پلاستیک سیاه به منظور کوتاه کردن طول روز و برانگیختن گلدهی در آنها

asymmetric tactic

تاکتیک ناهمگون

[ع. نظامی.] هنر به کارگیری نیروها و تجهیزات در نبردهایی که طرف مقابل دارای توانمندیهای بیشتری باشد

subsidized taxi

تاکسی یارانه‌ای

[ح. شهری.] نوعی تاکسی که کرایه آن نسبت به تاکسیهای دیگر پایین‌تر است و مابه‌التفاوت نرخ آن از طرف دولت به شرکت طرف قرارداد پرداخت می‌شود

successor, consequent 2

تالی

[ریاضی.] ۱. عدد صحیحی که بلافاصله بعد از یک عدد صحیح مفروض می‌آید ۲. گزاره دوم یک استلزام منطقی

immediate successor

تالی بلافصل

[ریاضی.] عددی طبیعی که یک واحد بزرگتر از عدد طبیعی مفروض باشد

circumpolar vortex

تاوه پیراقطبی

← تاوه قطبی

polar votrex

تاوه قطبی

[ع. جواگردش چرخندی با مقیاس سیاره‌ای، معمولاً متمرکز در منطقه قطبی، در گستره‌ای از وردسپهر میانی تا پوشن سپهر

additive set function, finitely additive set function

[ریاضی.] یک تابع مجموعه‌ای که در آن مقدار تابع در اجتماعی متناهی از مجموعه‌های مجزا برابر با مجموع مقادیر تابع در هریک از آن مجموعه‌هاست

تابع مطلقاً پیوسته

absolutely continuous function

[ریاضی.] تابعی حقیقی یا مختلط بر بازه $[a, b]$ ، با این ویژگی که به ازای هر عدد مثبت ε عدد مثبت δ یافت شود، به طوری که به ازای هر گرداییه (collection) متناهی از زیربازه‌های باز و مجزای $[a, b]$ ، اگر مجموع طول این بازه‌ها از δ کمتر باشد، آنگاه مجموع قدرمطلقهای تفاضل مقادیر تابع در نقاط انتهایی این بازه‌ها از ε کمتر باشد

complementary function

تابع مکمل

[ریاضی.] هر جواب معادله دیفرانسیل خطی همگن متناظر با یک معادله خطی ناهمگن مفروض

ad infinitum

تا بی‌نهایت

[ریاضی.] ادامه دنباله‌ای بی‌پایان، طبق قاعده‌ای معین، که معمولاً با سه نقطه نمایش داده می‌شود

**date of posting,
date de dépôt (fr.)**

تاریخ پست‌سپاری

[مخابرات > پست] تاریخی که در آن مشتری مرسوله پستی را به باجه یا مأمور پست تحویل می‌دهد

racial discrimination تبعیض نژادی

[روان.] تبعیضی که نسبت به افراد یا گروه‌های نژادی خاص اعمال می‌شود

tropopause fold تای وردآیست

[ع. جو] تاشدگی محلی وردآیست بر فراز چرخندی قوی

pulse stuffing تپ‌افزایی، پالس‌افزایی

[مخابرات] گنجاندن تپ‌هایی/پالس‌هایی در یک قطار تپ/پالس برای هدفی خاص

تبخیر - تعریق ← برترادامش

stereoplotting, restitution تبدیل

[م. نقشه.] عملیات تصویرسنجی که به کمک دستگاه تبدیل بر پایهٔ برجسته‌بینی انجام می‌شود

bubble pulse تپ حباب

[ژئوفیزیک] رُمبش‌های پیاپی حباب حاصل از چشمهٔ لرزه‌ای در آب

phase transformation تبدیل حالت

[فیزیک] تغییر ماده از حالتی به حالت دیگر

empiricist تجربه‌گرا

[روان.] فرد یا مکتبی که پیرو تجربه‌گرایی است

تبدیل همنهشتی

empiricism تجربه‌گرایی

[روان.] باور به اینکه رفتار در نتیجهٔ تجربهٔ آموخته می‌شود

congruence transformation

[ریاضی] تبدیل هر ماتریس A به ماتریسی به صورت SAS^T که در آن S ناکین است (S^T ترانپوذهٔ S است)

sorting, tri (fr.) تجزیه

[مخابرات] تفکیک دستی و مکانیکی مرسولات بر اساس مقصد و نشانی گیرنده یا مشخصه‌های دیگر

discrimination تبعیض

[روان.] برخورد غیرعادلانهٔ ناشی از پیشداوری و تعصب نسبت به برخی افراد براساس معیارهای قومی و جنسی و نژادی و دینی

structural analysis تجزیهٔ ساختی

← توصیف ساختی

social discrimination تبعیض اجتماعی

[روان.] تبعیضی که براساس عوامل آشکاری چون قومیت یا نژاد یا پایگاه اجتماعی است

تجزیهٔ قطبش‌نگاشتی

polarographic analysis

[شیمی] یک روش الکتروتجزیه که جریان را در پیل برق‌کافتی به صورت تابعی از پتانسیل اعمالی می‌سنجد

sexual discrimination تبعیض جنسی

[روان.] تبعیضی که برحسب جنسیت افراد صورت می‌گیرد

double bed**تخت دونفره**

[گردشگری] تخت خواب معمولی برای دو نفر با ابعاد تقریبی 190×140 سانتیمتر

queen size bed, queen bed تخت متوسط

[گردشگری] تختی دونفره، بزرگتر از تختهای دونفره معمولی و کوچکتر از تختهای بزرگ، با ابعاد 200×150 سانتیمتر

"Z" bed**تخت میزشو، میزشو**

[گردشگری] نوعی تخت تاشو و متحرک که قابل تبدیل به میز است

boulder**تخته سنگ**

[زمین] قطعه سنگی با قطر بیشتر از ۲۵۶ میلی متر

single bed**تخت یک نفره**

[گردشگری] نوعی تخت خواب مخصوص یک نفر با ابعاد تقریبی 190×90 سانتیمتر

frequency allocation**تخصیص بسامد**

[مخابرات] تعیین بخشی از طیف بسامد رادیویی برای کاربردی مجاز

تخصیص تصادفی ← تخصیص تصادفی سفر**تخصیص تصادفی سفر، تخصیص تصادفی****stochastic trip assignment**

[ح. شهری] فرایند تخصیص سفری که سفرها را براساس تفاوت‌های زمان سفر در مسیرهای

food analysis**تجزیه مواد غذایی**

[نگذیه و صنایع] شناسایی و اندازه‌گیری ترکیبات مواد غذایی با استفاده از روشهای شیمیایی و زیست‌شیمیایی و فیزیکی - شیمیایی

تجزیه و تحلیل کارکرد جنگل**forest function analysis**

[م. منابع] جنگل | بررسی کمی و کیفی کلیه تولیدات و خدمات یک جنگل

regression analysis**تحلیل وایزشی**

[ریاضی] تحلیل ارتباط بین میانگین یک متغیر تصادفی موسوم به پاسخ با یک یا چند متغیر موسوم به تبیین‌گر یا پیشگو به صورت یک معادله ریاضی به طوری که بتوان میانگین پاسخ را به ازای مقداری معین از پیشگو برآورد کرد و میزان تأثیر هر پیشگو را بر پاسخ ارزیابی کرد

king size bed, king bed, royal bed**تخت بزرگ**

[گردشگری] تختی دونفره، بزرگتر از تختهای دونفره معمولی، با ابعاد تقریبی 200×190 سانتیمتر

bunk beds**تخت دو طبقه**

[گردشگری] دو تخت خواب که یکی بالای دیگری قرار دارد و معمولاً در مهمانخانه‌ها/ هتلها برای استفاده کودکان است

twin bed**تخت دو قلوی**

[گردشگری] دو تخت خواب یک نفره که در کنار هم در یک اتاق خواب قرار دارند

مختلف، و نه براساس کوتاهترین زمان سفر، توزیع می‌کند

تخصیص ظرفیتی ← تخصیص ظرفیتی سفر

تخصیص ظرفیتی سفر، تخصیص ظرفیتی
capacity restraint trip assignment

[ح. شهری] فرایندی تکراری که در آن حجمی از شدآمد را به یک مسیر، با توجه به ظرفیت آن و مطابق با سرعت و حجم و چگالی آن مسیر، اختصاص می‌دهند

تخصیص فزاینده ← تخصیص فزاینده سفر

تخصیص فزاینده سفر، تخصیص فزاینده
incremental trip assignment

[ح. شهری] روشی در تخصیص سفر که در آن با افزایش میزان ثابتی از تردد و تنظیم سرعت‌های رابط، تعادل جریان را تخمین می‌زنند تا روابط میان سرعت و حجم و چگالی را منعکس کند

تخصیص قطعی ← تخصیص قطعی سفر

تخصیص قطعی سفر، تخصیص قطعی
deterministic trip assignment

[ح. شهری] فرایندی از تخصیص سفر که بدون دخالت عوامل احتمالی، همواره برای درون داده‌های یکسان، برون داده‌های یکسان به دست می‌دهد

تخصیص مسافت-زمانی ← تخصیص
مسافت-زمانی سفر

تخصیص مسافت-زمانی سفر، تخصیص
diversion trip assignment

[ح. شهری] روشی در تخصیص سفر که در آن بر اساس زمان یا فاصله مربوط (یا هر دو) سفرها را به مسیرهای مختلف اختصاص می‌دهند

تخصیص نسبی ← تخصیص نسبی سفر

تخصیص نسبی سفر، تخصیص نسبی
proportional trip assignment

[ح. شهری] هر نوع تخصیص سفر به جز تخصیص سفر همه یا هیچ

تخصیص همه یا هیچ ← تخصیص همه یا هیچ سفر

تخصیص همه یا هیچ سفر، تخصیص همه یا
all-or-nothing trip هیچ

[ح. شهری] نوعی تخصیص سفر که در آن، سفرهای بین دو حوزه فقط به یک مسیر بین آنها، که معمولاً بر اساس حداقل زمان سفر انتخاب می‌شود، اختصاص می‌یابد

تخلیه جرقه‌ای
spark discharge ← جرقه

تخلیه گازی
gas discharge

[فیزیک] عبور جریان الکتریکی از گاز بر اثر حرکت یون‌هایی که از برخورد الکترون‌ها با ذرات گاز به وجود می‌آیند

تداخل تابشی
radiated interference

[مخابرات] تداخل در بسامد رادیویی ناشی از گسیلهای تابشی

تدوینگر جلوه‌های صوتی

sound effects editor

[سینما و تلو.] متخصص تدوین جلوه‌های صوتی

تدوینگر صدا

sound editor

[سینما و تلو.] مسئول تدوین باند صدای فیلم (soundtrack)

تدوینگر گفت‌وگو

dialogue editor

[سینما و تلو.] متخصص تدوین گفت‌وگوهای فیلم

تدوینگر موسیقی

music editor

[سینما و تلو.] فردی که در ویرایش و تنظیم موسیقی فیلم به آهنگساز کمک می‌کند

تراآلایی

transfection

[زیست.] وارد کردن قطعات دِنای (DNA) خارجی به درون سلولهای حیوانی برای مطالعه بیان ژن (gene expression)

تراپَر

transporter, carrier protein

[زیست.] پروتئین ناقل غشایی که با اتصال به گوهرمایه‌های (substrates) اختصاصی سبب عبور آنها از غشای یاخته می‌شود

تراپُرد

transport

[زیست.] جابه‌جایی مواد در سامانه‌های زیستی از خلال غشا، به‌ویژه غشای یاخته

تراپُرد پیرایاخته‌ای

paracellular transport

تراپُرد توده‌ای

bulk transport

[زیست.] فرایندی که در آن مواد محلول یا ذرات جامدی که به علت بزرگی قادر به عبور از غشای یاخته به روش پخش ساده یا تراپُرد فعال نیستند، با ایجاد فرورفتگی یا برجستگی در غشا وارد یاخته یا از آن خارج می‌شوند

تراپُرد غیرفعال

passive transport

[زیست.] فرایندی غیروابسته به انرژی که در آن یونها و مولکولها در جهت شیب الکتروشیمیایی از خلال غشای یاخته عبور می‌کنند

تراپُرد فعال

active transport

[زیست.] فرایندی وابسته به انرژی که در آن یونها یا مولکولها در خلاف جهت شیب الکتروشیمیایی از خلال غشای یاخته عبور می‌کنند

ترادَمِش، تعرق

transpiration 1

[زیست.] خروج آب به صورت بخار از سطح گیاه

تراز تغذیه

trophic level

[زیست.] هر یک از سطوح انتقال غذا و انرژی در درون یک زنجیره غذایی یا هرم غذایی

اثر نیروهای هیدرودینامیکی از دیواره مویرگها خارج شده باشد

supraspecific level **تراز فراگونه‌ای**
[زیست]. ترازوی در سلسله‌مراتب رده‌بندی که بالاتر از گونه قرار دارد

translocation 1 **تراسپاری ۱**
[زیست]. حرکت آب و مواد معدنی و آلی از یک بخش به بخش دیگر گیاه

intraspecific level **تراز فروگونه‌ای**
[زیست]. ترازوی در سلسله‌مراتب رده‌بندی که پایین‌تر از گونه قرار دارد

translocation 2 **تراسپاری ۲**
← تراسپاری فام‌تنی

reference level **تراز مرجع**
← سطح مبنا

chromosomal translocation **تراسپاری فام‌تنی**
[زیست]. تبادل قطعات فام‌تنی فام‌تنهای ناهمساخت (nonhomologous)

Eötvös balance **ترازوی اوتوش**
← ترازوی پیچشی

stand age density **تراکم سن توده**
[م. منابع]. جنگل] میزان انبوهی سن توده

torsion balance **ترازوی پیچشی**
[ژئوفیزیک] دستگاهی برای اندازه‌گیری مشتقهای دوم پتانسیل

transmission 1 **تراگسیل**
[زیست]. انتقال تکانه (impulse) از یک یاخته عصبی به یاخته عصبی دیگر از خلال همابه (synapse)

Eötvös torsion balance **ترازوی پیچشی اوتوش**
← ترازوی پیچشی

transposition **ترانهش**
[زیست]. فرایند بریده شدن ترانهشه از محل اصلی و جابه‌جایی آن در دِنای هدف (target DNA)

transudation 1 **ترازهش**
[زیست]. عبور مایع از خلال غشا، به ویژه عبور خون از دیواره مویرگها

transposon, mobile genetic element, genetic selfish element, transposable element, mobile element, jumping gene, transposon-like element **ترانهشه**

transudatory **ترازهشی**
[زیست]. مربوط به ترازهش

[زیست]. هر قطعه از دِنای (DNA) که بتواند درون ژنگان (genome) جابه‌جا شود

transudate, transudation 2 **ترازه**
[زیست]. مایعی که از خلال غشا عبور کرده یا بر

detonator

ترقه خط

[ح. ریلی] ابزاری که در مواقع اضطراری، به هنگام عبور چرخ قطار از روی آن، با ایجاد انفجاری کوچک، راننده را از خطر آگاه می‌کند

wet-bulb depression

ترکاستی

[ع. جو] اختلاف بین دمای خشک و دمای تر در یک بسته‌ هوا

carbocyclic compound

ترکیب حلقه کربنی

[شیمی] ترکیبی حلقوی که تمام اتمهای حلقه آن کربن اند

propeller brake

ترمز ملخ

[ح. هوایی] ترمزی که باعث توقف چرخش ملخ پس از خاموشی موتور می‌شود

ornamentation

تزئین

[هنر. تجر.] افزودن عناصر تزئینی بر یک سطح (فضای دوبعدی) برای زیباتر کردن آن

تشدید پادفرومغناطیسی

antiferromagnetic resonance

[فیزیک] تشدید مغناطیس در مواد پادفرومغناطیسی هنگامی که در میدان مغناطیسی چرخان قرار می‌گیرند

تشدید فیزی مغناطیسی

ferrimagnetic resonance

[فیزیک] تشدید مغناطیسی هر ماده فیزی مغناطیسی

scareware

ترس افزار

[رایانه و فن.] نرم‌افزاری که تنها برای ایجاد نگرانی یا ترس در کاربر ناآگاه طراحی می‌شود

secretion

ترشح

[زیست.] ۱. فرایندی که در آن برخی یاخته‌ها و غده‌ها (glands) موادی با اثر کاراندام‌شناختی خاص را تولید می‌کنند و با پخش مستقیم یا از طریق مجرای به بیرون می‌رانند ۲. ماده‌ای با اثر کاراندام‌شناختی خاص که برخی یاخته‌ها و غده‌ها تولید و خارج می‌کنند

secretor 1

ترشح ساز

[زیست.] شخصی که در بزاق یا دیگر ترشحات بدن وی پادگنهای گروههای خونی ABO یافت می‌شود

secrete

ترشح کردن

[زیست.] عمل تولید و خروج موادی با اثر کار اندام‌شناختی خاص از برخی یاخته‌ها و غده‌ها (glands)

secretory

ترشحي

[زیست.] مربوط به ترشح

flat sour spoilage,
flat sour, F.S.S.

ترشیدگی بی نشان

[تغذیه و صنایع.] نوعی فساد در مواد کنسروی که بر اثر فعالیت باکتریها ایجاد می‌شود، ولی گاز تولید نمی‌شود و در نتیجه دو سر قوطی صاف و بدون بادکردگی است

ترقه ← ترقه خط

تشکیل پیوند

bonding

[شیمی] اتصال اتمها به هم برای تشکیل مولکول یا نمک بلورین

تشکیل فرسته

establishment of mails, création des dépêches (fr.)

[مخابرات] «پست» مجموع مراحل چهارنخ کردن مرسوله‌ها و بسته‌بندی و بستن کیسه‌ها و پلمب کردن و آماده‌سازی برای ارسال

تشکیل هویت

identity formation

[روان.] فرایند کسب شخصیتی منسجم و باثبات و بالیده (mature) بر مبنای تجارب مثبت پیشین

تصحیح زمینگان

terrain correction, topographic correction

[ژئوفیزیک] تصحیح داده‌های گرانی به سبب نابرابری ارتفاع ایستگاه با مناطق اطراف

تصحیح هوازدگی

weathering correction

[زمین.] گونه‌ای تصحیح در اکتشاف لرزه‌ای که بر روی داده‌ها اعمال می‌شود

تصفیه اولیه

primary treatment

[م. محیط.] عملیات فیزیکی مثل آشغال‌گیری و ته‌نشینی برای حذف جامدات شناور و جامدات قابل ته‌نشینی از فاضلاب

تصفیه تکمیلی فاضلاب
treatment, advanced waste treatment, advanced treatment, tertiary treatment

[م. محیط.] هرگونه فرایند تصفیه فیزیکی یا

شیمیایی یا زیستی که برای دستیابی به تصفیه بیشتری نسبت به تصفیه ثانویه به کار می‌رود

تصفیه ثانویه

secondary treatment

[م. محیط.] مرحله دوم اکثر سامانه‌ها تصفیه فاضلاب که در آن، ریزاندامگانها مواد آلی موجود در فاضلاب را مصرف می‌کنند؛ این عمل از طریق تماس فاضلاب با اکسیژن صورت می‌گیرد

تصویر

figure

[هنر. تجر.] تجسم شکل ظاهری و حرکت اجسام و اندامها

تصویربردار

camera operator 1, cameraman 1

[سینما و تلو.] در تلویزیون، شخصی که در فرایند تولید فیلم وظیفه تصویربرداری را بر عهده دارد و معمولاً زیر نظر مدیر تصویربرداری کار می‌کند

تصویرسنج

photogrammetrist

[م. نقشه.] کارشناس و متخصص امور تصویرسنجی

تصویرسنجی

photogrammetry

[م. نقشه.] دانش و فناوری استخراج اطلاعات مربوط به زمین و محیط پیرامون آن از تصاویر گرفته شده یا حسگرهای دیگر از طریق اندازه‌گیری و پردازش و تحلیل و نمایش آنها

تصویرسنجی برد کوتاه

close range photogrammetry

[م. نقشه.] شاخه‌ای از تصویرسنجی که در آن

تصویرسنجی فضایی، space photogrammetry، satellite photogrammetry

[م. نقشه.] شاخه‌ای از تصویرسنجی که در آن از سکوهای فضایی برای عکسبرداری استفاده می‌شود

تصویرسنجی قیاسی

analogue photogrammetry

[م. نقشه.] از روشهای تصویرسنجی که در آن از دستگاههای قیاسی استفاده می‌شود

تصویرسنجی معماری

architectural photogrammetry

[م. نقشه.] شاخه‌ای از تصویرسنجی که به اندازه‌گیری و ارزیابی آثار معماری و میراث فرهنگی می‌پردازد

تصویرسنجی نیمه‌تحلیلی

semi-analytical photogrammetry

[م. نقشه.] روشی در تصویرسنجی که در آن از دستگاههای قیاسی ارتقایافته و مجهز به ابزارهای رایانه‌ای استفاده می‌شود

تصویرسنجی هوایی

aerial photogrammetry

[م. نقشه.] شاخه‌ای از تصویرسنجی که در آن از ماهواره یا هواگرد برای عکسبرداری از زمین استفاده می‌شود

figuration

تصویرگری

[هنر. تجر.] عمل تصویر کردن آنچه در طبیعت وجود دارد

عکسبرداری با دوربینی که در فاصله چندمیلی‌متری تا چندصدمتری شیء قرار دارد، انجام می‌شود

تصویرسنجی پزشکی

medical photogrammetry

[م. نقشه.] بخشی از تصویرسنجی که به اندازه‌گیری و ارزیابی اندامهای انسان و عوارض مربوط به آنها می‌پردازد

تصویرسنجی تحلیلی

analytical photogrammetry

[م. نقشه.] از روشهای تصویرسنجی که در آن از شیوه‌های تحلیلی استفاده می‌شود

تصویرسنجی رقمی، digital photogrammetry، soft copy photogrammetry، soft copy

[م. نقشه.] شاخه‌ای از تصویرسنجی که در آن تصویر ورودی و داده‌های خروجی و پردازشها رقمی هستند

تصویرسنجی زمینی

terrestrial photogrammetry

[م. نقشه.] از روشهای تصویرسنجی که در آن تصویربرداری از روی زمین انجام می‌شود

تصویرسنجی صنعتی

industrial photogrammetry

[م. نقشه.] شاخه‌ای از تصویرسنجی که به اندازه‌گیری دقیق و ارزیابی قطعات و سازه‌ها می‌پردازد

طرفهای ناسازگار و متخاصم	figurative	تصویری
protracted conflict		[هنر. تج.] هر اثر هنری که نمایانگر بخشی از طبیعت (گیاهی یا حیوانی یا انسانی) باشد
تعارض مستمر		
[ع. سیاسی] تعارضی که سالیان متمادی ادامه دارد		
conflictual	accommodation	تطابق
تعارضی		[پزشکی] تغییر فاصله کانونی چشم که در نتیجه تغییر شکل عدسی ایجاد می شود و مشاهده اشیا را در فاصله های متفاوت امکان پذیر می سازد
[ع. سیاسی] مربوط به تعارض		
interaction	accommodometer	تطابق سنج
تعامل		[پزشکی] ابزاری برای اندازه گیری ظرفیت تطابقی چشم
[روان.] ارتباط متقابل میان دو یا چند فرد یا گروه یا سامانه		
interactionism	positive accommodation	تطابق مثبت
تعامل گرایی		[پزشکی] تطبیق چشم برای فاصله ای کوتاه به یاری انقباض ماهیچه مژگانی
[روان.] ۱. مدلی از شخصیت که طبق آن رفتار واقعی تابعی از فرایندهای مداوم و تعاملی و چندوجهی بین فرد و موقعیتهایی است که با آن روبه رو می شود ۲. دیدگاهی که طبق آن متغیرهای اجتماعی و خصایص فردی در تعیین رفتار اجتماعی فرد با یکدیگر تعامل دارند	absolute accommodation	تطابق مطلق
		[پزشکی] تطابق هر چشم به طور جداگانه، به نحوی که تحت تأثیر همگرایی یا رؤیت دوچشمی قرار نگیرد
interactional, interactive	negative accommodation	تطابق منفی
تعاملی		[پزشکی] تطبیق چشم برای فاصله های دور به یاری رها شدن ماهیچه مژگانی از انقباض
[روان.] مربوط به تعامل		
load shedding	accommodative	تطابقی
تعدیل بار		[پزشکی] مربوط به تطابق یا مؤثر بر آن
[ح. شهری] کاهش خدمات عادی جابه جایی مسافر در ساعات اوج از طریق تشویق به استفاده از حمل و نقل جنبی		
seasonal adjustments	conflict 1	تعارض
تعدیل فصلی		[ع. سیاسی] منازعه آشکار و غالباً مستمر بین
[گردشگری] تغییراتی که بر مبنای تحولات فصلی در آمار و اطلاعات اعمال می شود		

تعریق ← ترادُمیش

کارهای مهیج و خطرناک می‌پردازد

تعطیلات فرعی additional holiday

[گردشگری] تعطیلاتی علاوه بر تعطیلات اصلی، چنانچه فرد بیش از یک تعطیلات در طول سال داشته باشد

تعریق ۱ perspiration 1, sudation 1, sweating

[زیست.] عرق کردن در نتیجه فعالیت غدد عرق یا تبخیر آب از سطوح مرطوب بدن

تعطیل رسمی holiday 2

[گردشگری] روزی که بر اساس قانون یا سنت تعطیل است

تعریق ۲ ← زهش

تعریق محسوس sensible perspiration

[زیست.] تعریق ناشی از فعالیت غدد عرق

تغلیظ انجمادی freeze concentration

[تغذیه و صنایع.] یکی از روشهای تغلیظ مواد غذایی مایع که با جداسازی آب به صورت یخ تشکیل شده در مایع انجام می‌شود

تعریق نامحسوس insensible perspiration, transpiration 2

[زیست.] ازدست دادن آب به صورت بخار از سطوح مرطوب بدن، مانند پوست و درخت نایزه‌ای (bronchial tree)

تغییرات سده‌ای secular variation

[ژئوفیزیک] تغییرات چندصدساله در میدان مغناطیسی

تعریقی ← زهشی

تعطیلات holiday 1

[گردشگری] روز یا روزهایی که شخص شاغل کار نمی‌کند و به فراغت می‌گذراند

تغییرات سده‌ای زمین مغناطیسی

geomagnetic secular variation

← تغییرات سده‌ای

تغییر ساختی structural change

[زبان.] تغییرات عناصر نحوی حاصل از عملکرد یک گشتار در زبان‌شناسی زایشی

تعطیلات اصلی main holiday

[گردشگری] مهمترین تعطیلات فرد که با شاخصهای طول سفر و نزدیکی زمان سفر به فصل گردشگری تعیین می‌شود

تغییر فاز phase change

← تبدیل حالت

تعطیلات پرماجرا adventure holiday, adventure travel

[گردشگری] تعطیلاتی که در طی آن، گردشگر به

air gun تفنگ هوا [ژئوفیزیک] وسیله‌ای برای تخلیه هوای بسیار فشرده به درون آب	bagasse تفاله [کشاورزی] بقایای ساقهٔ نیشکر یا چغندر قند یا چائیر (sorghum) پس از خرد شدن و استخراج قند آن
approximation 1 تقریب [ریاضی] نتیجه‌ای که دقیق نیست، ولی برای منظور معینی به اندازهٔ کافی به نتیجهٔ درست نزدیک است	recreation تفریح [گردشگری] سپری کردن اوقات فراغت با فعالیتهای فرح‌بخش
approximate 1 تقریب زدن ۱ [ریاضی] به‌دست آوردن نتیجه‌ای که دقیق نیست، ولی برای منظور معینی به اندازهٔ کافی به نتیجهٔ درست نزدیک است	resort تفریحگاه [گردشگری] مکانی تفریحی برای گذراندن تعطیلات و پر کردن ایام فراغت گردشگران
approximation 2 تقریب زدن ۲ [ریاضی] شیوه‌ای برای به‌دست آوردن نتیجه‌ای که دقیق نیست، ولی برای منظور معینی به اندازهٔ کافی به نتیجهٔ درست نزدیک است	thermal resort تفریحگاه آب معدنی [گردشگری] شهرکی با چشمه‌های آب گرم معدنی برای درمان مراجعه‌کنندگان
approximate 2 تقریبی [ریاضی] مربوط به تقریب	ski resort تفریحگاه اسکی [گردشگری] شهرکی در نواحی کوهستانی که معمولاً اسکی‌بازان در آن اقامت می‌کنند
borrowed division تقسیم عاریتی [موسیقی] استفاده از تقسیمات سادهٔ ضرب در میزانهای ترکیبی یا استفاده از تقسیمات ترکیبی ضرب در میزانهای ساده یا استفاده از تقسیمات غیرمتعارف در هر نوع میزان	health resort تفریحگاه تندرستی [گردشگری] شهرکی با امکانات ویژه سلامت‌بخشی برای مراجعه‌کنندگان
segmentation تقطیع [زبان] برش زنجیرهٔ گفتار یا تجزیهٔ آن به واحدهای سازندهٔ آن	sea resort تفریحگاه ساحلی [گردشگری] شهرکی با امکانات تفریحی، واقع در ساحل دریا
segmentation تقطیع [زبان] برش زنجیرهٔ گفتار یا تجزیهٔ آن به واحدهای سازندهٔ آن	mountain resort تفریحگاه کوهستانی [گردشگری] شهرکی با امکانات تفریحی، واقع در مناطق کوهستانی

جنگلی و ایجاد چشم‌اندازی جدید در جنگل	تکانه زاویه‌ای angular momentum [فیزیک] گشتاور تکانه خطی ذره نسبت به یک نقطه
تکیه، تکیه واژه accent 1, stress [زبان.] برجستگی یک هجا یا واژه در زنجیره گفتار	تک‌بر uniporter [زیست.] نوعی پروتئین ناقل غشایی که سبب سهولت انتقال تنها یک نوع یون یا مولکول آب‌دوست (hydrophilic) در جهت شیب غلظت آن از خلال غشا می‌شود
تکیه‌ای accentual [زبان.] مربوط به تکیه	تک‌چهره portrait [هنر. تج.] بازنمایی چهره یا نیم‌تنه یا شکل کامل یک فرد به تنهایی
تکیه جمله sentence accent [زبان.] برجسته‌ترین واژه در سطح جمله	تک‌چهره‌نگار portraitist [هنر. تج.] کسی که به کار تک‌چهره‌نگاری می‌پردازد
تکیه‌دار accented [زبان.] ویژگی هجا یا واژه دارای تکیه	تک‌چهره‌نگاری portraiture [هنر. تج.] هنر بازنمایی چهره یا نیم‌تنه یا شکل کامل یک فرد به تنهایی
تکیه زیروبمی pitch accent [زبان.] واحد سازنده آهنگ جمله	تک‌وظیفگی single-tasking [رایانه و فن.] وضعیتی در برخی از سامانه‌های عامل که در آن فقط اجرای یک وظیفه در یک زمان امکان‌پذیر است
تکیه واژه word accent ← تکیه	تک‌وظیفه single task [رایانه و فن.] ویژگی برخی از سامانه‌های عامل که می‌توانند فقط یک وظیفه را در یک زمان اجرا کنند
تلفات مواد غذایی food losses [تغذیه و صنایع.] مواد هدررفته در مراحل تولید و نگهداری و توزیع و حمل‌ونقل و مصرف مواد غذایی	تکه تکه شدن جنگل، گسستگی جنگل forest fragmentation [م. منابع.] جنگل [قطعه‌قطعه شدن عرصه‌های
تلفن رادیویی radio telephone [مخابرات.] تلفنی که با سیگنالها/ نشانه‌های بسامد رادیویی کار می‌کند	
تلمبه واشویه backwash pump [م. محیط.] تلمبه‌ای برای انتقال آب واشویه به داخل صافی	

بر همه شئون فردی و اجتماعی کشور تسلط دارد

postage stamp,
timbre-poste (fr.)

تمبر پستی

[مخابرات « پست] تمبر کاغذی چسب‌دار که برای پرداخت هزینه خدمات پستی توسط ادارات پستی منتشر می‌شود و بر روی مرسولات پستی چسبانده می‌شود

commemorative postage stamp,
timbre-poste commémoratif (fr.)

[مخابرات « پست] نوعی تمبر پستی که نشان‌دهنده میراث فرهنگی و تاریخی پست کشورهاست

body awareness

تن آگاهی

[روان.] ادراک فرد از ساختار بدنی‌اش به‌منزله مؤلفه‌ای از تن‌انگاره

body image

تن‌انگاره

[روان.] تصویری ذهنی که فرد از بدن خود به‌عنوان یک کل دارد

metronome

تندانما

[موسیقی] وسیله‌ای برای نشان دادن تندای آثار موسیقایی

transit street

تندگذر

[ح. شهری] خیابان ویژه عبور وسایل نقلیه‌گذری

asperity

تنشگاه

[ژئوفیزیک] هر زون پرتنش در صفحه گسل

oil trap

تله نفتی

[زمین.] سدی متشکل از سنگ مخزن و لایه ناتراوای بالای آن که حرکت روبه‌بالای نفت یا گاز را سد می‌کند و باعث انباشته شدن آنها می‌شود

click 1

تلیک

[رایانه و فن.] ضربه‌ای که با انگشت بر روی دکمه اصلی موشی یا بر افزاره اشاره دیگری مانند لت لمسی می‌زنند

click 2

تلیک کردن

[رایانه و فن.] زدن ضربه با انگشت بر روی دکمه اصلی موشی یا بر افزاره اشاره دیگری

contact patch

تماسگاه

[ح. ریلی] بخش مشترک بین غلتش‌گاه ریل و غلتش‌گاه چرخ

rush viewing

تماشای روزانه‌ها

[سینما و تلو.] مرحله مشاهده و بازبینی روزانه‌ها توسط عوامل تولید

totalitarian

تمامی‌خواه ۱

[ع. سیاسی] مربوط به یا دارای ویژگیهای تمامی‌خواهی

totalitarianist

تمامی‌خواه ۲

[ع. سیاسی] معتقد به حکومت تمامی‌خواه

totalitarianism

تمامی‌خواهی

[ع. سیاسی] نوعی حکومت استبدادی متمرکز که

بوم‌سازگان دیگر که متعاقب تغییرات زمین‌شناختی و بوم‌شناختی و فصلی روی می‌دهد و تا رسیدن به پایداری نسبی، که به اوج موسوم است، ادامه پیدا می‌کند

ability توانایی
[روان.] قدرت یا استعداد یا ویژگی‌های دیگری که فرد را به انجام کاری قادر می‌سازد

power output, output power توان خروجی
[فیزیک] انرژی‌ای که در واحد زمان از هر تقویت‌کننده به جزء دیگری از مدار (مثل بلندگو) می‌رسد

instantaneous power output توان خروجی لحظه‌ای
[فیزیک] آهنگ انتقال انرژی به مصرف‌کننده در هر لحظه

combat power توان رزمی
[ع.] نظامی ترکیبی از عوامل فیزیکی و انسانی و سایر عوامل برای از بین بردن دشمن و انجام مأموریت در میدان جنگ

competence توانش
← توانش زبانی

communicative competence توانش ارتباطی
[زبان.] دانش زبان و کاربرد آن در بافت‌های ارتباطی

inelastic stress تنش ناکشسان
[فیزیک] تنشی فراتر از حد کشسانی ماده

marshalling yard, shunting yard تنظیم‌گاه
[ح. ریلی] محلی در ایستگاه که در آن قطار و بار پذیرفته و رده‌بندی می‌شوند و قطارهای جدید تشکیل و به مقصد موردنظر اعزام می‌شوند

diffusion respiration تنفس پخشی
[زیست.] مبادله گازهای تنفسی از غشای یاخته یا پوشش‌های تنفسی

thinningcrop-tree تنک کردن درخت چوب‌ده
[م. منابع] جنگل] نوعی تنک کردن که با هدف تقویت و اصلاح درختان چوب‌ده صورت می‌گیرد

claustrophobia تنگناهراسی
[روان.] احساس ترس شدید و غیرموجه از قرار گرفتن در مکان‌های بسته، مانند آسان‌بر و صندوق‌خانه

offshoot تنه جوش
[کشا.] باغ.] شاخه‌ای جانبی روی درختان تک‌لپه که معمولاً در محل پاهنگ / طوقه (crown) و گاهی روی تنه درخت پدیدار می‌شود

succession توالی
[زیست.] جانشینی پیاپی یک بوم‌سازگان با

توانش دستوری grammatical competence

← توانش زبانی

توانش زبانی linguistic competence

[زبان.] دانش زبانی گویشور یک زبان

توانش کاربردشناختی**pragmatic competence**

[زبان.] دانش کاربرد زبان در موقعیتهای مختلف

توان لحظه‌ای instantaneous power

[فیزیک] حاصل ضرب ولتاژ و جریان در هر لحظه

توانمندیها capabilities, abilities, possibilities

[ع. نظامی] قابلیت‌های لازم جهت اجرای راهکار تعیین شده برای هدفی ویژه

توانمندیهای پشتیبانی support capabilities

[ع. نظامی] توانمندیهایی که در پشتیبانی از عملیات رزمی به کار گرفته می‌شوند، مانند پشتیبانی آتش توپخانه، پشتیبانی آتش هوایی و عملیات هسته‌ای، میکروبی، شیمیایی، چریکی و روانی

توانمندیهای خودی own capabilities

[ع. نظامی] راهکارهایی که اجرای آنها توسط نیروهای خودی علیه نیروهای دشمن پیش‌بینی می‌شود و در سرنوشت عملیات مؤثر واقع می‌شود

توانمندیهای دشمن enemy capabilities

[ع. نظامی] راهکارهایی که دشمن در عمل قادر به اجرای آنهاست و در انجام مأموریت نیروهای

خودی تأثیر می‌گذارد؛ انواع توانمندیهای دشمن عبارتند از: توانمندیهای رزمایشی، توانمندیهای پشتیبانی، (مانند تک و پدافند)، توانمندیهای هسته‌ای، میکروبی، شیمیایی و عملیات چریکی

توانمندیهای هسته‌ای nuclear capabilities

[ع. نظامی] توانایی به کارگیری جنگ‌افزارهای هسته‌ای در پشتیبانی از نیروهای خودی در عملیات نیروی زمینی و دریایی و هوایی علیه نیروهای متخاصم

توپخانه پدافند هوایی air defense artillery

[ع. نظامی] جنگ‌افزارها و تجهیزاتی که از زمین علیه هدفهای هوایی دشمن به کار می‌روند

توپ‌وار Howitzer

[ع. نظامی] توپی با طول لوله متوسط، بین ۲۰ تا ۳۰ برابر کالیبرش، که خصوصیات توپ و خمپاره‌انداز را یکجا دارد

توجه attention

[روان.] تمرکز ذهن بر محرک یا محرکهای خاص و نادیده گرفتن محرکهای محیطی دیگر

توجه‌طلبی attention seeking

[روان.] هرگونه رفتاری که به منظور جلب تأیید و توجه دیگران صورت گیرد

توزیع بهنجار دومتغیره، توزیع نرمال دومتغیره**bivariate normal distribution**

[ریاضی] توزیع احتمالی جفتی از متغیرها که هریک دارای توزیع حاشیه‌ای بهنجار است

normal delivery, distribution générale (fr.)**توزیع عادی**

[مخابرات < پست] فرایندی که در آن انواع مرسولات پستی به وسیله یک نامهرسان مشخص توزیع می‌شود

stationary distribution**توزیع مانا**

[فیزیک] توزیع مستقل از زمان هر کمیت نرده‌ای

asymptotic distribution**توزیع مجانبی**

[ریاضی] صورت حدی (limit) توزیع احتمال وابسته به یک پارامتر، هنگامی که آن پارامتر به حدی، معمولاً بی‌نهایت، بگراید

توزیع نرمال دومتغیره**special delivery, distribution spéciale (fr.)****توزیع ویژه**

[مخابرات < پست] فرایند توزیعی که شامل همه انواع مرسولات پستی نمی‌شود، بلکه دربرگیرنده یک یا چند نوع مرسوله خاص است

care of ..., c/o, aux bons soins de... (fr.)**توسط**

[مخابرات < پست] عبارتی که در قسمت نشانی گیرنده نوشته می‌شود و نشان می‌دهد که مرسوله پستی باید به شخصی تحویل شود که نامش بعد از آن کلمه در نشانی آمده است

structural description, structural index**توصیف ساختی**

[زبان] در دستور زایشی، تجزیه یک زنجیره زبانی که از طریق قلاب‌گذاری برای عملکرد گشتار

posterior distribution, a posteriori distribution**توزیع پسینی**

[ریاضی] توزیع احتمال شرطی یک پارامتر به یک متغیر تصادفی به شرط مشاهده مقداری خاص از آن متغیر

prior distribution, a priori distribution**توزیع پیشینی**

[ریاضی] توزیع احتمالی که باورها و اطلاعات پیشین موجود یا مفروض درباره پارامتر را تا زمانی معین و پیش از گردآوری تجربی داده‌ها توصیف می‌کند

directional distribution**توزیع جهتی**

[ج. شهری] سهم هریک از جهت‌های جریان شدآمد در ساعت اوج یا طرح، که معمولاً برحسب درصد بیان می‌شود

توزیع دوجمله‌ای دومتغیره**bivariate binomial distribution**

[ریاضی] توزیع احتمالی جفتی از متغیرها که هریک دارای توزیع حاشیه‌ای دوجمله‌ای است

bivariate distribution**توزیع دومتغیره**

[ریاضی] توزیع توأم (joint distribution) یک زوج از متغیرهای (variates) تصادفی پیوسته یا ناپیوسته

lattice distribution**توزیع شبکه‌ای**

[ریاضی] توزیعی از یک متغیر گسسته که در آن مقدارهای ممکن مضربی از کمیتی هستند که وابسته به آن متغیر است

توقف

shut down 1

[رایانه و فن.] عمل متوقف کردن

نیروی قوی علیه نیرویی ضعیف

stub

ته‌رسید

[عمومی] قسمت باقی‌مانده از هر نوع قبض که مشخصات قبض صادرشده در آن آمده‌است

black end

ته‌سیاهی

[کشاورزی باغ.] عارضه‌ای در برخی از ارقام گلابی که به سیاه شدن بافت‌های گلگاه میوه می‌انجامد

producer

تهیه‌کننده

[سینما و تلویزیون] ۱. [د. سینما] شخصی که بودجه ساخت فیلم در اختیار او قرار می‌گیرد و مسئولیت هدایت تولید را بر عهده دارد ۲. [در تلویزیون] شخصی که مسئولیت تولید و آماده‌سازی برنامه‌ها را برای پخش بر عهده دارد

independent producer تهیه‌کننده مستقل

[سینما و تلویزیون] تهیه‌کننده‌ای که خارج از نظام استودیویی، فیلم تولید می‌کند

anticyclonic gloom تیرگی و اچرخندی

[ع. جو] پدیده دید کم همراه با اچرخند کاملاً شکل‌گرفته و تقریباً ساکن که بر اثر انباشتگی غبار و آلاینده‌های دیگر بین سطح زمین و وارونگی دمای وابسته به اچرخند ایجاد می‌شود

share, blade

تیغه

[کشاورزی زراعت.] قسمتی از بدنه گاوآهن برگردان‌دار (mould board plough) که در خاک فرومی‌رود و برشی افقی در زیر خاک ایجاد می‌کند

توقفگاه جنبی

fringe parking, peripheral parking

[ح. شهری] توقفگاهی که مستقیماً در حاشیه منطقه تجاری مرکزی شهر واقع شده و رانندگان می‌توانند خودروهای سواری خود را در آن بگذارند و بقیه مسیر را از طریق وسایل نقلیه عمومی طی کنند

توقفگاه دوردست

remote parking

[ح. شهری] تسهیلات توقفگاهی‌ای که فاصله آن از مرکز فعالیت بیش از آن است که بتوان پیاده طی کرد، و به وسیله وسایل نقلیه خطی به مرکز فعالیت متصل می‌شود

تولید

production

[سینما و تلویزیون] ۱. مجموعه مراحل آماده‌سازی و ساخت فیلم یا برنامه در سینما یا تلویزیون ۲. مرحله فیلمبرداری فیلم یا برنامه که بین دو مرحله پیش‌تولید و پس‌تولید قرار دارد

تولید مستقل independent production, indie 2

[سینما و تلویزیون] روند تهیه و تولید فیلم خارج از نظام اقتصادی سینمای رایج در هر دوره و عمدتاً با بودجه‌ای محدود

تهدید ناهمگون

asymmetric threat

[ع. نظامی] هر نوع عملیات یا تهدید از طرف

ث

ثابت افزار	firmware
[رایانه و فن.] نرم‌افزاری که به شکل ثابت در سخت‌افزار نصب می‌شود، اما معمولاً امکان روزآمدسازی آن نیز وجود دارد	
ثابت‌های اپتیکی	optical constants
[فیزیک] قسمت‌های حقیقی و موهومی ضریب شکست مختلط	
ثبات	register
[رایانه و فن.] نوعی حافظه برای ثبت موقت اطلاعات مربوط به عملیات درونی واحد پردازش مرکزی که معمولاً برای منظور خاصی در نظر گرفته می‌شود	
ثبات دی الکتریک	dielectric constant, relative permittivity
[شیمی] ملاکی برای اندازه‌گیری اثر محیط بر پتانسیل برهم‌کنش دو بار الکتریکی، که از طریق مقایسه ظرفیت یک خازن با حضور نمونه و نیز بدون حضور آن به دست می‌آید	
ثابت خروج	log off, sign out, log out
[رایانه و فن.] اعلام پایان کار با رایانه توسط کاربر فعال	
ثابت رطوبت‌سنجی، ثابت رطوبت‌سنجی	psychrometric constant
[ع. جر.] نسبت گرمای ویژه (Cp) هوای مرطوب	
ثبات همه‌منظوره	all-purpose register
[رایانه و فن.] ثبتانی که می‌تواند برای هر منظور به کار رود	
ثابت ورود	log on, sign in, log in
[رایانه و فن.] عمل شناساندن خود به سامانه رایانه‌ای یا شبکه برای استفاده از آن	
ثابت خود پروتون کافت	autoprotolysis constant
[شیمی] حاصل ضرب فعالیتها (یا به تقریب غلظتها)ی گونه‌های حاصل از یک واکنش خود پروتون کافت یا ثابت تعادل واکنش خود پروتون کافت	
ثابت فشار ثابت به گرمای نهان (h _{fg}) تبخیر آب	
ثابت ساختار ریز	fine-structure constant
[فیزیک] یک ثابت بنیادی بدون بُعد که تقریباً برابر با $\frac{1}{137}$ است	

ج

gazetteer

جاینامه

[ع. کتابداری] کتابی مشتمل بر سیاههٔ اسامی اماکن، همراه با اطلاعات توصیفی و جغرافیایی و تاریخی و آماری

algebra

جبر

[ریاضی] ۱. شاخه‌ای از ریاضیات که به معادلات و ساختارهای مجرد، همچون گروه و حلقه، می‌پردازد ۲. حلقه‌ای که فضای بُرداری روی یک میدان است

Banach algebra

جبر باناخ

[ریاضی] جبری که فضای باناخ است و نُرم (norm) حاصل ضرب هر دو عضو آن از حاصل ضرب نُرمهای آن دو عضو تجاوز نمی‌کند

function algebra

جبر تابعی

[ریاضی] زیرجبری بسته از جبر باناخ توابع مختلط پیوسته بر فضای فشردهٔ هاسدورف X با نُرم یکنواخت، که نقاط X را جدا می‌کند و شامل ثابت‌هاست؛ یک جبر جابه‌جایی باناخ نیم‌ساده که به صورت جبری از توابع پیوسته بر فضای ایده‌آل‌های بیشینهٔ خود بیان می‌شود

Einstein shift,
Einstein displacement

جابه‌جایی اینشتینی

← انتقال به سرخ گرانشی

جاذب رادار ← مواد جاذب رادار

spyware

جاسوس‌افزار

[رایانه و فن.] نرم‌افزاری که اطلاعات کاربران را، معمولاً بدون آگاهی آنها، جمع‌آوری و به مبدأ معینی ارسال می‌کند

sociology of language

جامعه‌شناسی زبان

[زبان.] مطالعهٔ زبان به منزلهٔ یک نهاد اجتماعی از منظر جامعه‌شناسی

blocking

جایابی

[سینما و تلوی.] تعیین نحوهٔ استقرار و مسیر حرکت بازیگران در صحنه

address field,
champ de l'adresse (fr.)

جای درج نشانی

[مخابرات] پست محل مستطیل شکل بر روی پاکت پستی که نشانی گیرنده و فرستنده بر روی آن درج می‌شود

dry front	جبهه خشک ← خط خشک	division algebra	جبر تقسیمی [ریاضی] جبری که در آن هر عضو ناصفر دارای وارون ضربی باشد
intertropical front	جبهه درون حاره‌ای [ع. جو] جبهه‌ای فرضی درون ناوه استوایی که هوای نیمکره شمالی و جنوبی را از هم جدا می‌کند	commutative algebra	جبر جابه‌جایی [ریاضی] جبری که در آن عمل ضرب جابه‌جایی است
dewpoint front	جبهه نقطه شبنم ← خط خشک	linear algebra	جبر خطی [ریاضی] مبحثی که به مطالعه فضاها و برداری و تبدیلهای خطی می‌پردازد
weathering front	جبهه هوازدگی [زمین.] میانای (interface) سنگ هوازده و سنگ بدون هوازدگی	group algebra	جبر گروهی [ریاضی] جبری که از گروه و میدان مفروضی به‌نحو خاصی ساخته می‌شود
mesospheric jet	جت میان‌سپهری [ع. جو] جریان جت زناری عرضهای میانی و جنب‌قطبی در میان‌سپهر پایین (ارتفاع حدود ۶۰ کیلومتر) که در نیمکره زمستانی، غربی و در نیمکره تابستانی، شرقی است	noncommutative algebra	جبر ناجابه‌جایی [ریاضی] جبری که در آن عمل ضرب جابه‌جایی نیست
apartheid	جدائزادی [ع. سیاسی] سیاست تفکیک رسمی نژادها و امکانات آنها و برتری دادن سفیدپوستان بر غیرسفیدپوستان در آفریقای جنوبی	algebraic	جبری [ریاضی] مربوط به جبر
geoidal separation	جدایش زمینوار [ژئوفیزیک] فاصله بیضوی مرجع و زمینوار	equatorial front	جبهه استوایی ← جبهه درون حاره‌ای
food composition table	جدول ترکیبات غذا [تغذیه و صنایع.] جدولی که در آن اطلاعاتی شامل مقدار ماده مغذی و ارزش انرژی‌زایی غذاها ارائه می‌شود	trade-wind front	جبهه باد بسامان [ع. جو] جبهه‌ای در فصل گرم بین شارش بادهای بسامان اقیانوسی و هوای گرم قاره‌ای
		tropical front	جبهه حاره‌ای ← جبهه درون حاره‌ای

[ع. جو] جدولی برای تبدیل ساده دماهای تر و خشکِ اندازه‌گیری‌شده به معیارهای متداول رطوبت، مانند دمای نقطه شبنم یا رطوبت نسبی

spark, sparkover جرقه

[فیزیک] تخلیه الکتریکیِ زودگذر بر اثر فروریزش الکتریکی ناگهانی هوا یا هر ماده‌ی الکتریک

jet stream جریان جتی

[ع. جو] باد نسبتاً شدید متمرکز در باریکه‌ای از جو با چینش افقی و قائم

steady-state current جریان حالت پایا

[فیزیک] جریانی الکتریکی که با گذشت زمان تغییر نمی‌کند

stationary current جریان مانا

[فیزیک] جریانی که مستقل از زمان است

passenger flow جریان مسافر

[ح. شهری] تعداد مسافرانی که در جهت و مدت مشخص از محل معینی عبور می‌کنند

detail(s) جزء، جزئیات

[هنر. تج.] (در هنرهای زیبا) بخش یا بخشهایی از یک اثر هنری که در کل اثر شاخص باشد

جزئیات ← جزء

barrier island جزیره سدی

[زمین.] جزیره ساحلیِ ماسه‌ای باریک و کشیده‌ای

age class table جدول رده سنی

[م. منابع] جنگل] مجموعه داده‌های مربوط به رده‌های سنی درختان جنگلی

جدول رطوبت‌سنجشی ← جدول رطوبت‌سنجی

جدول رطوبت‌سنجی، جدول رطوبت‌سنجشی
psychrometric table

← جدول نم‌سنجی

table of allowance جدول سهمیه

[ع. نظامی] جدولی که مأخذ و مبنای تهیه وسایل مورد نیاز مؤسسه‌های فرهنگی و آموزشی و اداری سازمانهای نظامی است

baking schedule جدول کوره‌پزی

[م. پلیمر] رنگ] مجموعه دماها و زمانهای کوره‌پزی مرتبط که در آن فیلم پخته یا خشک می‌شود؛ پخت نمونه در کمترین دما، زمان بیشتری لازم دارد و با افزایش دما، مدت‌زمان کاهش می‌یابد

scale of charges, جدول نرخها
scale of rates, échelle des taxes (fr.)

[مخابرات] پست] جدول رده‌بندی نرخهای مرسولات پستی براساس وزن و طول مسیر آنها

جدول نم‌سنجشی ← جدول نم‌سنجی

جدول نم‌سنجی، جدول نم‌سنجشی

hygrometric table

falling body

جسم افتان

[فیزیک] جسم شتابداری که شتاب آن تنها ناشی از گرانش زمین است

ciliary body

جسم مژگانی

[پزشکی] بخش ضخیم لایه عروقی چشم که مشیمیه را به عنبیه مربوط می‌کند

geopolitics

جغرافیای سیاست

[ع. سیاسی] بررسی تأثیر عامل جغرافیا بر قدرت و کاربرد آن در سیاست خارجی یک کشور یا منطقه

geopolitical

جغرافیای سیاسی

[ع. سیاسی] مربوط به جغرافیای سیاست

political geography

جغرافیای سیاسی

[ع. سیاسی] بررسی ویژگیهای سیاسی یک منطقه جغرافیایی

جفت‌شدگی پوشن سپهر

stratospheric coupling

[ع. جو] برهم‌کنش آشفته‌گیهای پوشن سپهر و وردسپهر

جمع‌آوری مرسولات
letter-box collection, posting box collection,
mail-box collection, levée de la boîte aux lettres (fr.)

[مخابرات] جمع کردن مرسولات پستی از صندوقهای پستی یا از مشتریان معین

population

جمعیت

[زیست]. گروهی از افراد یک گونه که در مکان و

موازی با ساحل که دارای تل‌ماسه و پوشش گیاهی است

heat island

جزیره گرمای

← جزیره گرمای شهری

urban heat island

جزیره گرمای شهری

[ع. جو] ناحیه‌ای در سطح زمین، مانند شهر، که اغلب به سبب فعالیت انسان گرمتر از پیرامون آن است

seeker

جست‌وجوگر

[ع. نظامی] دستگاه یا حسگری که در کلاهک موشک قرار دارد و هدف را جست‌وجو می‌کند

heat seeker

جست‌وجوگر حرارتی

[ع. نظامی] حسگری که حرارت حاصل از اگزوز هواگرد را جهت هدایت موشک به سمت آن شناسایی می‌کند

infrared seeker

جست‌وجوگر فروسرخ

[ع. نظامی] سامانه جست‌وجوگری که روی سطوح پرحرارت هواپیما هدف‌گیری می‌کند و به دنبال تابش فروسرخ حرکت می‌کند؛ از این توانمندی بیشتر در موشکهای هدایت‌شونده و دستگاههای جاسوسی و اطلاعاتی استفاده می‌شود

missile seeker

جست‌وجوگر موشک

[ع. نظامی] حسگری که در کلاهک موشک قرار دارد و هدف را جست‌وجو می‌کند

subantarctic

جنب جنوبگان

[ع. جو] مربوط به جنب شمالی مدار جنوبگان

شرایط معین زندگی می‌کنند و با سایر گروههای آن گونه تفاوت دارند

war

جنگ

[ع. نظامی] پیکار و نبرد بین دو یا چند کشور که در آن تمام توان نظامی طرفین مخاصمه از راه زمین و دریا و هوا برای پیروزی به کار گرفته شود

plant population

جمعیت گیاهی

[زیست.] گروهی از افراد یک گونه گیاهی که در مکان و شرایط معین زندگی می‌کنند و با سایر گروههای آن گونه تفاوت دارند

جنگال ← جنگ الکترونیکی

period, sentence

جمله

[موسیقی] واحد موسیقایی که از دو یا چند عضو مکمل (عبارت) تشکیل می‌شود و با فرود خاتمه می‌یابد

جنگ الکترونیکی، جنگال

electronic warfare

[ع. نظامی] اقدامی نظامی با استفاده از انرژی الکترومغناطیسی هدایت شده که برای کنترل طیف الکترومغناطیسی دشمن یا حمله به دشمن صورت می‌گیرد

constant term, absolute term جمله ثابت

[ریاضی] در چندجمله‌ای، جمله‌ای که متغیر نداشته باشد

جنگ الکترونیکی عامل

active electronic warfare

[ع. نظامی] استفاده از سامانه‌هایی که دارای منبع تولید امواج الکترومغناطیسی‌اند و برای جلوگیری یا خدشه‌دار کردن استفاده دشمن از وسایل الکترونیکی یا گمراه کردن دشمن در تفسیر اطلاعات به دست آمده به کار می‌روند، مانند اختلال‌گرها و غیره

asymmetric period

جمله غیرمتقارن

[موسیقی] جمله‌ای که عبارات آن طول زمانی یکسان نداشته باشد

regular period, normal period جمله متعارف

[موسیقی] جمله‌ای که عبارات آن طول زمانی یکسان دارند

جنگ الکترونیکی غیرعامل

passive electronic warfare

[ع. نظامی] استفاده از سامانه‌هایی که منبع تولید امواج الکترومغناطیسی ندارند و از امواج تابشی در فضا برای تجسس و تشخیص و تعیین منبع تابش استفاده می‌کنند؛ این سامانه‌ها علائمی را دریافت می‌کنند که نشان می‌دهد دشمن طیف

symmetric period

جمله متقارن

← جمله متعارف

modulating period

جمله مقام‌گردان

[موسیقی] جمله‌ای که عبارت آخر آن در مایه‌ای متفاوت خاتمه می‌یابد

برخورداری از گونه‌های خاص گیاهی و جانوری یا شرایط ویژه، تحت حمایت قانونی قرار می‌گیرد

جنگل باز رسته secondary forest,
second growth forest

م. منابع جنگل جنگلی طبیعی که پس از تغییراتی از قبیل قطع درختان آن یا حمله حشرات یا آتش‌سوزی مجدداً شکل می‌گیرد و درختان آن با فاصله کمتری نسبت به جنگل معمولی می‌رویند

جنگل بسیار تنک very open forest

م. منابع جنگل جنگلی که پوشش (درختی) آن کمتر از ۱۰ درصد مساحت عرصه باشد

جنگل پایدار sustainable forest

م. منابع جنگل جنگلی که نیازهای نسل حاضر و آینده را به طور مستمر تأمین می‌کند

جنگل پهن برگ broad-leaved forest,
deciduous forest

م. منابع جنگل جنگلی که درختان آن عمدتاً برگهای پهن و خزان‌پذیر دارند

جنگل پیوسته continuous forest

م. منابع جنگل جنگلی یکپارچه که دست‌کم یک حوزه آبخیز را دربرگیرد و چشم‌انداز غالب منطقه را تشکیل دهد

جنگل تحت مدیریت managed forest

م. منابع جنگل جنگلی که در چهارچوب طرح جنگلداری، روشهای خاص جنگل‌شناسی و پرورشی در آن اعمال می‌شود

الکترومغناطیسی به کار می‌برد

جنگ داخلی civil war, internal war

ع. سیاسی جنگ بین دو یا چند بخش یا منطقه از یک کشور

جنگ سرد cold war

ع. سیاسی وضعیت خصمانه حاد میان دو ابرقدرت، همراه با مسابقه تسلیحاتی و برخورد دیپلماتیک و جنگ روانی و انواع اقدامات خصمانه که به عملیات آشکار و مستقیم نظامی بین آنها منجر نشود

جنگ عادلانه just war

ع. سیاسی جنگی مبتنی بر دلایل عادلانه و همراه با رفتار انسانی

جنگ کبیر میهنی Great Patriotic War

ع. سیاسی عنوانی که دولت اتحاد شوروی به جنگ خود با آلمان نازی در فاصله سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ داده بود

جنگل انبوه closed forest

م. منابع جنگل جنگلی که پوشش (درختی) آن بیش از ۴۰ درصد مساحت عرصه باشد

جنگل اندوختگان ژن gene reserve forest

م. منابع جنگل جنگلی که برای حفظ گوناگونی ژنتیکی گیاهان آن اقدامات لازم صورت می‌گیرد

جنگل اندوخته reserved forest

م. منابع جنگل جنگلی که به اعتبار



دخالت‌های انسان مصون مانده و در معرض روند
تکامل طبیعی باشد

age class forest جنگل رده سنی

[م. منابع] جنگل جنگلی متشکل از رده‌های سنی

needle-leaved forest, جنگل سوزنی‌برگ conifer forest, coniferous forest, resinous forest

[م. منابع] جنگل جنگلی که درختان آن عمدتاً
برگ‌های همیشه‌سبز سوزنی‌شکل و میوه مخروطی
و مواد رزینی دارند

natural forest جنگل طبیعی

[م. منابع] جنگل جنگلی که بدون دخالت انسان
ایجاد شده باشد

جنگل غیر قابل برداشت

unexploitable forest

[م. منابع] جنگل جنگلی که به دلایل مختلف،
مانند محدودیت قانونی یا اقتصادی یا فنی، امکان
بهره‌برداری از آن وجود ندارد

non-managed forest جنگل فاقد مدیریت

[م. منابع] جنگل جنگلی فاقد طرح جنگلداری که
در ایران دولت از آن حفاظت می‌کند

exploitable forest جنگل قابل برداشت

[م. منابع] جنگل جنگلی که برای بهره‌برداری از
آن هیچ‌گونه محدودیت قانونی یا اقتصادی یا فنی
وجود نداشته باشد

open forest

جنگل تنک
[م. منابع] جنگل جنگلی که پوشش (درختی) آن
بین ۱۰ تا ۴۰ درصد مساحت عرصه باشد

production forest جنگل تولیدی

[م. منابع] جنگل جنگلی که عمده‌ترین نقش آن
تولید محصولات جنگلی است

subtropical forest جنگل جنب‌حاره‌ای

[م. منابع] جنگل جنگلی که در ماورای مناطق
گرمسیری با رطوبت و انبوهی کمتر قرار دارد

tropical forest, جنگل حاره‌ای equatorial forest

[م. منابع] جنگل جنگلی که در مناطق گرم و
مرطوب جهان بین دو مدار رأس‌السرطان (۲۳/۳)
شمالی و رأس‌الجذی (۲۳/۳) جنوبی واقع شده باشد

protection forest جنگل حفاظتی

[م. منابع] جنگل جنگلی که برای حفاظت از آن در
برابر اختلالات طبیعی یا مداخلات انسانی یا فرسایش
خاک یا سیل یا نگهداری حوضه آبریز و چشم‌انداز
مناظر و حفظ میراث فرهنگی و تنوع زیستی آن
مدیریت خاص بر آن اعمال می‌شود

protection forestry جنگلداری حفاظتی

[م. منابع] جنگل جنگلی یکی از شیوه‌های برنامه‌ریزی و
مدیریت جنگل که عمدتاً بر حفاظت آن تأکید می‌کند

undisturbed forest جنگل دست‌نخورده

[م. منابع] جنگل جنگلی که مدتی طولانی از

unjust war

جنگ ناعادلانه

[ع. سیاسی] جنگی برای استثمار ملتها و توسعه طلبی

asymmetric warfare

جنگ ناهمگون

[ع. نظامی] نبردی که در آن نیروهای ضعیفتر با استفاده از نقاط ضعف دشمن و روشهای مبتکرانه به مبارزه با نیروهای قویتر پردازند

free atmosphere

جو آزاد

[ع. جو] بخشی از جو زمین که در بالای لایه مرزی سیاره‌ای قرار دارد

approximate solution

جواب تقریبی

[ریاضی] جوابی که به روش تقریب زدن حاصل شود

lateral bud

جوانه جانبی

[کش. باغ.] جوانه‌ای که در زاویه بین شاخه و برگ تشکیل می‌شود

bud abscission

جوانه‌ریزی

[کش. باغ.] ریزش جوانه‌های گل بر اثر عوامل نامساعد محیطی و فیزیولوژیکی و آفات و بیماریها

accessory bud

جوانه فرعی

[کش. باغ.] جوانه‌ای که در کنار جوانه اصلی می‌روید

adventitious bud

جوانه نابجا

[کش. باغ.] جوانه‌ای که در جای خود تشکیل نشده باشد

selection forest

جنگل گزینشی

[م. منابع] جنگلی [جنگلی ناهمسال با درختانی در ابعاد مختلف که تیمار و مدیریت آن به شیوه گزینشی انجام می‌گیرد]

fragmented forest

جنگل گسسته

[م. منابع] جنگلی که بر اثر کشاورزی و برش یک‌سره و جریانهای آبی و وجود تأسیسات، تاج‌پوش طبیعی خود را از دست داده باشد

forest opening

جنگل‌گشایی

[م. منابع] جنگلی [طراحی و ساخت جاده برای دسترسی به مناطق مختلف جنگلی]

primary forest

جنگل نخستین

[م. منابع] جنگلی که پیش از ظهور انسان وجود داشته است

evergreen forest

جنگل همیشه‌سبز

[م. منابع] جنگلی که همه یا قسمت عمده درختان آن، برگهای خود را در طول سال حفظ می‌کنند

جنگل همیشه‌سبز پهن‌برگ

broadleaved evergreen forest

[م. منابع] جنگلی [جنگل همیشه‌سبزی که همه یا قسمت عمده درختان آن پهن‌برگ هستند]

جنگل همیشه‌سبز سوزنی‌برگ

coniferous evergreen forest

[م. منابع] جنگلی [جنگل همیشه‌سبزی که همه یا قسمت عمده درختان آن سوزنی‌برگ هستند]

جَوَراهه

atmospheric duct

[ع. جو] لایه‌ای از جو که در آن نمایه شکست به گونه‌ای تغییر می‌کند که انتشار بخش عمده‌ای از تابش پریسامد در آن محدود می‌شود

جهت‌یابی

direction finding

[ع. نظامی] روشی برای تعیین زاویه فرستنده امواج رادیویی با استفاده از آنتن بسیار دقیق و یک نشان‌دهنده سمت

جورچین

puzzle

[عمومی] نوعی اسباب‌بازی فکری که با کنار هم چیدن قطعات آن، تصویر یا پاسخی واحد به دست می‌آید

جهت‌یابی رادیویی

radio direction finding

[ع. نظامی] پیدا کردن موقعیت بی‌سیم از طریق دریافت امواج الکترومغناطیسی؛
[مخابرات] شیوه‌ای که در آن جهت ایستگاههای فرستنده را با دریافت و تجزیه و تحلیل امواج رادیویی ارسال شده از آنها مشخص می‌کنند

جهت‌یاب

direction finder

[ع. نظامی] ابزاری که برای پیدا کردن زاویه بین امتداد محل استقرار ایستگاه جهت‌یاب تا منبع تابش الکترونیکی (فرستنده رادیویی) و شمال مغناطیسی در جهت حرکت عقربه‌های ساعت به کار می‌رود؛ این زاویه نمایانگر جهت منبع انتشار امواج الکترومغناطیسی است

جهش جوانه‌ای, bud sport, bud mutation sport

[کشا. باغ.] نوعی جهش که در جوانه اتفاق می‌افتد و منجر به تولید شاخه و گل و میوه متفاوت با گیاه مادر می‌شود

چ

دور برای اندازه‌گیری گرانی در داخل چاه

borehole چاه گمانه، چاه

[ژئوفیزیک] نوعی چاه حفرشده با مته برای اندازه‌گیری و نمونه‌برداری و اکتشاف

borehole geophone چاه‌لرزه‌یاب

[ژئوفیزیک] لرزه‌یابی که می‌تواند شرایط دما و فشار داخل چاه (چاه گمانه) را تحمل کند

well log چاه‌نگاره

[ژئوفیزیک] نگاشت حاصل از اندازه‌گیری یک یا چند کمیت فیزیکی در داخل چاه به صورت تابعی از عمق

well logging چاه‌نگاری

[ژئوفیزیک] ثبت و تحلیل مشخصات سازندی (formation) که چاه در آن حفر شده است

چاه‌نگاری آکوستیکی

acoustic well logging

[ژئوفیزیک] اندازه‌گیری پیوسته سرعت انتشار موج با فرستادن گمانه، شامل آشکارساز و چشمه، به داخل چاه

rush printing چاپ روزانه‌ها

[سینما و تلو.] فرایند چاپ نسخه مثبت از روی نسخه منفی فیلم که روزانه برای بازبینی و تصحیح انجام می‌شود

basin چال گلگاه

[کشاورزی] باغ، گودی محل کاسه گل در برخی از میوه‌ها

examination-pit چالۀ بازدید

[ح. ربلی] چالۀ‌ای برای بازبینی و تعمیر قسمت‌های زیرین لوکوموتیو

drop-pit چالۀ چرخ

[ح. ربلی] چالۀ‌ای عمود بر خط که در آن می‌توان یکی از چرخ‌های قطار را پایین آورد و بازرسی و تعمیر یا تعویض کرد

chin چانه

[ح. هوایی] ناحیه‌ای در زیر دماغه هواگرد

چاه ← چاه گمانه

borehole gravimeter چاه‌گرانی‌سنج

[ژئوفیزیک] گرانی‌سنج مجهز به سامانه قرائت از

از منطقه حاره	elevated light	چراغ پایه‌دار
cold cyclone	چرخند سرد	ج. هوایی] هریک از چراغهای پایه کوتاه در باند پرواز و خزش راه و ایست راه برای هدایت خلبان در شب و به طور کلی در شرایط دید کم
← چرخند سردهسته		
cold-core cyclone	چرخند سردهسته	چرخ پنخ
ع. جو] کم فشاری که در هر ترازوی از جو، هوای نزدیک مرکز آن از هوای پیرامونش سردتر باشد	flat wheel	ج. ریلی] چرخشی که بر اثر قفل شدن به هنگام ترمز کردن و کشیده شدن روی ریل، بخشی از رویه آن ساییده باشد
polar cyclone	چرخند قطبی	چرخ پیرا قطبی
← تاوه قطبی	circumpolar whirl	← تاوه قطبی
cure cycle	چرخه پخت	چرخ - محور
م. پلیمر] رنگ] برنامه‌ای زمانی که در طی آن یک آمیزه گرماسخت (thermosetting) پلاستیکی یا لاستیکی در شرایط دمایی معین قرار می‌گیرد تا دارای خواص مشخصی شود	wheelset	ج. ریلی] مجموعه‌ای از یک محور و دو چرخ که به صورت ثابت به هم متصل شده‌اند و چرخها فاصله‌ای متناسب با عرض خط دارند و به صورت یکپارچه دوران می‌کنند
population cycle	چرخه جمعیت	چرخ - محور پیرو
[زیست]. نوسانات مکرر فراوانی افراد در یک جمعیت بین دوره‌های کمینه و بیشینه تراکم	trailing wheelset	ج. ریلی] چرخ - محوری که معمولاً بعد از چرخ - محور پیشرو قرار می‌گیرد و نیروی محرکه به آن وارد نمی‌شود
food cycle	چرخه غذایی	چرخ - محور پیشرو
← شبکه غذایی	leading wheelset	ج. ریلی] چرخ - محوری که معمولاً در ابتدای قطار قرار می‌گیرد و نیروی محرکه ایجاد می‌کند
orogenic cycle	چرخه کوهزایی	چرخند برون حاره‌ای
[زمین]. مراحل کامل تشکیل یک رشته کوه از ابتدای چین خوردگی تا فرسایش کوهستان	extratropical cyclone	ع. جو] توفانی با مقیاس چرخندی در خارج
collage 1	چسبانه	
[هنر. تج.]. اثری هنری که با چسباندن قطعات		

توفان را دربرمی‌گیرد	مختلف به جای شکل‌هایی که باید نقاشی یا طراحی شوند، به وجود می‌آید
canthus چشم‌گوشه [پزشکی] هریک از دو گوشه بیرونی و درونی چشم	collagist چسبانه‌کار [هنر. تج.] هنرمند یا فناوری که به چسبانه‌کاری می‌پردازد
canthal چشم‌گوشه‌ای [پزشکی] مربوط به چشم‌گوشه	collage 2 چسبانه‌کاری [هنر. تج.] شیوه پدید آوردن اثری هنری به صورت چسبانه
cantholysis چشم‌گوشه‌کافت [پزشکی] برش گوشه چشم یا رباط گوشه چشمی به روش جراحی	grafting wax چسب پیوند [کش. باغ.] آمیخته‌ای از مواد مختلف که از آن برای پوشاندن پیوندگاه یا سایر زخم‌های درخت در مقابل نفوذ ریزندام‌گانه‌ها یا از دست رفتن آب بافت‌های گیاهی استفاده می‌شود
point source چشمه نقطه‌ای [ع. جو] منبع آلودگی‌ای که می‌توان آن را همانند یک نقطه در نظر گرفت	چشم ← چشم توفان چشمه نقطه‌سان، چشمه نقطه‌ای
optical density چگالی اپتیکی [فیزیک] معیاری برای تراکسیل (transmission) نور از محیط	ophthalmorrhaxis چشم‌پارگی [پزشکی] شکافته شدن گره چشم معمولاً به علت وارد آمدن ضربه شدید بر چشم
water vapour density, vapour density چگالی بخار آب ← رطوبت مطلق	eye, eye of tropical cyclone, eye of the storm چشم توفان، چشم [ع. جو] پهنه‌ای تقریباً دایره‌وار، همراه با باد نسبتاً سبک و هوای صاف، در مرکز توفان‌های شدید حاره‌ای که با چشم‌دیواره محصور می‌شود
posterior density, a posteriori density چگالی پسینی [ریاضی] ضابطه‌ای ریاضی که توزیع احتمال شرطی یک پارامتر مربوط به متغیری تصادفی را به شرط	eyewall چشم‌دیواره [ع. جو] دیواره‌ای از ابرهای کومه‌ای باران که چشم

مشاهده‌ی مقداری خاص از آن متغیر توصیف کند

چگالی پیشینی

prior density,
a priori density

[ریاضی] تابع چگالی احتمال پارامتر که باورها و اطلاعات پیشین درباره‌ی پارامتر را خلاصه و توصیف کند

چگالی ظاهری

apparent density

← چگالی کپه‌ای

چگالی کپه‌ای

bulk density

[ژئوفیزیک] وزن واحد حجم جسم که فضاهای خالی را نیز دربرمی‌گیرد

چندباره‌ی بلندمسیر

long-path multiple

[ژئوفیزیک] بازتاب چندباره‌ای که به سبب طولانی بودن مسیر بازتاب، به صورت رویدادهای مجزا مشاهده می‌شود

چندباره‌ی چوب پای

peg-leg multiple

[ژئوفیزیک] بازتاب چندباره‌ای که مسیر انتشار آن به سبب بازتابهای پی‌درپی در لایه‌های نازک، متقارن نیست

چندباره‌ی کوتاه‌مسیر

short-path multiple

[ژئوفیزیک] بازتاب چندباره‌ای که به سبب کوتاهی مسیر بازتاب، به صورت دنباله‌ی موج اصلی ظاهر می‌شود

چندریتم

polyrhythmic

[موسیقی] مربوط به چندریتمی

چندریتمی

polyrhythm

[موسیقی] همزمانی ریتمهای متفاوت در بخشهای مختلف صدایی (parts) در یک قطعه‌ی موسیقی

چندریسگی

multi-threading

[رایانه و فن.] توانایی سامانه‌ی عامل برای اجرای همزمان ریشه‌ها

چندریسه

multi-threaded

[رایانه و فن.] صفت یک سامانه‌ی کاروری با توانایی اجرای همزمان ریشه‌ها

چندوزن

polymetric

[موسیقی] منسوب به چندوزنی

چندوزنی

polymer

[موسیقی] همزمانی یا توالی دو یا چند وزن در یک قطعه‌ی موسیقی

چندوظیفگی

multi-tasking

[رایانه و فن.] وضعیتی در برخی از سامانه‌های عامل که در آن اجرای چند وظیفه به طور همزمان امکان‌پذیر است

چندوظیفه

multi task

[رایانه و فن.] ویژگی برخی از سامانه‌های عامل که می‌توانند چند وظیفه را همزمان اجرا کنند

چنگالشی

chelation

[شیمی] فرایندی شیمیایی شامل تشکیل یک ترکیب ناجور که دارای حداقل یک کاتیون فلزی (در همتانها) یا یون هیدروژن است، چنانکه کاتیون فلزی در چنگاله‌ای از پیوندهای همتافت گرفتار می‌شود

جبران ریشه‌های ازبین‌رفته به کار می‌رود

چوپیوند اسکنه‌ای cleft graft

[کشا. > باغ.] نوعی چوپیوند انتهایی که در آن پس از سربرداری پایه، یک شکاف یا دو شکاف عمود بر هم در پایه ایجاد می‌کنند و پیوندکهای دارای چند جوانه را در شکاف قرار می‌دهند، به گونه‌ای که لایه‌های زاینده پایه و پیوندک روی هم قرار گیرند

چوپیوند اسکنه‌ای جانبی side-cleft grafting

[کشا. > باغ.] نوعی چوپیوند جانبی که برای پرکردن بخشهای خالی روی شاخه‌های اصلی زده می‌شود

چوپیوند پلی bridge graft(ing)

[کشا. > باغ.] نوعی چوپیوند که برای ترمیم بخشهای آسیب‌دیده پایین گیاه به کار می‌رود

چوپیوند پوستی bark grafting

[کشا. > باغ.] نوعی چوپیوند انتهایی که در آن پس از سربرداری پایه، شکافی عمودی در پوست درخت ایجاد می‌کنند و پیوندک را در زیر آن قرار می‌دهند

چوپیوند جانبی side graft(ing)

[کشا. > باغ.] نوعی چوپیوند که در آن پیوندک در قسمت جانبی پایه قرار داده می‌شود

چوپیوند دوگانه double grafting

[کشا. > باغ.] چوپیوندی که در آن ابتدا میان‌پایه روی پایه و سپس در سال بعد، پیوندک روی میان‌پایه پیوند زده می‌شود

چوپیوند رومیزی bench graftage

[کشا. > باغ.] چوپیوندی که روی میز افزایش (propagation bench) و اغلب در فصل زمستان

چنگاله chelate

[شیمی] ترکیبی ناجورحلقه که دارای حداقل یک کاتیون فلزی (در همتافتها) یا یون هیدروژن است

چنگاله‌ای ← چنگالیده

چنگاله‌سنجشی chelometric

[شیمی] مربوط به چنگاله‌سنجی

چنگاله‌سنجی chelometry

[شیمی] روشی تجزیه‌ای شامل تشکیل چنگاله‌های حل‌پذیر با نسبت یک‌به‌یک به هنگام تیتر کردن (titration) یون فلزی با واکنش‌گرهای آمینوپلی‌کربوکسیلات و پلی‌آمین

چنگالیده، چنگاله‌ای chelated

[شیمی] مربوط به چنگاله

چنگه harrow

[کشا. > زراعت.] وسیله خاک‌ورزی ثانویه برای به هم زدن خاک در عمق کم و از بین بردن علفهای هرز و مخلوط کردن مواد مختلف با خاک

چوب‌وارگی catalepsy

[روان.] باقی ماندن طولانی و مستمر بدن در وضعیت ثابت

چوپیوند grafting 2

[کشا. > باغ.] نوعی افزایش رویشی که در آن بخشی از یک شاخه، که به طور معمول دارای چند جوانه به عنوان پیوندک است، روی پایه قرار داده می‌شود

چوپیوند اتصالی inarching

[کشا. > باغ.] نوعی چوپیوند مجاورتی که برای

و با استفاده از دستگاه‌های مخصوص پیوندزنی زده می‌شود

چوپوند طبیعی natural grafting

[کشا، > باغ.] نوعی پیوند که بر اثر تماس دو شاخه یا دو ریشه که به مدت طولانی روی هم قرار می‌گیرند، به طور طبیعی ایجاد می‌شود

چهارتمبر block of postage stamps, bloc de timbres-poste (fr.)

[مخابرات > پست] مجموعه‌ای از تمبرهای پستی که به صورت چهارتایی و دوتادوتا در کنار هم قرار گرفته‌اند

چهارنخ bundle, liasse (fr.)

[مخابرات > پست] دسته‌ای از مرسولات هم‌رده که با یک بند (به شکل بعلاوه) به هم بسته می‌شوند

چهارنخ کردن bundling, enliassement (fr.), enliassage (fr.)

[مخابرات > پست] بسته‌بندی تعدادی از اقلام پستی به صورت چهارنخ و با دست یا ماشین، به منظور حفاظت از مرسولات، جلوگیری از آسیب دیدگی، تسهیل در امر جابه‌جایی و تجزیه بسته‌ها پس از خارج کردن از کیسه‌های پستی

چهرک Avatar

[رایانه و فن.] تصویری در محیط‌های مجازی که نشان‌دهنده هر یک از افراد فعال در آن محیط است

چین افقی horizontal fold, level fold

< چین ناشیب‌محور

چین دوشیب‌محور doubly plunging fold

[زمین.] چینی که جهت شیب محور آن در منطقه‌ای قابل مشاهده معکوس شود

چین شیب‌محور plunging fold

[زمین.] چینی که خط لولای آن نسبت به افق مایل است

چین طاق‌دیزی anticlinal fold

[زمین.] چینی که در آن لایه‌های قدیمی‌تر در زیر لایه‌های جدیدتر تحدب یافته است

چین ناشیب‌محور nonplunging fold, horizontal fold, level fold

[زمین.] چینی که خط لولای آن افقی است

چین ناودیزی synclinal fold

[زمین.] چینی که در آن لایه‌های قدیمی‌تر در زیر لایه‌های جدیدتر تفرع پیدا می‌کنند

چین واژگون overturned fold, inverted fold, reversed fold

[زمین.] چینی که محور آن از حالت افقی نیز فراتر رفته است و به نظر می‌رسد توالی لایه‌ها در آن معکوس شده است

چین همساز accordant fold

[زمین.] یکی از مجموعه چینهایی که سوگیری همسانی دارند

چینی porcelain

[هنر. نجا.] لعابینه‌ای که در حرارت بالا پخته می‌شود و به دلیل ظرافت لعاب‌کاری شفافیت پوسته‌های صدفی را پیدا می‌کند

ح

حالت ۲، حالت دستوری case 1

[زبان.] نقش دستوریِ گروه‌های اسمی در ارتباط با دیگر عناصر جمله

حالت ۳، حالت معنایی case 2

[زبان.] نقش معناییِ گروه‌های اسمی در ارتباط با دیگر عناصر جمله

حالت انتزاعی abstract case

[زبان.] حالت نحویِ آن دسته از گروه‌های اسمی که دارای حالت هستند، اما حالت آنها بازنمایی زبانی و عینی ندارد

حالت پایا steady state

[فیزیک] حالت سامانه‌ای که وضعیت آن در طول زمان تغییر نکند

حالت پایگی root position, fundamental position

[موسیقی] حالتی از آکورد که در آن بم‌ترین صدا پایه است

حالت جامد solid state

[فیزیک] حالت با فاز موادی که فاصله متوسط آنها با مولکول‌های سازنده آنها نسبت به هم ثابت است

حافظه memory

[روان.] توانایی نگهداری اطلاعات در ذهن و بازیابی آن

حافظه بلندمدت long term memory, secondary memory, long term store, permanent memory

[روان.] جزء تقریباً ثابت دستگاه حافظه که دربردارنده اطلاعاتی در محدوده چند ثانیه تا چندین دهه است

حافظه طوطی‌وار rote memory

[روان.] حافظه مکانیکی براساس یادگیری طوطی‌وار

حافظه کوتاه‌مدت short term memory, immediate memory, short term store, primary memory, working memory

[روان.] بخشی از دستگاه حافظه که ظرفیت محدودی دارد و اطلاعات را صرفاً برای مدت اندکی در خود نگه می‌دارد

حالت ۱ position 1

[موسیقی] چیدمان اصوات آکورد که نوع آن بر اساس صدایی که در بم‌ترین بخش قرار می‌گیرد، تعیین می‌شود

حالت دستوری ← حالت ۲

در چانه هواگرد (معمولاً بالگرد) قرار دارد

حجم خدمات **service volume**

[ح. شهری] بیشترین تعداد وسایل نقلیه‌ای که می‌توانند با حفظ سطح کارایی از نقطه‌ای مشخص و طی زمانی معین عبور کنند

حجم رابط **link volume, link load**

[ح. شهری] در طراحی، حجم کل اختصاص‌یافته به وسایل نقلیه بزرگراه‌ها یا مسافران‌گذری شاخه‌ای از شبکه راه

حذف چنگاله‌ای **cheletropic elimination**

[شیمی] عکس واکنش چنگاله‌ای

حرکت پیوسته **conjunct motion**

[موسیقی] حرکت از یک صدا به صدای مجاور در یک بخش (part)

حرکت مایل **oblique motion**

[موسیقی] حرکت یک بخش (part) از دو بخش در حالی که بخش دیگر ثابت بماند یا تکرار شود

حرکت مخالف **contrary motion**

[موسیقی] حرکت همزمان دو بخش (part) در دو جهت مخالف

حرکت موازی **parallel motion**

[موسیقی] نوعی حرکت هم‌جهت خاص که در آن دو بخش (part) فاصله‌هایی با کمیت یکسان دارند

حالت ذاتی **inherent case**

[زبان.] حالت نحوی ویژه‌ای که فعل به برخی گروه‌های اسمی ژ - ساخت می‌دهد

حالت ساختاری **structural case**

[زبان.] حالتی که فعل با حرف اضافه با سایر حالت‌بخشها در رو ساخت به گروه‌های اسمی می‌دهند

حالت گذار **transition state**

[شیمی] وضعیتی کوتاه‌مدت واسطه بین مواد اولیه و محصولات یک واکنش پایه

حالت مانا **stationary state**

[فیزیک] نوعی حالت انرژی که اتم می‌تواند بدون گسیل تابش الکترومغناطیسی در آن قرار گیرد

حالت معنایی ← حالت ۳

حالت میانی **intermediate state**

[فیزیک] حالتی گذرا بین حالت‌های اولیه (initial state) و نهایی (final state) در فرایند گذار

حالت هیجانی **emotional state**

[روان.] وضعیت هیجانات فرد به‌خصوص در زمینه لذت و ناراحتی که می‌تواند رفتار فرد را تحت تأثیر قرار دهد

حباب چانه **chin bubble**

[ح. هوایی] حبابی شیشه‌ای که در زیر پای خلبان و

سرخ‌رنگ طیف مرئی بیش از دیگر رنگیزه‌هاست

entomophily حشره‌گرده‌افشانی
[کشا. > باغ.] گرده‌افشانی توسط حشرات

engraver حکاک
[هنر. تج.] کسی که به حکاکی اشتغال دارد

gravure, etching حکاکی
[هنر. تج.] کندن نقش یا نوشتار روی سطح فلزی
با قلم فولادی یا با تیزاب‌کاری و نیز نمونه‌هایی که
از روی این صفحه چاپ می‌شود

wood engraving حکاکی روی چوب
[هنر. تج.] شیوه‌ای در هنر حکاکی که در آن به
جای سطح فلزی از سطح چوبی استفاده می‌شود

aprotic solvent حلال بی‌پروتون
[شیمی] حلالی که نه پروتون تولید می‌کند و نه آن
را می‌پذیرد

حلال دوقطبی بی‌پروتون
dipolar aprotic solvent
[شیمی] حلالی با ثابت دی‌الکتریک بیش از ۱۵ و
گشتاور دوقطبی دائمی زیاد

conflict resolution حل تعارض
[ع. سیاسی] فرایند پایان دادن به تعارض از طریق
تجدیدنظر در روابط طرفها به گونه‌ای که اهداف
آنها بدون تعارض محقق شود یا دیگر اهدافشان با
هم تعارضی نداشته باشد

حرکت موجی حالت پایا
steady-state wave motion

[فیزیک] حرکتی موجی که در آن کمیت‌های موجی در
هر نقطه و به‌طور دوره‌ای تکرار می‌شوند

disjunct motion حرکت ناپيوسته
[موسیقی] حرکت از یک صدا به صدای غیرمجاور
در یک بخش (part)

similar motion حرکت هم‌جهت
[موسیقی] حرکت همزمان دو بخش (part) در
یک جهت

sensory awareness حس آگاهی
[زوان.] توانایی درک داده حسی یا محرک، مانند
صدا یا تصویر، که از طریق اندامهای حسی
دریافت می‌شود

cyanolabe حساس به آبی
[پزشکی] رنگیزه‌ای موجود در یاخته‌های
مخروطی شبکیه که حساسیت آن در مقابل بخش
آبی طیف نور مرئی بیش از دیگر رنگیزه‌ها است

chlorolabe حساس به سبز
[پزشکی] رنگیزه‌های موجود در یاخته‌های
مخروطی شبکیه که حساسیت آن در مقابل بخش
سبز طیف نور مرئی بیش از دیگر رنگیزه‌هاست

erythrolabe حساس به سرخ
[پزشکی] رنگیزه‌ای موجود در یاخته‌های
مخروطی شبکیه که حساسیت آن در مقابل بخش

اتوبوس یا راه‌آهن در حمل‌ونقل عمومی

**postal order, post office
oredr, postal money order,
bon de poste (fr.)** حواله پستی

[مخابرات] «پست» سند پرداخت غیرقابل انتقال
یا قابل انتقال برای مبالغ کم در ادارات پستی
برخی از کشورها

antiferromagnetic domain حوزه پادفرومغناطیسی

[فیزیک] ناحیه‌ای در داخل ماده پادفرومغناطیس
که در آن گشتاورهای مغناطیسی پادموازی‌اند

**auto free zone,
auto free area** حوزه پیاده‌گرد

[ح. شهری] ناحیه‌ای که در آن، تردد خودرو
سواری عادی ممنوع است

ferroelectric domain حوزه فِرّوالکتریکی

[فیزیک] ناحیه‌ای در داخل ماده فِرّوالکتریک که در
آن قطبشهای خودبه‌خودی یکسان هستند

ferromagnetic domain حوزه فِرّومغناطیسی

[فیزیک] ناحیه‌ای در بلور فِرّومغناطیسی که
گشتاورهای مغناطیسی میکروسکوپی در آنجا
هم‌جهت‌اند

**sedimentation tank,
sedimentation basin, settling tank** حوض ته‌نشینی

[م. محیط.] حوضی برای حذف مواد جامد قابل

cyclization حلقه‌ای شدن

[شیمی] تشکیل یک ترکیب حلقه‌ای از یک
هیدروکربن زنجیری با ایجاد یک پیوند جدید

annulation حلقه‌جوشی

[شیمی] تبدیلی شامل چسبیدن یا جوش خوردن
یک حلقه جدید به یک مولکول از طریق دو
پیوند جدید

cycloaddition حلقه‌زایی

[شیمی] واکنشی که در آن دو مولکول سیرنشده به
هم می‌پیوندند و ترکیبی حلقوی تشکیل می‌دهند

dipolar cycloaddition حلقه‌زایی دوقطبی

[شیمی] نوعی حلقه‌زایی که شامل ترکیبات ۱، ۳-
دوقطبی باشد

harness 1 حمایل

[ع. نظامی] بند برزنتی چهاررشته‌ای که معمولاً
سربازان پیاده‌نظام از روی دوش به فانوسقه می‌بندند

intercity transportation حمل‌ونقل بین‌شهری

[ح. شهری] خدمات حمل‌ونقلی که شرکت‌های
مجاز حمل‌ونقل در بین شهرها و معمولاً در
مسیر ثابت و با برنامه مشخص عرضه می‌کنند

**interline
transportation** حمل‌ونقل میان‌خطی

[ح. شهری] جابه‌جایی مسافر بین یک یا چند خط

حوض ته‌نشینی مستطیل، حوض ته‌نشینی
rectangular sedimentation tank مستطیلی
 [م. محیط.] حوض ته‌نشینی با مقطع مستطیل
 شکل

حوض ته‌نشینی مستطیلی ← حوض ته‌نشینی
 مستطیل

حوضچه تماس کلر، حوضچه کلرزنی
chlorine contact chamber
 [م. محیط.] واحدی از تصفیه‌خانه که در آن آب یا
 فاضلاب را با کلر گندزدایی می‌کنند
 حوضچه کلرزنی ← حوضچه تماس کلر

حوض هوادهی
aeration tank
 [م. محیط.] مخزنی که در آن فاضلاب یا مایعی
 دیگر هوادهی می‌شود

ته‌نشینی از آب یا فاضلاب با استفاده از نیروی
 گرانش

حوض ته‌نشینی اولیه
primary sedimentation tank
 [م. محیط.] حوضی برای ته‌نشینی مواد جامد قبل
 از مرحله تصفیه ثانویه

حوض ته‌نشینی ثانویه
secondary sedimentation tank
 [م. محیط.] حوض ته‌نشینی مربوط به مرحله
 تصفیه ثانویه فاضلاب برای جدا کردن
 ریزاندامگان به صورت ثقیلی

حوض ته‌نشینی مدور
circular sedimentation tank
 [م. محیط.] حوض ته‌نشینی با مقطع دایره‌ای

خ

خاک‌همزن

hoe

[کشا. < زراع.] وسیله‌ای مجهز به تیغه یا دیسک که روی شاسی سوار می‌شود و عملیات خاک‌ورزی ثانویه و کندن علفهای هرز کشت ردیفی را انجام می‌دهد

خاموش کردن

turn off, switch off

[رایانه و فن.] قطع کردن جریان برق رایانه یا افزاره با کلید یا دستور نرم‌افزاری

خبرنامه الکترونیکی

e-newsletter,
e-bulletin

[رایانه و فن.] نشریه‌ای ادواری که با پیام‌نگار به نشانی افراد موجود در یک فهرست فرستاده می‌شود

خدمات پیام چندرسانه‌ای

multimedia message service

[مخابرات] نوع پیشرفته خدمات پیام کوتاه که در آن علاوه بر پیام نوشتاری بتوان صوت و تصویر و فیلم هم ارسال کرد

خدمات پیام کوتاه, short message service,
short messaging service, SMS service,
SMS message 2

[مخابرات] خدماتی در مخابرات برای ارسال پیامهای کوتاه به طول ۱۶۰ نویسه و قابلیت ذخیره چنین پیامهایی در گوشی

خدمات مرجع

reference services

[ع. کتابداری] شاخه‌ای از خدمات کتابخانه که به کاربران، در جست‌وجو و به‌دست آوردن اطلاعات کمک می‌کند

خدمات مرجع الکترونیکی

electronic reference, e-reference

← خدمات مرجع رقمی

خدمات مرجع برخط

online reference

← خدمات مرجع رقمی

خدمات مرجع تعاونی

cooperative reference

[ع. کتابداری] خدمات مرجعی که از طریق آن کتابخانه‌ای براساس توافق‌نامه رسمی، کاربر یا پرسش کاربر را به کتابخانه یا مؤسسه اطلاعاتی دیگر ارجاع می‌دهد

خدمات مرجع رقمی

digital reference

[ع. کتابداری] خدمات مرجعی که از طریق اینترنت

drought, drouth**خشکسالی**

[ع. جو] دوره‌ای بلندمدت با وضع هوای خشک نابهنجار که موجب عدم توازن جدی آبشناختی می‌شود

agricultural drought خشکسالی کشاورزی

[ع. جو] شرایط جوی نامناسب یا محدودیت رطوبت خاک که منجر به پاسخهای نامطلوب محصول می‌شود

absolute drought**خشکسالی مطلق**

[ع. جو] در اقلیم‌شناسی بریتانیا، دوره خشکسالی به مدت حداقل پانزده روز متوالی، بدون بارش قابل سنجش

aridity**خشکی**

[ع. جو] حالتی که در آن اقلیم فاقد نم کافی برای بهبود حیات است

asperifoliate, asperifolius**خشن برگ**

[کش. باغ. >] ویژگی گیاهی که برگهای خشن دارد

bias error**خطای اریبی**

[ریاضی] خطای ناشی از اریبی وسیله اندازه‌گیری

error of closure,**خطای بست****misclosure, closing error**

[ژئوفیزیک] میزان انحراف حاصل از مجموعه‌ای از اندازه‌گیریهای هر کمیت نسبت به مقدار حقیقی یا نظری آن

یا به صورت الکترونیکی ارائه می‌شود

virtual reference خدمات مرجع مجازی

← خدمات مرجع رقمی

خدمات مرجع مشارکتی**collaborative reference**

[ع. کتابداری] نوعی خدمات مرجع رقمی که با مشارکت کتابداران مرجع کتابخانه‌های مختلف ارائه می‌شود

rail failure, rail defect**خرابی ریل**

[ح. ریلی] وضعیتی در ریل که ممکن است باعث شکستگی یا ایجاد حفره در ریل شود و استفاده از ریل را غیرممکن سازد

miniature 1**خردنگاره**

[هنر. تج. >] نوعی نقاشی که معمولاً در مصورسازی کتابهای ادبی و حماسی و علمی به کار می‌رود

rapid exit taxiway**خزش‌راه تندخروج**

[ح. هوایی] خزش‌راهی با زاویه باز نسبت به باند پرواز برای خروج سریع هواپیما

saurochory**خزنده‌برافشانی**

[کش. باغ. >] پراکنده شدن میوه توسط خزندگان

arid**خشک**

[ع. جو] ویژگی منطقه یا اقلیم یا شرایطی که دارای رطوبت ناکافی و تبخیر بیش از بارش است

خطای معیار	standard error	خسارتهای عمده ناشی از آن
یک آماره	[ریاضی] جذر مثبت واریانس توزیع نمونه‌گیری	
خطای معیار مجانبی	asymptotic standard error	خطر زمین‌لرزه seismic hazard, earthquake hazard
[ریاضی] مقداری که بتوان به عنوان خطای معیار		[ژئوفیزیک] برآورد احتمال جنبش زمین با پارامترهایی معین بر اثر زمین‌لرزه در یک مکان
یک برآوردگر، وقتی که تعداد نمونه به بی‌نهایت		خط شکست وردآیست tropopause break line
بگراید، به کار برد		[ع. جو] خطی برروی نقشه وردآیست برای نمایش لبه برگ وردآیست
خط تأمین	trap siding	خط عبور ناهم‌سو contraflow lane
[ح. ریلی] خط کوری که در امتداد یکی از خطوط		[ح. شهری] خط عبوری در جاده یا خیابان که در آن در ساعات مشخصی از روز یا به‌طور دائم برخی وسایل نقلیه بر خلاف جهت حرکت عادی حرکت می‌کنند
فرعی ایستگاه قرار می‌گیرد تا امکان جایگیری قطار در کل آن خط فراهم شود		
خط جریان	streamline	خط کناری siding, branch line
[فیزیک] خطی فرضی در جریان شاره که مماس بر آن همواره در راستای سرعت جریان است		[ح. ریلی] خطی کمکی برای خط اصلی که امکان سبقت قطارها و تلاقی خطوط را فراهم می‌کند
خط خشک	dryline	خط کور dead-end siding, dead-end track
[ع. جو] منطقه‌ای باریک در هوای نزدیک سطح زمین در میان‌مقیاس، جدا از جبهه گرم و سرد و مخلوط، که در عرض آن گرادیان بارز رطوبت و گرادیان کم‌دما وجود دارد		[ح. ریلی] خطی در ایستگاه راه‌آهن که از خط اصلی جدا شده و در پایان آن سپر انتهایی نصب شده است
خطران	line driver	خط لحنی melodic line
[مخابرات] افزاره‌ای که با تقویت سیگنال/نشانه، قابلیت انتقال سامانه را افزایش می‌دهد		[موسیقی] بخش حاوی لحن یک قطعه که از بخشهای همراهی‌کننده و ریتمی مجزا است
خطرپذیری زمین‌لرزه‌ای	seismic risk	
[ژئوفیزیک] برآورد احتمال وقوع زمین‌لرزه و		

- [ع. جو] خطی با پتانسیل هیدرولیکی ثابت
- isopor line** خط هم تغییر
- [ژئوفیزیک] خطی که تغییرات درازمدت، مانند تغییرات خطوط هم انحراف یا هم میل، روی آن یکسان است
- isobront, homobront** خط هم تندر، هم تندر
- [ع. جو] ۱. خط واصل نقاط جغرافیایی که بیانگر توفان تندری یکسانی هستند ۲. در اقلیم شناسی، خط واصل نقاط جغرافیایی که در دوره‌ای معین تعداد متوسط روزهای تندری در آن نقاط یکسان است
- isodynamic** خط هم دینامیک، هم دینامیک
- ← خط هم شدت
- isogam** خط هم شدت، هم شدت
- [ژئوفیزیک] خطی که نقاط با شدت مغناطیسی یکسان را به هم وصل می‌کند
- isogal** خط هم گرانی
- [ژئوفیزیک] پربندی با مقادیر گرانی برابر
- isoseismal line** خط هم لرز
- [ژئوفیزیک] پربندی که نواحی هم شدت زمین لرزه را از یکدیگر جدا می‌کند
- isocline** خط هم میل، هم میل
- [ژئوفیزیک] خطی با میل مغناطیسی یکسان
- hinge line** خط لولا
- [زمین] فصل مشترک میان یک ناحیه ثابت و ناحیه‌ای که حرکت روبه بالا یا روبه پایین داشته است
- trough line, axis of trough** خط ناوه
- [ع. جو] خطی که در راستای آن خمیدگی چرخندی هم فشارها یا پربندها بیشینه است
- regression line** خط وایزش
- [ریاضی] خطی راست که وابستگی میانگین شرطی متغیر وابسته را به متغیر پیشگو نمایش می‌دهد
- bus lane, preferential bus lane, priority bus lane, exclusive bus lane** خط ویژه اتوبوس
- [ح. شهری] خط عبوری در راه یا خیابان برای عبور اتوبوس در تمام یا قسمتی از روز
- concurrent lines** خطهای هم رس
- [ریاضی] خطهایی که از یک نقطه مشترک می‌گذرند
- isogonic line** خط هم انحراف
- [ژئوفیزیک] خطی که نقاط با انحراف مغناطیسی یکسان را به هم وصل می‌کند
- خط هم بی‌هنجاری، هم بی‌هنجاری
- is(o)anomaly, isoanomalous line**
- [ژئوفیزیک] خطی که نقاط دارای بی‌هنجاریهای ژئوفیزیکی یکسان را به هم وصل می‌کند
- equipotential line** خط هم پتانسیل
- خلاقیت ← آفرینندگی

neutrosphere

خنثی سپهر

[ع. جو] منطقه‌ای در پوسته جو، بین سطح زمین تا یون سپهر، که در آن اجزای تشکیل دهنده جو عمدتاً از نظر الکتریکی خنثی هستند

hibernation 1, sleep mode

خواب

[رایانه و فن.] حالتی که در آن پس از انتقال محتویات رم (حافظه موقت) به حافظه ثابت رایانه بدون فعالیت باقی می ماند تا بتوان پس از مدتی روند کار برنامه‌ها را بدون تغییر از سرگرفت

خواب کردن ← خوابیدن

hibernate

خوابیدن، خواب کردن

[رایانه و فن.] منتقل کردن محتویات رم (حافظه موقت) به حافظه ثابت (مثلاً دیسک سخت) تا بعداً بتوان آنها را به وضعیت قبلی برگرداند، بی آنکه تغییری در روند کار برنامه (ها) حاصل شود

optical reading,

optical character reading,

lecture optique (fr.)

خواندن نوری

[مخابرات > پست] تشخیص داده‌های چاپی مرسولات پستی با استفاده از عملیات چشمی الکترونیکی

optical reader,

lecteur optique (fr.)

خوانش گر نوری

[مخابرات > پست] بخشی از ماشین تجزیه خودکار مرسولات که اطلاعات نشانی روی مرسولات پستی با ابعاد نامه را ترجمه می کند و اطلاعات را همراه با کد پستی به صورت علائم فسفری یا آنها بارکد روی آنها

ferry pilot

خلبان فرابری

[ح. هوایی] خلبانی که مسئول جابه جایی هواگرد از محلی به محل دیگر است

asymptotic curve

خم مجانبی

[ریاضی] خمی واقع بر یک رویه که صفحه بوسان آن در هر نقطه با صفحه مماس بر آن رویه در آن نقطه یکی است

regression curve

خم وایزش

[ریاضی] خمی که ارتباط بین میانگین متغیر پاسخ با متغیر پیشگو را نمایش دهد

is(o)anomaly curve

خم هم بی هنجاری

[ژئوفیزیک] خمی متشکل از نقاطی با بی هنجاری یکسان

batter

خمیرابه

[تغذیه و صنا.] مخلوط رقیقی از آرد و شیر و نمک و مواد طعم دهنده و رنگی که از آن برای پوشش دادن ماهی و مرغ و همچنین تهیه برخی محصولات آردی استفاده می شود

cake batter

خمیرابه کیک

[تغذیه و صنا.] خمیرابه‌ای که از آن برای تهیه کیک استفاده می کنند

wafer batter

خمیرابه ویفر

[تغذیه و صنا.] خمیرابه‌ای که از آن برای تهیه ویفر استفاده می شود

neutropause

خنثی ایست

[ع. جو] مرز بین خنثی سپهر و یون سپهر

خوددریختیهای یک گروه بر زیر گروه
خوددریختیهای درونی آن

خوددریختی درونی inner automorphsim

[ریاضی] خوددریختی یک گروه که هر عضو
دلخواه g از آن گروه را به $g_0^{-1}gg_0$ بنگارد که در آن
 g_0 عضو ثابتی از آن گروه است

خودزا autogenic, succession

[کشا. باغد.] ویژگی یک جمعیت گیاهی که در
نتیجه عواملی مانند سایه‌اندازی یا تولید هوموس
جانشین جمعیت گیاهی دیگری می‌شود

خودشکوفایی self-actualizer

[اروان.] فردی که به خودشکوفایی رسیده است

خودشکوفاشده self-actualized

[اروان.] ویژگی فردی که به خودشکوفایی رسیده است

خودشکوفایی self-actualization

[اروان.] محقق ساختن حداکثر تواناییهای بالقوه
فرد توسط خودش

خودکارسازی automation

[رایانه و فن.] هرگونه فرایند کاربرد دستگاههای
خودکار یا پیشرفته برای آسان‌سازی فعالیتهای
انسان یا گسترش تواناییهای ذهنی و بدنی وی

خودکاره automaton

[رایانه و فن.] هر دستگاهی مانند روبات که به طور
خودکار عمل می‌کند

درج می‌کند. این دستگاه از واحد تغذیه، واحد
جابه‌جایی، رولهای انبار، رایانه با سامانه کنترل
نمایشگر ویدئویی و چاپگر تشکیل شده است

خودآگاهی consciousness

[اروان.] پایش خود و محیط به‌طوری که مذکرات و
خاطرات و افکار فرد به‌درستی در آگاهی او
بازنمود پیدا کند

خودانگاره self-image

[اروان.] تصور فرد از خود

خودبرافشانی autochory

[کشا. باغد.] پراکنده شدن میوه توسط خود گیاه

خودپروتون‌کافت autoprotolysis

[شیمی] انتقال پروتون بین دو مولکول یکسان

خودپزش self-curing

[م. پلیمر] رنگ [پخت و شبکه‌ای شدن
خودبه‌خود مواد بسیاری

خوددریختی automorphism

[ریاضی] یک یکرختی از یک ساختار جبری به خودش

خوددریختی اصلی principal automorphism

[ریاضی] خوددریختی یکتایی از جبر کلیفورد
مفروض که هر عضو را به قرینه‌اش بنگارد

خوددریختی برونی outer automorphism

[ریاضی] هر عضو گروه خارج قسمت گروه

[ع. جو] تابش خورشیدی دریافت شده در سطح زمین

خورتابگیری insolation 2

[ع. جو] آهنگ تابش خورشیدی مستقیمی که به واحد سطح افقی می‌رسد

خوش سوزکننده antiknock agent, antiknock additive

[م. محیط.] هر ماده‌ای که از آن برای افزایش عدد اکتان بنزین استفاده می‌کنند

خیابان عادی mixed mode street

[ح. شهری] خیابانی که مسیر اختصاصی برای حمل و نقل عمومی یا وسایل نقلیه‌گذری ندارد و همه‌گونه وسیله نقلیه از آن عبور می‌کند

خیابان ویژه اتوبوس bus only street

[ح. شهری] خیابان خاص رفت و آمد اتوبوسهای درون‌شهری

خیزش lift-off

[ح. هوایی] جدا شدن هواگرد یا فضاپیما از زمین یا پرنده مادر

خودکاری automatism

[ارایانه و فن.] کیفیت خودکار بودن یا به صورت ماشینی عمل کردن

خودکافت autolysis

[تغذیه و صنا.] تجزیه یاخته‌ها و بافتها به وسیله آنزیمهای / زی‌مایه‌های داخلی آنها که در پی آسیب دیدگی یا مرگ یاخته‌ها به وقوع می‌پیوندد

خودگردان autonomous

[روان.] در فرد و جامعه، ویژگی فرد یا جامعه‌ای که دارای خودگردانی است

خودگردانی autonomy

[روان.] دارا بودن استقلال و در دست داشتن سرنوشت خود

خودهمبستگی autocorrelation

[ریاضی] مقدار همبستگی بین دو مقدار مختلف از یک سری زمانی مانا در دو نقطه زمانی به فاصله معین

خورتاب insolation 1

دائرة المعارف ← دانشنامه

برای رویش گیاهان بعدی را در عرصه جنگل
فراهم می‌سازد و آنها را در برابر آسیبهای
محیط حمایت می‌کند

دائرة المعارف عمومی ← دانشنامه عمومی

دائرة المعارف موضوعی ← دانشنامه موضوعی

slab track دال خط

[ح. ریلی] نوعی خط آهن که ریلهای آن
روی یک دال بتونی قرار می‌گیرد

دائرة المعارفی ← دانشنامه‌ای

داده‌برداری دوسوگسترش

دامنه تطابق
amplitude of accommodation

[بزشکی] فاصله خطی بین نزدیکترین
نقطه تطابق یا دید واضح تا دورترین نقطه
تطابق یا دید واضح

split spread data acquisition

[ژئوفیزیک] داده‌برداری لرزه‌ای با قرار دادن چشمه
در وسط پروفیل لرزه‌ای

دار پرستار ← دار دایه

amplitude splitting دامنه شکافی

[فیزیک] فرایندی که در آن تابش الکترومغناطیسی
به دو شاخه با دامنه‌های متفاوت تقسیم می‌شود

دارتوده ← دارتوده جنگلی

forest crop, crop دارتوده جنگلی، دارتوده

[م. منابع] جنگل [درختان چوب‌ده یک توده
جنگلی که برای برداشت نهایی تحت عملیات
پرورشی قرار می‌گیرند

encyclopedia, دائرة المعارف، دانشنامه،
cyclopedia

[ع. کتابداری] اثری حاوی اطلاعات مستند که به
صورت مقاله‌های فشرده درباره همه یا برخی از
موضوعهای دانش بشر تدوین می‌شود و از نظم
خاصی پیروی می‌کند

nurse crop دار دایه، دار پرستار

[م. منابع] جنگل [درختی که شرایط مناسب

دانشنامه‌ای، دائرةالمعارفی encyclopedic

[ع. کتابداری] مربوط به دانشنامه/دائرةالمعارف

پرورشی برای چوب‌دهی در آینده انتخاب می‌شود

درختواره tree

[ح. شهری] نموداری که در شبکه راه‌ها کوتاهترین مسیر و کمترین زمان سفر از یک نقطه در یک حوزه را به هر گروه نشان می‌دهد

دانشنامه عمومی، دائرةالمعارف عمومی**general encyclopedia**

[ع. کتابداری] دانشنامه‌ای/دائرةالمعارفی که درباره تمام معارف بشری است

درختواره چکیده skimmed tree

[ح. شهری] مجموعه اطلاعات حمل و نقل که از داده‌های درختواره به دست می‌آید

دانشنامه موضوعی، دائرةالمعارف موضوعی**subject encyclopedia**

[ع. کتابداری] دانشنامه‌ای/دائرةالمعارفی که درباره بخش خاصی از دانش بشری است

درخودماندگی autism

[روان.] اختلالی روانی که شواهد نخستین آن در اوایل کودکی ظاهر می‌شود و کودک مبتلا در برقرار کردن ارتباط و تعامل اجتماعی و بازی کردن نقایص چشمگیری دارد

دانه خشک‌کن grain drier

[کش. > زراعت.] دستگاهی برای کاهش رطوبت دانه

درخودماندگی بهنجار normal autism

[روان.] ویژگی هفته‌های اول رشد که در آن شیرخواران کاملاً در خود فرومی‌روند و نسبت به محرکهای بیرونی بی‌توجه هستند

دایره خطای احتمالی circular error**probable, circular error probability**

[ع. نظامی] شاخصی که دقت پرتاب سامانه سلاح را نشان می‌دهد و از آن برای تعیین وارد شدن خسارت احتمالی به هدف استفاده می‌کنند

درخودمانده autistic

[روان.] ۱. مربوط به درخودماندگی ۲. ویژگی فرد مبتلا به درخودماندگی

در پشتی backdoor, trapdoor

[رایانه و فن.] برنامه‌ای که با دور زدن روندهای عادی، امکان دست‌یابی به یک سامانه رایانه‌ای را فراهم می‌سازد

درزمانی diachrony

[زبان.] تغییرات زبانی بین دو یا چند مقطع زمانی

درخت چوب‌ده crop tree,**final crop tree**

[م. منابع > جنگل] درختی که به کمک تیمارهای

درس‌افزار courseware

[رایانه و فن.] نرم‌افزاری شامل یک دوره آموزشی

به خود آن ساختار

درشت‌گیر، آشغال‌گیر درشت coarse screen

[م. محیط.] آشغال‌گیری که فاصلهٔ بین میله‌های آن

بیش از ۶ میلی‌متر باشد

درون‌سپاری insourcing

[مخابرات] انتقال کارهایی که در بیرون شرکت انجام

می‌شود به درون شرکت و انجام آنها در در داخل شرکت

درگیری engagement

[ع. نظامی] زدوخورد با نیروهای دشمن بدون در

نظر گرفتن محدودیت زمانی و شدت آن

درون‌گونه‌ای intraspecific

[زیست.] ویژگی هر پدیدهٔ ناشی از تعامل بین افراد

یک گونهٔ معین

درگیری ناهمگون asymmetric engagement

[ع. نظامی] نبرد بین نیروهایی که از لحاظ نیرو و

تجهیزات توانمندیهای یکسانی ندارند

درون‌مولکولی intramolecular

[شیمی] ویژگی پدیده یا فرایندی که شامل انتقال

(اتمها، گروهها، الکترونها) یا برهم‌کنش بخشهای

مختلف یک واحد مولکولی باشد

درمان مراجع‌محور

client-centered therapy

[روان.] نوعی روان‌درمانی که در آن درمانگر به

حالات روانی‌ای که مراجع تشریح می‌کند، اکتفا

می‌نماید و حل مشکلات را به عهدهٔ خود او

می‌گذارد

درون‌نگر introspective

[روان.] مربوط به درون‌نگری

درون‌نگری introspection

[روان.] آگاهی از حالات و احساسات خود و ثبت آنها

دروازهٔ بلیت‌خوانی، بلیت‌خوانی faregate

[ح. ریلی] سامانه‌ای که با کنترل اعتبار بلیت به

مسافران اجازهٔ ورود و خروج می‌دهد

درهٔ طاق‌دیسی anticlinal valley

[زمین.] دره‌ای که در امتداد محور طاق‌دیس است

درو-ردیف‌کن swather

[کشا. < زراع.] ماشینی که محصول را درو می‌کند

و آن را به شکل نوارها یا ردیفهای باریکی روی

زمین باقی می‌گذارد

درهم‌افزار shovelware

[رایانه و فن.] نرم‌افزاری که بیشتر به دلیل کثرت و

تنوع محتوایش مورد توجه قرار می‌گیرد تا به

دلیل کیفیت یا مفید بودن آن

درهٔ ناودیسی synclinal valley

[زمین.] دره‌ای که در امتداد محور ناودیس است

درون‌ریختی endomorphism

[ریاضی] یک هم‌ریختی از یک ساختار ریاضی

[ح. شهری] میزان سهولت سفر بین مبادی و مقاصد مختلف برای تمام مردم

sea mist

دریا تُنک‌مه

← بخارمه

دسترس‌پذیری ایستگاه station accessibility

sea smoke

دریادود

[ح. شهری] میزان دستیابی افراد به ایستگاه حمل‌ونقل همگانی، در محدوده‌ای معین

← بخارمه

دسترس‌پذیری مکان point accessibility

seaquake, submarine earthquake

دریالرزّه

[ح. شهری] در برنامه‌ریزی شهری، میزان دسترسی از یک محل مشخص به مراکز فعالیت در یک منطقه

[ژئوفیزیک] زمین‌لرزه‌ای که در زیر اقیانوس روی می‌دهد

seaquake wave

دریالرزّه موج

← سونامی

دستگاه تبدیل stereoplotter, stereoplotting instrument, restitutive instrument, stereoscopic plotter, stereoscopic plotting instrument, photogrammetric plotter, photogrammetric plotting instrument

chin window

دریچه چانه

[ح. هوایی] دریچه‌ای که در چانه هواگرد قرار دارد

[م. نقشه.] دستگاه ترسیمی که امکان اندازه‌گیری بر روی مدل برجسته را فراهم می‌کند و با ابزار نوری، مکانیکی یا رقمی این اندازه‌گیریها را به نقشه تبدیل می‌کند

migration aperture

دریچه کوچ

[ژئوفیزیک] گستره‌ای مکانی که از داده‌های لرزه‌ای آن در کوچ استفاده می‌شود

دستگاه تبدیل تحلیلی analytical stereoplotter

stealware

دزدافزار

[م. نقشه.] دستگاه تبدیلی که از روشهای تحلیلی برای توجیه و ترسیم عوارض و تولید خطوط تراز استفاده می‌کند

[رایانه و فن.] بدافزاری که با دستکاری نشانی اینترنتی، نشانی خود را جانشین نام معرف می‌کند و حق کمپیسیون را به خود اختصاص می‌دهد

December, décembre (fr.)

دسامبر

[عمومی] دوازدهمین ماه سال میلادی، بعد از نوامبر و قبل از ژانویه

دستگاه تبدیل خودکار

automatic stereoplotter

accessibility

دسترس‌پذیری

[م. نقشه.] دستگاه تبدیلی که از روشهای خودکار

case grammar**دستور حالت**

[زبان]. رویکردی زایشی که معنابنیاد است و در آن
حالت‌های معنایی گروه‌های اسمی نظیر کنشگر و
کنش‌پذیر از هم متمایز شده‌اند

structural grammar**دستور ساختی**

[زبان]. ۱. رویکردی که به مطالعه تک‌سطحی زبان،
مانند روابط دستوری و اجزای زبان، می‌پردازد
۲. دستوری که در این چارچوب تدوین شده است

section 2**دسته**

[موسیقی] گروهی از سازهای همسان در یک
ارکستر

**parallel access,
simultaneous access****دستیابی موازی**

[رایانه و فن]. انتقال همه عناصر هر واحد
اطلاعات به طور همزمان

دستیار ← دستیار رقمی شخصی

casting assistant**دستیار انتخاب بازیگر**

[سینما و تلو]. دستیار مسئول انتخاب بازیگران فیلم

production assistant**دستیار تولید**

[سینما و تلو]. دستیار تهیه فیلم که مجموعه‌ای از
کارهای تدارکاتی و هماهنگی تولید را انجام می‌دهد

دستیار رقمی شخصی، دستیار

personal digital assistant, PDA

[رایانه و فن]. افزاره‌های جیبی که ترکیبی از

برای توجیه و ترسیم عوارض و تولید خطوط تراز
استفاده می‌کند

digital stereoplotter**دستگاه تبدیل رقمی**

[م. نقشه]. دستگاه تبدیلی که از روش‌های رقمی
برای توجیه و ترسیم عوارض و تولید خطوط تراز
استفاده می‌کند

**analogue
stereoplotter****دستگاه تبدیل قیاسی**

[م. نقشه]. دستگاه تبدیلی که از ابزارهای مکانیکی
و نوری برای توجیه و ترسیم عوارض و تولید
خطوط تراز استفاده می‌کند

autoland**دستگاه خودنشست**

[ح. هوایی]. دستگاه هدایت پرواز خودکار
که قادر است هواپیما را بدون دخالت
خلبان در شرایط دید طبیعی نامساعد بر روی
باند پرواز بنشانند

sound mixer 1**دستگاه صداآمیزی**

[سینما و تلو]. دستگاه ساده‌ای برای آمیختن
صداها که دارای تجهیزات مختصری چون
کنترل‌کننده خروجی و سیگنال‌سنج / نشانک‌سنج
(signal level meter) و —————
محک‌کننده‌های (faders) جداگانه برای هر کانال است

**vehicle signal
actuating device****دستگاه فرمان واکنشی**

[ح. شهری]. ابزاری برای کنترل چراغ راهنمایی که
با نزدیک شدن وسایل نقلیه فعال می‌شود

خدمات رایانه و تلفن و دورنگار و اینترنت و شبکه را در اختیار کاربر می‌گذارد

راه انجام می‌دهد

secondary office, دفتر پستی تابع
établissement secondaire (fr.)

[مخابرات « پست] دفتر پستی وابسته به دفتر پستی مرکزی که در مقایسه با دفاتر اصلی خدمات محدودتری ارائه می‌دهد و معمولاً شخصی خارج از سازمان پست آن را اداره می‌کند

taboo word دشواژه

[زبان.] واژه‌هایی که بیان آنها در نزد قومی به دلایل مذهبی یا رعایت ادب پسندیده نیست

railway post office, دفتر پست ریلی
bureau ambulant 1 (fr.)

[مخابرات « پست] دفتر پستی مستقر در واگنهای قطار در یک مسیر حمل‌ونقل که در داخل آنها عملیات تجزیه و آماده‌سازی و ارسال مرسولات سپرده‌شده به پست انجام می‌شود و در طول مسیر، کار تحویل و دریافت فرسته‌ها و مرسولات پستی در نقاط تعیین‌شده بین راه را برعهده دارد

دفترچه پس‌انداز پستی

postal savings bank book, livret d'épargne postal (fr.)

[مخابرات « پست] سندی که به‌صورت دفترچه پس‌انداز برای دارنده حساب جاری یا پس‌انداز صادر می‌شود و حاوی جزئیات دادوستدها و مبادلات حساب است

mobile post office, دفتر پست سیار
bureau de poste mobile (fr.)

[مخابرات « پست] دفتر مستقر در داخل قطار یا وسیله نقلیه جاده‌ای یا کشتی یا در نمایشگاه‌ها و همایش‌ها که خدمات پستی را در مناطق فاقد دفاتر پستی ثابت یا مناطق دوردست ارائه می‌دهد

office of posting, دفتر قبول
office of mailing, bureau de dépôt (fr.)
bureau d'origine (fr.)

[مخابرات « پست] دفتر پستی‌ای که در آن پذیرش مرسولات، که نخستین مرحله از مراحل چهارگانه پستی (قبول، تجزیه و آماده‌سازی، ارسال و حمل‌ونقل، توزیع) است، انجام می‌شود

highway post office, دفتر پستی بزرگراه
bureau ambulant 2 (fr.)

[مخابرات « پست] دفتر پستی مستقر در وسایل نقلیه جاده‌ای در یک مسیر که در داخل آنها عملیات تجزیه و آماده‌سازی و ارسال و برداشت پستی سپرده‌شده به پست انجام می‌شود و در طول مسیر، کار تحویل و دریافت فرسته‌ها و مرسولات پستی را در نقاط تعیین‌شده پستی بین

excretion 1 دفع

[زیست.] خروج مواد زائد دگرگشتی (metabolic) از یاخته‌ها یا موجودات زنده

excrete دفع کردن

[زیست.] عمل خروج مواد زائد دگرگشتی (metabolic) از یاخته یا موجودات زنده

thermometer

دماسنج

[ع. جو] ابزاری برای اندازه‌گیری دما با استفاده از تغییر خواص فیزیکی مواد بر اثر گرما

water thermometer

دماسنج آب

← دماسنج دریایی

electronic thermometer

دماسنج الکترونیکی

[ع. جو] دماسنجی با مداربندی الکترونیکی برای آشکارسازی تغییرات ناشی از دما در عنصر گرمایی و نمایش رقمی دمای مربوط

electrical thermometer

دماسنج الکتریکی

[ع. جو] دماسنجی که در آن از عنصر مبدل دارای خواص الکتریکی وابسته به حالت گرمایی آن عنصر برای سنجش دما استفاده می‌شود

spirit thermometer, alcohol thermometer, alcohol-in-glass thermometer

دماسنج الکلی

[ع. جو] نوعی دماسنج مایعی شیشه‌ای که در آن مایع دماسنج، ماده‌ای آلی مانند الکل است

bottle thermometer

دماسنج بطری‌دار

[ع. جو] دماسنجی گرمابرقی برای اندازه‌گیری دمای هوا که بندآور (ترموکوپل) مرجع آن در یک بطری عایق قرار دارد

دماسنج بوردن

Bourdon tube thermometer

[ع. جو] نوعی دماسنج دارای لولهٔ بوردن که

excretory

دفعی

[زیست.] مربوط به دفع

reset button

دکمهٔ بازنشانی

[رایانه و فن.] کلیدی در اغلب رایانه‌ها که با زدن آن، رایانه خاموش و بلافاصله روشن می‌شود و دوباره فرایند بالا آمدن را آغاز می‌کند

allogenic

دگرزا

[کشا.] «باغ.» ویژگی یک جمعیت گیاهی که در نتیجهٔ تغییر شرایط محیطی حاصل از عوامل غیرزنده مانند زه‌آب، جانشین جمعیت گیاهی دیگر می‌شود

cross-pollination

دگرگرده‌افشانی

[کشا.] «باغ.» گرده‌افشانی میان دو گیاه که به لحاظ ژنتیکی خصوصیات یکسان ندارند

heterosphere

دگرگن‌سپهر

[ع. جو] در تقسیم‌بندی دولایه‌ای جو، بخش بالایی که در آن، ترکیبات جو و میانگین وزن مولکولی گازهای تشکیل‌دهنده با افزایش ارتفاع کاهش می‌یابد

aliasing

دگرنامی

[ژئوفیزیک] بروز خطا در بسامدهای پایین طیف دامنه یک تابع گسسته بر اثر نمونه‌برداری نامناسب

attachment 2

دلبستگی

[روان.] گرایش کودک به برقراری ارتباطی نزدیک و صمیمانه با برخی از افراد و احساس امنیت بیشتر در حضور آنها، مانند ارتباط فرزند با والدین

لوله آن با مایع خاصی پر شده است

دماسنج جیوه‌ای mercury thermometer

[ع. جو] نوعی دماسنج مایعی شیشه‌ای یا مایعی فلزی که مایع درون آن جیوه است

دماسنج بی حفاظ

unprotected thermometer

[ع. جو] نوعی دماسنج وارونه‌ای (برای سنجش دمای آب دریا) که در برابر فشار ایستایی (hydrostatic) بی حفاظ است

دماسنج جیوه‌ای شیشه‌ای mercury-in-glass thermometer

[ع. جو] نوع متداولی از دماسنجهای مایعی شیشه‌ای که جیوه آن در محفظه‌ای شیشه‌ای جای دارد

دماسنج بیشینه maximum thermometer

[ع. جو] نوعی دماسنج که بیشترین مقدار دما را در بازه زمانی معین نشان می‌دهد

دماسنج جیوه‌ای فولادی mercury-in-steel thermometer

[ع. جو] نوعی دماسنج مایعی فلزی که جیوه آن در محفظه‌ای فولادی جای دارد

دماسنج پیوست attached thermometer

[ع. جو] دماسنجی که برای اندازه‌گیری دمای کارکرد ابزارها به آنها متصل می‌شود

دماسنج حفاظدار protected thermometer

[ع. جو] نوعی دماسنج وارونه‌ای با حفاظ شیشه‌ای محکم در برابر فشار ایستایی (hydrostatic)

دماسنج تابشی radiant thermometer, radiation-energy thermometer

[ع. جو] ابزاری که دمای جسم سیاه یک ماده را با سنجش تابش گرمایی آن تعیین می‌کند

دماسنج خاک soil thermometer, earth thermometer

[ع. جو] نوعی دماسنج برای اندازه‌گیری دمای خاک

دماسنج تاو‌ه‌ای vortex thermometer

[ع. جو] دماسنج مورد استفاده در هواگردها که در آن افزایش بی‌دررو و مالتی دما با اعمال حرکت چرخشی هوای عبوری به‌طور خودکار تصحیح می‌شود

دماسنج خشک dry-bulb thermometer

[ع. جو] یکی از دماسنجهای رطوبت‌سنج که مخزن آن بدون پوشش است و دمای هوا را نشان می‌دهد

دماسنج تر wet-bulb thermometer

[ع. جو] نوعی دماسنج که مخزن آب با یک فتیله تر پوشیده شده است و برای سنجش رطوبت، دمای تر را اندازه می‌گیرد

دماسنج دریایی marine thermometer, seawater thermometer

[ع. جو] دماسنجی برای سنجش دمای آب دریا

thermometric

دماسنجی

[ع. جو] مربوط به دماسنجی

sonic thermometer

دماسنج صوتی

[ع. جو] دماسنجی که بر پایه وابستگی سرعت صوت به دمای مجازی محیط کار می‌کند

auxiliary thermometer

دماسنج کمکی

[ع. جو] دماسنج جیوه‌ای شیشه‌ای که به دسته دماسنج وارونه متصل می‌شود

minimum thermometer

دماسنج کمینه

[ع. جو] نوعی دماسنج که پایین‌ترین دما را در بازه زمانی معین نشان می‌دهد

gas thermometer

دماسنج گازی

[ع. جو] دماسنجی که بر پایه خواص گرمایی گاز کار می‌کند

sling thermometer

دماسنج گردان

[ع. جو] دماسنجی که یک سر آن با ساچمه یا قطعه زنجیر به دسته‌ای وصل است تا برای تهویه به راحتی با دست گردانده شود

thermoelectric thermometer,
thermocouple thermometer

دماسنج گرمابرقی

[ع. جو] نوعی دماسنج الکتریکی با دو بندآور (ترموکوپل) که به صورت سری به یک پتانسیومتر و مخزن هم‌دما وصل شده است

thermometer deformation

دماسنج دگرشکلی

[ع. جو] دماسنجی با عنصر مبدل که با تغییر دما تغییر شکل می‌دهد

aspirated thermometer

دماسنج دمشی

[ع. جو] دماسنجی که با هواکش تهویه می‌شود

bimetallic thermometer

دماسنج دوفلزی

[ع. جو] دماسنجی که عنصر حساس آن از دو فلز با ضریب متفاوت و به هم جوش داده شده تشکیل شده است

chronothermometer

دماسنج ساعتی

[ع. جو] نوعی دماسنج با سازوکار ساعتی که سرعت آن تابع دماست

surface thermometer

دماسنج سطح

[ع. جو] در اقیانوس‌شناسی، دماسنجی که برای اندازه‌گیری دمای سطح دریا، در سطلی از آب دریا قرار داده می‌شود

bucket thermometer

دماسنج سطلی

[ع. جو] نوعی دماسنج برای سنجش دمای آب که مخزن آن درون محفظه‌ای عایق قرار دارد

black-bulb thermometer

دماسنج سیاه‌مخزن

[ع. جو] نوعی دماسنج با مخزن دوداندود که به تقریب، مشابه جسم سیاه عمل می‌کند

Six's thermometer

دماسنج سیکس

[ع. جو] دماسنجی مرکب از دو دماسنج کمینه و بیشینه

thermometry دماسنجی

[ع. جو] علم و فناوری اندازه‌گیری دما

anticlinal nose, nose, structural nose دماغه طاق‌دییسی

[زمین.] طاق‌دیس محور شیب‌دار بدون بسته شدن

thermograph دمانگار

[ع. جو] دماسنج خودکاری که دما را به طور پیوسته ثبت می‌کند

soil thermograph دمانگار خاک

[ع. جو] دمانگاری برای ثبت دمای خاک که عنصر حساس آن در عمقهای مختلف زمین قرار داده می‌شود

aspiration thermograph دمانگار دمشی

[ع. جو] دمانگاری که تهویه آن به کمک هواکش انجام می‌شود

thermography دمانگاری

[ع. جو] روشی برای اندازه‌گیری و ثبت دما

thermogram دمانگاشی

[ع. جو] ثبت حاصل از دمانگار

thermoscope دماهنگ‌نما

[ع. جو] ابزاری که تغییرات دما را اندازه‌گیری می‌کند

maximum temperature دمای بیشینه

[ع. جو] بیشترین دمای گزارش‌شده در یک محل در دوره زمانی معین

دماسنج لیداری جذب تفاضلی

differential absorption lidar thermometer, DIAL thermometer

[ع. جو] دورکاوِ فعالی که دما را با استفاده از لیزر می‌سنجد

liquid thermometer دماسنج مایعی

[ع. جو] دماسنجی که مایع حساس آن درون محفظه شیشه‌ای یا فلزی است

liquid-in-glass thermometer دماسنج مایعی شیشه‌ای

[ع. جو] نوعی دماسنج که در آن عنصر حساس به گرما مایعی است که درون محفظه شیشه‌ای مدرج جای دارد

liquid-in-metal thermometer دماسنج مایعی فلزی

[ع. جو] نوعی دماسنج که در آن عنصر حساس به گرما مایعی است که درون محفظه فلزی مدرج جای دارد

resistance thermometer, electrical resistance thermometer دماسنج مقاومتی

[ع. جو] نوعی دماسنج الکتریکی که عنصر گرمایی آن ماده‌ای است با مقاومت الکتریکی حساس به دما

reversing thermometer دماسنج وارونه‌ای

[ع. جو] نوعی دماسنج جیوه‌ای که برای ثبت دما آن را وارونه می‌کنند

دمای کمینه روزانه
daily minimum temperature

[ع. جو] کمینه دما در بازه زمانی ۲۴ ساعت پیوسته

دمای کمینه شبانه
nocturnal minimum temperature

[ع. جو] پایین ترین دمای ثبت شده از غروب تا طلوع خورشید

دمای کمینه ماهانه
monthly minimum temperature

[ع. جو] پایین ترین دمای ثبت شده در یک ماه تقویمی از یک سال معین

دمای کمینه مطلق ماهانه
absolute monthly minimum temperature

[ع. جو] پایین ترین دمای کمینه روزانه یک ماه تقویمی در دوره مشخص چندین ساله

دمای نقطه شبنم
dewpoint temperature, thermodynamic dewpoint temperature
← نقطه شبنم

دوپارش
dimerization

[شیمی] واکنشی شیمیایی که در آن دو مولکول یکسان تشکیل یک واحد مولکولی می دهند

دودخان
fumarole

[زمین] دهانه یا دودکش آتشفشانی که از آن بخار و گاز خارج می شود

دمای بیشینه روزانه
daily maximum temperature

[ع. جو] بیشینه دما در بازه زمانی ۲۴ ساعت پیوسته

دمای بیشینه سالانه
annual maximum temperature

[ع. جو] بیشینه دما در بازه زمانی یک سال پیوسته

دمای بیشینه مطلق
absolute maximum temperature

[ع. جو] بیشینه دما در دوره آماری

دمای بیشینه مطلق ماهانه
absolute monthly maximum temperature

[ع. جو] بالاترین دمای بیشینه روزانه یک ماه تقویمی در دوره مشخص چندین ساله

دمای فرین
extreme temperature

[ع. جو] بیشترین یا کمترین دما در محل و در دوره زمانی معین

دمای کمینه
minimum temperature

[ع. جو] کمترین دمای گزارش شده در یک محل در دوره زمانی معین

دمای کمینه چمن
grass minimum temperature

[ع. جو] دمای کمینه نشان داده شده با دماسنج کمینه ای که مخزن آن در فضای باز، روی چمن کوتاه قرار دارد

interspecific hybrid دورگه بین‌گونه‌ای

[زیست.] دورگه حاصل از آمیزش بین افراد دو یا چند گونه مختلف

wet spell دورهٔ پربارش

[ع. جو.] دوره‌ای شامل چند روز پیاپی که بارش روزانه آن از مقدار کمینه معینی بیشتر باشد

dry spell دورهٔ کم‌بارش

[ع. جو.] دوره‌ای با بارش کمتر از مقدار متعارف

base period دورهٔ مبنا

[ح. شهری.] زمانی از روز که در آن نیازمندیها و برنامه‌های حمل‌ونقل تحت تأثیر دورهٔ اوج تقاضای سفر قرار نمی‌گیرد

telemeter دوری‌سنج

[م. نقشه.] وسیله‌ای برای اندازه‌گیری فاصله از راه دور

telemetry دوری‌سنجی

[م. نقشه.] روش اندازه‌گیری فاصله در هر مکان و ارسال داده‌ها به مکان دیگر برای استفاده یا تحلیل

split spread دوسوگسترش

[ژئوفیزیک] نوعی آرایش لرزه‌ای که در آن چشمه در وسط گسترش لرزه‌یابهاست

double heading, double engine دوکشی

[ح. ریلی.] قطاری که نیروی کشش آن را دو لوکوموتیو هم‌جهت، که در ابتدای آن قرار دارند، تأمین می‌کنند

fumarolic دودخانی

[زمین.] مربوط به دودخان

biradical, diradical دورادیکال

[شیمی] واحد مولکولی با تعداد الکترونهاى زوج که دو مرکز تک‌الکترونی آن مستقل از هم عمل می‌کنند

offset 2 دورآفت

[ژئوفیزیک] فاصلهٔ چشمه از لرزه‌یاب یا مرکز گروهی از لرزه‌یابها

hyperope دوربین

[پزشکی] فرد مبتلا به دوربینی

borehole viewer دوربین درون‌چاهی

[ژئوفیزیک] نوعی روبشگر (scanner) فراصوتی برای تصویربرداری از دیوارهٔ چاه، با استفاده از امواج اکوستیکی بازتابی

hyperopia دوربینی

[پزشکی] نوعی اختلال در شکست نور که در آن پرتوهای موازی نور در کانونی واقع در پشت شبکه تلافی می‌کنند

off-street terminal دورپایانه

[ح. شهری.] پایانه‌ای که دور از مسیر تردد وسایل نقلیه قرار دارد

idle speed دور درجا

[ح. هوایی] آرام‌ترین دور موتور هنگامی که هیچ‌گونه بار مکانیکی بر آن وارد نمی‌شود

paleospecies, chronospecies دیرین‌گونه

[زیست.] گونه‌ای که در بیش از یک دوره زمین‌شناسی وجود داشته باشد

bootable disk دیسک راه‌انداز

[رایانه و فن.] ویژگی هر نوع حافظه یا افزاره ذخیره‌سازی‌ای با قابلیت بار کردن و به‌کار انداختن سامانه عامل

fresco 1 دیوارنگاره

[هنر. تج.] گونه‌ای نقاشی که روی دیوارهای آهکی و گچی و با رنگهای محلول در آب انجام می‌شود

fresco 2, buon fresco, true fresco دیوارنگاری

[هنر. تج.] روشی در نقاشی دیواری روی گچ و آهک مرطوب با رنگهای محلول در آب

lipid bilayer دولایه لیپیدی

[زیست.] ساختار دولایه‌ای که اساس غشاهای زیستی را تشکیل می‌دهد و در آن مولکولهای فسفولیپید با آرایش خاصی نظام یافته‌اند

coalition government دولت ائتلافی

[ع. سیاسی] هیئت وزیران متشکل از بیش از یک حزب

second arrival دومین رسید

[ژئوفیزیک] قطار موجی که پس از اولین رسید ثبت می‌شود

diene دی‌ان

[شیمی] دسته‌ای از ترکیبات آلی که مولکولهای آنها دارای دو پیوند دوگانه کربن - کربن است

dienophile دی‌ان‌دوست

[شیمی] جزء اولفینی در یک واکنش دیلز - آدلر

ذ

ذخیره ← ذخیره شده **stored** **ذخیره شده، ذخیره**

[رایانه و فن.] ویژگی هر داده یا اطلاعاتی که در حافظه انباشته شده باشد

ذخیره ساز **storage device**

[رایانه و فن.] محل ذخیره سازی دائمی یا نیمه دائمی داده های رقمی، که بیشتر به دیسک یا نوار اطلاق می شود

ذخیره کردن **store**

[رایانه و فن.] انباشتن داده ها و اطلاعات در حافظه

ذخیره ساز اولیه **primary storage** **ذرات نانم گیر non-hygroscopic particles**

[ع. جو] ذرات فاقد ویژگی جذب و نگهداری مقدار رطوبت قابل توجهی از هوا

ذخیره ساز ثانویه **secondary storage**

[رایانه و فن.] هر نوع ذخیره ساز بیرونی رایانه مانند نوار و دیسک

ذرات نم گیر **hygroscopic particles**

[ع. جو] ذرات دارای ویژگی جذب و نگهداری مقدار رطوبت قابل توجهی از هوا

ذخیره سازی **storage**

[رایانه و فن.] فرایند انباشتن داده ها و اطلاعات در حافظه

ذره افسون **charmed particle**

[فیزیک] ذره ای که دست کم شامل یک کوارک افسون باشد

ذخیره سازی انبوه **mass storage**

[رایانه و فن.] عمل یا فرایند انباشتن حجم انبوهی از داده ها و اطلاعات در حافظه یا هر ذخیره ساز دیگر

ذره ساز **atomizer**

[تغذیه و صنایع.] دستگاهی که عمل ذره سازی را

strange particle

ذره شگفت

انجام می‌دهد

[فیزیک] هادرونی که عدد شگفتی آن صفر نیست

atomization

ذره‌سازی

[تغذیه و صنایع] تبدیل مواد به ذرات

ریزر در اندازه‌های ۱۰ تا ۱۰۰۰

میکرومتر

partial melting

ذوب بخشی

[زمین‌شناسی] ذوب ناقص سنگهای اولیه که در نتیجه آن

مذابی با ترکیبی متفاوت با ماده اولیه به وجود می‌آید

راه اندازی	boot 1, bootstrap	راکتور حالت پایا ← واکنشگاه حالت پایا
[رایانه و فن.] عمل به راه انداختن سامانه های عامل		
راه اندازی کردن	boot 2	راکتور زاینده تند fast breeder reactor
[رایانه و فن.] به کار انداختن سامانه های عامل پس از آن که کاربر دستگاه رایانه را روشن می کند		[فیزیک] گونه ای راکتور هسته ای که در آن، ابتدا بر اثر واکنش نوترون های تند با اورانیوم ۲۳۸، اورانیوم ۲۳۹ تولید می شود و در گام های بعدی پلوتونیوم ۲۳۹ به وجود می آید
راه اندازی نافرجام	aborted start	رئیس خط ناحیه general track foreman
[ح. هوایی] ناتمام ماندن فرایند روشن شدن هواگرد به دلیل عدم احتراق طبیعی در محدوده زمانی مقرر		[ح. ریلی] فردی که تمام مباشران خط در یک ناحیه زیر نظر او فعالیت می کنند
راهبرد ناهمگون	asymmetric strategy	رئیس قطعه section foreman, section boss
[ع. نظامی] سازماندهی و بهره گیری از توانمندیهای نیرویی ضعیف در برابر نیرویی قوی		[ح. ریلی] سرپرست خط آهن در یک قطعه یا محدوده مشخص
راهبر زمینی	marshaller	رابطه بین گونه ای interspecific relation
[ح. هوایی] فردی که خلبان هواگرد را برای حرکت و توقف در نقطه خاصی از توقفگاه یا خط پرواز هدایت می کند		[زیست.] رابطه موجود بین دو یا چند گونه
راهنما	directory	رادار هدف یاب target acquisition radar
[ع. کتابداری] سیاهه ای از نام اشخاص و سازمانها و اماکن و جز آن که معمولاً به ترتیب الفبایی یا رده ای منظم شده باشد		[ع. نظامی] راداری که مأموریت آن شناسایی و آشکارسازی هدف است و موقعیت هدف را برای به کارگیری نوع جنگ افزار تعیین می کند

مختلف در درون آن به تله می‌افتند و هدایت می‌شوند

رایانه همپا simultaneous computer 1

[رایانه و فن.] رایانه‌ای که برای پشتیبانی رایانه‌ای دیگر به کار می‌رود و در صورت بروز خرابی در رایانه اصلی می‌تواند جانشین آن شود

رایانه همزمان simultaneous computer 2

[رایانه و فن.] رایانه‌ای که اجزاء درونی آن به طور همزمان بخشهای گوناگون یک برنامه را پردازش می‌کنند

رایگان‌افزار freeware

[رایانه و فن.] نرم‌افزار رایانه‌ای که به رایگان در دسترس افراد قرار گیرد، ولی تکثیر و تغییر و توزیع مجدد آن مجاز نیست

رتبه درون‌گونه‌ای intraspecific rank

[زیست.] رتبه‌ای که مراتب تعامل افراد درون یک گونه را معین می‌کند

رتبه فراگونه‌ای supraspecific rank

[زیست.] رتبه‌ای در سلسله‌مراتب رده‌بندی که بالاتر از گونه قرار دارد

رخنه‌ابزار penetration aids

[ع. نظامی] فنون یا ابزارهایی که سامانه سلاحهای هوایی برای رخنه بیشتر به پدافندهای دشمن به کار می‌گیرد

راهنمای پژوهش research guide

[ع. کتابداری] منبعی که اطلاعات و رهنمودهای آموزشی و توصیه‌هایی را درباره بهترین راهبردها و فنون و منابع تحقیق در یک موضوع در اختیار می‌گذارد

راهنمای تجاری trade directory

[ع. کتابداری] راهنمایی که حاوی سلسله اطلاعات اقتصادی، مقررات بازرگانی داخلی و خارجی، قوانین گمرکی و عوارض گوناگون واردات و صادرات است

راهنمای تلفن telephone directory

[ع. کتابداری] راهنمایی که حاوی اطلاعاتی درباره شماره تلفن و نشانی افراد یک شهر یا محل است

راهنمای شهری city directory

[ع. کتابداری] راهنمایی که حاوی اطلاعاتی درباره شهروندان و مشاغل است و در سه قسمت، براساس نام افراد و شماره تلفن و نام خیابان، مرتب شده است

راهنمای ناشران publishers directory

[ع. کتابداری] راهنمایی که حاوی اطلاعاتی درباره ناشران، از قبیل شماره تلفن و نشانی و غیره، است

راهه duct

[ع. جو] منطقه‌ای در جو یا اقیانوس که خواص فیزیکی آن در راستای قائم به گونه‌ای تغییر می‌کند که امواج ایجادشده در راستای

combatant

رزمنده

[ع. نظامی] فردی که در رزم شرکت می‌کند

vapour trail

ردّ بخار

← ردّ میعانی

dispersion resin

رزین پراکنه‌ای

[م. پلیمر ← رنگ] پراکنه پایدار یک بسیار مایع

dissipation trail, distraill

ردّ تبخیری

[ع. جو] نواری باریک و صاف در درون لایه نازک ابر که به دنبال هواپیمای در حال پرواز دیده می‌شود

steady-state conduction

رسانش حالت پایا

[فیزیک] رسانشی گرمایی که در آن دما و شارش گرما در هر نقطه ثابت می‌مانند

pilot trace

ردّ راهنما

[ژئوفیزیک] رد لرزه‌ای که دیگر ردهای لرزه نسبت به آن تنظیم می‌شود

heat conduction

رسانش گرما

[فیزیک] انتقال انرژی گرمایی در ماده به سبب تفاوت دما در نقاط مختلف آن

rootkit

ردگم‌کن

[رایانه و فن.] نرم‌افزاری که مهاجم رایانه‌ای، پس از تسلط بر سامانه، وارد سامانه می‌کند تا رد حمله پنهان بماند

thermal conduction

رسانش گرمایی

[فیزیک] نوعی رسانش که در آن انرژی گرمایی در ماده جابه‌جا می‌شود

condensation trail

ردّ میعانی

[ع. جو] باریکه‌ای ابرمانند، غالباً به دنبال هواپیمای در حال پرواز، در هوای صاف و سرد و مرطوب

boulder clay

رس تخته‌سنگی

[زمین.] مخلوطی ناهمگن بدون ساختار چینه‌شناختی متشکل از رس و ماسه و شن و تخته‌سنگ که در زیر یخچالها نهشته می‌شود

age class

رده سنی

[م. منابع] جنگل] هریک از تقسیماتی که درختان جنگل را براساس سن در آنها قرار می‌دهند

seed drill

ردیف‌کار

[کشتا. ← زراع.] ماشینی برای قرار دادن بذر (یا کود) به مقدار معین، در عمق معینی از خاک به صورت یک ردیف واحد یا ردیف‌های موازی

category

رسته

[ریاضی] رده‌ای از شیءها (objects) با مجموعه‌ای از ریختارها (morphism)

Abelian category

رسته آبدلی

[ریاضی] یک رسته جمعی که هر ریختار آن دارای

combat

رزم

[ع. نظامی] بخشی از نبرد بین نیروهای مسلح دو کشور

- رشته **string** هسته و همسته است و همهٔ ریختارهای $\text{Coim } f \rightarrow \text{Im } f$ مربوط به آن یکریختی هستند
- رشته‌نویسه **character string** [رایانه و فن.] مجموعه‌ای از نویسه‌های الفبایی - عددی
- رشد جمعیت **population growth** [زیست.] تغییر در اندازهٔ جمعیت در طول زمان بر اثر زادوولد و مرگ‌ومیر و درون‌کوچی (immigration) و برون‌کوچی (emigration)
- رطوبت‌پزی **moisture curing** [م. پلیمر] پخته شدن پوشش بر اثر قرار گرفتن در معرض رطوبت محیط
- رطوبت‌سنج **psychrometer** [ع. جو] ابزاری برای سنجش رطوبت جو متشکل از دو دماسنج تر و خشک
- رطوبت‌سنج آشمَن **Assmann psychrometer** [ع. جو] نوعی رطوبت‌سنج دمشی که از دماسنجهای آن به خوبی در برابر تابش محافظت می‌شود
- رطوبت سنج تهویه‌ای **ventilated psychrometer** ← رطوبت‌سنج دمشی
- رطوبت سنج چرخان **whirling psychrometer** ← رطوبت‌سنج گردان
- رشته جمعی **additive category** [ریاضی] رشته‌ای با شیء صفر (null object) که به‌ازای هر دو شیء X و Y ریختارهای $\text{Hom}(X, Y)$ تشکیل یک گروه جمعی دهند و ترکیب ریختارها از هر دو سو پخش‌ی (توزیمی = distributive) باشند و حاصل ضرب (و هم حاصل ضرب) هر دو شیء موجود باشند
- رشته حاصل ضرب **product category** [ریاضی] رشته‌ای که مجموعهٔ اشیاء آن حاصل ضرب مجموعه‌های اشیاء دو رشته مفروض و مجموعهٔ ریختارهایش نیز حاصل ضرب مجموعه‌های ریختارهای آن دو رشته باشد
- رسن **rope** [ع. نظامی] قسمتی از خاشنه که دارای یک رشته بلند فلزی است و برای ایجاد انعکاس وسیع باند بسامد پایین، بر روی رادار دشمن به کار می‌رود
- رسوب آب شیرین **fresh water sediment** [زمین.] رسوبی که در محیط آب شیرین انباشته می‌شود
- رسوب خشکی‌زاد **terrigenous sediment** ← نهشتهٔ خشکی‌زاد

از هوای مرطوب به کل جرم آن behavior رفتار [روان.] همه کنشها و واکنشهای یک اندامگان در پاسخ به محرکهای خارجی و داخلی	رطوبت‌سنج دمشی aspiration psychrometer, aspirated psychrometer [ع. جو] نوعی رطوبت‌سنج که به صورت مصنوعی تهویه می‌شود
behavior therapist رفتاردرمان‌گر [روان.] فردی که متخصص رفتاردرمانی است	رطوبت‌سنجشی psychrometric [ع. جو] مربوط به سنجش رطوبت
behavior therapy رفتاردرمانی [روان.] نوعی روان‌درمانی که در آن برای درمان از اصول روان‌شناسی رفتارگرا استفاده می‌کنند	رطوبت‌سنج گردان sling psychrometer [ع. جو] رطوبت‌سنجی که برای تهویه بهتر، دیدبان با یک دسته یا زنجیر آن را می‌گرداند
cognitive behavior therapy رفتاردرمانی شناختی [روان.] رویکردی درمانی که به مراجعان کمک می‌کند تا ارتباط بین افکار و احساسات و رفتارهایشان و نیز پیامدهای آنها را تجربه کنند و تغییر دهند	رطوبت‌سنجی psychrometry [ع. جو] دانش و فناوری سنجش رطوبت رطوبت مطلق absolute humidity, vapour concentration [ع. جو] نسبت جرم بخار آب موجود در هوا به حجم مخلوط هوا و بخار آب
asocial behavior, unsocial behavior رفتار غیراجتماعی [روان.] رفتاری که نشان‌دهنده عدم توجه به ارزشها و مقررات اجتماعی و فقدان یا کمبود حساسیت اجتماعی است	رطوبت نسبی relative humidity [ع. جو] خارج قسمت آمیختگی به نسبت آمیختگی سیری
behaviorist رفتارگرا [روان.] فردی که پیرو مکتب رفتارگرایی است	رطوبت‌نما hygrodeik [ع. جو] نوعی رطوبت‌سنج که در آن دماسنجهای تر و خشک در دو طرف نمودار ویژه‌ای از جدول رطوبت‌سنجی نصب شده است
behavioristic رفتارگرایانه [روان.] مربوط به رفتارگرایی	رطوبت ویژه specific humidity [ع. جو] نسبت جرم بخار آب موجود در سامانه‌ای

رنگین به رنگی دیگر و اشیای بی رنگ، رنگین به نظر می‌رسند

dew bow رنگین کمان شبنم
[ع. جو] رنگین‌کمانی حاصل از قطره‌های شبنم بر روی چمن

psychotic روان‌پریش
[روان.] ویژگی فردی که مبتلا به روان‌پریشی است

psychosis روان‌پریشی
[روان.] دسته‌ای از بیماری‌های روانی که وجود هذیان و توهم از ویژگی‌های بارز آن است

organic psychosis روان‌پریشی عضوی
[روان.] نوعی روان‌پریشی که منشأ جسمی دارد

brief reactive psychosis روان‌پریشی واکنشی گذرا
[روان.] نوعی اختلال روان‌پریشی که بلافاصله پس از واقعه ناگوار نظیر مرگ محبوب ایجاد می‌شود و تا دو هفته ادامه می‌یابد و با آشفتگی هیجانی و حداقل یک نشانه روان‌پزشکی همراه است

psychiatrist روان‌پزشک
[روان.] متخصص روان‌پزشکی

psychiatry روان‌پزشکی
[روان.] دانش مطالعه علل و علائم و درمان اختلالات روانی و شیوه‌های پیشگیری از آنها

emotional behavior رفتار هیجانی
[روان.] رفتاری که با تغییرات بدنی و احساسی همراه است و نشانگر یکی از حالات هیجانی است

behavioral رفتاری
[روان.] مربوط به رفتار

interspecific competition رقابت بین‌گونه‌ای
[زیست.] رقابت موجود بین دو یا چند گونه

radio relay, radio repeater رله رادیویی
[مخابرات] ایستگاه رله‌ای که سیگنال‌های / نشانکها بسامد رادیویی را پس از ساماندهی عبور می‌دهد

streak رنگ خاکی
[زمین.] رنگ گرد (پودر) یک کانی، هنگامی که روی چینی بدون لعاب کشیده می‌شود

food colorant, food color رنگ خوراکی
[تغذیه و صنایع.] افزودنی غذایی رنگی که برای بهبود رنگ مواد غذایی به کار می‌رود

alkan(n)et, orcanella, alkanna رنگ شنگار، شنگار
[تغذیه و صنایع.] ماده‌ای رنگی که از ریشه گیاه شنگار گرفته می‌شود

chromatopsia, chromopsia رنگین‌بینی
[پزشکی] نوعی نقصان بینایی که در آن اشیای

neurosis**روان‌نژندی**

[روان.] نوعی اختلال روانی که در آن فرد از مدارا با اضطرابها و تعارضهای درونی خود ناتوان است

phobic neurosis**روان‌نژندی هراسی**

[روان.] اصطلاحی عام برای تمام انواع هراس

hysterical neurosis **روان‌نژندی هیستریک**

[روان.] نوعی اختلال روان‌نژندانه که با گستره وسیعی از نشانه‌های جسمی و روانی منتج از حالت تجزیه‌ای (dissociative) همراه است

iris wipe**رویش روزنه‌ای**

[سینما و تلوی.] نوعی جلوه انتقالی که در آن نمای دوم به صورت دایره‌ای فزاینده یا کاهنده باعث رویش و جایگزینی نمای اول می‌شود

rushes, dailies**روزانه‌ها**

[سینما و تلوی.] نخستین چاپهای نسخه مثبت برای آگاهی از نتیجه کار روزانه گروه فیلمبرداری

day rate**روزنرخ**

[گردشگری] تعرفه‌ای برای استفاده مهمان از اتاق مهمانخانه/ هتل صرفاً در طول ساعاتی از روز

روزهای تیرگی و اچرخندی**anticyclonic gloom days**

[ع. جو] روزهایی که در آنها رطوبت و آلودگی هوای ترازهای پایین جو در شرایط وارونگی و اچرخندی به دام می‌افتد و آسمان از ابرهای پوشنی دیرپا پوشیده می‌شود

psychotherapist**روان‌درمانگر**

[روان.] فردی که تخصص او روان‌درمانی است

psychotherapy**روان‌درمانی**

[روان.] درمان مبتنی بر مطالعه و بررسی عوامل روانی اختلالات و رفع آنها با استفاده از تدابیر روان‌شناختی

group psychotherapy **روان‌درمانی گروهی**

[روان.] درمان جمعی مشکلات روان‌شناختی که در آن گروهی از افراد در حضور یک یا دو درمانگر با یکدیگر تعامل برقرار می‌کنند

clinical psychologist**روان‌شناس بالینی**

[روان.] فردی که تخصص او روان‌شناسی بالینی است

clinical psychology**روان‌شناسی بالینی**

[روان.] شاخه‌ای از روان‌شناسی که به مطالعه و شناخت و بررسی و درمان حالات نابهنجار روانی و رفتاری و پیشگیری از آنها می‌پردازد

psycholinguistics**روان‌شناسی زبان**

[زبان.] شاخه‌ای از زبان‌شناسی که به مطالعه زبان و فرایندهای ذهنی می‌پردازد

liquefaction**روانگرایی**

[ژئوفیزیک] تغییر حالت رسوبهای سیرشده از آب، از جامد به مایع، بر اثر تکانهای شدید زمین

neurotic**روان‌نژند**

[روان.] ویژگی فردی که مبتلا به روان‌نژندی است

رهسپاری مرسولات پستی
forwarding of postal items, routeing,
transmission of postal items,
acheminement des envois postaux (fr.)

[مخابرات] « پست » ارسال یا حمل مرسولات پستی
از محلی به محل دیگر از راهها و مسیرهای تعیین شده

cross rhythm ریتم متقاطع

[موسیقی] ریتمی که با استفاده همزمان از دو یا
چند ریتم متفاوت، که حداقل یکی از آنها دارای
تقسیمات عاریتی است، به وجود می آید

morphism ریختار

[ریاضی] هر عضو یکی از دو رده ای که
یک رشته تشکیل می دهند و نقشی شبیه
نگاشتها دارد

flat morphism ریختار تخت

[ریاضی] ریختاری از طرح (scheme) X به طرح
 Y به طوری که در هر نقطه x از X حلقه موضعی
 $O_{X,x}$ روی $O_{Y,f(x)}$ تخت باشد

bundle morphism ریختار کلانی

[ریاضی] نگاشتی پیوسته بین دو کلاف که در
شرایط معینی صدق کند

finite morphism ریختار متناهی

[ریاضی] ریختاری از نوع متناهی (finite type)
مانند f از طرح X به طرح Y به طوری که پوشش
بازهمگری از Y وجود داشته باشد که پیش‌نگاره
اعضای آن در شرایط معینی صدق کند

crosshole method روش بین چاهی

[ژئوفیزیک] روشی برای اندازه‌گیری سرعت موج
 P و S از طریق ثبت زمان سیر موج از چشمه در
یک چاه تا گیرنده (گیرنده‌های) نصب شده در
چاه (چاههای) دیگر

روش چاه به چاه
borehole-to-borehole method

[ژئوفیزیک] روشی برای مطالعه محدوده میان دو
یا چند چاه که با ایجاد امواج P یا S در یک چاه و
دریافت آنها در چاه (های) دیگر صورت می‌گیرد

روش زمین مغناطی برقی
magnetotelluric method

[ژئوفیزیک] روشی الکترومغناطیسی برای
اندازه‌گیری میدانهای مغناطیسی و الکتریکی
طبیعی زمین

chronicle رویدادنامه، وقایع‌نامه

[ع. کتابداری] شرح دقیق حوادث و وقایع
به ترتیب تاریخ و بدون تحلیل و تفسیر

chronicler رویدادنگار، وقایع‌نگار

[ع. کتابداری] کسی که رویدادنامه / وقایع‌نامه را
تهیه می‌کند

abandonment of a parcel, abandon d'un colis (fr.) رهایش بسته

[مخابرات] « پست » صرف نظر کردن فرستنده از
ارسال یک بسته پستی که امکان تحویل آن
به گیرنده وجود نداشته باشد

ریختار وارون

inverse morphism

[ریاضی] ریختاری از Y به X که ترکیبش با ریختار دیگری از X به Y ، چه از چپ و چه از راست، ریختار همانی بر یکی از دو فضا باشد

ریختار همگر

affine morphism

[ریاضی] ریختاری از طرح (scheme) به طرح دیگر که پیش‌نگاره هر زیرطرح همگر باز، یک طرح همگر باشد

ریختار هموار

smooth morphism

[ریاضی] ریختار تخت f از X به Y به طوری که به ازای هر نقطه y به Y ، $f^{-1}(y)$ یک طرح هموار باشد

ریخت گونه

morphospecies

[زیست]. گونه‌ای که براساس ویژگیهای ریخت‌شناختی (morphologic) تعیین می‌شود

ریزاندامگان اسیدپای

aciduric microorganism, acid tolerant

[تغذیه و صنایع]. ریزاندامگانی که قادر به تحمل محیط اسیدی است

ریزری سازند ← ریزی سازند

ریزگونه

microspecies, jordanon

[زیست]. جمعیت گونه‌ای محلی کوچکی که تحت تأثیر شرایط بوم‌شناختی خاص با جمعیت‌های محلی دیگر تفاوت‌های بارز پیدا کرده است

ریزگیر، آشغال‌گیر ریز

fine screen

[م. محیط]. آشغال‌گیری که فاصله بین میله‌های آن کمتر از ۶ میلی‌متر باشد

ریزری سازند، ریزری سازند

microbioc(o)enosis

[زیست]. مجموعه ریزاندامگان‌هایی که در یک بوم‌سازگان زندگی می‌کنند

thread

ریسه

[ارپانه و فن]. ۱. مجموعه پیام‌هایی درباره یک موضوع که برای یک گروه تبادل نظر اینترنتی فرستاده شود ۲. در برنامه‌نویسی، بخشی از یک برنامه که می‌تواند مستقل از دیگر بخش‌ها اجرا شود

ریشه‌چنبوری

bench root, gooseneck

[کشاورزی]. حالتی که در آن ریشه اولیه دانه‌ها (seedling) بر اثر مقاومت پوسته بذر به حالت حلقوی درمی‌آید

ریشه هوایی

aerial root

[کشاورزی]. ریشه‌ای که روی اندام‌های هوایی گیاه به وجود می‌آید

ریگ

pebble

[زمین]. قطعه سنگی گردشده به قطر ۴ تا ۶۴ میلی‌متر

ریگ‌دار

pebbly

[زمین]. ویژگی رسوب با خاکی که در آن ریگ باشد

ریل‌بر

rail saw

[ح. ریلی] ابزاری برای بریدن ریل به صورت قائم

ریل‌بر ثابت

stationary rail saw

[ح. ریلی] ریل‌بری که در یک کارگاه ثابت، که ریل‌ها در آنجا برش داده می‌شوند، مستقر است

rail punch, rail drill

ریل سوراخ‌کن

[ح. ریلی] ابزاری مکانیکی که با حرکت تفنگی، در جان ریل سوراخ ایجاد می‌کند

portable rail saw

ریل بر دستی

[ح. ریلی] ریل‌بری که می‌توان آن را به‌سهولت به محل مورد نیاز انتقال داد

**rail stretcher,
rail pulling device**

ریل کش

[ح. ریلی] ابزاری جک‌مانند که با آن فاصله دو سر ریل در محل درز تنظیم می‌شود

running rail

ریل حرکت

[ح. ریلی] دو ریل خط آهن که با قرار گرفتن چرخهای قطار روی آنها امکان حرکت قطار فراهم می‌شود

rail heater

ریل گرم‌کن

[ح. ریلی] ابزاری دستی یا ماشینی که در طول خطوط بی‌درز حرکت می‌کند و با ایجاد شعله آتش باعث افزایش درجه حرارت آن می‌شود

rail bender

ریل خم‌کن

[ح. ریلی] ابزاری برای ایجاد شعاع مناسب در ریل به‌منظور نصب آن در قوس مسیر

ز

complementary angles زاویه‌های متمم
[ریاضی] دو زاویه با مجموع 90°

language زبان
[زبان]. دانش مشترک بین اعضای یک جامعه بشری که ارتباط کلامی میان آنها را ممکن می‌سازد و موضوع بررسی علم زبان‌شناسی است

first language زبان اول
[زبان]. زبان مادری هر فرد

externalized language, external language, extensional language زبان برونی
[زبان]. بازنمایی دانش درونی زبان به شکل گفتار و نوشتار

internalized language, internal language, intensional language زبان درونی
[زبان]. دانش زبانی ملکه ذهن یک گویشور بومی

statistical linguistics زبان‌شناسی آماری
[زبان]. شاخه‌ای از زبان‌شناسی که با استفاده از روشهای آماری به بررسی جنبه‌های مختلف زبان می‌پردازد

advance regeneration, advance reproduction زادآوری پیش‌هنگام

[م. منابع] جنگل تجدید حیات طبیعی جنگل که پیش از زادآوری برنامه‌ریزی شده در زیراشکوب جنگل وجود دارد

angle of impact زاویه برخورد
[فیزیک] زاویه تند پرتابه (trajectory) با افق، هنگام برخورد آن با زمین

bank angle زاویه پهلוגرد
[ح. هوایی] زاویه بین محور عمودی هواگرد و صفحه قائم زمین که محور طولی هواگرد در آن قرار دارد

gonimeter زاویه‌سنج
[م. نقشه]. وسیله‌ای برای اندازه‌گیری زاویه‌های افقی

gonimetry زاویه‌سنجی
[م. نقشه]. روشی مکانیکی برای اندازه‌گیری زاویه

central angle, angle at centre زاویه مرکزی
[ریاضی] در دایره، زاویه‌ای که اضلاعش شعاعهای آن دایره باشد

توصیف ویژگیهای ساختاری زبانهای مختلف در قالب نظریه‌های زبان‌شناختی می‌پردازد

diachronic linguistics زبان‌شناسی در زمانی
[زبان.] شاخه‌ای از زبان‌شناسی که به مطالعه تغییرات زبان در طول زمان می‌پردازد

mathematical linguistics زبان‌شناسی ریاضی
[زبان.] شاخه‌ای از زبان‌شناسی که با استفاده از مفاهیم آماری و جبری به مطالعه ویژگیهای ریاضی زبان می‌پردازد

forensic linguistics زبان‌شناسی قانونی
[زبان.] شاخه‌ای از زبان‌شناسی که در آن از روشهای زبان‌شناختی برای بررسی و تشخیص جرم استفاده می‌کنند

ethnolinguistics زبان‌شناسی قومی
[زبان.] شاخه‌ای از زبان‌شناسی که به بررسی رابطه زبان و رفتارها و گوناگونیهای قومی می‌پردازد

applied linguistics زبان‌شناسی کاربردی
[زبان.] شاخه‌ای از زبان‌شناسی که با استفاده از یافته‌های زبان‌شناسی نظری و توصیفی به حل مسائل زبانی دیگر رشته‌ها می‌پردازد

زبان‌شناسی مردم‌شناختی ← مردم‌شناسی زبان

contrastive linguistics, contrastive analysis زبان‌شناسی مقابله‌ای
[زبان.] شاخه‌ای از زبان‌شناسی که وظیفه آن تعیین

زبان‌شناسی آموزشی ← زبان‌شناسی تربیتی

sociolinguistics زبان‌شناسی اجتماعی
[زبان.] شاخه‌ای از زبان‌شناسی که در آن روابط میان زبان و جامعه مطالعه می‌شود

critical linguistics زبان‌شناسی انتقادی
[زبان.] شاخه‌ای از زبان‌شناسی که هدف آن دستیابی به جنبه‌های ارزشی و اعتقادی و کشف روابط قدرت نهفته در متن است

corpus linguistics زبان‌شناسی پیکره‌ای
[زبان.] شاخه‌ای از زبان‌شناسی که در آن با ایجاد پایگاههای داده‌ای گسترده به بررسی جنبه‌های مختلف زبان می‌پردازد

historical linguistics زبان‌شناسی تاریخی
← زبان‌شناسی در زمانی

زبان‌شناسی تربیتی، زبان‌شناسی آموزشی
educational linguistics

[زبان.] شاخه‌ای از زبان‌شناسی که به بررسی و به‌کارگیری نظریه‌ها و روشهای زبان‌شناختی برای آموزش زبان می‌پردازد

comparative linguistics زبان‌شناسی تطبیقی
[زبان.] شاخه‌ای از زبان‌شناسی که به مقایسه زبانها و گویشها برای اهدافی مانند تعیین نیای مشترک آنها می‌پردازد

descriptive linguistics زبان‌شناسی توصیفی
[زبان.] شاخه‌ای از زبان‌شناسی که به بررسی و

زلزله‌شناسی مهندسی engineering seismology

[ژئوفیزیک] علمی کاربردی که پارامترهای مهندسی جنبشی ناشی از زمین‌لرزه را بر پایه زلزله‌شناسی و زمین‌شناسی مطالعه و ارزیابی می‌کند

زمان افت پالس ← زمان افت تپ

زمان افت تپ، زمان افت پالس pulse fall time

[مخابرات] مدت زمانی که طول می‌کشد تا تپ/پالس از اوج دامنه خود (مثلاً نود درصد) به دامنه پایین‌تری (مثلاً ده درصد) تنزل یابد

زمان اوج prime time, peak time, class A time

[سینما و تلو.] پرمخاطب‌ترین ساعات برنامه‌های تلویزیونی یا رادیویی

زمان برخوردگاه intercept time

[ژئوفیزیک] زمان به‌دست‌آمده از برخورد محور زمان با خط برازشی به داده‌های امواج شکست مرزی در نمودار زمان - مسافت

زمان پخت cure time

[م. پلیمر] رنگ [فاصله زمانی میان قرارگیری یک بسپار گرماسخت (thermosetting) در معرض شرایط پخت تا هنگامی که خواص معینی در آن پدید آید

زمان پلانک Planck time

[فیزیک] زمان لازم برای اینکه کوانتوم نور بتواند

تفاوتها و شباهتهای زبانی دو زبان در سطوح آوایی و صرفی و نحوی و مانند آنهاست

زبان‌شناسی نظری theoretical linguistics

[زبان.] شاخه‌ای از زبان‌شناسی که به نظریه‌پردازی درباره زبان بشر و قوه نطق می‌پردازد

زبان‌شناسی همزمانی synchronic linguistics

[زبان.] توصیف ویژگیهای یک زبان در مقطع زمانی معین

زبان‌شناسی همگانی general linguistics

← زبان‌شناسی نظری

زبان‌شناسی همه‌زمانی panchronic linguistics

[زبان.] از دیدگاه سوسور، رویکردی در مطالعه زبان که به بررسی ویژگیهای ثابت زبان در طول زمان می‌پردازد

زبانۀ سرد cold tongue

[ع. جو] در هواشناسی همدیدی، گسترش یا پیشروی بارز هوای سرد

زبرزنجیری suprasegmental

[زبان.] ویژگیهای آوایی مربوط به بیش از یک واج

زغال استخوان bone charcoal

[تغذیه و صن.] زغالی که از سوزاندن استخوان، تا حدی که ترکیبات آلی آن از بین برود، به دست می‌آید

زغال حیوانی animal charcoal

← زغال استخوان

hibernation 2, زمستان‌خوابی winter sleep, deep hibernation

[زیست.] حالتی برای حفاظت در برابر سرمای زمستان که در برخی جانوران وجود دارد و با خواب و کاهش شدید دما و دگرگشتِ (metabolism) بدن همراه است

hibernal, hiemal زمستانی

[زیست.] ویژگی آن دسته از پدیده‌های مربوط به نمو که در فصل زمستان اتفاق می‌افتد

arable land زمین قابل‌کشت

[کشا.] باغ. [زمینی که برای کشت گیاهان مناسب است]

catenary, alyoid, chainette زنجیره

[ریاضی] خم حاصل از آویزان کردن یک زنجیر یکنواخت از دو سر آن

food chain, trophic chain, زنجیره غذایی trophic pathway

[زیست.] مراحل خوردن و خورده شدن موجودات زنده در هر بوم‌سازگان که در طی آنها مواد و انرژی در ترازهای مختلف تغذیه انتقال می‌یابد

catenoid زنجیره‌وار

[ریاضی] رویه حاصل از دوران یک زنجیره حول محور خود

bio-bibliography زندگی - کتاب‌نگاشت

[ع. کتابداری] سرگذشت مختصر نویسندگان همراه با کتاب‌نگاشت آثار آنان

مسافتی برابر با طول پلانک را به‌پیماید

زمان خیز پالس ← زمان خیز تپ

زمان خیز تپ، زمان خیز پالس pulse rise time

[مخابرات] مدت‌زمانی که طول می‌کشد تا تپ/پالس از حداکثر دامنه خود (مثلاً ده درصد) به دامنه بالاتری (مثلاً نود درصد) صعود کند

arrival time زمان رسید

[ژئوفیزیک] ۱. لحظه رسیدن موج لرزه‌ای به ایستگاه لرزه‌نگاری ۲. بازه زمانی رسیدن موج لرزه‌ای از چشمه به گیرنده

baking time زمان کوره‌پزی

[م. پلیمر] رنگ [براساس جدول کوره‌پزی، مدت‌زمانی که لازم است تا در دمای مشخص، فیلم پخته یا خشک‌شده‌ای با خواص مطلوب حاصل شود]

detention time, retention time زمان ماند

[م. محیط.] مدت‌زمان لازم برای آنکه جریان معینی از سیال مخزنی را پر کند، یا مدت‌زمان نظری لازم برای گذر جریان معین سیال از مخزن

hibernator زمستان‌خواب

[زیست.] جانوری که با زمستان‌خوابی و کاهش شدید دما و دگرگشتِ (metabolism) بدنش در برابر سرمای زمستان از خود محافظت می‌کند

از خصوصیات یک زیست‌زون زنده است

shadow zone زون سایه

[ژئوفیزیک] ناحیه‌ای در فاصله تقریبی ۱۰۰ تا ۱۴۰ درجه از رومرکز زمین‌لرزه که در آن موج P به سبب عبور از محیط کم‌سرعت دریافت نمی‌شود

subduction zone زون فرورانش

[زمین.] منطقه‌ای که در آن بخشهایی از صفحه‌های زمین‌ساختی به زیر صفحه‌های دیگر فرومی‌روند

blind zone زون کور

[ژئوفیزیک] لایه‌ای که موج شکست مرزی آن اولین رسید نیست

guttation, sudation ۲ زهش، تعریق ۲

[زیست.] خروج آب و مواد محلول از گیاه به صورت مایع از طریق روزنه‌های آبی

guttational زهشی، تعریقی

[زیست.] مربوط به زهش/تعریق

discordant drainage زهکش ناهمساز

[زمین.] زهکشی که هم‌جهت یا همخوان با ساختارهای زمین‌شناختی موجود شکل نگرفته باشد

accordant drainage, concordant drainage زهکش همساز

[زمین.] زهکشی که هم‌جهت یا همخوان با ساختارهای زمین‌شناختی موجود شکل گرفته باشد

liveware, wetware, meatware, jellyware زنده‌افزار

[رایانه و فن.] کاربر حقیقی رایانه یا زیست‌تراشه

lone pair, unshared pair, nonbonding electron pair زوج تنها

[شیمی] زوج الکترونی در یک مولکول که مشترک میان دو اتم نیست و در تشکیل پیوند به طور مستقیم شرکت نمی‌کند

zoom زوم

[سینما و تلو.] نوعی جلوهٔ اپتیکی یا نوری که به کمک عدسی دارای فواصل کانونی متغیر به دست می‌آید

zoom out, zoom back زوم‌پس

[سینما و تلو.] دورنمایی موضوع با تغییر فاصلهٔ کانونی عدسی زوم

zoom in زوم‌پیش

[سینما و تلو.] نزدیک‌نمایی موضوع با تغییر فاصلهٔ کانونی عدسی زوم

invaded zone زون تاخته

[ژئوفیزیک] بخشی از دیوارهٔ چاه (گمانه) که مایع حفاری در آن نفوذ کرده و جانشین شارهٔ سازند شده است

biofacial zone زون زیست‌رخساره‌ای

[زمین.] زون زیست‌چینه‌شناختی در یک توالی سنگی ساده که معرف محیطی با مجموعهٔ فسیلی

حمل و نقل مانند حریم راه، خطوط مسیر، تجهیزات علامت‌دهی، ایستگاهها، محوطه‌های پیاده‌سوار، ایستگاههای اتوبوس و امکانات نگهداری

زیرشکن **subsoiler, subsoil plow**

[کشا. < زراع.] وسیله‌ای در خاک‌ورزی که لایه‌های خاک را در عمقی پایین‌تر از عمق شخم‌زنی متعارف در هم می‌شکند

زیرشکنی **subsoiling**

[کشا. < زراع.] شکستن لایه زیرین و متراکم و نفوذناپذیر خاک بی‌آنکه لایه رویی زیرورو شود

زیرگونه **subspecies**

[زیست.] هریک از گروه‌های فرعی یک گونه معین که علی‌رغم تفاوت‌های ژنتیکی و آرایه‌شناختی (taxonomic) قادرند با یکدیگر زادآوری کنند

زیرگونه‌ای **subspecific**

[زیست.] مربوط به زیرگونه

زیرمجموعه جاذب **absorbing subset**

[ریاضی.] زیرمجموعه‌ای از یک فضای بُرداری که به‌ازای هر بُردار x در فضا یک عدد مثبت b یافت شود، به‌طوری که به‌ازای هر c که $b < |c|$ ، بُردار Cx متعلق به آن زیرمجموعه باشد

زی‌سازند **bioc(o)enosis, bioc(o)enose**

[زیست.] مجموعه موجودات زنده‌ای که در ارتباط نزدیک با یکدیگر یک واحد بوم‌شناختی طبیعی را تشکیل می‌دهند

زیاسازند **zooc(o)enosis**

[زیست.] مجموعه جانورانی که در یک بوم‌سازگان زندگی می‌کنند

زیالگان **fauna**

[زیست.] مجموعه گونه‌های جانوری که در یک منطقه جغرافیایی و در دوره‌ای معین زندگی می‌کنند

زیالگان‌شناسی **faunistics**

[زیست.] بررسی ترکیب گونه‌های جانوری که در یک منطقه جغرافیایی و در دوره‌ای معین زندگی می‌کنند

زیالگانی **faunistic**

[زیست.] مربوط به زیالگان

زیبایی‌شناسی جنگل **forest (a)esthetics**

[م. منابع < جنگل] شاخه‌ای از علوم جنگل که به مطالعه ویژگیهای زیبایی‌شناختی جنگل و اهمیت آن برای انسان می‌پردازد

زی توده **biomass 1**

[زیست.] ۱. وزن تر یا خشک موجود یا موجودات زنده یک زیستگاه یا یک تراز تغذیه معین در زمانی مشخص ۲. ماده آلی که برای تولید انرژی به کار می‌رود

زی‌جا **biotope**

[زیست.] محیط زیستی با شرایط و جمعیت زیستی معین در دوره‌ای مشخص

زیرساخت **infrastructure**

[ح. شهری] تمام اجزای ثابت سامانه‌های

[تغذیه و صنا.] مطالعهٔ واکنشهای زیست شیمیایی
و سوخت‌وساز مواد غذایی در بدن

زیست‌گاه‌شماری **biochronology**

[زمین.] سن‌یابی نسبی رویدادهای زمین‌شناختی
با استفاده از روشها یا شواهد دیرینه‌شناختی یا
زیست‌چینه‌ای (biostratigraphic)

زیست‌مه **biofog**

[ع. جو.] نوعی بخارمه حاصل از تماس هوای بیش
از اندازه سرد با هوای گرم و مرطوب پیرامون بدن
انسان و حیوان

زی‌گونه **biospecies**

[زیست.] گونه‌ای که براساس ویژگیهای
زیست‌شناختی معین می‌شود

زیمان **biome**

[زیست.] کلان‌مجموعه‌های زی‌گیتاشناختی
(biogeographic) با سیمای ظاهری و شکلهای
زیستی معین و گونه‌های گیاهی و جانوری خاص

زی‌مایه‌بری ← آنزیم‌بری

زی‌مایه‌بری ← آنزیم‌بری

زی‌مایه‌بری با آب داغ ← آنزیم‌بری با آب داغ

زی‌مایه‌بری با بخار آب ← آنزیم‌بری با بخار آب

زیواگان **biota**

[زیست.] مجموعهٔ گیاهان و جانورانی که در یک
منطقه و در دوره‌ای معین در کنار هم زندگی می‌کنند

زی‌سازند دریایی **marine bioc(o)enosis**

[زیست.] مجموعهٔ موجودات زنده‌ای که در ارتباط
نزدیک با یکدیگر یک واحد بوم‌شناختی دریایی
را تشکیل می‌دهند

زیست‌توده **biomass 2, biological mass**

[م. محیط.] کل تودهٔ موجودات زنده در یک محیط
خاص زیستی

زیست‌رخساره **biofacies**

[زمین.] نوعی تقسیم‌بندی واحد چینه‌شناختی بر
پایهٔ فسیلهای موجود در سنگ

زیست‌رخساره‌ای **biofacial**

[زمین.] مربوط به زیست‌رخساره

زیست‌سنجشی **biometric**

[رایانه و فن.] مربوط به زیست‌سنجی

زیست‌سنجه **biometrics 1**

[رایانه و فن.] هر خصوصیت زیستی یا فیزیکی که
با رایانه قابل اندازه‌گیری و بازشناسی خودکار باشد

زیست‌سنجی **biometrics 2**

[رایانه و فن.] ۱ مطالعهٔ زیستی قابل اندازه‌گیری با
رایانه ۲. در امنیت رایانه، مجموعهٔ فنون اصالت‌سنجی
مبتنی بر آن دسته از خصوصیات فیزیکی قابل
اندازه‌گیری که به‌طور خودکار بازشناسی می‌شود

زیست‌شناسی جمعیت **population biology**

[زیست.] بررسی جمعیت از دیدگاه علم زیست‌شناسی

زیست‌شیمی مواد غذایی **food biochemistry**

ژ

forest genetics

ژن‌شناسی جنگل

[م. منابع] جنگل [یکی از رشته‌های علوم پایه در زمینه مطالعه ویژگیهای وراثتی درختان جنگلی]

January, janvier (fr.)

ژانویه

[عمومی] نخستین ماه سال میلادی، بعد از دسامبر و قبل از فوریه

Mendelian genetics,
Mendelism

ژن‌شناسی مندلی

← ژن‌شناسی تَرانسلی

secretor 2, secretor gene ژن ترشح‌ساز

[زیست.] ژنی بارز بر روی فام‌تنهای غیرجنسی که عامل انتقال صفتی است که منجر به حضور پادگنهای گروههای خونی ABO در بزاق یا دیگر ترشحات بدن شخص حامل می‌شود

June, juin (fr.)

ژوئن

[عمومی] ششمین ماه سال میلادی، بعد از مه و قبل از ژوئیه

transmission genetics, classical genetics ژن‌شناسی تَرانسلی

[زیست.] بخشی از ژن‌شناسی که انتقال ژنها را از نسلی به نسل دیگر مطالعه می‌کند

July, juillet (fr.)

ژوئیه

[عمومی] هفتمین ماه سال میلادی، بعد از ژوئن و قبل از اوت

س

مجدد به سمت دریا به سادگی میسر باشد

structure ساخت

[زبان.] توالی قاعده‌مند واحدهای زبانی

construction ساختار

[زبان.] سازمان درونی یک جمله یا واحدهای دستوری کوچکتر

population structure ساختار جمعیت

[زیست.] ترکیب جمعیت براساس سن و جنسیت افراد آن

age class structure ساختار رده سنی

[م. منابع] جنگل] نحوه استقرار رده‌های سنی در یک جنگل

fine structure ساختار ریز

[فیزیک] ساختار ترازهای انرژی و خطهای طیف اتم یا مولکول بر اثر جفت‌شدگی اسپین و تکانه زاویه‌ای مداری

stand age structure ساختار سن توده

[م. منابع] جنگل] نحوه استقرار سن توده

drive سائق

[روان.] علت درونی انگیزش فرد

primary drive سائق اولیه

[روان.] سائق مختص گونه‌ها که غیراکتسابی و جهانی و دارای منشأ جسمی است، مانند لانه‌سازی

secondary drive سائق ثانویه

[روان.] انگیزه یا رانۀ (urge) آموخته‌شده، نظیر تمایل به نوعی خاص از خوراکی و نوشیدنی

cobble beach, shingle beach ساحل قلوه‌سنگی

[زمین.] ساحلی باریک که از ریگ و قلوه‌سنگ و سایر شنهای ساحلی تشکیل شده است و معمولاً به هر دو طرف خشکی و دریا شیب دارد

beaching ساحل‌نشینی

[ع. نظامی] قرار گرفتن سینه کشتی روی ساحل شنی به گونه‌ای که با باز شدن در یا شیب، پیاده‌کردن نیرو و تجهیزات و همچنین بازگشت

phonological structure ساخت واجی

[زبان.] توالی قاعده‌مند واحدهای واجی

structural ساختی

[زبان.] مربوط به ساخت

ساد ← سامانه ارتباط داخلی

ساز ← سامانه اطلاعات زمین

adaptation سازگاری ۱

[پزشکی] تطبیق بهنجار چشم با شدت‌های مختلف نور

compatibility سازگاری ۲

م. پلیمر رنگ] حالت یا توانایی حضور دو ماده در کنار هم در یک مخلوط، بدون اثر نامطلوب

dark adaptation سازگاری با تاریکی

[پزشکی] سازگاری چشم با رؤیت در تاریکی یا نیمه تاریکی با ساخته شدن رودوپسین در یاخته‌های استوانه‌ای شبکیه

light adaptation سازگاری با روشنایی

[پزشکی] سازگاری چشم با رؤیت در نور آفتاب یا نور درخشان از راه کاهش تراکم رنگیزه‌ای حساس به نور در چشم

adaptometer سازگاری سنج

[پزشکی] ابزاری برای اندازه‌گیری زمان لازم برای سازگاری شبکیه

contributing structure ساختار سهیم

[شیمی] فرمولی ساختاری از مجموعه فرمولهای مربوط به یک مولکول معین که هریک از این فرمولها در تابع موج کل مولکول شرکت دارد

hyperfine structure ساختار فوق‌ریز

[فیزیک] شکافتگی خطوط طیفی به علت برهم‌کنش بین گشتاورهای مغناطیسی الکترون و هسته اتم

grammatical structure ساخت دستوری

[زبان.] توالی قاعده‌مند واحدهای دستوری

structuralist ساختگرا

[زبان.] فرد یا رویکردی که پیرو مبانی ساختگرایی است

structuralism, structural linguistics ساختگرایی

[زبان.] رویکردی به مطالعه زبان که بررسی ساخت و نظام زبان را در کانون توجه خود قرار می‌دهد

food manufacturing ساخت محصولات غذایی

[تغذیه و صنایع.] تولید و بسته‌بندی محصولات غذایی برای مقاصد تجاری

semantic structure ساخت معنایی

[زبان.] توالی قاعده‌مند واحدهای معنایی

syntactic structure ساخت نحوی

[زبان.] توالی قاعده‌مند واحدهای نحوی

[ع. کتابداری] نشریه‌ای سالانه حاوی شرح وقایع سال گذشته

سال‌نگار **annalist**

[ع. کتابداری] کسی که سال‌نگاشت تهیه می‌کند

سال‌نگاشت **annals**

[ع. کتابداری] رویدادنامه‌ای حاوی ثبت وقایع به ترتیب تاریخ و به صورت سال به سال

سام ← سامانه اطلاعات مکانی

سامانه اپتیک **optical system**

[فیزیک] آرایه‌ای از قطعات اپتیک، مانند آینه و عدسی، که برای انجام کارهای اپتیک به کار می‌رود

سامانه ارتباط داخلی، ساد **harness 2**

[ع. نظامی] سامانه‌ای که ارتباط داخلی یا خارجی میان خدمه تانک و بی‌سیم را برقرار می‌کند

سامانه اطلاعات زمین، ساز **Land Information System, LIS**

[م. نقشه]. سامانه‌ای اطلاعاتی برای ذخیره‌سازی و به‌کارگیری و بازیابی اطلاعات مربوط به نقشه‌برداری ثبتی و کاربری زمین

سامانه اطلاعات مکانی، سام **geospatial information system, GIS, spatial information system, geographic information system, geobased information system**

[م. نقشه]. سامانه‌ای رایانه‌ای برای ایجاد و

non-governmental organization, NGO سازمان مردم‌نهاد، سمن

[عمومی] سازمانی که بدون وابستگی اداری و مالی به دولت برای تأمین منافع عمومی فعالیت می‌کند

سازوکار بینابینی **borderline mechanism**

[شیمی] مراحل مختلف یک واکنش که حد واسط بیشترین و کمترین درجه باشد

سازوکار دفاعی **defense mechanism**

[روان]. راهکارهایی عمدتاً ناخودآگاه برای مقابله با اضطراب

سازوکار مدارا **coping mechanism**

[روان]. هرگونه تطابق خودآگاه یا ناخودآگاه که از شدت تجربه یا موقعیت تنش‌زا می‌کاهد

سال‌چینه **varve**

[زمین]. لایه‌های ریز رسوبی که در هر سال در یک توده آب نهشته می‌شود

سال‌چینه یخساری **glacial varve**

[زمین]. لایه‌های ریز رسوبی که در هر سال توسط یخسار نهشته می‌شود

سال مبنا **base year**

[ح. شهری] سالی که بخش اعظم داده‌های گردآوری‌شده در مطالعات حمل‌ونقل به آن مربوط می‌شود

سالنامه **yearbook**

تجهیزات، ورودیهای هوا و سامانه خنک‌سازی

سامانه جابه‌جایی اتاقکی capsule transit system

[ح. شهری] سامانه‌ای متشکل از اتاقک‌هایی که به وسیله نوار یا غلتک یا کابل به حرکت درمی‌آید

سامانه جابه‌جایی پیوسته continuous transit system

[ح. شهری] نوعی سامانه جابه‌جایی نظیر پله‌برقی و تسمه‌نقاله که مدام در حال حرکت است

سامانه جابه‌جایی ثابت‌هادی‌راه fixed guideway transit system

[ح. شهری] نوعی سامانه جابه‌جایی شامل وسایل نقلیه‌ای که فقط می‌توانند در یک هادی‌راه معین حرکت کنند

سامانه جابه‌جایی خطی shuttle transit system

[ح. شهری] سامانه حمل‌ونقل عمومی که امکان رفت‌وبرگشت مسافر در مسیری معمولاً کوتاه را امکان‌پذیر می‌سازد

سامانه جابه‌جایی سریع شخصی personal rapid transit system

[ح. شهری] سامانه حمل‌ونقل خودکار با وسایل نقلیه کوچک (دو یا شش نفره) که با رایانه کنترل می‌شود

سامانه جابه‌جایی سریع گروهی group rapid transit system

[ح. شهری] نوعی سامانه حمل‌ونقل خودکار شامل

مدیریت داده‌های مکانی و اطلاعات توصیفی مرتبط و ذخیره‌سازی و ویرایش و تلفیق و تحلیل و ارائه اطلاعات مکان‌نما

سامانه اکسیژن خالص pure oxygen system

[م. محیط]. نوعی فرایند لجن فعال که در آن حوض هوادهی سرپوشیده است و به جای هوا اکسیژن خالص به حوض وارد می‌شود و بخشی از گاز برای کاهش غلظت دی‌اکسیدکربن از سیستم خارج می‌شود

سامانه انتقال پولی paid transfer system

[ح. شهری] سامانه جابه‌جایی مسافر با اخذ مبلغ اضافه در شروع سفر یا در حین انتقال

سامانه اولویت اتوبوس systembus priority

[ح. شهری] سامانه کنترل ترددی که در آن برای رفت‌وآمد اتوبوس تسهیلات خاصی در نظر گرفته می‌شود

سامانه پوششی coating system

[م. پلیمر] رنگ [سامانه‌ای متشکل از تعداد معینی پوشه که هریک به ترتیبی معین و با فاصله‌های زمانی مناسب برای خشک و پخته شدن قرار می‌گیرند؛ این سامانه معمولاً شامل یک آستر (primer)، یک یا چند میان‌پوشه (intermediate coat) و یک روپوشه (topcoat) است

سامانه پیش‌ران propulsion system

[ح. هوایی] مجموع اجزایی که برای پیش‌راندن هر وسیله پرنده لازم است، شامل موتور و متعلقات آن، سامانه کنترل موتور، سامانه سوخت، سامانه‌های

سامانه حمل‌ونقل هواستر aircushion transportation system

[ح. شهری] سامانه حمل‌ونقل سطحی خاص وسایل نقلیه‌ای که در هادی‌راه ثابت و روی لایه‌ای از هوا (بالشتک هوا) حرکت می‌کنند

سامانه رله رادیویی radio relay system

[مخابرات] سامانه انتقال رادیویی نقطه به نقطه‌ای که توسط یک یا چند ایستگاه رادیویی واسطه سیگنالها/نشانه‌ها را دریافت می‌کند، به حالت مناسبی در می‌آورد و دوباره انتقال می‌دهد

سامانه عامل operating system

[رایانه و فن.] برنامه‌ای برای مدیریت بخشهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری رایانه

سامانه موقعیت‌یابی جهانی global positioning system, GPS

[م. نقشه.] سامانه تعیین موقعیت و ناوبری ماهواره‌ای از نوع غیرفعال

سامانه نام دامنه، ساناد domain name system, domain name server, domain name service

[رایانه و فن.] سامانه‌ای اینترنتی که نامهای دامنه را به نشانیهایی در قالب قرارداد اینترنت برمی‌گرداند

ساناد ← سامانه نام دامنه

سبزکور deuteranopic

[پزشکی] فرد مبتلا به سبزکوری

وسایل نقلیه متوسط برقی که در حریم خاص یا معابر هدایت‌شده ویژه‌ای حرکت می‌کنند

سامانه جابه‌جایی کم‌توانان accessible transit system

[ح. شهری] سامانه حمل‌ونقلی که ایستگاه‌ها و پایانه‌ها در آن به گونه‌ای طراحی شده‌اند که افراد کم‌توان هم بتوانند از آن استفاده کنند

سامانه حمل‌ونقل تقاضامدار demand-actuated transportation system, demand responsive transportation system

[ح. شهری] سامانه حمل‌ونقلی که در آن وسایل نقلیه مسافران را براساس توافق آنان در مسیری خاص جابه‌جا می‌کنند

سامانه حمل‌ونقل تلفنی dial-a-ride transportation system, dial-a-ride

[ح. شهری] سامانه حمل‌ونقلی که در آن وسایل نقلیه با درخواست تلفنی در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد

سامانه حمل‌ونقل ثابت مسیر fixed-route transportation system

[ح. شهری] سامانه حمل‌ونقلی که در آن وسایل نقلیه در یک یا چند مسیر ثابت کار می‌کنند

سامانه حمل‌ونقل متوازن balanced transportation system

[ح. شهری] سامانه‌ای که در آن تجهیزات و خدمات شیوه‌های مختلف حمل‌ونقل همچون یک مجموعه هماهنگ عمل می‌کنند

- bacciferous** **سته‌آور**
[کشا. > باغ.] ویژگی گیاهی که سته تولید می‌کند
- baccivorous** **سته‌خوار**
[کشا. > باغ.] ویژگی جانورانی که تغذیه آنها به طور عمده از سته‌هاست
- shot berry** **سته‌ساقچه‌ای**
[کشا. > باغ.] سته بسیار ریز انگور که به اندازه طبیعی رشد نکرده و به‌طور معمول بدون بذر است
- bacciform** **سته‌شکل**
← سته‌گون
- baccate** **سته‌گون**
[کشا. > باغ.] ویژگی میوه‌ای گوشتی شبیه سته
- belligerency** **ستیزگی**
[ع. سیاسی] وضعیت جنگ یا تعارض خصمانه
- belligerent** **ستیزه‌جو**
[ع. سیاسی] دارای تمایلات خصمانه یا جنگجویانه
- belligerence** **ستیزه‌جویی**
[ع. سیاسی] داشتن تمایلات خصمانه یا جنگجویانه
- anticlinal crest** **ستیف طاقدیسی**
[زمین.] بخشی از طاقدیس که معمولاً محل بیشترین انحنای آن است و خطی با بیشترین ارتفاع را بر روی آن مشخص می‌کند
- deuteranopia, deuteranopsia** **سبزکوری**
[پزشکی] اختلال در دیدن رنگها که در آن فرد به نور سبز غیرحساس است و رنگهای سرخ و سبز و زرد را با هم اشتباه می‌کند
- attributional style** **سبک اسنادی**
[روان.] شیوه معمول فرد در تفسیر علل وقایع خوب و بد
- September, septembre (fr.)** **سپتامبر**
[عمومی] نهمین ماه سال میلادی، بعد از اوت و قبل از اکتبر
- buffer stop, bump stop** **سپر انتهایی**
[ج. ریلی] نوعی سازه ریلی که در انتهای خط آهن قرار می‌گیرد و مانع خروج وسیله نقلیه از انتهای خط می‌شود
- asteroid** **ستاره‌وار**
[ریاضی] درون‌چرخزادی (hypocycloid) که قطر دایره ثابت آن چهاربرابر قطر دایره غلتان است
- cold sterilization** **سترون‌سازی سرد**
[تغذیه و صنایع] از بین بردن ریزاندامگانهای مواد غذایی، بدون استفاده از حرارت زیاد و با استفاده از پرتودهی یا فشار بالا یا فراصوت و مانند آن
- berry** **سته**
[کشا. > باغ.] میوه گوشتی ساده که در آن مرز مشخصی بین میانبر (mesocarp) و درونبر (endocarp) وجود ندارد

سختی‌گیری آب ← نرم‌سازی آب

راه ایجاد پیمانهای راهبردی

سخنگاه ← میز خطابه

all suite hotel **سراچه مهمانخانه، سراچه هتل**
[گردشگری] هتلی که فقط سراچه در آن وجود دارد

سد ← سد جنبش

سراچه هتل ← سراچه مهمانخانه

سد پوشه barrier coat, block coat

[م. پلیمر] رنگ ماده پوششی برای جدا کردن سامانه پوششی از سطحی که بر آن کشیده شده است، به منظور جلوگیری از برهم‌کنش شیمیایی یا فیزیکی آنها

transmission 2 **سرایت**

[زیست]. ۱. انتقال بیماری از یک فرد به فرد دیگر
۲. انتقال صفات وراثتی از والدین به نسل بعد

سد جنبش، سد barrier 2

[ژئوفیزیک] هر بخشی از گسل که مقاومت فوق‌العاده دارد و مانع گسترش گسیختگی شود

transmissible **سرایت‌پذیر**

[زیست]. ویژگی آنچه قابل سرایت از فردی به فرد دیگر یا از یک گونه به گونه دیگر است

سد نفوذ containment

[ع. سیاسی] راهکاری برای جلوگیری از گسترش نفوذ سیاسی یا آرمانهای دشمن از راه ایجاد پیمانهای راهبردی با دولتهای دوست

prevernal **سربهاری**

[زیست]. ویژگی آن دسته از پدیده‌های مربوط به نمو که در اوایل فصل بهار اتفاق می‌افتد

سد نفوذ دوگانه dual containment

[ع. سیاسی] یکی از راهبردهای ایالات متحده در برابر ایران و عراق به منظور محدود ساختن و منزوی کردن آن دو کشور که در زمان ریاست جمهوری کلینتون از ۱۹۹۵ به اجرا درآمد

leadman 1, **سرپرست آرایه کاران**
lead person

[سینما و تلویزیون] شخصی که زیر نظر صحنه‌آرا گروه آرایه کاری را هدایت می‌کند

سد نفوذ کمونیسم containment of communism

[ع. سیاسی] راهکاری برای جلوگیری از گسترش نفوذ سیاسی کمونیسم یا آرمانهای کمونیستی از

bus shelter **سرپناه**

[ح. شهری] سازه‌ای در ایستگاه حمل‌ونقل عمومی برای محافظت مسافران در برابر اوضاع نامساعد جوی که ممکن است دارای محل نشستن نیز باشد

(a)estival 2 **سرتابستانی**

[زیست]. ویژگی آن دسته از پدیده‌های مربوط به

سرعت نموده indicated airspeed

[ح. هوایی] سرعت هوایی اندازه‌گیری شده با لوله پیتوت و روزنه استاتیک که در هواگردهای قدیمی اثر خطای نصب ادوات در آن تصحیح نمی‌شود و در هواگردهای جدید برخی از خطاها در آن با کمک رایانه پرواز (CADC) تصحیح می‌شود

سرعت واسنجیده calibrated airspeed

[ح. هوایی] سرعت هوایی‌ای که با کمک رایانه پرواز، اثر خطای نصب ادوات در آن تصحیح شده است

سرعت هوایی airspeed, air speed

[ح. هوایی] سرعت هواگرد نسبت به هوای اطراف

سرفضا head space

[تغذیه و صنایع] فضای خالی بین سطح ماده غذایی و در بسته‌بندی آن

سرگردانی قطبی polar wandering

[زمین] جابه‌جایی درازمدت و کم‌ویش منظم قطبهای زمین

سرگرمی entertainment

[گردشگری] برنامه‌های سرگرم‌کننده، مانند نمایش فیلم و بازی و غیره، که در طول سفر برای مسافران و مهمانان تدارک دیده می‌شود

سرمازدگی chilling injury

[تغذیه و صنایع] صدمه و تغییرات نامطلوب خصوصیات کارانداز شناختی بافت میوه‌ها و سبزیها در اثر نگهداری آنها در دمای پایین‌تر از حد مناسب

نمو که در اوایل فصل تابستان اتفاق می‌افتد

سرخ‌کور protanope

[پزشکی] فرد مبتلا به سرخ‌کوری

سرخ‌کوری protanopia

[پزشکی] اختلالی در تشخیص رنگ که در آن فرد مبتلا به رنگ سرخ حساس نیست و رنگهای سرخ و زرد و سبز را با هم اشتباه می‌کند

سرشاخه‌دهی acrotony

[کشاورزی] شاخه‌دهی در بالا یا به طرف بالای ساقه

سرشماری census

[ریاضی] شمردن اعضای جامعه به‌طور کامل

سرعت بازه‌ای interval velocity

[ژئوفیزیک] سرعت متوسط پرتو در فاصله بین دو بازتاب در داخل زمین

سرعت حقیقی true airspeed

[ح. هوایی] سرعت هوایی‌ای که اختلاف چگالی هوای محیط و چگالی واسنجی در آن تصحیح شده است

سرعت زمینی ground speed

[ح. هوایی] سرعت هواگرد نسبت به سطح زمین

سرعت معادل equivalent airspeed

[ح. هوایی] سرعت هوایی‌ای که خطای حاصل از تراکم‌پذیری در آن تصحیح شده است

customization

سفارشی‌سازی

[رایانه و فن.] فرایند سفارشی کردن

customize

سفارشی کردن

[رایانه و فن.] تغییر دادن یا ترکیب یا اصلاح کردن مؤلفه‌های کالا یا خدمات مطابق با نیازها و خواسته‌های مشتری

pottery

سفالینه

[هنر. تجر.] ظروف و آثاری که از گِل پخته ساخته می‌شوند

سفر برون - برون، سفر دوسربرون

external-external trip

[ح. شهری] سفری که هر دو سر آن (مبدأ و مقصد) خارج از محدوده مشخص باشد

سفر برون - درون، سفر یک‌سردرون

external-internal trip

[ح. شهری] سفری که یکی از دو سر آن (مبدأ یا مقصد) در داخل محدوده مشخص باشد

outbound trip

سفر برون‌سو

[ح. شهری] سفر به بیرون از مرکز شهر یا محدوده تجاری مرکزی یا مرکز عمده فعالیت

trip end

سفرین

[ح. شهری] مبدأ یا مقصد سفر

سفر درون - درون، سفر دوسر درون

internal-internal trip

[ح. شهری] سفری که یکی از دو سر آن (مبدأ یا مقصد) در داخل محدوده مشخص باشد

nocturnal cooling

سرمایش شبانه

[ع. جو] افت دما در شب بر اثر از دست رفتن خالص انرژی تابشی

forest capital

سرمایه جنگل

[م. منابع] جنگل [ارزش مجموعه ملک جنگلی شامل عرصه و توده رستنی و زیرساختهایی از قبیل راه و تأسیسات و حصار

autoregressive series

سری خودوایاز

[ریاضی] نوعی سری زمانی که در آن بین متوسط یک متغیر تصادفی در زمانی معین با مقادیر گذشته آن رابطه خطی وجود دارد

contact surface

سطح تماس

[ح. ریلی] بخشی از سطح ریل سوم که اتصال الکتریکی را برقرار می‌کند

datum plane

سطح مبنا

[ژئوفیزیک] صفحه افقی یا سطح یا ترازوی که مرجع ارتفاع هر نقطه از زمین است

reference plane

سطح مرجع

← سطح مبنا

propeller area

سطح ملخ

[ح. هوایی] سطحی که ملخ در طی چرخش پوشش می‌دهد

customized

سفارشی

[رایانه و فن.] ویژگی کالا یا خدماتی که سفارشی شده باشد

loading platform,
goods platform

سکوی بارگیری

[ح. ریلی] سکویی در ایستگاه راه‌آهن برای
بارگیری و تخلیه بار

سکوی ثابت جمع‌آوری ← سکوی ثابت
جمع‌آوری اطلاعات

سکوی ثابت جمع‌آوری اطلاعات، سکوی ثابت
fixed collection platform جمع‌آوری

[ع. نظامی] تجهیزاتی روی زمین که به‌صورت
ثابت، اخبار و اطلاعات مربوط به یک موضوع
خاص از دشمن را به‌طور نظام‌مند گردآوری و
گزينش می‌کند

سکوی جمع‌آوری اطلاعات، سکوی جمع‌آوری
collection platform

[ع. نظامی] محلی که در آن اطلاعات مربوط
به دشمن جمع‌آوری می‌شود

سکوی زمینی جمع‌آوری ← سکوی متحرک
جمع‌آوری اطلاعات

سکوی زمینی جمع‌آوری اطلاعات، سکوی
زمینی جمع‌آوری
ground collection platform

← سکوی ثابت جمع‌آوری اطلاعات

سکوی متحرک جمع‌آوری اطلاعات، سکوی
متحرک جمع‌آوری
mobile collection platform

[ع. نظامی] مجموعه‌ای از تجهیزات الکترونیکی

inbound trip

سفر درون‌سو

[ح. شهری] سفر به سوی مرکز شهر یا به درون
محدوده تجاری مرکزی یا به مرکز عمده فعالیت

سفر دوسربرون ← سفر برون - برون

سفر دوسردرون ← سفر درون - درون

round trip

سفر رفت و برگشت

[ح. شهری] حرکت مسافر از مبدأ به مقصد و
بازگشت وی به همان مبدأ

shared ride

سفر شراکتی

[ح. شهری] سفری با وسیله نقلیه غیر عمومی که در
آن مسافران در یک یا چند مبدأ سوار و در یک یا
چند مقصد پیاده می‌شوند

سفر یک‌سردرون ← سفر برون - درون

chocolate bloom

سفیدک شکلات

[تغذیه و صنایع] لکه‌های سفید که بر روی شکلات
به وجود می‌آید و موجب کدری آن می‌شود

abortion

سقط

[کشا. > باغ.] از بین رفتن رویان در مراحل نمو

syncopation

سکته

[موسیقی] جابه‌جایی تأکیدات در ضربهای موسیقی

syncopated

سکته‌دار

[موسیقی] جمله یا عبارت یا انگاره با تم یا قطعه‌ای
که در آن جابه‌جایی تأکیدات ضربها صورت گرفته است

[زمین.] سنگی که معمولاً زیر مواد سست سطحی یا خاک قرار دارد

سنگ تورق‌پذیر fissile rock

[زمین.] سنگی که قابلیت شکسته شدن به صفحات نازک را دارد

سنگ‌ریزش rockfall, rock fall

[زمین.] سقوط آزاد یا حرکت قطعاتی از سنگهای تازه‌جداشده از یک صخره یا دامنه‌ای بسیار پرشیب

سنگ قلوه‌سنگی cobblestone

[زمین.] سنگ متشکل از مواد رسوبی و قلوه‌سنگ

سنگ لوح slate

[زمین.] سنگ دگرگونی ریزدانه و متراکم که می‌توان آن را به صورت تخته‌سنگ یا صفحه‌های نازک برید

سنگ‌نگار lithographer

[هنر. تج.] کسی که به کار سنگ‌نگاری می‌پردازد

سنگ‌نگاره lithograph

[هنر. تج.] قطعه‌سنگی که روی آن تصاویر یا نوشته‌هایی حک شده باشد

سنگ‌نگاری lithography

[هنر. تج.] نوعی حکاکی روی سنگ با ماده‌ی چرب طراحی که پس از چربی‌زدایی سنگ، طرح را چاپ می‌کنند

سنگ‌نگاشتی lithographic

[هنر. تج.] مربوط به سنگ‌نگاری

که در اتاقکی درون خودرو تعبیه شده است و به صورت متحرک برای گردآوری اطلاعات از دستگاه‌های الکترونیکی و الکترومغناطیسی دشمن در منطقه نبرد به کار می‌رود

سکوی هوایی جمع‌آوری ← سکوی هوایی

جمع‌آوری اطلاعات

سکوی هوایی جمع‌آوری اطلاعات، سکوی

هوایی جمع‌آوری airborne collection platform

[ع. نظامی] مجموعه‌ای از تجهیزات الکترونیکی نصب‌شده در داخل هواپیما که به منظور جمع‌آوری اخبار و اطلاعات از دستگاه‌های الکترونیکی و الکترومغناطیسی دشمن از بالای میدان نبرد به کار می‌رود

سلسله‌ای concatenated

[مخابرات] پیوند یا اتصال اجزای سامانه به صورت پشت سر هم یا زنجیره‌ای

سلسله‌بندی concatenation

[مخابرات] اتصال پشت‌سرهم سامانه‌ها به طوری که خروجی هر سامانه ورودی سامانه بعدی است

سمن ← سازمان مردم‌نهاد

سن توده stand age, age of stand

[م. منابع] جنگل میانگین سن درختان یک توده جنگلی

سنگ بستر bed rock

[موسیقی] اجرای دو میزان سه ضربی به صورت
سه میزان دوضربی یا بالعکس

apothem, short radius **سهم**
[ریاضی] فاصله مرکز یک چندضلعی منتظم از
هریک از اضلاعش

politics 1 **سیاست ۱**
[ع. سیاسی] فن و شیوه اداره کشور یا واحدی
سیاسی، از جنبه داخلی

policy **سیاست ۲**
[ع. سیاسی] مسیری که حکومت یا دولت یا حزب
برای تحقق اهداف خود تعیین و طی می‌کند

international politics **سیاست بین‌الملل**
[ع. سیاسی] روابط و اعمال متقابل کشورها که در
جهت تحصیل و حفظ اهداف ملی باشد

policy maker **سیاست‌گذار**
[ع. سیاسی] کسی که سیاست‌گذاری می‌کند

policy making **سیاست‌گذاری**
[ع. سیاسی] فرایند تصمیم‌گیری در مورد یک
راهکار برای رسیدن به یک هدف مشخص

political **سیاسی**
[ع. سیاسی] ویژگی آنچه به سیاست مربوط می‌شود

politics 2 **سیاسیات**
[ع. سیاسی] مجموعه آنچه با سیاست سروکار دارد

national politics **سیاسیات کشوری**
[ع. سیاسی] امور سیاسی مربوط به کشور

achievement age **سن موفقیت**

[روان.] رتبه‌بندی مهارت‌های یک فرد با سن تقویمی
خاص که به صورت هنجار یا استاندارد سنجیده می‌شود

سوخت‌گیری ← سوخت‌گیری مجدد

refuel **سوخت‌گیری کردن**

[ع. نظامی] پر کردن باک هواپیما در آسمان یا زمین
یا دریا

refueling **سوخت‌گیری مجدد، سوخت‌گیری**

[ع. نظامی] عمل پر کردن باک هواپیما در آسمان یا
زمین یا دریا

dip needle **سوزن مغناطیسی**

[ژئوفیزیک] نوعی مغناطیس‌سنج قدیمی با سوزنی
مغناطیده که آزادانه در سطح قائم می‌چرخد

needle-leaved, acicular, **سوزنی‌برگ**
aciculum, aciculate, aciculiform

[کشا. «باغ.】 ویژگی گیاهی که برگ‌های
سوزنی‌شکل دارد

cantharophily **سوسک‌گرده‌افشانی**

[کشا. «باغ.】 گرده‌افشانی توسط سوسک

tsunami, seismic sea wave, **سونامی**
seismic surge

[ژئوفیزیک] موج دریایی گرانشی ناشی از
آشفته‌گی‌های بزرگ‌مقیاس و کوتاه‌مدت کف دریا،
حاصل از زمین‌لرزه‌های کم‌عمق و فوران‌های
آتشفشانی و زمین‌لغزش‌های کف اقیانوس

hemiola **سه‌به‌دو**

[پزشکی] ناحیه‌ای در میدان بینایی که در آن ادراک نور به کلی از بین رفته است

سیاسیات محلی local politics
[ع. سیاسی] امور سیاسی مربوط به بخشی از کشور

سیاه‌نقطه منفی negative scotoma
[پزشکی] سیاه‌نقطه‌ای که به‌صورت فقدان دید در میدان بینایی ظاهر می‌شود و بیمار خود از آن خبر ندارد، و فقط با آزمایش آن را کشف می‌کنند

سیاه‌نقطه scotoma
[پزشکی] ناحیه‌ای از میدان دید که محرکی خاص در آنجا قابل مشاهده نیست

سیاه‌نقطه نسبی relative scotoma
[پزشکی] ناحیه‌ای در میدان بینایی که در آن ادراک نور فقط کاهش یافته است یا فقدان دید، محدود به نوری از طول‌موج‌های خاص است

سیاه‌نقطه‌ای scotomatous
[پزشکی] ۱. مربوط به سیاه‌نقطه ۲. فرد مبتلا به سیاه‌نقطه

سیب‌زمینی‌کار potato planter,
potato planting machine
[کشا. < زراع.] ماشین یا ابزاری برای قرار دادن سیب‌زمینی در زیر خاک، در فواصل موردنظر و ردیفهای موازی

سیاه‌نقطه‌سنج scotometer
[پزشکی] ابزاری برای تشخیص و اندازه‌گیری سیاه‌نقطه

سیگنال قطع، نشانک قطع hang-up signal
[مخابرات] سیگنالی/نشانکی که وقتی کاربر گسوشی را می‌گذارد، برای مرکز تلفن ارسال می‌شود تا مرکز اطلاع یابد که تماس به پایان رسیده است و خط را آزاد کند

سیاه‌نقطه‌سنجی scotometry
[پزشکی] اندازه‌گیری نواحی جداگانه کاهش دید (سیاه‌نقطه‌ها) در میدان بینایی

سیم‌خط‌نگاره wire line log
← چاه‌نگاره

سیاه‌نقطه مثبت positive scotoma
[پزشکی] سیاه‌نقطه‌ای که به شکل لکه یا نقطه‌ای سیاه در میدان بینایی ظاهر می‌شود و بیمار خود از آن آگاه است

سینمای مستقل independent cinema
[سینما و تلو.] سینمایی که تولیدات آن مبتنی بر اصولی جدا از جریان اصلی یا قراردادهای شناخته شده رایج است

سیاه‌نقطه محیطی prepheral scotoma
[پزشکی] ناحیه‌ای محروم از رؤیت، دور از نقطه تثبیت دید و متمایل به محیط میدان بینایی

سیاه‌نقطه مرکزی central scotoma
[پزشکی] ناحیه‌ای محروم از بینایی، منطبق با نقطه تثبیت دید که رؤیت مرکزی را مختل می‌کند یا به کلی از بین می‌برد

سیاه‌نقطه مطلق absolute scotoma

ش

شاخص هوازدگی weathering index

[زمین.] مقیاسی برای اندازه‌گیری هوازدگی
زغال‌سنگ

شار پادشیو countergradient flux

[ع.] جوی شاری از یک متغیر در سوی مخالف شیو
میانگین آن

شانه hay rake

[کشا. < زراع.] ماشینی برای جمع‌آوری علوفه
دروشته و ردیف کردن آنها به صورت عرضی یا
طولی

شبکه lattice

[ریاضی] یک مجموعه جزئاً مرتب (partially
ordered set) که هر زیرمجموعه دو عضوی آن
زیرینه و زیرینه داشته باشد.

شبکه درختواره trace tree

[ح. شهری] زنجیره‌ای از گره‌ها که خطوط رابط
کوتاهترین مسیر بین دو حوزه را مشخص می‌کنند

شبکه ذخیره ← شبکه ذخیره‌سازی

شبکه ذخیره‌سازی، شبکه ذخیره
storage area network, SAN

[رایانه و فن.] شبکه یا بخشی از یک شبکه
سازمانی که تنها برای ذخیره کردن و انباشتن
داده‌ها با هدف پشتیبان‌گیری یا بازیابی آنها
به کار می‌رود

شبکه رله رادیویی radio relay network

[مخابرات] شبکه‌ای متشکل از ایستگاههای رله
رادیویی که وظیفه دریافت و انتقال مجدد
سیگنالها/نشانهها را بر عهده دارد

شبکه غذایی food web, food nex

[زیست.] شبکه‌ای که در آن زنجیره‌های غذایی
یک بوم‌سازگان با یکدیگر پیوستگی و ارتباط
دارند

شبکه کامل complete lattice

[ریاضی] شبکه‌ای که هر زیرمجموعه آن
بزرگترین کران پایین و کوچکترین کران
بالا را دارد

و کاربرد آنها

dewcell **شبیم یاخته**

[ع. جو] نوعی نم‌سنج که در آن برای اندازه‌گیری دمای نقطه شبیم از اختلاف فشار بخار سیر شده بر روی آب خالص و محلول کلرور لیتیم در دمای یکسان استفاده می‌شود

plesiochronous **شبه همزمان**

[ارایانه و فن.] ویژگی سامانه‌هایی که بخشهای مختلف آنها تقریباً همزمان‌سازی شده باشد

شبیه‌سازی الکترونیکی هدف
electronic target simulation

[ع. نظامی] بازسازی دیداری و شنیداری هدف، از نظر نوع عملیات و مؤلفه‌های فنی، برای استفاده در برنامه‌های آموزشی

gravitational acceleration **شتاب گرانشی**

[فیزیک] شتاب ناشی از گرانش در سطح زمین

شخصیت اقتدارمدار
authoritarian personality

[روان.] شخصیتی با رفتار تحقیرآمیز و پرخاشگرانه نسبت به زیردستان، و سلطه‌پذیر و مطیع نسبت به افراد بالادست

personalization **شخصی‌سازی**

[ارایانه و فن.] فرایند شخصی کردن

personalized **شخصی‌سازی شده، شخصی شده**

[ارایانه و فن.] ویژگی اطلاعات گزیده و پالایش شده برای یک فرد با استفاده از اطلاعات شخصی وی

control network, control net **شبکه کنترل**

[م. نقشه.] شبکه نقشه‌برداری که همه نقاط آن نقاط کنترل اند

vertical control network **شبکه کنترل ارتفاعی**

[م. نقشه.] مجموعه‌ای از نقاط با مختصات ارتفاعی معلوم که برای کنترل عملیات نقشه‌برداری به کار می‌رود

horizontal control network **شبکه کنترل مسطحاتی**

[م. نقشه.] مجموعه‌ای از نقاط با مختصات طولی و عرضی معلوم که برای کنترل عملیات نقشه‌برداری به کار می‌رود

dew **شبیم**

[ع. جو] آب حاصل از میعان روی گیاهان و اجسام دیگر نزدیک به سطح زمین که دمای آنها بر اثر سرمایش تابشی (radiation cooling) به زیر نقطه شبیم هوا می‌رسد

drosometer, dew gauge **شبیم‌سنج**

[ع. جو] ابزاری برای اندازه‌گیری مقدار شبیم در واحد سطح

dewpoint deficit, dewpoint depression, dewpoint spread, spread, depression of the dewpoint **شبیم‌کاستی**

[ع. جو] اختلاف بین دمای هوا و دمای نقطه شبیم

dew trap **شبیم‌گیر**

[ع. جو] ابزاری برای به دام‌اندازی قطره‌های شبیم

- clear coat** شفاف پوشه شخصی شده ← شخصی سازی شده
- [م. پلیمر] رنگ پوشه شفاف که روی بُن پوشه قرار می گیرد شخصی کردن
- blossom-end clearing, stylar-end clearing** شفافیت گلگاه [رایانه و فن.] گزیدن و پالایش کردن اطلاعات برای یک فرد با استفاده از اطلاعات شخصی وی و سپس نظرخواهی از او
- intensity** شدت [فیزیک] اندازه یا بزرگی کمیت های فیزیکی
- aurora australis** شفق جنوبگان شدت میدان **field intensity**
- [ژئوفیزیک] شفق قطبی در عرض های جغرافیایی جنوبی [فیزیک] ویژگی میدان بُرداری که با میزان تراکم خط های میدان نمایش داده می شود
- aurora borealis** شفق شمالگان شرطی شدن تأخیری **delayed conditioning**
- [ژئوفیزیک] شفق قطبی در عرض های جغرافیایی شمالی [روان.] نوعی شرطی شدن که در آن محرک غیر شرطی با فاصله زمانی چند ثانیه پس از محرک شرطی ارائه می شود
- fast fission, fast neutron fission** شکافت تند شرکت حمل و نقل هوایی **air carrier**
- [فیزیک] واکنش شکافتی ای که بر اثر بمباران هسته با نوترون های تندی که انرژی بیش از 1 MeV دارند، رخ می دهد [ح. هوایی] شرکت یا سازمانی که برای جابه جایی بار یا مسافر در شبکه هوایی تعدادی هواگرد در اختیار دارد
- spontaneous fission** شکافت خود به خودی شرکت هتلداری **hotel group**
- [فیزیک] شکافت هسته های سنگین بدون دخالت عوامل خارجی مانند نوترون یا تابش گاما یا ذره های باردار پرانرژی [گردشگری] شرکت بزرگی که مالکیت تعدادی از مهمانخانه ها/ هتلها را در اختیار دارد
- figural** شکل تصویری شرکت هواپیمایی ملی **flag carrier**
- [هنر. تجر.] هر شکلی که برگرفته از عناصر طبیعی باشد [ح. هوایی] شرکت حمل و نقل هوایی که در برنامه پروازهای خود پروازهای بین المللی را هم می گنجاند

[هنر. تج.] هریک از تصاویر چهره‌های مقدس در کلیساهای ارتدکس دوران بیزانس

iconoclast شمایل‌شکن
[هنر. تج.] کسی که به از بین بردن شمایلها اقدام می‌کند

iconoclasm شمایل‌شکنی
[هنر. تج.] از بین بردن شمایلها

iconological شمایل‌شناختی
[هنر. تج.] مربوط به شمایل‌شناسی

iconologist شمایل‌شناس
[هنر. تج.] کسی که در شناخت شمایل‌ها تبحر و تخصص دارد

iconology شمایل‌شناسی
[هنر. تج.] شناخت انواع شمایل

iconograph شمایل‌نگار ۱
[هنر. تج.] آنچه از شمایل‌نگاری حاصل می‌شود

iconographer, iconographist شمایل‌نگار ۲
[هنر. تج.] کسی که شمایل‌نگاری می‌کند

iconography شمایل‌نگاری
[هنر. تج.] عمل تصویر کردن شمایل

iconographic شمایل‌نگاشتی
[هنر. تج.] ویژگی آنچه مربوط به شمایل‌نگاری است

emoticon, smiley, smilie شکلک
[رایانه و فن.] تصویری کوچک که معمولاً ترکیبی از چند نویسه است و به طور قراردادی حالت یا احساس خاصی را بیان می‌کند

congruent figures شکلهای هم‌نهشت
[ریاضی] دو شکل هندسی که بتوان هریک را با حرکتی صلب به دیگری تبدیل کرد

strangeness شگفتی
[فیزیک] خاصیتی کوانتومی که تعداد کوارکهای شگفت (strange quark) درون یک ذره یا یک حالت را نشان می‌دهد

charge population شمار بار
[شیمی] بار الکتریکی خالص روی اتمی معین در یک مولکول که از نظر فیزیکی قابل مشاهده نیست، اما با تعریف می‌توان آن را مشخص کرد

dial(l)er شماره‌گیر
[رایانه و فن.] بدافزاری برای دستکاری شماره تلفن در مودم رایانه و تبدیل آن به شماره راه دور و امثال آن یا برای شماره‌گیری خودکار به منظور ارسال پرونده‌های یک کلیدخوان یا اطلاعات دیگر به یک رخنه‌گر

dial(l)ing شماره‌گیری
[رایانه و فن.] ترکیب کردن اعداد ۰ تا ۹ به صورت پشت‌سرهم و به تعداد معین و با ترتیب ویژه، برای تبدیل آنها به نشانی و اتصال به مقصد معین

icon 1 شمایل

sand and gravel شن و ماسه [زمین.] مواد ساختمانی‌ای با اندازه درشت‌تر از سیلت و ریزتر از قله‌سنگ	gravel شن [زمین.] انباشته‌ای طبیعی و سست از آوارهای بزرگتر از ماسه و کوچکتر از ریگ
gravely شنی [زمین.] مربوط به شن	cognition شناخت [روان.] افکار، دانسته‌ها، تفاسیر، تعبیر، دریافتها و اندیشه‌های هر فرد
ailerons شهر [ج. هوایی] سطح کنترلی که به قسمت خارجی بال لولا می‌شود و بخشی از لبه‌فزار آن را تشکیل می‌دهد	cognitive شناختی [روان.] مربوط به شناخت
amusement park, fun fair شهر بازی [گردشگری] محوطه‌ای غالباً باز با انواع سرگرمیها، مانند چرخ‌وفلک و سالن تیراندازی	label, étiquette (fr.) شناس‌برگ [مخابرات] پست [قطعه] کوچکی از کاغذ یا مقوا یا کاغذ پوستی، با چسب یا بدون چسب، که از آن برای دریافت اطلاعات مربوط به خدمات پستی (نشانی و مهرهای پرداخت و هزینه‌های پستی) استفاده می‌کنند
object شیء [ریاضی] هر عضو یکی از دو رده‌ای که یک رسته تشکیل می‌دهند و نقشی شبیه مجموعه‌ها دارد	argument 1 شناسه ۱ ← متغیر مستقل
initial object, cofinal object شیء آغازی [ریاضی] شیئی مانند e در یک رسته که به‌ازای هر شیء Y در آن رسته $\text{Hom}(e, y)$ دقیقاً یک عضو داشته باشد	argument 2, amplitude شناسه ۲ [ریاضی] زاویه بین نمایش بُرداری یک عدد مختلط و جهت مثبت محور اعداد حقیقی
final object شیء پایانی [ریاضی] شیئی مانند e' در یک رسته که به‌ازای هر شیء X در آن رسته $\text{Hom}(X, e')$ دقیقاً یک عضو داشته باشد	vessel شناور [ع.] نظامی وسیله‌ای برای جابه‌جایی افراد یا کالا بر روی آب یا در زیر آن
electrochemical gradient شیب الکتروشیمیایی [زیست.] تفاوت غلظت یونی و پتانسیل الکتریکی	شنگار ← رنگ شنگار

بین نقاط مختلف یک محلول یا در دو طرف یک
غشای زیستی

شیب‌راهه بارگیری
loading ramp,
slop of platform

[ح. ریلی] شیب‌راهه‌ای برای بارگیری و تخلیه هر
نوع وسیله سنگین چرخدار از واگنهای قطار

شیب غلظت
concentration gradient

[زیست.] تفاوت غلظت یک ماده در نقاط مختلف
یک محلول یا دو طرف یک غشای زیستی

شیب‌نگاره
dip log, dipmeter log

[ژئوفیزیک] چاه‌نگاره‌ای که سمت و بزرگی شیب
سازندها (formation dip) براساس آن تعیین
می‌شود

شیره، ملاس
molasses

[کشاورزی] ۱. شربت قهوه‌ای‌رنگی که از
کارخانجات قند به دست می‌آید ۲. شربت شیرین
حاصل از تبخیر عصاره گیاهان

شیمی سپهر
chemosphere

[ع. جو] منطقه‌ای از جو بالا که در آن واکنشهای
نورشیمیایی رخ می‌دهد

شیمی مواد غذایی
food chemistry

[تغذیه و صنایع] شاخه‌ای از علوم غذایی که ساختار
شیمیایی و خواص مواد غذایی و تغییرات
شیمیایی آنها را در مراحل فراوری و توزیع و
نگهداری بررسی می‌کند

شیوه برش یکسره
clear cutting system

[م. منابع جنگل] روش برداشت همزمان کلیه
درختان جنگلی در یک ناحیه برای جنگلکاری یا
به منظورهای دیگر

ص

صحنه آرا **set decorator**

[سینما و تلو.] شخصی که مسئولیت کلی آرایش صحنه و ساخت آرایه‌ها را بر عهده دارد

صحنه آرایشی **set decoration**

[سینما و تلو.] تعیین فضای فیزیکی و آرایش صحنه و ساخت آرایه‌های آن

صحنه پرداز **set dresser**

[سینما و تلو.] دستیار صحنه‌آرا و مسئول وسایل صحنه که چینش و آرایش اثاثیه و وسایل صحنه بر عهده اوست

صحنه پردازی **set dressing**

[سینما و تلو.] چینش و آرایش اثاثیه و وسایل صحنه

صحنه عملیات چندملیتی **multinational operation theater**

[ع. نظامی] منطقه‌ای جغرافیایی از جنگ که فرمانده رزمی برای اجرای مأموریت یا پشتیبانی ویژه تعیین می‌کند؛ این منطقه با توجه به نیروهای مختلف جنگ انتخاب می‌شود

صدا آمیز **sound mixer 1, mixer 1**

[سینما و تلو.] فردی که کار صدا آمیزی را انجام می‌دهد

صاحب امتیاز بهره‌برداری جنگل، صاحب امتیاز

جنگل **forest concessionaire**

[م. منابع] جنگل [اشخاص حقیقی یا حقوقی که از حق استفاده از کلیه مواهب جنگل برخوردار هستند]

صاحب امتیاز جنگل ← **صاحب امتیاز بهره‌برداری جنگل**

صافی الیافی **fabric filter, bag filter, bag house**

[م. محیط.] وسیله‌ای الیافی (پارچه‌ای یا نمدی) که گرد و غبار را از گازهای خروجی صنایع جدا می‌کند

صافی دگرنام **alias filter, antialias filter**

[ژئوفیزیک] نوعی صافی که قبل از نمونه‌برداری به کار می‌رود تا بسامدهای ناخواسته‌ای که در نتیجه نمونه‌برداری امکان دگرنامی دارند حذف شوند

صحنه **set**

[سینما و تلو.] هرگونه مکان فیلم‌برداری / تصویربرداری اعم از داخل یا خارج استودیو

foley artist, foley operator صداساز

[سینما و تلو.] کسی که کار صداسازی فیلم را انجام می‌دهد

foley صداسازی

[سینما و تلو.] هنر بازآفرینی برخی از جلوه‌های صوتی، مثل صدای قدم زدن و دویدن و شکستن و هماهنگ کردن آنها با تصاویر فیلم

dubbing mixer, re-recording mixer صداگذار

[سینما و تلو.] مسئول صداآمیزی باندهای صدای فیلم (گفت‌وگو و موسیقی و جلوه‌های صوتی و صداسازی‌ها) و ساخت خروجی صوتی نهایی

queue صف

[مخابرات] مجموعه‌ای از برخوانی‌ها که در نوبت پردازش قرار می‌گیرند

queueing صف‌بندی

[مخابرات] فرایند ایجاد تأخیر در یک کنش تا پیدایش وضعیت مطلوب، مانند در صف قرار دادن درخواست تماس تا آزاد شدن خط

attribute صفت کیفی

[ریاضی] مشخصه کیفی یک فرد آماری در مقابل مشخصه کمی آن

optic disc, optic papilla, discus nervi optici صفحه بینایی

[پزشکی] نقطه کوچکی بر روی شبکیه که محل خروج تارهای عصبی منشعب از یاخسته‌های

sound mixer 3, sound recordist 1, sound engineer صدابردار

[سینما و تلو.] مسئول ضبط صدای فیلم هنگام فیلمبرداری، که در تلویزیون هم‌زمان کار صداآمیزی را هم انجام می‌دهد

صدابردار استودیو ← صدابردار استودیوی فیلم**صدابردار استودیوی فیلم، صدابردار استودیو floor mixer**

[سینما و تلو.] در سینما، مسئول ضبط صداها، فیلم، هنگام فیلمبرداری در استودیو

foley mixer صدابردار صداسازی

[سینما و تلو.] صدابرداری که صداسازی‌ها را ضبط می‌کند

location sound mixer, location mixer صدابردار مکان

[سینما و تلو.] مسئول ضبط صدا و صداآمیزی صداها، ضبط‌شده، در مکان (فیلمبرداری)

صدابردار موسیقی ← صدابردار موسیقی فیلم**صدابردار موسیقی فیلم، صدابردار موسیقی scoring mixer**

[سینما و تلو.] صدابردار متخصص در ضبط دقیق موسیقی فیلم که با ویژگی سازها و ترکیبهای ارکستری آشنایی دارد

sound mix صدابرداری

[سینما و تلو.] ضبط صدای فیلم هنگام فیلمبرداری

pacifist

صلح‌باور

[ع. سیاسی] کسی که جنگ و خشونت علیه انسانها را محکوم می‌کند

pacifism

صلح‌باوری

[ع. سیاسی] مجموعه‌ای از گرایشها و آرمانها و نظرها در محکومیت جنگ و خشونت علیه انسانها

food industry

صنایع غذایی

[تغذیه و صنا.] صنعتی که تولید، فراوری، نگهداری، بسته‌بندی و توزیع مواد غذایی را در بر می‌گیرد

letter-box, mail-box,
boîte aux lettres (fr.)

صندوق پُست

[مخابرات] پست] صندوقی که برای دریافت نامه‌ها در نقاط مختلف شهر تعبیه شده است

post office box,
boîte aux lettres particulière (fr.)

صندوق پُستی شخصی

[مخابرات] پست] صندوقها و قفسه‌هایی که برای دریافت مرسولات پُستی اشخاص حقیقی و حقوقی در واحدهای پُستی تعبیه شده است

private letter-box,
boîte postale (fr.)

صندوق شخصی

[مخابرات] پست] صندوقی که برای توزیع مرسولات پُستی در محل سکونت اشخاص تعبیه شده است

استوانه‌ای و مخروطی کُره چشم است

streak plate

صفحه رنگ خاکه

[زمین.] قطعه‌ای چینی بدون لعاب که در کانی‌شناسی از آن برای گرفتن رنگ خاکه کانی استفاده می‌شود

obducting plate

صفحه فرارو

[زمین.] صفحه اقیانوسی که بر لبه صفحه قاره‌ای رانده می‌شود

subducting plate

صفحه فرورو

[زمین.] صفحه اقیانوسی که به زیر صفحه دیگر رانده می‌شود

active server
page, ASP

صفحه فعال کارساز، صفک

[رایانه و فن.] فناوری ابداعی مایکروسافت که در پاسخ به درخواست جست‌وجوگر برای دریافت یک صفحه وبگاه پردازش معینی را در کارساز آغاز می‌کند

auxiliary plane,
auxiliary fault plane

صفحه کمکی

[ژئوفیزیک] صفحه‌ای مجازی عمود بر صفحه گسل در حل سازوکار کانونی

صفک ← صفحه فعال کارساز

queued

صفی

[مخابرات] ویژگی کارها و وظایفی که برای اجرا و پردازش در صف قرار گرفته باشند

صورت numerator, antecedent 2

[ریاضی] عبارت $\frac{a}{b}$ در کسر

صندوقهای پستی مجتمع cluster of

delivery boxes, cluster box, batterie
de boîtes aux lettres (fr.)

ideal form

صورت آرمانی

[هنر. تجر.] شکلی که نشان‌دهنده اندیشه هنرمند است

[مخابرات > پست] مجموعه‌ای از صندوقهای

نامه برای ساکنان یک مجتمع مسکونی

ض

anti-virus

ضد ویروس

← برنامه ضد ویروس

weak beat

ضرب ضعیف

[موسیقی] ضرب دوم و چهارم در میزانهای

چهار ضربی، ضرب دوم و سوم در میزانهای

سه ضربی و ضرب دوم در میزانهای دوضربی

strong beat, accented beat, down beat
ضرب قوی

[موسیقی] نخستین ضرب هر میزان و سومین

ضرب میزانهای چهار ضربی

ضرب اشغال، ضریب اشغال سطح

area occupancy

[ح. شهری] سطحی که در طراحی ایستگاه یا

تسهیلات برای هر نفر در نظر می گیرند

ضریب اشغال سطح ← ضریب اشغال

emission factor

ضریب انتشار

[م. محیط.] نسبت میزان آلودگی تولید شده به واحد

مواد خام فراوری شده

food waste

ضایعات مواد غذایی

[تغذیه و صنایع] مواد باقی مانده از فراوری

غذا که قابل بازیافت و تبدیل به مواد قابل

استفاده دیگر باشد

countercompulsion

ضد اجبار

[روان.] اجبار ثانویه ای که برای جلوگیری

از تداوم اجبار اصلی جایگزین آن می شود

anti-spot jamming

ضد اختلال نقطه ای

[ع. نظامی] فنی برای کاهش اثر اختلال نقطه ای

دشمن که روی گیرنده های امواج الکترو-

مغناطیسی خودی اعمال می شود

ضد بیاتی ← ماده ضد بیاتی

ضد پاشش ← ماده ضد پاشش

ضد کف ← ماده ضد کف

ضد کلوخه ← ماده ضد کلوخه

جو سیرشده از بخار آب در دمای معین

association coefficient ضریب پیوند

[ریاضی] معیاری از درجه وابستگی بین

دو صفت کیفی

regression coefficient ضریب وایازشی

[ریاضی] ضریب هر متغیر پیشگو در معادله

وایازشی

fast fission factor ضریب شکافت تند

[فیزیک] نسبت تعداد نوترونهای تولیدشده در

شکافت هسته‌ای به تعداد نوترونهای حاصل از

شکافت گرمایی در محیط نامتناهی

correlation coefficient ضریب همبستگی

[ریاضی] معیاری از وابستگی بین دو متغیر که

مقدار عددی آن از ۱- تا ۱+ است و مقدار صفر

نشانه نبود همبستگی است

hygroscopic coefficient ضریب نم‌گیری

[ع. جو] درصد وزنی رطوبت خاک پس از تعادل با

ط ، ظ

طراحی تولید production designing

[سینما و تلو.] طراحی کلیت بصري صحنه‌های فیلم

طراحی صحنه set designing

[سینما و تلو.] طراحی و ساخت صحنه‌ها براساس فیلمنامه، متناسب با انتظارات طراح تولید

طراحی صدا sound design

[سینما و تلو.] طراحی و تولید صدای فیلم

طرح اولیه sketch

[هنر. تجر.] نمونه مقدماتی و ناپروورده اثر هنری

طرح راهبردی strategic plan

[ع. نظامی] طرحی که برای هدایت کامل جنگ تهیه می‌شود

طرح‌ریزی راهبردی strategic planning

[ع. نظامی] اقداماتی که ستاد کل نیروهای مسلح یک کشور برای تهیه طرحی راهبردی به‌منظور یک جنگ تمام‌عیار یا دفاع در مقابل نیروهای متجاوز انجام می‌دهد

طاقدیس anticline

[زمین.] چینی که معمولاً به سمت بالا تحدب دارد و سنگهای قدیمی تر در هسته آن قرار گرفته‌اند

طاقدیزی anticlinal

[زمین.] مربوط به طاقدیس

طراح تولید production designer

[سینما و تلو.] یکی از اعضای اصلی گروه تولید که مسئول جنبه‌های بصري فیلم است

طراح صحنه set designer

[سینما و تلو.] شخصی که صحنه‌های فیلم را طراحی می‌کند

طراح صدا sound designer

[سینما و تلو.] مسئول طراحی و تولید صدای فیلم

طراح محیط environmental designer

[هنر. تجر.] کسی که نقشه و طرح اولیه تغییرات فضاهاى شهری را تهیه می‌کند

Planck length

طول پلانک

[فیزیک] طولی که در آن به لحاظ نظری افت و خیزهای کوانتومی حائز اهمیت می‌شوند

landing run, landing roll **طول نشست**

[ح. هوایی] مسافتی که هواپیما در طول حرکت از لحظه نشست بر روی زمین تا نقطه توقف یا خروج از باند پرواز طی می‌کند

charge transfer spectrum **طیف انتقال بار**

[شیمی] نوار طیفی با ضریب خاموشی زیاد که نتیجه حرکت الکترون بین مولکولها، و در همتافت‌ها، نتیجه حرکت الکترون از مرکز فلزی به لیگاند یا برعکس است

radio spectrum **طیف بسامد**

← باند بسامد رادیویی

spark spectrum **طیف جرقه‌ای**

[فیزیک] طیفی که بر اثر تخلیه جرقه‌ای گاز یا بخار در فاصله بین دو الکترود حاصل می‌شود

parking supply **ظرفیت توقفگاهی**

[ح. شهری] تعداد محلهای توقف در یک محدوده یا محل معین

force planning

طرح ریزی نیرو

[ع. نظامی] تعیین اندازه و ساختار و ویژگیها و محل استقرار یگانهای مورد نیاز برای پشتیبانی راهبرد ملی - نظامی

operation plan

طرح عملیاتی

[ع. نظامی] طرحی که فرمانده یگان برای ابلاغ تدابیر عملیاتی خود به یگانهای زیردست و مجاور به کار می‌گیرد تا فرماندهان زیردست بتوانند بر مبنای آن، طرحها یا دستورهای عملیاتی و پشتیبانی خود را آماده کنند

radio channeling plan **طرح کانال بندی رادیویی**

[مخابرات] طرحی برای تخصیص بسامدهای مختلف به کانالهای رادیویی

baitware

طعمه افزار

[رایانه و فن.] نرم افزاری بسیار ناقص که به رایگان در دسترس عموم قرار می‌گیرد تا آنها را فریبکارانه جذب محصولات نرم افزاری تجارتي کند

take-off run

طول برخاست

[ح. هوایی] مسافتی که هواپیما بر روی زمین یا آب، از نقطه شروع برخاست تا جدا شدن چرخها از روی باند، طی می‌کند

ع

عالم حالت پایا **steady-state universe**
← مدل حالت پایا

عامل پخت **curing agent**
[م. پلیمر] رنگ [ماده واکنشگری که با افزودن آن به رزین عمل بسپارش انجام می‌شود]

عامل پراکنش، پراکنش‌یار **dispersing agent, dispersant**
[م. پلیمر] رنگ [یکی از افزودنیهای مورد استفاده در تولید پراکنه‌ها که وظیفه آن آسان‌سازی پراکنش اجزای جامد در فاز مایع و افزایش پایداری مخلوط است]

عامل منزوی‌ساز **sequestering agent**
[شیمی] ماده‌ای که با تشکیل یون هم‌تافتی که فاقد واکسنشهای یون مزبور است، یون فلزی را از محلول حذف می‌کند

عبارت **phrase**
[موسیقی] واحد تشکیل‌دهنده جمله که ساختاری بزرگتر از انگاره با طولهای متفاوت دارد

عبارت‌پردازی **phrasing**
[موسیقی] ۱. محقق کردن ساختار عبارات یک اثر

عابرپست **self-service office, bureau à libre service (fr.)**

[مخابرات] پست [واحد یا دفتر یا مجموعه‌ای از تجهیزات و وسایل خودکار که اغلب در مکانهای عمومی خدمات پستی را بدون کمک متصدیان امور پستی ارائه می‌کند]

عاطفه **affect**
[روان.] جنبه مشهود هیجانی‌ای که در برخی از حالات مرضی ممکن است با نوع و شدت هیجانی که بیان می‌شود، تناسب نداشته باشد

عاطفه‌پذیری **affectability**
[روان.] قابلیت هیجانی فرد

عاطفه نایجا **inappropriate affect**
[روان.] پاسخی هیجانی که با موقعیت تناسبی ندارد، مانند خندیدن در مجلس عزرا

عاطفی **affective**
[روان.] مربوط به عاطفه

عاطفی بودن **affectivity**
[روان.] حساسیت نسبت به محرکهای عاطفی

anamorphic lens, anamorphote lens عدسی واریخت

[فیزیک] عدسی‌ای با یک یا چند سطح استوانه‌ای که بزرگ‌نمایی آن در جهتهای افقی و قائم با هم متفاوت است

موسیقایی در اجرا ۲. ساختار عبارت

bond number عدد پیوند

[شیمی] تعداد پیوندهای جفت الکترونی بین دو هسته در هر فرمول لوویس

perspiration 2, sweat, sudor عرق

[زیست]. مایعی که از غدهٔ عرق پستانداران ترشح می‌شود و دارای دو وظیفهٔ عمدهٔ دفع مواد زائد نیتروژن‌دار و تنظیم دمای بدن است

strangeness number عدد شگفتی

[فیزیک] عددی کوانتومی که به هادرونها نسبت می‌دهند

neuropsychiatry عصب‌روان پزشکی

[روان]. شاخه‌ای از پزشکی که به بررسی اختلالات روانی و اختلالات دستگاه عصبی می‌پردازد

complex number عدد مختلط

[ریاضی] هر عدد به‌صورت $a+ib$ که در آن a و b اعداد حقیقی‌اند و $i^2 = -1$

neurolinguist عصب‌شناس زبان

[زبان]. فردی که متخصص عصب‌شناسی زبان است

composite number, composite quantity عدد مرکب

[ریاضی] هر عدد طبیعی بزرگتر از یک که عدد اول نباشد

neurolinguistics عصب‌شناسی زبان

[زبان]. شاخه‌ای میان‌رشته‌ای که به مطالعهٔ بازنمایی و پردازش زبان در مغز می‌پردازد

absolute number عدد مطلق

[ریاضی] عددی که با ارقام نمایش داده شود نه با حروف

glacial age عصر یخبندان

[زمین]. یکی از تقسیمات دورهٔ یخبندان

congruent numbers عددهای همنهشت

[ریاضی] اعداد صحیحی که باقی‌ماندهٔ تقسیم آنها بر عددی مفروض برابر باشد

head space aroma عطر سرفضا

[تغذیه و صنایع]. ترکیبات معطر جمع‌شده در سرفضای قوطی

zoom lens عدسی زوم

[سینما و تلو]. نوعی عدسی با فاصلهٔ کانونی متغیر که برای دورنمایی و نزدیک‌نمایی موضوع، بدون نیاز به حرکت دوربین، مورد استفاده قرار می‌گیرد

آن جنگل به مثابه دارایی مولدی است که از قوانین اقتصادی تبعیت می‌کند

baler **علوفه‌بند**

[کشا. < زراع.] ماشینی برای فشرده کردن علوفه و بسته‌بندی آن

food science **علوم غذایی**

[تغذیه و صنایع.] مجموعه‌ای از علوم که به بررسی خصوصیات فیزیکی و شیمیایی و بیوشیمیایی غذا و تغییراتی که در مراحل انتقال، نگهداری، فراوری، انبار کردن، توزیع و آماده‌سازی آن برای مصرف ایجاد می‌شود، می‌پردازد

food science and technology **علوم و فناوری غذایی**

[تغذیه و صنایع.] مجموعه‌ای از علوم نظری و کاربردی در زمینه خصوصیات مواد غذایی برای شناخت دقیق مواد غذایی و تبدیل و فراوری و آماده‌سازی آنها

apparent depth **عمق ظاهری**

[فیزیک] ژرفای محیط شفاف اپتیکی از دید ناظر بیرونی

multinational operation, allied countries operation, allied forces operation **عملیات چندملیتی**

[ع. نظامی.] عملیاتی که نیروهای نظامی دو یا چند کشور برای اجرای مأموریتی مشترک در یک منطقه انجام می‌دهند

food infection, food-borne infection **عفونت غذایی**

[تغذیه و صنایع.] نوعی بیماری که بر اثر خوردن مواد غذایی آلوده به میکروبهای بیماریزا ایجاد می‌شود

false color photography **عکسبرداری کاذب‌رنگ**

[م. نقشه.] نوعی عکسبرداری که در آن تصاویر کاذب‌رنگ تولید می‌شود

high-oblique photograph **عکس بسیار مایل**

[م. نقشه.] عکس مایلی که افق در آن دیده می‌شود

low-oblique photograph **عکس کمی مایل**

[م. نقشه.] عکسی که انحراف مرکز آن در جهت طولی و عرضی نسبت به نقطه پاسو حداکثر ۱۰ درجه باشد

herbivore, herbivorous, herbivorous animal, phytophagous **علفخوار**

[زیست.] جانوری که از گیاه تغذیه می‌کند

herbivory **علفخواری**

[زیست.] تغذیه جانوران از گیاهان

weed **علف هرز**

[کشا. < زراع.] هر نوع گیاهی به جز گیاه موردنظر که در مزرعه‌ای یافت شود

forest economics **علم اقتصاد جنگل، اقتصاد جنگل ۲**

[م. منابع < جنگل] شاخه‌ای از جنگلداری که در

additive inverse element, additive inverse **عنصر وارون جمعی**

[ریاضی] در یک دستگاه ریاضی با عمل جمع (+)، وارون جمعی عنصر e عنصری است مانند $-e$ با ویژگی $e + (-e) = (-e) + e = 0$ که در آن 0 عنصر همانی (identity element) تحت عمل جمع (+) است

transition element, transition metal **عنصر واسطه**

[شیمی] عنصری از گروه عنصرهای فلزی که در آن به جای پر شدن لایه بیرونی تا ۸ الکترون، لایه زیرین از ۸ تا ۱۸ یا ۳۲ الکترون در حال پر شدن است

superheavy elements **عنصرهای ابرسنگین**
[فیزیک] مجموعه‌ای از عناصر تقریباً پایدار، با عدد اتمی حدود ۱۱۴ و عدد جرمی حدود ۲۹۸، که وجودشان پیش‌بینی شده است

rail flaw **عیب ریل**
[ح. ریلی] هر نوع اشکال یا نقص در سطح یا داخل ریل

ultrasonic flaw detection **عیب‌یاب فراصوتی**
[ح. ریلی] دستگاهی برای بررسی وضعیت همگنی ریل

joint operations **عملیات مشترک**

[ع. نظامی] عملیاتی که دو یا چند نیرو (زمینی، هوایی، دریایی) از نیروهای مسلح یک کشور انجام می‌دهند

design element **عناصر طرح**

[هنر. تج.] عناصر پایه‌ای که یک طرح صنعتی یا معماری را تشکیل می‌دهند

iris **عنیه آماس**
[پزشکی] التهاب عنیه

element **عنصر**

[هنر. تج.] جزء غیرقابل تجزیه‌ای که هنرمند در آفرینش اثر هنری به کار می‌گیرد

transuranium element, transuranic element **عنصر فرااورانیم**

[شیمی] عنصری که عدد اتمی آن بیشتر از ۹۲ باشد

elementarist **عنصرگرا**

[هنر. تج.] کسی که به استفاده از عناصر اولیه ترکیب‌بندی در یک اثر هنری گرایش دارد

elementarism **عنصرگرایی**

[هنر. تج.] استفاده از عناصر اولیه ترکیب‌بندی در یک اثر هنری

غ

غرش صوتی

sonic boom

[فیزیک] صدایی که بر اثر امواج پرفشار حاصل از پرواز هواپیمای اُپرسوتی در زمین به گوش می‌رسد

که با غلتش‌گاه (ریل) در تماس است

غلتش‌گاه ریل، غلتش‌گاه

rail tread

[ح. ریلی] سطح فوقانی تاج ریل که در آنجا ریل با چرخ تماس می‌یابد

غشای تحریک‌پذیر، غشای سلول

excitable membrane, excitable cell membrane

[زیست.] غشایی که بتواند در پاسخ به محرک، واقطبشی در حد پتانسیل کنش ایجاد کند

غنچه‌ریزی

flower bud abscission

[کشاورزی] ریزش غنچه بر اثر تشکیل لایه ریزی

غلتش‌گاه ← غلتش‌گاه ریل

غیرنظامی

civil

[ع. نظامی] ۱. شهروندی که جزو نیروهای مسلح نیست ۲. آنچه با نیروهای مسلح ارتباط مستقیم ندارد

wheel tread

غلتش‌گاه چرخ

[ح. ریلی] بخشی از سطح چرخهای وسایل خطنورد

ف

فاز پراکنده	disperse phase, dispersed phase	به مکان دیگر
م. پلیمر» رنگ] فازی از یک سامانه، شامل ذرات یا قطرات ماده‌ای که در فاز دیگر پراکنده می‌شود		فراراند ← فراراند سرعتی
فاصلهٔ لحنی	melodic interval	فراراند سرعتی، فراراند
[موسیقی] فاصلهٔ دو صدای پی‌درپی		velocity pull-up, pull-up
فاصلهٔ هم‌گذری	crossover distance	[ژئوفیزیک] جابه‌جایی ظاهری و روبه‌بالای رویدادهای بازتابی به سبب وجود مناطقی با سرعت زیاد در لایه‌های سطحی‌تر
[ژئوفیزیک] فاصله‌ای از چشمه که در آن، موج شکستِ مرزی لایهٔ عمیق به موج مستقیم یا به موج شکستِ مرزی لایهٔ سطحی‌تر می‌رسد و از آن پیشی می‌گیرد		obducted
فرارانش	obduction	فرارانده
[زمین.] رانده شدن پوستهٔ اقیانوس بر روی لبه صفحهٔ قاره‌ای		obducted
فاضلاب‌روی درهم	combined sewer	فرارایش
[م. محیط.] سامانهٔ زهکشی برای جمع‌آوری فاضلاب و آبهای سطحی		upsweep
فتق قرنیه	keratocele, descemetocle	[ژئوفیزیک] روبشی که در آن بسامد با زمان افزایش می‌یابد
[بزشکی] بیرون‌زدگی لایهٔ عمقی قرنیه موسوم به غشای دِسمِه		probing
فرابری	ferry	فراکاوای
[ح. هوایی] جابه‌جا کردن هواگرد از مکانی		[مخابرات] روشی در سامانه‌های داده‌خواهی که

آن از دو حوض هوادهی استفاده می‌شود: در حوض اول ابتدا لجن برگشتی به تنهایی هوادهی می‌شود، سپس لجن هوادهی شده همراه با فاضلاب خام در حوض دوم هوادهی می‌شود

فرایند تماس بی‌هوازی anaerobic contact process

[م. محیط.] فرایندی که در آن فاضلاب تصفیه نشده با لجن برگشتی مخلوط و سپس در واکنشگاه هوابندی شده هضم می‌شود

فرایند خوراک‌دهی مرحله‌ای step-feed aeration process, step aeration process, stepped aeration process

[م. محیط.] نوعی فرایند لجن فعال متعارف که در آن فاضلاب تصفیه شده در مرحله اولیه در نقاط مختلفی در طول حوض هوادهی وارد می‌شود و به صورت نهرگونه در حوض جریان می‌یابد

فرایند زاد birth process

[ریاضی] فرایندی تصادفی که جامعه‌ای را توصیف می‌کند که هر عضو آن زاینده تعدادی تصادفی از اعضای جدید است

فرایند زادومرگ birth-and-death process

[ریاضی] فرایندی تصادفی که رشد و انحطاط جامعه‌ای را توصیف می‌کند که در آن اعضا ممکن است بمیرند یا افراد جدیدی زاده شوند

فرایند کراس Kraus process

[م. محیط.] نوعی فرایند لجن فعال که در آن لجن آب (supernatant) هاضم بی‌هوازی پس از

در آن از گروهی از کاربران به طور همزمان داده‌خواهی می‌شود

فراگونه‌ای supraspecific

[زیست.] ویژگی رتبه‌ای در سلسله‌مراتب رده‌بندی که بالاتر از گونه قرار دارد

فراگیری acquisition

[زوان.] کسب هر نوع رفتار یا فکر یا دانش جدید بر اثر تجربه

فراوانی خانه‌ای ← بسامد خانه‌ای

فراوانی مطلق ← بسامد مطلق

فراورده‌های جنگلی forest products, forest produce

[م. منابع.] جنگل [محصولات اصلی و فرعی جنگل مانند چوب و میوه و صمغ و غیره]

فراوری مواد غذایی food processing

[تغذیه و صنایع.] عملیاتی که روی ماده غذایی خام صورت می‌گیرد تا محصول نهایی معینی تولید شود

فرایند بادزرو diabatic process, non-adiabatic process

[ع. جو.] تغییر حالتی ترمودینامیکی که در آن سامانه با پیرامون خود گرما مبادله می‌کند

فرایند تثبیت و تماس contact stabilization process

[م. محیط.] نوعی فرایند لجن فعال متعارف که در

فرایند هوادهی کاهشی tapered aeration process, tapered aeration

[م. محیط.] یکی از فرایندهای لجن فعال که در آن مقدار هوادهی به تدریج در طول حوض هوادهی کاهش می‌یابد

فرایند هوادهی گسترده**extended aeration process**

[م. محیط.] نوعی فرایند لجن فعال که در آن زمان ماند طولانی‌تر است و در نتیجه ریزاندامگانها وارد مرحله خودخواری می‌شوند

individual**فرد**

[زیست.] هریک از موجودات زنده تشکیل‌دهنده یک جمعیت

spam 1**فرستادن هرزنامه**

[رایانه و فن.] ارسال نامه‌های الکترونیکی بدون خواست مخاطب و معمولاً برای ایجاد مزاحمت برای او

فرستنده تلفن رادیویی**radiotelephone transmitter**

[مخابرات] بخش فرستنده در تلفن رادیویی، یعنی تلفنی که ارتباطات آن از طریق امواج رادیویی صورت می‌گیرد نه سیم

dispatch, dépêche (fr.)**فرسته**

[مخابرات «پست»] کیسه یا مجموعه کیسه‌های برچسب‌خورده و پلمب‌شده و مه‌ر به مَهر یا بدون مَهر که بین واحدهای پستی مبادله می‌شود

هوادهی به حوض هوادهی اضافه می‌شود؛ در این روند قابلیت ته‌نشینی لجن افزایش می‌یابد و نیترات به عنوان منبع اکسیژن مورد استفاده قرار می‌گیرد

فرایند لجن فعال activated sludge process

[م. محیط.] نوعی فرایند تصفیه فاضلاب که در آن لجن ته‌نشین‌شده در حوض ته‌نشینی ثانویه به حوض هوادهی برگشت داده می‌شود تا عمل تجزیه هوازی فاضلاب به وسیله ریزاندامگانها را تسریع کند

فرایند لجن فعال پر بار**high-rate activated sludge process**

[م. محیط.] نوعی فرایند لجن فعال که در آن بار آلی بالا نگه داشته می‌شود و در نتیجه میزان مواد غذایی ریزاندامگانها (F/M) افزایش می‌یابد و زمان ماند کوتاه‌تر از معمول می‌شود

فرایند لجن فعال کم‌بار**low rate activated sludge process**

← فرایند هوادهی گسترده

فرایند لجن فعال متعارف**conventional activated sludge process**

[م. محیط.] قدیمی‌ترین نوع فرایند لجن فعال که هنوز هم کاربرد دارد و در آن، جریان به صورت نهرگونه یا اختلاط کامل است و میزان مواد غذایی ریزاندامگانها در حدود ۰/۲ تا ۰/۵ کیلوگرم خاز ۵ بر کیلوگرم مواد جامد مایع مخلوط در روز است

acting executive officer فرمانده دوم موقت

[ع. نظامی] ارشدترین افسر که در غیاب فرمانده دوم مسئولیت امور وی را برعهده دارد

فرمانده عملیات چندملیتی

multinational operation commander

[ع. نظامی] فرمانده رزمی که از سوی یک کشور برای فرماندهی نیرو در صحنه عملیات چندملیتی منصوب می‌شود

approximation formula فرمول تقریب

[ریاضی] فرمولی که برای تقریب زدن به کار گرفته می‌شود

فرمول رطوبت‌سنجی

psychrometric formula

[ع. جو] فرمول نیمه تجربی برای به دست آوردن فشار بخار با قرائت فشارسنج و رطوبت‌سنج

dewpoint formula فرمول نقطه شبنم

[ع. جو] فرمول محاسبه ارتفاع تقریبی تراز میعان بالابری (lifting level condensation)

hygrometric formula فرمول نم‌سنجی

← فرمول رطوبت‌سنجی

ferroelectricity فِرَوَالکتریسیتِه

[فیزیک] همسو شدن حوزه‌های قطبیدگی الکتریکی در ماده، به ویژه در بلور، به‌طوری که پس از حذف میدان الکتریکی نیز قطبیدگی خالصی در آن باقی بماند

mail involved in an accident, dépêche accidentée (fr.)

[مخابرات] پست [فرسته‌ای که درطول مسیر مبدأ تا مقصد دچار دست‌خوردگی یا آسیب‌دیدگی می‌شود و در مورد آن در نقاط ترانزیت و مقصد تشریفات خاصی اعمال می‌شود]

bulk mail, dépêche de courrier en nombre (fr.)

[مخابرات] پست [فرسته‌ای محتوی پست‌نامه‌ها که فرستنده‌ای واحد آن را به صورت انبوه و طبق مقررات آیین‌نامه پست‌نامه‌ها به پست تحویل می‌دهد]

direct dispatch, dépêche directe (fr.) فرسته مستقیم

[مخابرات] پست [فرسته‌ای که مستقیماً و بدون نقل و انتقال از اداره مبدأ به اداره مقصد ارسال می‌شود]

airmail dispatch, dépêche-avion (fr.) فرسته هوایی

[مخابرات] پست [فرسته‌ای که با توجه به اولویت نوع مرسوله و نرخهای ویژه‌ای که به‌صورت اضافه‌نرخ هوایی به مرسولات آن تعلق می‌گیرد، با خطوط هواپیمایی مختلف از مبدأ فرسته به مقصد ارسال می‌شود]

executive officer فرمانده دوم

[ع. نظامی] افسری که در یگانهای شناور مسئول امور اجرایی، به ویژه امور انضباطی است و در غیاب فرمانده نیز، چنانچه دستور دیگری صادر نشده باشد، عهده‌دار وظایف اوست

church cadence	فرد کلیسایی	ferroelectric	فیزوالکتریکی
	← فرد فرعی		[فیزیک] مربوط به فیزوالکتریسته
katathermometer, catathermometer	فرد ماسنج	cadence, close	فرد
[ع. جو] نوعی بادسنج سرمایشی (cooling-power)			[موسیقی] پیشروی لحنی یا هارمونیک
که اساس کار آن مبتنی بر این اصل است			(harmonic) برای پایان دادن به قطعه و لت و
که ثابت زمانی دماسنج تابعی از تهویه آن است			عبارت و جمله موسیقی
imperfect cadence, inverted cadence, medial cadence	فرد ناکامل	Amen cadence	فرد آمین
			← فرد فرعی
[موسیقی] پیوند آکورد درجه پنجم با آکورد درجه یکم به طوری که حداقل یکی از آنها به حالت پایگی نباشد		authentic cadence	فرد اصلی
			← فرد کامل
cadential	فردی	plagal cadence, Greek cadence	فرد فرعی
	[موسیقی] منسوب به فرد		[موسیقی] فردی که از پیوند آکورد درجه چهارم با آکورد درجه یکم حاصل می شود
push-down	فروراند	interrupted cadence, abrupt cadence, broken cadence, deceptive cadence, evaded cadence, irregular cadence, surprise cadence	فرد فریبنده
	← فروراند سرعتی		[موسیقی] فردی که اغلب از پیوند آکورد درجه پنجم با هر آکورد دیگری غیر از آکورد بن مایه (غالباً آکورد درجه ششم) حاصل می شود
velocity push-down	فروراند سرعتی	perfect cadence, final cadence, full cadence, full close, complete cadence	فرد کامل
			[موسیقی] فردی که از پیوند آکورد درجه پنجم با آکورد درجه یکم، معمولاً به حالت پایگی، حاصل می شود
subducted	فرورانده		
[زمین.] حالت صفحه اقیانوسی که به زیر صفحه دیگر رانده شده است			

[زیست.] ویژگی رتبه‌ای در سلسله‌مراتب رده‌بندی که پایین‌تر از گونه قرار دارد

فرهنگ، واژه‌نامه dictionary

[ع. کتابداری] منبعی حاوی سیاهه‌ای از واژه‌های یک یا دو یا چند زبان که به ریشه، تلفظ، معنا، کاربرد، مترادفها، مشتقات و تاریخ واژه، یا برخی از آنها اشاره می‌کند و معمولاً به ترتیب حروف الفبا مرتب شده است

فرهنگ چندزبانه، واژه‌نامه چندزبانه

multilingual dictionary, polyglot dictionary

[ع. کتابداری] فرهنگی/واژه‌نامه‌ای که به بیش از دو زبان نوشته شده باشد

فرهنگ دوزبانه، واژه‌نامه دوزبانه

bilingual dictionary

[ع. کتابداری] فرهنگی/واژه‌نامه‌ای که به دو زبان نوشته شده باشد

فرهنگ موضوعی، واژه‌نامه موضوعی

glossary

[ع. کتابداری] سیاهه‌ای الفبایی از واژه‌های تخصصی (همراه با تعریف یا معادل یا هر دو) در یک متن یا موضوع خاص

فرهنگ‌نگار lexicographer

[زبان.] فردی که تخصص او فرهنگ‌نگاری است

فرهنگ‌نگاری lexicography

[زبان.] دانش و فن تدوین فرهنگ لغت

فرورانش subduction

[زمین.] فرایندی که در آن قطعات پوسته اقیانوسی به زیر قطعه دیگر فرومی‌روند

فرورو subducting

[زمین.] حالت صفحه اقیانوسی که به زیر صفحه دیگر رانده می‌شود

فروروش downsweep

[ژئوفیزیک] روبشی که در آن بسامد با زمان کاهش می‌یابد

فروریزه fallout

[فیزیک] ذرات حاوی مواد پرتوزا که پس از انفجار هسته‌ای در جو زمین معلق می‌مانند یا به زمین بازمی‌گردند

فروریزه اتمی atomic fallout

← فروریزه

فروریزه پرتوزا radioactive fallout

← فروریزه

فروزیرگونه‌ای infrasubspecific

[زیست.] ویژگی تقسیمات آرایه‌شناختی پایین‌تر از زیرگونه

فروشار downwash

[ح. هوایی] ریزش زاویه‌دار هوا نسبت به جهت حرکت ماهیوار

فروگونه‌ای infraspecific

decoy

فریب‌گر

[ع. نظامی] بدل یک شخص یا شیء یا پدیده که هدف آن فریب تجهیزات مراقبتی و جاسوسی دشمن یا گمراه کردن عملیات ارزیابی آنهاست

expendable decoy فریب‌گر یک‌بار مصرف

[ع. نظامی] نوعی فریب‌گر که از هواپیما پرتاب می‌شود و پس از ایجاد هدفهای کاذب در صفحه رادار دشمن بی‌استفاده می‌شود

ferrimagnetism

فزی مغناطیس

[فیزیک] خاصیت دسته‌ای از مواد مغناطیسی که به موجب آن گشتاورهای مغناطیسی اتمی هم‌جهت نیستند و فقط تا حدودی همدیگر را خنثی می‌کنند

ferrimagnetic

فزی مغناطیسی

[فیزیک] مربوط به فزی مغناطیس

temperature extremes

فرین‌های دما

[ع. جو] بیشترین و کمترین دما یا هر یک از آنها در یک محل در دوره زمانی معین

فرین‌های مطلق دما

absolute temperature extremes

[ع. جو] بالاترین و پایین‌ترین دمای دیدبانی‌شده در دوره خاص که به عنوان ثبت اقلیمی به کار می‌رود

food spoilage

فساد مواد غذایی

[تغذیه و صنایع] فساد و تغییر نامطلوب کیفیت مواد

lexicographical

فرهنگ‌نگاشتی

[زبان] مربوط به فرهنگ‌نگاری

فرهنگ یک‌زبانه، واژه‌نامه یک‌زبانه

monolingual dictionary

[ع. کتابداری] فرهنگ یا واژه‌نامه‌ای که به یک زبان نوشته شده باشد

ferrielectricity

فزی الکتریسیته

[فیزیک] خاصیت برخی دی‌الکتریکهای قطبی متشکل از دو زیرشبکه به‌طوری که بردار قطبش غیرصفر است

deception

فریب

[ع. نظامی] اقداماتی برای گمراه کردن دشمن و وادار کردن او به انجام واکنشی مغایر با منافعش از طریق دستکاری و تحریف اطلاعات

electronic deception

فریب الکترونیکی

[ع. نظامی] نوعی اقدام ضدالکترونیکی شامل تابش، بازتابش، جایگزینی، ارسال امواج خفه‌کننده، جذب، انکار، افزایش، تقویت یا بازتاب انرژی امواج الکترومغناطیسی موردنظر توسط نیروهای جنگ الکترونیکی خودی که با ارسال آنها اخبار و اطلاعات الکترونیکی گمراه‌کننده به سمت دستگاههای الکترونیکی و الکترومغناطیسی دشمن یا سامانه‌های سلاحهایی که به امواج الکترونیکی یا مدارهای الکترونیکی وابسته‌اند، فرستاده می‌شود یا طوری عمل می‌کنند که دشمن به اخبار و اطلاعات معتبر دسترسی پیدا نکند

افزایش می‌یابد و نرخ اتاق و کرایه وسایل نقلیه از مواقع دیگر بیشتر است

busy season

فصل کاری

[گردشگری] زمانی که میزان فعالیت‌های مهمانخانه‌ها یا هتلها یا تفریحگاهها بسیار زیاد است

low season

فصل کساد

[گردشگری] دوره‌ای از سال که تعداد مسافران کمتر از مواقع دیگر و قیمت اتاقها و کرایه وسایل نقلیه ارزانتر است

holiday season

فصل گردشگری

[گردشگری] بخشی از سال که بیشتر مردم در آن ایام به سفر می‌روند

seasonality

فصل مندی

[گردشگری] تغییرات منظمی که در دوره‌های معین در میزان فعالیت مهمان‌یاری به وقوع می‌پیوندد

shoulder season, shoulder period

فصل میانه

[گردشگری] دوره‌ای از سال، بین «فصل رونق» و «رکود»، که ارائه خدمات به مسافران با نرخ تشویقی (promotional rate) صورت می‌گیرد

optical activity

فعالیت نوری

[فیزیک] چرخش صفحه قطبش نور هنگام گذر از بعضی محیطها

غذایی بر اثر عوامل میکروبی و آنزیمی (زی‌مایه‌ای) و برخی عوامل دیگر مانند اکسیژن، نور، رطوبت، دما یا فشار یا مجموعه‌ای از عوامل یاد شده

guide fossil

فسیل راهنما

[زمین] فسیلی که در تعیین سن طبقه‌ای که در آن یافت می‌شود، اهمیت دارد

index fossil

فسیل شاخص

[زمین] فسیلی که سن چینه‌هایی را که در آن یافت می‌شود، مشخص می‌کند

فشرده‌سازی پالس ← فشرده‌سازی تپ

فشرده‌سازی تپ، فشرده‌سازی پالس

pulse compression

[مخابرات] فرایند کاهش پهنای تپ/پالس در پردازش نشانک/سیگنال

peak season

فصل اوج

[گردشگری] دوره‌ای از سال که تعداد سفر به مقصدی مشخص به حداکثر می‌رسد و از فصل کساد (low season) و فصل میانه (shoulder season) کاملاً متمایز است

dead season

فصل رکود

[گردشگری] زمانی از سال که در آن شمار گردشگران بسیار کم می‌شود

high season

فصل رونق

[گردشگری] دوره‌ای از سال که تعداد مسافران

دشمن با هدف شناسایی فوری تهدیدات آنها

فنون گمراه سازی ناوبری

meaconing techniques

[ع. نظامی] فئونی که با استفاده از آنها سیگنالها/ نشانکهای ارسالی از دستگاه هدایت رادیویی دریافت می شود و با تغییر زاویه، جهت فریب خلبان، دوباره به سمت آن فرستاده می شود

فوریه February, février (fr.)

[عمومی] دومین ماه سال میلادی، بعد از ژانویه و قبل از مارس

فهرست catalogue

[ع. کتابداری] سیاهه ای از کتابها و سایر مواد کتابخانه ای متعلق به مجموعه ای خاص

فهرستگان union catalogue, union list

[ع. کتابداری] فهرست مشترک همه یا قسمتی از مجموعه چند کتابخانه با ذکر محل نگهداری

فهرستگان مجازی virtual union catalogue

[ع. کتابداری] فهرستگانی که اطلاعات آن به صورت الکترونیکی قابل بازیابی است

فهرستگان ملی national union catalogue

[ع. کتابداری] فهرستگانی که شامل منابع کتابخانه های معتبر یک کشور است

فیزیک حالت جامد solid-state physics

[فیزیک] شاخه ای از فیزیک که در آن خواص

فلس جوانه bud scale, cataphyll

[کشا. باغ.] برگ تغییر شکل یافته ای که جوانه را می پوشاند و از آن محافظت می کند

فلسفه سیاسی political philosophy

[ع. سیاسی] تحلیل سامانمند جنبه های هنجاری و روش شناختی مطالعه سیاست

فناور غذا food technologist

[تغذیه و صنا.] دانش آموخته رشته فناوری غذا

فناوری غذا food technology

[تغذیه و صنا.] به کارگیری مجموعه ای از رشته های علمی و کاربردی از قبیل شیمی و زیست شناسی و فیزیک و مهندسی برای تبدیل و فراوری و حمل و نقل و نگهداری محصولات غذایی

فتر صفر zero length spring

[ژئوفیزیک] فنری که در نبود نیروهای خارجی طول مؤثرش صفر باشد

فنون اقدامات ضد الکترونیکی

electronic countermeasures techniques

[ع. نظامی] فئونی برای اختلال و سردرگمی و فریب سامانه های الکترونیکی دشمن تا سامانه های خودی بتوانند به عملیات خود ادامه دهند

فنون پشتیبانی جنگ الکترونیکی

electronic support measures techniques

[ع. نظامی] فئونی برای تجسس و ردگیری و تشخیص و تعیین فرستنده های الکترومغناطیسی

فیزیکی مواد جامد بررسی می‌شوند

فیلمساز مستقل independent film-maker

[سینما و تلو.] فیلمسازی که تولید سینمایی خود را خارج از نظام متعارف فیلمسازی استودیویی و معمولاً با بودجه‌ای اندک می‌سازد

فیلمسازی مستقل independent film-making

[سینما و تلو.] فرایند تهیه و تولید فیلم خارج از نظام استودیویی و غالباً با صرف هزینه‌ای اندک

فیلم مستقل independent film

[سینما و تلو.] فیلم سینمایی که استودیوهای بزرگ در آن سرمایه‌گذاری نمی‌کنند و معمولاً با مبالغ محدود ساخته می‌شود

فیلم‌نگاری filmography 1

[ع. کتابداری] فرایند توصیف مشخصات فیلمها

فیلم‌نگاشت filmography 2

[ع. کتابداری] سیاهه‌ای از مشخصات فیلمها که معمولاً بر حسب عنوان یا تاریخ، به صورت الفبایی مرتب شده باشد

فیلم انتزاعی، فیلم تجربیدی abstract film

[سینما و تلو.] نوعی فیلم متعلق به سینمای پیشگام (avant-garde) که با تمهیدات بصری نظیر تغییر و جابه‌جایی شکلها، حرکت، تعویض نسبت‌های شکل‌های هندسی و موسیقی عکس‌العمل‌های روانی در تماشاگر ایجاد می‌کند

فیلمبردار camera operator 2, cameraman 2

[سینما و تلو.] در سینما، شخصی که در فرایند تولید فیلم، وظیفه فیلمبرداری را بر عهده دارد و معمولاً زیر نظر مدیر فیلمبرداری کار می‌کند

فیلم تجربیدی ← فیلم انتزاعی

فیلم خام raw stock

[سینما و تلو.] فیلم عکاسی یا فیلمبرداری قبل از نوردهی (exposure)

ق

certificate of posting, قبض رسید پُست
receipt of mailing, certificate of mailing,
bulletin de dépôt (fr.)

[مخابرات < پست] مدرکی که برای مشتری صادر
می‌شود و در آن تاریخ پُست‌سپاری اقلام پُستی
و مبلغ پرداختی گواهی می‌شود

drive strength قدرت سائق
[روان.] شدت هرگونه سائق

keratectomy قرنیه برداری
[پزشکی] برداشتن بخشی از قرنیه با جراحی

keratoglobus, megalocornea قرنیه درشتی
[پزشکی] نابهنجاری تکاملی و معمولاً
دوطرفه قرنیه که سبب می‌شود قطر قرنیه تا
بزرگسالی گاه به بیش از ۱۸ میلیمتر
برسد

keratometer قرنیه سنج
[پزشکی] ابزاری برای اندازه‌گیری انحنای قرنیه

keratometric قرنیه سنجشی
[پزشکی] مربوط به قرنیه‌سنجی

Antarctica قاره جنوبگان

[ع. جو] قاره فوق‌العاده سرد در منطقه قطب جنوب
عمدتاً فراسوی مدار ۳۳°۶۶-

lexicon 1 قاموس

[ع. کتابداری] واژه‌نامه خاص یک زبان، به ویژه
زبانهای باستانی

absorption law, قانون جذب
absorption rule, absorptive law

[ریاضی] قانون برابری مجموعه A و اجتماع آن با
اشتراک مجموعه A و مجموعه‌ای دلخواه با اشتراک
آن با اجتماع مجموعه A و مجموعه‌ای دلخواه

Gauss' law قانون گاوس

[فیزیک] قانونی که بنابر آن شار میدان الکتریکی
گذرنده از هر سطح بسته با بار خالص درون آن
سطح متناسب است

complementation law قانون مکمل‌گیری

[ریاضی] قانونی به این مضمون که احتمال رخ
دادن یک پیشامد برابر است با یک منهای احتمال
رخ ندادن آن پیشامد

rotary polarization

قطبش چرخشی

← فعالیت نوری

keratometry

قرنیه سنجی

[پزشکی] اندازه گیری شعاع انحنای قرنیه

polarimeter, polariscope قطبش سنج

[شیمی] دستگاهی که با آن میزان چرخش نور قطبیده سطحی را که از درون ماده مورد آزمایش می‌گذرد، اندازه می‌گیرند

approximation theorems قضیه‌های تقریب

[ریاضی] قضیه‌هایی که به تقریب زدن مربوط می‌شوند

قضیه‌های مقدار میانگین

polarimetry

قطبش سنجی

[شیمی] روشی برای اندازه‌گیری میزان چرخش نوری یک مولکول دستواره در برابر نور قطبیده سطح

mean value theorems, laws of the mean

[ریاضی] قضیه‌هایی که براساس آنها اگر تابع f بر بازه بسته $[a, b]$ پیوسته و بر بازه باز (a, b) مشتق‌پذیر باشد، آن‌گاه عددی مانند ξ بین a و b وجود دارد، به‌طوری که $f(b) - f(a) = f'(\xi)(b-a)$

mangetic polarization قطبش مغناطیسی

[ژئوفیزیک] قطب‌دار شدن برخی مولکول‌ها یا ساختارهای بلوری در میدان مغناطیسی به سبب ماهیت نامتقارن آنها

قطار پالس ← قطار تپ

polarography

قطبش نگاری

[شیمی] نوعی روش تجزیه بر اساس الکتروشیمی

pulse train, قطار تپ، قطار پالس
pulse sequence, pulse string, pulse group

[مخابرات] تعداد زیادی پالس که پشت‌سرهم می‌آیند و مشخصات یکسانی دارند

polarogram

قطبش نگاشت

[شیمی] نمودار جریانی که در برابر ولتاژ الکترود حاصل از تجزیه قطبش نگاشتی یک برق‌کاف ایجاد می‌شود

ultra-low-floor tram

قطار فروکف

[ح. ریلی] نوعی قطار شهری که برای تسهیل سوار و پیاده شدن با صندلی چرخدار یا کالسکه، کف آن از حد معمول پایین‌تر و حدود ۱۸ سانتی‌متر بالاتر از سطح ریل است

polarographic

قطبش نگاشتی

[شیمی] مربوط به قطبش نگاری

magnetic polarity

قطبایی مغناطیسی

[ژئوفیزیک] دارا بودن دو قطب مخالف در اجسام مغناطیسی

holiday center

قطب گردشگری

[گردشگری] شهر یا محدوده‌ای که برای گذراندن تعطیلات دارای جاذبه باشد

محیط مناسب ریشه درمی‌آورد و گیاه مستقل می‌شود
قلمه زدن ← قلمه‌زنی

cutting 2, cuttage 2 **قلمه زدن**

[کشا. > باغ.] روشی در افزایش غیرجنسی
 گیاهان که در آن بخشی از گیاه را قطع
 می‌کنند و در محیط مناسب برای ریشه‌زایی قرار
 می‌دهند

herbaceous cutting **قلمهٔ علفی**

[کشا. > باغ.] نوعی قلمه برای افزایش گیاهان
 غیرچوبی

cobble, roundstone **قلوه‌سنگ**

[زمین.] قطعه‌سنگی نسبتاً گرد به قطر ۶۴ تا
 ۲۵۶ میلی‌متر

cobbly **قلوه‌سنگی**

[زمین.] مربوط به قلوه‌سنگ

loading gauge **قوارهٔ بارگیری**

[ح. ریلی] حداکثر ابعادی که باید در
 ساخت یا بارگیری واگنها در نظر گرفت تا
 خطر برخورد آنها با ابنیهٔ مسیر وجود نداشته
 باشد

rerailing frog, humpback, car frog, butterfly frog, wrecking frog, greenback, rerailer **تورباغه**

[ح. ریلی] ابزاری هدایت‌کننده از جنس فولاد
 سخت یا چدن که چرخهای از خط خارج‌شدهٔ قطار

magnetic pole, dip pole **قطب مغناطیسی**

[ژئوفیزیک] هریک از دو نقطه بر روی سطح زمین
 که در آنجا نصف‌النهارهای مغناطیسی همگرا
 هستند

polarizer **قطب‌بنده**

[شیمی] وسیله‌ای که نور را به صورت قطبیدهٔ
 مسطح درمی‌آورد

قطع ← قطع برخوانی

hang up **قطع برخوانی، قطع**

[مخابرات] فرایند خاتمه دادن به برخوانی، که
 معمولاً با گذاشتن گوشی روی تلفن انجام می‌شود

chunking **قطعه‌بندی**

[روان.] فرایند گردآوری اطلاعات جزئی و مجزا از
 نظر

شناختی، و سامان‌دهی آنها در مجموعه‌ای هماهنگ

fault segmentation **قطعه‌بندی گسل**

[ژئوفیزیک] تقسیم زون گسل به قطعه‌های کوچکتر بر
 پایهٔ تاریخچهٔ گسیخت (rupture) هر قطعه

sorting frame, casier de tri (fr.) **قفسهٔ تجزیه**

[مخابرات > پست] قفسه‌هایی برای جداسازی
 انواع مرسولات پستی، متناسب با ابعاد آنها

cutting 1, cuttage 1 **قلمه**

[کشا. > باغ.] بخشی از گیاه که پس از قرار گرفتن در

**key-opening can,
Packer's can**

قوطی کلیددار

[تغذیه و صنا.] نوعی قوطی کنسرو که با استفاده از کلید مخصوصی که روی آن است باز می‌شود

force majeure

قوة قهریه

[عمومی] رویدادی غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب که منجر به عدم انجام تعهد شود

tropopause funnel

قیف وردایست

[ع. جو] تغییر شکل قیف‌گونه سطح وردایست که گاهی بر فراز چرخندهای عمیق عرضهای میانه تشکیل می‌شود

را به روی ریل بازمی‌گرداند

**easy open can,
easy-to-open can**

قوطی آسان‌بازشو

[تغذیه و صنا.] نوعی قوطی کنسرو که بدون استفاده از در بازکن و با کندن و جدا کردن سر یا بخشی از سر آن به راحتی باز می‌شود

cylinder can

قوطی استوانه‌ای

[تغذیه و صنا.] نوعی قوطی کنسرو که ارتفاع آن بیشتر از قطر آن است

flat can

قوطی تخت

[تغذیه و صنا.] نوعی قوطی کنسرو که ارتفاع آن برابر یا کمتر از قطر آن است

ک

end-user

کاربر نهایی

[رایانه و فن.] فردی که پس از کامل شدن و بازاریابی محصول رایانه‌ای از آن استفاده می‌کند

postcard, postal card, carte postale (fr.)

کارت پستال

[مخابرات < پست] پست‌نامه‌ای (letter-post) به صورت برگه مستطیل‌شکل مقوایی یا کاغذی محکم که با توجه به احکام اتحادیه جهانی پست می‌توان آن را بدون پاکت ارسال کرد

rail mill

کارخانه ریل

[ح. ریلی] کارخانه تولید ریل

server farm, server cluster, computer farm

کارسازگان

[رایانه و فن.] گروهی از کارسازهای به هم پیوسته به صورت شبکه که در یک محل جا گرفته‌اند

parking turnover

کارکرد توقفگاه

[ح. شهری] نسبت تعداد وسایل نقلیه متوقف‌شده در مدت و محدوده معین به تعداد کل محل‌های توقف در آن محدوده

false color

کاذب‌رنگ

[م. نقشه.] رنگی که با افزودن آن به تصویر بازه بسامدهایی که به چشم انسان نامرئی هستند، مرئی می‌شود یا تباین نوریشان تشدید می‌گردد

asymptotic efficiency

کارایی مجانبی

[ریاضی] حد کارایی برآوردگر، وقتی که اندازه نمونه به بی‌نهایت بگراید

کارایی نسبی مجانبی

asymptotic relative efficiency

[ریاضی] معیاری مجانبی برای سنجش کارایی نسبی یک شیوه عمل آماری، مانند برآوردگر یا ملاک آزمون فرض وقتی تعداد نمونه به بی‌نهایت بگراید

pragmatic

کاربردشناختی

[زبان.] مربوط به کاربردشناسی

pragmatics

کاربردشناسی

[زبان.] شاخه‌ای از معناشناسی که به مطالعه معنای جمله در بافت می‌پردازد

- cavity** کاواک
[ع. جو] منطقه‌ای با شارش وارون، درست در باده‌سوی هر مانع یا کوه
- forest function** کارکرد جنگل
[م. منابع] جنگل [کلیه تولیدات و خدماتی که از جنگل حاصل می‌شود]
- callusing mound** کپه پینه‌زایی
[کشا. باغ.] توده خاکی که قلمه‌ها را در آن قرار می‌دهند تا محل زخم ترمیم یابد و پینه تولید شود
- reference work** کار مرجع
← خدمات مرجع
- calyx splitting** کاسه شکافی
[کشا. باغ.] عارضه‌ای که در گیاهان باعث شکافته شدن کاسه گل می‌شود
- reference library** کتابخانه مرجع
[کتابداری] کتابخانه‌ای شامل منابع مرجع که منابع آن فقط در محل قابل استفاده است
- coated paper** کاغذ پوشش‌دار
[م. پلیمر] رنگ [کاغذی که برای بهبود کیفیت، سطح آن با مخلوطی از پیوندها (مثل نشاسته یا شیرابه سپارها) و/یا رنگدانه آغشته و پوشانده می‌شود]
- bibliological** کتابشناختی
[ع. کتابداری] مربوط به کتابشناسی
- bibliologist** کتابشناس
[ع. کتابداری] متخصص شناخت ساختار و محتوای کتاب
- bibliology** کتابشناسی
[ع. کتابداری] علم شناخت کتاب از لحاظ شکل مادی و ساختار متن و اختلافات موجود در چاپها و تحریرها و نسخه‌های آن
- pastel paper** کاغذ گچ‌رنگ
[هنر. تج.] کاغذ پرزرداری که برای کار با گچ‌رنگ به کار می‌رود
- spark gap** کاف جرقه
• [فیزیک] آرایه‌ای از دو الکترود که می‌توان با اعمال ولتاژ در فضای میدان آنها جرقه ایجاد کرد
- radio channel** کانال رادیویی
[مخابرات] در ارتباطات رادیویی، باند بسامدی که پهنای کافی برای انتقال اطلاعات داشته باشد
- reference book** کتاب مرجع
[ع. کتابداری] کتابی که برای دسترسی به اطلاعات خاصی به بخش معینی از آن رجوع می‌شود
- rock-forming mineral** کانی سنگ‌ساز
[زمین.] قطعه‌ای از سنگ دیواره در یک توده آذرین پلوتونیک یا آتشفشانی
- bibliographer 1, bibliograph** کتاب‌نگار
[ع. کتابداری] کسی که در امر تدوین کتاب‌نگاشت تبحر دارد و به توصیف ویژگیهای کتاب می‌پردازد

کتاب‌نگاری

bibliography 1

[ع. کتابداری] فرایند توصیف کتابها و سایر منابع با توجه خاص به وضعیت تألیف و نشر و ساختار مادی آنها

کتاب‌نگاری نقشه

cartobibliography 1

[ع. کتابداری] فرایند توصیف مشخصات نقشه باتوجه به وضعیت تألیف و نشر و ساختار مادی آنها

کتاب‌نگاشت

bibliography 2

[ع. کتابداری] سیاهه‌ای از اطلاعات کتابشناختی کتابها و سایر منابع که با ترتیبی خاص مرتب شده باشد

کتاب‌نگاشت اختصاصی

special bibliography

[ع. کتابداری] کتاب‌نگاشتی که فقط به یک جنبه از اثر محدود می‌شود

کتاب‌نگاشت انتقادی

critical bibliography

← کتاب‌نگاشت تحلیلی

کتاب‌نگاشت بین‌المللی

international bibliography

[ع. کتابداری] کتاب‌نگاشتی که مشخصات کتابهای کشورها و زبانهای مختلف در آن گردآوری می‌شود

کتاب‌نگاشت پدیدآور

author bibliography

[ع. کتابداری] فهرستی از کتابها و مقالات یک نویسنده یا آنچه درباره او نوشته شده است

کتاب‌نگاشت تجاری

trade bibliography

[ع. کتابداری] کتاب‌نگاشتی شامل مشخصات شرکتها و سازمانهایی که در خرید و فروش یا تبادل کالا یا خدمات خاصی فعالیت دارند

کتاب‌نگاشت تحلیلی

analytical bibliography

[ع. کتابداری] مطالعه تاریخی و تطبیقی کتابها از لحاظ روشها و فنون تولید کتاب و تأثیر آنها بر متون

کتاب‌نگاشت توصیفی

descriptive

bibliography, physical bibliography

[ع. کتابداری] کتاب‌نگاشتی که فقط به ارائه اطلاعات کتابشناختی آثار می‌پردازد

کتاب‌نگاشت جاری

current bibliography

[ع. کتابداری] فهرست یا کتاب‌نگاشتی از کتابهایی که به تازگی انتشار یافته و معمولاً به صورت هفتگی یا ماهانه یا سالانه منتشر می‌شود

کتاب‌نگاشت جامع

comprehensive bibliography

[ع. کتابداری] کتاب‌نگاشتی که تا حد امکان فهرست کلیه آثار مربوط به یک موضوع خاص را در بردارد

کتاب‌نگاشت جهانی

universal bibliography

[ع. کتابداری] کتاب‌نگاشتی حاوی کتابهای منتشرشده در جهان

و ویرایشهای مختلف یک اثر همراه با مقایسه تطبیقی متون و تفاوت‌های آنها

کتاب‌نگاشت ملی national bibliography
[ع. کتابداری] کتاب‌نگاشتی از منابع منتشرشده در یک کشور که به صورت پایبند منتشر می‌شود

کتاب‌نگاشت منطقه‌ای
regional bibliography
[ع. کتابداری] کتاب‌نگاشتی از آثار چند کشور که در یک منطقه جغرافیایی خاص قرار دارند

کتاب‌نگاشت موضوعی
subject bibliography, thematic bibliography, topical bibliography
[ع. کتابداری] کتاب‌نگاشتی درباره موضوع یا فرد یا محل خاص

کتاب‌نگاشت نقشه cartobibliography 2
[ع. کتابداری] سیاهه‌ای از مشخصات کتابشناختی نقشه‌ها

کتاب‌نگاشت نظام‌یافته ← کتاب‌نگاشت سامانمند

کتاب‌نگاشتی bibliographical, bibliographic
[ع. کتابداری] مربوط به کتاب‌نگاشت

کج‌بال tilt-wing
[ح. هوایی] نوعی هواپیمای عمودپرواز

کتاب‌نگاشت سامانمند، کتاب‌نگاشت نظام‌یافته systematic bibliography, enumerative bibliography

[ع. کتابداری] کتاب‌نگاشتی که شناسه‌های آن براساس نظامی خاص به صورت منطقی و سودمند تدوین شده است

کتاب‌نگاشت عام general bibliography
[ع. کتابداری] کتاب‌نگاشتی که توجهی به موضوع معین ندارد و هر نوع کتابی را در بر می‌گیرد

کتاب‌نگاشت کتاب‌نگاشتها bibliography of bibliographies
[ع. کتابداری] فهرست جامعی از کتاب‌نگاشتهای منتشر شده

کتاب‌نگاشت گذشته‌نگر retrospective bibliography
[ع. کتابداری] کتاب‌نگاشتی از کتابهایی که در یک دوره معین در گذشته منتشر شده‌اند

کتاب‌نگاشت گزارمانی annotated bibliography
[ع. کتابداری] نوعی کتاب‌نگاشت که دارای گزارمان است

کتاب‌نگاشت گزینشی selective bibliography, select bibliography, partial bibliography
[ع. کتابداری] کتاب‌نگاشتی شامل گزیده‌ای از منابع که معمولاً برای هدف خاصی تهیه می‌شود

کتاب‌نگاشت متنی textual bibliography
[ع. کتابداری] کتاب‌نگاشتی از نسخه‌ها و چاپها

graduated fare**کرایه تصاعدی**

[ح. شهری] نرخ حمل مسافر متناسب با مسافت یا زمان سفر

که بال آن با زاویه نود درجه نسبت به بدنه قرار می‌گیرد و تمام وزن هواپیما را تحمل می‌کند

flat fare**کرایه ثابت**

[ح. شهری] نرخ حمل مسافر بدون احتساب فاصله یا زمان یا مسیر

tilt-rotor**کج پروانه**

[ح. هوایی] نوعی هواپیمای عمودپرواز که با یک یا چند چرخانه که تا حدود ۹۰ درجه دوران می‌کنند، از زمین برمی‌خیزد

carbonization, carburization**کربن شدن، کربن کردن**

[شیمی] تبدیل ترکیب آلی به کربن یا کربن‌دار کردن سطح به کمک گرما

concatenated coding**کدگذاری سلسله‌ای**

[مخابرات] شیوه‌ای در کدگذاری که در آن از دو یا چند کد بلوکی با پیچیدگی کمتر و به صورت پشت سر هم برای دست یافتن به قابلیت اطمینان بالاتر استفاده می‌شود

activated carbon, activated charcoal**کربن فعال**

[م. محیط]. شکلی از کربن با توانایی جذب زیاد که برای جدا کردن مواد آلی محلول از آب و فاضلاب و حذف بو و مواد سمی از گازهای خروجی صنایع به کار می‌رود

chorale**کُرال**

[موسیقی] نوعی آواز و سرود جمعی در کلیسای پروتستان

melody chorale**کُرال لحن**

[موسیقی] کُرال برای ارگ که در آن لحن یک کُرال به وضوح در بالاترین بخش ظاهر می‌شود

bridged carbocation**کربوکاتیون پل شده**

[شیمی] کربوکاتیونی (واقعی یا فرضی) که در آن دو (یا چند) اتم کربن مراکز کربونیم به شمار می‌آیند، اما با ساختاری نشان داده می‌شوند که در آنها اعضای یک گروه (اتم هیدروژن یا بنیان هیدروکربن) بین مراکز کربونیم پل می‌زنند

chorale settings**کُرال نویسی**

[موسیقی] تنظیم کُرال سنتی پروتستان آلمانی برای یک یا چند بخش (part) صدایی

base fare, basic fare, regular fare**کرایه پایه**

[ح. شهری] نرخ حمل مسافر بزرگسال بدون تخفیف برای خدمات منظم محلی و خطی

internet worm**کرم اینترنتی**

[رایانه و فن.] بدافزاری که به صورت برنامه‌ای مستقل، از طریق وب به رایانه‌ها نفوذ می‌کند و بدون نیاز به پرونده‌های میزبان عمل می‌کند و با تکثیر خود و اشغال منابع رایانه، آن را از کار می‌اندازد

wabbit**کرموش**

[رایانه و فن.] بدافزاری که پی‌درپی خود را در یک رایانه محلی تکثیر می‌کند و توانایی سرایت به رایانه‌های دیگر را ندارد، ولی ممکن است زیانهای دیگری داشته باشد

cocoa butter**کره کاکائو**

[تغذیه و صنا.] چربی سفید مایل به زرد که از دانه‌های کاکائو تهیه می‌شود

reference spheroid**گروه وار مرجع**

[ژئوفیزیک] بیضوی دَوّاری برای تقریب‌زنی زمینوار

کَشَاف ← واژه‌یاب**anther culture****کشت بساک**

[کشا.] باغد. روشی در کشت بافت که در آن بساک در شرایط درون‌شیشه‌ای کشت می‌شود تا گیاهان تک‌لاد از دانه‌های گرده تولید شود

callus culture**کشت پینه**

[کشا.] باغد. نوعی کشت درون‌شیشه‌ای که در آن یاخته‌های پینه گیاه را در محیط خاص کشت می‌دهند

کربوکاتیون پل شده با کمبود الکترون**electron-deficient bridged carbocation**

[شیمی] کربوکاتیونی که در آن تعداد الکترونهای لازم برای تشکیل پل از تعداد پیوندهای آن در پل کمتر است

کربوکاتیون پل شده بدون کمبود الکترون**electron-sufficient bridged carbocation**

[شیمی] کربوکاتیونی مانند یون فنیل که در آن تعداد الکترونها برای تشکیل پل با دو پیوند یگانه کافی است

ethological**کردارشناختی، کرداری**

[روان.] مربوط به کردارشناسی

ethologist**کردارشناس**

[روان.] فردی که تخصص او کردارشناسی است

ethology**کردارشناسی**

[روان.] مطالعه رفتار جانور در محیط طبیعی

کرداری ← کردارشناختی**worm****کرم**

[رایانه و فن.] بدافزاری که به صورت برنامه‌ای مستقل و بدون نیاز به پرونده‌های میزبان عمل می‌کند، خود را تکثیر می‌کند و با تخریب بخشهای رایانه آن را از کار می‌اندازد

از سپری شدن زمان تماس تعیین‌شده در شرایط معین باقی می‌ماند

کلر باقی‌مانده آزاد free chlorine residual

[م. محیط.] بخشی از کلر باقی‌مانده در آب یا فاضلاب پس از طی زمان تماس لازم که به صورت گاز محلول یا اسید هیپوکلر یا یون هیپوکلرید موجود باشد

کلر باقی‌مانده ترکیبی

combined chlorine residual

[م. محیط.] بخشی از کلر باقیمانده در آب یا فاضلاب پس از طی زمان تماس لازم که به صورت ترکیب با آمونیاک یا سایر مشتقات کلر موجود باشد

کلرخواهی chlorine demand

[م. محیط.] اختلاف بین مقدار کلر اضافه‌شده به فاضلاب و مقدار کلر باقی‌مانده در آن، پس از زمان تماس معین

کلرزنی تا نقطه شکست breakpoint chlorination, breakthrough chlorination

[م. محیط.] افزودن کلر به آب یا فاضلاب تا دستیابی به شرایط گندزدایی مطلوب

کلک hoax 1

[رایانه و فن.] عملیاتی معمولاً نرم‌افزاری یا الکترونیکی به صورت پیام برای فریب کاربر تا امری نادرست را باور کند و دست به انجام کارهایی بزند که مطلوب فرستنده پیام است

کشت‌گرده pollen culture

[کشا.] باغد. روشی در کشت بافت که در آن دانه‌های گرده در شرایط درون‌شیشه‌ای کشت می‌شوند تا گیاهان تک‌لاد تولید شود

کشتی فریب‌گر decoy ship

[ع. نظامی] نوعی کشتی (ناو) استتار‌شده، با انواع سلاح‌ها و تجهیزات جنگی که به‌صورت یک کشتی غیررزمی ظاهر می‌شود و به‌سرعت می‌تواند به‌صورت ناو جنگی وارد عملیات شود

کشتی هوایی airship

[ج. هوایی] هواگردی موتوردار و سبک‌تر از هوا

کشمکش conflict

[ع. نظامی] نزاع مسلحانه یا برخورد بین دو ارتش منظم یا بین اقوام یک کشور برای دستیابی به هدفهای محدود سیاسی یا نظامی

کلاف پوشانی coil coating

[م. پلیمر] رنگ [کشیدن پوشش بر سطح کلاف و پختن آن در کوره، چنانکه کلاف در آغاز این عملیات باز و در پایان جمع شود

کلبه، بنگالو bungalow

[گردشگری] بنایی یک‌طبقه، با سازه سبک و بام سفالین یا پوشالی، که گاه ایوان و اتاق زیرسقفی دارد

کلر باقی‌مانده residual chlorine, chlorine residual

[م. محیط.] مقدار کلر آزاد یا قابل دسترسی که پس

کمبود سیری کاراندام شناختی، کمبود سیری ۲

physiological saturation deficit,
saturation deficit 2

[ع. جو] اختلاف بین مقدار بخار آب موجود در هوا و مقدار بخار آب سیری هوا در دمای پوست بدن

کمربند آرامه calm belt

[ع. جو] نواری از عرض جغرافیایی که عموماً در آن بادها ضعیف و متغیرند

کمربند باد بسامان trade-wind belt

[ع. جو] نواری از بادهای بسامان عموماً بین حدود 33° در نیمکره زمستانی تا 35° در نیمکره تابستانی

کمربند کوهزایی orogenic belt

[زمین.] منطقه‌ای خطی یا کمانی از پوسته زمین که دچار دگرشکلی و چین خوردگی شدید در دوره‌ای از زمان شده است

کم فشار سرد cold low

← چرخند سردهسته

کم فشار قطبی polar low

← تاوه قطبی

کمیت افزایشی extensive quantity

[فیزیک] کمیتی که در ترکیب دو سامانه ترمودینامیکی رفتار جمع‌پذیر داشته باشد

کمیت ناافزایشی intensive quantity

[فیزیک] کمیتی ترمودینامیکی که مقدار آن،

کلک باز ← کلک زن

کلک زدن hoax 2

[رایانه و فن.] استفاده از کلک برای فریب کاربر و واداشتن او به کارهایی که مطلوب فرستنده پیغام است

کلک زن، کلک باز hoaxer

[رایانه و فن.] کسی که معمولاً با روشهای نرم‌افزاری یا الکترونیکی به کاربر رایانه کلک می‌زند

کلوچک cookie, HTTP cookie, Web cookie

[رایانه و فن.] پیامی از کارساز وب به مرورگر وب که در رایانه کاربر ذخیره می‌شود تا با هر بار دسترسی مرورگر به کارساز، بدون تغییر، به آن برگردانده شود

کلیدخوان key logger

[رایانه و فن.] نرم‌افزاری که ضربه‌های کاربر رایانه بر کلیدها را در پرونده‌ای ذخیره می‌کند تا بعداً آن پرونده را برای رخنه‌گر ارسال کند

کلیدخوانی key logging

[رایانه و فن.] ذخیره ضربه‌های کاربر رایانه به کلیدها در یک پرونده تا بعداً آن پرونده برای رخنه‌گر ارسال شود

کمبود سیری ۱ saturation deficit 1

[ع. جو] مقدار بخار آبی که باید به هوا افزود تا بدون تغییر دما و فشار محیط، سیری حاصل شود

کمبود سیری ۲ ← کمبود سیری کاراندام شناختی

indirect speech act کنش گفتاری غیر مستقیم
[زبان.] کنش گفتاری‌ای که در آن معنایی که القا می‌شود متناظر با صورت نیست

direct speech act, speech act کنش گفتاری مستقیم

[زبان.] گفته‌ای که با بیان آن کنشی همچون امر یا تهدید یا ترغیب محقق می‌شود

locutionary act کنش مفهومی
[زبان.] بیان جمله به قصد انتقال معنای متعارف/تحت‌اللفظی آن

illocutionary force کنش منظوری
[زبان.] بیان جملات به منظور انجام دادن اعمالی نظیر قول دادن، متهم کردن، نامیدن و جز آن در قراردادهای اجتماعی

charmed quark, charm quark کوارک افسون
[فیزیک] کوارکی با بار الکتریکی $\frac{2}{3}+$ که جرم آن از کوارک بالا بیشتر و از کوارک سر کمتر است

up quark کوارک بالا
[فیزیک] ذره‌ای بنیادی با بار الکتریکی $\frac{2}{3}+$ و مؤلفه ایزوسپین $\frac{1}{2}$ و اسپین $\frac{1}{2}$ و عدد بار بونی $\frac{1}{3}$

down quark کوارک پایین
[فیزیک] ذره‌ای بنیادی با بار الکتریکی $\frac{1}{3}-$ و مؤلفه ایزوسپین $\frac{1}{2}-$ و اسپین $\frac{1}{2}$ و عدد بار بونی $\frac{1}{3}$

bottom quark کوارک ته
[فیزیک] ذره‌ای بنیادی با بار الکتریکی

برخلاف کمیت افزایشی، در قسمتهای متفاوت سامانه ترمودینامیکی همگن یکسان است

grass minimum کمیته چمن
← دمای کمیته چمن

minimalist کمیته گرا
[هنر. تج.] ۱. هنرمندی که به شیوه کمیته‌گرایی آثاری را خلق می‌کند ۲. ویژگی اثری که به شیوه کمیته‌گرایی خلق شده باشد

minimalism کمیته‌گرایی
[هنر. تج.] گرایشی در هنر که آثاری را با حداقل ابزارها و اشکال هندسی و محتوا خلق می‌کند

chorale concerto کنسرتوی کرال
[موسیقی] تنظیم یک کرال برای ساز و آواز به سبک موسیقی قرن هفدهم ایتالیا

performance کنش
← کنش زبانی

perlocutionary act, perlocutionary effect کنش تأثیری
[زبان.] تأثیر بیان جمله بر شنونده

linguistic performance کنش زبانی
[زبان.] به کارگیری قواعد توانش زبانی در گفتار یا نوشتار یا زبان اشاره

speech act کنش گفتاری
← کنش گفتاری مستقیم

ساعت ۴ تا ۶ یا ۶ تا ۸ بعد از ظهر که برای چرخش ساعات دسته‌های نگهبانی برنامه‌ریزی می‌شود

کوچ پس‌براناباشت poststack migration

[ژئوفیزیک] جابه‌جایی اجزای داده‌های لرزه‌ای بر روی مقطعی که در آن چشمه و گیرنده بر هم منطبق‌اند

کوچ پیش‌براناباشت prestack migration

[ژئوفیزیک] فرایند جمع بستن دامنه انرژی لرزه‌ای روی سطح زمان سیر و نسبت دادن آن به رأس سطح، یعنی نقطه‌ای با کوتاهترین زمان سیر

کوره‌پزی baking, stoving

[م. پلیمر] رنگ خشک کردن و سخت کردن ماده پوششی به کمک گرما

کولاک برف blowing snow

[ع. جوا] برفی که باد آن را از سطح زمین تا ارتفاع ۲ متر یا بیشتر به هوا بلند می‌کند و دید افقی را به کمتر از ۱۱ کیلومتر کاهش می‌دهد

کومه‌ای بادبسامان trade-wind cumulus, trade cumulus

← ابر کومه‌ای بادبسامان

کوهزادی orogenic

[زمین.] مربوط به کوهزایی

کوهزایی orogeny, orogenesis

[زمین.] فرایند تشکیل کوه

e و عدد کوانتومی ته ۱- و اسپین $\frac{1}{2}$ و عدد بار یونی $\frac{1}{3}$

کوارک سر top quark

[فیزیک] ذره‌ای بنیادی با بار الکتریکی e و عدد کوانتومی سر ۱+ و اسپین $\frac{1}{2}$ و عدد بار یونی $\frac{1}{3}$

کوارک شگفت strange quark

[فیزیک] ذره‌ای بنیادی که همواره با کوارک بالا و کوارک پایین، اساس مدل کوارک اولیه هادرونها را تشکیل می‌دهد

کوپیوند budding

[کشا. باغد.] نوعی پیوند که در آن پیوندک فقط دارای یک جوانه و مقداری پوست است

کوپیوند دوگانه double-shield budding

[کشا. باغد.] نوعی پیوند که در آن پیوند به کمک یک واسطه پوستی روی پایه قرار می‌گیرد

کوپیوند سپری، کوپیوند شکمی

shield budding, T-budding

[کشا. باغد.] نوعی کوپیوند که در آن برشی به صورت T در پایه زده می‌شود و پیوندک حاوی یک جوانه از بالا در زیر پوست پایه قرار می‌گیرد

کوپیوند شکمی ← کوپیوند سپری

کوته پاس dog watch

[ع. نظامی] یکی از دو نوبت نگهبانی دوساعته از

گ

گاز طبیعی فشرده، گاز فشرده

compressed natural gas, CNG

[شیمی] گاز طبیعی که به طور عمده از متان تشکیل شده است و تا فشار ۲۴۰۰ پوند بر مایع فشرده می‌شود و در ظروف تحت فشار زیاد نگهداری می‌شود

[شیمی] گاز حاصل از استخراج منابع نفتی شامل پروپان و بوتان و سایر هیدروکربنهای سبک که در دمای معمولی به صورت گاز است، ولی بر اثر سرما یا تحت فشار مایع می‌شود تا نگهداری و نقل و انتقال آن آسان‌تر شود

گاز طبیعی مایع، گاز مایع

liquefied natural gas, LNG

[شیمی] نوعی گاز طبیعی شامل متان که با توجه به دمای بحرانی ۷۳ درجه سانتیگراد می‌توان آن را در دمای پایین سرد کرد و به حالت مایع درآورد

collective pitch, گام جمعی
collective stick, collective-pitch lever

[ح. هوایی] یکی از فرمانهای پرواز بالگرد که به طور هم‌زمان زاویه گام تیغه‌های ملخ را تغییر می‌دهد

buphthalmic گاوچشم
[پزشکی] فرد مبتلا به گاوچشمی

buphthalmos, buphthalmus, گاوچشمی
buphthalmia, megophthalmos,
hydrophthalmus

[پزشکی] آب سیاه مادرزادی که در آن نقص تکاملی بافت‌های تخلیه‌کننده مایع داخل چشمی سبب افزایش فشار درون چشم می‌شود

گاز فشرده ← گاز طبیعی فشرده

گاز مایع ← گاز طبیعی مایع

گاز نفت ← گاز نفت مایع

pastel گچ‌رنگ

[هنر. تجر.] خمیره‌ای از ماده‌های رنگی آمیخته با گچ و صمغ که به صورت چوبچه درآمده است

گاز نفت مایع، گاز نفت

Liquefied Petroleum Gas, LPG

[ژئوفیزیک] وسیله‌ای برای اندازه‌گیری مؤلفه‌های
گرادیان میدان پتانسیل

phase transition

گذار فاز

← تبدیل حالت

gravitation

گرانش

[فیزیک] نیروی ربایشی متقابل بین تمامی
جرمهای موجود در عالم

forbidden transition

گذار ممنوع

[فیزیک] هر گذار میان دو حالت که قاعده‌های
گزینش را نقض کند

barochory

گرانش برافشانی

[کشاء باغ]. پراکنده شدن میوه به کمک
نیروی جاذبه

passage 2

گذر

[موسیقی] ۱. قسمتی از یک قطعه موسیقی با طول
نامشخص که لزوماً مستقل نیست ۲. توالی گامها
یا انگاره‌های مشابه که اغلب اجرای آنها دشوار
است و برای نشان دادن مهارت در اجرای
موسیقی به کار می‌رود

gravitational

گرانشی

[فیزیک] مربوط به گرانش

throughput

گذرداد

[رایانه و فن]. مقدار اطلاعاتی که از جایی به جای
دیگر منتقل یا در مدتی معین پردازش می‌شود

astatized gravimeter, ناپایدارنما
unstable gravimeter, labilized
gravimeter, astatic gravimeter,
pseudoastatized gravimeter

[ژئوفیزیک] گرانی‌سنجی که در آن نیروی گرانی
با نیروی بازدارنده، نزدیک به حالت تعادل
ناپایدار است

pass point

گذرنقطه

[م. نقشه]. نقطه‌ای که موقعیت افقی یا عمودی آن
با روشهای تصویرسنجی تعیین شده است و برای
توجیه مطلق عکسها به کار می‌رود

aerial gravimetry

گرانی‌سنجی هوایی

[ژئوفیزیک] اندازه‌گیری گرانی از داخل هواگرد

vertical pass point

گذرنقطه ارتفاعی

[م. نقشه]. نقطه‌ای در ناحیه پوشش مشترک
عکسها که ارتفاع آن معلوم می‌شود

common-offset gather, گردآورد هم‌دورأنت
common-range gather

[ژئوفیزیک] مجموعه‌ای از ردهای لرزه که در
فاصله یکسانی از چشمه ثبت شده‌اند

horizontal pass point

گذرنقطه مسطحاتی

[م. نقشه]. نقطه‌ای در ناحیه پوشش مشترک
عکسها که طول و عرض آن معلوم می‌شود

duster

گردپاش

[کشاء زراع]. ماشینی برای پاشیدن مواد
شیمیایی به صورت گرد

gradiometer

گرادیان‌سنج

thermosphere

گرم سپهر

[ع. جو] لایه‌ای از جو که از میان‌ایست تا فضای میان‌سیاره‌ای گسترش دارد و دما در آن، کم‌وبیش به طور یکنواخت، با افزایش ارتفاع افزایش می‌یابد

thermospheric

گرم سپهری

[ع. جو] مربوط به گرم سپهر

stratospheric warming

گرمش پوشن سپهر

[ع. جو] خیز دمای پوشن سپهر در منطقه قطبی، در اواخر زمستان یا اوایل بهار، ناشی از انتشار تقویت‌یافته انرژی گرمایی از وردسپهر توسط امواج سیاره‌ای مقیاس که فروپاشی تاوه قطبی را در پی دارد

گرمش ناگهانی پوشن سپهر

stratospheric sudden warming

← گرمش پوشن سپهر

hostageware

گروافزار

[رایانه و فن.] نرم‌افزاری که با پرداخت وجهی برای گشودن قفل آن می‌توان برای مدت طولانی از همه قابلیت‌های آن استفاده کرد

section 4, choir 1

گروه

[موسیقی] سازهای هم‌خانواده در یک ارکستر

swing gang

گروه آرایه کاری

[سینما و تلو.] گروهی که مسئولیت برپایی و برچیدن آرایه‌های صحنه را در تولید فیلم بر عهده دارد

holiday maker

گردشگر

[گردشگری] شخصی که برای سپری کردن تعطیلات به سفر می‌رود

thermochemistry

گرم‌اشیمی

[شیمی] علم اندازه‌گیری و تفسیر و تجزیه و تحلیل گرما که با تغییرات شیمیایی و تغییر حالت همراه است

heat death

گرما مرگی

[فیزیک] وضعیت هر سامانه بسته که آنتروپی آن حداکثر است و ماده در حالت بی‌نظمی کامل دمای یکسانی دارد و انجام کار در آن امکان‌پذیر نیست

thermogravimetry

گرما وزن سنجی

[شیمی] روشی تحلیلی بر مبنای اندازه‌گیری تغییرات وزن ترکیب یا آمیزه با افزایش دما

thermopause

گرم‌ایست

[ع. جو] سقف گرم‌سپهر در ارتفاع حدود ۵۰۰ کیلومتری سطح زمین

overcoat

گرم پوش

[ع. نظامی] نوعی لباس گرم که نظامیان در فصل سرما روی لباس‌های دیگر می‌پوشند و بالاتنه را می‌پوشاند

sauna

گرم‌خانه

[عمومی] اتاق ویژه‌ای با حرارت زیاد که ورزشکاران و افراد عادی معمولاً برای کاهش وزن از آن استفاده می‌کنند

توجیه ناکامی یک اقدام یا شکست یک سیاست
مقصر معرفی می‌شود

rail lubricator **گریس‌پاش ریل**
[ح. ریلی] ابزاری مکانیکی که در برخی از نقاط
خط نصب می‌شود و چرخهای قطار را برای
کاهش اصطکاک بین چرخ و ریل روغن‌کاری
می‌کند

annotation **گزارمان**
[ع. کتابداری] یادداشت کوتاهی که معمولاً ذیل
یک اثر درج می‌شود و محتوا یا ساختار یا هر دو
را توصیف می‌کند

annotated, annotative **گزارمانی**
[ع. کتابداری] دارای یا مربوط به گزارمان

predicate 1 **گزاره ۱**
[زبان.] در دستور زبان، اصلی‌ترین سازه در
ساخت جمله که شامل سازه‌های اجباری به جز
فاعل است

proposition, propositional meaning, propositional content **گزاره ۲**
[زبان.] معنای تحت‌اللفظی/صریح جمله

propositional **گزاره‌ای**
[زبان.] مربوط به گزاره

automatic picking **گزینش خودکار**
[ژئوفیزیک] تعیین زمان رویداد لرزه‌ای به طور

cast 2 **گروه بازیگری**
[سینما و تلو.] مجموعه بازیگران یک فیلم

chorus 2 **گروه‌پرداز**
[موسیقی] نوعی واحد پردازش نشانک/سیگنال
(signal processing) در موسیقی الکترونیکی که
تکخوانی یا تکنوازی را به همخوانی یا گروه‌نوازی
تبدیل می‌کند

camera crew **گروه دوربین**
[سینما و تلو.] مجموعه‌ای از عوامل فنی که مسئولیت
کارهای مربوط به فیلمبرداری را بر عهده دارند

sound crew **گروه صدا**
[سینما و تلو.] کارکنان فنی تولید و ضبط صدا

lighting crew, lighting technician(s) **گروه نور**
[سینما و تلو.] جمعی از متخصصان فنی و کارگران
صحنه که مسئول نصب و راه‌اندازی تجهیزات
نوری هستند

tie point **گره نقطه**
[م. نقشه.] نقطه‌ای که دو یا چند واحد نقشه‌برداری
یا عکسی را به هم پیوند می‌دهد

escape learning **گریزآموزی**
[روان.] فراگرفتن پاسخی که به موجود زنده امکان
می‌دهد از یک محرک آزاردهنده بگریزد

scapegoat **گریزه**
[ع. سیاسی] فرد یا گروه یا عامل خاصی که در

خودکار در امتداد مقطع لرزه‌ای یا از درون حجمی
از داده‌های لرزه‌ای

گسل امتدادلغز strike-slip fault, strike-shift fault

[زمین.] گسلی که در آن حرکت به موازات امتداد
گسل رخ داده باشد

گسترش چلیپایی cross spread

[ژئوفیزیک] ۱. گسترشی که با امتداد پیمایش
زاویه‌ای بزرگ (غالباً 90°) می‌سازد ۲. گسترشی
به شکل چلیپا

گسل خط لولایی hingeline fault

[زمین.] گسلی که به وسیله افزایش رسوب در
حوزه رسوبی اتفاق می‌افتد و رسوب در جهت
روبه دریا ذخیره می‌شود

گستره تطابق range of accommodation

[پزشکی] فاصله خطی بین نزدیک‌ترین نقطه
تطابق یا دید واضح تا دورترین نقطه تطابق یا دید
واضح

گسل عادی normal fault

[زمین.] گسلی که در آن فرادیواره (hanging wall)
نسبت به فرودیواره (footwall) به سمت پایین
حرکت کرده است

گستره توجه attention span

[روان.] ۱. تعداد موضوعاتی که در یک ارائه کوتاه
به صورت مجزا درک می‌شوند ۲. مدت زمانی که
فرد می‌تواند بر یک موضوع تمرکز کند

گسل معکوس reverse fault, reversed fault

[زمین.] گسلی که در آن فرادیواره (hanging wall)
نسبت به فرودیواره (footwall) به سمت بالا حرکت
کرده است و شیب گسل معمولاً از 45° کمتر است

گستره حافظه memory span

[روان.] تعداد موضوعاتی که بعد از یک بازنمایی
سریعاً به خاطر می‌آید

گسیل تابشی radiated emission

[مخابرات] انرژی الکترومغناطیسی تابیده از مدارها،
افزارها، تجهیزات یا سامانه‌ها که ممکن است در سایر
سامانه‌ها تداخل الکترومغناطیسی ایجاد کند

گستره خودآگاهی consciousness span

[روان.] میزان اطلاعاتی که فرد در یک نگاه گذرا
می‌تواند کسب کند

گسستگی جنگل ← تکه تکه شدن جنگل

گسیل تحریکی stimulated emission

[فیزیک] فرایند گسیل تابش الکترومغناطیسی از
اتم برانگیخته در میدان تابش الکترومغناطیسی با
همان بسامد

گسل اریب لغز oblique-slip fault, diagonal-slip fault

[زمین.] گسلی که در آن، لغزش هم در جهت امتداد

bisexual flower,
hermaphrodite flower

گل دوجنسی

[کشا. > باغ.] گلی که دارای هر دو اندام زایای
نر و ماده است

anthesis, flowering

گلدهی

[کشا. > باغ.] دوره‌ای شامل باز شدن غنچه تا
پایان ریزش گلبرگها

flower abscission

گل‌ریزی

[کشا. > باغ.] ریزش گل بر اثر تشکیل لایهٔ ریزشی

hordeolum, sty

گل‌مژه

[بزشکی] التهاب حاد غده‌های چربی در قاعدهٔ مژه
به علت عفونت باکتریایی

external hordeolum

گل‌مژه بیرونی

[بزشکی] گل‌مژه‌ای که در سطح پوستی پلک
به وجود می‌آید

internal hordeolum

گل‌مژه درونی

[بزشکی] گل‌مژه‌ای که با تورم چرکی در لبه
ملتحمه‌ای پلک مشخص می‌شود

anthography

گل‌نگاری

[کشا. > باغ.] شرح و توصیف اجزای گل

gloun

گلوئون

[فیزیک] ذرهٔ بنیادی بدون جرمی با اسپین ۱ که
میانجی برهم‌کنش قوی بین کوارکهاست

meaconing

گمراه‌ساز ناوبری

[ع. نظامی] سامانهٔ دریافت سیگنالها/نشانه‌های دستگاه

spontaneous emission

گسیل خودبه‌خودی
[فیزیک] گذار اتم یا مولکول از حالت برانگیخته
به حالت انرژی پایین‌تر بدون دخالت میدان
الکترومغناطیسی خارجی

bond moment

گشتاور پیوند

[شیمی] میزان قطبیت یک پیوند شیمیایی که مقدار
آن براساس عکس‌العمل پیوند، وقتی که در یک
میدان الکتریکی قرار می‌گیرد، محاسبه می‌شود

dipole moment

گشتاور دوقطبی

[شیمی] حاصل ضرب مقدار بار در فاصلهٔ بین دو بار

postman's round,
letter carrier's route, itinéraire (fr.)

گشت پستی

[مخابرات > پست] مسیر حرکت نامه‌رسان که
براساس نشانه‌های مربوطات از قبل تنظیم شده است

angular aperture

گشودگی زاویه‌ای

[فیزیک] زاویهٔ بین کناری‌ترین پرتوهای گذرنده از
یک عدسی که می‌توانند تصویر ایجاد کنند

speech engine

گفتارگر

[رایانه و فن.] سامانه‌ای برای بازشناسی یا تولید گفتار

anthoecology

گل‌بوم‌شناسی

[کشا. > باغ.] بررسی گل در ارتباط با محیط زیست آن

pot bound

گلدان‌فشرده

[کشا. > باغ.] وضعیت ریشه‌های گیاهی که به دلیل
ماندن طولانی در گلدان متراکم می‌شود و مجموعهٔ
ریشه‌ها و خاک شکل گلدان را به خود می‌گیرد

goniotomy,
Barkan's operation

گوشه شکافی

[پزشکی] عمل جراحی برای کم کردن فشار داخل چشم از طریق ایجاد شکاف در مجاری اشليم (Schlemm's Canals)

variety

گونه ۱

[زبان]. در جامعه‌شناسی زبان، هر نظام زبانی که مؤلفه‌های جغرافیایی و اجتماعی زبان را منعکس می‌کند

species

گونه ۲

[زیست]. مجموعه‌ای از جمعیت‌هایی که دارای دامنه انتشار و نام علمی مشخص و ژنگان (genome) و پوشگاه (niche) مستقل و توانایی تولیدمثل / زادآوری هستند

specific

گونه‌ای

[زیست]. مربوط به گونه ۲

speciation

گونه‌زایی

[زیست]. پیدایش گونه‌ای جدید در روند تبارزایی (phylogenesis)

chemical species

گونه شیمیایی

[شیمی] مجموعه‌ای از واحدهای مولکولی یکسان که در مدت زمان آزمایش، میزان انرژی مولکولی همانندی را از خود نشان می‌دهند

sibling species,
aphanic species, twin species,
cryptic species

گونه‌های همزاد

[زیست]. دو یا چند گونه خویشاوند که از لحاظ ریخت‌شناسی غیرمتمايز و از لحاظ تولید مثل مجزا هستند

هدایت رادیویی و ارسال مجدد آنها با همان بسامد، با هدف فریب دشمن و ایجاد اختلال در ناوبری او

einkorn, one-grained wheat

گندم تکدانه

[کشا. زراع.]. گیاهی با نام علمی تریتیکوم مونوکوکوم (triticum monococum)، از تیره گندمیان که در سنبلیچه آن یک دانه وجود دارد

fovea centralis,
fovea centralis retina, inner fovea

گوده مرکزی

[پزشکی] فرورفتگی ریزی در مرکز لکه زرد، حاوی باخته‌های مخروطی که به علت افزایش طولشان به باخته‌های استوانه‌ای شبیه شده‌اند

carnivore, carnivorous,
carnivorous animal, sarcophagous,
creophagous

گوشتخوار

[زیست]. جانوری که از جانوران دیگر تغذیه می‌کند

carnivora

گوشتخواران

[زیست]. گروهی از جانوران که از جانوران دیگر تغذیه می‌کنند

carnivory

گوشتخواری

[زیست]. تغذیه از جانوران

gonioscope

گوشه بین

[پزشکی] ابزاری نوری برای آزمودن زاویه اتافک پیشین و نشان دادن توانایی حرکت خود به خودی و چرخش چشم

gonioscopy

گوشه بینی

[پزشکی] شیوه‌ای برای مشاهده زاویه اتافک پیشین چشم به کمک ابزاری خاص

floristic**گیاگانی**

[زیست.] مربوط به گیاگان

bedding plants**گیاهان بسترساز**

[کشا. > باغ.] گیاهان علفی یک‌ساله یا دوساله یا چندساله که از آنها برای پوشاندن موقت خاک استفاده می‌شود

border plants**گیاهان مرزنا**

[کشا. > باغ.] گیاهان پاکوتاهی که به صورت باریکه در کناره باغچه یا برای تقسیم‌بندی قطعات کاشته می‌شوند

beverage plants, beverage crops**گیاهان نوشابی**

[کشا. > باغ.] گیاهانی که از قسمتهای مختلف آنها مانند برگ و میوه برای تهیه انواع نوشیدنیها استفاده می‌شود

banner crop**گیاه برتر**

[کشا. > زراع.] گیاهی که از نظر کیفیت یا کمیت یا هر دو از دیگر گیاهان منطقه یا مزرعه برتر باشد

entomophilous**گیاه حشره‌دوست**

[کشا. > باغ.] گیاهی که گرده‌افشانی و تلقیح گل در آن به کمک حشراتی انجام می‌شود که از گلی به گل دیگر می‌روند

catch crop**گیاه واسطه**

[کشا. > زراع.] گیاه پررشدی که در فاصله زمانی بین دو محصول اصلی کشت می‌شود

dialect**گویش**

[زبان.] گونه‌ای از یک زبان که در تلفظ و واژگان و دستور با گونه معیار همان زبان تفاوت دارد

dialectology**گویش‌شناسی**

[زبان.] مطالعه نظام‌مند همه گویشها و لهجه‌ها به‌ویژه لهجه‌های محلی

idiolect**گویش فردی**

[زبان.] دانش نظام زبانی یک گویشور

dialectal**گویشی**

[زبان.] مربوط به گویش

phytoc(o)enosis, plant community, plant formation, plant groupment**گیاسازند**

[زیست.] مجموعه گیاهانی که در یک بوم‌سازگان زندگی می‌کنند

phytoc(o)enology**گیاسازندشناسی**

[زیست.] بررسی مجموعه گیاهانی که در یک بوم‌سازگان زندگی می‌کنند

flora**گیاگان**

[زیست.] مجموعه گونه‌های گیاهی که در یک منطقه جغرافیایی و در دوره‌ای معین زندگی می‌کنند

floristics**گیاگان‌شناسی**

[زیست.] بررسی ترکیب گونه‌های گیاهی که در یک منطقه جغرافیایی و در دوره‌ای معین زندگی می‌کنند

ل

لایه آمیختگی	mixing layer	لایه مالش ← لایه اصطکاک
← لایه آمیخته		
لایه آمیخته	mixed layer	لایه مرزی جو
[ع. جو] لایه‌ای در مجاورت سطح زمین که به وسیلهٔ همرفت یا تلاطم مالشی درهم می‌آمیزد و یکنواخت می‌شود		atmospheric boundary layer, ABL
		← لایهٔ مرزی سیاره‌ای
لایهٔ ازن	ozone layer	لایهٔ مرزی سیاره‌ای
← ازن‌سپر		planetary boundary layer, PBL
لایهٔ اصطکاک، لایهٔ مالش	friction layer	[ع. جو] پایین‌ترین لایهٔ جو، معمولاً تا ارتفاع ۱۵۰۰ متر، که در آن شرایط هواشنناختی عمدتاً تحت تأثیر سطح زمین است
[ع. جو] نامی دیگر و تا حدودی نامناسب برای لایهٔ مرزی جو		wheel flange
		لَبَّهٔ چرخ
		[ح. ریلی] قسمت بیرون‌آمدهٔ چرخ که هدایت حرکت قطار را بر روی ریل بر عهده دارد
لایهٔ پنهان	hidden layer	لَت
[ژئوفیزیک] لایه‌ای که موج شکست مرزی ندارد		section 3
لایهٔ جو	atmospheric layer, atmospheric shell	[موسیقی] قسمتی از ساختار یک قطعه که از چند جمله تشکیل شده است
[ع. جو] هر یک از لایه‌ها یا چین‌های جو زمین		melody
لایهٔ ریزشی	abscission layer	لحن
[کشا. باغ.] لایه‌ای که بر اثر عوامل داخلی یا خارجی تشکیل و موجب ریزش اندامهای گیاه می‌شود		[موسیقی] توالی اصوات با دیرشهای مختلف بر اساس عرف و ذوق فرهنگی
		melody model
		لحن الگو
		[موسیقی] یک طرح ذهنی لحنی که خط‌مشی

برای بسته‌بندی مرسوله‌ها و حفاظت از آنها هنگام
جابه‌جایی

لکه زرد
macula lutea, macula,
macula lutea retina, yellow spot, limbus
luteus, macula flava, punctum luteum,
Soemmering's spot, Soemmering's foramen

[بزشکی] فرورفتگی نامنظم مایل به زردی در روی
شبکیه، در خارج از صفحه بینایی و اندکی پایین‌تر از آن

لوچی
strabismus, heterotropia,
manifest deviation

[بزشکی] هرگونه انحراف از هم‌سویی کامل چشمها

لوله بُردُن
Bourdon tube

[ع. جو] لوله بسته خمیده‌ای با مقطع بیضی‌شکل که
در برخی دماسنجها و فشارسنجها به کار می‌رود

لهجه
accent 2

[زبان.] گونه‌ای از زبان که ویژگیهای تلفظی آن
موقعیت جغرافیایی یا جایگاه اجتماعی فرد را
منعکس می‌کند

لهجه اجتماعی
social accent

[زبان.] لهجه مربوط به طبقه و گروه اجتماعی خاص

لهجه جغرافیایی
geographical accent

← لهجه محلی

لهجه محلی
regional accent

[زبان.] لهجه مربوط به یک منطقه جغرافیایی خاص

لیزر حالت جامد
solid-state laser

[فیزیک] لیزری که در آن باریکه خروجی همدوس
به وسیله ماده نیم‌رسانا ایجاد می‌شود

تغییرات عینی لحن را تشکیل می‌دهد

لحن معرف
leitmotif, leading motive

[موسیقی] ایده‌ای موسیقایی که در یک قطعه
موسیقی (معمولاً اپرا) برای تداعی شخص و
شیء و احساس و مانند آن تکرار می‌شود

لحن نمونه
melody type

[موسیقی] ترکیب بنیانی و ذاتی لحن یا طرح کلی
آن که سرمشق الحان دیگر قرار می‌گیرد

لحنی
melodic

[موسیقی] منسوب به لحن

لشکرکشی
campaign

[ع. نظامی] رشته عملیات متوالی که با هدف
شکست دادن دشمن در زمان و منطقه‌ای معین
انجام می‌شود؛ از ویژگیهای این نوع عملیات،
تمرکز بر شیوه جابه‌جایی نیرو، فریب دشمن،
پشتیبانی خدمات رزمی، اجرای عملیات روانی و
توجه به مسائل فرهنگی و اجتماعی است

لعبینه
ceramics

[هنر. تج.] سفالی که با لعاب پوشیده شده
باشد و برای بار دوم در کوره با درجه پخت
بالاتری پخته شود

لعبینه‌شناسی
ceramography

[هنر. تج.] دانشی که به شناخت لعبینه‌های
دورانهای مختلف می‌پردازد

لقاف
cover, packing, wrapping,
emballage (fr.)

[مخابرات] پست [طرف یا پارچه یا کاغذ مقاومی

م

مأخذ ← مراجع

صورت خشک شدن، فیلم حاصل از آن در حلال اصلی حل می‌شود

ماتریس افزوده augmented matrix

[ریاضی] ماتریس متشکل از ضرایب و جملات ثابت یک دستگاه معادلات خطی

ماده دفعی excretion 2, excrement

[زیست]. ماده زائد دگرگشتی (metabolic) که از یاخته‌ها یا موجودات زنده خارج می‌شود

ماتریس همبستگی correlation matrix

[ریاضی] ماتریس مربع متقارن شامل ضریب همبستگی دو به دوی تعدادی معین از متغیرهای تصادفی

ماده ضدبیاتی، ضدبیاتی antistaling agent

[تغذیه و صنا.]. نوعی افزودنی غذایی که باعث تأخیر در بیاتی محصولات نانوائی (bakery products) می‌شود

ماده پوششی تبدیل پذیر

convertible coating material

[م. پلیمر] رنگ [نوعی ماده پوششی که در صورت خشک شدن (در نتیجه اکسایش یا دیگر واکنشهای شیمیایی)، فیلم حاصل از آن در حلال اصلی نامحلول است

ماده ضدپاشش، ضدپاشش

antispattering agent

[تغذیه و صنا.]. نوعی افزودنی غذایی که به عنوان نامیزه ساز (emulsifer) عمل می‌کند و از پاشیدن روغن به هنگام سرخ کردن جلوگیری می‌کند

ماده پوششی تبدیل ناپذیر

non-convertible coating material

[م. پلیمر] رنگ [نوعی ماده پوششی که در

ماده ضدکف، ضدکف antifoaming agent

[تغذیه و صنا.]. نوعی افزودنی غذایی که تشکیل کف را به تعویق می‌اندازد یا از آن جلوگیری می‌کند

دستی است، عمل می‌کند و از آن در بخش تجزیهٔ مرسولات، پس از اتمام کار تجزیه و هنگام بستن فرسته‌ها، استفاده می‌شود

ماشین عیب‌یاب ریل
rail detector car,
rail flaw detector

[ج. ریلی] واگنی خودکشنده که به دستگاههای ویژه‌ای برای شناسایی عیوب ریل مجهز است

ماشین فروش تمبر
stamp vending machine

[مخابرات < پست] دستگاهی برای فروش انواع تمبرهای پستی که قادر به توزیع مقادیر متنوع و مختلفی از تمبرهای از هر حلقه است و در نقاط تجمع و ایستگاههای راه‌آهن و فرودگاهها و واحدهای پستی نصب می‌شود و در ساعات مختلف شبانه‌روز قابل استفاده است

مالبند
hitch

[کشا. < زراع.] مجموعه‌ای از قطعات در ادوات کششی یا ماشینهای کشاورزی که نیرو را از تراکتور به دنباله‌بندها منتقل می‌کند

مانا
stationary

[فیزیک] ویژگی جسم در وضعیت سکون از دید ناظر

ماهوارهٔ رلهٔ رادیویی
radio relay satellite

[مخابرات] ماهواره‌ای که سیگنالها/نشانه‌های ایستگاه فرستندهٔ دیگری، اعم از ماهواره‌ای یا زمینی را دریافت کند و دوباره انتقال دهد

ماهی‌برافشانی
ichthyochory

[کشا. < باغد.] پراکنده شدن میوه توسط ماهی

مادهٔ ضدکلوخه، ضدکلوخه
anti-caking agent

[تغذیه و صنایع] نوعی افزودنی غذایی که از کلوخه‌ای شدن ذرات یا پودرها جلوگیری می‌کند

مادهٔ فَرّی مغناطیسی
ferrimagnetic material

[فیزیک] ماده‌ای که خاصیت فَرّی مغناطیس دارد

مارس
March, mars (fr.)

[عمومی] سومین ماه سال میلادی، بعد از فوریه و قبل از آوریل

ماسهٔ ریگ‌دار
pebbly sand

[زمین.] رسوبی سخت‌نشده حاوی حداقل ۷۵ درصد ماسه و حداکثر ۲۵ درصد ریگ

ماشین تجزیه
sorting machine,
machine à trier (fr.)

[مخابرات < پست] دستگاه مکانیکی یا برقی خودکار و نیمه‌خودکار برای تجزیهٔ انواع مرسولات پستی

ماشین چهارنخ
bundling machine,
machine à enliasser (fr.)

[مخابرات < پست] ماشین مخصوص بسته‌بندی و چهارنخ کردن مرسولات پستی که معمولاً به‌صورت مکانیکی و برقی کار می‌کند و با سرعت مناسب، که معمولاً بالاتر از سرعت عملیات

ماهیه مژگانی	ciliary muscle, musculus ciliare	تم (theme) برخوردار است
مبدا مژگانی	[پزشکی] یکی از سه بخش جسم مژگانی که با انقباض آن انحنای عدسی چشم تغییر می‌کند	chorale variation مبدل کُرال [موسیقی] اثری برای ارگ یا هارپسیکورد که در آن یک کُرال مبنای مبدل‌نویسی قرار می‌گیرد
مبدا خط	track foreman	مبدل لحن ثابت constant-melody variation [موسیقی] مبدلی که لحن آن تغییر نمی‌کند و براساس تغییر ساز و صدا و هارمونی (harmony) شکل می‌گیرد
مبدل	variation	مبدل ویژگی characteristic variation [موسیقی] مبدلی که در آن از ویژگیهای قطعات رقص و سبکهای ملی و برنامه‌های خاص استفاده می‌شود
مبدل با طرح شکلی ثابت	formal-outline variation	مبدا مسافت distance step [مخابرات] «پست» مسافت مبنایی که براساس آن هزینه‌های زمینی و هوایی و دریایی محاسبه می‌شود
مبدل با طرح لحنی ثابت	melodic-outline variation	مبدا وزن weight step [مخابرات] «پست» وزن مبنایی که براساس آن هزینه‌های زمینی و هوایی و دریایی محاسبه می‌شود
مبدل ترتیبی	serial variation	متخصص علوم غذایی food scientist [تغذیه و صنایع] دانش‌آموخته رشته علوم غذایی
مبدل فانتزی	fantasy variation	متصدی پایادوربین steadicam operator [سینما و تلویزیون] فیلمبرداری که با پایادوربین کار می‌کند

concentration**متمرکزسازی**

[مخابرات .] ترکیب کردن اطلاعات چند کانال و قرار دادن آن روی یک کانال یا تعداد کانالهای کمتر

complement of an angle**متمم زاویه**

[ریاضی] متمم یک زاویه مفروض زاویه‌ای است که مجموع آن با زاویه‌ای مفروض برابر 90° باشد

colatitude**متمم عرض جغرافیایی**

[ژئوفیزیک] نود درجه منهای عرض جغرافیایی

successive**متوالی**

[ریاضی] مربوط به تالی

average**متوسط**

[ریاضی] حاصل تقسیم مجموع چند عدد بر تعداد آنها

shut down 2**متوقف کردن**

[رایانه و فن.] پایان دادن به کار سامانه عامل به قصد خاموش کردن رایانه

asymptote**مجانِب**

[ریاضی] خط راستی که خمی در بی‌نهایت به آن نزدیک می‌شود

horizontal asymptote**مجانِب افقی**

[ریاضی] مجانبی که در دستگاه مختصات قائم موازی با محور طولهاست

vertical asymptote**مجانِب قائم**

[ریاضی] مجانبی که در دستگاه مختصات قائم موازی با محور عرضهاست

متصدی دستگاه ضبط ← متصدی دستگاه ضبط صدا

متصدی دستگاه ضبط صدا، متصدی دستگاه ضبط

tape recorder operator, sound recordist 2

[سینما و تلو.] فردی که مسئول دستگاه ضبط صدا در صحنه است

property assistant, prop assistant
متصدی وسایل صحنه

[سینما و تلو.] یکی از افراد گروه تولید که نگهداری و تنظیم موقعیت وسایل صحنه فیلم را بر عهده دارد

free variable**متغیر آزاد**

[ریاضی] متغیری که مقید به سور نیست و بنابراین می‌توان ثابتی را به جای آن قرار داد

bound variable**متغیر پابند**

[ریاضی] متغیری که مقید به سور است و نمی‌توان یک ثابت به جای آن قرار داد

complex variable**متغیر مختلط**

[ریاضی] متغیری که مقادیرش عددهایی مختلط‌اند

independent variable, argument of a function
متغیر مستقل

[ریاضی] متغیر x در تابع $y=f(x)$

concentrator**متمرکزساز**

[مخابرات .] افزاره‌ای که برای پیوند تعداد زیادی کاربر به یک منبع، داده‌های چندین خط ارتباط را می‌گیرد و در خطوط کمتری متمرکز می‌کند

reference collection

مجموعه مرجع

[ع. کتابداری] مجموعه‌ای از کتابها و دیگر مواد مرجع که برای کسب اطلاع و تسهیل در مراجعه کنار هم نگهداری می‌شود

مجموعه مرجع فوری

ready reference collection

[ع. کتابداری] مجموعه‌ای از مواد مرجع فوری

ferry permit

مجوز فرابری

[ح. هوایی] مجوز پروازِ خاص که سازمان هواپیمایی کشوری برای هواگرد صادر می‌کند تا برای اموری مانند تعمیر و بازرسی و اخذ گواهینامه از مکان فعلی به مکان دیگر پرواز کند

ab initio calculation

محاسبه از آغاز

[شیمی] محاسبه شکل هندسی یک مولکول تنها با استفاده از ترکیب‌بندی و ساختار مولکولی که از حل معادله شرودینگر برای یک مولکول معین به دست می‌آید

cash crop, cash grain

محصول فروشی

[کشاورزی] محصولاتی که زارعان مستقیماً و به آسانی آنها را به فروش می‌رسانند و به مصارف دیگر از قبیل تغذیه دام نمی‌رسد

nursery stock

محصول نهالستان

[م. منابع جنگل] انواع نهال تولیدشده در نهالستان

sprayer

محلول‌پاش

[کشاورزی] ابزاری برای پاشیدن سم مایع یا مایعات دیگر به شکل قطرات ریز

slant asymptote

مجانِب مایل

[ریاضی] مجانبی که در دستگاه مختصات قائم با هیچ‌یک از محورها موازی نباشد

asymptotic

مجانِبی

[ریاضی] مربوط به مجانب

cell complex

مجمع خانه‌ای

[ریاضی] فضای توپولوژیک هاوسدورف تفکیک‌پذیر که اجتماعی از خانه‌های از هم جداست

finite cell complex

مجمع خانه‌ای متناهی

[ریاضی] مجتمعی خانه‌ای که تعداد خانه‌های آن متناهی است

bypass duct

مجرای کنارگذر

[ح. هوایی] مجرای در اطراف موتور توربوفن که برای خروج هوای فشرده فن و تولید توان رانشی به کار می‌رود

line producer

مجری طرح

[سینما و تلو.] یکی از اعضای اصلی گروه تولید که مسئولیت نظارت مستقیم بر جریان تولید و مدیریت منابع انسانی تهیه فیلم را بر عهده دارد

absorbing set

مجموعه جاذب

[ریاضی] زیرمجموعه A از فضای برداری X با این ویژگی که برای هر x در X عدد مثبتی مانند r یافت شود، به طوری که برای هر λ اگر $0 < |\lambda| < r$ آنگاه λx عضوی از A باشد

anticlinal reservoir مخزن طاق‌دیزی

[زمین.] گونه‌ای مخزن نفت که در یک ساختار طاق‌دیزی قرار دارد

ferry tank مخزن فرابری

[ح. هوایی] مخزن سوخت اضافی برای انجام پرواز فرابری در بُردی بیش از برد عادی هواگرد

reference stack مخزن مرجع

[ع. کتابداری] بخشی از کتابخانه که در آن مجموعه مرجع با نظم خاصی قفسه‌بندی می‌شود

digestion tank مخزن هضم

[م. محیط.] مخزنی که در آن لجن به وسیله ریزانداها تجزیه می‌شود

baker's yeast مخمر نانواپی

[تغذیه و صنایع.] نوعی مخمر صنعتی که از آن در تهیه محصولات نانواپی برای ورآوردن خمیر و ایجاد بافت اسفنجی استفاده می‌شود

pastel pencil مداد گچ‌رنگ

[هنر. تج.] مدادی که از گچ‌رنگ ساخته شده است و برای طراحی‌های گچ‌رنگی به کار می‌رود

coping مدارا

[روان.] فرایند مداوم تلاش شناختی و رفتاری برای اداره کردن الزام‌های درونی یا بیرونی که امکانات فرد را هدر می‌دهند

Antarctic Circle مدار جنوبگان

[ع. جو.] مدار ۳۳° ۶۶ جنوبی که منطقه قطبی

knapsack sprayer محلول‌پاش پشتی

[کشاورزی.] ماشینی مجهز به مخزن حاوی مایع که بر پشت کارور حمل می‌شود و از آن برای پاشیدن مایعات استفاده می‌کنند

predicate 2, predicator محمول

[زبان.] اصطلاحی برای ارجاع به عنصر فعلی در ساختهای فاعل - فعل - مفعول

anticlinal axis محور طاق‌دیزی

[زمین.] خط میانی ساختار چین‌خورده که هریک از چین‌ها از آن به سمت پایین شیب پیدا می‌کنند

synclinal axis محور ناودیزی

[زمین.] خط میانی ساختار چین‌خورده که هریک از چین‌ها از آن به سمت بالا شیب پیدا می‌کنند

classification yard, sorting yard محوطه رده‌بندی

[ح. ریلی] محوطه‌ای در ایستگاه راه‌آهن برای دسته‌بندی واگنها و تشکیل قطار و اعزام آنها به مقاصد مختلف

denominator, consequent 3 مخرج

[ریاضی] عبارت $\frac{a}{b}$ در کسر $\frac{a}{b}$

common denominator مخرج مشترک

[ریاضی] عددی که بر تمام مخرج‌های کسرهای مفروض قابل قسمت باشد

alluvial cone, cone of detritus, debris cone مخروط آبرفتی

[زمین.] نوعی پنجه آبرفتی با شیب‌های بسیار تند

جنوب زمین را مشخص می‌کند

مدوله‌سازی پهنای پالس ← مدوله‌سازی پهنای تپ

مدت پرواز

flight time

[ح. هوایی] فاصله زمانی بین حرکت هواگرد با نیروی موتور و توقف آن پس از نشست

مدل حالت پایا

steady-state model

[فیزیک] نظریه‌ای که براساس آن عالم آغاز و پایانی ندارد و ویژگیهای متوسط آن در فضا و در طول زمان ثابت‌اند

مدل گرم‌سپهری

thermospheric model

[ع. جو] گونه‌ای مدل جو در پیش‌بینی عددی که پارامترهای پیش‌بینی شده در آن عبارتند از ارتفاع یک سطح فشار ثابت (معمولاً تراز ۵۰۰ هکتوپاسکال) و یک دما (معمولاً دمای میانگین ۱۰۰۰ و ۵۰۰ هکتوپاسکال)

مدل وایازشی

regression model

[ریاضی] مدلی که بیانگر رابطه وابستگی بین میانگین شرطی متغیر پاسخ به متغیرهای پیشگو را نشان می‌دهد

مدوله‌سازی پالس ← مدوله‌سازی تپ

مدوله‌سازی تپ، مدوله‌سازی پالس

pulse modulation

[مخابرات] نوعی مدوله‌سازی که در آن، مشخصه تپی/پالسی توسط سیگنال/نشانه مدوله‌ساز تغییر داده می‌شود، مانند مدوله‌سازی بسامد تپ/پالس و مدوله‌سازی فاز تپ/پالس

مدوله‌سازی پهنای تپ، مدوله‌سازی پهنای پالس

pulse width modulation,
pulse duration modulation

[مخابرات] نوعی مدوله‌سازی که در آن سیگنال/نشانه مدوله‌ساز، پهنای تپ/پالس را تغییر می‌دهد

مدیر تصویربرداری

director of photography 1

[سینما و تلو.] در تلویزیون، شخصی که مسئولیت طراحی نور و گزینش عدسی‌ها و حرکت دوربین و نوردهی ویدئو را بر عهده دارد

مدیر تولید

production manager, PM

[سینما و تلو.] یکی از اعضای گروه تولید که وظیفه برنامه‌ریزی تولید و نظارت بر هزینه، دستمزدها و هماهنگیهای مالی و اداری را به عهده دارد

مدیر صداپردازی

production sound mixer

[سینما و تلو.] سرپرست صداپردازی در صحنه که مسئولیت کلیه مراحل ضبط همگام (sync) گفت‌وگوها و جلوه‌های صوتی را به عهده دارد

مدیر فیلمبرداری 2, director of photography
first cameraman, chief cameraman

[سینما و تلو.] شخصی که مسئولیت طراحی نور و گزینش عدسیها و حرکت دوربین و نوردهی فیلم را بر عهده دارد

مدیریت خطر

risk management

[عمومی] ارزیابی و بررسی عوامل گوناگون زیانبار

مردم‌شناسی زبان، زبان‌شناسی مردم‌شناختی anthropological linguistics

[زبان]. شاخه‌ای از زبان‌شناسی که به مطالعه رابطه زبان و فرهنگ می‌پردازد

ecotone مرزبوم

[زیست]. مرز یا منطقه‌ای با ویژگی مشخص که بین دو یا چند بوم‌سازگان قرار دارد و دارای ویژگیهای مشترکی با هریک از آنهاست

balk, baulk, boundary strip مرز ناشخم

[کشاورزی]. بخشی از زمین که عمداً یا تصادفاً شخم نخورده است و دو قطعه زمین را از هم جدا می‌کند

postal item, envoi postal (fr.) مرسوله پستی

[مخابرات] «پست» اصطلاحی برای هر چیز که از طریق خدمات پستی ارسال می‌شود

ordinary item, envoi ordinaire (fr.) مرسوله عادی

[مخابرات] «پست» مرسوله‌ای که به تشریفات و شرایط خاصی در عملیات پستی نیاز ندارد و مشتری نیز خدمات مشخصی را برای ارسال آن درخواست نکرده است

مرکز اطلاعات شبکه، ماش

network information center, NIC

[رایانه و فن]. دادگانی که به صورت فهرست نام دامنه‌ها را با نشانیهای قرارداد اینترنت آنها تطبیق می‌دهد

و خطر ساز در سرمایه‌گذاری، برای افزایش اطمینان از بازگشت سرمایه

bibliography 3, references مراجع، مأخذ

[ع]. کتابداری] سیاهه‌ای از کتابها و مقالات و سایر منابع که در نوشته‌ای مورد استناد قرار می‌گیرند

approach control مراقبت تقرب

[ح. هوایی]. یکی از خدمات مراقبت شدآمد هوایی برای هواپیماهایی که در وضعیت پرواز کور (Instrumental Flight Rules) در حال ورود به فضای پروازی فرودگاه یا در حال خروج از آن هستند

dialogue coach, dialogue director, dialect coach مربی بیان و لهجه

[سینما و تلو.]. فردی که طرز بیان کلمات و جملات یا لهجه‌ها را به بازیگر آموزش می‌دهد

ready reference, quick reference مرجع فوری

[ع. کتابداری]. مواد مرجعی که برای پاسخگویی سریع به پرسشهای مرجع مورد استفاده قرار می‌گیرد

lag phase, lag growth phase, lag period مرحله تأخیر

[زیست]. مرحله ابتدایی در منحنی رشد باکتریها در محیط کشت بسته که قبل از مرحله رشد سریع قرار دارد و در آن افزایش جمعیت به کندی صورت می‌گیرد

fumarolic stage مرحله دودخانی

[زمین]. مرحله‌ای از فرایندهای آتشفشانی که در آن گازها و بخار از دودخان خارج می‌شوند

[ح. شهری] فردی که با استفاده از وسیله نقلیه از یک مبدأ به مقصدی سفر می‌کند

مسافرخانه hotel garni

[گردشگری] اقامتگاهی با امکانات و خدمات محدود که فقط اتاق و صبحانه و گاهی نوشیدنی و غذاهای سبک در اختیار مسافران قرار می‌دهد

مستبد dictator

[ع. سیاسی] کسی که با استبداد حکومت می‌کند

مسمومیت زیستی غذایی food intoxication, food-borne intoxication

[تغذیه و صنا.] مسمومیت با منشأ زیستی که بر اثر خوردن مواد غذایی آلوده به زهرابه‌های میکروبیها و قارچها ایجاد می‌شود

مسمومیت غذایی food poisoning

[تغذیه و صنا.] نوعی بیماری که بر اثر خوردن غذاهای آلوده به سموم و عوامل حساسیت‌زا و زهرابه‌های حاصل از ریزاندامگانها ایجاد می‌شود

مسمومیت غذایی باکتریایی

bacterial food intoxication

[تغذیه و صنا.] مسمومیتی که بر اثر استفاده از مواد غذایی آلوده به زهرابه باکتریها ایجاد می‌شود

مسمومیت غذایی قارچی

fungal food intoxication

[تغذیه و صنا.] مسمومیت بر اثر زهرابه حاصل از کپکها و مخمرها

مرکز ایستگاهی transit center

[ح. شهری] ایستگاهی که محل تلاقی چند مسیر یا خط وسایل نقلیه مختلف است

مرکز داده‌ها data center

[رایانه و فن.] محلی که رساننده خدمات کاربردی از آن برای نگهداری و کار با داده‌های مربوط به فرایندهای تصمیم‌گیری سازمان استفاده می‌کند

مرورگر گویا self-voicing browser

[رایانه و فن.] نوعی مرورگر برای کمک به کاربران نابینا یا کم‌بینا که مطالب صفحه نمایش را بازگو می‌کند

مسئول انتخاب بازیگر casting director, cast director

[سینما و تلو.] شخصی که بازیگران را برای ایفای نقشهای مختلف انتخاب و به کارگردان یا استودیوی فیلمسازی پیشنهاد می‌کند

مسئول وسایل صحنه property master, prop master

[سینما و تلو.] یکی از اعضای گروه تولید که ساخت و تهیه وسایل صحنه بر عهده اوست و در حفظ تداوم حضور اشیا و وسایل صحنه فیلم با منشی صحنه همکاری می‌کند

مسافت برخاست take-off distance

[ح. هوایی] مسافتی که هواپیما از لحظه رها شدن ترمز تا عبور از فراز نقطه مرجع (reference zero) طی می‌کند

مسافر passenger trip

مصاحبه گر	interviewer	مسیر	route
[روان.] شخصی که مصاحبه را انجام می دهد		[ح. شهری] خط سیر وسیله نقلیه یا مسافر از مبدأ تا مقصد	
مصاحبه مرجع	reference interview	مشتق تقریبی	approximate derivative
[ع. کتابداری] پرسش و پاسخ بین کتابدار مرجع و کاربر برای روشن شدن پرسش و تعیین نوع و میزان اطلاعات مورد نیاز کاربران		[ریاضی] تعمیمی از مفهوم مشتق که در آن به جای حد معمولی، حد تقریبی (approximate limit) به کار برود	
مصورساز	illustrator	مشخصه زبر زنجیری	suprasegmental feature
[هنر. تج.] هنرمندی که حرفه او مصور کردن کتاب است		[زبان.] مشخصه آوایی-واجی مستقل از زنجیره گفتار که بر آن اثر می گذارد	
مصورساز فیلمنامه	production illustrator	مشوق	incentive
[سینما و تلوی.] شخصی که مسئول تصویرسازی از روی فیلمنامه نمایندگی شده است		[روان.] محرک بیرونی که برانگیزنده رفتار موجود زنده است	
مصورسازی	illustration	مصاحبه	interview
[هنر. تج.] فن و هنر به کارگیری عناصر تصویری برای درک بهتر متن		[روان.] گفت و گویی میان مصاحبه گر و مصاحبه شونده برای جمع آوری اطلاعات، به منظور تحقیق یا درمان	
مضطرب	anxious 2	مصاحبه شونده	interviewee
[روان.] ویژگی فردی که دچار اضطراب شده است		[روان.] کسی که مصاحبه گر با او مصاحبه می کند	
مطالعات سیاست گذاری	policy studies	مصاحبه غیرمستقیم	nondirective interview
[ع. سیاسی] پژوهش و بررسی در زمینه سیاست گذاری		[روان.] نوعی مصاحبه که در آن مصاحبه شونده حداکثر آزادی را برای آنچه می خواهد بگوید، دارد و مصاحبه گر فقط برای حفظ و ادامه گفت و گو پرسش هایی را مطرح می کند	
معادله دیفرانسیل	differential equation		
[ریاضی] معادله ای که بیانگر رابطه ای بین یک تابع و مشتقهای آن است			

[روان.] شکل‌گیری مفاهیم عمومی از طریق تجربه و طبقه‌بندی

specific resistance مقاومت اختصاصی
← مقاومت عمودی

horizontal resistance مقاومت افقی
[کشاورز.] مقاومت میزبان در برابر نژادهای مختلف عامل بیماری؛ این نوع مقاومت را ژنهای زیادی کنترل می‌کنند و پایدارتر از مقاومت عمودی است

vertical resistance مقاومت عمودی
[کشاورز.] مقاومتی که میزبان در برابر نژادی از یک عامل بیماری بیش از سایر نژادهای آن نشان می‌دهد و ژنهای اندکی آن را کنترل می‌کنند

general resistance مقاومت عمومی
← مقاومت افقی

approximate value مقدار تقریبی
[ریاضی] مقداری که به روش تقریب زدن حاصل می‌شود

مقدار میانگین تابع
mean value of a function
[ریاضی] خارج‌قسمت انتگرال معین تابع بر طول بازه انتگرال‌گیری

antecedent 3 مقدم
[ریاضی] ۱. عددی صحیح که بلافاصله قبل از عدد صحیح مفروض می‌آید ۲. نخستین گزاره یک استلزام (implication) منطقی

assistant track foreman, sub-foreman, leadman 2

[ح. ریلی] شخصی که به رئیس خط ناحیه کمک می‌کند و در غیاب او وظایفش را نیز انجام می‌دهد

measure of association معیار پیوند
[ریاضی] آماره‌ای که برای خلاصه کردن میزان وابستگی دو متغیر به کار می‌رود

induced magnetization مغناطش القایی
[ژئوفیزیک] مؤلفه‌ای از مغناطش سنگ، متناسب و هم‌سو با میدان مغناطیسی محیط

مغناطیس‌سنج هوابرد
airborne magnetometer
[ژئوفیزیک] نوعی دستگاه هوابرد برای اندازه‌گیری میدان مغناطیسی زمین

مغناطیس‌سنجی هوابرد
airborne magnetometry
← مغناطیس‌سنجی هوایی

مغناطیس‌سنجی هوایی
aerial magnetometry
[ژئوفیزیک] اندازه‌گیری زمین‌مغناطیسی از داخل هواگرد

مغناطیس‌سنجی هوابرد ← مغناطیس‌سنجی هوایی

concept مفهوم
[روان.] دسته‌ای از خواص یا روابط مشترک میان گروهی از اشیا یا اندیشه‌ها

concept learning مفهوم‌آموزی

مفروض U تعلق ندارند، ولی متعلق به مجموعه مرجعی هستند که حاوی U است

ملاس ← شیر

ملتحمة conjunctiva, tunica conjunctiva

[پزشکی] غشای مخاطی ظریفی که صلبیه را در جلو چشم می پوشاند و درون پلکها را آستر می کند

ملتحمة‌ای conjunctival

[پزشکی] مربوط به ملتحمة

ملخ propeller

[ج. هواپیما] مجموعه یک توبی (hub) و پره های متصل به آن در هواپیما که چرخش محور موتور را به نیروی رانش آثرو دینامیکی تبدیل می کند

ملخ شار propwash

[ج. هوایی] جریان هوای ایجاد شده به وسیله ملخ که معمولاً مارپیچی است

ملک جنگلی forest estate

[م. منابع] جنگل [عرصه ای با کاربرد جنگلی، فارغ از نوع مالکیت آن]

مماس مجانبی asymptotic tangent

[ریاضی] مماس بر خط مجانبی

منبع مرجع reference source

[ج. کتابداری] هر منبعی که بتوان اطلاعات موثق از آن به دست آورد

مقررات نظامی army regulation

[ع. نظامی] ضوابط ناظر بر بخشهای مختلف نیروهای مسلح

مقصدهای گردشگری

tourism destinations

[گردشگری] هر کشور، شهر، ناحیه یا محدوده جغرافیایی که به لحاظ جاذبه های گردشگری و امکانات، قابلیت و توان لازم برای پذیرش گردشگر را داشته باشد

مقطع کوچیده migrated section

[ژئوفیزیک] مقطعی لرزه ای که در آن بازتابها و پراشها به مکانهای درست خود منتقل شده اند

مکالمه با فشار دکمه push to talk operation, push-to-talk

[مخابرات] ارتباط یکطرفه ای که در آن کاربر به هنگام حرف زدن دکمه ای را فشار می دهد و هنگام شنیدن آن را رها می کند

مکان یابی رادیویی radio fix

[مخابرات] شیوه ای برای یافتن مکان ایستگاه فرستنده که با چند جهت یابی رادیویی صورت می گیرد و مکان مورد نظر، محل تقاطع این جهت های رادیویی است

مکمل گیری complementation

[ریاضی] عمل یافتن مکمل مجموعه

مکمل مجموعه complement of a set

[ریاضی] مجموعه عضوهایی که به مجموعه

سیگنالها/نشانکهای راداری دشمن را جذب می کند	sequestration	منزوی سازی
processed food مواد غذایی فراوری شده	[شیمی] فرایند تشکیل همتافتهای همارای یک یون در محلول که برای جلوگیری از اثر شیمیایی یون استفاده می شود، بدون اینکه یون از محلول خارج شود	
[تغذیه و صنایع] ماده غذایی که عملیات فراوری روی آن انجام گرفته است	coverage area	منطقه پوشش رادیویی
reference materials مواد مرجع	[مخابرات] منطقه تحت پوشش خدمات یک سامانه ارتباطات رادیویی، مانند سامانه تلفن همراه	
[ع. کتابداری] کتاب یا دیگر مواد کتابخانه ای (library materials) که صرفاً برای یسافتن اطلاعات مستند و معین و محدود تدوین شده است	approach area	منطقه تقرب
balance of power موازنه قدرت	[ح. هوایی] منطقه هوایی مشخصی بر فراز فرودگاه که تحت کنترل واحد تقرب فرودگاه است	
[ع. سیاسی] تعادل حاصل از توزیع قدرت میان دولتها	atmospheric region	منطقه جو
lee wave موج بادپناه	← لایه جو	
[ع. جو] موجی ساکن در جریان هوا، پشت هر مانع، مانند تپه یا کوه	multiple-use area	منطقه چندمنظوره
external wave موج برونی	[ح. شهری] بخشی از حریم راه که غیر از حمل و نقل، کاربردهای دیگری نیز دارد	
[ع. جو] موجی در حرکت شاره با دامنه بیشینه در مرز خارجی (مانند سطح آزاد)	free area	منطقه رایگان
carrier wave موج حامل	[ح. شهری] محدوده ای که در آن حمل و نقل مسافر بدون دریافت وجه صورت می گیرد	
[مخابرات] موجی به طور معمول سینوسی یا تپی/پالسی که توسط موج حاملی اطلاعات و به منظور انتقال اطلاعات مدوله سازی می شود و بسامد آن از موج حاملی اطلاعات بسیار بیشتر است	flare	منور
radio frequency carrier wave, radio frequency carrier موج حامل رادیویی	[ع. نظامی] وسیله ای با نور زیاد و شفاف که برای فریب سلاحهای حرارتی دشمن به کار می رود	
[مخابرات] سیگنال/نشانک حاملی که در باند بسامد رادیویی قرار دارد	radar absorbent materials, radar absorbing materials	
	[ع. نظامی] موادی در رنگ بدنه هواپیما که مواد جاذب رادار، جاذب رادار	

[روان.] به انجام رساندن کار و رسیدن به هدف
معین و موفقیت در کسب دانش

jack pool موج زن
[عمومی] استخر مجهز به دستگاه تولید موج

position finder موقعیت یاب ۱
[ع. نظامی] دستگاهی برای اندازه گیری سمت منبع
تابش موج و یافتن موقعیت و مکان جغرافیایی آن

gravitational wave موج گرانشی
[فیزیک] میدان گرانشی منتشرشونده‌ای که در
نظریه نسبیت عام پیش‌بینی شده است

موقعیت یاب ۲ ← موقعیت یاب جهانی

undulation موج‌وارگی
← موج‌وارگی زمین‌وار

موقعیت یاب جهانی، موقعیت یاب ۲

geoid undulation موج‌وارگی زمین‌وار
[ژئوفیزیک] ارتفاع زمین‌وار از بیضوی مرجع

GPS receiver
[م. نقشه.] دستگاهی برای اندازه گیری فاصله گیرنده از
ماهواره‌های متعدد برای تعیین موقعیت آن از طریق
محاسبه محل تلاقی بردارهای فواصل مذکور

tropopause wave موج وردآیست
[ع. جو] موجی از نوع موج درونی، که در سطح
وردآیست شکل می‌گیرد

position finding موقعیت یابی
[ع. نظامی] تعیین موقعیت یک فرد یا شیء به‌طور
خودکار با تجهیزات مربوط به این اقدام

myrmecophilous مورگرده‌افشان
[کشا. ← باغد.] مورچه‌ای که گرده‌افشانی و تلقیح گل
را انجام می‌دهد

component of a vector مؤلفه بردار
[ریاضی] تصویر یک بردار در راستایی مفروض

myrmecophily مورگرده‌افشانی
[کشا. ← باغد.] گرده‌افشانی توسط مورچگان

component of a space مؤلفه فضا
[ریاضی] زیرفضای همبند بیشین

metrical 1 موزون
[موسیقی] دارای وزن

May, mai (fr.) مه
[عمومی] پنجمین ماه سال میلادی، بعد از آوریل و
قبل از ژوئن

achiever موفق
[روان.] ویژگی کسی که موفقیت کسب می‌کند

orographic fog مه کوهسار
[ع. جو] مهی که در نتیجه جریان روبه بالای

achievement موفقیت

هوای مرطوب و اشباع شدن آن در شیب کوهستان ایجاد می‌شود

مهندس مواد غذایی food engineer

[تغذیه و صنا.] دانش‌آموخته مهندسی مواد غذایی

مهندسی زلزله earthquake engineering, seismic engineering

[ژئوفیزیک] علمی کاربردی که اثر جنبشهای ناشی از زمین‌لرزه را بر سازه‌های ساخت بشر بررسی می‌کند

مهندسی فراوری غذایی

food process engineering

[تغذیه و صنا.] استفاده از خصوصیات مواد غذایی برای طراحی و ساخت تجهیزات و فراوری محصولات غذایی

مهندس مواد غذایی food engineering

[تغذیه و صنا.] یکی از شاخه‌های علوم و فناوری غذایی که به ساخت و فراوری محصولات غذایی و بررسی خصوصیات فنی آنها می‌پردازد

مهندسی نقشه‌برداری surveying engineering, geomatics engineering

[م. نقشه.] دانش و فناوری اندازه‌گیری، گردآوری، پردازش، مدل‌سازی، تحلیل، ارائه و مدیریت داده‌های مکانی با هدف تولید نقشه و ایجاد سامانه‌های اطلاعات مکانی بر پایه شاخه‌های ژئودزی، نقشه‌برداری، تصویرسنجی، نقشه‌نگاری، آب‌نگاری، دورکاوی و سامانه اطلاعات مکانی

میان‌آسایی diaphase

[زیست.] حالت خودبه‌خودی خفتگی در یکی از

مهمانخانه اختصاصی، هتل اختصاصی

boutique hotel

[گردشگری] مهمانخانه/هتلی غالباً کوچک، با طرحی نسبتاً جدید، که در آن خدمات ویژه‌ای عرضه می‌شود

مهمانخانه اربابی، هتل اربابی

country house hotel

[گردشگری] از خانه‌های بزرگ مالکان در روستاها که به مهمانخانه/هتل تبدیل شده است و در آن به مهمانان خدمات ویژه‌ای عرضه می‌شود

مهمانخانه تفریحی، هتل تفریحی resort hotel

[گردشگری] مهمانخانه‌ای/هتلی با امکانات تفریحی گسترده و سرگرمیهای متنوع برای مهمانان

مهمانخانه زنجیره‌ای، هتل زنجیره‌ای

hotel chain, chain of hotels

[گردشگری] گروهی از مهمانخانه‌ها/هتل‌های هم‌نام که با شیوه و برنامه‌ای مشابه اداره می‌شوند

مهمانخانه شناور، هتل شناور boatel

[گردشگری] نوعی کشتی که همیشه در اسکله متوقف است و از آن به عنوان مهمانخانه/هتل استفاده می‌شود

مهمانسرا inn

[گردشگری] نوعی واحد پذیرایی عمدتاً در حومه شهر که غذا و نوشیدنی عرضه می‌کند و ظرفیت

moderate

میان‌داری کردن

[رایانه و فن.] اجرا کردن قوانین در یک نظرآزمایی با اختیارات ویژه

مراحل رشد حشرات که در آن دگرگشت (metabolism) بدن برای تحمل شرایط نامطلوب محیط موقتاً کاهش می‌یابد

mesosphere

میان‌سپهر

[ع. جو] منطقه‌ای از جو در بالای پوشش سپهر که از پوشش‌ایست در ارتفاع حدود ۵۰ کیلومتر تا میان‌ایست در ارتفاع حدود ۸۵ تا ۹۵ کیلومتر گسترش می‌یابد

obligatory diapause

میان‌آسایی اجباری

[زیست.] نوعی میان‌آسایی که رخداد آن برای بقا الزامی است

mesospheric

میان‌سپهری

[ع. جو] مربوط به میان‌سپهر

conditional diapause

میان‌آسایی شرطی

[زیست.] نوعی میان‌آسایی که در آن محرکی غیراصلی جایگزین محرک اصلی می‌شود

mean, mean value

میانگین

[ریاضی] عددی که معرف و نماینده مجموعه‌ای از چند عدد است

middleware

میان‌افزار

[رایانه و فن.] نرم‌افزار یا مجموعه نرم‌افزارهایی که همچون واسطه بین اجزای مختلف دو یا چند نرم‌افزار کاربردی عمل می‌کند

میانگین جریان روزانه، میانگین شارش

average daily flow, ADF

روزانه

[م. محیط.] کل جریان عبوری از نقطه‌ای در یک دوره زمانی معین تقسیم بر تعداد روزهای آن دوره

mesopause

میان‌ایست

[ع. جو] قله میان‌سپهر و پایه گرم‌سپهر

arithmetic mean

میانگین حسابی

← متوسط

interstock, interstem, intermediate stock, intermediate scon

میان پایه

[کشاورزی باغد.] بخشی از ترکیب پیوندی که بین پایه و پیوندک برای ایجاد سازگاری قرار داده می‌شود

میانگین شارش روزانه ← میانگین جریان روزانه

fumarole field

میدان دودخان

[زمین.] مکانی که مجموعه‌ای از دودخانهای سرد در آن وجود دارد

moderator

میاندار

[رایانه و فن.] شخصی با اختیارات ویژه برای اجرای قوانین در یک نظرآزمایی

gravitational field

میدان گرانشی

[فیزیک] ۱. ناحیه‌ای از فضا که در آن ربایش

moderation

میان‌داری

[رایانه و فن.] اجرای قوانین در یک نظرآزمایی با اختیارات ویژه

simple meter, simple time میزان ساده

[موسیقی] نوعی میزان که هر ضرب آن تقسیمات دوتایی (binary division) دارد

گرانشی وجود دارد ۲. نیروی گرانشی وارد بر جسمی به جرم واحد در این ناحیه

stationary field میدان مانا

[فیزیک] میدانی که با گذشت زمان تغییر نمی‌کند و آن را میدان ثابت هم می‌گویند

host 1 میزبان

[رایانه و فن.] سامانه رایانه‌ای حاوی داده‌هایی که نقش یک منبع اطلاعات را ایفا می‌کند و کاربر می‌تواند از محلی دور و از طریق پایانه‌ای رایانه‌ای به آن دسترسی پیدا کند

uniform field میدان یکنواخت

[فیزیک] میدانی برداری یا نرده‌ای که در هر لحظه معین در تمام نقاط یک ناحیه مشخص یکسان است

hosting میزبانی

[رایانه و فن.] عمل یا فرایند میزبانی کردن

measure, bar میزان

[موسیقی] واحد وزن موسیقایی شامل تعدادی نت با مجموع دیرشهای معین

hosted میزبانی شده

[رایانه و فن.] ویژگی داده‌هایی که آنها را میزبانی کرده باشند

occupancy rate, room occupancy rate میزان اشغال اتاق

[گردشگری] میانگین تعداد اتاقهای فروخته شده در یک دوره زمانی خاص که به صورت درصدی از کل اتاقهای مهمانخانه/ هتل نشان داده می‌شود

host 2 میزبانی کردن

[رایانه و فن.] در اختیار دادن سامانه رایانه‌ای حاوی داده‌ها به عنوان منبع اطلاعات که کاربر بتواند از محلی دور و از طریق پایانه‌ای رایانه‌ای به آن دسترسی پیدا کند

bed occupancy rate میزان اشغال تخت

[گردشگری] نسبت تختهای اشغال شده به تختهای موجود

tribune میز خطابه، سخنگاه

[عمومی] میز بلندی برای ایراد سخنرانی

vehicle occupancy میزان اشغال خودرو

[ح. شهری] تعداد سرنشینانی که در مدتی معین سوار یک وسیله نقلیه‌اند

sound console, mixing console, mixer 2, mixing board میز صدا

[سینما و تلو.] میزی با دکمه فرمانهای متعدد برای صداآمیزی و صداگذاری

compound meter, compound time میزان ترکیبی

[موسیقی] نوعی میزان که هر ضرب آن تقسیمات سه‌تایی (ternary division) دارد

میکروبیولوژی مواد غذایی

food microbiology

[تغذیه و صنایع] علم بررسی اثر ریزاندامگانها در فساد و آلودگی و فراوری و نگهداری مواد غذایی

میهن پرستانه

patriotic 2

[ع. سیاسی] مربوط به میهن پرستی

میوه ریزی

fruit abscission

[کشاورزی] ریزش میوه بر اثر تشکیل لایه ریزشی

میهن پرستی

patriotism

[ع. سیاسی] عشق ورزیدن به میهن و دفاع صمیمانه از منافع آن

میهن پرست

patriot, patriotic 1

ن

ametropia

ناسازینی

[پزشکی] نابهنجاری شکست نور در چشم که منجر به تار شدن تصویر تشکیل شده بر روی شبکیه می‌شود

unbiased

نااریب

[ریاضی] ویژگی یک برآوردگر که امید ریاضی آن برابر با مقدار پارامتر مورد برآورد باشد

incompatibility

ناسازگاری

[م. پلیمر] رنگ [عدم قابلیت امتزاج با ماده دیگر یا چسبیدن به آن

gravitational instability ناپایداری گرانشی

[فیزیک] ناپایداری سامانه‌ای دینامیکی که در آن نیروی بازگرداننده ناشی از گرانش است

post-production supervisor ناظر پس تولید

[سینما و تلو.] مسئول نظارت بر کلیه مراحل پس از تولید

undercure ناپختگی، پخت ناقص

[م. پلیمر] رنگ [حالتی از پخت که درجه آن کمتر از درجه حالت بهینه است و هنگامی ایجاد می‌شود که مدت زمان و دمای پخت کمتر از حد کافی باشد

crippleware

ناقص افزار

[رایانه و فن.] نوعی نرم افزار مشروط که نسخه‌ای رایگان از یک برنامه رایانه‌ای است و قابلیت برنامه اصلی را ندارد

nonsecretor

ناترشح ساز

[زیست.] شخصی که بزاق یا دیگر ترشحات بدن وی فاقد پادگنهای گروه خونی ABO است

inelasticity

ناکشسانی

[فیزیک] یکی از خواص ماده که به موجب آن جسم پس از تغییر شکل، به طور کامل به حالت اولیه برنمی‌گردد

anisogynous

ناجورماده

[کشا.] ویژگی گلی که تعداد برچه‌های (carpels) آن کمتر از کاسبرگ‌هاست

cognitive dissonance, dissonance theory ناهماهنگی شناختی

[روان.] وجود دو فکر یا نگرش ناهماهنگ یا وجود فکر یا نگرشی ناهماهنگ با رفتار شخص

asynchronous ناهمزمان

[ارایانه و فن.] ویژگی پدیده‌هایی که در یک زمان رخ نمی‌دهند یا دوره زمانی یا فاز یکسان ندارند

anisochronous ناهمگام

[ارایانه و فن.] ویژگی فرایندهایی که در آنها تحویل داده‌ها لزوماً در محدوده‌های زمانی مشخص نباشد

heterophoric ناهمگرد

[پزشکی] مربوط به ناهمگردی

heterophoria, latent deviation ناهمگردی

[پزشکی] نوعی لوچی که در آن یک چشم به هنگام بسته‌شدن یا پوشانده‌شدن نسبت به چشم دیگر دچار انحراف می‌شود و به محض بازشدن به حالت بهنجار برمی‌گردد

heterophoralgia ناهمگردی دردناک

[پزشکی] ناهمگردی همراه با درد

aniseikonia ناهمگون تصویری

[پزشکی] نوعی نقصان بینایی که در آن اندازه و شکل تصویر ایجادشده در شبکیه هر یک از دو چشم با هم متفاوت است

long range navigation ناوبری دوربرد

[ع. نظامی] سامانه ناوبری با بُرد بلند که از اختلاف زمان ارسال و دریافت نشانکها/سیگنالهای تپّی/پالسّی از دو یا چند ایستگاه ثابت استفاده می‌کند

syncline ناودیس

[زمین.] چینّی که معمولاً به سمت پایین تحدب دارد و سنگهای جوانتر در هسته آن قرار گرفته‌اند

synclinal ناودیزی

[زمین.] مربوط به ناودیس

guide ناو راهنما

[ع. نظامی] ناوی که سایر یگانهای شرکت‌کننده در آرایش، موقعیت و مسیر و سرعت خود را نسبت به آن تنظیم می‌کنند

base period fleet ناوگان مبنا

[ح. شهری] واحدهای حمل‌ونقلی که برای اجرای برنامه دوره مبنا مورد نیاز هستند

equatorial trough ناوه استوایی

[ع. جو] کمربند تقریباً پیوسته کم‌فشار واقع در میان کمربندهای پرفشار جنب‌حاره‌ای نیمکره‌های شمالی و جنوبی

androgenesis

نر زایی

[کشا. باغ.] فرایندی که در آن نتاج از رشد اندام نر گیاه حاصل می‌شود

androgynous

نرماده

[کشا. باغ.] گیاهی که هر دو اندام نر و ماده را در یک گل یا گل‌آذین دارد

free software

نرم افزار آزاد

[رایانه و فن.] نرم‌افزاری که کاربرد، تکثیر، مطالعه، تغییر و توزیع مجدد آن آزاد و بدون هیچ محدودیتی است

commercial software, shrinkware

نرم افزار تجارتي

[رایانه و فن.] نرم‌افزاری که برای مقاصد بازرگانی تولید و عرضه می‌شود

نرم افزار ضد ویروس ← برنامه ضد ویروس

نرم افزار غیر مالکیتی

non-proprietary software

[رایانه و فن.] نرم‌افزاری که مالک محدودیتی در کاربرد و تکثیر آن اعمال نمی‌کند

proprietary software, non-free software

نرم افزار مالکیتی

[رایانه و فن.] نرم‌افزاری که مالک محدودیتهایی در کاربرد و تکثیر آن اعمال می‌کند

shareware

نرم افزار مشروط

[رایانه و فن.] نرم‌افزاری که برای مدتی معین،

ناهمگون تصویری کالبدشناختی

anatomical aniseikonia

[پزشکی] ناهمگون تصویری ناشی از علت کالبدشناختی، مانند توزیع نابرابر عناصر شبکیه

ناهمگون تصویری محوری

axial aniseikonia

[پزشکی] ناهمگون تصویری ناشی از طول نابرابر محورها و دو چشم

battle

نبرد

[ع. نظامی] منازعه و درگیری گسترده و کوتاه مدت بین نیروهای مسلح دو کشور در زمین و هوا و دریا

aphakia

نبود عدسی

[پزشکی] فقدان عدسی چشم

room rate, room price, room tariff

نرخ اتاق

[گردشگری] قیمت اتاق مهمانخانه / هتل برای یک شب

rack rate

نرخ رسمی

[گردشگری] نرخ متعارف و اعلام شده برای اتاقهای مهمانخانه / هتل که با نرخهای دیگر، مانند نرخ تشویقی و تخفیف دار و گروهی متفاوت است

base rate

نرخ مبنا

[ح. شهری] مبلغ پرداختی به ازای کاری که در طی واحدی از زمان انجام می‌شود؛ این مبلغ شامل حقوق پایه و اضافه کار و پاداش نمی‌شود

نژاد کاراندام‌شناختی physiological race

[زیست.] هریک از گروه‌های درون‌گونه‌ای که براساس ویژگی‌های کاراندام‌شناختی قابل تفکیک هستند

نسخه‌ای از آن برای آزمایش به رایگان در اختیار کاربر قرار می‌گیرد تا پس از دوره آزمایش و در صورت رضایت آن را خریداری کند

racial

نژادی

[زیست.] مربوط به نژاد

نرمال بودن مجانبی ← بهنجاری مجانبی

mixing ratio,
humidity mixing ratio

نسبت آمیختگی

[ع. جر.] نسبت جرم هر یک از اجزای تشکیل‌دهنده جو به جرم هوای خشک

نرم‌سازی آب، سختی‌گیری آب

water softening

[شیمی] حذف یون‌های کلسیم و منیزیم از آب سخت

myope

نزدیک‌بین

[پزشکی] فرد مبتلا به نزدیک‌بینی

liquid water mixing ratio

[ع. جو.] نسبت جرم آب مایع به جرم هوای خشک در واحد حجم هوا

myopia

نزدیک‌بینی

[پزشکی] نوعی اختلال در شکست نور که در آن پرتوهای موازی نور در کانونی در جلو شبکیه تلاقی می‌کنند

نسبت آمیختگی سیری

saturation mixing ratio

[ع. جو.] نسبت آمیختگی هوای سیر در دما و فشار معین

race

نژاد

[زیست.] هر یک از گروه‌های درون‌گونه‌ای که براساس ویژگی‌های جغرافیایی یا کاراندام‌شناختی یا بوم‌شناختی قابل تفکیک هستند

نسبت آمیختگی ماده آب

total water mixing ratio

[ع. جو.] نسبت آمیختگی مجموع آب جامد و مایع و بخار

ecological race

نژاد بوم‌شناختی

[زیست.] هر یک از گروه‌های درون‌گونه‌ای که براساس ویژگی‌های بوم‌شناختی قابل تفکیک هستند

ice mixing ratio,
ice water mixing ratio

نسبت آمیختگی یخ

[ع. جو.] نسبت جرم یخ به جرم هوای خشک در واحد حجم نمونه‌ای از بارش یخ‌زده یا ابر دارای یخ یا هر دو

biological race

نژاد زیست‌شناختی

[زیست.] هریک از گروه‌های درون‌گونه‌ای که براساس ویژگی‌های زیست‌شناختی قابل تفکیک هستند

نسبت حضور پالس ← نسبت حضور تپ

نسبت حضور تپ، نسبت حضور پالس

pulse duty factor, pulse duty cycle,
duty cycle, reciprocal duty ratio

[مخابرات] نسبت پهنای تپ/پالس به بازه تکرار

تپ/پالس

[ع. کتابداری] علم شناخت و توصیف نسخه‌های
خطی از لحاظ شکل مادی، مانند نوع خط، جنس
کاغذ، تاریخ، محل تولید و...

نسخه‌نگار bibliographer 2

[ع. کتابداری] متخصص نسخه‌نگاری

نسخه‌نگاری bibliography 4

[ع. کتابداری] توصیف محتوای نسخ خطی

نسخه واریسی check plot

[م. نقشه] نسخه ترسیمی که برای بررسی و
تصحیح محتوا یا دقت موقعیت داده‌های رقمی و
نقشه به کار می‌رود

نشاکار transplanter

[کشا، ۶ زراع.] ماشین یا وسیله‌ای برای کاشت
نشا به فواصل مورد نظر در ردیفهای موازی

نشانک راهبری marshalling signal

[ج. هوایی] علائمی که راهبر زمینی با حرکات
دست و برای راهنمایی خلبان هواگرد در حال
حرکت روی زمین نشان می‌دهد

نشانگر سرعت حقیقی

true airspeed indicator

[ج. هوایی] ابزاری که سرعت هوایی حقیقی را
نشان می‌دهد

نشانگر سرعت هوایی airspeed indicator

[ج. هوایی] ابزاری که سرعت هوایی را نشان می‌دهد

نسبت کنارگذر bypass ratio

[ج. هوایی] در موتورهای کنارگذر، نسبت دبی
هوای خروجی از مجرای کنارگذر به هوای
خروجی از جت مرکزی، که در حدود چهار تا پنج
به یک است

نسبت همبستگی correlation ratio

[ریاضی] در یک جدول پیشابندی دومتغیره
شامل x و y ، نسبت همبستگی x به y عبارت
است از مجموع توان دوم انحرافهای میانگین x
به‌ازای هر مقدار معین y از میانگین کل x تقسیم
بر مجموع توان دوم انحرافهای مقادیر x از
میانگین کل x

نسخه روزانه‌ها rush print

← روزانه‌ها

نسخه‌شناختی codicological,
manuscriptological

[ع. کتابداری] مربوط به نسخه‌شناسی

نسخه‌شناس codicologist, manuscriptologist

[ع. کتابداری] متخصص نسخه‌شناسی

نسخه‌شناسی codicology, manuscriptology

[فیزیک] نظریه‌ای برای ذرات بنیادی که در آن ذرات به صورت حلقه‌های بسته تک‌بُعدی با ضخامت صفر و با طولی از مرتبه طول پلانک در نظر گرفته می‌شوند

cilmax theory

نظریه اوج

[زیست]. نظریه‌ای که چگونگی رسیدن مراحل توالی به اوج را بیان می‌کند

game theory

نظریه بازی

[ع. سیاسی] نظریه‌ای ناظر بر روش ریاضی در تصمیم‌گیری برای وضعیتی که در آن، دو یا چند کنشگر در کسب اطلاعات و امتیاز برای بُرد نهایی با یکدیگر رقابت می‌کنند و در این رقابت برنده یا بازنده مطلق وجود ندارد

incentive theory

نظریه تشویق

[روان]. نظریه‌ای درباره انگیزش که بر اهمیت مشوقهای مثبت و منفی در تعیین رفتار تأکید می‌کند

approximation theory

نظریه تقریب

[ریاضی] شاخه‌ای از آنالیز ریاضی که روشهای تقریب‌زدن را مطالعه می‌کند و میزان خطای حاصل را تخمین می‌زند

chicken game theory

نظریه جا زدن

[ع. سیاسی] نظریه‌ای درباره وضعیتی که دو کنشگر درگیر، لطمه جبران‌ناپذیری خواهند دید، مگر اینکه یکی از آنها خود را عقب بکشد و به خواری تن دهد

bargaining theory

نظریه چانه‌زنی

[ع. سیاسی] نظریه‌ای ناظر بر روشی در

fouling mark, fouling point نشانه ایمن‌گاه

[ح. ریلی] نقطه‌ای بین یک جفت خط‌آهن همگرا برای نشان دادن احتمال برخورد دو وسیله بعد از نقطه مزبور

queue address

نشانی صف

[مخابرات]. نشانگر منحصر به فرد هر صف که شناسه گروهی و تعداد اعضای صف را مشخص می‌کند

address of items,

نشانی مرسولات

adresse des envois (fr.)

[مخابرات < پست] مجموعه‌ای از اطلاعات که بر روی مرسوله درج می‌شود و تحویل آن را به گیرنده ممکن می‌سازد

automatic landing

نشست خودکار

[ح. هوایی] نشست دقیق و ایمن هواگرد با استفاده از سامانه کنترل پرواز خودکار

spot landing,

نشست دقیق

accuracy landing

[ح. هوایی] فرود هواگرد آموزشی یا نمایشی بر نقطه یا محل مشخص

military 1

نظامی

[ع. نظامی] مربوط به نیروهای مسلح و تشکیلات مرتبط با آن

coalition theory

نظریه ائتلاف

[ع. سیاسی] نظریه‌ای که بنابر شیوه‌های ریاضی‌گونه پیش‌بینی می‌کند که از ائتلافهای ممکن کدام یک تحقق می‌یابد

superstring theory

نظریه اَبَررسمان

نظریه کنش گفتاری **speech act theory**

[زبان.] نظریه‌ای در کاربردشناسی زبان که از سوی آستین مطرح شد و به مطالعه کنشهای گفتاری می‌پردازد

تصمیم‌گیری برای وضعیتی که در آن، نفع طرفهای درگیر در چانه‌زنی برای دستیابی به راه‌حلی است که وضعیت هریک از طرفها را بهبود می‌بخشد و موجب زیان هیچ‌یک نمی‌شود

نظریه هویت **identity theory**

[روان.] نظریه‌ای درباره ارتباط میان ذهن و جسم که طبق آن ذهن و واقعیت فیزیکی اساساً متفاوت هستند و هیچگاه یکی نمی‌شوند

نظریه حالت پایا **steady-state theory**

← مدل حالت پایا

نظریه دلبستگی **attachment theory**

[روان.] نظریه‌ای بر این اساس که انسانها به ایجاد پیوندهای عاطفی قوی با افراد منتخب گرایش دارند

نظم صف **queue discipline**

[مخابرات.] روال حاکم بر صف که خدمات دهی به صف براساس آن صورت می‌گیرد؛ مثلاً خدمات‌دهی ممکن است براین اساس صورت گیرد که نخست افزاره‌هایی خدمات دریافت می‌کنند که در آغاز صف باشند

نظریه ریسمان **string theory**

[فیزیک] نظریه‌ای که در آن همه ذرات بنیادی شناخته‌شده را می‌توان به جای موجودات نقطه‌ای در نظریه متعارف ذرات بنیادی با استفاده از موجودات تک‌بعدی مدل‌سازی کرد

نقاب پرداز **matte artist, matte painter**

[سینما و تلو.] شخصی که طراحی و نقاشی نقابها و ترکیب‌بندی فضاهای مربوط به نماهای نقابی را بر عهده دارد

نظریه سامانه **systems theory**

[ع. سیاسی] از دیدگاه سیاسی، نظریه‌ای که سامانه را ساختار و سازوکاری می‌داند که در آن مجموعه خواسته‌ها و حمایت‌های مردم از حکومت موجب اتخاذ سیاست‌هایی می‌شود که به بهترین وجه ثبات سامانه سیاسی را تضمین می‌کند

نقاش صحنه **scenic artist, painter**

[سینما و تلو.] شخصی که نقاشی و رنگ‌آمیزی کلیه فضاهای صحنه را بر عهده دارد

نظریه طاق‌دییسی **anticlinal theory**

[زمین.] نظریه‌ای که بر مبنای آن نفت و گاز در ساختار طاق‌دییسی ذخیره می‌شوند

نقاشی دیواری **mural, wall-painting**

[هنر. تجر.] هرگونه نقاشی که برای تزیین دیوار به کار می‌رود

نظریه عام سامانه **general systems theory**

[ع. سیاسی] نظریه‌ای که باید به طور عام به بررسی سامانه‌ها می‌پرداخت، اما در عمل ناکام ماند

نق‌افزار **nagware, begware, annoyware**

[رایانه و فن.] نرم‌افزاری مشروط که مکرراً به طرز

نقشه‌برداری زیرزمینی

underground surveying

[م. نقشه.] شاخه‌ای از نقشه‌برداری که موضوع آن اندازه‌گیری و نقشه‌سازی عوارض درون یا زیر زمین است

نقشه‌برداری صنعتی industrial surveying

[م. نقشه.] شاخه‌ای از نقشه‌برداری که موضوع آن اندازه‌گیری و نقشه‌سازی از بخشهای محدود زمین است

نقشه‌برداری ماهواره‌ای satellite surveying

[م. نقشه.] شاخه‌ای از نقشه‌برداری که موضوع آن اندازه‌گیری و نقشه‌سازی به کمک اطلاعات ماهواره‌ای است

نقشه‌برداری مسیر route surveying

[م. نقشه.] شاخه‌ای از نقشه‌برداری که موضوع آن اندازه‌گیری و نقشه‌سازی و پیاده‌سازی مسیر راهپاست

نقشه‌برداری معدن mine surveying

[م. نقشه.] بخشی از نقشه‌برداری که موضوع آن اندازه‌گیری و نقشه‌سازی از معادن است

نقشه‌برداری مهندسی

engineering surveying

[م. نقشه.] شاخه‌ای از نقشه‌برداری که به کار تدارک اجرای بخشهایی از طرحهای مهندسی می‌پردازد

نقشه‌برداری هوایی aerial surveying

[م. نقشه.] بخشی از نقشه‌برداری که موضوع آن

آزاردهنده‌ای به کاربر تذکر می‌دهد که باید با پرداخت وجه، نرم‌افزار را به ثبت برساند

نقش اسلیمی arabesque motif

[هنر. تجر.] آرایه‌هایی که در هنرهای اسلیمی به کار می‌روند

نقشک icon 2

[رایانه و فن.] تصویری کوچک بر روی صفحه نمایش که نماینده شیء یا برنامه‌ای باشد

نقشه ارتفاع ثابت constant-height chart

[ع. جو.] نقشه‌ای همدیدی برای هر سطح با ارتفاع هندسی ثابت از تراز متوسط دریا

نقشه‌بردار surveyor

[م. نقشه.] کارشناس و متخصص نقشه‌برداری

نقشه‌برداری surveying

[م. نقشه.] دانش و فناوری اندازه‌گیری و نقشه‌سازی از موقعیتهای نسبی نقاط و عوارض در سطح زمین یا بالا و زیر آن یا پیاده کردن این عوارض بر پایه مدارک قانونی و فنی

نقشه‌برداری آب‌نگاشتی

hydrographic surveying

[م. نقشه.] شاخه‌ای از نقشه‌برداری که موضوع آن اندازه‌گیری و نقشه‌سازی بستر و کناره آبپاست

نقشه‌برداری زمینی land surveying

[م. نقشه.] شاخه‌ای از نقشه‌برداری که موضوع آن اندازه‌گیری و نقشه‌سازی قسمتی از زمین است

biofacies map نقشه زیست‌رخساره

[زمین.] نقشه رخساره بر اساس خصوصیات دیرینه‌شناختی که نشان‌دهنده تغییرات محیطی و خصوصیات کلی یک واحد چینه‌شناختی است

Thematic Mapper, TM نقشه‌ساز موضوعی

[م. نقشه.] نام یکی از حسگرهای ماهواره لندست (Landsat)

surface chart, surface map نقشه سطح زمین

[ع. جو] نقشه تحلیلی دیدبانیه‌ای همدیدی (وضع) هوای سطح زمین که در آن تنها فشار سطحی به تراز متوسط دریا تبدیل شده است

photomap نقشه عکسی

[م. نقشه.] عکس هوایی یا پاره‌چین کنترل‌شده از عکسهای ترمیمی که شبکه مرجع، مقیاسها، اسامی مکانها، اطلاعات حاشیه‌ای و سایر اطلاعات و علائم لازم به آن اضافه شده است

نقشه فشار تراز دریا

sea-level pressure chart

← نقشه سطح زمین

constant-pressure chart نقشه فشار ثابت

[ع. جو] نقشه همدیدی برای هر سطح با فشار ثابت

نقشه کشی کارکرد جنگل

forest function mapping

[م. منابع] جنگل] تهیه نقشه از کارکردهای گوناگون جنگل

اندازه‌گیری و نقشه‌سازی به کمک تصویربرداری هوایی است

outcrop map نقشه برونزد

[زمین.] گونه‌ای نقشه زمین‌شناختی که توزیع و شکل برونزدهای واقعی را نشان می‌دهد

base map نقشه پایه

[م. نقشه.] نقشه‌ای که با افزودن اطلاعات به آن، نقشه‌های دیگری به دست می‌آید

planimetric base map نقشه پایه مسطحاتی

[م. نقشه.] نقشه‌ای که برای تهیه نقشه عارضه‌نگاری (topography) به کار می‌رود

isobaric contour chart نقشه پریند هم‌فشار

← نقشه فشار ثابت

constant-level chart, fixed-level chart نقشه تراز ثابت

← نقشه ارتفاع ثابت

sea-level chart نقشه تراز دریا

← نقشه سطح زمین

visibility map نقشه دید

[م. نقشه.] نقشه‌ای که نواحی فاقد امکان دید مستقیم را مشخص می‌کند

orthophotomap نقشه راست‌عکس

[م. نقشه.] نقشه‌ای که از کنار هم قرار دادن تعدادی راست‌عکس به صورت تصویر مرکب واحد تهیه می‌شود

isomagnetic map**نقشه هم مغناطیسی**

[ژئوفیزیک] نقشه نشان‌دهنده مؤلفه‌های میدان مغناطیسی زمین

aeromagnetic map**نقشه هوا مغناطیسی**

[ژئوفیزیک] نقشه‌ای که بر مبنای داده‌های مغناطیسی هوا برد تهیه می‌شود

accumulation point,**نقطه انباشتگی****cluster point, limit point**

[ریاضی] برای مجموعه‌ای از یک فضای توپولوژیک، نقطه‌ای از آن فضا که هر همانستگی آن شامل دست کم یک نقطه از آن مجموعه غیر از خود آن نقطه باشد

نقطه انباشتگی کامل**complete accumulation point**

[ریاضی] برای زیرمجموعه M از فضای توپولوژیک مفروض، نقطه‌ای از فضا که عدد اصلی M و عدد اصلی اشتراک M با هر همسایگی آن نقطه برابر باشد

holding fix, holding point**نقطه انتظار**

[ح. هوایی] نقطه‌ای مشخص و ثابت و قابل رؤیت از منظر خلبان بر روی زمین که هواگرد، در صورت لزوم، بر فراز آن گردش می‌کند تا برای فرود آماده شود

marshalling point**نقطه راهبری**

[ح. هوایی] مکانی در فرودگاه که از آنجا هواگرد تحت هدایت راهبر قرار می‌گیرد

dewpoint, fog point**نقطه شبنم**

[ع. جو] دمایی که بسته‌هوا باید در شرایط فشار و

thematic map, topical map**نقشه موضوعی**

[م. نقشه] نقشه‌ای که هدف اصلی آن نمایش اطلاعاتی علاوه بر اطلاعات مربوط به عوارض فیزیکی سطح زمین است

cartographer**نقشه‌نگار**

[م. نقشه] کارشناس و متخصص نقشه‌نگاری

cartography**نقشه‌نگاری**

[م. نقشه] دانش و فناوری تهیه و بررسی نقشه

digital cartography,**نقشه‌نگاری رقمی****automated cartography**

[م. نقشه] فرایند تولید نقشه با سامانه رایانه‌ای

traditional cartography, conventional cartography**نقشه‌نگاری سنتی**

[م. نقشه] نوعی نقشه‌نگاری که با دست انجام می‌شود

tropopause chart**نقشه وردایست**

[ع. جو] نقشه‌ای همدیدی نشان‌دهنده خطهای پربند و شکست وردایست

isohypsic chart**نقشه هم ارتفاع**

← نقشه ارتفاع ثابت

surface synoptic chart**نقشه همدیدی سطح زمین**

← نقشه سطح زمین

isobaric chart**نقشه هم فشار**

← نقشه فشار ثابت

blind spot

نقطه کور

بخار آب ثابت سرد شود تا سیری رخ دهد

← صفحه بینایی

fix

نقطه کردن

pointillist

نقطه گرا

[ع. نظامی] مشخص کردن محل کشتی و هواپیما و سایر اهداف روی نقشه که از طریق امواج رادیویی یا تطابق نجومی و با توجه به طول و عرض جغرافیایی انجام می شود

[هنر. تج.] هنرمندی که به شیوه نقطه گرایی کار می کند

pointillistic

نقطه گرایانه

control point

نقطه کنترل

[هنر. تج.] آنچه به نقطه گرایی مربوط است

[م. نقشه.] مجموعه ای از نقطه ها با موقعیت افقی یا عمودی معلوم که به عنوان مرجع ثابت در تعیین موقعیت و مرتبط کردن عوارض نقشه ای یا عکسهای هوایی یا تصاویر دورکاوی به کار می رود

pointillism

نقطه گرایی

[هنر. تج.] شیوه ای در نقاشی که در آن با گذاشتن نقطه های کوچک از دو رنگ اصلی در کنار هم رنگهای ترکیبی ایجاد می کنند

vertical control point ارتفاعی

check point

نقطه وارسی

[م. نقشه.] نقطه ای با مختصات ارتفاعی معلوم که برای کنترل عملیات به کار می رود

[م. نقشه.] نقطه ای بر روی زمین با موقعیت معلوم برای کنترل جابه جایی و سرشکنی و موقعیت

ground control point, control station

concyelic points

نقطه های هم دایره

[م. نقشه.] نقطه ای با مختصات مشخص که در عملیات نقشه برداری مرتبط مورد استفاده قرار می گیرد

[ریاضی] نقاط واقع بر یک دایره

miniaturist

نگارگر

photo control point, photogrammetric control point

[هنر. تج.] کسی که به نگارگری اشتغال دارد

[م. نقشه.] نقطه قابل تشخیص با مختصات معلوم که برای تعیین مقیاس و توجیه مطلق عکس به کار می رود

miniature 2

نگارگری

[هنر. تج.] ترسیم خردنگاره ها

نقطه کنترل مسطحاتی

log

نگاره

horizontal control point

[ژئوفیزیک] نگاشت حاصل از اندازه گیری یا مشاهدات داخل چاه (گمانه)

[م. نقشه.] نقطه ای با مختصات طولی و عرضی معلوم که برای کنترل عملیات به کار می رود

- iris shot** **نمای روزنه‌ای**
[سینما و تلو.] نمایی که در آن با باز یا بسته شدن تدریجی یک دایره تصویر آشکار یا ناپدید می‌شود
- acoustic log** **نگاره آکوستیکی**
[ژئوفیزیک] اصطلاحی عمومی برای نگاره‌هایی که از طریق انتشار امواج آکوستیکی تهیه می‌شوند
- zoom shot** **نمای زوم**
[سینما و تلو.] نمایی که به کمک عدسی زوم گرفته می‌شود و در آن، بدون نیاز به حرکت دوربین، پهنه رویداد (action area) بازتر یا بسته‌تر می‌شود
- television graphics** **نگاشتار تلویزیونی**
[هنر. تج.] اثری نگاشتاری که برای برنامه‌های تلویزیونی ساخته می‌شود (مانند عنوان‌بندیهای تلویزیونی)
- computer graphics** **نگاشتار رایانه‌ای**
[هنر. تج.] اثری نگاشتاری که رایانه آن را طراحی و اجرا می‌کند
- arc shot** **نمای قوسی**
[سینما و تلو.] نمایی که برای گرفتن آن دوربین در مسیری قوسی حرکت می‌کند
- melodic contour, contour** **نمای لحنی**
[موسیقی] شکل کلی فراز و نشیبهای گذر لحنی
- graphist** **نگاشتارگر**
[هنر. تج.] هنرمندی که به آفرینش آثار نگاشتاری می‌پردازد
- stationary contour** **نمای لحنی ایستا**
[موسیقی] نمای لحنی‌ای که نشانگر حرکت کلی لحن به صورت یک خط افقی است
- graphic** **نگاشتاری**
[هنر. تج.] ویژگی آثار هنری‌ای که از عناصر اولیه نقطه و خط و سطر تشکیل شده‌اند
- ascending contour** **نمای لحنی بالارونده**
[موسیقی] نمای لحنی‌ای که نشانگر حرکت کلی لحن به سمت بالاست
- track maintenance** **نگهداری خط**
[ح. ریلی] فرایند شناسایی و رفع عیوب خط
- descending contour** **نمای لحنی پایین‌رونده**
[موسیقی] نمای لحنی‌ای که نشانگر حرکت کلی لحن به سمت پایین است
- food preservation** **نگهداری مواد غذایی**
[تغذیه و صن.] حفظ مواد غذایی در برابر فساد با استفاده از روشهای حرارتی و سرمایی و شیمیایی و پرتویی و غیره
- arched contour** **نمای لحنی کمائی**
[موسیقی] نمای لحنی‌ای که نشانگر حرکت کلی لحن به صورت یک کمان است
- screen shot, screen capture** **نماگرفت**
[رایانه و فن.] تصویری که در یک لحظه از پرده نمایش رایانه گرفته می‌شود

نمای لحنی کمانی وارونه

reversed arched contour

[موسیقی] نمای لحنی‌ای که نشانگر حرکت کلیِ
لحن به صورت یک کمان وارونه است

[ع. جو] نم موجود در خاک در تعادل با
بخار آب جو

نم - دماسنج
hygrothermometer,
thermohygrometer

[ع. جو] ابزاری که مقدار بخار آب و دمای
هوا را می‌سنجد

نم - دمانگار
hygrothermograph,
thermohygrograph

[ع. جو] وسیله‌ای برای ثبت همزمان دما و رطوبت
بر روی یک نمودار واحد

نم - دمانگاشت
hygrothermogram,
thermohygrogram

[ع. جو] نگاشت حاصل از نم - دمانگار

نم سنج
hygrometer

[ع. جو] ابزاری برای اندازه‌گیری محتوای بخار آب
موجود در جو

نم سنج الکتریکی
electrical hygrometer

[ع. جو] نوعی نم‌سنج که ویژگیهای الکتریکی
عنصر حساس آن با رطوبت جو تغییر می‌کند

نم سنج پخش
diffusion hygrometer

[ع. جو] نوعی نم‌سنج که بر پایه پخش بخار آب از
یک غشای متخلخل کار می‌کند

نم سنج پوست روده‌ای
goldbeater's-skin hygrometer

[ع. جو] نوعی نم‌سنج که عنصر حساس آن از
پوست روده است

نمایندگی پستی

postal agency,
agence postale (fr.)

[مخابرات] پست] نوعی دفتر پستی تابع که در
مقایسه با دفاتر اصلی خدمات محدودتری ارائه
می‌دهد و معمولاً توسط شخصی خارج از سازمان
پست اداره می‌شود، ولی وابسته به دفتر پست
مرکزی یا اصلی است

نمای نقابی

matte shot, masked shot,
mask shot

[سینما و تلو.] نمایی که در آن بخشی از تصویر با
نقاب پوشانده می‌شود و با نوردهی مجدد، تصویر
دیگری در آن ناحیه قرار می‌گیرد

نمای نیمه‌دور

medium long shot,
American shot

[سینما و تلو.] نمایی که میدان دید (field of view)
آن حد واسطه‌ای دور و نمای متوسط است

نمای نیمه‌نزدیک

medium close shot,
medium close up

[سینما و تلو.] نمایی که میدان دید (field of view)
آن حد واسطه‌ای متوسط و نمای نزدیک است

نم حرکت‌شناسی

hygrokinematics

[ع. جو] مطالعه توصیفی حرکت ماده آب در جو

نمداشت

hygroscopic moisture

نم‌سنج فروسرخ infrared hygrometer

[ع. جو] نوعی نم‌سنج طیفی که مقدار بخار آب را بر پایه تضعیف انرژی تابشی در نوار جذبی فروسرخ می‌سنجد

نم‌سنج کریپتون Krypton hygrometer

[ع. جو] نوعی نم‌سنج که به لحاظ فنی بسیار شبیه به نم‌سنج لیمن - آلفا است، با این تفاوت که در آن لوله تابنده کریپتون جانشین چشمه تابش هیدروژن شده است

نم‌سنج لیمن - آلفا**Lyman-alpha hygrometer**

[ع. جو] نوعی نم‌سنج که با جذب تابش به کمک بخار آب در خط لیمن - آلفا (خط گسیل اتمی هیدروژن در ۱۲۱/۵۶۷ نانومتر) کار می‌کند

نم‌سنج مکانیکی mechanical hygrometer

[ع. جو] نم‌سنجی ساخته شده از ماده‌ای آلی، مانند موی انسان، که تغییر رطوبت هوای محیط را به شیوه مکانیکی نمایش می‌دهد

نم‌سنج مویی hair hygrometer

[ع. جو] نوعی نم‌سنج برای اندازه‌گیری رطوبت نسبی بر اساس تغییرات طول تار مو

نم‌سنج نقطه شبنمی dewpoint hygrometer

[ع. جو] نوعی نم‌سنج که بر اساس تعیین دمای نقطه شبنم کار می‌کند

نم‌سنج نورشناختی optical hygrometer

← نم‌سنجی طیفی

نم‌سنج پیچشی torsion hygrometer

[ع. جو] نوعی نم‌سنج که در آن مقدار چرخش عنصر نم‌سنج تابعی از رطوبت است

نم‌سنج جذب تفاضلی**differential absorption hygrometer**

[ع. جو] نوعی نم‌سنج طیفی که در آن حداقل از دو طول موج نزدیک به هم استفاده می‌شود

نم‌سنج جذبی absorption hygrometer

[ع. جو] نوعی نم‌سنج که در آن ماده شیمیایی نم‌گیر، با جذب بخار آب، مقدار رطوبت جو را تعیین می‌کند

نم‌سنج زغالی**carbon-film hygrometer element**

[ع. جو] نوعی نم‌سنج الکتریکی که عنصر حساس آن از پلاستیک یا نوار شیشه‌ای زغال‌اندود ساخته شده است

نم‌سنجشی hygrometric

[ع. جو] مربوط به نم‌سنجی

نم‌سنج شیمیایی chemical hygrometer

← نم‌سنج جذبی

نم‌سنج طیفی spectral hygrometer

[ع. جو] نوعی نم‌سنج که مقدار رطوبت قابل بارش در یک منطقه معین از جو را با سنجش میزان تضعیف انرژی تابشی ناشی از نوارهای جذبی بخار آب تعیین می‌کند

نمودار پوشش رادیویی
radio coverage diagram
 [مخابرات] نمودار قطبی‌ای که پوشش مؤثر
 رادیویی آنتن را نشان می‌دهد

نمودار رطوبت‌سنجشی ← نمودار رطوبت‌سنجی

نمودار رطوبت‌سنجی، نمودار رطوبت‌سنجشی
psychrometric chart
 [ع. جو] نموداری که در آن رطوبت نسبی و رطوبت
 مطلق و نقطه شبنم به روش ترسیمی و با استفاده از
 قرائت دماسنج تر و خشک به دست می‌آید

نمودار نم‌سنجشی ← نمودار نم‌سنجی

نمودار نم‌سنجی، نمودار نم‌سنجشی
hygrometric chart
 ← نمودار رطوبت‌سنجی

نمودافزار
demoware
 [رایانه و فن.] نوعی نرم‌افزار مشروط که بخشی از
 نرم‌افزار تجارتي را نشان می‌دهد

نمود چراغ راهنمایی
signal aspect
 [ح. شهری] نمای چراغ راهنمایی از دید راننده‌ای
 که از روبه‌رو به آن نزدیک می‌شود

نمودگار منبع
resource description framework
 [رایانه و فن.] چارچوبی کلی برای توصیف
 فراداده‌های یک وبگاه

نم‌سنجی
hygrometry
 [ع. جو] مطالعه درباره اندازه‌گیری رطوبت جو یا
 گازهای دیگر

نم‌شناختی
hygrologic(al)
 [ع. جو] مربوط به نم‌شناسی

نم‌شناسی
hygrology
 [ع. جو] مطالعه محتوای بخار آب جو

نم‌گیر
hygroscopic
 [ع. جو] ۱. دارای توانایی بارز در تسریع میعان
 بخار آب ۲. ماده‌ای که خواص فیزیکی آن بر اثر
 بخار آب تغییر چشمگیر می‌یابد

نم‌گیرایی
hygroscopicity
 [ع. جو] توانایی نسبی هر ماده در جذب سطحی
 بخار آب از محیط

نم‌گیری
hygroscopy
 [ع. جو] مطالعه توانایی موادی مانند هواویزها، در
 جذب بخار آب از محیط

نم‌نگار
hygrograph
 [ع. جو] ابزاری برای ثبت پیوسته رطوبت جو

نم‌نگاشت
hyrogram
 [ع. جو] نگاشت تهیه‌شده به وسیله نم‌نگار

نم‌نما
hygroscope
 [ع. جو] ابزاری که خشکی یا رطوبت جو را به طور
 کیفی نشان می‌دهد

forbidden band**نوار ممنوع**

[فیزیک] کاف میان دو نوار انرژی مجاز در جامدهای بلورین

scroll bar**نوار نَورد**

[رایانه و فن.] باریکه‌ای افقی یا عمودی شامل قسمتی که با فشردن کلید موشی و نگاه داشتن و کشاندن آن به بالا و پایین و چپ و راست می‌توان در طول صفحه حرکت کرد

horizontal scroll bar**نوار نَورد افقی**

[رایانه و فن.] باریکه‌ای افقی شامل قسمتی که با کلیک کردن و کشاندن آن به چپ و راست می‌توان در عرض صفحه حرکت کرد

vertical scroll bar**نوار نَورد عمودی**

[رایانه و فن.] باریکه‌ای عمودی شامل قسمتی که با کلیک کردن و کشاندن آن به بالا و پایین می‌توان در طول صفحه حرکت کرد

status bar**نوار وضعیت**

[رایانه و فن.] باریکه‌ای معمولاً در پایین پنجره نمایش که وضعیت موجود را نشان می‌دهد

task bar**نوار وظیفه**

[رایانه و فن.] باریکه‌ای معمولاً در پایین پنجره نمایش که نقشک (icon) برنامه‌های آماده اجرای کاربر در آن نمایش داده می‌شود

November, novembre (fr.)**نوامبر**

[عمومی] یازدهمین ماه سال میلادی، بعد از اکتبر و قبل از دسامبر

biased sample**نمونهٔ اریب**

[ریاضی] نمونه‌ای که از نوعی فرایند نمونه‌گیری به دست می‌آید و یک مؤلفهٔ خطای سامانمند (systematic) را القاء می‌کند، در مقابل خطای تصادفی که اثر آن به طور متوسط صفر می‌شود

reference template, template 2**نمونهٔ مرجع**

[رایانه و فن.] مجموعه داده‌های موجود در سامانهٔ امنیتی که مشخصه‌های مربوط به هویت خاصی را نشان می‌دهد

toolbar**نوار ابزار**

[رایانه و فن.] باریکهٔ افقی دائمی در بالای پنجرهٔ نمایش که شکل‌های نمادین ابزارهای نرم‌افزاری در آن قرار دارد

mosaic strip**نوار پاره‌چین**

[م. نقشه.] نواری که شامل پاره‌چین عکسی است

alias band**نوار دگرنام**

[ژئوفیزیک] مؤلفه‌هایی از نشانک / سیگنال که محتوای بسامد اولیهٔ آنها خارج از پهنای نوار نایکوئیست (nyquist bandwidth) است، ولی بر اثر نمونه‌برداری بر روی نوار گذر (pass band) افتاده است

menu bar**نوار گزینه**

[رایانه و فن.] باریکهٔ افقی در بالای پنجرهٔ نمایش که تعدادی گزینه در آن قرار دارد

retuse	نوک تورفته	southern lights	نورهای جنوبی
[کشا. > باغ.] ویژگی برگ‌گی که در نوک آن فرو رفتگی مختصری وجود دارد			← شفق جنوبگان
acute	نوک تیز	northern lights	نورهای شمالی
[کشا. > باغ.] ویژگی برگ‌گی که از دو طرف شیب یکنواخت دارد و به تدریج نوک آن باریک می‌شود			← شفق شمالگان
pr(a)emorse, bitten off	نوک جویده	oscillation	نوسان
[کشا. > باغ.] ویژگی برگ‌گی که نوک نامنظمی دارد و به نظر می‌رسد جویده شده است		[فیزیک] تغییر دوره‌ای هر کمیت فیزیکی حول مقدار میانگین آن	
emarginate	نوک چالدار	anharmonic oscillator	نوسانگر ناهماهنگ
[کشا. > باغ.] ویژگی برگ‌گی که در نوک آن گودی نسبتاً عمیقی وجود دارد		[فیزیک] جسمی که اگر از وضعیت تعادل خارج شود، نیروی بازگرداننده آن با جابه‌جایی تناسب خطی ندارد	
cirrhou	نوک چنبری	harmonic oscillator	نوسانگر هماهنگ
[کشا. > باغ.] ویژگی برگ‌گی که نوک آن پیچک دارد		[فیزیک] هر سامانه فیزیکی که حرکت هماهنگ ساده داشته باشد	
acuminate	نوک دار	damped oscillation	نوسان میرا
[کشا. > باغ.] ویژگی برگ‌گی که نوک آن به تدریج تیز شده است		[فیزیک] هر نوسانی که در آن دامنه نوسان در طول زمان کاهش یابد	
apiculate	نوک ریز	sustained oscillation	نوسان نگه‌داشته
[کشا. > باغ.] ویژگی برگ‌گی که در نوک آن زائده کوچکی است		[فیزیک] نوسان واداشته‌ای که تداوم دارد	
aristate	نوک ریشکی	break	نوشاخه
[کشا. > باغ.] ویژگی برگ‌گی که نوک آن در انتهای گلبرگ اصلی کشیده شده و به‌طور معمول کرک‌دار است		[کشا. > باغ.] شاخه‌ای که پس از قطع چیرگی انتهایی گیاه در نزدیکی محل برش به وجود می‌آید	
cleft	نوک شکافته	truncate	نوک بریده
[کشا. > باغ.] ویژگی برگ‌گی که نوک آن شکافی تا نزدیکی میانه برگ دارد		[کشا. > باغ.] ویژگی برگ‌گی که به نظر می‌رسد نوک آن بریده شده است	

مواد سطح خشکی و انتقال آنها به دریا تشکیل شده است

rotund, rounded **نوک گرد**
[کشا. باغ.] ویژگی برگی که نوک گرد قوسی شکل دارد

intention **نیت**
[ع. نظامی] هدف یا طرحی که با توجه به توانمندی یک کشور برای اجرای راهکاری معین انتخاب می شود

mucronate **نوک منقاری**
[کشا. باغ.] ویژگی برگی که به تدریج مانند منقار پرندگان باریک می شود

war intention **نیت جنگ**
[ع. نظامی] هدف یا طرحی که با توجه به توانمندیهای یک کشور به منظور تهیه یک راهکار معین برای اجرای جنگ پی ریزی می شود

cuspidate **نوک نیش دار**
[کشا. باغ.] ویژگی برگی که در نوک آن زائده کوتاه و ریزی وجود دارد

anoxic denitrification **نیتراژ زدایی بی اکسل**
[م. محیط.] فرایندی که در آن نیتروژن نیتراژ در غیاب اکسیژن به روش زیستی به گاز نیتروژن تبدیل می شود

نویسه خوانی نوری
optical character recognition, OCR
[رایانه و فن.] مبحثی در رایانه که به خواندن خودکار متن چاپی یا دست نویس و تبدیل آن به صورتی قابل پردازش برای رایانه می پردازد

commander intention **نیت فرماندهی**
[ع. نظامی] بیان مختصر و کوتاهی از منظور فرماندهی که بر مبنای آن فرایند طرح ریزی عملیات توسط ستاد فرماندهی انجام می شود

subject **نهاد**
[موسیقی] لحن یا جزئی لحنی که بر مبنای آن یک اثر (به ویژه اثر چندصدایی) یا بخش مهمی از آن ساخته می شود

نیت فرماندهی کل قوا
chief in command intention
[ع. نظامی] هدف فرماندهی کل قوای یک کشور با توجه به راهکاری معین برای دفاع که بر مبنای آن ستاد نیروهای مسلح طرح ریزی دفاعی می کند

nursery **نهادستان**
[م. منابع] جنگل مکانی برای تولید و پرورش نهال جهت کاشت در مکانی دیگر

armed forces intention **نیت نیروهای مسلح**
[ع. نظامی] هدف یا طرحی که با توجه به توانمندی نیروهای مسلح یک کشور برای اجرای راهکاری معین پی ریزی می شود

field nursery **نهادستان صحرایی**
[م. منابع] جنگل نهادستانی موقتی که در داخل یا مجاور محل جنگل کاری احداث می شود

terrigenous deposit **نهیشتۀ خشکی زاد**
[زمین.] رسوب دریایی کم عمقی که از فرسایش

نیروی گرانشی **gravitational force**

[فیزیک] نیروی جاذبه بین اجسام دارای جرم که ناشی از گرانش است

نیروی وان در والس **van der Waals force**

[فیزیک، شیمی] نیروی ربایشی بین دو اتم یا دو مولکول که در نتیجهٔ برهم‌کنش دوقطبی - دوقطبی به وجود می‌آید

نیم‌پزی **semicure**

[م. پلیمر] رنگ [پخت اولیهٔ محصول یا بخشی از آن

نیم‌تنه **torso**

[هنر. تج.] مجسمه‌ای که معمولاً تا کمر ساخته می‌شود و ممکن است سر یا دست یا پا نداشته باشد

نیم‌فرود **half cadance, semi-cadence, half close**

[موسیقی] فرودی که از پیوند آکورد هر درجه با آکورد درجهٔ پنجم حاصل می‌شود

نیم‌فرود فریجیه‌ای **Phrygian half cadence**

[موسیقی] فرودی که معمولاً از پیوند درجهٔ چهارم به پنجم در مینور حاصل می‌شود و در آن پایهٔ آکورد دوم از یک حل نیم‌پرده‌ای پایین‌رونده به دست می‌آید

نیم‌گونه **semispecies, incipient species, allospecies**

[زیست.] جمعیتی که بین زیرگونه و گونهٔ زیستی قرار دارد و تا حدودی دارای زادآوری/تولیدمثل و جریان ژنی است

نیروهای بین‌اتمی **interatomic forces**

[فیزیک] برهم‌کنش بین اتمها در بلور یا مولکول

نیروهای بین‌مولکولی**intermolecular forces**

[فیزیک] نیروهایی که مولکولها به همدیگر وارد می‌کنند

نیروهای شبه‌نظامی **paramilitary forces**

[ع. نظامی] نیروها یا گروههایی که متمایز از نیروهای مسلح (نیروهای منظم) یک کشور هستند، اما سازمان و تجهیزات و آموزش و نوع مأموریت آنها شبیه نیروهای نظامی است

نیروهای عملیات چندملیتی**multinational operation forces**

[ع. نظامی] نیروی نظامی مرکب از عناصری از نیروهای نظامی دو یا چند کشور هم‌پیمان برای اجرای یک مأموریت واحد

نیروهای مسلح **military 1**

[ع. نظامی] افسران و کارکنان و نیروهای آموزش‌دیدهٔ نظامی هر کشور

نیروی پنداری **fictitious force**

[فیزیک] نیرویی که در دستگاه مختصات شتاب‌دار یا دستگاه چرخان در نظر گرفته می‌شود تا قانونهای نیوتون قابل استفاده باشد

نیروی قوی **strong force**

[فیزیک] نیرویی که اجزای درون هسته را در کنار هم نگه می‌دارد و یکی از چهار نیروی بنیادی طبیعت است

[پزشکی] کوری فقط در یک چشم	نیم نوک بریده subtruncate
[پزشکی] کوری به نور و رنگ و شکل در نیمی از میدان بینایی	[کشا. > باغ.] ویژگی برگگی که به نظر می رسد اندکی از نوک آن بریده شده است
[پزشکی] کوری مطلق absolute hemianopia	نیمه افراشته at the dip
[پزشکی] کوری ناهمسو heteronymous hemianopia	[ع. نظامی] حالتی که در آن پرچم در میانه میله پرچم، به نشانه آماده بودن کشتی، برای عملیات یا احترام به ناو دیگر قرار دارد
[پزشکی] نیمه کوری در دو نیمه ناهمسو از میدان بینایی دو چشم	نیمه خشک semiarid
[پزشکی] نیمه کوری همسو homonymous hemianopia	[ع. جو] ویژگی اقلیمی با بارش سالانه بسیار کم، معمولاً از ۲۵۰ تا ۵۰۰ میلی متر
[پزشکی] نیمه کوری در دو نیمه همسو از میدان بینایی دو چشم	نیمه کور hemianopic
[پزشکی] نیمه کوری یک طرفه unilateral hemianopia	[پزشکی] فرد مبتلا به نیمه کوری
[پزشکی] نیمه کوری فقط در یک چشم	نیمه کوری hemianopia, hemianopsia

و

segmental phonology واج‌شناسی زنجیری

[زبان.] تقطیع گفتار به واحدهای مجزا یا واجها و مطالعه واحدهای مذکور

cold anticyclone واچرخند سرد

← واچرخند سردهسته

cold-core anticyclone واچرخند سردهسته

[ع. جو] هر پرفشاری در تراز معینی از جو که از ویژگیهای آن سردتر بودن مرکز آن نسبت به محیط اطراف است ۸

segment واحد

[زبان.] پاره‌ای از زنجیره گفتار که واج یا تکواژ است

trade-wind inversion وارونگی باد پسامان

[ع. جو] وارونگی دما در کمربند بادهای پسامان ناشی از فرونشینی هوا از ترازهای بالا

tropopause inversion وارونگی وردایست

[ع. جو] افت آهنگ کاهش دما در تراز وردایست

anamorphosis واریخت‌سازی

[فیزیک] تغییر شکل دادن تصویر در برخی سامانه‌های اپتیکی

cloud-to-cloud discharge, intercloud discharge وابارش ابربه‌ابر

[ع. جو] تخلیه الکتریکی میان دو ابر یا بارهای ناهمنام

devernalization وابهارش

[کشا.] باغ. عمل وابهاره کردن

devernalize وابهاره کردن

[کشا.] باغ. از بین بردن تأثیر بهاره شدن بذر

systematic distortion واپیچش سامانمند

[فیزیک] هر گونه واپیچش دوره‌ای یا ثابت

واج‌شناسی جزءمستقل ← واج‌شناسی خودواحد

واج‌شناسی خودواحد، واج‌شناسی جزءمستقل

autosegmental phonology

[زبان.] مطالعه مشخصه‌هایی مانند تکیه و آهنگ و نواخت که بر زنجیره گفتار تأثیر می‌گذارد

واج‌شناسی زبرزنجیری

suprasegmental phonology

[زبان.] شاخه‌ای از واج‌شناسی که به مطالعه ویژگیهای زبرزنجیری زبان می‌پردازد

anxiety reaction واکنش اضطرابی

[روان.] یک اختلال روان‌نژدانه با ویژگیهایی چون ترس مداوم مرضی و حملات حاد و مداوم

endoergic reaction واکنش انرژی‌گیر

[فیزیک] واکنشی که در آن سامانه از محیط اطرافش انرژی جذب می‌کند

unimolecular reaction واکنش تک‌مولکولی

[شیمی] واکنشی که فقط یک گونه مولکولی عامل واکنش دهنده آن است

cheletropic reaction واکنش چنگاله‌ای

[شیمی] واکنشی که در آن دو پیوند سیگما بین یک مولکول و یک اتم واحد تشکیل می‌شود

واکنش درون‌مولکولی

intramolecular reaction

[شیمی] واکنشی که درون مولکول صورت می‌گیرد

browning reaction, browning واکنش قهوه‌ای شدن

[تغذیه و صنایع] واکنش شیمیایی یا زیست‌شیمیایی که منجر به تشکیل ترکیبات قهوه‌ای‌رنگ در مواد غذایی می‌شود

واکنش قهوه‌ای شدن آنزیمی، واکنش قهوه‌ای شدن

enzymatic browning reaction زی‌مایه‌ای

[تغذیه و صنایع] واکنش زیست‌شیمیایی که منجر به تشکیل ترکیبات قهوه‌ای‌رنگ در مواد غذایی می‌شود

anamorphoscope واریخت‌نما

[فیزیک] دستگاهی شامل یک عدسی استوانه‌ای یا آینه‌ای کوژ که نسبتهای واقعی تصویر تغییرشکل‌یافته را آشکار می‌کند

vocabulary, lexicon 2 واژگان

[ع.] کتابداری مجموعه‌ای از واژه‌های یک زبان که به وسیله مردم یا طبقه‌ای از مردم یا فرد در زمینه‌ای از دانش یا نظایر آن به کار می‌رود

واژه‌نامه ← فرهنگ

واژه‌نامه چندزبانه ← فرهنگ چندزبانه

واژه‌نامه دوزبانه ← فرهنگ دوزبانه

واژه‌نامه موضوعی ← فرهنگ موضوعی

واژه‌نامه یک‌زبانه ← فرهنگ یک‌زبانه

concordance واژه‌یاب، کشاف

[ع.] کتابداری نمایه‌ای الفبایی از کلمات موجود در یک متن به همراه نشانی بازیابی آنها

backwash, blowback واشویه

[م. محیط.] جریان معکوس شدیدی که برای تمیز یا جدا کردن ذرات جامد از بستر صافی یا آشغال‌گیر به کار می‌رود

backwashing واشویی

[م. محیط.] خارج کردن مواد جمع‌شده در صافی با معکوس کردن جهت جریان مایع در داخل آن

واکنش قهوه‌ای شدن اکسایشی

oxidative browning reaction

[تغذیه و صنا.] واکنش شیمیایی یا زیست‌شیمیایی که منجر به تشکیل ترکیبات قهوه‌ای‌رنگ در مواد غذایی می‌شود و در آن اکسایش نقش اساسی را ایفا می‌کند

واکنش قهوه‌ای شدن زی‌مایه‌ای

← واکنش قهوه‌ای شدن آنزیمی

واکنش قهوه‌ای شدن غیرآنزیمی، واکنش

قهوه‌ای شدن غیرزی‌مایه‌ای

non-enzymatic browning reaction

[تغذیه و صنا.] واکنش شیمیایی که منجر به تشکیل ترکیبات قهوه‌ای‌رنگ در مواد غذایی می‌شود

واکنش قهوه‌ای شدن غیراکسایشی

non-oxidative browning reaction

[تغذیه و صنا.] واکنش شیمیایی یا زیست‌شیمیایی که منجر به تشکیل ترکیبات قهوه‌ای‌رنگ در مواد غذایی می‌شود و در آن اکسایش نقش اساسی را ایفا می‌کند

واکنش قهوه‌ای شدن غیرزی‌مایه‌ای

← واکنش قهوه‌ای شدن غیرآنزیمی

واکنشگاه حالت پایا، رآکتور حالت پایا

steady-state reactor

[فیزیک] هر رآکتور هسته‌ای که وضعیت کارکرد آن در طول زمان چندان تغییری ندارد

واکنش گرماده

exothermic reaction

[فیزیک] واکنشی که در آن گرما آزاد و به محیط داده می‌شود

واکنش گرماگیر endothermic reaction

[فیزیک] واکنش شیمیایی که انجام آن به گرما نیاز دارد و آن را از محیط اطراف می‌گیرد

واگذاری بسامد رادیویی

radio frequency assignment

[مخابرات] تخصیص بسامدهای رادیویی یا باند بسامد رادیویی به ایستگاههای رادیویی که توسط مرجع تنظیم مقررات برای جلوگیری از تداخل ایستگاههای فرستنده مجاور صورت می‌گیرد

واگن کف بالا high-floor car

[ح. ریلی] واگنی که کف آن بالاتر از حد معمول است و غالباً یک متر از سطح ریل فاصله دارد

واگن کف پایین low-floor car,

low-floor wagon, low-floor boarding

[ح. ریلی] واگنی با کف پایین که ارتفاع کف آن از تراز ریل حدود ۳۵ سانتی‌متر است

والد دهنده donor parent

[کشا.] زراع. یکی از والدین گیاه دورگ (hybrid) که فقط یک‌بار از آن در تلاقی برگشتی (backcross) استفاده می‌شود

والد گیرنده recipient parent

[کشا.] زراع. والدی که تلاقیهای برگشتی مکرر با هدف افزودن ژنهای مطلوب را با آن انجام می‌دهند

وایزش regression

[ریاضی] تعیین رابطه بین میانگین یک متغیر تصادفی و یک یا چند متغیر مستقل به صورت معادله ریاضی

moblogger	وب‌نویس سیار	webologist	وب‌شناس
[رایانه و فن.] کسی که وب‌نوشت سیار ارسال می‌کند		[ع.] کتابداری [متخصص وب‌شناسی]	
photoblogger	وب‌نویس عکسی	webology	وب‌شناسی
[رایانه و فن.] وب‌نویسی که عمدتاً از عکسهایی که توسط خود یا دیگران گرفته شده در وب‌نوشت استفاده می‌کند		[ع.] کتابداری [علم شناخت محتوا و ساختار و پیوندهای شبکه جهانی وب]	
vlogger	وب‌نویس ویدئویی	webliographer	وب‌نگار
[رایانه و فن.] وب‌نویسی که از تصاویر ویدئویی به صورت غالب در وب‌نوشت استفاده می‌کند		[ع.] کتابداری [کسی که وب‌نگاشت تهیه می‌کند]	
moblogging	وب‌نویسی سیار	webliography 1	وب‌نگاری
[رایانه و فن.] ارسال مطالب وب‌نوشت از طریق تلفن همراه یا هر افزاره سیار دیگر به اینترنت		[ع.] کتابداری [فرایند تهیه فهرستی از منابع رقمی (دیجیتالی) درباره موضوعی خاص که به صورت چاپی یا در محیط وب قابل دسترسی باشد]	
photoblogging	وب‌نویسی عکسی	webliography 2	وب‌نگاشت
[رایانه و فن.] استفاده از عکس خود یا دیگران در وب‌نوشت		[ع.] کتابداری [فهرستی از منابع دیجیتالی درباره موضوعی خاص که به صورت چاپی یا در محیط وب قابل دسترسی باشد]	
vlogging	وب‌نویسی ویدئویی	moblog	وب‌نوشت سیار
[رایانه و فن.] استفاده از تصاویر ویدئویی در وب‌نوشت		[رایانه و فن.] نوعی وب‌نوشت که مطالب آن از طریق تلفن همراه یا هر افزاره دیگر به اینترنت ارسال می‌شود	
weeding	وجین	photoblog	وب‌نوشت عکسی
[کشا.] زراعت. [زدودن مزرعه از علف هرز]		[رایانه و فن.] نوعی وب‌نوشت، عمدتاً شامل عکسهایی که وب‌نویس عکسی گرفته است	
weeder	وجین‌کن	vlog	وب‌نوشت ویدئویی
[کشا.] چنگه مجهز به دندان‌های فنری برای ریشه‌کشی علفهای هرز رویده در بین ردیفهای کشت		[رایانه و فن.] نوعی وب‌نوشت برای نمایش تصاویر ویدئویی	
tropopause	ورڈایست		
[ع.] جو [مرز بین وردسپهر و پوشن‌سپهر همراه با تغییر ناگهانی آهنگ کاهش دما]			

triple meter وزن سه تایی

[موسیقی] وزنی شامل دسته‌ها یا میزانهایی که دارای سه ضربانِ ریتمی هستند

metric modulation وزن‌گردانی

[موسیقی] تغییرات وزن در یک قطعه که معمولاً به وسیلهٔ تغییر میزان نما ایجاد می‌شود

metric, metrical 2 وزنی

[موسیقی] مربوط به وزن

prop(s), properties, scenery, set prop(s) وسایل صحنه

[سینما و تلو.] اثاثیه و اشیای منقول موجود در صحنه

amphibian وسیلهٔ آب‌خاکی

[ع. نظامی] وسیله‌ای که توانایی عمل در دریا و خشکی را به تنهایی یا توأمان داشته باشد

public service vehicle وسیلهٔ نقلیهٔ همگانی

[ع. شهری] وسیلهٔ نقلیه‌ای برای جابه‌جا کردن عموم مردم

position 2 وضعیت

[موسیقی] ۱. محل قرار گرفتن دست چپ بر روی دستهٔ سازهای زهی ۲. نحوهٔ قرار گرفتن صداهای مختلف یک آکورد از نظر دوری و نزدیکی به هم ۳. محل قرار گرفتن کشوی ترمبون در یکی از هفت جایگاه اصلی

mixed position وضعیت آمیخته

[موسیقی] وضعیتی از آکورد که فاصلهٔ میان

folded tropopause ورڈایست تاشده

[ع. جو] ساختار چین‌خورده و ناپیوسته‌ای از ورڈایست که معمولاً با چرخندهای قوی، جریانهای جتی شدید و مناطق جبهه‌ای فعال همراه است

multiple tropopause ورڈایست چندتایی

[ع. جو] ورڈایستی به صورت شبه‌افقی با هم‌پوشانی جزئی پلکانی

troposphere وردسپهر

[ع. جو] قسمت پایینی جو، از سطح زمین تا ارتفاع حدود ۱۰ تا ۲۰ کیلومتر، که در آن دما با افزایش ارتفاع تقریباً به صورت یکنواخت کاهش می‌یابد

tropospheric وردسپهری

[ع. جو] مربوط به وردسپهر

bus gate ورودی اتوبوس

[ع. شهری] ورودی کنار راه‌گرد یک بزرگراه که مخصوص عبور اتوبوس است

meter, time وزن

[موسیقی] الگویی که در آن تسلسلی پایدار از ضربانهای ریتمی سازماندهی شود

quadruple meter وزن چهارتایی

[موسیقی] وزنی شامل دسته‌ها یا میزانهایی که دارای چهار ضربانِ ریتمی هستند

duple meter وزن دوتایی

[موسیقی] وزنی شامل دسته‌ها یا میزانهایی که دارای دو ضربانِ ریتمی هستند

virus **ویروس**

[رایانه و فن.] بدافزاری به صورت یک برنامه که معمولاً از طریق شبکه وارد رایانه می‌شود و ایجاد اختلال می‌کند

virus remover **ویروس‌زدا**

[رایانه و فن.] نرم‌افزاری که کار از بین بردن یا از کار انداختن ویروسها را برعهده دارد

virus killer **ویروس‌کش**

[رایانه و فن.] ازبین‌برنده ویروس

ویروسی ← ویروسی شده**virus scanner** **ویروس‌یاب**

[رایانه و فن.] نرم‌افزاری که کار یافتن و شناسایی ویروسها را بر عهده دارد

virus scanning **ویروس‌یابی**

[رایانه و فن.] فرایند یافتن و شناسایی ویروسها

virus infection 1 **ویروسی‌شدگی 1**

[رایانه و فن.] وضعیت آلوده بودن سامانه به ویروس

virus infection 2 **ویروسی شدن 2**

[رایانه و فن.] فرایند آلوده شدن سامانه به ویروس

virus infected **ویروسی‌شده، ویروسی**

[رایانه و فن.] آلوده به ویروس

بخشهای «تنور و آلتو» و «آلتو و سوپرانو» ترکیبی از وضعیت باز و بسته باشد

open position **وضعیت باز**

[موسیقی] وضعیتی از آکورد که در آن فاصلهٔ میان بخشهای «تنور و آلتو» و «آلتو و سوپرانو» پنجم یا ششم باشند

close position **وضعیت بسته**

[موسیقی] وضعیتی از آکورد که در آن فاصلهٔ میان بخشهای «تنور و آلتو» و «آلتو و سوپرانو» سوم یا چهارم باشند

identity status **وضعیت هویتی**

[روان.] موقعیت فرد در طیف هویت‌یابی اریکسون، شامل یکی از موارد اکتساب هویت، سلب هویت، تعلیق هویت و ابهام هویت

task **وظیفه**

[رایانه و فن.] مجموعه‌ای از دستورالعملها که سامانهٔ عامل، آنها را به عنوان یک واحد کاری اجرا می‌کند

وقایع‌نامه ← رویدادنامه**وقایع‌نگار ← رویدادنگار****spark voltage** **ولتاژ جرقه‌زنی**

[فیزیک] ولتاژی که برای ایجاد قوس الکتریکی بین دو الکترود لازم است

target acquisition**هدف‌یابی**

[ع. نظامی] فرایندی که در آن، هدف شناسایی و آشکارسازی می‌شود و موقعیت آن برای به‌کارگیری سلاح تعیین می‌شود

spammed**هرز زده**

[رایانه و فن.] کسی یا دستگاهی که هدف یا مخاطب نامه‌های الکترونیکی ناخواسته و معمولاً مزاحم قرار گرفته باشد

spammer**هرزفرست**

[رایانه و فن.] کسی که نامه‌های الکترونیکی را بدون خواست مخاطب و معمولاً برای ایجاد مزاحمت برای او می‌فرستد

spam 2**هرزنامه**

[رایانه و فن.] نامه الکترونیکی که بدون خواست مخاطب و معمولاً برای ایجاد مزاحمت فرستاده می‌شود

hadron**هادران**

[فیزیک] هر ذره‌ای که در برهم‌کنش فوی شرکت کند

strange hadron**هادران شگفت**

[فیزیک] هادرونی که شامل یک کوارک شگفت باشد و بقیه کوارکهای آن از نوع بالا یا پایین باشند

guide way**هادی‌راه**

[ج. شهری] در سامانه‌های جابه‌جایی، معبری که فقط وسایل نقلیه خاص در آن رفت‌وآمد می‌کنند

هتل اختصاصی ← مهمانخانه اختصاصی**هتل اربابی ← مهمانخانه اربابی****هتل تفریحی ← مهمانخانه تفریحی****هتل زنجیره‌ای ← مهمانخانه زنجیره‌ای****هتل شناور ← مهمانخانه شناور**

- هماراسیر نشده**
coordinatively unsaturated
 [شیمی] همتافت فلز واسطه‌ای که تعداد لیگاندهای آن از تعداد لیگاند همتافت هماراسیر شده مشابه کمتر باشد
- هم انحراف ← خط هم انحراف**
هماهنگ کننده پس تولید
post-production coordinator
 [سینما و تلو.] دستیار تهیه فیلم که زیر نظر ناظر پس تولید کار می‌کند
- هماهنگ کننده تولید**
production coordinator
 [سینما و تلو.] یکی از اعضای گروه تولید که مسئول ارتباط با محیط بیرون و تهیه مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز گروه فیلمبرداری است
- همایشنامه**
proceedings, transactions, conference proceedings
 [ع.] کتابداری] برنامه برگزاری جلسات یک همایش، معمولاً همراه با مجموعه‌ای از چکیده و/یا متن کامل مقالات و گزارشهایی که در آن همایش ارائه شده است
- همبازی**
cohabitation
 [ع.] سیاسی] وضعیتی که در آن، دو حزب سیاسی مخالف، برای اداره کشور، بدون تشکیل ائتلاف ناگزیر از همکاری با یکدیگرند
- هرزنویسی، هرزفرستی**
spamming
 [رایانه و فن.] فرایند فرستادن نامه‌های الکترونیکی بدون خواست مخاطب و معمولاً برای ایجاد مزاحمت
- هرم بوم‌شناختی**
ecological pyramid, food pyramid, Eltonian pyramid
 [زیست.] نموداری هرمی شکل که ساختار تغذیه‌ای هر بوم‌سازگان را برحسب انرژی یا تعداد یا زی توده ترازهای تغذیه نشان می‌دهد
- هرم جمعیت**
population pyramid
 [زیست.] نموداری هرمی شکل که نمایانگر ساختار هر جمعیت براساس تعداد و جنسیت و سن افراد آن است
- هرم زی توده**
biomass pyramid
 [زیست.] نموداری هرمی شکل که ساختار تغذیه‌ای هر بوم‌سازگان را برحسب زی توده نشان می‌دهد
- هسته نم گیر**
hygroscopic nucleus
 [ع.] جو] هسته‌ای که فشار بخار ترازمندی محلول آبی آن پایین تر از مقدار آن برای بخار آب خالص است
- هشدار دکل**
man aloft
 [ع.] نظامی] تابلویی که تعمیرکاران رشته برق و الکترونیک روی کنسول دستگاه فرستنده یا رادار نصب می‌کنند و نشانه حضور تعمیرکار روی دکل و هشدار برای حفظ سلامت او در برابر تابش امواج الکترومغناطیسی است
- هماراسیر شده**
coordinatively saturated
 [شیمی] همتافت فلز واسطه‌ای که بنا بر فاعده، در لایه ظرفیت اتم فلز مرکزی ۱۸ الکترون داشته باشد

[موسیقی] گروه خوانندگانی که آثار آوازی را به صورت دسته‌جمعی اجرا می‌کنند

همخوانان مضاعف double chorus

[موسیقی] دو گروه همخوان که در اجرای یک قطعه واحد شرکت می‌کنند

همخوانی ۱ chorus 4

[موسیقی] قطعه‌ای برای گروه همخوانان که اغلب پویه‌ای از یک اثر بزرگ است

همخوانی ۲ choral

[موسیقی] وابسته و مربوط به همخوانان یا همخوانی

همدردی sympathy

[روان.] توجه عاطفی و فراوان به یک فرد یا حیوان یا گروه، یا شریک شدن در حالات هیجانی یا ذهنی آنها

همدلانه empathic

[روان.] مربوط به همدلی

همدلی empathy

[روان.] درک حالات هیجانی شخص دیگر با مشاهده وضع و حال هیجانی او

هم‌دینامیک ← خط هم‌دینامیک

همرفت گرما heat convection

[فیزیک] انتقال انرژی گرمایی از مکانی به مکان دیگر با حرکت واقعی شاره

همبر symporter

[زیست.] نوعی پروتئین ناقل غشایی که دو ماده را به‌طور هم‌زمان و هم‌جهت با یکدیگر از خلال غشا عبور می‌دهد

همبری symport

[زیست.] نوعی هم‌تراث‌ریدی که در آن دو ماده با کمک یک تراپ هم‌جهت با یکدیگر از خلال غشا عبور می‌کنند

همبستگی correlation

[ریاضی] معیاری برای سنجش وابستگی خطی بین دو متغیر که مقدار آن بین -۱ و ۱ است

هم‌بی‌هنجاری ← خط هم‌بی‌هنجاری

هم‌تراث‌ر cotransporter

[زیست.] نوعی پروتئین ناقل غشایی که هم‌زمان یک یون را در جهت شیب غلظت و ماده دیگری را در خلاف جهت شیب غلظت وارد یاخته می‌کند

هم‌تراث‌ریدی cotransport

[زیست.] جابه‌جایی هم‌زمان دو ماده از خلال غشا در یک جهت یا در دو جهت مخالف

هم‌تندر ← خط هم‌تندر

همخوان chorister

[موسیقی] عضو گروه همخوانان

همخوانان chorus 3, choir 2

[ارایانه و فن.] ویژگی پدیده‌هایی که در یک زمان رخ می‌دهند یا دوره زمانی یا فاز یکسان دارند

synchronizer همزمان‌ساز

[ارایانه و فن.] افزاره‌ای برای جبران تفاوت در میزان جریان اطلاعات یا زمان رخ داده‌ها میان فرستنده و گیرنده

synchronization همزمان‌سازی

[ارایانه و فن.] عمل همزمان کردن

synchronized همزمان‌شده

[ارایانه و فن.] ویژگی یا کیفیت پدیده‌هایی که میان آنها زمان‌بندی مشترک ایجاد شده باشد

synchronize همزمان کردن

[ارایانه و فن.] ایجاد کردن زمان‌بندی مشترک میان فرستنده و گیرنده

synchrony همزمانی

[ارایانه و فن.] زمان‌بندی مشترک میان فرستنده و گیرنده

coexistence همزیستی

[ع. سیاسی] توافق ضمنی بین دو یا چند کشور آشتی‌ناپذیر برای اجتناب از جنگ

peaceful coexistence همزیستی مسالمت‌آمیز

[ع. سیاسی] رهنامه سیاست خارجی که می‌کوشد اختلافات سیاسی را با نیازهای عملی سیاسی سازگار کند؛ این رهنامه را عمدتاً به پیشنهاد خروشچف در سال ۱۹۵۶ نسبت می‌دهند

homorhythmic, isometric هم‌ریتم

[موسیقی] وابسته به هم‌ریتمی

homorhythm هم‌ریتمی

[موسیقی] همزمانی ریتمهای همسان یا بسیار مشابه در بخشهای مختلف صدایی (parts) در یک قطعه موسیقی

induced homomorphism هم‌ریختی القا‌ی

[ریاضی] نوعی هم‌ریختی بین دو گروه هموتوبی که با یک نگاشت پیوسته القا می‌شود

هم‌ریختی پذیرفتنی

admissible homomorphism

[ریاضی] یک هم‌ریختی f از Ω -گروه G به Ω -گروه G' که به‌ازای هر θ از Ω و هر x از G ،

$$f(\theta x) \equiv (\theta f(x))$$

هم‌ریختی پیوسته

continuous homomorphism

[ریاضی] یک هم‌ریختی بین دو گروه توپولوژیک که پیوسته باشد

algebra homomorphism هم‌ریختی جبرها

[ریاضی] تبدیلی خطی از یک جبر به جبری دیگر که عمل ضرب را حفظ می‌کند

lattice homomorphism هم‌ریختی شبکه‌ای

[ریاضی] نگاشتی از یک شبکه به شبکه دیگر که ترتیب جزئی را حفظ می‌کند

synchronous همزمان

هم‌شدت ← خط هم‌شدت

همکاری بین کتابخانه‌ای library cooperation

[ع. کتابداری] فعالیت مشترک دو یا چند کتابخانه به منظور تدارک خدمات بهتر برای مراجعان، با استفاده از امکانات و فناوریهای متناسب

همگام**isochronous**

[رایانه و فن.] ویژگی فرایندهایی که در آنها داده‌ها در محدوده‌های زمانی مشخص تحویل شوند

همگن‌ایست**homopause**

[ع. جو] تراز گذار از همگن‌سپهر به دگرگین‌سپهر

همگن‌سپهر**homosphere**

[ع. جو] بخش پایینی در تقسیم‌بندی دولا‌یه‌ای جو که در آن ترکیبات جو عمده‌تاً همگن‌اند

هم‌میل ← خط هم‌میل**هم‌نشر****syndicated**

[رایانه و فن.] ویژگی محتوای به اشتراک گذاشته - شده یا توزیع شده در وبگاههای مختلف

هم‌نشری**syndication**

[رایانه و فن.] فرایند هم‌نشری کردن

هم‌نشری کردن**syndicate**

[رایانه و فن.] به اشتراک گذاشتن یا توزیع کردن مطلب در وبگاههای مختلف

هم‌نوایی اروپا**Concert of Europe**

[ع. سیاسی] توافق بین قدرتهای اروپایی برای مقابله با بحرانهای دیپلماتی به منظور حفظ

وضعیت موجود که از طریق مجموعه‌ای از همایشهای ویژه (۱۸۵۴-۱۸۱۵) پدید آمد

همنهشت**congruent**

[ریاضی] مربوط به همنهشتی

همنهشتی**congruence**

[ریاضی] ۱. خاصیت دو عدد صحیح که در تقسیم بر یک عدد صحیح مفروض باقیمانده برابر داشته باشند ۲. انطباق‌پذیری دو شکل هندسی تحت یک تبدیل صلب (rigid transformation)

همنهشتی خطی**linear congruence**

[ریاضی] معادله همنهشتی درجه اول

همنهشتی دوجمله‌ای**binomial congruence**

[ریاضی] یک همنهشتی جبری به صورت $x^n \equiv a \pmod{m}$ که در آن a و m دو عدد صحیح نسبت به هم اول هستند

همه‌چیزخوار omnivore, omnivorous, omnivorous animal, diversivore

[زیست.] جاندارى که بتواند از انواع منابع غذایی، اعم از گیاهی یا جانوری، تغذیه کند

همه‌زمانی**panchrony**

[زبان.] ویژگی‌هایی از زبان که فارغ از زبان و مکان ثابت می‌ماند یا برقرار است

همیاری مجاورتی anchimeric assistance, neighbouring-group participation

[شیمی] سهمی شدن دو گروه همسایه در مرحله تعیین‌کننده سرعت واکنش

هنر ناتصویری non-figurative art

[هنر. تج.] هنری که از تجسم شکل ظاهری و حرکت اجسام و اندامها پیروی نمی‌کند

هنرهای آذینی decorative arts

[هنر. تج.] هنرهایی کاربردی که به کمک وسایل و آثار هنری فضای زندگی را زیباتر جلوه می‌دهند

هنرهای تجسمی plastic arts, visual arts

[هنر. تج.] هنرهایی که آثار آنها بخشی از فضای دوبعدی یا سه‌بعدی را اشغال می‌کنند

هنرهای تزئینی ornamental arts

[هنر. تج.] هنرهایی که در آنها با استفاده از آرایه‌ها هر چیزی را تزئین می‌کنند

هنرهای زیبا fine arts

[هنر. تج.] هنرهای مبتنی بر اصول زیبایی‌شناسی که هدفشان صرفاً ایجاد زیبایی و لذت دیداری است

هنرهای کاربردی applied arts

[هنر. تج.] هنرهایی که برای ساخت اشیاء و لوازمی به کار می‌روند که اساساً جنبه کاربردی دارند، اما جنبه‌های زیبایی‌شناختی نیز در آنها رعایت شده است

هنر(های) معاصر contemporary art(s)

[هنر. تج.] هنر امروزی که از قواعد تثبیت‌شده پیروی نمی‌کند

هنرهای نگاشتاری graphic arts, graphics, graphic design

[هنر. تج.] هنرهای کارکردگرایانه که با طراحی یا

هنر پسانوگرا postmodern art

[هنر. تج.] هنری که ضمن احترام به تمام دستاوردهایی که قدما برای ما به ارمغان آورده‌اند، با نگاهی نو هنر جدید را خلق می‌کند

هنر تصویری figurative art, representational art

[هنر. تج.] هنری که تجسم شکل ظاهری و حرکت اجسام و اندامها را بازنمایی می‌کند

هنر کمینه minimal art

[هنر. تج.] هنری که از حداقل ابزارها و اشکال هندسی و محتوا استفاده می‌کند

هنر محیطی environment(al) art

[هنر. تج.] هنری که به طراحی فضاهای شهری، مانند میدانها و باغها و پردیسه‌ها، می‌پردازد

هنر مردمی folk art

[هنر. تج.] هنری که از میان مردم یک زاد و بوم سرچشمه می‌گیرد و در زندگی و آداب و رسوم آنها به کار می‌رود و سینه به سینه منتقل می‌شود

هنر مصورسازی illustration art

[هنر. تج.] شاخه‌ای از هنر کاربردی برای تزئین و/یا تفهیم بیشتر متون نوشتاری با استفاده از انواع تصویر

هنر معاصر ← هنر(های) معاصر**هنرمند محیط environmental artist**

[هنر. تج.] هنرمندی که حرفه او پرداختن به هنر محیطی است

ترکیب عناصر تصویری و نوشتاری، پیام خاصی را بیان می‌کنند

[ح. هوایی] نوعی هواپیمای نظامی که برای مراحل پیشرفته آموزش خلبانی به کار می‌رود

هواایست

aerostat

[ح. هوایی] وسیله پرنده سبک‌تر از هوا که در ارتفاعی مشخص در جو، با جابه‌جایی هوای برابر با جرم خود شناور می‌ماند

هواپیمای آموزشی مقدماتی، آموزشی مقدماتی primary trainer

[ح. هوایی] نوعی هواپیمای نظامی که نخستین مراحل آموزش خلبانی با آن آغاز می‌شود

هوابرد

airborne

[ح. هوایی] حالتی که در آن هواگرد از زمین جدا و در جو شناور می‌شود

هواپیمای فریب‌گر decoy aircraft

[ح. نظامی] هواپیمایی که ویژگیهای ظاهری هواپیمای واقعی را دارد و برای فریب موشکهای دشمن پرتاب می‌شود

هوابند

air trap

[ع. جو] ابزاری در برخی فشارسنجهای جیوه‌ای برای جلوگیری از ورود هوا یا دیگر ناخالصیهای گازی به فضای تهی بالای ستون جیوه

هوادهی پخشیده diffused aeration, diffused-air aeration

[م. محیط.] نوعی هوادهی که در آن اکسیژن را با دستگاه پخش‌کننده‌ای که در داخل حوض هوادهی تعبیه شده است، وارد فاضلاب می‌کنند

هواپخشگر

air diffuser

[م. محیط.] دستگاهی که با افشانک، هوا را به داخل مایع انتقال می‌دهد

هوازدگی weathering

[زمین.] فرایندی تخریبی که در آن رنگ و بافت و ترکیب مواد خاکی یا سنگی بر اثر عوامل جوی تغییر می‌کنند

هواپویه

aerodyne

[ح. هوایی] وسیله‌ای پرنده، سنگین‌تر از هوا، که با تولید نیروی آئرودینامیکی، از جمله نیروی رانش مستقیم موتور، خود را در جو نگه می‌دارد

هوازده weathered

[زمین.] ویژگی کانی یا سنگی که دستخوش هوازدگی شده است

هواپیمای آموزشی پایه، آموزشی پایه

basic trainer

[ح. هوایی] نوعی هواپیمای نظامی که برای آموزش خلبانی پس از مرحله مقدماتی به کار می‌رود

هوازیست‌شناسی aerobiology

[ع. جو] مطالعه توزیع اندامگانهای زنده معلق در جو و برخی پیامدهای آن

هوافضاپیما aerospace plane

[ح. هوایی] وسیله‌ای فضایی که قابلیت ورود

هواپیمای آموزشی پیشرفته، آموزشی پیشرفته advanced trainer

دوباره به جو، حرکت در آن و فرود متعارف را بر روی سطح زمین دارد	را به طور همزمان داراست
هوافضاگرد aerospace craft, freighter	هواگرد دولتی public aircraft
[ح. هوایی] وسیله پرنده‌ای که برای پرواز در درون و بالای جو طراحی شده است	[ح. هوایی] هواگردی که منحصرأ در خدمت دولت است
هواگرد آموزشی trainer	هواگرد ساده basic aircraft
[ح. هوایی] هواگردی برای آموزش پرواز به دانشجویان خلبانی	[ح. هوایی] ساده‌ترین نوع هواگرد که با افزودن تجهیزات می‌توان گونه‌های متنوعی از آن را تولید کرد
هواگرد باری، باری air freighter, freighter	هواگرد مرکب
[ح. هوایی] هواگردی برای جابه‌جایی بار	compound aircraft
	[ح. هوایی] هواگردی که دارای بال و چرخانه (rotor) است
هواگرد بازرگانی business aircraft	هواموج airwave
[ح. هوایی] هواگردی برای سفر بازرگانان و مدیران اجرایی	[ژئوفیزیک] بخشی از انرژی لرزه‌ای که با سرعت صوت در هوا منتشر می‌شود
هواگرد حمل و نقل، هواگرد ترابری	هوانگار meteorograph
	[ع. جو] ابزاری برای ثبت خودکار و پیوسته اندازه دو یا چند عنصر هواشناختی
هواگرد حمل و نقل، هواگرد ترابری	هوانگار دَمشی aspiration meteorograph
	[ع. جو] هوانگاری که با هواکش تهویه می‌شود
هواگرد دست‌ساز homebuilt aircraft	هوانگاشت meteorogram
[ح. هوایی] هواگرد موتورداري که به دست افراد غیرحرفه‌ای طراحی و ساخته می‌شود	[ع. جو] نمودار به دست‌آمده از هوانگار
هواگرد دوکاره combi	هوای پخشیده diffused air
[ح. هوایی] هواگردی که قابلیت حمل بار و مسافر	[م. محیط] حبابهای کوچک هوا که برای انتقال اکسیژن به مایع در زیر سطح آن تشکیل می‌شود

emotion

هیجان

[روان]. حالت برانگیختگی‌ای که با تغییرات بدنی و احساسی همراه است و ممکن است منجر به بروز حرکت یا عملی شود که نمایانگر نوع و شدت هیجان عارض‌شده بر فرد است

emotional

هیجانی

[روان]. مربوط به هیجان

identity

هویت

[روان]. نقش اجتماعی فرد و درک او از این نقش که نوعاً در نوجوانی پیدا می‌شود

coalition cabinet

هیئت وزیران ائتلافی

[ع. سیاسی] هیئت وزیرانی که از ائتلاف احزاب گوناگون تشکیل می‌شود

ی

ice crystal یخ بلور
[ع. جو] هر يك از شكلهاي بلورين يخ بارشي

adfreezing یخ چسبی
[ع. جو] فرايندي كه در آن يك شيء بر اثر عمل
پيوند يخ به شيء ديگر مي چسبد

defrosting 2, thawing یخ زدایی
[تغذيه و صنا.] ذوب شدن يا ذوب كردن يخ
مواد غذايي يخ زده

fluidized bed freezer یخ زن بسترسیال
[تغذيه و صنا.] نوعي يخ زن كه در آن شناور شدن
مواد غذايي روي بستري از هواي سرد باعث
انجماد آنها مي شود

nofrost freezer یخ زن بی برفک
[تغذيه و صنا.] نوعي يخ زن كه روي قسمت
سردکننده آن برفک تشكيل نمي شود

blast freezer, air blast freezer یخ زن دمشی
[تغذيه و صنا.] نوعي يخ زن كه در آن جريان سريع
هواي بسيار سرد باعث انجماد محصول
مي شود

rod cell, rod, retinal rod یاخته استوانه‌ای
[پزشكي] يكي از دو نوع ياخته حساس به نور در
شبكيه چشم كه براي ديد در تاريكي ضروري
است

excitable cell یاخته تحریک پذیر
[زيست.] ياخته‌اي كه غشاي تحريك پذير دارد

cone cell, cone, retinal cone یاخته مخروطی
[پزشكي] يكي از دو نوع ياخته حساس به نور در
شبكيه چشم كه براي ديد دقيق ضروري است

rote recall یادآوری طوطی وار
[روان.] به خاطر آوردن دقيق اطلاعاتي كه به
صورت يك كل حفظ شده است، مانند يك نشاني
يا فرمول شيميايي

rote memorization یادسپاری طوطی وار
← يادگيري طوطي وار

rote learning یادگیری طوطی وار
[روان.] يادگيري از راه تکرار بدون توجه به معني

aero-towing, aerotow **یدک‌کشی هوایی**

[ح. هوایی] استفاده از هواپیمای موتوردار برای یدک کشیدن و به پرواز درآوردن بادپر

radiometric units **یکاهای رادیوسنجی**

[مخابرات] واحدهای اندازه‌گیری مورد استفاده در رادیوسنجی

analytic isomorphism **یکریختی تحلیلی**

[ریاضی] نوعی یکریختی در رسته نگاشتهای تحلیلی

algebra isomorphism **یکریختی جبری**

[ریاضی] همریختی یک‌به‌یک و پوشا بین دو جبر

lattice isomorphism **یکریختی شبکه‌ای**

[ریاضی] همریختی یک‌به‌یک و پوشا بین دو شبکه

uniform isomorphism **یکریختی یکنواخت**

[ریاضی] یک نگاشت دوسویی بین دو فضای یکنواخت که خود و وارونش یکنواخت پیوسته باشند

end-on spread **یکسوگسترش**

[ژئوفیزیک] گسترشی از آرایه (گروه) لرزه‌یابها با فاصله منظم که چشمه در یک انتهای آن قرار دارد

dipolar ion, Zwitterion **یون دوقطبی**

[شیمی] یونی که حامل هر دو بار مثبت و منفی به طور مجزاست

radical ion **یون رادیکال**

[شیمی] مولکولی که الکترون جفت‌نشده دارد و در عین حال دارای بار منفی کامل است

scrapped surface freezer **یخ‌زن سطح تراش**

[تغذیه و صنایع] نوعی یخ‌زن که در آن مواد غذایی مایع یا نیمه جامد به طور مداوم روی سطح داخلی استوانه‌ای منجمد و توسط تیغه‌هایی تراشیده می‌شوند

plate freezer **یخ‌زن صفحه‌ای**

[تغذیه و صنایع] نوعی یخ‌زن که در آن مواد غذایی در تماس با صفحات مطبق و سرد منجمد می‌شوند

immersion freezer **یخ‌زن غرقه‌ای**

[تغذیه و صنایع] نوعی یخ‌زن که در آن ماده غذایی با غوطه‌ور شدن در یک مایع سرد منجمد می‌شود

cryogenic freezer **یخ‌زن فوق سریع**

[تغذیه و صنایع] نوعی یخ‌زن که در آن از تغییر حالت فیزیکی ماده مبرد برای انجماد سریع مواد غذایی استفاده می‌شود

spiral freezer **یخ‌زن مارپیچی**

[تغذیه و صنایع] نوعی یخ‌زن نقاله‌ای که در آن تسمه نقاله‌ای مشبک در مسیری مارپیچ حرکت می‌کند

belt freezer **یخ‌زن نقاله‌ای**

[تغذیه و صنایع] نوعی یخ‌زن که در آن، عبور هوای سرد از تسمه نقاله‌ای مشبک و متحرک باعث انجماد محصول می‌شود

freezer burn **یخ سوختگی**

[تغذیه و صنایع] تغییر بافت و رنگ سطح مواد غذایی یخ‌زده که بر اثر تصعید بلورهای یخ به وجود می‌آید

پیوست

شیوه نگارش نام ماههای قمری و میلادی به خط فارسی

شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، با هدف هماهنگ سازی طرز نگارش نام ماههای قمری و میلادی به خط فارسی، در جلسه‌ای به بحث و گفتگو در این زمینه پرداخت و صورتهای زیر را تصویب کرد:

ماههای میلادی

ژانویه
فوریه
مارس
آوریل
مه
ژوئن
ژوئیه
اوت
سپتامبر
اکتبر
نوامبر
دسامبر

ماههای قمری

محرم
صفر
ربیع الاول
ربیع الثانی
جمادی الاول
جمادی الثانی
رجب
شعبان
رمضان
شوال
ذیقعده
ذیحجه

illustration art	هنر مصورسازی	plastic arts, visual arts	هنرهای تجسمی
illustrator	مصورساز	pointillism	نقطه‌گرایی
lithograph	سنگ‌نگاره	pointillist	نقطه‌گرا
lithographer	سنگ‌نگار	pointillistic	نقطه‌گرایانه
lithographic	سنگ‌نگاشتی	porcelain	چینی
lithography	سنگ‌نگاری	portrait	تک‌چهره
miniature 1	خُردنگاره	portraitist	تک‌چهره‌نگار
miniature 2	نگارگری	portraiture	تک‌چهره‌نگاری
miniaturist	نگارگر	postmodern art	هنر پسانوگرا
minimal art	هنر کمینه	pottery	سفالینه
minimalism	کمینه‌گرایی	primitive	آغازین
minimalist	کمینه‌گرا	representational art → figurative art	
mosaic	پاره‌چین	sketch	طرح اولیه
mural, wall-painting	نقاشی دیواری	television graphics	نگاشتار تلویزیونی
non-figurative art	هنر ناتصویری	torso	نیم‌تنه
ornamental arts	هنرهای تزئینی	true fresco → fresco 2	
ornamentation	تزئین	value	ارزش
pastel	گچ‌رنگ	visual arts → plastic arts	
pastel paper	کاغذ گچ‌رنگ	wall-painting → mural	
pastel pencil	مداد گچ‌رنگ	wood engraving	حکاکی روی چوب

collage 2	چسبانه کاری	graphic	نگاشتاری
collagist	چسبانه کار	graphic arts, graphics, graphic design	هنرهای نگاشتاری
computer graphics	نگاشتار رایانه‌ای	graphic design → graphic arts	
contemporary art(s)	هنر(های) معاصر	graphics → graphic arts	
decorative arts	هنرهای آذینی	graphist	نگاشتارگر
design element	عناصر طرح	gravure, etching	حکاکی
detail(s)	جزء، جزئیات	icon	شمایل
element	عنصر	iconoclasm	شمایل شکنی
elementarism	عنصرگرایی	iconoclast	شمایل شکن
elementarist	عنصرگرا	iconograph	شمایل نگار ۱
engraver	حکاکی	iconographer, iconographist	شمایل نگار ۲
environmental art	هنر محیطی	iconographic	شمایل نگاشتی
environmental artist	هنرمند محیط	iconographist → iconographer	
environmental designer	طراح محیط	iconography	شمایل نگاری
environment art → environmental art		iconological	شمایل شناختی
etching → gravure		iconologist	شمایل شناس
figural	شکل تصویری	iconology	شمایل شناسی
figuration	تصویرگری	ideal	آرمان
figurative	تصویری	ideal form	صورت آرمانی
figurative art, representational art	هنر تصویری	idealism	آرمان گرایی
figure	تصویر	idealist	آرمان گرا
figurine	پیکرک	idealization	آرمانی سازی
fine arts	هنرهای زیبا	ideogram, ideograph	اندیشه نگاشت
folk art	هنر مردمی	ideograph → ideogram	
fresco 1	دیوارنگاره	ideographic	اندیشه نگاشتی
fresco 2, buon fresco, true fresco	دیوارنگاری	ideography	اندیشه نگاری
		illustration	مصورسازی

satellite surveying	نقشه‌برداری ماهواره‌ای	surveyor	نقشه‌بردار
semi-analytical photogrammetry	تصویرسنجی نیمه تحلیلی	telemeter	دوری سنج
semi-controlled mosaic	پاره‌چین نیمه کنترل شده	telemetry	دوری سنجی
soft copy → digital photogrammetry		terrestrial photogrammetry	تصویرسنجی زمینی
soft copy photogrammetry → digital photogrammetry		thematic map, topical map	نقشه موضوعی
soft copy workstation → digital photogrammetric workstation		thematic mapper, TM	نقشه‌ساز موضوعی
space photogrammetry, satellite photogrammetry	تصویرسنجی فضایی	topical map → thematic map	
spatial information system → geospatial information system		TM → thematic mapper	
stereoscopic plotter → stereoplotter		tie point	گره نقطه
stereoscopic plotting instrument → stereoplotter		traditional cartography, conventional cartography	نقشه‌نگاری سنتی
stereoplotter, stereoplotting instrument, restitutive instrument, stereoscopic plotter, stereoscopic plotting instrument, photogrammetric plotter, photogrammetric plotting instrument	دستگاه تبدیل	uncontrolled mosaic	پاره‌چین کنترل نشده
stereoplotting, restitution	تبدیل	underground surveying	نقشه‌برداری زیرزمینی
stereoplotting instrument → stereoplotter		vertical control network	شبکه کنترل ارتفاعی
stereoscope	برجسته‌نما	vertical control point	نقطه کنترل ارتفاعی
stereoscopic vision	برجسته‌بینی	vertical pass point	گذرنقطه ارتفاعی
stereoscopy	برجسته‌نمایی	visibility map	نقشه دید
strip mosaic	پاره‌چین نواری	هنرهای تجسمی	
surveying	نقشه‌برداری	applied arts	هنرهای کاربردی
surveying engineering, geomatics engineering	مهندسی نقشه‌برداری	arabesque	اسلیمی
		arabesque motif	نقش اسلیمی
		buon fresco → fresco 2	
		ceramics	لعابینه
		ceramography	لعابینه‌شناسی
		collage 1	چسبانه

geomatics engineering, → surveying engineering	عکس کمی مایل low-oblique photograph
geospatial information system, GIS, spatial information system, geographic information system, geobased information system	medical photogrammetry تصویرسنجی پزشکی
سامانه اطلاعات مکانی، سام	mine surveying نقشه‌برداری معدن
GIS → geospatial information system	mosaic → photomosaic
global positioning system, GPS	mosaic strip نوار پاره‌چین
سامانه موقعیت‌یابی جهانی	mosaicking پاره‌چین‌سازی
gonimeter زاویه‌سنج	orthophotomap نقشه راست‌عکس
gonimetry زاویه‌سنجی	orthophoto mosaic پاره‌چین راست‌عکس
GPS → global positioning system	pass point گذر نقطه
GPS receiver موقعیت‌یاب جهانی، موقعیت‌یاب	photo control point, photogrammetric control point نقطه کنترل عکسی
ground control point, control station نقطه کنترل زمینی	photo control point → photogrammetric control point
high-oblique photograph عکس بسیار مایل	photogrammetric plotter → stereoplotter
horizontal control network شبکه کنترل مسطحاتی	photogrammetric plotting instrument → srereoplotter
horizontal control point نقطه کنترل مسطحاتی	photogrammetrist تصویرسنج
horizontal pass point گذر نقطه مسطحاتی	photogrammetry تصویرسنجی
hydrographic surveying نقشه‌برداری آب‌نگاشتی	photographic mosaic → photomosaic
industrial photogrammetry تصویرسنجی صنعتی	photomap نقشه عکسی
industrial surveying نقشه‌برداری صنعتی	photomosaic, photographic mosaic, mosaic پاره‌چین عکسی
land information system, LIS سامانه اطلاعات زمین، ساز	planimetric base map نقشه پایه مسطحاتی
land surveying نقشه‌برداری زمینی	restitution → stereoplotting
LIS → land information system	restitutive instrument → stereoplotter
	route surveying نقشه‌برداری مسیر
	satellite photogrammetry → space photogrammetry

tropical forest, equatorial forest

جنگل حاره‌ای

undisturbed forest

جنگل دست‌نخورده

unexploitable forest

جنگل غیرقابل برداشت

very open forest

جنگل بسیار تنک

مهندسی نقشه برداری

aerial mosaic

پارچین عکس‌های هوایی،

پاره‌چین هوایی

aerial photogrammetry

تصویرسنجی هوایی

aerial surveying

نقشه‌برداری هوایی

analogue photogrammetry

تصویرسنجی قیاسی

analogue stereoplotter

دستگاه تبدیل قیاسی

analytical photogrammetry

تصویرسنجی تحلیلی

analytical stereoplotter

دستگاه تبدیل تحلیلی

architectural photogrammetry

تصویرسنجی معماری

automated cartography → digital

cartography

automatic stereoplotter

دستگاه تبدیل خودکار

base map

نقشه پایه

cartographer

نقشه‌نگار

cartography

نقشه‌نگاری

check plot

نسخه‌واری

check point

نقطه‌واری

close range photogrammetry

تصویرسنجی برد کوتاه

controlled mosaic

پاره‌چین کنترل‌شده

controlled photomosaic

پاره‌چین عکس‌های کنترل‌شده

control net → control network

control network, control net

شبکه کنترل

control point

نقطه کنترل

control station → ground control point

conventional cartography → traditional cartography

digital photogrammetric workstation, DPW, soft copy workstation

ایستگاه کاری تصویرسنجی رقمی

digital cartography, automated cartography

نقشه‌نگاری رقمی

digital photogrammetric workstation → soft copy workstation

digital photogrammetry, soft copy photogrammetry, soft copy

تصویرسنجی رقمی

digital stereoplotter

دستگاه تبدیل رقمی

DPW → digital photogrammetric workstation

engineering surveying

نقشه‌برداری مهندسی

false color

کاذب‌رنگ

false color photography

عکسبرداری کاذب‌رنگ

geobased information system →

geospatial information system

geographic information system →

geospatial information system

forest economy	اقتصاد جنگل ۲، بهره‌دهی جنگل	coniferous forest, resinous forest	جنگل سوزنی‌برگ
forest estate	ملک جنگلی	non-managed forest	جنگل فاقد مدیریت
forest finance	امور مالی جنگل	nurse crop	دارِ دایه، دارِ پرستار
forest fragmentation	تکه‌تکه شدن جنگل، گسستگی جنگل	nursery	نهادستان
forest function	کارکرد جنگل	nursery stock	محصول نهادستان
forest function analysis	تجزیه و تحلیل کارکرد جنگل	open forest	جنگل تنک
forest function mapping	نقشه‌کشی کارکرد جنگل	primary forest	جنگل نخستین
forest function planning	برنامه‌ریزی کارکرد جنگل	production forest	جنگل تولیدی
forest genetics	ژن‌شناسی جنگل	protection forest	جنگل حفاظتی
forest measurement, measurement	اندازه‌گیری جنگل	protection forestry	جنگلداری حفاظتی
forest opening	جنگل‌گشایی	reserved forest	جنگل اندوخته
forest pathologist	آسیب‌شناس جنگل	resinous forest → needle-leaved forest	جنگل بازُرسته
forest pathology	آسیب‌شناسی جنگل	secondary forest, second growth forest	جنگل بازُرسته
forest privilege → forest concession		second growth forest → secondary forest	جنگل گزینشی
forest produce → forest products		selection forest	سن توده
forest products, forest produce	فراورده‌های جنگلی	stand age, age of stand	تراکم سن توده
forest valuation	ارزش‌گذاری جنگل	stand age density	پراکنش سن توده
fragmental forest	جنگل گسته	stand age distribution	ساختار سن توده
gene reserve forest	جنگل اندوختگان ژن	stand age structure	برش یکسره نواری
managed forest	جنگل تحت مدیریت	strip clear cutting	جنگل جنب‌حاره‌ای
measurement → forest measurement		subtropical forest	جنگل پایدار
natural forest	جنگل طبیعی	sustainable forest	توسعه پایدار جنگل
needle-leaved forest, conifer forest,		sustainable forest developement	اقتصاد پایدار جنگل

مهندسی منابع طبیعی - شاخه علوم جنگل و محیط زیست

ACE → allowable cut effect

acicular → needle-leaved

aciculate → needle-leaved

aciculiform → needle-leaved

aciculum → needle-leaved

advance felling برش پیش هنگام

advance regeneration, advance
reproduction زادآوری پیش هنگام

advance reproduction → advance
regeneration

aerial seeding, aerial sowing, air seeding
بذرپاشی هوایی

aerial sowing → aerial seeding

age class رده سنی

age class distribution پراکنش رده سنی

age class forest جنگل رده سنی

age class structure ساختار رده سنی

age class table جدول رده سنی

age of stand → stand age

air seeding → aerial seeding

allowable cut, calculated cut, allowable
sale برداشت مجاز

allowable cut effect, ACE اثر برش مجاز

allowable sale → allowable cut

alternate strip clear cutting
برش یکسره نواری متناوب

broad-leaved forest, deciduous forest
جنگل پهن برگ

broad-leaved evergreen forest

جنگل همیشه سبز پهن برگ

calculated cut → allowable cut

clear cutting برش یکسره

clear cutting system شیوه برش یکسره

closed forest جنگل انبوه

conifer forest → needle-leaved forest

coniferous evergreen forest
جنگل همیشه سبز سوزنی برگ

coniferous forest → needle-leaved forest

continuous forest جنگل پیوسته

crop → forest crop

crop tree, final crop tree درخت چوب ده

crop-tree thinning تنک کردن درخت چوب ده

deciduous forest → broad-leaved forest

equatorial forest → tropical forest

evergreen forest جنگل همیشه سبز

exploitable forest جنگل قابل برداشت

field nursery نهالستان صحرایی

final crop tree → crop tree

forest (a)esthetics زیبایی شناسی جنگل

forest capital سرمایه جنگل

forest concession, forest privilege
امتیاز بهره برداری جنگل، امتیاز جنگل

forest concessionnaire
صاحب امتیاز بهره برداری جنگل، صاحب امتیاز جنگل

forest cover پوشش جنگل

forest crop, crop دارتوده جنگلی، دارتوده

forest economics علم اقتصاد جنگل،
اقتصاد جنگل ۱

pulse group	قطار تپ، قطار پالس	frequency carrier	موج حامل رادیویی
pulse train duration	پهنای قطار تپ، پهنای قطار پالس	radiometric units	یکاهای رادیوسنجی
pulse width modulation, pulse duration modulation	مدوله‌سازی پهنای تپ، مدوله‌سازی پهنای پالس	radio propagation, wave propagation	انتشار رادیویی
push-to-talk → push to talk operation		radio range	برد رادیویی
push to talk operation, push-to-talk	مکالمه با فشار دکمه	radio range station	ایستگاه برد رادیویی
queue	صف	radio relay, radio repeater	رله رادیویی
queue address	نشانی صف	radio relay network	شبکه رله رادیویی
queued	صفی	radio relay satellite	ماهواره رله رادیویی
queue discipline	نظم صف	radio relay system	سامانه رله رادیویی
queueing	صف‌بندی	radio repeater → radio relay	
radiated emission	گسیل تابشی	radio spectrum	طیف بسامد
radiated interference	تداخل تابشی	radio telephone	تلفن رادیویی
radio channel	کانال رادیویی	radiotelephone transmitter	فرستنده تلفن رادیویی
radio channeling plan	طرح کانال‌بندی رادیویی	radio transmission	انتقال رادیویی
radiocommunications	ارتباطات رادیویی	reciprocal duty ratio → pulse duty factor	
radio coverage diagram	نمودار پوشش رادیویی	short message → SMS message 1	
radio direction finding	جهت‌یابی رادیویی	short message service, short messaging service, SMS service, SMS message 2	خدمات پیام کوتاه
radio fix	مکان‌یابی رادیویی	short messaging service → short message service	
radio frequency assignment	واگذاری بسامد رادیویی	SMS message 1, short message	پیام کوتاه، پیامک
radio frequency band	باند بسامد رادیویی	SMS message 2 → short message service	
radio frequency carrier → radio frequency carrier wave		SMS service → short message service	
radio frequency carrier wave, radio		wave propagation → radio propagation	

مهندسی مخابرات		pulse compression	فشرده‌سازی تپ، فشرده‌سازی پالس
carrier wave	موج حامل	pulse dispersion	پاشش تپ، پاشش پالس
concatenated	سلسله‌ای	pulse duration distortion	اعوجاج پهنای تپ، اعوجاج پهنای پالس
concatenated coding	کدگذاری سلسله‌ای	pulse duration modulation → width pulse modulation	
concatenation	سلسله‌بندی	pulse duty cycle → pulse duty factor	
concentration	متمرکزسازی	pulse duty factor, pulse duty cycle, duty cycle, reciprocal duty ratio	نسبت حضور تپ، نسبت حضور پالس
concentrator	متمرکزساز	pulse fall time	زمان افت تپ، زمان افت پالس
connection	اتصال	pulse group → pulse train	
connectivity	اتصال‌دهندگی	pulse repetition frequency, pulse repetition rate	بسامد تکرار تپ، بسامد تکرار پالس
connector	اتصال‌دهنده	pulse interval → pulse repetition interval	
coverage area	منطقه پوشش رادیویی	pulse modulation	مدوله‌سازی تپ، مدوله‌سازی پالس
duty ratio → pulse duty factor		pulse repetition interval, pulse repetition period, pulse interval	بازه تکرار تپ، بازه تکرار پالس
female connector	اتصال‌دهنده ماده	pulse repetition period → pulse repetition interval	
frequency allocation	تخصیص بسامد	pulse repetition rate → pulse repetition frequency	
frequency band	باند بسامد	pulse rise time	زمان خیز تپ، زمان خیز پالس
hang up	قطع برخوانی، قطع	pulse sequence → pulse train	
hang-up signal	سیگنال قطع	pulse string → pulse train	
insourcing	درون‌سپاری	pulse stuffing	تپ‌افزایی، پالس‌افزایی
interrogation	استعلام	pulse train, pulse sequence, pulse string,	
line driver	خط‌ران		
male connector	اتصال‌دهنده نر		
MMS message	پیام چندرسانه‌ای		
multimedia message service	خدمات پیام چندرسانه‌ای		
outsourcing	برون‌سپاری		
outsourcing of calls	برون‌سپاری برخوانیها		
probing	گمانه‌زنی		

baking, stoving	کوره پزی	dispersant → dispersing agent	
baking schedule	جدول کوره پزی	dispersed phase → disperse phase	
baking time	زمان کوره پزی	disperse phase, dispersed phase	
barrier coat, block coat	سد پوشه		فاز پراکنده
base coat	بُن پوشه	dispersing → dispersion	
binder	پیونده	dispersing agent, dispersant	
block coat → barrier coat			عامل پراکنش، پراکنش یار
chemical conversion coating	پوشش تبدیلی شیمیایی	dispersion 1	پراکنه
clear coat	شفاف پوشه	dispersion 2, dispersing	پراکنش
coat	پوشه	dispersion resin	رزین پراکنه ای
coated paper	کاغذ پوشش دار	electron beam curing	الکترون پزی
coating 1	پوشش 1، پوشش دهی	incompatibility	ناسازگاری
coating 2	پوشش 2	moisture curing	رطوبت پزی
coating system	سامانه پوششی	non-aqueous dispersion	پراکنه غیر آبی
coil coating	کلاف پوشانی	non-convertible coating material	
compatibility	سازگاری		ماده پوششی تبدیل ناپذیر
conversion coating	پوشش تبدیلی	overbaking	بیش پزی کوره ای
convertible coating material	ماده پوششی تبدیل پذیر	overcure	بیش پختگی
cure cycle	چرخه پخت	postcuring	پس پزی، پخت تکمیلی
cure time	زمان پخت	priming coat	آستر پوشه
curing	پخت	radiation curing	تابش پزی
curing agent	عامل پخت	roller coating	پوشانش غلتکی
curtain coating	پوشانش پرده ای	self curing	خود پزیش
dipcoat	پوشه غرقه ای	semicure	نیم پزی
dip coating, dipping	پوشانش غرقه ای	stoving → baking	
dipping → dip coating		tie coat	پیوند پوشه
		undercure	ناپختگی، پخت ناقص

period, sentence	جمله	sentence → period	
phrase	عبارت	sequence	پیاپی
phrasing	عبارت پردازی	sequential	پیاپی
Phrygian half cadence	نیم فرود فریجیه‌ای	serial variation	مبدل ترتیبی
pick up → upbeat		similar motion, direct motion	حرکت هم جهت
plagal cadence, Greek cadence	فرود فرعی	simple meter, simple time	میزان ساده
polymeter	چندوزنی	simple time → simple meter	
polymetric	چندوزن	stanza → verse	
polyrhythm	چندریتمی	stationary contour	نمای لحنی ایستا
polyrhythmic	چندریتم	strong beat, accented beat, down beat	ضرب قوی
position 1	حالت	stroph → verse	
position 2	وضعیت	subject	نهاد
progression	پیشروی	surprise cadence → interrupted cadence	
quadruple meter	وزن چهارتایی	symmetric period	جمله متقارن
refrain → chorus 4		syncopated	سکته دار
regular period, normal period	جمله متعارف	syncopation	سکته
reversed arched contour	نمای لحنی کمانی وارونه	time → meter	
rhythmic motive	انگاره ریتمی	triple meter	وزن سه تایی
rhythmic variant	بدیل ریتمی	upbeat, anacrusis, pick up	پیش ضرب
root	پایه	variant	بدیل
root position, fundamental position	حالت پایگی	variation	مبدل
section 1	برش	verse, stanza, stroph	بند
section 2	دسته	weak beat	ضرب ضعیف
section 3	لت		
section 4, choir 1	گروه		
semi-cadence → half cadence		aqueous dispersion	پراکنه آبی

مهندسی پلیمر - شاخه علوم و فناوری رنگ

formal variant	بدیل شکلی	melodic interval	فاصلهٔ لحنی
formal-outline variation	مبدل با طرح شکلی ثابت	melodic line	خط لحنی
full cadence → perfect cadence		melodic progression	پیشروی لحنی
full close → perfect cadence		melodic sequence	پایند لحنی
fundamental position → root position		melodic variant	بدیل لحنی
Greek cadence → plagal cadence		melodic-outline variation	مبدل با طرح لحنی ثابت
half cadence, semi-cadence, half close	نیم فرود	melody	لحن
half close → half cadence		melody chorale	کُرال لحن
hemiola	سه به دو	melody model	لحن الگو
homorhythm	هم ریتمی	melody type	لحن نمونه
homorhythmic, isometric	هم ریتم	meter, time	وزن
imperfect cadence, inverted cadence, medial cadence	فرود ناکامل	metric	وزنی
interrupted cadence, abrupt cadence, broken cadence, deceptive cadence, evaded cadence, irregular cadence, surprise cadence	فرود فریبنده	metrical	موزون
inverted cadence → imperfect cadence		metric modulation	وزن گردانی
irregular cadence → interrupted cadence		metric variant	بدیل وزنی
isometric → homorhythmic		metronome	تندانما
leading motive → leitmotif		mixed position	وضعیت آمیخته
leitmotif, leading motive	لحن معرف	modulating period	جملهٔ مقام گردان
measure, bar	میزان	motif → motive	
medial cadence → imperfect cadence		motive, motif, figure	انگاره
melodic	لحنی	motivic	انگاره‌ای
melodic contour, contour	نمای لحنی	normal period → regular period	
melodic curve	انحنای لحنی	oblique motion	حرکت مایل
		open position	وضعیت باز
		parallel motion	حرکت موازی
		passage	گذر
		perfect cadence, final cadence, full cadence, full close, complete cadence	فرود کامل

accented beat → strong beat		chorus 2	همخوانی
Amen cadence	فرود آمین	chorus 3, choir 2	همخوانان
anacrusis → upbeat		chorus 4, refrain, burden	برگردان
antecedent	پیشایند	Church cadence	فرود کلیسایی
arched contour	نمای لحنی کمانی	close → cadence	
ascending contour	نمای لحنی بالارونده	close position	وضعیت بسته
asymmetric period	جمله غیرمتقارن	complete cadence → perfect cadence	
authentic cadence	فرود اصلی	compound meter, compound time	میزان ترکیبی
bar → measure		compound time → compound meter	
borrowed division	تقسیم عاریتی	conjunct motion	حرکت پیوسته
broken cadence → interrupted cadence		consequent	پسایند
burden → chorus 4		constant-melody variation	مبدل لحن ثابت
cadence, close	فرود	contour → melodic contour	
cadential	فرودی	contrary motion	حرکت مخالف
cadential progression	پیشروی فرودی	countersubject	پادنهاد
cadenza	پیش فرود	cross rhythm	ریتم متقاطع
cappella → a cappella		deceptive cadence → interrupted cadence	
characteristic variation	مبدل ویژگی	descending contour	نمای لحنی پایین رونده
choir 1 → section 4		direct motion → similar motion	
choir 2 → chorus 3		disjunct motion	حرکت ناپیوسته
choral	همخوانی ۱	double chorus	همخوانان مضاعف
chorale	کُرال	down beat → strong beat	
chorale concerto	کنسرتوی کُرال	duple meter	وزن دوتایی
chorale settings	کُرال نویسی	evaded cadence → interrupted cadence	
chorale variations	مبدل کُرال	fantasy variation	مبدل فانتزی
chorister	همخوان	figure → motive	
chorus 1	گروه پرداز	final cadence → perfect cadence	

postal item, envoi postal (fr.)	مرسوله پُستی	self-service office, bureau à libre service (fr.)	عابر پُست
postal money order → postal order		sortation section → sorting floor	
postal order, post office order, postal money order, bon de poste (fr.)	حواله پُستی	sorting, tri (fr.)	تجزیه
postal parcel, colis postal (fr.), CP (fr.)	بسته پستی	sorting floor, sortation section, work floor, chantier de tri (fr.)	بخش تجزیه
postal money order → postal order postal (fr.)	دفترچه پس انداز پُستی	sorting frame, casier de tri (fr.)	قفسه تجزیه
postcard, postal card, carte postale (fr.)	کارت پستال	sorting machine, machine à trier (fr.)	ماشین تجزیه
posting, dépôt (fr.)	پُست سپاری	souvenir sheet → miniature sheet of postage stamps	
postman, facteur, facteur des postes (fr.)	پستچی	special delivery, distribution spéciale (fr.)	توزیع ویژه
postman's round, letter carrier's route, itinéraire (fr.)	گشت پستچی	stamp vending machine	ماشین فروش تمبر
posting box collection → letter-box collection		timbre-poste (fr.) → postage stamp	
post office box, boîte postale (fr.)	صندوق پُستی شخصی	timbre-poste commémoratif (fr.) → commemorative postage stamp	
post office order → postal order		transmission of postal items → forwarding of postal items	
prepayment of postage, affranchissement (fr.)	پرداخت هزینه پُستی	tri (fr.) → sorting	
private letter-box, boîte aux lettres particulière (fr.)	صندوق شخصی	weight step, coupure de poids (fr.)	مبنای وزن
railway post office, bureau ambulant 2 (fr.)	دفتر پُست ریلی	work floor → sorting floor	
receipt of mailing → certificate of posting		wrapping → cover	
routeing → forwarding of postal items			
scale of charges, scale of rates, échelle des taxes (fr.)	جدول نرخها		
secondary office, établissement secondaire (fr.)	دفتر پُستی تابع		

موسیقی

abrupt cadence → interrupted cadence	
a cappella, cappella	بی ساز

establishment of mails, création des dépêches (fr.)	تشکیل فرسته
établissement secondaire (fr.) → secondary office	
étiquette (fr.) → label	
facteur (fr.) → postman	
facteur des postes (fr.) → postman	
forwarding of postal items, routeing, transmission of postal items, acheminement des envois postaux (fr.)	رهسپاری مرسولات پستی
highway post office, bureau ambulant 1 (fr.)	دفتر پستی بزرگراه
insured parcel, colis avec valeur déclarée (fr.)	بسته با ارزش اظهارشده
itinéraire (fr.) → postman's round	
label, étiquette (fr.)	شناس‌برگ
lecteur optique (fr.) → optical reader	
lecture optique (fr.) → optical reading	
letter-box, mail-box, boîte aux lettres (fr.)	صندوق پست
letter-box collection, mail box collection, posting box collection, levée de la boîte aux lettres (fr.)	جمع‌آوری مرسولات
letter carrier's route → postman's round	
levée de la boîte aux lettres (fr.) → letter-box collection	
liasse (fr.) → bundle	
livret d'épargne postal (fr.) → postal savings bank book	
machine à enliasser (fr.) → bundling machine	
machine à trier (fr.) → sorting machine	
mail box collection → letter-box collection	
mail involved in an accident, dépêche accidentée (fr.)	فرسته آسیب‌دیده
miniature sheet → miniature sheet of postage stamps	
miniature sheet of postage stamps, miniature sheet, souvenir sheet, bloc-feuillet (fr.)	برگه تمبر
mobile post office, bureau de poste mobile (fr.)	دفتر پست سیار
normal delivery, distribution générale (fr.)	توزیع عادی
office of mailing → office of posting	
office of posting, office of mailing, bureau de dépôt (fr.), bureau d'origine (fr.)	دفتر قبول
optical character reading → optical reading	
optical reader, lecteur optique (fr.)	خوانش‌گر نوری
optical reading, optical character reading, lecture optique (fr.)	خواندن نوری
ordinary item, envoi ordinaire (fr.)	مرسوله عادی
ordinary parcel, colis ordinaire (fr.)	بسته عادی
packing → cover	
postage stamp, timbre-poste (fr.)	تمبر پستی
postal agency, agence postale (fr.)	نمایندگی پستی

bureau d'origine (fr.) → office of posting	of mails
care of ..., c/o, aux bons soins de... (fr.) توسط	cumbersome parcel, bulky parcel, colis encombrant (fr.) بسته خارج از اندازه
carte postale (fr.) → postcard	date de dépôt (fr.) → date of posting
casier de tri (fr.) → sorting frame	date of posting, date de dépôt (fr.) تاریخ پست سپاری
certificate of mailing → certificate of posting	dépêche (fr.) → dispatch
certificate of posting, receipt of mailing, certificate of mailing, bulletin de dépôt (fr.) قبض رسید پست	dépêche accidentée (fr.) → mail involved in an accident
champ de l'adresse (fr.) → address field	dépêche-avion (fr.) → airmail dispatch
chantier de tri (fr.) → sorting floor	dépêche de courrier en nombre (fr.) → bulk mails
cluster of delivery boxes, cluster box, batterie de boîtes aux lettres (fr.) صندوقهای پستی مجتمع	dépêche directe (fr.) → direct dispatch
cluster box → cluster of delivery boxes	dépôt (fr.) → posting
c/o → care of ...	direct dispatch, dépêche directe (fr.) فرسته مستقیم
colis avec valeur déclarée (fr.) → insured parcel	dispatch, dépêche (fr.) فرسته
colis encombrant (fr.) → cumbersome parcel	distance step, échelon de distance (fr.) مبنای مسافت
colis ordinaire (fr.) → ordinary parcel	distribution générale (fr.) → normal delivery
colis postal (fr.) → postal parcel	distribution spéciale (fr.) → special delivery
commemorative issue, émission commémorative (fr.) انتشار تمبر یادبود	échelle des taxes (fr.) → scale of charges
commemorative postage stamp, timbre-poste commémoratif (fr.) تمبر یادبود	échelon de distance (fr.) → distance step
coupure de poids (fr.) → weight step	emballage (fr.) → cover
cover, packing, wrapping, emballage (fr.) لفاف	émission commémorative (fr.) → commemorative issue
CP (fr.) → postal parcel	enliassage (fr.) → bundling
création des dépêches (fr.) → establishment	enlissement (fr.) → bundling
	envoi ordinaire (fr.) → ordinary item
	envoi postal (fr.) → postal item

مخابرات - شاخهٔ پست

abandon d'un colis (fr.) → abandonment
of a parcel

abandonment of a parcel, abandon d'un
colis (fr.) ره‌ایش بسته

acheminement des envois postaux (fr.)
→ forwarding of postal items

adresse des envois (fr.) → address of items

address field, champ de l'adresse (fr.)
جای درج نشانی

address of items, adresse des envois (fr.)
نشانی مرسولات

advice of arrival, avis d'arrivée (fr.)
اعلام ورود

advice of receipt, avis de réception (fr.)
اعلام وصول

aerogramme, aéogramme (fr.)
آئروگرام، پاکت-نامهٔ هوایی

affranchissement (fr.) → prepayment of
postage

agence postale (fr.) → postal agency

airmail dispatch, dépêche-avion (fr.)
فرستهٔ هوایی

aux bons soins de... (fr.) → care of ...

avis d'arrivée (fr.) → advice of arrival

avis de réception (fr.) → advice of receipt

aéogramme (fr.) → aerogramme

batterie de boîtes aux lettres (fr.) →
cluster of delivery boxes

bloc de timbres-poste (fr.) → block of
postage stamps

bloc-feuillet (fr.) → miniature sheet of
postage stamps

block of postage stamps, bloc de
timbres-poste (fr.) چهارتمبر

boîte aux lettres (fr.) → letter-box

boîte aux lettres particulière (fr.) →
private letter-box

boîte postale (fr.) → post office box

bon de poste (fr.) → postal order

bulk mails, dépêche de courrier en
nombre (fr.) فرستهٔ انبوه

bulky parcel → cumbersome parcel

bulletin de dépôt (fr.) → certificate of
posting

bundle, liasse (fr.) چهارنخ

bundling, enliassement (fr.), enliassage (fr.)
چهارنخ کردن

bundling machine, machine à enliasser (fr.)
ماشین چهارنخ

bureau à libre service (fr.) → self-service
office

bureau ambulant 1 (fr.) → highway post
office

bureau ambulant 2 (fr.) → railway post
office

bureau de dépôt (fr.) → office of posting

bureau de poste mobile (fr.) → mobile
post office

complete mix	اختلاط کامل	pure oxygen system	سامانه اکسیژن خالص
contact stabilization process	فرایند تثبیت و تماس	receiving water	آب پذیرنده
conventional activated sludge process	فرایند لجن فعال متعارف	rectangular sedimentation tank	حوض ته نشینی مستطیل، حوض ته نشینی مستطیلی
detention time, retention time	زمان ماند	residual chlorine, chlorine residual	کلر باقی مانده
dewatering → sludge dewatering		retention time → detention time	
diffused aeration, diffused-air aeration	هوادهای پخشیده	secondary sedimentation tank	حوض ته نشینی ثانویه
diffused air	هوای پخشیده	secondary treatment	تصفیه ثانویه
diffused-air aeration → diffused aeration		sedimentation basin → sedimentation tank	
digestion tank	مخزن هضم	sedimentation tank, sedimentation basin, settling tank	حوض ته نشینی
emission factor	ضریب انتشار	settling tank → sedimentation tank	
extended aeration process	فرایند هوادهای گسترده	sludge dewatering, dewatering	آبگیری لجن
fabric filter, bag filter, bag house	صافی الیافی	sludge drying bed	بستر لجن خشک کن
fine screen	ریزگیر، آشغال گیر ریز	stabilization pond, stabilization lagoon, lagoon, oxidation pond	استخر تثبیت
free chlorine residual	کلر باقی مانده آزاد	stabilization lagoon → stabilization pond	
high-rate activated sludge process	فرایند لجن فعال پر بار	step aeration process → step-feed aeration process	
indoor air pollution	آلودگی هوای داخل	step-feed aeration process, step aeration process, stepped aeration process	فرایند خوراک دهی مرحله ای
Kraus process	فرایند کراس	stepped aeration process → step-feed aeration process	
lagoon → stabilization pond		tapered aeration process, tapered aeration	فرایند هوادهای کاهش
low-rate activated sludge process	فرایند لجن فعال کم بار	tapered aeration → tapered aeration process	
oxidation pond → stabilization pond		tertiary treatment → advanced wastewater treatment	
primary sedimentation tank	حوض ته نشینی اولیه		
primary treatment	تصفیه اولیه		

shoulder season, shoulder period فصل میانه
 single bed تخت یک نفره
 ski resort تفریحگاه اسکی
 thermal resort تفریحگاه آب معدنی
 tourism destinations مقصدهای گردشگری
 twin beds تخت دوقلو
 travel insurance → holiday insurance
 travel propensity → holiday frequency
 "Z" bed تخت میزشو، میزشو

محیط زیست و انرژی

activated carbon, activated charcoal کربن فعال
 activated charcoal → activated carbon
 activated sludge process فرایند لجن فعال
 ADF → average daily flow
 advanced treatment → advanced wastewater treatment
 advanced waste treatment → advanced wastewater treatment
 advanced wastewater treatment, advanced waste treatment, advanced treatment, tertiary treatment تصفیه تکمیلی فاضلاب
 aerated lagoon برکه هوادهی شده
 aerated pond استخر هوادهی شده
 aeration tank حوض هوادهی
 air diffuser هواپخشگر
 anaerobic contact process فرایند تماس بی هوازی

anoxic بی اکسیژن محلول، بی اکسل
 anoxic denitrification نیترات زدایی بی اکسل
 antiknock additive → antiknock agent
 antiknock agent, antiknock additive خوش سوزکننده
 average daily flow, ADF میانگین جریان روزانه، میانگین شارش روزانه
 backwash, blowback واشویه
 backwashing واشویی
 backwash pump تلمبه واشویه
 bag filter → fabric filter
 bag house → fabric filter
 ballast water آب توازن
 biological mass → biomass زیست توده
 biomass, biological mass
 blowback → backwash
 breakpoint chlorination, breakthrough chlorination کلرزنی تا نقطه شکست
 breakthrough chlorination → breakpoint chlorination
 chlorine contact chamber حوضچه تماس کلر، حوضچه کلرزنی
 chlorine demand کلرخواهی
 chlorine residual → residual chlorine
 circular sedimentation tank حوض ته نشینی مدور
 coarse screen درشت گیر، آشغال گیر درشت
 combined chlorine residual کلر باقی مانده ترکیبی
 combined sewer فاضلاب روی درهم

boutique hotel	مهمانخانه اختصاصی، هتل اختصاصی	hotel garni	مسافرخانه
bungalow	کلبه، بنگالو	hotel group	شرکت هتلداری
bunk beds	تخت دوطبقه	inn	مهمانسرا
busy season	فصل کاری	king bed → king size bed	
chain of hotels → hotel chain		king size bed, king bed, royal bed	تخت بزرگ
country house hotel	مهمانخانه اربابی، هتل اربابی	low season	فصل کساد
day rate	روزنرخ	main holiday	تعطیلات اصلی
dead season	فصل رکود	mountain resort	تفریحگاه کوهستانی
double bed	تخت دونفره	occupancy rate, room occupancy rate	میزان اشغال اتاق
entertainment	سرگرمی	peak season	فصل اوج
fun fair → amusement park		queen bed → queen size bed	
health resort	تفریحگاه تندرستی	queen size bed, queen bed	تخت متوسط
high season	فصل رونق	rack rate	نرخ رسمی
holiday 1	تعطیلات	recreation	تفریح
holiday 2	تعطیل رسمی	resort	تفریحگاه
holiday center	قطب گردشگری	resort hotel	مهمانخانه تفریحی، هتل تفریحی
holiday club, holiday saving club	باشگاه گردشگری	room occupancy rate → occupancy rate	
holiday frequency, travel propensity	بسامد گردشگری	room price → room rate	
holiday insurance, travel insurance	بیمه مسافرتی	room rate, room price, room tariff	نرخ اتاق
holiday maker	گردشگر	room tariff → room rate	
holiday saving club → holiday club		royal bed → king size bed	
holiday season	فصل گردشگری	sea resort	تفریحگاه ساحلی
hotel chain, chain of hotels	مهمانخانه زنجیره‌ای، هتل زنجیره‌ای	seasonal adjustments	تعدیل فصلی
		seasonality	فصل‌مندی
		seasonal pattern	الگوی فصلی
		shoulder period → shoulder season	

breeding value	ارزش بهنژادی
bulk breeding	بهنژادی جمعی
bulk-pedigree breeding	بهنژادی جمعی - شجره‌ای
cash crop, cash grain	محصول فروشی
cash grain → cash crop	
catch crop	گیاه واسطه
diagonal-slip fault → oblique-slip fault	
donor parent	والد دهنده
duster	گردپاش
einkorn, one-grained wheat	گندم تک‌دانه
general resistance	مقاومت عمومی
grain drier	دانه خشک‌کن
harrow	چنگه
hay rake	شانه
hermaphrodite flower → bisexual flower	
hitch	مالبند
hoe	خاک‌همزن
horizontal resistance	مقاومت افقی، مقاومت عمومی
knapsack sprayer	محلول‌پاش پستی
molasses	شیره، ملاس
mutation breeding	بهنژادی جهشی
mélange	آمیزه
one-grained wheat → einkorn	
pedigree breeding	بهنژادی شجره‌ای
plant breeding	بهنژادی گیاهی، اصلاح نباتات

potato planter, potato planting machine	سیب‌زمینی‌کار
potato planting machine → potato planter	
recipient parent	والد گیرنده
seed broadcaster	بذرپاش
seed drill	ردیف‌کار
share, blade	تیغه
specific resistance	مقاومت اختصاصی
sprayer	محلول‌پاش
subsoiler, subsoil plow	زیرشکن
subsoil plow → subsoiler	
swather	درو-ردیف‌کن
transplanter	نشاکار
vertical resistance	مقاومت عمودی، مقاومت اختصاصی
weed	علف هرز
weeder	وجین‌کن
weeding	وجین

گردشگری و جهانگردی

additional holiday	تعطیلات فرعی
adventure holiday, adventure travel	تعطیلات پرماجرا
adventure travel → adventure holiday	
all suite hotel	سراچه مهمانخانه، سراچه هتل
amusement park, fun fair	شهربازی
bed occupancy rate	میزان اشغال تخت
boatel	مهمانخانه شناور، هتل شناور

myrmecophily	مورگرده افشانی	stylar-end clearing → blossom-end clearing	
narrow-leaved plant → grass		subtruncate	نیم نوک بریده
natural grafting	چوپيوند طبيعي	succession → autogenic	
needle-leaved, acicular, aciculum, aciculate, aciculiform	سوزنی برگ	sucker	پاجوش
offset	پاگياه	suckering 1	پاجوش برداری
offshoot	تنه جوش	suckering 2	پاجوش دهی
opposite leaves	برگهای متقابل	T-budding → shield budding	
ornithochory	پرنده برافشانی	truncate	نوک بریده
pollen culture	کشت گرده	understock → stock	
pot bound	گلدان فشرده	vernalization	بهارش
praemorse, bitten off	نوک جويده	vernalize	بهاره کردن
premorse → praemorse		vernalized	بهاره شده
repair grafting	پيوند ترميمي	verticillate leaves → whorled leaves	
retuse	نوک تورفته	whorled leaves, verticillate leaves	برگهای فراهم
rootstock → stock			
rotund, rounded	نوک گرد	کشاورزی - شاخه زراعت	
rounded → rotund			
saurochory	خزنده برافشانی	bagasse	تقاله
scion, cion	پيوندک	baler	علوفه بند
shield budding, T-budding	کوپيوند سپري،	balk, baulk, boundary strip	مرز ناشخم
	کوپيوند شکمی، پيوند جوانه سپري	banner crop	گياه برتر
shot berry	سته ساچمه ای	baulk → balk	
side graft → side grafting		bisexual flower, hermaphrodite flower	گل دوجنسی
side grafting	چوپيوند جاني	blade → share	
side-cleft grafting	چوپيوند اسکنه ای جاني	boundary strip → balk	
sport → bud sport		breeder's seed	بذر بهنژادگر
stemless → acaulescent		breeding	بهنژادی، اصلاح نژاد، اصلاح
stock, rootstock, understock	پايه		

callus	پینه	flower bud abscission	غنچه‌ریزی
callus bridge	پل پینه‌ای	flowering → anthesis	
callus culture	کشت پینه	fruit abscission	میوه‌ریزی
callusing	پینه‌زایی	gooseneck → bench root	
callusing mound	کُپّه پینه‌زایی	graft → grafting 2	
callusing room	اتاق پینه‌زایی	graftage → grafting 2	
calyx splitting	کاسه شکافی	grafting 1	چوپیوند
cantharophily	سوسک‌گرده‌افشانی	grafting 2, graftage, graft	پیوندزنی، پیوند
cataphyll → bud scale		grafting by approach → approach grafting	
cion → scion		grafting wax	چسب پیوند
cirrhoux	نوک چنبری	graft union	پیوندگاه
cleft	نوک شکافته	grass, narrow-leaved plant	باریک‌برگ
cleft graft	چوپيوند اسکنه‌ای	herbaceous cutting	قلمه علفی، تیل علفی
cross-pollination	دگرگرده‌افشانی	hydrochory	آب‌برافشانی
cuspidate	نوک‌نیش‌دار	hydrophily	آب‌گرده‌افشانی
cuttage 1 → cutting 1		ichthyochory	ماهی‌برافشانی
cuttage 2 → cutting 2		inarching	چوپيوند اتصالی
cutting 1, cuttage 1	قلمه	intermediate scion → interstock	
cutting 2, cuttage 2	قلمه‌زنی، قلمه زدن	intermediate stock → interstock	
devernalization	وابهارش	interstem → interstock	
devernalize	وابهاره کردن	interstock, interstem, intermediate stock, intermediate scion	میان‌پایه
double grafting	چوپيوند دوگانه	lateral bud	جوانه جانبی
double-shield budding	کوپيوند دوگانه	leaf abscission	برگ‌ریزی
double working	پیوندزنی دوگانه	leaf abscission	برگ‌ریزی
emarginate	نوک چالدار	mammaliochory	پستانداربرافشانی
entomophilous	گیاه حشره‌دوست	mucronate	نوک‌متقاری
entomophily	حشره‌گرده‌افشانی	myrmecophilous	مورگرده‌افشان
flower abscission	گل‌ریزی		

anisogynous	ناجور ماده	bench graftage	چوبیوند رومیزی
anther culture	کشت بساک	bench root, gooseneck	ریشه چنبری
anthesis, flowering	گلدهی	berry	سته
anthoecology	گل بوم شناسی	beverage crops → beverage plants	
anthography	گل نگاری	beverage plants, beverage crops	گیاهان نوشایی
apiculate	نوک ریز	bisexual flower, hermaphrodite flower	گل دو جنسی
approach grafting, grafting by approach	پیوند مجاورتی	bitten off → praemorse	
arable land	زمین قابل کشت	black clothing → blackout system	
aristate	نوک ریشکی	black end	ته سیاهی
aseasonal	بی فصل	blackout system, black clothing	تاریک سازی
asperifoliate, asperifolius	خشن برگ	blossom-end clearing, stylar-end clearing	شفافیت گلگاه
asperifolius → asperifoliate		blossom-end rot	پوسیدگی گلگاه
astomatal, astomous	بی روزنه	border plants	گیاهان مرز نما
astomous → astomatal		break	نوشاخه
autochory	خودبرافشانی	bridge graft → bridge grafting	
autogenic, succession	خودزا	bridge grafting	چوبیوند پلی
baccate	سته گون	budding	کوبیوند
bacciferous	سته آور	broad-leaved	پهن برگ
bacciform	سته شکل	bud abscission	جوانه ریزی
baccivorous	سته خوار	budding	کوبیوند
bale	بسته، عدل	bud mutation → bud sport	
bark grafting	چوبیوند پوستی	bud scale, cataphyll	فلس جوانه
barochory	گرانث برافشانی	bud sport, bud mutation, sport	جهش جوانه ای
basin	چال گلگاه		
basitony	پاشاخه دهی		
bedding plants	گیاهان بستر ساز		

steady-state wave motion

حرکت موجی حالت پایا

stimulated emission

گسیل تحریکی

strange hadron

هادران شگفت

strange particle

ذره شگفت

strange quark

کوارک شگفت

strangeness

شگفتی

strangeness number

عدد شگفتی

streamline

خط جریان

string theory

نظریه ریسمان

strong force

نیروی قوی

strong interaction

برهم‌کنش قوی

supercooling

آبر سرمایش

superfluid

آبرشاره

superfluidity

آبرشارگی

superheating

آبرگرمایش

superheavy boson

بوزون آبرسنگین

superheavy elements

عنصرهای آبرسنگین

superstring theory

نظریه آبرریسمان

supersymmetry

آبرتقارن

sustained oscillation

نوسان نگه‌داشته

systematic distortion

واپیش‌سامانمند

thermal conduction

رسانش گرمایی

thermal radiation → heat radiation

top quark

کوارک سر

uniform field

میدان یکنواخت

up quark

کوارک بالا

van der Waals force نیروی وان در والس

X boson

بوزون X

کشاورزی - شاخه باغبانی

abortion

سقط

abscission layer

لایه ریزشی

acarpic → acarpous

acarpous, acarpic

بی‌بر

acaulescent, acauline, stemless

بی‌ساقه

acauline → acaulescent

accessory bud

جوانه فرعی

acicular → needle-leaved

aciculate → needle-leaved

aciculiform → needle-leaved

aciculum → needle-leaved

acrotony

سرشاخه‌دهی

acuminate

نوک‌دار

acute

نوک‌تیز

adventitious bud

جوانه نابجا

aerial root

ریشه هوایی

allogenic

دگرزا

alternate leaves

برگهای متناوب

androgenesis

نرزایی

androgynous

نرماده

anemochory

بادبرافشانی

anemophilous

بادگرده‌افشان

anemophily

بادگرده‌افشانی

intermolecular interaction	برهم‌کنش بین مولکولی	spark, sparkover	جرقه
intensive quantity	کمیت نافزایشی	spark chamber	اتاقک جرقه
optical activity	فعالیت نوری	spark discharge	تخلیه جرقه‌ای
optical constants	ثابتهای اپتیکی	spark excitation	برانگیزش جرقه‌ای
optical density	چگالی اپتیکی	spark gap	کاف جرقه
optical system	سامانه اپتیکی	sparkover → spark	
ordinary ray, ordinary wave	پرتو عادی	spark spectrum	طیف جرقه‌ای
ordinary wave → ordinary ray		spark voltage	ولتاژ جرقه‌زنی
oscillation	نوسان	spin-orbit coupling → spin-orbit interaction	
output power → power output		spin-orbit interaction, spin-orbit coupling	برهم‌کنش اسپین-مدار
oxid superconductor	آبرسانای اکسیدی	spin-spin interaction	برهم‌کنش اسپین-اسپین
paraelectricity	پاراالکتریسیته	spontaneous emission	گسیل خودبه‌خودی
paraxial optics	اپتیک پیرامحوری	spontaneous fission	شکافت خودبه‌خودی
paraxial rays	پرتوهای پیرامحوری	stationary	مانا
phase change	تغییر فاز	stationary current	جریان مانا
phase transformation	تبدیل حالت	stationary distribution	توزیع مانا
phase transition	گذار فاز	stationary field	میدان مانا
Planck length	طول پلانک	stationary state	حالت مانا
Planck time	زمان پلانک	steady state	حالت پایا
power output, output power	توان خروجی	steady-state conduction	رسانش حالت پایا
radioactive fallout	فروریزه پروتوزا	steady-state current	جریان حالت پایا
rotary polarization	قطبش چرخشی	steady-state model	مدل حالت پایا
solid state	حالت جامد	steady-state reactor	واکنشگاه حالت پایا، رآکتور حالت پایا
solid-state battery	باتری حالت جامد	steady-state theory	نظریه حالت پایا
solid-state laser	لیزر حالت جامد	steady-state universe	عالم حالت پایا
solid-state physics	فیزیک حالت جامد	steady-state vibration	ارتعاش حالت پایا
sonic boom	غرش صوتی		

fast neutron fission → fast fission	موج گرانشی	gravitational wave
ferrielectricity	هادران	hadron
ferrimagnetic	اتم هادرونی	hadronic atom
ferrimangetic material	نوسانگر هماهنگ	harmonic oscillator
ferrimagnetic resonance	رسانش گرما	heat conduction
ferrimagnetism	همرفت گرما	heat convection
ferroelectric	گرما مرگی	heat death
ferroelectric crystal	تابش گرمایی	heat radiation, thermal radiation
ferroelectric domain	انتقال گرما	heat transfer
ferroelectricity	آبرسانای فرمیون سنگین	heavy-fermion superconductor
ferromagnetic domain	high temperature superconductor	
fictitious force	آبرسانای دمابالا	
field intensity	ساختار فوق ریز	hyperfine structure
fine structure	برخورد ناکشسان	inelastic collision
fine-structure constant	پراکندگی ناکشسان	inelastic scattering
forbidden band	تنش ناکشسان	inelastic stress
forbidden transition	ناکشسانی	inelasticity
gas discharge	توان لحظه‌ای	instantaneous power
Gauss' law	توان خروجی لحظه‌ای	instantaneous power output
gloun	شدت	intensity
gravitation	نیروهای بین‌اتمی	interatomic forces
gravitational	برهم‌کنش بین‌اتمی	interatomic interaction
gravitational acceleration	حالت میانی	intermediate state
gravitational field	intermediate vector boson	
gravitational force	بوزون بُرداری میانبجی	
gravitational instability	نیروهای بین‌مولکولی	intermolecular forces
gravitational redshift		

November, novembre (fr.)	نوامبر
novembre (fr.) → November	
October, octobre (fr.)	اکتبر
octobre (fr.) → October	
passage	بازارچه
puzzle	جورچین
risk management	مدیریت خطر
sauna	گرمخانه
September, septembre (fr.)	سپتامبر
septembre (fr.) → September	
stub	ته‌رسید
tribune	میز خطابه، سخنگاه

فیزیک

amplitude splitting	دامنه‌شکافی
anamorphic lens, anamorphote lens	عدسی واریخت
anamorphoscope	واریخت‌نما
anamorphosis	واریخت‌سازی
anamorphote lens → anamorphic lens	
angel of impact	زاویه برخورد
angular aperture	گشودگی زاویه‌ای
angular momentum	تکانه زاویه‌ای
anharmonic oscillator	نوسانگر ناهماهنگ
antiferromagnetic	پادفرومغناطیسی
antiferromagnetic domain	حوزه پادفرومغناطیسی

antiferromagnetic resonance	تشدید پادفرومغناطیسی
antiferromagnetism	پادفرومغناطیس
apparent density	چگالی ظاهری
apparent depth	عمق ظاهری
atomic fallout	فروریزه اتمی
blackbody radiation	تابش جسم سیاه
bottom quark	کوارک ته
ceramic superconductor	آبرسانای سرامیکی
charm	افسون
charmed particle	ذره افسون
charmed quark, charm quark	کوارک افسون
charm quark → charmed quark	
damped oscillation	نوسان میرا
down quark	کوارک پایین
endoergic reaction	واکنش انرژی‌گیر
endothermic reaction	واکنش گرماگیر
Einstein displacement → Einstein shift	
Einstein shift, Einstein displacement	جاب‌جایی اینشتینی
exothermic reaction	واکنش گرماده
extensive quantity	کمیت افزایشی
extraordinary ray	پرتو غیرعادی
falling body	جسم افتان
fallout	فروریزه
fast breeder reactor	رآکتور زاینده تند
fast fission, fast neutron fission	شکافت تند
fast fission factor	ضریب شکافت تند

possibilities → capability	war intention	نیت جنگ
principles of war	عمومی	اصول جنگ
radar absorbent materials, radar absorbing materials	août (fr.) → August	مواد جاذب رادار، جاذب رادار
radar absorbing materials → radar absorbent materials	April, avril (fr.)	آوریل
radar order of battle	August, août (fr.)	اوت
radio direction finding	avril (fr.) → April	بازینه
refuel	checklist	دسامبر
refueling	December, décembre (fr.)	دسامبر
rope	décembre (fr.) → December	استرداه
seeker	drawback	فوریه
shelter	February, février (fr.)	فوریه
spot jammer	février (fr.) → February	قوة قهریه
spot jamming	force majeure	موج زن
strategic plan	jack pool	ژانویه
strategic planning	January, janvier (fr.)	ژانویه
support capabilities	janvier (fr.) → January	ژانویه
support measures electronic techniques	juillet (fr.) → July	ژوئیه
table of allowance	juin (fr.) → June	ژوئن
tactical warning → early warning	July, juillet (fr.)	ژوئن
target acquisition	June, juin (fr.)	ژوئن
target acquisition radar	mai (fr.) → May	مارس
technical manual	March, mars (fr.)	مارس
vessel	mars (fr.) → March	مه
war	May, mai (fr.)	مه
	NGO → non-governmental organization	سازمان مردم نهاد، سمن
	non-governmental organization, NGO	سازمان مردم نهاد، سمن

fix	نقطه کردن	meaconing	گمراه ساز ناوبری
fixed collection platform	سکوی ثابت جمع آوری اطلاعات، سکوی ثابت جمع آوری	meaconing techniques	فنون گمراه سازی ناوبری
flare	منور	military 1	نظامی
flare dispenser	پرتاب کننده منور	military 2	نیروهای مسلح
force planning	طرح ریزی نیرو	missile seeker	جست و جوگر موشک
formation	آرایش	mobile collection platform	سکوی متحرک جمع آوری اطلاعات، سکوی متحرک جمع آوری
gang way	پل تردد	multinational operation, allied countries operation, allied forces operation	عملیات چندملیتی
ground collection platform	سکوی زمینی جمع آوری اطلاعات، سکوی زمینی جمع آوری	multinational operation commander	فرمانده عملیات چندملیتی
guide	ناو راهنما	multinational operation forces	نیروهای عملیات چندملیتی
hangar	آشیانه	multinational operation theater	صحنه عملیات چندملیتی
harness 1	حمایل	nuclear capabilities	توانمندیهای هسته ای
harness 2	سامانه ارتباط داخلی، ساد	operation plan	طرح عملیاتی
heat seeker	جست و جوگر حرارتی	overcoat	گرم پوش
high power microwave bomb	بمب ریز موج پُر توان	own capabilities	توانمندیهای خودی
Howitzer	توپ وار	paramilitary forces	نیروهای شبه نظامی
infrared seeker	جست و جوگر فروسرخ	passive electronic warfare	جنگ الکترونیکی غیر عامل
intention	نیت	penetration aids	رخنه ابزار
jammer	اختلال گر	position finder	موقعیت یاب
jamming	اختلال	position finding	موقعیت یابی
joint operations	عملیات مشترک		
long range navigation	ناوبری دوربرد		
man aloft	هشدار دکل		

beaching	ساحل نشینی	decoy ship	کشتی فریب‌گر
camouflage	استتار	direction finder	جهت‌یاب
camouflage measures	اقدامات استتاری	direction finding	جهت‌یابی
campaign	لشکرکشی	dog watch	کوته‌پاس
capabilities, abilities, possibilities	توانمندیها	direction finding	جهت‌یابی
chief in command intention	نیت فرماندهی کل قوا	early warning, tactical warning	پیش‌اخطار
circular error probability → circular error probable		electromagnetic bomb	بمب الکترومغناطیسی
circular error probable, circular error probability	دایره خطای احتمالی	electronic attack → electronic countermeasures	اقدامات ضد الکترونیکی
civil	غیر نظامی	electronic countermeasures, electronic attack	فنون اقدامات ضد الکترونیکی
clutter	برفک	electronic countermeasures techniques	فنون اقدامات ضد الکترونیکی
collection platform	سکوی جمع‌آوری اطلاعات، سکوی جمع‌آوری	electronic deception	فریب الکترونیکی
combat	رزم	electronic order of battle	آرایش رزمی الکترونیکی
combatant	رزمنده	electronic support measures	پشتیبانی جنگ الکترونیکی
combat power	توان رزمی	electronic support measures techniques	فنون پشتیبانی جنگ الکترونیکی
command post	پاسگاه فرماندهی	electronic target simulation	شبیه‌سازی الکترونیکی هدف
commander intention	نیت فرماندهی	electronic warfare	جنگ الکترونیکی، جنگال
conflict	کشمکش	electronic warfare officer	افسر جنگ الکترونیکی
corner reflector	بازتابنده چندوجهی	enemy capabilities	توانمندیهای دشمن
deception	فریب	engagement	درگیری
decoy	فریب‌گر	executive officer	فرمانده دوم
decoy aircraft	هواپیمای فریب‌گر	expendable decoy	فریب‌گر یک‌بار مصرف
		field manual	آیین‌نامه رزمی

علوم نظامی

selective bibliography, select bibliography,
partial bibliography کتاب نگاشت گزینشی

special bibliography کتاب نگاشت اختصاصی

subject bibliography, thematic bibliography,
topical bibliography کتاب نگاشت موضوعی

subject encyclopedia دانشنامه موضوعی،
دائرة المعارف موضوعی

systematic bibliography, enumerative
bibliography کتاب نگاشت سامانمند،
کتاب نگاشت نظام یافته

telephone directory راهنمای تلفن

textual bibliography کتاب نگاشت متنی

thematic bibliography → subject bibliography

thesaurus اصطلاحنامه

topical bibliography → subject bibliography

trade bibliography کتاب نگاشت تجاری

trade directory راهنمای تجاری

transactions → proceedings

union catalogue, union list فهرستگان

union list → union catalogue

universal bibliography کتاب نگاشت جهانی

virtual reference خدمات مرجع مجازی

virtual union catalogue فهرستگان مجازی

vocabulary, lexicon 2 واژگان

webliographer وب نگار

webliography 1 وب نگاری

webliography 2 وب نگاشت

webologist وب شناس

webology وب شناسی

yearbook سالنامه

abilities → capabilities

acting executive officer فرمانده دوم موقت

active electronic warfare

جنگ الکترونیکی عامل

aground به گیل نشسته

air defense artillery توپخانه پدافند هوایی

airborne collection platform

سکوی هوایی جمع آوری اطلاعات، سکوی هوایی
جمع آوری

allied countries operation → multinational
operation

allied forces operation → multinational
operation

amphibian وسیله آبخاکی

amphibious آبخاکی

antispot jamming ضد اختلال نقطه ای

armed forces intention نیت نیروهای مسلح

army regulation مقررات نظامی

asymmetric engagement درگیری ناهمگون

asymmetric strategy راهبرد ناهمگون

asymmetric tactic تاکتیک ناهمگون

asymmetric threat تهدید ناهمگون

asymmetric warfare جنگ ناهمگون

at the dip نیمه افراشته

barrier بازدار

battle نبرد

general bibliography	کتاب‌نگاشت عام	policy studies	مطالعات سیاست‌گذاری
general encyclopedia	دانشنامه عمومی، دائرة المعارف عمومی	polyglot dictionary → multilingual dictionary	
glossary	فرهنگ موضوعی، واژه‌نامه موضوعی	proceedings, transactions, conference proceedings	همایشنامه
interlending → interlibrary loan		publishers directory	راهنمای ناشران
interlibrary lending → interlibrary loan		quick reference → ready reference	
interlibrary loan, interlending, interlibrary lending	امانت بین کتابخانه‌ای	ready reference collection	مجموعه مرجع فوری
international bibliography	کتاب‌نگاشت بین‌المللی	ready reference, quick reference	مرجع فوری
lexicon 1	قاموس	reference book	کتاب مرجع
lexicon 2 → vocabulary		reference collection	مجموعه مرجع
library cooperation	همکاری بین کتابخانه‌ای	reference department	بخش مرجع
macrothesaurus	اصطلاحنامه کلان	reference interview	مصاحبه مرجع
manuscriptological → codicological		reference library	کتابخانه مرجع
manuscriptologist → codicologist		reference materials	مواد مرجع
manuscriptology → codicology		reference question	پرسش مرجع
microthesaurus	اصطلاحنامه خرد	references → bibliography 4	
monolingual dictionary	فرهنگ یک‌زبانه، واژه‌نامه یک‌زبانه	reference services	خدمات مرجع
multilingual dictionary, polyglot dictionary	فرهنگ چندزبانه، واژه‌نامه چندزبانه	reference source	منبع مرجع
national bibliography	کتاب‌نگاشت ملی	reference stack	مخزن مرجع
national union catalogue	فهرستگان ملی	reference work	کار مرجع
online reference	خدمات مرجع برخط	regional bibliography	کتاب‌نگاشت منطقه‌ای
partial bibliography → selective bibliography		research guide	راهنمای پژوهش
physical bibliography → descriptive bibliography		resource sharing	اشتراک منابع
		retrospective bibliography	کتاب‌نگاشت گذشته‌نگر
		select bibliography → selective bibliography	

annals	سال‌نگاشت	city directory	راهنمای شهری
annotated, annotative	گزارماني	codicological, manuscriptological	نسخه‌شناختي
annotated bibliography	کتاب‌نگاشت گزارماني	codicologist, manuscriptologist	نسخه‌شناس
annotation	گزارمان	codicology, manuscriptology	نسخه‌شناسي
annotative → annotated		collaborative reference	خدمات مرجع مشارکتی
author bibliography	کتاب‌نگاشت پدیدآور	comprehensive bibliography	کتاب‌نگاشت جامع
bibliograph → bibliographer 2		concordance	واژه‌یاب، کشف
bibliographer 1	نسخه‌نگار	conference proceedings → proceedings	
bibliographer 2, bibliograph	کتاب‌نگار	cooperative reference	خدمات مرجع تعاونی
bibliographic → bibliographical		critical bibliography	کتاب‌نگاشت انتقادی
bibliographical, bibliographic	کتاب‌نگاشتی	current bibliography	کتاب‌نگاشت جاری
bibliography 1	کتاب‌نگاری	cyclopedia → encyclopedia	
bibliography 2	کتاب‌نگاشت	descriptive bibliography, physical bibliography	کتاب‌نگاشت توصیفی
bibliography 3	نسخه‌نگاری	dictionary	فرهنگ، واژه‌نامه
bibliography 4, references	مراجع، مأخذ	digital reference	خدمات مرجع رقمی
bibliography of bibliographies	کتاب‌نگاشت کتاب‌نگاشتها	directory	راهنما
bibliological	کتاب‌شناختی	electronic reference, e-reference	خدمات مرجع الکترونیکی
bibliologist	کتاب‌شناس	encyclopedia, cyclopedia	دانشنامه، دائرةالمعارف
bibliology	کتاب‌شناسی	encyclopedic	دانشنامه‌ای، دائرةالمعارفی
bilingual dictionary	فرهنگ دوزبانه، واژه‌نامه دوزبانه	enumerative bibliography → systematic bibliography	
bio-bibliography	زندگی-کتاب‌نگاشت	e-reference → electronic reference	
cartobibliography 1	کتاب‌نگاری نقشه	filmography 1	فیلم‌نگاری
cartobibliography 2	کتاب‌نگاشت نقشه	filmography 2	فیلم‌نگاشت
catalogue	فهرست	gazetteer	جاینامه
chronicle	رویدادنامه، وقایع‌نامه		
chronicler	رویدادنگار، وقایع‌نگار		

containment of communism	سد نفوذ کمونیسم	patriot, patriotic 1	میهن پرست
consensus	اجماع	patriotic 1 → patriot	
defensive alliance	اتحاد تدافعی	patriotic 2	میهن پرستانه
deterrence	بازدارندگی	patriotism	میهن پرستی
dictator	مستبد	peaceful coexistence	همزیستی مسالمت آمیز
dictatorial	استبدادی	plurality	اکثریت نسبی
dictatorship	استبداد	policy	سیاست ۱
dictatorship of proletariat, dictatorship of proletariat	استبداد پرولتاریا	policy making	سیاست گذاری
dictatorship of proletariat → dictatorship of proletariat		political	سیاسی
dual containment	سد نفوذ دوگانه	political geography	جغرافیای سیاسی
European Union	اتحادیه اروپا	political philosophy	فلسفه سیاسی
game theory	نظریه بازی	politics 1	سیاست ۲
general systems theory	نظریه عام سامانه	politics 2	سیاسیات
geopolitical	جغرافیای سیاسی	protracted conflict	تعارض مستمر
geopolitics	جغرافیای سیاست	scapegoat	گریزه
Great Patriotic War	جنگ کبیر میهنی	systems theory	نظریه سامانه
Holy Alliance	اتحاد مقدس	totalitarian	تمامی خواه ۱
internal war → civil war		totalitarianist	تمامی خواه ۲
international politics	سیاست بین الملل	totalitarianism	تمامی خواهی
just war	جنگ عادلانه	Triple Alliance	اتحاد مثلث
local politics	سیاسیات محلی	unanimity	اتفاق آرا
military dictatorship	استبداد نظامی	unjust war	جنگ ناعادلانه
national consensus	اجماع ملی		
national politics	سیاسیات کشوری		
nuclear deterrence	بازدارندگی هسته ای		
pacifism	صلح باوری		
pacifist	صلح باور		
		analytical bibliography	کتاب نگاشت تحلیلی
		annalist	سال نگار

علوم کتابداری و اطلاع رسانی

tropical front	جبهه حاره‌ای	whirling psychrometer	رطوبت‌سنج چرخان
tropopause	ورڈایست	علوم سیاسی و روابط بین‌الملل	
tropopause break line	خط شکست ورڈایست		
tropopause chart	نقشه ورڈایست	alliance	اتحاد
tropopause fold	تای ورڈایست	apartheid	جدانژادی
tropopause funnel	قیف ورڈایست	balance of power	موازنه قدرت
tropopause inversion	وارونگی ورڈایست	bargaining theory	نظریه چانه‌زنی
tropopause leaf	برگ ورڈایست	belligerence	ستیزه‌جویی
tropopause wave	موج ورڈایست	belligerency	ستیزگی
troposphere	وردسپهر	belligerent	ستیزه‌جو
tropospheric	وردسپهری	cabinet → coalition government	
trough line, axis of trough	خط ناره	chicken game theory	نظریه جا زدن
unprotected thermometer	دماسنج بی حفاظ	civil war, internal war	جنگ داخلی
urban heat island	جزیره گرمای شهری	coalition	ائتلاف
vapour concentration → absolute humidity		coalition cabinet	هیئت وزیران ائتلافی
vapour density → water vapour density		coalition government	دولت ائتلافی
vapour trail	رد بخار	coalition parties	احزاب ائتلاف
ventilated psychrometer	رطوبت‌سنج تهویه‌ای	coalition theory	نظریه ائتلاف
vortex thermometer	دماسنج تاوره‌ای	coexistence	همزیستی
wake	پسایه	cohabitation	همباشی
water smoke	آب دود	cold war	جنگ سرد
water thermometer	دماسنج آب	collective security	امنیت جمعی
water vapour density, vapour density	چگالی بخار آب	Concert of Europe	همنوایی اروپا
wet-bulb depression	ترکاستی	conflict	تعارض
wet-bulb thermometer	دماسنج تر	conflict resolution	حل تعارض
wet spell	دوره پربارش	conflictual	تعارضی
		containment	سد نفوذ

spread → dewpoint depression	thermography	دمانگاری
standing eddies → stationary eddies	thermohygrogram → hygrothermogram	
stationary eddies, standing eddies	thermohygrograph → hygrothermograph	
پیچکهای مانا	thermohygrometer → hygrothermometer	
steam fog	بخار تنگمه	دماسنج
steam mist	بخار تنگمه	
stratopause	پوشن ایست	thermometer screen → instrument shelter
stratosphere	پوشن سپهر	thermometer shelter → instrument shelter
stratospheric	پوشن سپهری	thermometer support
stratospheric coupling	جفت شدگی پوشن سپهر	پایه دماسنج
stratospheric sudden warming	گرمش ناگهانی پوشن سپهر	thermometric
stratospheric warming	گرمش پوشن سپهر	دماسنجی
subantarctic	جنب جنوبگان	thermometry
sudden warming	گرمش ناگهانی	دماسنجی
surface chart, surface map	نقشه سطح زمین	thermopause
surface map → surface chart		گرم ایست
surface synoptic chart		thermoscope
نقشه همدیدی سطح زمین		دماهنگ نما
surface thermometer	دماسنج سطح	thermoscreen → instrument shelter
temperature extremes	فرین های دما	thermosphere
thermocouple thermometer → thermoelectric thermometer		گرم سپهر
thermodynamic dewpoint temperature → dewpoint temperature		thermospheric
thermoelectric thermometer, thermocouple thermometer	دماسنج گرمابرقی	گرم سپهری
thermogram	دمانگاشت	thermospheric model
thermograph	دمانگار	مدل گرم سپهری
		torsion hygrometer
		نم سنج پیچشی
		total water mixing ratio
		نسبت آمیختگی ماده آب
		trade cumulus → trade-wind cumulus
		trade(s)
		بسامان (ها)
		trade winds
		بادهای بسامان
		trade-wind belt
		کمربند باد بسامان
		trade-wind cumulus, trade cumulus
		ابر کومه ای باد بسامان، کومه ای باد بسامان
		trade-wind desert
		بیابان باد بسامان
		trade-wind front
		جبهه باد بسامان
		trade-wind inversion
		وارونگی باد بسامان

obscuring phenomenon	پدیده پنهان ساز	radiation-energy thermometer → radiant thermometer	
optical hygrometer	نم سنج نورشناختی	relative humidity	رطوبت نسبی
orographic fog	مه کوهسار	resistance → thermometer	
outflow	برون شارش	resistance thermometer, electrical resistance thermometer	دماسنج مقاومتی
ozone layer	لایه ازن	reversing thermometer	دماسنج وارونه
ozonosphere	ازن سپهر	saturation deficit 1	کمبود سیری ۲
PBL → planetary boundary layer		saturation deficit 2 → physiological saturation deficit	
physiological saturation deficit, saturation deficit 2	کمبود سیری کاراندام شناختی، کمبود سیری ۱	saturation mixing ratio	نسبت آمیختگی سیری
planetary boundary layer, PBL	لایه مرزی سیاره ای	sea mist	دریا تَنکمه
point source	چشمه نقطه سان، چشمه نقطه ای	sea smoke	دریادود
polar cyclone	چرخند قطبی	sea-level chart	نقشه تراز دریا
polar low	کم فشار قطبی	sea-level pressure chart	نقشه فشار تراز دریا
polar vortex	تاوه قطبی	seawater thermometer → marine thermometer	
protected thermometer	دماسنج حفاظدار	semiarid	نیمه خشک
psychrometer	رطوبت سنج	Six's thermometer	دماسنج سیکس
psychrometric	رطوبت سنجشی	slings psychrometer	رطوبت سنج گردان
psychrometric chart	نمودار رطوبت سنجی، نمودار رطوبت سنجشی	slings thermometer	دماسنج گردان
psychrometric constant	ثابت رطوبت سنجی، ثابت رطوبت سنجشی	soil thermograph	دمانگار خاک
psychrometric formula	فرمول رطوبت سنجی	soil thermometer, earth thermometer	دماسنج خاک
psychrometric table	جدول رطوبت سنجی، جدول رطوبت سنجشی	sonic thermometer	دماسنج صوتی
psychrometry	رطوبت سنجی	specific humidity	رطوبت ویژه
radiant thermometer, radiation-energy thermometer	دماسنج تابشی	spectral hygrometer	نم سنج طیفی
		spirit thermometer, alcohol thermometer, alcohol-in-glass thermometer	دماسنج الکلی

infrared hygrometer	نم سنج فرو سرخ	mechanical hygrometer	نم سنج مکانیکی
insolation 1	خور تاب	mercury-in-glass thermometer	دماسنج جیوه‌ای شیشه‌ای
insolation 2	خور تابگیری	mercury-in-steel thermometer	دماسنج جیوه‌ای فولادی
instrument shelter, thermometer screen, thermometer shelter, thermoscreen	ابزار پوش	mercury thermometer	دماسنج جیوه‌ای
intercloud discharge → cloud-to-cloud discharge		mesopause	میان‌ایست
intertropical front	جبهه درون حاره‌ای	mesosphere	میان‌سپهر
isobaric chart	نقشه هم فشار	mesospheric	میان‌سپهری
isobaric contour chart	نقشه پربند هم فشار	mesospheric jet	جت میان‌سپهری
isobront, homobront	خط هم تندر، هم تندر	meteorogram	هوانگاشت
isohypsic chart	نقشه هم ارتفاع	meteorograph	هوانگار
jet stream	جریان جتی	meteorological equator	استوای هواشناختی
katathermometer, catathermometer	فرو دماسنج	minimum temperature	دمای کمینه
Krypton hygrometer	نم سنج کریپتونی	minimum thermometer	دماسنج کمینه
lee wave	موج بادپناه	mixed layer	لایه آمیخته
liquid-in-glass thermometer	دماسنج مایعی شیشه‌ای	mixing layer	لایه آمیختگی
liquid-in-metal thermometer	دماسنج مایعی فلزی	mixing ratio, humidity mixing ratio	نسبت آمیختگی
liquid thermometer	دماسنج مایعی	monthly minimum temperature	دمای کمینه ماهانه
liquid water mixing ratio	نسبت آمیختگی آب مایع	multiple tropopause	وردایست چندتایی
Lyman-alpha hygrometer	نم سنج لیمن - آلفا	neutropause	خنثی‌ایست
marine thermometer, seawater thermometer	دماسنج دریایی	neutrosphere	خنثی‌سپهر
maximum temperature	دمای بیشینه	nocturnal cooling	سرمایش شبانه
maximum thermometer	دماسنج بیشینه	nocturnal minimum temperature	دمای کمینه شبانه
		non-adiabatic process → process diabatic	
		non-hygroscopic particles	ذرات نانم‌گیر

eye of the storm → eye	hygrologic, hygrological	نم شناختی
eye of tropical cyclone → eye	hygrology	نم شناسی
eyewall چشم دیواره	hygrometer	نم سنج
fixed-level chart → constant-level chart	hygrometric	نم سنجشی
flux aggregation انبوهش شار	hygrometric chart	نمودار نم سنجی، نمودار نم سنجشی
fog point → dewpoint	hygrometric formula	فرمول نم سنجی
folded tropopause وردایست تاشده	hygrometric table	جدول نم سنجی، جدول نم سنجشی
free atmosphere جو آزاد	hygrometry	نم سنجی
friction layer لایه اصطکاک، لایه مالش	hygroscope	نم نما
gas thermometer دماسنج گازی	hygroscopic	نم گیر
goldbeater's-skin hygrometer نم سنج پوست روده‌ای	hygroscopic coefficient	ضریب نم گیری
grass minimum کمینه چمن	hygroscopicity	نم گیرایی
grass minimum temperature دمای کمینه چمن	hygroscopic moisture	نم داشت
hair hygrometer نم سنج مویی	hygroscopic nucleus	هسته نم گیر
heat island جزیره گرما	hygroscopic particles	ذرات نم گیر
heterosphere دگرگن سپهر	hygroscopic water	آب داشت
homobront → isobront	hygroscopy	نم گیری
homopause همگن ایست	hygrothermogram, thermohygrogram	نم - دمانگاشت
homosphere همگن سپهر	hygrothermograph, thermohygrograph	نم - دمانگار
humidity mixing ratio → mixing ratio	hygrothermometer, thermohygrometer	نم - دماسنج
hygrodeik رطوبت نما	ice crystal	یخ بلور
hygrogram نم نگاشت	ice mixing ratio, ice water mixing ratio	نسبت آمیختگی یخ
hygrograph نم نگار	ice water mixing ratio → ice mixing ratio	
hygrokinematics نم حرکت شناسی		
hydrological → hydrologic		

daily maximum temperature	دمای بیشینه روزانه	دما سنج لیداری جذب تفاضلی
daily minimum temperature	دمای کمینه روزانه	نم سنج بخشی diffusion hygrometer
deformation thermometer	دما سنج دگرشکلی	رد تبخیری dissipation trail, distrail
depression of the dewpoint → dewpoint depression		distrail → dissipation trail
dew	شبنم	شبنم سنج drosometer, dew gauge
dew bow	رنگین کمان شبنم	خشکسالی drought, drouth
dewcell	شبنم یاخته	drouth → drought
dew gauge → drosometer		دما سنج خشک dry-bulb thermometer
dewpoint, fog point	نقطه شبنم	جبهه خشک dry front
dewpoint deficit → dewpoint depression		خط خشک dryline
dewpoint depression, dewpoint deficit		دوره کم بارش dry spell
dewpoint spread, spread, depression of the dewpoint	شبنم کاستی	راهه duct
dewpoint formula	فرمول نقطه شبنم	earth thermometer → soil thermometer
dewpoint front	جبهه نقطه شبنم	بوم سپهر ecosphere
dewpoint hygrometer	نم سنج نقطه شبنمی	پیچک eddy
dewpoint spread → dewpoint depression		نم سنج الکتریکی electrical hygrometer
dewpoint temperature, thermodynamic dewpoint temperature	دمای نقطه شبنم	electrical resistance thermometer → resistance thermometer
dew trap	شبنم گیر	دما سنج الکتریکی electrical thermometer
diabatic process, non-adiabatic process	فرایند باد زرو	دما سنج الکترونیکی electronic thermometer
differential absorption hygrometer	نم سنج جذب تفاضلی	جبهه استوایی equatorial front
DIAL thermometer → differential absorption lidar thermometer		ناوه استوایی equatorial trough
differential absorption lidar thermometer, DIAL thermometer		خط هم پتانسیل equipotential line
		برون سپهر exosphere
		موج برون external wave
		چرخند برون حاره ای extratropical cyclone
		دمای قرین exterme temperature
		eye, eye of tropical cyclone, eye of the storm چشم توفان، چشم

aridity	خشکی	carbon-film hygrometer element	نم سنج زغالی
aspirated psychrometer → aspiration psychrometer		catathermometer → katathermometer	
aspirated thermometer	دما سنج دَمِشی	cavity	کاواک
aspiration meteorograph	هوانگار دَمِشی	chemical hygrometer	نم سنج شیمیایی
aspiration psychrometer, aspirated psychrometer	رطوبت سنج دَمِشی	chemosphere	شیمی سپهر
aspiration thermograph	دما نگار دَمِشی	chronothermometer	دما سنج ساعتی
Assmann psychrometer	رطوبت سنج آسمن	circumpolar vortex	تاوہ پیرا قطبی
atmospheric boundary layer, ABL		circumpolar whirl	چرخ پیرا قطبی
atmospheric duct	جَوَراہ	cloud-to-cloud discharge, intercloud discharge	وابارش ابر بہ ابر
atmospheric layer, atmospheric shell	لایہ جو	cold anticyclone	واچرخند سرد
atmospheric region	منطقہ جو	cold-core anticyclone	واچرخند سردہستہ
atmospheric shell → atmospheric layer		cold-core cyclone	چرخند سردہستہ
attached thermometer	دما سنج پیوست	cold-core high	پرفشار سردہستہ
auxiliary thermometer	دما سنج کمکی	condensation trail	ردِ میعانی
axis of trough → trough line		cold cyclone	چرخند سرد
bimetallic thermometer	دما سنج دولزی	cold high	پرفشار سرد
biofog	زیست مہ	cold low	کم فشار سرد
black-bulb thermometer	دما سنج سیاہ مخزن	cold tongue	زبانہ سرد
blowing snow	کولاک برف	constant-height chart	نقشہ ارتفاع ثابت
bottle thermometer	دما سنج بطری دار	constant-level chart, fixed-level chart	نقشہ تراز ثابت
Bourdon tube	لولہ بورڈن	constant-pressure chart	نقشہ فشار ثابت
Bourdon tube thermometer	دما سنج بورڈن	countergradient	پادشیو
bucket thermometer	دما سنج سطلی	countergradient flux	شار پادشیو
calm	آرامہ	countergradient wind	باد پادشیو
calm belt	کمر بند آرامہ	countertrade(s) → antitrade(s)	

polarographic cell	پیل قطبش نگاشتی	absolute drought	خشکسالی مطلق
polarography	قطبش نگاری	absolute humidity, vapour concentration	رطوبت مطلق
principle of detailed balancing	اصل موازنه تفصیلی	absolute maximum temperature	دمای بیشینه مطلق
protonation	پروتون دار شدن، پروتون دار کردن	absolute monthly maximum temperature	دمای بیشینه مطلق ماهانه
radical ion	یون رادیکال	absolute monthly minimum temperature	دمای کمینه مطلق ماهانه
relative permittivity → constant dielectric	منزوی سازی	absolute temperature extremes	فرین های مطلق دما
sequestration	عامل منزوی ساز	absorption hygrometer	نم سنج جذبی
sequestering agent	گرماشیمی	adfreezing	یخ چسبی
thermochemistry	گرمایوزن سنجی	aerobiology	هوازیست شناسی
thermogravimetry	پیوند سه مرکزی	aggregation	انبوهش
three-center bond	transition element, transition metal	agricultural drought	خشکسالی کشاورزی
transition element, transition metal	عنصر واسطه	air trap	هوابند
transition metal → transition element	transition state	alcohol-in-glass thermometer → spirit thermometer	
transition state	حالت گذار	alcohol thermometer → spirit thermometer	
transuranium element, transuranic element	عنصر فرااورانیم	annual maximum temperature	دمای بیشینه سالانه
transuranic element → transuranium element	triple bond	Antarctica	قاره جنوبگان
triple bond	پیوند سه گانه	Antarctic Circle	مدار جنوبگان
unimolecular reaction	واکنش تک مولکولی	anticyclonic gloom	تیرگی واچرخندی
unshared pair → lone pair	water softening	anticyclonic gloom days	روزهای تیرگی واچرخندی
water softening	نرم سازی آب، سختی گیری آب	antitrade(s), countertrade(s)	پادبسامان (ها)
Zwitterion → dipolar ion	ABL → atmospheric boundary layer	arid	خشک

contributing structure	ساختار سهم	hydrogen bond	پیوند هیدروژنی
compressed natural gas, CNG		intermolecular	بین مولکولی
گاز طبیعی فشرده، گاز فشرده		intermolecular forces	نیروهای بین مولکولی
coordinate bond → dative bond		intermolecular interaction	
coordinate valence → dative bond			برهم کنش بین مولکولی
coordinatively saturated	هماراسیرشده	intramolecular	درون مولکولی
coordinatively unsaturated	هماراسیرنشده	intramolecular forces	نیروهای درون مولکولی
crown ether	اتر تاجی	intramolecular interaction	
cyclization	حلقه‌ای شدن		برهم کنش درون مولکولی
cycloaddition	حلقه‌زایی	intramolecular reaction	واکنش درون مولکولی
dative bond, coordinate bond,		liquefied natural gas, LNG	
coordinate valence	پیوند یکسویه		گاز طبیعی مایع، گاز مایع
dielectric constant, relative permittivity		liquefied petroleum gas, LPG	
ثابت دی الکتریک			گاز نفت مایع، گاز نفت
diene	دی‌ان	LNG → liquefied natural gas	
dienophile	دی‌ان دوست	lone pair, unshared pair, nonbonding	
dimerization	دوپارش	electron pair	زوج تنها
dipolar aprotic solvent		LPG → liquefied petroleum gas	
حلال دو قطبی بی پروتون		neighbouring-group participation →	
dipolar cycloaddition	حلقه‌زایی دو قطبی	anchimeric assistance	
dipolar ion, Zwitterion	یون دو قطبی	nonbonding electron pair → lone pair	
dipole-dipole interaction		polarimeter, polariscope	قطبش سنج
برهم کنش دو قطبی - دو قطبی		polarimetry	قطبش سنجی
dipole moment	گشتاور دو قطبی	polariscope → polarimeter	
diradical → biradical		polarizer	قطب‌بنده
electron-deficient bridged carbocation		polarogram	قطبش نگاشت
کربوکاتیون پل شده با کمبود الکترون		polarographic	قطبش نگاشتی
electron-sufficient bridged carbocation		polarographic analysis	تجزیه قطبش نگاشتی
کربوکاتیون پل شده بدون کمبود الکترون			

sound mixer 1	دستگاه صدا آمیزی	asymmetric induction	القای بی تقارنی
sound mixer 2, mixer 1	صدا آمیز	attachment	اتصال
sound mixer 3, sound recordist 1,		autoprotolysis	خود پروتون کافت
sound engineer	صدا بردار	autoprotolysis constant	ثابت خود پروتون کافت
sound recordist 1 → sound mixer 3		biradical, diradical	دورادیکال
sound recordist 2 → tape recorder operator		bond energy	انرژی پیوند
steadicam operator	متصدی پایادوربین	bond moment	گشتاور پیوند
swing gang	گروه آرایه کاری	bond number	عدد پیوند
swing gang member	آرایه کار	bonding	تشکیل پیوند
tape recorder operator, sound recordist 2		borderline mechanism	سازوکار بینابینی
متصدی دستگاه ضبط صدا، متصدی دستگاه ضبط		bridged carbocation	کربوکاتیون پل شده
zoom	زوم	carbocyclic compound	ترکیب حلقه کربنی
zoom back → zoom out		carbonization, carburization	کربن شدن، کربن کردن
zoom in	زوم پیش	carburization → carbonization	
zoom lens	عدسی زوم	charge population	شمار بار
zoom out, zoom back	زوم پس	charge transfer spectrum	طیف انتقال بار
zoom shot	نمای زوم	chelate	چنگاله
	شیمی	chelated	چنگالیده، چنگاله ای
		chelate effect	اثر چنگاله ای
		chelation	چنگالش
ab initio calculation, ab initio computation	محاسبه از آغاز	cheletropic elimination	حذف چنگاله ای
ab initio computation → ab initio calculation		cheletropic reaction	واکنش چنگاله ای
anchimeric assistance, neighbouring-group participation	همیاری مجاورتی	chelometric	چنگاله سنجشی
annulation	حلقه جوشی	chelometry	چنگاله سنجی
aprotic solvent	حلال بی پروتون	chemical species	گونه شیمیایی
		CNG → compressed natural gas	

painter → scenic artist	re-recording mixer → dubbing mixer
peak time → prime time	rush print نسخه روزانه‌ها
PM → production manager	rush printing چاپ روزانه‌ها
post-production پس تولید	rush viewing تماشای روزانه‌ها
post-production coordinator هماهنگ‌کننده پس تولید	rushes, dailies روزانه‌ها
post-production supervisor ناظر پس تولید	scenery → prop(s)
pre-production پیش تولید	scenic artist, painter نقاش صحنه
prime time, peak time, class A time زمان اوج	scoring mixer صدابردار موسیقی فیلم، صدابردار موسیقی
producer تهیه‌کننده	set صحنه
production تولید	set decoration صحنه‌آرایی
production assistant دستیار تولید	set decorator صحنه‌آرا
production coordinator هماهنگ‌کننده تولید	set designer طراح صحنه
production designer طراح تولید	set designing طراحی صحنه
production designing طراحی تولید	set dresser صحنه‌پرداز
production illustrator مصورساز فیلمنامه	set dressing صحنه‌پردازی
production manager, PM مدیر تولید	set medic پزشک صحنه
production sound mixer مدیر صدابرداری	set prop(s) → prop(s)
prop assistant → property assistant	sound console, mixing console, mixer 2, mixing board میز صدا
properties → prop(s)	sound crew گروه صدا
property assistant, prop assistant متصدی وسایل صحنه	sound department بخش صدا
property master, prop master مسئول وسایل صحنه	sound design طراحی صدا
prop master → property master	sound designer طراح صدا
prop(s), properties, scenery, set prop(s) وسایل صحنه	sound editor تدوینگر صدا
raw stock فیلم خام	sound effects editor تدوینگر جلوه‌های صوتی
	sound engineer → sound mixer 3
	sound mix صدابرداری

director of photography 1	رویش روزنه‌ای
(در تلویزیون) مدیر تصویربرداری	
director of photography 2, first cameraman, chief cameraman	سرپرست آرایه‌کاران
(در سینما) مدیر فیلمبرداری	
drafts man → set designer	lead person → leadman
dubbing mixer, re-recording mixer	lighting crew, lighting technicians
صداگذار	گروه نور
first cameraman → director of photography 2	lighting department
floor mixer	بخش نور
صدابردار استودیوی فیلم، صدابردار استودیو	lighting technician → lighting crew
foley	lighting technicians → lighting crew
صداسازی	مجری طرح
foley artist, foley operator	location mixer → location sound mixer
صدا ساز	location sound mixer, location mixer
foley mixer	صدابردار مکان
صدابردار صدا سازی	masked shot → matte shot
foley operator → foley artist	mask shot → matte shot
independent broadcast station, independent station, indie 1	matte artist, matte painter
ایستگاه پخش مستقل	نقاب پرداز
independent cinema	matte painter → matte artist
سینمای مستقل	matte shot, masked shot, mask shot
independent film	نمای نقابی
فیلم مستقل	medium close shot, medium close up
independent film-maker	نمای نیمه‌نزدیک
فیلمساز مستقل	medium close up → medium close shot
independent film-making	medium long shot, American shot
فیلمسازی مستقل	نمای نیمه‌دور
independent producer	تهیه‌کننده مستقل
independent production, indie 2	mixer 1 → sound mixer 2
تولید مستقل	mixer 2 → sound console
independent station → independent broadcast station	mixing board → sound console
indie 1 → independent broadcast station	mixing console → sound console
indie 2 → independent production	music editor
iris shot	تدوینگر موسیقی
نمای روزنه‌ای	network affiliated station, affiliate, affiliated stations
	ایستگاه پخش وابسته

stepout → moveout		affiliated station → network affiliated station	
strain partitioning	افراز کرنش	American shot → medium long shot	
stress drop	افت تنش	arc shot	نمای قوسی
submarine earthquake → seaquake		below-the-line budget	بودجه زیر خط
terrain correction, topographic correction		blocking	جایابی
	تصحیح زمینگان	camera crew	گروه دوربین
topographic correction → terrain correction		cameraman 1 → camera operator 1	
torsion balance	ترازوی پیچشی	cameraman 2 → camera operator 2	
tsunami, seismic sea wave, seismic surge		camera operator 1, cameraman 1	(در تلویزیون) تصویربردار
	سونامی	camera operator 2, cameraman 2	(در سینما) فیلمبردار
undulation	موجوارگی	cast 1	گروه بازیگری
unstable gravimeter → astatized gravimeter		cast 2 → casting	
upsweep	فرارویش	cast assistant → casting assistant	
upward continuation	ادامه فراسو	cast director → casting director	
velocity pull-up, pull-up		casting, cast 2	انتخاب بازیگر
	فراراند سرعتی، فراراند	casting assistant	دستیار انتخاب بازیگر
velocity push-down, push-down		casting director, cast director	مسئول انتخاب بازیگر
	فروراند سرعتی، فروراند	chief cameraman → director of photography 2	
well log	چاه نگاره	class A time → prime time	
well logging	چاه نگاری	dailies → rushes	
wire line log	سیم خط نگاره	dialect coach → dialogue coach	
zero length spring	فنر صفر	dialogue coach, dialogue director,	
		dialect coach	مریی بیان و لهجه
above-the-line budget	بودجه بالاسری	dialogue director → dialogue coach	
abstract film	فیلم انتزاعی، فیلم تجریدی	dialogue editor	تدوینگر گفت‌وگو
affiliate → network affiliated station			

isogam line, isogam	خط هم شدت، هم شدت	primary reflection	بازتاب اولیه
isogonic line	خط هم انحراف، هم انحراف	pseudoastatized gravimeter → astatized gravimeter	
isomagnetic map	نقشه هم مغناطیسی	pull-up	تراز مرجع
isopor line	خط هم تغییر	push-down → velocity push-down	
isoseismal → isoseismal line		recurrence interval	بازه بازگشت
isoseismal line, isoseismal	خط هم لرز	reference level	سطح مرجع
labilized gravimeter → astatized gravimeter		reference plane → datum plane	
liquefaction	روانگرایی	reference spheroid	کره وار مرجع
local magnitude	بزرگی محلی	Richter magnitude	بزرگی ریشتر، بزرگی در مقیاس ریشتر
log	نگاره	seaquake, submarine earthquake	دریالرزه
long-path multiple	چندباره بلندمسیر	seaquake wave	دریالرزه موج
magnetic polarity	قطبایی مغناطیسی	second arrival	دومین رسید
magnetic polarization	قطبش مغناطیسی	secular variation	تغییرات سدهای
magnetic pole, dip pole	قطب مغناطیسی	seismic engineering → earthquake engineering	
magnetotelluric method	روش زمین مغناطی برقی	seismic hazard, earthquake hazard	خطر زمین لرزه
migrated section	مقطع کوچیده	seismic risk	خطرپذیری زمین لرزه ای
migration aperture	دریچه کوچ	seismic sea wave → tsunami	
misclosure → error of closure		seismic surge → tsunami	
moment magnitude	بزرگی گشتاوری	shadow zone	زون سایه
moveout, stepout	برون راند	short-path multiple	چندباره کوتاه مسیر
multiple reflection	بازتاب چندباره	slip partitioning	افراز لغزش
normal moveout	برون راند بهنجار	southern lights	نورهای جنوبی
northern lights	نورهای شمالی	split spread	دوسوگسترش
offset	دورافت	split spread data acquisition	داده برداری دوسوگسترش
peg-leg multiple	چندباره چوب پایی		
pilot trace	رد راهنما		
poststack migration	کوچ پس برانباشت		
prestack migration	کوچ پیش برانباشت		

colatitude	متمم عرض جغرافیایی	error of closure, misclosure, closing error	خطای بست
common-offset gather, common range gather	گردآورد هم‌دورافت	fault segmentation	قطعه‌بندی گسل
common range gather → common-offset gather		first arrival	اولین رسید
		first break	اولین شکن
crosshole method	روش بین‌چاهی	footprint → artifact	
crossover distance	فاصله هم‌گذری	geoidal height	ارتفاع زمینوار
cross spread	گسترش چلیپایی	geoidal separation	جدایش زمینوار
datum plane, reference plane, reference level	سطح مبنا، سطح مرجع، تراز مرجع	geoid height → geoidal height	
dip log, dipmeter log	شیب‌نگاره	geoid separation → geoidal separation	
dipmeter log → dip log		geoid undulation	موج‌واری زمینوار
dip moveout	برون‌راند شیب	geomagnetic equator	استوای زمین مغناطیسی
dip needle	سوزن مغناطیسی	geomagnetic secular variation	تغییرات سده‌ای زمین مغناطیسی
dip pole → magnetic pole		gradiometer	گرادیان‌سنج
downsweep	فروروش	hidden layer	لایه پنهان
downward continuation	ادامه فروسو	induced magnetization	مغناطش القایی
earthquake engineering, seismic engineering	مهندسی زلزله	intercept time	زمان برخوردگاه
earthquake hazard → seismic hazard		interval velocity	سرعت بازه‌ای
earthquake magnitude	بزرگی زمین‌لرزه	invaded zone	زون تاخته
earthquake precursors	پیش‌نشانگرهای زمین‌لرزه	isanomalous line → isoanomalous line	
end-on spread	یک‌سوگسترش	isanomaly → isoanomaly	
end-on spread seismic profile	پروفیل لرزه‌ای یک‌سوگسترش	isanomaly curve → isoanomaly curve	
engineering seismology	زلزله‌شناسی مهندسی	isoanomalous line	خط هم‌بی‌هنجاری
Eötvös balance	ترازوی اوتوش	isoanomaly	هم‌بی‌هنجاری
Eötvös torsion balance	ترازوی پیچشی اوتوش	isoanomaly curve	خم هم‌بی‌هنجاری
		isocline	خط هم‌میل، هم‌میل
		isodynamic	خط هم‌دینامیک، هم‌دینامیک
		isogal	خط هم‌گرانی، هم‌گرانی
		isogam → isogam line	

vernal 1	بَین‌بهارى	astatic gravimeter → astatized gravimeter	
vernal 2	بهارى	astatized gravimeter, unstable gravimeter, labilized gravimeter, astatic gravimeter, pseudoastatized gravimeter	
water loss → evapotranspiration			گرانی‌سنج ناپایدارنما
winter sleep → hibernation			
zoocenosis → zoocoenosis			
zoocoenosis	زیاسازند	aurora australis	شفق جنوبگان
		aurora borealis	شفق شمالگان
		automatic picking	گزینش خودکار
		auxiliary fault plane → auxiliary plane	
		auxiliary plane, auxiliary fault plane	صفحه کمکی
acoustic log	نگاره آکوستیکی	bar magnet	آهن‌ربای میله‌ای
acoustic well logging	چاه‌نگاری آکوستیکی	barrier	سد جنبش، سد
aerial gravimetry	گرانی‌سنجی هوایی	blind zone	زون کور
aerial magnetometry, airborne magnetometry	مقناطیس‌سنجی هوایی، مقناطیس‌سنجی هوابرد	body-wave magnitude	بزرگی موج حجمی
aeromagnetic map	نقشه هوا مقناطیسی	borehole	چاه گمانه، چاه
airborne magnetometer	مقناطیس‌سنج هوابرد	borehole effect	اثر چاه
airborne magnetometry	مقناطیس‌سنجی هوابرد	borehole geophone	چاه‌لرزه‌یاب
air gun	تفنگ هوا	borehole gravimeter	چاه‌گرانی‌سنج
airwave	هواموج	borehole televiewer	دوربین درون‌چاهی
alias band	نوار دگرنام	borehole-to-borehole method	روش چاه‌به‌چاه
alias filter, antialias filter	صافی دگرنام	Bouguer correction → Bouguer reduction	
aliasing	دگرنامی	Bouguer reduction, Bouguer correction	برگردان بوگه
antialias filter → alias filter		bubble effect	اثر حباب
arrival time	زمان رسید	bubble pulse	تپ حباب، پالس حباب
artifact, footprint	پردازش‌ماند	bulk density	چگالی کپه‌ای
aseismic	بی‌لرزه	closing error → error of closure	
asperity	تنشگاه		

ژئوفیزیک

spike potential	پتانسیل نیزه‌ای	potential	
subspecies	زیرگونه	transmissible	سرایت‌پذیر
subspecific	زیرگونه‌ای	transmission 1	تراگسیل
succession	توالی	transmission 2	سرایت
sudation 1 → guttation		transmission genetics, classical genetics	
sudation 2 → perspiration 1		ژن‌شناسی ترانسلی	
sudor → perspiration 2		transmitter	تراگسیلنده
summer dormancy → aestivation 2		transpiration 1 → insensible perspiration	
superspecies	آبرگونه	transpiration 2	ترادیمش، تعرق
superspecific	آبرگونه‌ای	transport	ترابرد
supraspecific	فراگونه‌ای	transporter, carrier protein	ترابّر
supraspecific level	تراز فراگونه‌ای	transposable element → transposon	
supraspecific rank	رتبه فراگونه‌ای	transposition	ترانهش
sweat → perspiration 2		transposon-like element → transposon	
sweating → perspiration 1		transposon, mobile genetic element, selfish genetic element, transposable element, mobile element, jumping gene, transposon-like element	ترانهشه
symport	همبری	transudaroty	ترازهشی
symporter	همبر	transudate, transudation 1	ترازیه
threshold → threshold potential		transudation 1 → transudate	
threshold potential, firing point, firing level, threshold	پتانسیل آستانه	transudation 2	ترازهش
torpidity → aestivation 2		trophic chain → food chain	
total evaporation → evapotranspiration		trophic level	تراز تغذیه
transcellular transport	ترابرد تراپاخته‌ای	trophic pathway → food chain	
transfection	تراآلابی	twin species → sibling species	
translocation 1	تراسپاری ۱	uniport → facilitated diffusion	
translocation 2, chromosomal translocation	تراسپاری ۲، تراسپاری فام‌تنی	uniporter	تک‌بر
transmembrane potential → membrane			

morphospecies	ریخت‌گونه	population growth	رشد جمعیت
nonsecretor	نا ترشح‌ساز	population pyramid	هرم جمعیت
obligatory diapause	میان‌آسایی اجباری	population size	اندازه جمعیت
omnivore, omnivorous animal, omnivorous, diversivore	همه‌چیزخوار	prefloration → aestivation 1	
omnivorous animal → omnivore		prevernal	سربهاری
omnivorous → omnivore		race	نژاد
paleospecies, chronospecies	دیرین‌گونه	racial	نژادی
paracellular transport	تأیید پیرایاخته‌ای	repolarization	بازقطبش
passive transport	تأیید غیرفعال	resting potential	پتانسیل استراحت
perspiration 1, sudation 2, sweating	تعریق ۲	sarcophagous → carnivore	
perspiration 2, sweat, sudor	عرق	secrete	ترشح کردن
physiological race	نژاد کاراندام‌شناختی	secretion	ترشح
phytocenology → phytocoenology		secretor 1	ترشح‌ساز
phytocenosis → phytocoenosis		secretor 2, secretor gene	ژن ترشح‌ساز
phytocoenology	گیاسازندشناسی	secretor gene → secretor 2	
phytocoenosis, plant community, plant formation, plant groupment	گیاسازند	secretory	ترش‌چی
phytophagous → herbivore		selfish genetic element → transposon	
plant community → phytocoenosis		semispecies, allospecies, incipient species	نیم‌گونه
plant formation → phytocoenosis		sensible perspiration	تعریق محسوس
plant groupment → phytocoenosis		serotinal	بُن تابستانی
plant population	جمعیت گیاهی	sibling species, aphanic species, twin species, cryptic species	گونه‌های همزاد
population structure	ساختار جمعیت	simple diffusion, diffusion	پخش ساده
population	جمعیت	single diffusion	پخش یک‌جانبه
population biology	زیست‌شناسی جمعیت	speciation	گونه‌زایی
population cycle	چرخه جمعیت	species	گونه
population ecology	بوم‌شناسی جمعیت	specific	گونه‌ای

flora	گیاهان	infraspecific level	تراز فروگونه‌ای
floristic	گیاهانی	infrasubspecific	فروزیرگونه
floristics	گیاهان‌شناسی	insensible perspiration, transpiration 1	تعریق نامحسوس
fly-off → evapotranspiration		interspecific	بین‌گونه‌ای
food chain, trophic chain, trophic pathway	زنجیره غذایی	interspecific competition	رقابت بین‌گونه‌ای
food cycle	چرخه غذایی	interspecific hybrid	دورگه بین‌گونه‌ای
food nexa → food web		interspecific relation	رابطه بین‌گونه‌ای
food pyramid → ecological pyramid		intraspecific	درون‌گونه‌ای
food web, food nexa	شبکه غذایی	intraspecific rank	رتبه درون‌گونه‌ای
free diffusion	پخش آزاد	jordanon → microspecies	
gel diffusion → immunodiffusion		jumping gene → transposon	
guttation, sudation 1	زهش، تعریق ۱	lag growth phase → lag phase	
guttational	زهشی، تعریقی	lag period → lag phase	
herbivore, herbivorous, herbivorous animal, phytophagous	علفخوار	lag phase, lag growth phase, lag period	مرحله تأخیر
herbivorous → herbivore		lipid bilayer	دولایه لیپیدی
herbivorous animal → herbivore		marine biocenosis → marine biocoenosis	
herbivory	علفخواری	marine biocoenosis	زی‌سازند دریایی
hibernal, hiemal	زمستانی	membrane potential, transmembrane potential	پتانسیل غشا
hibernation, winter sleep, deep hibernation	زمستان‌خوابی	mendelian genetics, mendelism	ژن‌شناسی مندلی
hibernator	زمستان‌خواب	mendelism → mendelian genetics	
hiemal → hibernal		microbiocenosis → microbiocoenosis	
immunodiffusion, gel diffusion	پخش ایمنی‌شناختی	microbiocoenosis	ریزی‌سازند، ریزی‌سازند
incipient species → semispecies		microspecies, jordanon	ریزگونه
individual	فرد	mobile element → transposon	
infraspecific	فروگونه‌ای	mobile genetic element → transposon	

cotransporter	هم‌تراز	estival 1 → aestival 1	
countertransport	پاد‌تراز	estival 2 → aestival 2	
creophagous → carnivore		estivation 1 → aestivation 1	
cryptic species → sibling species		estivation 2 → aestivation 2	
deep hibernation → hibernation		evapotranspiration, total evaporation, water loss, fly-off	برترادیش، تبخیر-تغرق
detriphage → detritivore		exchange diffusion	پخش مبادله‌ای
detriphagous → detritivore		excitable cell	یاخته تحریک پذیر
detritivore, detriphage, detriphagous, detritorous, detritus feeder	پوده‌خوار	excitable cell membrane → excitable membrane	
detritivory	پوده‌خواری	excitable membrane, excitable cell membrane	غشای تحریک پذیر
detritus feeder → detritivore		excrement → excretion 2	
detritorous → detritivore		excrete	دفع کردن
diapause	میان‌آسایی	excretion 1	دفع
diffusion → simple diffusion		excretion 2, excrement	ماده دفعی
diffusion respiration	تنفس پخشی	excretory	دفعی
diversivore → omnivore		exudate, exudation 1	برون‌زهمه
double diffusion, double immunodiffusion	پخش دوجانبه	exudation 1 → exudate	
double immunodiffusion → double diffusion		exudation 2	برون‌زهش
ecological pyramid, Eltonian pyramid, food pyramid	هرم بوم‌شناختی	exudative	برون‌زهشی
ecological race	نژاد بوم‌شناختی	facilitated diffusion, uniport, carrier membrane diffusion	پخش آسان
ecological system → ecosystem		fauna	زیاگان
ecospecies	بوم‌گونه	faunistic	زیاگانی
ecosystem, ecological system	بوم‌سازگان	faunistics	زیاگان‌شناسی
ecotone	مرزبوم	firing level → threshold potential	
electrochemical gradient	شیب الکتروشیمیایی	firing point → threshold potential	
Eltonian pyramid → ecological pyramid			

weathering crust	پوسته هوازدگی	biocoenosis, biocoenose	زی‌سازند
weathering front	جبهه هوازدگی	biological race	نژاد زیست‌شناختی
weathering index	شاخص هوازدگی	biomass	زی توده
xenocryst	بیگانه بلور	biomass energy	انرژی زی توده‌ای
xenolith	بیگانه سنگ	biomass pyramid	هرم زی توده
		biome	زیمان
		biospecies	زی گونه
		biota	زیواگان
		biotope	زی جا
		bulk transport	تراژد توده‌ای
		carnivora	گوشتخواران
		carnivore, carnivorous, carnivorous animal, sarcophagous, creophagous	گوشتخوار
		carnivorous animal → carnivore	
		carnivorous → carivore	
		carnivory	گوشتخواری
		carrier membrane diffusion → facilitated diffusion	
		carrier protein → transporter	
		chromosomal translocation	تراسپاری فام تنی
		chronospecies → paleospecies	
		classical genetics → transmission genetics	
		climax	اوج
		cilmax theory	نظریه اوج
		concentration gradient	شیب غلظت
		conditional diapause	میان‌آسایی شرطی
		cotransport	هم‌تراژدی
زیست‌شناسی			
action potential	پتانسیل کنش		
active transport	تراژد فعال		
aestival 1	تابستانی		
aestival 2	سرتابستانی		
aestivation 1, prefloration	پوش آذین		
aestivation 2, summer dormancy, torpidity	تابستان‌خوابی		
after-hyperpolarization → afterpotential			
after-hyperpolarizing → afterpotential			
afterpotential, after-hyperpolarization, after-hyperpolarizing potential	پس پتانسیل		
allospecies → semispecies			
antiport	پادبری		
antiporter	پادبر		
aphanic species → sibling species			
autumnal	پاییزی		
biocenose → biocoenosis			
biocenosis → biocoenosis			
biocoenose → biocoenosis			

oceanic ridge → mid-oceanic ridge		shingle beach → cobble beach	
oil trap	تله نفتی	slate	سنگ لوح
orogenesis → orogeny		streak	رنگ خاکه
orogenic	کوهزادی	streak plate	صفحه رنگ خاکه
orogenic belt	کمربند کوهزایی	strike-slip fault → strike-slip fault	
orogenic cycle	چرخه کوهزایی	strike-slip fault, strike-slip fault	
orogeny, orogenesis	کوهزایی		گسل امتداد لغز
outcrop	برون زد	structural nose → anticlinal nose	
outcrop map	نقشه برون زد	subducted	فرورانده
outcropped	برون زده	subducting	فرورو
outcropping	برون زدن، برون زنش	subducting plate	صفحه فرورو
overturned fold, inverted fold, reversed fold	چین واژگون	subduction	فرورانش
partial melting	ذوب بخشی	subduction zone	زون فرورانش
pebble	ریگ	supercontinent	آبرقاره
pebbly	ریگ دار	supercontinental	آبرقاره ای
pebbly sand	ماسه ریگ دار	synclinal	ناودیس
plunging fold	چین شیب محور	synclinal axis	محور ناودیس
polar wandering	سرگردانی قطبی	synclinal fold	چین ناودیس
potable water	آب آشامیدنی	synclinal valley	دره ناودیس
prodelta	پیش دلتا	syncline	ناودیس
reversed fault → reverse fault		tectonic mélange	آمیزه زمین ساختی
reversed fold → overturned fold		terrigenous deposit	نهشته خشکی زاد
reverse fault, reversed fault	گسل معکوس	terrigenous sediment	رسوب خشکی زاد
rock-forming mineral	کانی سنگ ساز	triple junction	پیوستگاه سه گانه
rockfall, rock fall	سنگ ریزش	varve	سال چین
roundstone → cobble		weathering	هوازدگی
saline water	آب شور	weathered	هوازده
sand and gravel	شن و ماسه	weathering correction	تصحیح هوازدگی

aquiclude, aquitard	آبخوان کم تراوا	fresh water sediment	رسوب آب شیرین
aquitard → aquiclude		fresh water swamp	باتلاق آب شیرین
barrier island	جزیره سدی	fumarole	دودخان
bed load	بار بستر	fumarole field	میدان دودخان
bed rock	سنگ بستر	fumarolic	دودخانی
biochronology	زیست‌گاه‌شماری	fumarolic stage	مرحله دودخانی
biofacial	زیست‌رخساره‌ای	glacial varve	سال‌چینه یخساری
biofacies	زیست‌رخساره	glacial age	عصر یخبندان
biofacies map	نقشه زیست‌رخساره	gravel	شن
biofacies zone	زون زیست‌رخساره‌ای	gravely	شنی
boulder	تخته‌سنگ	guide fossil	فسیل راهنما
boulder clay	رس تخته‌سنگی	hinge line	خط لولا
cobble, roundstone	قلوه سنگ	hinge line fault	گسل خط لولایی
cobble beach, shingle beach	ساحل قلوه‌سنگی	horizontal fold → nonplunging fold	
cobblestone	سنگ قلوه‌سنگی	index fossil	فسیل شاخص
cobbly	قلوه‌سنگی	inverted fold → overturned fold	
colored mélange	آمیزه رنگین	level fold → nonplunging fold	
concordant drainage → accordant drainage		mélange	آمیزه
concordant junction → accordant junction		mid-oceanic ridge, oceanic ridge	پشته میان‌اقیانوسی
cone of detritus → alluvial cone		nonplunging fold, horizontal fold, level fold	چین ناشیب‌محور، چین افقی
debris cone → alluvial cone		normal fault	گسل عادی
diagonal-slip fault → oblique-slip fault		nose → anticlinal nose	
discordant drainage	زهکش ناهم‌ساز	obducted	فرارنده
discordant junction	پیوستگاه ناهم‌ساز	obducting plate	صفحه فرارو
doubly plunging fold	چین دوشیب‌محور	obduction	فرارانش
fissile rock	سنگ تورق‌پذیر	oblique-slip fault, diagonal-slip fault	
fresh water	آب شیرین		گسل اریب‌لغز

segmentation	تقطیع	واج‌شناسی زیرزنجیری
semantic structure	ساخت معنایی	زبان‌شناسی همزمانی
sentence accent	تکیه جمله	ساخت نحوی
social accent	لهجه اجتماعی	دشوازه
sociolinguistics	زبان‌شناسی اجتماعی	زبان‌شناسی نظری،
sociology of language	جامعه‌شناسی زبان	زبان‌شناسی همگانی
speech act	کنش گفتاری	گونه
speech act theory	نظریه کنش گفتاری	word accent → accent 2
statistical linguistics	زبان‌شناسی آماری	
stress → accent 2		زمین‌شناسی
structural	ساختی	accordant drainage, concordant drainage
structural analysis	تجزیه ساختی	زهکش همساز
structural case	حالت ساختاری	accordant fold
structural change	تغییر ساختی	چین همساز
structural description, structural index	توصیف ساختی	accordant junction, concordant junction
structural grammar	دستور ساختی	پیوستگاه همساز، پیوستگاه
structural index → structural description		alluvial cone, cone of detritus, debri cone
structuralism, structural linguistics	ساختگرایی	مخروط آبرفتی
structuralist	ساختگرا	alluvial fan
structural linguistics → structuralism		پنجه آبرفتی
structure	ساخت	anticlinal
suprasegmental	زیرزنجیری	طاق‌دیسی
suprasegmental feature	مشخصه زیرزنجیری	anticlinal axis
suprasegmental phonetics	آواشناسی زیرزنجیری	محور طاق‌دیسی
suprasegmental phonology		anticlinal crest
		ستبج طاق‌دیسی
		anticlinal fold
		چین طاق‌دیسی
		anticlinal nose, nose, structural nose
		دماغه طاق‌دیسی
		anticlinal reservoir
		مخزن طاق‌دیسی
		anticlinal theory
		نظریه طاق‌دیسی
		anticlinal valley
		دره طاق‌دیسی
		anticline
		طاق‌دیس

external language → externalized language	عصب‌شناس زبان	neurolinguist
first language	عصب‌شناسی زبان	neurolinguistics
forensic linguistics	زبان‌شناسی هم‌زمانی	panchronic linguistics
forensic phonetics	هم‌زمانی	panchrony
general linguistics	زبان‌شناسی همگانی	performance → linguistic performance
geographical accent	لهجه جغرافیایی	perlocutionary act, perlocutionary effect
grammatical competence	کنش تأثیری	perlocutionary effect → perlocutionary act
grammatical structure	ساخت و اجی	phonological structure
historical linguistics	زبان‌شناسی تاریخی	pitch accent
idiolect	گوش فردی	pragmatic
illocutionary act	کنش منظوری	pragmatic competence
illocutionary force	کنش گفتاری غیرمستقیم	pragmatics
inherent case	حالت ذاتی	predicate 1
intensional language → internalized language	گزاره ۱	predicate 2, predicator
internalized language, internal language,	محمول	predication
intensional language	اسناد	predicative
internal language → internalized language	اسنادی	predicator → predicate 2
language	زبان	proposition, propositional meaning,
lexicographer	فرهنگ‌نگار	propositional content
lexicographical	فرهنگ‌نگاشتی	propositional
lexicography	فرهنگ‌نگاری	propositional content → proposition
linguistic competence, competence	توانش زبانی، توانش	propositional meaning → proposition
linguistic performance, performance	کنش زبانی، کنش	psycholinguistics
locutionary act	کنش مفهومی	regional accent
mathematical linguistics	زبان‌شناسی ریاضی	segment
		segmental phonology

short radius → apothem	واج‌شناسی خودواحد، واج‌شناسی جزء مستقل
slant asymptote	مجانِب مایل
smooth morphism	ریختار هموار
standard error	خطای معیار
statistic	آماره
subadditive function	تابع زیرجمعی
successive	متوالی
successor, consequent 2	تالی
superadditive function	تابع زبرجمعی
test statistic	آمارهٔ آزمون
unbiased	نااریب
unbiased estimate	برآورد نااریب
unbiased estimator	برآوردگر نااریب
uniform isomorphism	یکریختی یکنواخت
vertical asymptote	مجانِب قائم
زبان‌شناسی	
abstract case	حالت انتزاعی
accent 1	لهجه
accent 2, stress, word accent	تکیه، تکیهٔ واژه
accented	تکیه‌دار
accental	تکیه‌ای
anthropological linguistics	مردم‌شناسی زبان، زبان‌شناسی مردم‌شناختی
applied linguistics	زبان‌شناسی کاربردی
autosegmental phonology	
case 1	حالت ۱، حالت دستوری
case 2	حالت ۲، حالت معنایی
case grammar	دستور حالت
communicative competence	توانش ارتباطی
comparative linguistics	زبان‌شناسی تطبیقی
competence → linguistic competence	
construction	ساختار
contrastive analysis → contrastive linguistics	
contrastive linguistics, contrastive analysis	زبان‌شناسی مقابله‌ای
corpus linguistics	زبان‌شناسی پیکره‌ای
critical linguistics	زبان‌شناسی انتقادی
descriptive linguistics	زبان‌شناسی توصیفی
diachronic linguistics	زبان‌شناسی درزمانی، زبان‌شناسی تاریخی
diachrony	درزمانی
dialect	گویش
dialectal	گویشی
dialectology	گویش‌شناسی
direct speech act, speech act	کنش گفتاری مستقیم
educational linguistics	زبان‌شناسی تربیتی، زبان‌شناسی آموزشی
ethnolinguistics	زبان‌شناسی قومی
extensional language → externalized language	
externalized language, external language, extensional language	زبان برونی

flat morphism	ریختار تخت	morphism	ریختار
free variable	متغیر آزاد	noncommutative algebra	جبر ناجابه‌جایی
function algebra	جبر تابعی	numberator, antecedent 2	صورت
group algebra	جبر گروهی	object	شیء
horizontal asymptote	مجانِب افقی	order statistic	آمارهٔ ترتیبی
immediate successor	تالی بلافصل	outer automorphism	خودریختی برونی
independent variable, argument of a function	متغیر مستقل	posterior density, a posteriori density	چگالی پسینی
induced homomorphism	همریختی القایی	posterior distribution, a posteriori distribution	توزیع پسینی
inefficient estimator	برآوردگر ناکارا	posterior probability, a posteriori probability	احتمال پسینی
initial object, cofinal object	شیء آغازی	principal automorphism	خودریختی اصلی
inner automorphsim	خودریختی درونی	prior density, a priori density	چگالی پیشینی
inverse morphism	ریختار وارون	prior distribution, a priori distribution	توزیع پیشینی
lattice	شبکه	prior probability, a priori probability	احتمال پیشینی
lattice distribution	توزیع شبکه‌ای	product category	رستهٔ حاصل ضرب
lattice homomorphism	همریختی شبکه‌ای	regression	وایازش
lattice isomorphism	یکریختی شبکه‌ای	regression analysis	تحلیل وایازشی
laws of the mean $\rightarrow$ mean value theorems		regression coefficient	ضریب وایازشی
limit point $\rightarrow$ accumulation point		regression curve	خم وایازش
linear algebra	جبر خطی	regression estimator	برآوردگر وایازشی
linear congruence	همنهشتی خطی	regression line	خط وایازش
linear estimator	برآوردگر خطی	regression model	مدل وایازشی
mean, mean value	میانگین	selection statistic	آمارهٔ گزینش
mean value $\rightarrow$ mean		set function	تابع مجموعه‌ای
mean value of a function	مقدار میانگین تابع		
mean value theorems, laws of the mean	قضیه‌های مقدار میانگین		
measure of association	معیار پیوند		

cell frequency	بسامد خانه‌ای، فراوانی خانه‌ای	congruence transformation	تبدیل همنهشتی
census	سرشماری	congruent	همنهشت
central angle, angle at center	زاویه مرکزی	congruent figures	شکل‌های همنهشت
chainette → catenary		congruent numbers	عددهای همنهشت
cluster point → accumulation point		consequent 1 → denominator	
cofinal object → initial object		consequent 2 → successor	
common denominator	مخرج مشترک	constant term, absolute term	جمله ثابت
commutative algebra	جبر جابه‌جایی	continuous function	تابع پیوسته
complementary angles	زاویه‌های متمم	continuous homomorphism	همریختی پیوسته
complementary function	تابع مکمل	correlation	همبستگی
complementation	مکمل‌گیری	correlation coefficient	ضریب همبستگی
complementation law	قانون مکمل‌گیری	correlation matrix	ماتریس همبستگی
complement of an angle	متمم زاویه	correlation ratio	نسبت همبستگی
complement of a set	مکمل مجموعه	denominator, consequent 1	مخرج
complete accumulation point	نقطه انباشتگی کامل	differential equation	معادله دیفرانسیل
complete lattice	شبکه کامل	division algebra	جبر تقسیمی
complex number	عدد مختلط	efficient estimator	برآوردگر کارا
complex variable	متغیر مختلط	efficient statistic	آماره کارا
component of a space	مؤلفه فضا	endomorphism	درون‌ریختی
component of a vector	مؤلفه بردار	estimand	برآوردنی
composite number, composite quantity	عدد مرکب	estimate	برآورد ۱
composite quantity → composite number		estimation	برآورد ۲
concurrent lines	خط‌های هم‌رس	estimator	برآوردگر
conconcyclic points	نقطه‌های هم‌دایره	final object	شیء پایانی
congruence	همنهشتی	finite cell complex	مجموعه خانه‌ای متناهی
congruence axiom	اصل موضوع همنهشتی	finitely additive set function → additive set function	
		finite morphism	ریختار متناهی

approximation 2	تقریب زدن ۲	augmented matrix	ماتریس افزوده
approximation formula	فرمول تقریب	autocorrelation	خودهمبستگی
approximation theorems	قضیه‌های تقریب	autocorrelation function	تابع خودهمبستگی
approximation theory	نظریه تقریب	automorphism	خودریختی
argument 1	شناسه ۱	autoregressive series	سری خودواباز
argument 2, amplitude	شناسه ۲	average	متوسط
argument of a function $\rightarrow$ independent variable		Banach algebra	جبر باناخ
arithmetic mean	میانگین حسابی	bias	اریبی
association	پیوند	biased	اریب
association coefficient	ضریب پیوند	biased estimator	برآوردگر اریب
astroid	ستاره‌وار	biased sample	نمونه اریب
asymptote	مجانِب	biased statistic	آماره اریب
asymptotic	مجانِبی	biased test	آزمون اریب
asymptotic curve	خمِ مجانِبی	bias error	خطای اریبی
asymptotic distribution	توزیعِ مجانِبی	binomial congruence	همنهشتی دوجمله‌ای
asymptotic efficiency	کاراییِ مجانِبی	birth-and-death process	فرایند زاد و مرگ
asymptotic efficient estimator		birth process	فرایند زاد
	برآوردگر کارایِ مجانِبی	bivariate binomial distribution	
asymptotic normality	بهنجاریِ مجانِبی، نرمال بودنِ مجانِبی		توزیع دوجمله‌ایِ دومتغیره
asymptotic relative efficiency	کاراییِ نسبیِ مجانِبی	bivariate distribution	توزیع دومتغیره
asymptotic standard error	خطای معیارِ مجانِبی	bivariate normal distribution	توزیع بهنجار دومتغیره، توزیع نرمال دومتغیره
asymptotic tangent	مماسِ مجانِبی	bound variable	متغیر پابند
asymptotically unbiased estimator		bundle morphism	ریختار کلافی
	برآوردگرِ مجانِبیِ نااریب	category	رسته
attribute	صفت کیفی	catenary, alyroid, chainette	زنجیره
		catenoid	زنجیره‌وار
		cell complex	مجتمع خانه‌ای

absolute frequency	بسامد مطلق، فراوانی مطلق	algebra	جبر
absolutely continuous function	تابع مطلقاً پیوسته	algebra homomorphism	همریختی جبرها
absolute number	عدد مطلق	algebra isomorphism	یکریختی جبرها
absolute term $\rightarrow$ constant term		alysoid $\rightarrow$ catenary	
absorbing set	مجموعه جاذب	amplitude $\rightarrow$ argument 2	
absorbing subset	زیرمجموعه جاذب	analytic isomorphism	یکریختی تحلیلی
absorption law, absorption rule,		ancillary information	اطلاع کمکی
absorptive law	قانون جذب	ancillary statistic	آماره کمکی
absorption rule $\rightarrow$ absorption law		angle at center $\rightarrow$ central angle	
absorptive law $\rightarrow$ absorption law		antecedent 1	مقدم
accumulation point, cluster point,		antecedent 2 $\rightarrow$ numerator	
limit point	نقطه انباشتگی	antiautomorphism	پادخودریختی
additive category	رسته جمعی	antiendomorphism	پاددرونریختی
additive function	تابع جمعی	a posteriori density $\rightarrow$ posterior density	
additive inverse additive $\rightarrow$ element inverse		a posteriori distribution $\rightarrow$ posterior distribution	
additive inverse element, additive inverse	عنصر وارون جمعی	a posteriori probability $\rightarrow$ posterior probability	
additive set function, finitely additive set function	تابع مجموعه‌ای جمعی	a priori density $\rightarrow$ prior density	
ad infinitum	تا بی‌نهایت	a priori distribution $\rightarrow$ priordistribution	
admissible estimator	برآوردگر پذیرفتنی	a priori probability $\rightarrow$ prior probability	
admissible homomorphism	همریختی پذیرفتنی	apothem, short radius	سهم
affine morphism	ریختار همگر	approximate 1	تقریب زدن ۱
aleph nought $\rightarrow$ aleph null		approximate 2	تقریبی
aleph null, aleph zero, aleph nought	الف صفر	approximate derivative	مشتق تقریبی
aleph zero $\rightarrow$ aleph null		approximate solution	جواب تقریبی
		approximate value	مقدار تقریبی
		approximation 1	تقریب

introspective	درون‌نگر	psychotic	روان‌پریش
long term memory, secondary memory, long term store, permanent memory	حافظه بلندمدت	racial discrimination	تبعیض نژادی
long term store → long term memory		rote learning	یادگیری طوطی‌وار
memory	حافظه	rote memorization	یادسپاری طوطی‌وار
memory disorder	اختلال حافظه	rote memory	حافظه طوطی‌وار
memory span	گستره حافظه	rote recall	یادآوری طوطی‌وار
neuropsychiatry	عصب‌روان‌پزشکی	secondary drive	سائق ثانویه
neurosis	روان‌نژندی	secondary memory → long term memory	
neurotic	روان‌نژند	self-actualization	خودشکوفایی
nondirective interview	مصاحبه غیرمستقیم	self-actualized	خودشکوفاشده
normal autism	درخودماندگی بهنجار	self-actualizer	خودشکوفا
organic psychosis	روان‌پریشی عضوی	self-image	خودانگار
paranormal cognition → extrasensory perception		sensory awareness	حس آگاهی
perception	ادراک حسی، ادراک	sexual discrimination	تبعیض جنسی
perceptive → perceptual		short term memory, immediate memory, short term store, primary memory, working memory	حافظه کوتاه‌مدت
perceptual, perceptive	ادراکی	short term store → short term memory	
permanent memory → long term memory		situational attribution	اسناد موقعیتی
phobic neurosis	روان‌نژندی هراسی	social discrimination	تبعیض اجتماعی
primary drive	سائق اولیه	superiority feeling	احساس مهتری
primary memory → short term memory		sympathy	همدردی
psychiatrist	روان‌پزشک	unsocial behavior → asocial behavior	
psychiatry	روان‌پزشکی	working memory → short term memory	
psychosis	روان‌پریشی		
psychotherapist	روان‌درمانگر		
psychotherapy	روان‌درمانی		
		ریاضی	
		Abelian category	رسته آبدلی

consciousness expansion	بسط خودآگاهی	ethologist	کردارشناس
consciousness raising	پرورش خودآگاهی	ethology	کردارشناسی
consciousness span	گستره خودآگاهی	extrasensory perception, paranormal cognition	ادراک فراحسی
coping	مدارا	feeling	احساس
coping mechanism	سازوکار مدارا	group psychotherapy	روان درمانی گروهی
countercompulsion	ضداجبار	hyperactivity	بیش فعالی
creativity	آفرینندگی، خلاقیت	hysterical neurosis	روان‌نژندی هیستریک
defense mechanism	سازوکار دفاعی	identity	هویت
delayed conditioning	شرطی شدن تأخیری	identity crisis	بحران هویت
discrimination	تبعیض	identity disorder	اختلال هویت
dispositional attribution	اسناد گرایشی	identity formation	تشکیل هویت
dissonance theory → cognitive dissonance		identity status	وضعیت هویتی
drive	سائق	identity theory	نظریه هویت
drive strength	قدرت سائق	immediate memory → short term memory	
emotion	هیجان	inappropriate affect	عاطفه نابجا
emotional	هیجانی	incentive	مشوق
emotional behaviour	رفتار هیجانی	incentive theory	نظریه تشویق
emotional liability	بی‌ثباتی هیجانی	inferiority feeling	احساس کهتری
emotional response	پاسخ هیجانی	interaction	تعامل
emotional state	حالت هیجانی	interactional, interactive	تعاملی
empathic	همدلانه	interaction effect	اثر تعامل
empathy	همدلی	interactionism	تعامل‌گرایی
empathy training	آموزش همدلی	interactive → interactional	
empiricism	تجربه‌گرایی	interview	مصاحبه
empiricist	تجربه‌گرا	interviewee	مصاحبه‌شونده
escape learning	گریزآموزی	interviewer	مصاحبه‌گر
ethological	کردارشناختی، کرداری	introspection	درون‌نگری

attachment theory	نظریه دلبستگی	body awareness	تن‌آگاهی
attention	توجه	body image	تن‌انگاره
attention seeking	توجه‌طلبی	bonding	پیوند
attention span	گستره توجه	brief reactive psychosis	روان‌پریشی واکنشی گذرا
attribution	اسناد	catalepsy	چوب‌وارگی
attributional	اسنادی	chunking	قطعه‌بندی
attributional style	سبک اسنادی	claustrophobia	تنگناهراسی
authoritarian personality	شخصیت اقتدارمدار	client-centered therapy	درمان مراجع‌محور
authoritative	اقتداری	clinical psychologist	روان‌شناس بالینی
authority	اقتدار	clinical psychology	روان‌شناسی بالینی
autism	درخودماندگی	cognition	شناخت
autistic	درخودمانده	cognitive	شناختی
autonomous	خودگردان	cognitive behavior therapy	رفتاردرمانی شناختی
autonomy	خودگردانی	cognitive dissonance, dissonance theory	ناهماهنگی شناختی
aversion	بیزاری	cognitive map, dissonance theory	نقشه شناختی
aversion therapy	بیزاری‌درمانی	compliance	پذیرندگی
avoidance	اجتناب	compliant	پذیرنده
avoidance learning	اجتناب‌آموزی	compulsion	اجبار
awareness	آگاهی	compulsive, compulsory	اجباری
behavior	رفتار	compulsory → compulsive	
behavioral	رفتاری	concept	مفهوم
behavior disorder	اختلال رفتاری	concept learning	مفهوم‌آموزی
behaviorist	رفتارگرا	consciousness	خودآگاهی
behavioristic	رفتارگرایانه	consciousness disturbance	آشفته‌گی خودآگاهی
behavior pattern	الگوی رفتاری		
behavior therapist	رفتاردرمان‌گر		
behavior therapy	رفتاردرمانی		

task	وظیفه	worm	کرم
task bar	نوار وظیفه		
template 1 → reference template		روان‌شناسی	
template 2	الگو		
thread	ریسه	ability	توانایی
throughput	گذرداد	ability test	آزمون توانایی
toolbar	نوار ابزار	abreaction	برون‌ریزش هیجان، برون‌ریزش
trapdoor → backdoor		achievement	موفقیت
Trojan → Trojan horse		achievement age	سن موفقیت
Trojan horse, Trojan	اسب تروآ	achievement motive	انگیزه موفقیت
turn off, switch off	خاموش کردن	achievement test	آزمون موفقیت
vaporware	پوچ افزار	achiever	موفق
vertical scroll bar	نوار تورد عمودی	acquisition	فراگیری
virus	ویروس	acquisition motive	انگیزه فراگیری
virus infected	ویروسی شده، ویروسی	affect	عاطفه
virus infection 1	ویروسی شدگی	affectability	عاطفه پذیری
virus infection 2	ویروسی شدن	affective	عاطفی
virus killer	ویروس کش	affective disorder	اختلال عاطفی
virus remover	ویروس زدا	affectivity	عاطفی بودن
virus scanner	ویروس یاب	afterimage	پس تصویر
virus scanning	ویروس یابی	anxiety	اضطراب
vlog	وب نوشت ویدئویی	anxiety reaction	واکنش اضطرابی
vlogger	وب نویس ویدئویی	anxious 1	اضطرابی
vlogging	وب نویسی ویدئویی	anxious 2	مضطرب
wabbit	کرموش	asocial behavior, unsocial behavior	رفتار غیراجتماعی
Web cookie → cookie		attachment	دلبستگی
wetware → liveware		attachment disorder	اختلال دلبستگی

rootkit	نمودگار منبع ردگم‌کن	smilie → emoticon	
SAN → storage area network		spam 1	فرستادن هرزنامه
scareware	ترس‌افزار	spam 2	هرزنامه
screen capture → screen shot		spammed	هرزده
screen shot, screen capture	نماگرفت	spammer	هرزفرست
scroll bar	نوار نَورد	spamming	هرزنویسی، هرزفرستی
secondry storage	ذخیره‌ساز ثانویه	speech engine	گفتارگر
self-voicing browser	مرورگر گویا	spyware	جاسوس‌افزار
server farm, server eluster, computer farm	کارسازگان	stand-by	آماده‌به‌کار
server cluster → server farm		status bar	نوار وضعیت
shareware	نرم‌افزار مشروط	stealware	دزدافزار
shovelware	هرهم‌افزار	storage	ذخیره‌سازی
shrinkware → commercial software		storage area network, SAN	شبکه ذخیره‌سازی، شبکه ذخیره
shut down 1	توقف	storage device	ذخیره‌ساز
shut down 2	متوقف کردن	store	ذخیره کردن
sign in → log on		stored	ذخیره‌شده، ذخیره
sign out → log off		string	رشته
simultaneous access → parallel access		switch off → turn off	
simultaneous computer 1	رایانه همپا	synchronization	همزمان‌سازی
simultaneous computer 2	رایانه همزمان	synchronize	همزمان کردن
single task	تک‌وظیفه	synchronized	همزمان‌شده
single-tasking	تک‌وظیفگی	synchronizer	همزمان‌ساز
sleep mode → hibernation		synchronous	همزمان
smart terminal, programmable terminal	پایانه نیم‌هوشمند	synchrony	همزمانی
smiley → emoticon		syndicate	هم‌نشری کردن
		syndicated	هم‌نشر
		syndication	هم‌نشری

meatware → liveware	سامانه عامل	operating system
menu bar	نوار گزینه	optical character recognition, OCR
messenger	پیام رسان	نویسه خوانی نوری
middleware	میان افزار	parallel access, simultaneous access
mirror 1	آینه	دستیابی موازی
mirror 2	آینه کردن ۱	PDA → personal digital assistant
mirrored	آینه شده	permalink, permanent link
mirroring	آینه کردن ۲	پایا پیوند
moblog	وب نوشت سیار	permanent link → permalink
moblogger	وب نویس سیار	personal digital assistant, PDA
moblogging	وب نویسی سیار	دستیار رقمی شخصی، دستیار
moderate	میان داری کردن	personalization
moderated	بامیاندار	شخصی سازی
moderation	میان داری	personalize
moderator	میاندار	شخصی کردن
multi task	چند وظیفه	personalized
multi-tasking	چند وظیفگی	شخصی سازی شده، شخصی شده
multi-threaded	چند ریشه	photoblog
multi-threading	چند ریسگی	وب نوشت عکسی
nagware, begware, annoyware	نق افزار	photoblogger
network information center, NIC	مرکز اطلاعات شبکه، ماش	وب نویس عکسی
NIC → network information center		photoblogging
non-free software → proprietary software		شبیه همزمان
non-proprietary software	نرم افزار غیر مالکیتی	plesiochronous
OCR → optical character recognition		ذخیره ساز اولیه
		primary storage
		programmable terminal → smart terminal
		نرم افزار مالکیتی
		proprietary software, non-free software
		real-time
		بی درنگ
		reboot
		بازراه اندازی کردن
		reference template, template 1
		نمونه مرجع 1
		register
		ثبتات
		reload
		بار کردن مجدد
		reset button
		دکمه بازنشانی
		resource description framework

domain name system, domain name server,	HTTP cookie → cookie
domain name service سامانه نام دامنه، ساناد	hyper-threaded پُریسه
donateware, donationware بخشش افزار	hyper-threading پُریسگی
donationware → donateware	icon نقشک
dumb terminal پایانه غیر هوشمند	instant message پیام فوری
e-bulletin → e-newsletter	instant messaging پیام رسانی فوری
e-newsletter, e-bulletin خبرنامه الکترونیکی	intelligent terminal پایانه هوشمند
emoticon, smiley, smilie شکلک	Internet worm کرم اینترنتی
end-user کاربر نهایی	isochronous همگام
exploit بهره جو	jellyware → liveware
exploitation بهره جویی	key logger کلیدخوان
firmware ثابت افزار	key logging کلیدخوانی
free software نرم افزار آزاد	liveware, wetware, meatware, jellyware زنده افزار
freeware رایگان افزار	load بار
hibernate خوابیدن، خواب کردن	load-balance بارتراز کردن
hibernation, sleep mode خواب	load-balanced بارتراز شده
hoax 1 کلک	load-balancing بارترازی
hoax 2 کلک زدن	loaded بار شده
hoaxer کلک زن، کلک باز	loader بارکن
horizontal scroll bar نوار تَورَد افقی	log in → log on
host 1 میزبان	log off, sign out, log out ثبت خروج
host 2 میزبانی کردن	log on, sign in, log in ثبت ورود
hostageware گرو افزار	log out → log off
hosted میزبانی شده	malicious ware → malware
hosting میزبانی	malware, malicious ware بد افزار
hosting package بسته میزبانی	mass storage ذخیره سازی انبوه

رایانه و فناوری اطلاعات	زیست‌سنجه	biometrics 1
	زیست‌سنجی	biometrics 2
active server page, ASP صفحه فعال	راه‌اندازی	boot 1, bootstrap
کارساز، صنف	راه‌اندازی کردن	boot 2
advertising-supported software → adware	دیسک راه‌انداز	bootable disk
adware, advertising-supported software		bootstrap → boot 2
آگهی‌افزار	رشته‌نویسه	character string
all-purpose register ثبات همه‌منظوره	تلیک	click 1
anisochronous ناهمگام	تلیک کردن	click 2
annoyware → nagware		commercial software, shrinkware
anti-spam پادهرز	نرم‌افزار تجارتي	
anti-virus ضد ویروس		computer farm → server farm
anti-virus software برنامه ضد ویروس،	کلوچک	cookie, HTTP cookie, Web cookie
نرم‌افزار ضد ویروس	درس‌افزار	courseware
applet برنامه	ناقص‌افزار	crippleware
application program, application software	سفارشی‌سازی	customization
برنامه کاربردی	سفارشی کردن	customize
application software → application program	سفارشی	customized
ASP → active server page	مرکز داده‌ها	data center
asynchronous ناهمزمان	نمودافزار	demoware
automation خودکارسازی		dialer → dialler
automatism خودکاری		dialer program → dialler program
automaton خودکاره		dialing → dialling
Avatar چهرک	شماره‌گیر	dialler
backdoor, trapdoor در پستی	برنامه شماره‌گیر	dialler program
baitware طعمه‌افزار	شماره‌گیری	dialling
begware → nagware		domain name server → domain name system
biometric زیست‌سنجشی		domain name service → domain name system

equivalent airspeed	سرعت معادل	propeller	ملخ
ferry	فرابری	propeller area	سطح ملخ
ferry flight	پرواز فرابری	propeller blade	پره ملخ
ferry permit	مجوز فرابری	propeller brake	ترمز ملخ
ferry pilot	خلبان فرابری	propeller efficiency	بازده ملخ
ferry range	برد فرابری	propulsion system	سامانه پیش‌ران
ferry tank	مخزن فرابری	propwash	ملخ‌شار
flag carrier	شرکت هواپیمایی ملی	public aircraft	هواگرد دولتی
flight surgeon	پزشک هوایی	rapid exit taxiway	خزش‌راه تندخروج
flight time	مدت پرواز	reheat → afterburner	
free flight	پرواز آزاد	runway	باند پرواز
freighter → air freighter		spot landing, accuracy landing	نشست دقیق
ground effect	اثر زمین	synchropter	بالگرد همگام
ground speed	سرعت زمینی	take-off distance	مسافت برخاست
holding fix, holding point	نقطه انتظار	take-off run	طول برخاست
holding point → holding fix		tandem rotor helicopter	بالگرد دوپشته
homebuilt aircraft	هواگرد دست‌ساز	tilt-rotor	کج‌پروانه
idle speed	دور درجا	tilt-wing	کج‌بال
indicated airspeed	سرعت نموده	trainer	هواگرد آموزشی
instrument runway	باند مجهز	transport aircraft	هواگرد حمل و نقل، هواگرد ترابری
landing roll → landing run		true airspeed	سرعت حقیقی
landing run, landing roll	طول نشست	true airspeed indicator	نشانگر سرعت حقیقی
lift-off	خیزش	windmilling	بادچرخ
marshaller	راهبر زمینی	windmilling drag	پسار بادچرخ
marshalling point	نقطه راهبری		
marshalling signal	نشانک راهبری		
primary trainer	هواپیمای آموزشی مقدماتی، آموزشی مقدماتی		

حمل و نقل هوایی		autoland	دستگاه خودنشت
		automatic landing	نشت خودکار
aborted start	راه اندازی نافرجام	bank	پهلوگرد
aborted take-off	برخاست نافرجام	bank angle	زاویه پهلوگرد
accuracy landing → spot landing		banking	پهلوگردی
active runway	باند فعال	basic aircraft	هواگرد ساده
advanced trainer	هواپیمای آموزشی پیشرفته، آموزشی پیشرفته	basic runway	باند ساده
aerotow → aero-towing		basic trainer	هواپیمای آموزشی پایه، آموزشی پایه
aero-towing, aerotow	یدک کشی هوایی	business aircraft	هواگرد بازرگانی
aerodyne	هواپویه	bypass duct	مجرای کنارگذر
aeronaut	بالون ران	bypass ratio	نسبت کنارگذر
aerospace craft	هوافضاگرد	calibrated airspeed	سرعت واسنجیده
aerospace plane	هوافضاپیما	chin	چانه
aerostat	هواایست	chin bubble	حباب چانه
afterburn → afterburning		chin window	دریچه چانه
afterburner, reheat	پس سوز	cockpit	اتاقک خلبان
afterburning	پس سوزی	collective pitch, collective stick, collective-pitch lever	گام جمعی
aileron	شهرپر	collective-pitch lever → collective pitch	
airborne	هوا برد	collective stick → collective pitch	
air carrier	شرکت حمل و نقل هوایی	combi	هواگرد دوکاره
airframe	پیکر	compound aircraft	هواگرد مرکب
air freighter, freighter	هواگرد باری، باری	compound helicopter	بالگرد مرکب
airship	کشتی هوایی	decision height	ارتفاع تصمیم
airspeed, air speed	سرعت هوایی	downwash	فروشار
airspeed indicator	نشانگر سرعت هوایی	elevated light	چراغ پایه دار
approach area	منطقه تقرب		
approach control	مراقبت تقرب		

loading platform, goods platform	سکوی بارگیری	railer → rerailling frog	
loading ramp, slop of platform	شیب راه‌بارگیری	rerailling frog, humpback, car frog,	
		butterfly frog, wrecking frog,	
locomotive hangar → engine shed		greenback, rerailler	قورباغه
locomotive shed → engine shed		running rail	ریل حرکت
low-floor boarding → low-floor car		section boss → section foreman	
low-floor car, low-floor wagon, low-floor		section foreman, section boss	رئیس قطعه
boarding	واگن کف پایین	shunting yard → marshalling yard	
low-floor wagon → low-floor car		siding, branch line	خط کناری
marshalling yard, shunting yard	تنظیم‌گاه	slab track	دال خط
portable rail saw	ریل‌بر دستی	slop of platform → loading ramp	
rail bender	ریل خم‌کن	snowplow	برف‌روب
rail defect → rail failure		sorting yard → classification yard	
rail detector car, rail flaw detector		stationary rail saw	ریل‌بر ثابت
	ماشین عیب‌یاب ریل	sub-foreman → assistant track foreman	
rail drill → rail punch		track foreman	مباشر خط
rail failure, rail defect	خرابی ریل	track maintenance	نگهداری خط
rail flaw	عیب ریل	trailing wheelset	چرخ-محور پیرو
rail flaw detector → rail detector car		transfer → interchange station	
rail heater	ریل گرم‌کن	trap siding	خط تأمین
rail lubricator	گریس‌پاش ریل	ultra low-floor tram	قطار فروکف
rail mill	کارخانه ریل	ultrasonic flaw detection	عیب‌یاب فراصوتی
rail pulling device → rail stretcher		wheel flange	لبه چرخ
rail punch, rail drill	ریل سوراخ‌کن	wheelset	چرخ-محور
rail saw	ریل‌بر	wheel tread	غلتش‌گاه چرخ
rail stretcher, rail pulling device	ریل کش	wrecking frog → rerailling frog	
rail tread	غلتش‌گاه ریل، غلتش‌گاه		

station	ایستگاه	classification yard, sorting yard	محوطه رده بندی
station accessibility	دسترس پذیری ایستگاه	contact patch	تماس گاه
stochastic trip assignment	تخصیص تصادفی سفر، تخصیص تصادفی	contact surface	سطح تماس
stub terminal	پایانه بن گرد	dead-end siding, dead-end track	خط کور
subsidized taxi	تاکسی یارانه ای	dead-end track → dead-end siding	
terminal stop	ایستگاه پایانی	detonator	ترقه خط، ترقه
trace tree	شبکه درختواره	double engine → double heading	
transit center	مرکز ایستگاهی	double heading, double engine	دوگششی
transit stop → bus stop		drop-pit	چاله چرخ
transit street	تندگذر	engine shed, locomotive shed, locomotive hangar	آشیانه
tree	درختواره	examination-pit	چاله بازدید
trip end	سفرین	faregate	دروازه بلیت خوانی، بلیت خوانی
trolley bus	اتوبوس برقی	flat wheel	چرخ پخ
vehicle occupancy	میزان اشغال خودرو	fouling mark, fouling point	نشانه ایمن گاه
vehicle signal actuating device	دستگاه فرمان واکنشی	fouling point → fouling mark	
		general track foreman	رئیس خط ناحیه
		goods platform → loading platform	
		greenback → rerailing frog	
		high-floor car	واگن کف بالا
		humpback → rerailing frog	
		interchange → interchange station	
		interchange station, transfer, interchange	ایستگاه تغییر خط
		leading wheelset	چرخ - محور پیشرو
		leadman → assistant track foreman	
		loading gauge	قواره بارگیری

حمل و نقل ریلی

assistant track foreman, sub-foreman, leadman	معاون خط ناحیه
automatic fare collection	بلیت فروشی خودکار
branch line → siding	
buffep stop, bump stop	سپر انتهایی
bump stop → buffer stop	
butterfly frog → rerailing frog	
car frog → rerailing frog	

far-side stop	ایستگاه پس تقاطع	off-street terminal	دورپایانه
fixed guideway transit system	سامانه جابه‌جایی ثابت‌هادره	online-station	ایستگاه برخط
fixed route transportation system	سامانه حمل‌ونقل ثابت‌مسیر	outbound trip	سفر برون‌سو
flat fare	کرایه ثابت	paid transfer	انتقال پولی
free area	منطقه رایگان	paid transfer system	سامانه انتقال پولی
fringe parking, peripheral parking	توقفگاه جنبی	parking supply	ظرفیت توقفگاهی
graduated fare	کرایه تصاعدی	parking turnover	کارکرد توقفگاه
group rapid transit system	سامانه جابه‌جایی سریع گروهی	passenger flow	جریان مسافر
guide way	هادره	passenger trip	مسافر
inbound trip	سفر درون‌سو	peripheral parking → fringe parking	
incremental trip assignment	تخصیص فزاینده سفر، تخصیص فزاینده	personal rapid transit system	سامانه جابه‌جایی سریع شخصی
infrastructure	زیرساخت	point accessibility	دسترس‌پذیری مکان
intercity transportation	حمل‌ونقل بین‌شهری	preferential bus lane → bus lane	
interline transportation	حمل‌ونقل میان‌خطی	priority bus lane → bus lane	
internal-internal trip	سفر درون-درون، سفر دوسردرون	proportional trip assignment	تخصیص نسبی سفر، تخصیص نسبی
link load → link volume		public service vehicle	وسيله نقلیه همگانی
link volume, link load	حجم رابط	regular fare → base fare	
load shedding	تعدیل بار	remote parking	توقفگاه دوردست
midblock stop	ایستگاه میانی	round trip	سفر رفت و برگشت
mixed mode street	خیابان عادی	route	مسیر
multiple-use area	منطقه چندمنظوره	service volume	حجم خدمات
near-side stop	ایستگاه پیش تقاطع	shared ride	سفر شراکتی
off-line station	ایستگاه برون خط	shuttle transit system	سامانه جابه‌جایی خطی
		signal aspect	نمود چراغ راهنمایی
		skimmed tree	درختواره چکیده

حمل و نقل درون شهری - جاده‌ای	bus only street	خیابان ویژه اتوبوس
	bus priority system	سامانه اولویت اتوبوس
accessibility	bus shelter	سرپناه
accessible transit system	bus stop, transit stop	ایستگاه اتوبوس
سامانه جابه‌جایی کم‌توانان	capacity restraint trip assignment	تخصیص ظرفیتی سفر، تخصیص ظرفیتی
aircushion transportation system	capsule transit system	سامانه جابه‌جایی اتاقکی
سامانه حمل و نقل هواپسار	continuous transit system	سامانه جابه‌جایی پیوسته
all-or-nothing trip	contraflow lane	خط عبور ناهم‌سو
تخصیص همه‌یا هیچ سفر، تخصیص همه‌یا هیچ	demand-actuated transportation system, demand responsive transportation system	سامانه حمل و نقل تقاضامدار
all-stop station	demand responsive transportation system → demand-actuated transportation system	
ایستگاه اصلی	deterministic trip assignment	تخصیص قطعی سفر، تخصیص قطعی
area occupancy	dial-a-ride → dial-a-ride transportation system	
ضریب اشغال، ضریب اشغال سطح	dial-a-ride transportation system, dial-a-ride	سامانه حمل و نقل تلفنی
auto free area → auto free zone	directional distribution	توزیع جهتی
auto free zone, auto free area	diversion trip assignment	تخصیص مسافت - زمانی سفر، تخصیص مسافت - زمانی
حوزه پیاده‌گرد	exclusive bus lane → bus lane	
balanced transportation system	external-external trip	سفر برون - برون، سفر دوسربرون
سامانه حمل و نقل متوازن	external-internal trip	سفر برون - درون، سفر یک‌سردرون
base fare, basic fare, regular fare		
کرایه پایه		
base period		
دوره مبنا		
base period fleet		
ناوگان مبنا		
base rate		
نرخ مبنا		
base year		
سال مبنا		
basic fare → base fare		
bus bay		پهلگاه ویژه اتوبوس، پهلگاه
bus gate		ورودی اتوبوس
bus lane, preferential bus lane, priority bus lane, exclusive bus lane		خط ویژه اتوبوس

food composition table	جدول ترکیبات غذا	F.S.S. → flat sour spoilage	
food engineer	مهندس مواد غذایی	fungal food intoxication	مسمومیت غذایی قارچی
food engineering	مهندسی مواد غذایی	hard swell	بادکردگی سخت
food industry	صنایع غذایی	head space	سرفضا
food infection, food-borne infection	عفونت غذایی	head space aroma	عطر سرفضا
food ingredients, ingredients	اجزای غذا، اجزا	hot-water blanching	آنزیم‌بری با آب داغ، زی‌مایه‌بری با آب داغ
food intoxication, food-borne intoxication	مسمومیت زیستی غذایی	hydrogen swell	بادکردگی هیدروژنی
food losses	تلفات مواد غذایی	immersion freezer	یخزن غرقه‌ای
food manufacturing	ساخت محصولات غذایی	ingredients → food ingredients	
food microbiology	میکروب‌شناسی مواد غذایی	key-opening can, Packer's can	قوطی کلیددار
food packaging	بسته‌بندی مواد غذایی	nofrost freezer	یخزن بی‌برفک
food poisoning	مسمومیت غذایی	non-oxidative browning reaction	واکنش قهوه‌ای شدن غیراکسایشی
food preservation	نگهداری مواد غذایی	orcanella → alkannet	
food process engineering	مهندسی فراوری غذایی	oxidative browning reaction	واکنش قهوه‌ای شدن اکسایشی
food processing	فراوری مواد غذایی	plate freezer	یخزن صفحه‌ای
food science	علوم غذایی	processed food	مواد غذایی فراوری شده
food science and technology	علوم و فناوری غذایی	scrapped surface freezer	یخزن سطح تراش
food scientist	متخصص علوم غذایی	soft swell	بادکردگی نرم
food spoilage	فساد مواد غذایی	spiral freezer	یخزن مارپیچی
food technologist	فناور غذا	springer	بادکردگی پرشی
food technology	فناوری غذا	steam blanching	آنزیم‌بری با بخار آب، زی‌مایه‌بری با بخار آب
food waste	ضایعات مواد غذایی	tawing → defrosting 2	
freeze concentration	تغلیظ انجمادی	wafer batter	خمیرابه ویفر
freezer burn	یخ سوختگی		

atomizer	ذره ساز	cocoa butter	کره کاکائو
autolysis	خودکافت	cold sterilization	سترون سازی سرد
bacterial food intoxication	مسمومیت غذایی باکتریایی	cornflakes	برشتک
bacteriocide	باکتری کش	cryogenic freezer	یخ زن فوق سریع
bacteriostat, bacteriostatic agent	باکتری ایستان	cylinder can	قوطی استوانه ای
bacteriostatic agent → bacteriostat		defroster	برفک زدا
baker's yeast	خمیر نانویی	defrosting 1	برفک زدایی
batter	خمیرابه	defrosting 2, tawing	یخ زدایی
belt freezer	یخ زن نقاله ای	easy-open can, easy-to-open can	قوطی آسان باز شو
blancher	آنزیم بر، زی مایه بر	easy-to-open can → easy-open can	
blanching	آنزیم بری، زی مایه بری	enzymatic browning reaction	واکنش قهوه ای شدن آنزیمی، واکنش قهوه ای شدن زی مایه ای
blast freezer, air blast freezer	یخ زن دَمِشی	flat can	قوطی تخت
bone charcoal	زغال استخوان	flat sour spoilage, flat sour, F.S.S.	ترشیدگی بی نشان
bone meal	آرد استخوان	flat sour → flat sour spoilage	
bread improver, bread modifier	بهبوددهنده نان	flipper	بادکردگی خفیف
bread modifier → bread improver		fluidized bed freezer	یخ زن بسترسال
brine	آب نمک	food additives	افزودنیهای غذایی
broil	بریان کردن	food analysis	تجزیه مواد غذایی
broiler	بریان کن	food biochemistry	زیست شیمی مواد غذایی
browning → browning reaction		food-borne infection → food infection	
browning reaction, browning	واکنش قهوه ای شدن	food-borne intoxication → food intoxication	
cake batter	خمیرابه کیک	food chemistry	شیمی مواد غذایی
chilling injury	سرمازدگی	food color → food colorant	
chocolate bloom	سفیدک شکلات	food colorant, food color	رنگ خوراکی

ophthalmorrhexis چشم پارگی
 optic disc, optic papilla, blind spot,
 discus optici nervi صفحه بینایی، پرز بینایی، نقطه کور
 optic papilla → optic disc
 positive accommodation تطابق مثبت
 positive afterimage پس تصویر مثبت
 positive scotoma سیاه نقطه مثبت
 posterior chamber, camera posterior bulbi,
 camera oculi posterior اتاقک پسین
 prepheral scotoma سیاه نقطه محیطی
 presbyope پیرچشم
 presbyopia پیرچشمی
 protanope سرخ کور
 protanopia سرخ کوری
 punctum luteum → macula lutea
 range of accommodation گستره تطابق
 relative scotoma سیاه نقطه نسبی
 retinal cone → cone cell
 retinal rod → rod cell
 rod → rod cell
 rod cell, rod, retinal rod یاخته استوانه‌ای
 scotoma سیاه نقطه
 scotomatous سیاه نقطه‌ای
 scotometer سیاه نقطه سنج
 scotometry سیاه نقطه سنجی
 Soemmering's foramen → macula lutea
 Soemmering's spot → macula lutea

strabismus, heterotropia, manifest
 deviation لوچی
 sty → hordeolum
 tritanope آبی کور
 tritanopia آبی کوری
 tunica conjunctiva → conjunctiva
 unilateral hemianopia نیمه کوری یک طرفه
 yellow spot → macula lutea

تغذیه و صنایع غذایی

acid tolerant → aciduric microorganism
 acidulant, acidulent اسیدی کننده
 acidulent → acidulant
 aciduric microorganism, acid tolerant
 ریزاندامگان اسیدپای
 air blast freezer → blast freezer
 alkanet → alkannet
 alkanna → alkannet
 alkannet, orcanella, alkannin, alkanna
 رنگ شنگار، شنگار
 alkannin → alkannet
 animal charcoal زغال حیوانی
 anticaking agent ماده ضدکلوخه، ضدکلوخه
 antifoaming agent ماده ضدکف، ضدکف
 antispattering agent
 ماده ضدپاشش، ضدپاشش
 antistaling agent ماده ضدبیاتی، ضدبیاتی
 atomization ذره سازی

deuteranopic	سبزکور	inner fovea → fovea centralis	
deuteranopsia → deuteranopia		internal hordeolum	گل مژه درونی
discus optici nervi → optic disc		iritis	عنبیه آماس
emmetrope, emmetropic	بسا زبین	keratectomy	قرنیه برداری
emmetropia	بسا زبینی	keratocle, descemetocle	فتق قرنیه
emmetropic → emmetrope		keratoglobus, megalocornea	قرنیه درشتی
erythrolabe	حساس به سرخ	keratometer	قرنیه سنج
external hordeolum	گل مژه بیرونی	keratometric	قرنیه سنجشی
fovea centralis, fovea centralis retina, inner fovea	گوده مرکزی	keratometry	قرنیه سنجی
fovea centralis retina → fovea centralis		latent deviation → heterophoria	
gonioscope	گوشه بین	light adaptation	سازگاری با روشنایی
gonioscopy	گوشه بینی	limbus luteus → macula lutea	
goniotomy, Barkan's operation	گوشه شکافی	macula → macula lutea	
hemianopia, hemianopsia	نیمه کوری	macula flava → macula lutea	
hemianopic	نیمه کور	macula lutea, macula, macula lutea retina, yellow spot, limbus luteus, macula flava, punctum luteum, Soemmering's spot, Soemmering's foramen	لکه زرد
hemianopsia → hemianopia		macula lutea retina → macula lutea	
heteronymous hemianopia	نیمه کوری ناهمسو	manifest deviation → strabismus	
heterophoralgia	ناهمگرادی دردناک	megalocornea → keratoglobus	
heterophoria, latent deviation	ناهمگرادی	megophthalmos → buphthalmos	
heterophoric	ناهمگرد	musculus ciliare → ciliary muscle	
heterotropia → strabismus		myope	نزدیک بین
homonymous hemianopia	نیمه کوری همسو	myopia	نزدیک بینی
hordeolum, styte	گل مژه	negative accommodation	تطابق منفی
hydrophthalmus → buphthalmos		negative afterimage	پس تصویر منفی
hyperope	دوربین	negative image → afterimage	
hyperopia	دوربینی	negative scotoma	سیاه نقطه منفی

پزشکی

absolute accommodation تطابق مطلق
 absolute hemianopia نیمه کوری مطلق
 absolute scotoma سیاه نقطه مطلق
 accidental image → afterimage
 accommodation تطابق
 accommodative تطابقی
 accommodometer تطابق سنج
 adaptation سازگاری
 adaptometer سازگاری سنج
 afterimage, aftervision, negative image,
 accidental image پس تصویر
 aftervision → afterimage
 ametropia ناسازیابی
 amplitude of accommodation دامنه تطابق
 anatomical aniseikonia
 ناهمگون تصویری کالبدشناختی
 aniseikonia ناهمگون تصویری
 anterior chamber, camera anterior bulbi,
 camera oculi anterior اتاقک پیشین
 aphacia → aphakia
 aphakia, aphacia نبود عدسی
 aphakic بی عدسی
 axial aniseikonia ناهمگون تصویری محوری
 Barkan's operation → goniotomy
 blind spot → optic disc

buphthalmia → buphthalmos
 buphthalmic گاوچشم
 buphthalmos, buphthalmia, buphthalmus,
 megophthalmos, hydrophthalmos
 گاوچشمی
 buphthalmus → buphthalmos
 camera anterior bulbi → anterior chamber
 camera oculi anterior → anterior chamber
 camera oculi posterior → posterior chamber
 camera posterior bulbi → posterior chamber
 canthal چشم گوشه ای
 cantholysis چشم گوشه کافت
 canthus چشم گوشه
 central scotoma سیاه نقطه مرکزی
 chlorolabe حساس به سبز
 chromatopsia, chromopsia رنگین بینی
 chromopsia → chromatopsia
 ciliary body جسم مژگانی
 ciliary muscle, musculus ciliare
 ماهیچه مژگانی
 cone → cone cell
 cone cell, cone, retinal cone یاخته مخروطی
 conjunctiva, tunica conjunctiva ملتحمه
 conjunctival ملتحمه ای
 cyanolabe حساس به آبی
 dark adaptation سازگاری با تاریکی
 descemetocle → keratocle
 deuteranopia, deuteranopsia سبزکوری

فهرست واژه‌ها بر اساس حوزه
به ترتیب الفبای لاتین

webology وب‌شناسی [ع. کتابداری]
 weed علف هرز [کشا. < زراع.]
 weeder وجین‌کن [کشا. < زراع.]
 weeding وجین [کشا. < زراع.]
 weight step, coupure de poids (fr.)
 مبنای وزن [مخابرات < پست]
 well log چاه‌نگاره [ژئوفیزیک]
 well logging چاه‌نگاری [ژئوفیزیک]
 wet-bulb depression ترکاستی [ع. جو]
 wet-bulb thermometer دماسنج تر [ع. جو]
 wet spell دوره پربارش [ع. جو]
 wetware → liveware
 wheel flange لبه چرخ [ح. ریلی]
 wheelset چرخ-محور [ح. ریلی]
 wheel tread غلتش‌گاه چرخ [ح. ریلی]
 whirling psychrometer
 رطوبت‌سنج چرخان [ع. جو]
 whorled leaves, verticillate leaves
 برگهای فراهم [کشا. < باغد.]
 windmilling بادچرخشی [ح. هوایی]
 windmilling drag پسا ر بادچرخشی [ح. هوایی]
 winter sleep → hibernation 2
 wire line log سیم خط‌نگاره [ژئوفیزیک]
 wood engraving حکاکی روی چوب [هنر تجر.]
 word accent → accent 2
 work floor → sorting floor
 working memory → short term memory
 worm کرم [رایانه و فن.]

wrapping → cover

wrecking frog → rerailing frog

X

X boson بوزون X [فیزیک]
 xenocryst بیگانه‌بلور [زمین.]
 xenolith بیگانه‌سنگ [زمین.]

Y

yearbook سالنامه [ع. کتابداری]
 yellow spot → macula lutea

Z

"Z" bed تخت میزشو، میزشو [گردشگری]
 zero length spring فنر صفر [ژئوفیزیک]
 zooc(o)enosis زیاسازند [زیست.]
 zoom زوم [سینما و تلو.]
 zoom back → zoom out
 zoom in زوم پیش [سینما و تلو.]
 zoom lens عدسی زوم [سینما و تلو.]
 zoom out, zoom back زوم پس [سینما و تلو.]
 zoom shot نمای زوم [سینما و تلو.]
 Zwitterion → dipolar ion

vertical pass point [گذر نقطه ارتفاعی] م. نقشه.

vertical resistance

مقاومت عمودی [کشش، پزراع.]

vertical scroll bar [نوار تورد عمودی] رایانه و فن.

verticillate leaves → whorled leaves

very open forest

جنگل بسیار تُنک [م. منابع < جنگل]

vessel

شناور [ع. نظامی]

virtual reference

خدمات مرجع مجازی [ع. کتابداری]

virtual union catalogue

فهرستگان مجازی [ع. کتابداری]

virus

ویروس [رایانه و فن.]

virus infected [ویروسی شده، ویروسی] رایانه و فن.

virus infection 1 [ویروسی شدگی] رایانه و فن.

virus infection 2 [ویروسی شدن] رایانه و فن.

virus killer [ویروس کش] رایانه و فن.

virus remover [ویروس زدا] رایانه و فن.

virus scanner [ویروس یاب] رایانه و فن.

virus scanning [ویروس یایی] رایانه و فن.

visibility map [نقشه دید] م. نقشه.

visual arts → plastic arts

vlog [وب نوشت ویدئویی] رایانه و فن.

vlogger [وب نویس ویدئویی] رایانه و فن.

vlogging [وب نویسی ویدئویی] رایانه و فن.

vocabulary, lexicon 2 [واژگان] ع. کتابداری

W

wabbit [کرموش] رایانه و فن.

wafer batter [خمیرابه وایفر] تغذیه و صنایع.

wake [پسایه] ع. جو.

wall-painting → mural

war [جنگ] ع. نظامی

war intention [نیت جنگ] ع. نظامی

water loss → evapotranspiration

water smoke [آب دود] ع. جو.

water softening [نرم سازی آب،
سختی گیری آب] شیمی

water thermometer [دماسنج آب] ع. جو.

water vapour density, vapour density
[چگالی بخار آب] ع. جو.

wave propagation → radio propagation

weak beat [ضرب ضعیف] موسیقی

weathered [هوازده] زمین.

weathering [هوازده] زمین.

weathering correction [تصحیح هوازده] زمین.

weathering crust [پوسته هوازده] زمین.

weathering front [جبهه هوازده] زمین.

weathering index [شاخص هوازده] زمین.

web cookie → cookie

webliographer [وب نگار] ع. کتابداری

webliography 1 [وب نگاری] ع. کتابداری

webliography 2 [وب نگاشت] ع. کتابداری

webologist [وب شناس] ع. کتابداری

unilateral hemianopia

نیمه‌کوری یک‌طرفه [پزشکی]

unimolecular reaction

واکنش تک‌مولکولی [شیمی]

union catalogue, union list

فهرستگان [ع. کتابداری]

union list → union catalogue

uniport → facilitated diffusion

uniporter

تک‌بر [زیست]

universal bibliography

کتاب‌نگاشت جهانی [ع. کتابداری]

unjust war

جنگ ناعادلانه [ع. سیاسی]

unprotected thermometer

دماسنج بی‌حفاظ [ع. جو]

unshared pair → lone pair

unsocial behavior → asocial behavior

unstable gravimeter → astatized gravimeter

upbeat, anacrusis, pick up

پیش‌ضرب [موسیقی]

up quark

کوارک بالا [فیزیک]

upsweep

فرارویش [ژئوفیزیک]

upward continuation [ژئوفیزیک]

urban heat island

جزیره گرمای شهری [ع. جو]

V

value

ارزش [هتر تج.]

van der Waals force

نیروی وان دروالس [فیزیک، شیمی]

vaporware

پوچ‌افزار [رایانه و فن.]

vapour concentration → absolute

humidity

vapour density → water vapour density

vapour trail

رد بخار [ع. جو]

variant

بدیل [موسیقی]

variation

مبدل [موسیقی]

variety

گونه ۱ [زبان]

varve

سال‌چینه [زمین]

vehicle occupancy

میزان اشغال خودرو [ح. شهری]

vehicle signal actuating device

دستگاه فرمان واکنشی [ح. شهری]

velocity pull-up, pull-up

فراراند سرعتی [ژئوفیزیک]

velocity push-down, push-down

فروراند سرعتی [ژئوفیزیک]

ventilated psychrometer

رطوبت‌سنج تهویه‌ای [ع. جو]

vernal 1

بهاری [زیست]

vernal 2

بهاری [زیست]

vernalization

بهارش [کشا. به باغد.]

vernalize

بهاره کردن [کشا. به باغد.]

vernalized

بهاره شده [کشا. به باغد.]

verse, stanza, stroph

بند [موسیقی]

vertical asymptote

مجانِب قائم [ریاضی]

vertical control network

شبکه کنترل ارتفاعی [م. نقشه]

vertical control point

نقطه کنترل ارتفاعی [م. نقشه]

Trojan → Trojan horse

Trojan horse, Trojan [اسب تروا] [رایانه و فن.]

trolley bus اتوبوس برقی [ح. شهری]

trophic chain → food chain

trophic level تراز تغذیه [زیست.]

trophic pathway → food chain

tropical forest جنگل حاره‌ای [م. منابع < جنگل]

tropical front جبهه حاره‌ای [ع. جو]

tropopause وردایست [ع. جو]

tropopause break line خط شکست وردایست [ع. جو]

tropopause chart نقشه وردایست [ع. جو]

tropopause fold تاي وردایست [ع. جو]

tropopause funnel قیف وردایست [ع. جو]

tropopause inversion وارونگی وردایست [ع. جو]

tropopause leaf برگ وردایست [ع. جو]

tropopause wave موج وردایست [ع. جو]

troposphere وردسپهر [ع. جو]

tropospheric وردسپهری [ع. جو]

trough line, axis of trough خط ناه [ع. جو]

true airspeed سرعت حقیقی [ح. هوایی]

true airspeed indicator نشانگر سرعت حقیقی [ح. هوایی]

true fresco → fresco 2

truncate نوک بریده [کشا. < باغ.]

tsunami, seismic sea wave, seismic surge سونامی [ژئوفیزیک]

tunica conjunctiva → conjunctiva

turn off, switch off خاموش کردن [رایانه و فن.]

twin beds تخت دوقلو [گردشگری]

twin species → sibling species

U

ultra low floor tram قطار فروکف [ح. ریلی]

ultrasonic flaw detection عیب‌یاب فراصوتی [ح. ریلی]

unanimity اتفاق آرا [ع. سیاسی]

unbiased نااریب [ریاضی]

unbiased estimate برآورد نااریب [ریاضی]

unbiased estimator برآوردگر نااریب [ریاضی]

uncontrolled mosaic پاره‌چین کنترل‌نشده [م. نقشه.]

undercure ناپختگی، پخت ناقص [م. پلیمر < رنگ]

underground surveying نقشه‌برداری زیرزمینی [م. نقشه.]

understock → stock

undisturbed forest جنگل دست‌نخورده [م. منابع < جنگل]

undulation موجوارگی [ژئوفیزیک]

unexploitable forest جنگل غیرقابل برداشت [م. منابع < جنگل]

uniform field میدان یکنواخت [فیزیک]

uniform isomorphism یکریختی یکنواخت [ریاضی]

transcellular transport

تراپرد ترایاخته‌ای [زیست.]

transfection

تراآلایی [زیست.]

transfer → interchange station

transit center مرکز ایستگاهی [ح. شهری]

transition element, transition metal

عنصر واسطه [شیمی]

transition metal → transition element

transition state

حالت گذار [شیمی]

transit stop → bus stop

transit street

تندگذر [ح. شهری]

translocation 1

تراسپاری ۱ [زیست.]

translocation 2

تراسپاری ۲،

تراسپاری فام‌تنی [زیست.]

transmissible

سرایت‌پذیر [زیست.]

transmission 1

تراگیل [زیست.]

transmission 2

سرایت [زیست.]

transmission genetics, classical genetics

ژن‌شناسی تراسلی [زیست.]

transmission of postal items →

forwarding of postal items

transpiration 1 → insensible perspiration

transpiration 2

ترادمش، تعلق [زیست.]

transpirational

ترادمشی، تعلق [زیست.]

transplanter

نشاکار [کش.، زراعت.]

transport

تراپرد [زیست.]

transport aircraft

هواگرد حمل‌ونقل،

هواگرد ترابری [ح. هوایی]

transporter, carrier protein

تراپر [زیست.]

transposable element → transposon

transposition

ترانهش [زیست.]

transposon, mobile genetic element,

transposable element,

selfish genetic element, mobile element,

jumping gene, transposon-like element

ترانهشه [زیست.]

transposon-like element → transposon

transudate, tranudation 2

ترازه [زیست.]

transudation 1

ترازهش [زیست.]

transudation 2 → transudate

transudatory

ترازهشی [زیست.]

transuranic element → transuranium element

transuranium element, transuranic element

عنصر فرااورانیم [شیمی]

trapdoor → backdoor

trap siding

خط تأمین [ح. ریلی]

travel insurance → holiday insurance

travel propensity → holiday frequency

tree

درختواره [ح. شهری]

tri (fr.) → sorting

tribune

میز خطابه، سخنگاه [عمومی]

trip end

سفرین [ح. شهری]

Triple Alliance

اتحاد مثلث [ع. سیاسی]

triple bond

پیوند سه‌گانه [شیمی]

triple junction

پیوستگاه سه‌گانه [زمین.]

triple meter

وزن سه‌تایی [موسیقی]

tritanope

آبی‌کور [بزشکی]

tritanopia

آبی‌کوری [بزشکی]

- thermospheric model [مدل گرم‌سپهری [ع. جر]
- thesaurus [اصطلاحنامه [ع. کتابداری]
- thread [ریسه [رایانه و فن.]]
- three-center bond [پیوند سه‌مرکزی [شیمی]
- threshold → threshold potential
- threshold potential, firing point, firing level, threshold [پتانسیل آستانه [زیست.]]
- throughput [گذرداد [رایانه و فن.]]
- tie coat [پیوندپوشه [م. پلیمر < رنگ]
- tie point [گره‌نقطه [م. نقشه.]]
- tilt-rotor [کج‌پروانه [ح. هوایی]]
- tilt-wing [کج‌بال [ح. هوایی]]
- timbre-poste (fr.) → postage stamp
- timbre-poste commémoratif (fr.) → commemorative postage stamp
- time → meter
- TM → thematic mapper
- toolbar [نوارابزار [رایانه و فن.]]
- topical bibliography → subject bibliography
- topical map → thematic map
- topographic correction → terrain correction
- top quark [کوارک سر [فیزیک]]
- torpidity → aestivation 2
- torsion balance [ترازوی پیچشی [ژئوفیزیک]]
- torsion hygrometer [نم‌سنج پیچشی [ع. جر]]
- torso [نیم‌تنه [هنر تج.]]
- total evaporation → evapotranspiration
- totalitarian [تمامی‌خواه ۱ [ع. سیاسی]]
- totalitarianism [تمامی‌خواهی [ع. سیاسی]]
- totalitarianist [تمامی‌خواه ۲ [ع. سیاسی]]
- total water mixing ratio [نسبت آمیختگی مادهٔ آب [ع. جر]]
- tourism destinations [مقصد‌های گردشگری [گردشگری]]
- trace tree [شبکهٔ درختواره [ح. شهری]]
- track foreman [مبشر خط [ح. ریلی]]
- track maintenance [نگهداری خط [ح. ریلی]]
- trade → trade(s)
- trade bibliography [کتاب‌نگاشت تجاری [ع. کتابداری]]
- trade cumulus → trade-wind cumulus
- trade directory [راهنمای تجاری [ع. کتابداری]]
- trade(s) [بسامان (ها) [ع. جر]]
- trade-wind belt [کمربند باد بسامان [ع. جر]]
- trade-wind cumulus, trade cumulus [ابر کومه‌ای باد بسامان، کومه‌ای باد بسامان [ع. جر]]
- trade-wind desert [بیابان باد بسامان [ع. جر]]
- trade-wind front [جبههٔ باد بسامان [ع. جر]]
- trade-wind inversion [وارونگی باد بسامان [ع. جر]]
- trade winds [بادهای بسامان [ع. جر]]
- traditional cartography, conventional cartography [نقشه‌نگاری سنتی [م. نقشه.]]
- trailing wheelset [چرخ-محور پیرو [ح. ریلی]]
- trainer [هواگرد آموزشی [ح. هوایی]]
- transactions → proceedings
- transmembrane potential → membrane potential

T-budding → shield budding

technical manual [آیین‌نامه فنی [ع. نظامی]

tectonic mélange [آمیزه زمین‌ساختی [زمین.]

telemeter [دوری‌سنج [م. نقشه.]

telemetry [دوری‌سنجی [م. نقشه.]

telephone directory [راهنمای تلفن [ع. کتابداری]

television graphics [نگاشتار تلویزیونی [هنر تج.]

temperature extremes [فرین‌های دما [ع. جو]

template 1 → reference template

template 2 [الگو [رایانه و فن.]

terminal stop [ایستگاه پایانی [ح. شهری]

terrain correction, topographic correction

[تصحیح زمینگان [ژئوفیزیک]

terrestrial photogrammetry

[تصویرسنجی زمینی [م. نقشه.]

terrigenous deposit [نهبته خشکی‌زاد [زمین.]

terrigenous sediment

[رسوب خشکی‌زاد [زمین.]

tertiary treatment → advanced

wastewater treatment

test statistic [آماره آزمون [ریاضی]

textual bibliography

[کتاب‌نگاشت متنی [ع. کتابداری]

thematic bibliography → subject

bibliography

thematic map, topical map

[نقشه موضوعی [م. نقشه.]

thematic mapper, TM

[نقشه‌ساز موضوعی [م. نقشه.]

theoretical linguistics [زبان‌شناسی نظری [زبان.]

theory dissonance → cognitive dissonance

thermal conduction [رسانش گرمایی [فیزیک]

thermal radiation → heat radiation

thermal resort [تفریحگاه آب‌معدنی [گردشگری]

thermochemistry [گرمایشیمی [شیمی]

thermocouple → thermoelectric thermometer

thermodynamic dewpoint temperature →
dewpoint temperature

thermoelectric thermometer, thermocouple

[دماسنج گرمابرقی [ع. جو]

thermogram [دمانگاشت [ع. جو]

thermograph [دمانگار [ع. جو]

thermography [دمانگاری [ع. جو]

thermogravimetry [گرم‌اوزن‌سنجی [شیمی]

thermohygrogram → hygrothermogram

thermohygraph → hygrothermograph

thermohygrometer → hygrothermometer

thermometer [دماسنج [ع. جو]

thermometer screen → instrument shelter

thermometer shelter → instrument shelter

thermometer support [پایه دماسنج [ع. جو]

thermometric [دماسنجی [ع. جو]

thermometry [دماسنجی [ع. جو]

thermopause [گرم‌ایست [ع. جو]

thermoscope [دماهنگ‌نما [ع. جو]

thermoscreen → instrument shelter

thermosphere [گرم‌سپهر [ع. جو]

thermospheric [گرم‌سپهری [ع. جو]

swather درو-ردیفکن [کشا. < زراع.]

sweat → perspiration 2

sweating → perspiration 1

swing gang گروه آرایه کاری [سینما و تلو.]

swing gang member آرایه کار [سینما و تلو.]

switch off → turn off

symmetric period جمله متقارن [موسیقی]

sympathy همدردی [روان.]

symport همپری [زیست.]

symporter همپَر [زیست.]

synchronic linguistics

زبان‌شناسی همزمانی [زبان.]

synchronization همزمان‌سازی [رایانه و فن.]

synchronize همزمان کردن [رایانه و فن.]

synchronized همزمان‌شده [رایانه و فن.]

synchronizer همزمان‌ساز [رایانه و فن.]

synchronous همزمان [رایانه و فن.]

synchrony همزمانی [رایانه و فن.]

synchropter بالگرد همگام [ح. هوایی]

synclinal ناودیسی [زمین.]

synclinal axis محور ناودیسی [زمین.]

synclinal fold چین ناودیسی [زمین.]

synclinal valley دره ناودیسی [زمین.]

syncline ناودیس [زمین.]

syncopated سخته دار [موسیقی]

syncopation سخته [موسیقی]

syndicate هم‌نشری کردن [رایانه و فن.]

syndicated هم‌نشر [رایانه و فن.]

syndication هم‌نشری [رایانه و فن.]

syntactic structure ساخت نحوی [زبان.]

systematic bibliography, enumerative
bibliography کتاب‌نگاشت سامانمند،
کتاب‌نگاشت نظام‌یافته [ع. کتابداری]

systematic distortion
واپیشش سامانمند [فیزیک]

systems theory نظریه سامانه [ع. سیاسی]

T

table of allowance جدول سهمیه [ع. نظامی]

taboo word دشواژه [زبان.]

tactical warning → early warning

take-off distance مسافت برخاست [ح. هوایی]

take-off run طول برخاست [ح. هوایی]

tandem rotor helicopter
بالگرد دوپشته [ح. هوایی]

tape recorder operator, sound recordist 2
متصدی دستگاه ضبط صدا، متصدی دستگاه ضبط

tapered aeration → tapered aeration
process

tapered aeration process, tapered
aeration فرایند هوادهی کاهشی [م. محیط.]

target acquisition هدف‌یابی [ع. نظامی]

target acquisition radar
رادار هدف‌یاب [ع. نظامی]

task وظیفه [رایانه و فن.]

task bar نوار وظیفه [رایانه و فن.]

tawing → defrosting 2

succession 2 → autogenic

successive متوالی [ریاضی]

successor, consequent 2 تالی [ریاضی]

sucker پاجوش [کشا. < باغ.]

sucking 1 پاجوش برداری [کشا. < باغ.]

sucking 2 پاجوش دهی [کشا. < باغ.]

sudation 1 → guttation

sudation 2 → perspiration 1

sudden warming گرمش ناگهانی [ع. جو]

sudor → perspiration 2

summer dormancy → aestivation 2

superadditive function

تابع زیبرجمعی [ریاضی]

supercontinent آب‌قاره [زمین.]

supercontinental آب‌قاره‌ای [زمین.]

supercooling آب‌سرمايش [فیزیک]

superfluid آب‌شاره [فیزیک]

superfluidity آب‌شارگی [فیزیک]

superheating آب‌گرمایش [فیزیک]

superheavy boson بوزون آب‌رسنگین [فیزیک]

superheavy elements

عنصرهای آب‌رسنگین [فیزیک]

superiority feeling احساس مهتری [روان.]

superspecies آب‌گونه [زیست.]

superspecific آب‌گونه‌ای [زیست.]

superstring theory نظریه آب‌ریسمان [فیزیک]

supersymmetry آب‌تقارن [فیزیک]

suprasegmental feature

مشخصه زیرزنجیری [زبان.]

support capabilities

توانمندیهای پشتیبانی [ع. نظامی]

suprasegmental زیرزنجیری [زبان.]

suprasegmental phonetics

آواشناسی زیرزنجیری [زبان.]

suprasegmental phonology

واج‌شناسی زیرزنجیری [زبان.]

supraspecific

فراگونه‌ای [زیست.]

supraspecific level ترازفراگونه‌ای [زیست.]

supraspecific rank رتبه فراگونه‌ای [زیست.]

surface chart, surface map

نقشه سطح زمین [ع. جو]

surface map → surface chart

surface synoptic chart

نقشه همدیدی سطح زمین [ع. جو]

surface thermometer دماسنج سطح [ع. جو]

surprise cadence → interrupted cadence

surveying نقشه‌برداری [م. نقشه.]

surveying engineering, geomatics

مهندسی نقشه‌برداری [م. نقشه.]

surveyor نقشه‌بردار [م. نقشه.]

sustainable forest

جنگل پایدار [م. منابع < جنگل]

sustainable forest development

توسعه پایدار جنگل [م. منابع < جنگل]

sustainable forest economy

اقتصاد پایدار جنگل [م. منابع < جنگل]

sustainable forest management

مدیریت پایدار جنگل [م. منابع < جنگل]

sustained oscillation نوسان نگه‌داشته [فیزیک]

- stress → accent 2
- stress drop [افت تنش [ژئوفیزیک]
- strike-slip fault → strike-slip fault
- strike-slip fault, strike-slip fault
گسل امتداد لغز [زمین.]
- string رشته [رایانه و فن.]
- string theory نظریه ریسمان [فیزیک]
- strip clear cutting
برش یکسره نواری [م. منابع < جنگل]
- strip mosaic پاره چین نواری [م. نقشه.]
- strong beat, accented beat, down beat
ضرب قوی [موسیقی]
- strong force نیروی قوی [فیزیک]
- strong interaction برهم کنش قوی [فیزیک]
- stroph → verse
- structural ساختی [زبان.]
- structural analysis تجزیه ساختی [زبان.]
- structural case حالت ساختاری [زبان.]
- structural change تغییر ساختی [زبان.]
- structural description, structural index
توصیف ساختی [زبان.]
- structural grammar دستور ساختی [زبان.]
- structural index → structural description
- structuralism, structural linguistics
ساختگرایی [زبان.]
- structuralist ساختگرا [زبان.]
- structural linguistics → structuralism
- structure ساخت [زبان.]
- stub تهرسید [عمومی]
- stub terminal پایانه بن گرد [ح. شهری]
- stye → hordeolum
- stylar-end clearing → blossom-end clearing
- subadditive function تابع زیرجمعی [ریاضی]
- subantarctic جنب جنوبگان [ع. جر.]
- subducted فرورانده [زمین.]
- subducting فرورو [زمین.]
- subducting plate صفحه فرورو [زمین.]
- subduction فرورائش [زمین.]
- subduction zone زون فرورائش [زمین.]
- sub-foreman → assistant track foreman
- subject نهاد [موسیقی]
- subject bibliography, thematic bibliography
کتاب نگاشت موضوعی [ع. کتابداری]
- subject encyclopedia دانشنامه موضوعی،
دائرة المعارف موضوعی [ع. کتابداری]
- submarine earthquake → seaquake
- subsidized taxi تاکسی یارانه ای [ح. شهری]
- subsoiler, subsoil plow زیرشکن [کشا. < زراع.]
- subsoiling زیرشکنی [کشا. < زراع.]
- subsoil plow → subsoiler
- subspecies زیرگونه [زیست.]
- subspecific زیرگونه ای [زیست.]
- subtropical forest جنگل جنب حاره ای [م. منابع < جنگل]
- subtruncate نیم نوک بریده [کشا. < باغ.]
- succession 1 توالی [زیست.]

steam fog	بخارمه [ع. جو]	storage	ذخیره‌سازی [رایانه و فن.]
steam mist	بخار تنک‌مه [ع. جو]	storage area network, SAN	شبکه ذخیره‌سازی، شبکه ذخیره [رایانه و فن.]
stemless → acaulescent		storage device	ذخیره‌ساز [رایانه و فن.]
step aeration process → step-feed aeration process		store	ذخیره کردن [رایانه و فن.]
step-feed aeration process, step aeration process, stepped aeration process	فرایند خوراک‌دهی مرحله‌ای [م. محیط.]	stored	ذخیره‌شده، ذخیره [رایانه و فن.]
stepout → moveout		stoving → baking	
stepped aeration process → step-feed aeration process		strabismus, heterotropia, manifest deviation	لوچی [پزشکی]
stereoplotter, stereoplotting instrument, restitutive instrument, stereoscopic plotter, stereoscopic plotting instrument, photogrammetric plotter, photogrammetric plotting instrument	دستگاه تبدیل [م. نقشه.]	strain partitioning	افراز کرنش [ژئوفیزیک]
stereoplotting, restitution	تبدیل [م. نقشه.]	strange hadron	هادران شگفت [فیزیک]
stereoplotting instrument → stereoplotter		strangeness	شگفتی [فیزیک]
stereoscope	برجسته‌نما [م. نقشه.]	strangeness number	عدد شگفتی [فیزیک]
stereoscopic plotter → stereoplotter		strange particle	ذره شگفت [فیزیک]
stereoscopic plotting instrument → stereoplotter		strange quark	کوارک شگفت [فیزیک]
stereoscopic vision	برجسته‌بینی [م. نقشه.]	strategic plan	طرح راهبردی [ع. نظامی]
stereoscopy	برجسته‌نمایی [م. نقشه.]	strategic planning	طرح‌ریزی راهبردی [ع. نظامی]
stimulated emission	گسیل تحریکی [فیزیک]	stratopause	پوشن‌ایست [ع. جو]
stochastic trip assignment	تخصیص تصادفی سفر، تخصیص تصادفی [ح. شهری]	stratosphere	پوشن سپهر [ع. جو]
stock, rootstock, understock	پایه ۲ [کشا. ← باغد.]	stratospheric	پوشن سپهری [ع. جو]
		stratospheric coupling	جفت‌شدگی پوشن‌سپهر [ع. جو]
		stratospheric sudden warming	گرمش ناگهانی پوشن‌سپهر [ع. جو]
		stratospheric warming	گرمش پوشن‌سپهر [ع. جو]
		streak	رنگ خاکه [زمین.]
		streak plate	صفحه رنگ خاکه [زمین.]
		streamline	خط جریان [فیزیک]

spot jamming	اختلال نقطه‌ای [ع. نظامی]	stationary contour	نمای لحنی ایستا [موسیقی]
spot landing, accuracy landing	نشست دقیق [ح. هوایی]	stationary current	جریان مانا [فیزیک]
sprayer	محلول‌پاش [کش. < زراع.]	stationary distribution	توزیع مانا [فیزیک]
spread → dewpoint depression		stationary eddies, standing eddies	پیچکهای مانا [ع. جو]
springer	بادکردگی پرشی [تغذیه و صنا.]	stationary field	میدان مانا [فیزیک]
spyware	جاسوس‌افزار [رایانه و فن.]	stationary rail saw	ریل‌بر ثابت [ح. ریلی]
stabilization lagoon → stabilization pond		stationary state	حالت مانا [فیزیک]
stabilization pond, stabilization lagoon, lagoon, oxidation pond	استخر تثبیت [م. محیط.]	statistic	آماره [ریاضی]
stamp vending machine	ماشین فروش تمبر [مخابرات < پست]	statistical linguistics	زبان‌شناسی آماری [زبان.]
stand age, age of stand	سن توده [م. منابع < جنگل]	status bar	نوار وضعیت [رایانه و فن.]
stand age density	تراکم سن توده [م. منابع < جنگل]	steadicam operator	متصدی پایا دوربین [سینما و تلو.]
stand age distribution	پراکنش سن توده [م. منابع < جنگل]	steady state	حالت پایا [فیزیک]
stand age structure	ساختار سن توده [م. منابع < جنگل]	steady-state conduction	رسانش حالت پایا [فیزیک]
standard error	خطای معیار [ریاضی]	steady-state current	جریان حالت پایا [فیزیک]
standby	آماده‌به‌کار [رایانه و فن.]	steady-state model	مدل حالت پایا [فیزیک]
standing eddies → stationary eddies		steady-state reactor	واکنشگاه حالت پایا، رآکتور حالت پایا [فیزیک]
stanza → verse		steady-state theory	نظریه حالت پایا [فیزیک]
station	ایستگاه [ح. شهری]	steady-state universe	عالم حالت پایا [فیزیک]
station accessibility	دسترس‌پذیری ایستگاه [ح. شهری]	steady-state vibration	ارتعاش حالت پایا [فیزیک]
stationary	مانا [فیزیک]	steady-state wave motion	حرکت موجی حالت پایا [فیزیک]
		stealware	دزدافزار [رایانه و فن.]
		steam blanching	آنزیم‌بری با بخار آب، زی‌مایه‌بری با بخار آب [تغذیه و صنا.]

- sound mixer 2, mixer 2 [صداآمیز [سینما و تلو.
 sound mixer 3, sound recordist 1,
 sound engineer [صداپرداز [سینما و تلو.
 sound recordist 1 → sound mixer 3
 sound recordist 2 → tape recorder operator
 southern lights [نورهای جنوبی [ژئوفیزیک
 souvenir sheet → miniature sheet of
 postage stamps
 space photogrammetry, satellite
 photogrammetry [تصویرسنجی فضایی [م. نقشه.
 spam 1 [فرستادن هرزنامه [رایانه و فن.
 spam 2 [هرزنامه [رایانه و فن.
 spammed [هرزده [رایانه و فن.
 spammer [هرزفرست [رایانه و فن.
 spamming [هرزنویسی، هرزفرستی [رایانه و فن.
 spark, sparkover, spark discharge
 [جرقه، تخلیه جرقه‌ای [فیزیک
 spark chamber [اتاقک جرقه [فیزیک
 spark discharge → spark
 spark excitation [برانگیزش جرقه‌ای [فیزیک
 spark gap [کاف جرقه [فیزیک
 sparkover → spark
 spark spectrum [طیف جرقه‌ای [فیزیک
 spark voltage [ولتاژ جرقه‌زنی [فیزیک
 spatial information system → geospatial
 information system
 special bibliography [کتاب‌نگاشت اختصاصی [ع. کتابداری
 special delivery, distribution spéciale (fr.)
 [توزیع ویژه [مخابرات < پست
 speciation [گونه‌زایی [زیست.
 species [گونه ۲ [زیست.
 specific [گونه‌ای [زیست.
 specific humidity [رطوبت ویژه [ع. جو
 specific resistance [مقاومت اختصاصی [کشا. < زراع.
 spectral hygrometer [نم‌سنج طیفی [ع. جو
 speech act [کنش گفتاری [زبان.
 speech act theory [نظریه کنش گفتاری [زبان.
 speech engine [گفتارگر [رایانه و فن.
 spike potential [پتانسیل نیزه‌ای [زیست.
 spin-orbit coupling → spin-orbit
 interaction [برهم‌کنش اسپین-مدار [فیزیک
 spin-orbit interaction, spin-orbit
 coupling [برهم‌کنش اسپین-اسپین [فیزیک
 spin-spin interaction [برهم‌کنش اسپین-اسپین [فیزیک
 spiral freezer [یخ‌زن مارپیچی [تغذیه و صنا.
 spirit thermometer, alcohol thermometer,
 alcohol-in-glass thermometer [دماسنج الکلی [ع. جو
 split spread [دوسوگسترش [ژئوفیزیک
 split spread data acquisition [داده‌برداری دوسوگسترش [ژئوفیزیک
 spontaneous emission [گسیل خودبه‌خودی [فیزیک
 spontaneous fission [شکافت خودبه‌خودی [فیزیک
 sport → bud sport
 spot jammer [اختلال‌گر نقطه‌ای [ع. نظامی

slop of platform → loading ramp

sludge dewatering, dewatering

آبگیری لجن [م. محیط.]

sludge drying bed

بستر لجن خشک کن [م. محیط.]

smart terminal, programmable terminal

پایانه نیم هوشمند [رایانه و فن.]

smooth morphism [ریاضی]

SMS message 1, short message

پیام کوتاه، پیامک [مخابرات]

SMS message 2 → short message service

SMS service → short message service

snowplow [ح. ریلی]

social accent [زیان.]

social discrimination [روان.]

sociolinguistics [زیان.]

sociology of language [زیان.]

Soemmering's foramen → macula lutea

Soemmering's spot → macula lutea

soft copy → digital photogrammetry

soft copy photogrammetry → digital photogrammetry

soft copy workstation → digital photogrammetric workstation

soft swell [تغذیه و صنایع.]

soft-voicing browser [رایانه و فن.]

soil thermograph [ع. حر]

soil thermometer, earth thermometer

دماسنج خاک [ع. حر]

solid state [فیزیک]

solid-state battery [فیزیک]

solid-state laser [فیزیک]

solid-state physics

فیزیک حالت جامد [فیزیک]

sonic boom [فیزیک]

sonic thermometer [ع. حر]

sortation section → sorting floor

sorting, tri (fr.) [مخابرات < پست]

sorting floor, sortation section, work floor, chantier de tri (fr.)

بخش تجزیه [مخابرات < پست]

sorting frame, casier de tri (fr.)

قفسه تجزیه [مخابرات < پست]

sorting machine, machine à trier (fr.)

ماشین تجزیه [مخابرات < پست]

sorting yard → classification yard

sound console, mixing console, mixer 1, mixing board [سینما و تلو.]

sound crew [سینما و تلو.]

sound department [سینما و تلو.]

sound design [سینما و تلو.]

sound designer [سینما و تلو.]

sound editor [سینما و تلو.]

sound effects editor

تدوینگر جلوه های صوتی [سینما و تلو.]

sound engineer → sound mixer 3

sound mix [سینما و تلو.]

sound mixer 1 [سینما و تلو.]

صدابرداری [سینما و تلو.]

دستگاه صدابرداری [سینما و تلو.]

short messaging service → short message service

short-path multiple

چندباره کوتاه مسیر [ژئوفیزیک]

short radius → apothem

short term memory, immediate memory,

short term store, primary memory,

working memory [حافظه کوتاه مدت [روان].

short term store → short term memory

shot berry [سته ساچمه ای [کشا. < باغ].

shoulder period → shoulder season

shoulder season, shoulder period

فصل میانه [گردشگری]

shovelware

درهم افزار [رایانه و فن].

shrinkware → commercial software

shunting yard → marshalling yard

shut down 1 [توقف [رایانه و فن].

shut down 2 [متوقف کردن [رایانه و فن].

shuttle transit system

سامانه جابه جایی خطی [ح. شهری]

sibling species, aphanic species, twin

species, cryptic species

گونه های همزاد [زیست].

side graft → side grafting

side grafting, side graft

چوپوند جانبی [کشا. < باغ].

side-cleft grafting

چوپوند اسکنه ای جانبی [کشا. < باغ].

siding, branch line [خط کناری [ح. ریلی]

signal aspect [نمود چراغ راهنمایی [ح. شهری]

sign in → log on

sign out → log off

similar motion, [حرکت هم جهت [موسیقی]

direct motion

simple diffusion, diffusion

پخش ساده [زیست].

simple meter, simple time

میزان ساده [موسیقی]

simple time → simple meter

simultaneous access → parallel access

simultaneous computer 1

رایانه همپا [رایانه و فن].

simultaneous computer 2

رایانه همزمان [رایانه و فن].

single bed

تخت یک نفره [گردشگری]

single diffusion

پخش یک جانبه [زیست].

single task

تک وظیفه [رایانه و فن].

single-tasking

تک وظیفگی [رایانه و فن].

situational attribution [اسناد موقعیتی [روان].

Six's thermometer

دماسنج سیکس [ع. جو]

sketch

طرح اولیه [هنر تج.].

skimmed tree

درختواره چکیده [ح. شهری]

ski resort

تفریحگاه اسکی [گردشگری]

slab track

دال خط [ح. ریلی]

slant asymptote

مجاانب مایل [ریاضی]

slate

سنگ لوح [زمین.].

sleep mode → hibernation 1

sling psychrometer [رطوبت سنج گردان [ع. جو]

sling thermometer

دماسنج گردان [ع. جو]

slip partitioning

افراز لغزش [ژئوفیزیک]

self actualized	خودشکوفاشده [روان.]	serial variation	مبدل ترتیبی [موسیقی]
self actualizer	خودشکوفان [روان.]	serotinal	بُن تابستانی [زیست.]
self curing	خودپزش [م. پلیمر < رنگ]	server cluster → server farm	
self-image	خودانگاره [روان.]	server farm, server cluster, computer farm	کارسازگان [رایانه و فن.]
selfish genetic element → transposon		service volume	حجم خدمات [ح. شهری]
self-service office, bureau à libre service (fr.)	عابریست [مخابرات < پست]	set	صحنه [سینما و تلو.]
self-voicing browser	مروگرگویا [رایانه و فن.]	set decoration	صحنه‌آرایی [سینما و تلو.]
semantic structure	ساخت معنایی [زبان.]	set decorator	صحنه‌آرا [سینما و تلو.]
semi-analytical photogrammetry	تصویرسنجی نیمه تحلیلی [م. نقشه.]	set designer	طراح صحنه [سینما و تلو.]
semiarid	نیمه خشک [ع. جو]	set designing	طراحی صحنه [سینما و تلو.]
semi-cadence → half cadence		set dresser	صحنه پرداز [سینما و تلو.]
semi-controlled mosaic	پاره چین نیمه کنترل شده [م. نقشه.]	set dressing	صحنه پردازی [سینما و تلو.]
semicure	نیم پزی [م. پلیمر < رنگ]	set function	تابع مجموعه‌ای [ریاضی]
semispecies, allospecies, incipient species	نیم گونه [زیست.]	set medic	پزشک صحنه [سینما و تلو.]
sensible perspiration	تعریق محسوس [زیست.]	set prop(s) → prop(s)	
sensory awareness	حس آگاهی [روان.]	sexual discrimination	تبعیض جنسی [روان.]
sentence → period		shadow zone	زون سایه [ژئوفیزیک]
sentence accent	تکیه جمله [زبان.]	share, blade	تیغه [کشا. < زراع.]
September, septembre (fr.)	سپتامبر [عمرمی]	shared ride	سفر شراکتی [ح. شهری]
septembre (fr.) → September		shareware	نرم افزار مشروط [رایانه و فن.]
sequence	پیاوند [موسیقی]	shelter	پناهگاه [ع. نظامی]
sequential	پیاونده [موسیقی]	shield budding, T-budding	کوپیوند سپری،
sequestration	منزوی سازی [شیمی]		کوپیوند شکمی [کشا. < باغد.]
sequestring agent	عامل منزوی ساز [شیمی]	shingle beach → cobble beach	
		short message → SMS message 1	
		short message service, short messaging service, SMS service, SMS message 2	خدمات پیام کوتاه [مخابرات]

sea resort [تفریحگاه ساحلی [گردشگری]

sea smoke [دریادود [ع. جو]

seasonal adjustments [تعدیل فصلی [گردشگری]

seasonality [فصل‌مندی [گردشگری]

seasonal pattern [الگوی فصلی [گردشگری]

seawater thermometer → marine thermometer

second arrival [دومین رسید [ژئوفیزیک]

secondary drive [سائق ثانویه [روان]

secondary forest, second growth forest [جنگل بازروسته [م. منابع < جنگل]

secondary memory → long term memory

secondary office, établissement secondaire (fr.) [دفتر پُستی تابع [مخابرات < پست]

secondary sedimentation tank [حوض ته‌نشینی ثانویه [م. محیط]

secondary storage [ذخیره‌ساز ثانویه [رایانه و فن]

secondary treatment [تصفیه ثانویه [م. محیط]

second growth forest → secondary forest

secrete [ترشح کردن [زیست]

secretion [ترشح [زیست]

secretor 1 [ترشح‌ساز [زیست]

secretor 2, secretor gene [ژن ترشح‌ساز [زیست]

secretor gene → secretor 2

secretory [ترش‌چی [زیست]

section 1 [برش [موسیقی]

section 2 [دسته [موسیقی]

section 3 [لَت [موسیقی]

section 4, choir 1 [گروه [موسیقی]

section boss → section foreman

section foreman, section boss [رئیس قطعه [ح. ریلی]

secular variation [تغییرات سده‌ای [ژئوفیزیک]

sedimentation tank [حوض ته‌نشینی [م. محیط]

seed bed [بستر بذر [م. منابع < جنگل]

seed broadcaster [بذرپاش [کشا. < زراع]

seed drill [ردیف‌کار [کشا. < زراع]

seeker [جست‌وجوگر [ع. نظامی]

segment [واحد [زبان]

segmental phonology [واج‌شناسی زنجیری [زبان]

segmentation [تقطیع [زبان]

seismic engineering → earthquake engineering

seismic hazard, earthquake hazard [خطر زمین‌لرزه [ژئوفیزیک]

seismic risk [خطرپذیری زمین‌لرزه‌ای [ژئوفیزیک]

seismic sea wave → tsunami

seismic surge → tsunami

select bibliography → selective bibliography

selection forest [جنگل‌گزینی [م. منابع < جنگل]

selection statistic [آماره گزینش [ریاضی]

selective bibliography, select bibliography, partial bibliography [کتاب‌نگاشت گزینی [ع. کتابداری]

self actualization [خودشکوفایی [روان]

roundstone → cobble

round trip سفر رفت و برگشت [ح. شهری]

route مسیر [ح. شهری]

routeing → forwarding of postal items

route surveying نقشه برداری مسیر [م. نقشه]

royal bed → king size bed

running rail ریل حرکت [ح. ریلی]

runway باند پرواز [ح. هوایی]

rushes, dailies روزانه‌ها [سینما و تلو.]

rush print نسخه روزانه‌ها [سینما و تلو.]

rush printing چاپ روزانه‌ها [سینما و تلو.]

rush viewing تماشای روزانه‌ها [سینما و تلو.]

S

saline water آب شور [زمین]

SAN → storage area network

sand and gravel شن و ماسه [زمین]

sarcophagous → carnivore

satellite photogrammetry → space
photogrammetry

satellite surveying نقشه برداری ماهواره‌ای [م. نقشه]

saturation deficit 1 کمبود سیری [ع. جو]

saturation deficit 2 → physiological
saturation deficit

saturation mixing ratio نسبت آمیختگی سیری [ع. جو]

sauna گرمخانه [عمرمی]

saurochory خزننده برافشانی [کشا. < باغ.]

scale of charges, scale of rates, échelle
des taxes (fr.) جدول نرخها [مخابرات < پست]

scale of rates → scale of charges

scapegoat گریزه [ع. سیاسی]

scareware ترس افزار [رایانه و فن.]

scenery → prop(s)

scenic artist, painter نقاش صحنه [سینما و تلو.]

scion, cion پیوندک [کشا. < باغ.]

scoring mixer صدا بردار موسیقی فیلم،
صدا بردار موسیقی [سینما و تلو.]

scotoma سیاه نقطه [بزشکی]

scotomatous سیاه نقطه‌ای [بزشکی]

scotometer سیاه نقطه سنج [بزشکی]

scotometry سیاه نقطه سنجی [بزشکی]

scrapped surface freezer

یخ زن سطح تراش [تغذیه و صنایع]

screen capture → screen shot

screen shot, screen capture
نما گرفت [رایانه و فن.]

scroll bar نوار نورد [رایانه و فن.]

sea-level chart نقشه تراز دریا [ع. جو]

sea-level pressure chart
نقشه فشار تراز دریا [ع. جو]

sea mist دریاتنکمه [ع. جو]

seaquake, submarine earthquake

دریالرزه [ژئوفیزیک]

seaquake wave دریالرزه موج [ژئوفیزیک]

research guide	راهنمای پژوهش [ع. کتابداری]	rhythmic motive	انگاره ریتمی [موسیقی]
reserved forest	جنگل اندوخته [م. منابع > جنگل]	rhythmic variant	بدیل ریتمی [موسیقی]
reset button	دگمه بازنشانی [رایانه و فن.]	Richter magnitude	بزرگی در مقیاس ریشتر، بزرگی ریشتر [زمین.]
residual chlorine, chlorine residual	کلر باقیمانده [م. محیط.]	risk management	مدیریت خطر [زمین.]
resinous forest → needle-leaved forest		rockfall, rock fall	سنگ‌ریزش [زمین.]
resistance thermometer, electrical resistance thermometer	دماسنج مقاومتی [ع. جو]	rock-forming mineral	کانی سنگ‌ساز [زمین.]
resort	تفریحگاه [گردشگری]	rod → rod cell	
resort hotel	مهمانخانه تفریحی، هتل تفریحی [گردشگری]	rod cell, rod, retinal rod	یاخته استوانه‌ای [پزشکی]
resource sharing	اشتراک منابع [ع. کتابداری]	roller coating	پوشانش غلتکی [م. پلیمر > رنگ]
resting potential	پتانسیل استراحت [زیست.]	room occupancy rate → occupancy rate	
restitution → stereoplotting		room price → room rate	
restitutive instrument → stereoplotter		room rate, room price, room tariff	نرخ اتاق [گردشگری]
retention time → detention time		room tariff → room rate	
retinal cone → cone cell		root	پایه ۱ [موسیقی]
retinal rod → rod cell		rootkit	ردگم‌کن [رایانه و فن.]
retrospective bibliography	کتاب‌نگاشت گذشته‌نگر [ع. کتابداری]	root position, fundamental position	حالت پایگی [موسیقی]
retuse	نوک تورفته [کشا. > باغ.]	rootstock → stock	
reversed arched contour	نمای لحنی کمانی وارونه [موسیقی]	rope	رسن [ع. نظامی]
reversed fault → reverse fault		rotary polarization	قطبش چرخشی [فیزیک]
reversed fold → overturned fold		rote learning	یادگیری طوطی‌وار [روان.]
reverse fault, reversed fault	گسل معکوس [زمین.]	rote memorization	یادسپاری طوطی‌وار [روان.]
reversing thermometer	دماسنج وارونه‌ای [ع. جو]	rote memory	حافظه طوطی‌وار [روان.]
		rote recall	یادآوری طوطی‌وار [روان.]
		rotund	نوک‌گرد [کشا. > باغ.]

rectangular sedimentation tank

حوض ته‌نشینی مستطیل، حوض ته‌نشینی
مستطیلی [م. محیط.]

recurrence interval بازه بازگشت [ژئوفیزیک]

reference book کتاب مرجع [ع. کتابداری]

reference collection

مجموعه مرجع [ع. کتابداری]

reference department

بخش مرجع [ع. کتابداری]

reference interview

مصاحبه مرجع [ع. کتابداری]

reference level تراز مرجع [ژئوفیزیک]

reference library کتابخانه مرجع [ع. کتابداری]

reference materials مواد مرجع [ع. کتابداری]

reference plane سطح مرجع [ژئوفیزیک]

reference question پرسش مرجع [ع. کتابداری]

references → bibliography 4

reference services خدمات مرجع [ع. کتابداری]

reference source منبع مرجع [ع. کتابداری]

reference spheroid کره وار مرجع [ژئوفیزیک]

reference stack مخزن مرجع [ع. کتابداری]

reference template, template 1

نمونه مرجع [رایانه و فن.]

reference work کار مرجع [ع. کتابداری]

refrain → chorus 4

refuel سوخت‌گیری کردن [ع. نظامی]

refueling سوخت‌گیری مجدد،

سوخت‌گیری [ع. نظامی]

regional accent لهجه محلی [زبان.]

regional bibliography

کتاب‌نگاشت منطقه‌ای [ع. کتابداری]

register ثبت [رایانه و فن.]

regression وایزش [ریاضی]

regression analysis تحلیل وایزشی [ریاضی]

regression coefficient ضریب وایزشی [ریاضی]

regression curve خم وایزش [ریاضی]

regression estimator

برآوردگر وایزشی [ریاضی]

regression line خط وایزش [ریاضی]

regression model مدل وایزشی [ریاضی]

regular fare → base fare

regular period, normal period

جمله متعارف [موسیقی]

reheat → afterburner

relative humidity رطوبت نسبی [ع. جو]

relative permittivity → dielectric constant

relative scotoma سیاه‌نقطه نسبی [پزشکی]

reload بار کردن مجدد [رایانه و فن.]

remote parking توقفگاه دور دست [ح. شهری]

repair grafting پیوند ترمیمی [کشا. < باغ.]

repolarization بازقطبش [زیست.]

representational art → figurative art

rerailer → rerailing frog

rerailing frog, humpback, car frog,
butterfly frog, wrecking frog, greenback,
rerailer قورباغه [ح. ریلی]

re-recording mixer → dubbing mixer

radio frequency band

باند بسامد رادیویی [مخابرات]

radio frequency carrier wave

موج حامل رادیویی [مخابرات]

radiometric units

یکاهای رادیوسنجی [مخابرات]

radio propagation, wave propagation

انتشار رادیویی [مخابرات]

radiotelephone transmitter

فرستنده تلفن رادیویی [مخابرات]

radio range station

ایستگاه برد رادیویی [مخابرات]

radio relay, radio repeater

ماهواره رله رادیویی [مخابرات]

radio relay network

شبکه رله رادیویی [مخابرات]

radio relay satellite

ماهواره رله رادیویی [مخابرات]

radio relay system

سامانه رله رادیویی [مخابرات]

radio repeater → radio relay

radio spectrum طیف بسامد [مخابرات]

radio telephone تلفن رادیویی [مخابرات]

radio transmission انتقال رادیویی [مخابرات]

rail bender ریل خم‌کن [ح. ریلی]

rail defect → rail failure

rail detector car, rail flaw detector

ماشین عیب‌یاب ریل [ح. ریلی]

rail drill → rail punch

rail failure, rail defect خرابی ریل [ح. ریلی]

rail flaw عیب ریل [ح. ریلی]

rail flaw detector → rail detector car

rail heater ریل گرم‌کن [ح. ریلی]

rail lubricator گریس‌پاش ریل [ح. ریلی]

rail mill کارخانه ریل [ح. ریلی]

rail pulling device → rail stretcher

rail punch, rail drill ریل سوراخ‌کن [ح. ریلی]

rail saw ریل‌بر [ح. ریلی]

rail stretcher, rail pulling device ریل کش [ح. ریلی]

rail tread غلتش‌گاه ریل، غلتش‌گاه [ح. ریلی]

railway post office, bureau ambulant 2 (fr.) دفتر پست ریلی [مخابرات ← پست]

range of accommodation گستره تطابق [پزشکی]

rapid exit taxiway خزش‌راه تندخروج [ح. هوایی]

raw stock فیلم خام [سینما و تلو.]

ready reference, quick reference مرجع فوری [ع. کتابداری]

ready reference collection مجموعه مرجع فوری [ع. کتابداری]

real-time بی‌درنگ [رایانه و فن.]

reboot بازراه‌اندازی کردن [رایانه و فن.]

receipt of mailing → certificate of posting

receiving water آب پذیرنده [م. محیط.]

recipient parent والد گیرنده [کش. ← زراع.]

reciprocal duty ratio → pulse duty factor

recreation تفریح [گردشگری]

pulse train duration پهنای قطار تپ،
پهنای قطار پالس [مخابرات]

pulse width modulation
مدوله‌سازی پهنای تپ، مدوله‌سازی پهنای
پالس [مخابرات]

punctum luteum → macula lutea

pure oxygen system
سامانه اکسیژن خالص [م. محیط]

push-down → velocity push-down

push-to-talk → push to talk operation

push to talk operation, push-to-talk
مکالمه با فشار دکمه [مخابرات]

puzzle جورچین [عمومی]

Q

quadruple meter وزن چهارتایی [موسیقی]

queen bed → queen size bed

queen size bed, queen bed
تخت متوسط [گردشگری]

queuing صف‌بندی [مخابرات]

queue صف [مخابرات]

queue address نشانی صف [مخابرات]

queued صفی [مخابرات]

queue discipline نظم صف [مخابرات]

quick reference → ready reference

R

race نژاد [زیست]

racial discrimination تبعیض نژادی [روان]

rack rate نرخ رسمی [گردشگری]

radar absorbent materials, radar
مواد جاذب رادار،
جاذب رادار [ع. نظامی]

radar absorbing materials → radar
absorbent materials

radar order of battle
آرایش رزمی راداری [ع. نظامی]

radiant thermometer, radiation-energy
thermometer دماسنج تابشی [ع. جو]

radiated emission گسیل تابشی [مخابرات]

radiated interference
تداخل تابشی [مخابرات]

radiation curing تابش‌پزی [م. پلیمر < رنگ]

radiation-energy thermometer → radiant
thermometer

radical ion یون رادیکال [شیمی]

radioactive fallout فروریزه پروتوزا [فیزیک]

radiocanal کانال رادیویی [مخابرات]

radio channeling plan
طرح کانال‌بندی رادیویی [مخابرات]

radiocommunications
ارتباطات رادیویی [مخابرات]

radio coverage diagram
نمودار پوشش رادیویی [مخابرات]

radio direction finding
جهت‌یابی رادیویی [مخابرات، نظامی]

radio fix مکان‌یابی رادیویی [مخابرات]

radio frequency assignment
واگذاری بسامد رادیویی [مخابرات]

protection forestry

جنگلداری حفاظتی [م. منابع < جنگل]

protonation

پروتون‌دار شدن،

پروتون‌دار کردن [شیمی]

protracted conflict

تعارض مستمر

pseudoastatized gravimeter → astatized gravimeter

psychiatric

روان‌پزشکی [روان.]

psychiatrist

روان‌پزشک [روان.]

psychiatry

روان‌پزشکی [روان.]

psycholinguistics

روان‌شناسی زبان [زبان.]

psychosis

روان‌پریشی [روان.]

psychotherapist

روان‌درمانگر [روان.]

psychotherapy

روان‌درمانی [روان.]

psychotic

روان‌پریش [روان.]

psychrometer

رطوبت‌سنج [ع. جو]

psychrometric

رطوبت‌سنجشی [ع. جو]

psychrometric chart

نمودار رطوبت‌سنجی،

نمودار رطوبت‌سنجشی [ع. جو]

psychrometric constant

ثابت رطوبت‌سنجی،

ثابت رطوبت‌سنجشی [ع. جو]

psychrometric formula

فرمول رطوبت‌سنجی [ع. جو]

psychrometric table

جدول رطوبت‌سنجی،

جدول رطوبت‌سنجشی [ع. جو]

psychrometry

رطوبت‌سنجی [ع. جو]

public aircraft

هواگرد دولتی [ح. هوایی]

public service vehicle

وسیله نقلیه همگانی [ح. شهری]

publishers directory

راهنمای ناشران [ع. کتابداری]

pull-up → velocity pull-up

pulse compression

فشرده‌سازی تپ،

فشرده‌سازی پالس [مخابرات]

pulse dispersion

پاشش تپ،

پاشش پالس [مخابرات]

pulse duration distortion

اعوجاج پهنای تپ،

اعوجاج پهنای پالس [مخابرات]

pulse duty cycle → pulse duty factor

pulse duty factor, pulse duty cycle, duty cycle, reciprocal duty ratio

نسبت حضور تپ، نسبت حضور پالس [مخابرات]

pulse fall time

زمان افت تپ،

زمان افت پالس [مخابرات]

pulse group → pulse train

pulse interval → pulse repetition interval

pulse repetition frequency, pulse repetition rate

بسامد تکرار تپ، بسامد تکرار پالس [مخابرات]

pulse repetition interval, pulse repetition period, pulse interval

بازه تکرار تپ، بازه تکرار پالس [مخابرات]

pulse repetition period → pulse repetition interval

pulse repetition rate → pulse repetition frequency

pulse rise time

زمان خیز تپ،

زمان خیز پالس [مخابرات]

pulse sequence → pulse train

pulse string → pulse train

pulse stuffing

تپ‌افزایی،

پالس‌افزایی [مخابرات]

pulse train, pulse sequence, pulse string, pulse group

قطار تپ، قطار پالس [مخابرات]

proceedings, transactions, conference	پره ملخ [ح. هوایی]
proceedings [ع. کتابداری]	ترمز ملخ [ح. هوایی]
processed food	بازده ملخ [ح. هوایی]
مواد غذایی فرآوری شده [تغذیه و صنا.]	properties → prop(s)
prodelta [پیش دلتا [زمین.]]	property assistant, prop assistant
producer تهیه کننده [سینما و تلو.]	متصدی وسایل صحنه [سینما و تلو.]
product category رسته حاصلضرب [ریاضی]	property master, prop master
production تولید [سینما و تلو.]	مسئول وسایل صحنه [سینما و تلو.]
production assistant دستیار تولید [سینما و تلو.]	prop master → property master
production coordinator هماهنگ کننده تولید [سینما و تلو.]	proportional trip assignment
production designer طراح تولید [سینما و تلو.]	تخصیص نسبی سفر، تخصیص نسبی [ح. شهری]
production designing طراحی تولید [سینما و تلو.]	proposition, propositional meaning,
production forest جنگل تولیدی [م. منابع < جنگل]	propositional content گزاره ۲ [زبان.]
production illustration مصورسازی فیلمنامه [سینما و تلو.]	propositional گزاره‌ای [زبان.]
production illustrator مصورساز فیلمنامه [سینما و تلو.]	propositional content → proposition
production manager, PM مدیر تولید [سینما و تلو.]	propositional meaning → proposition
production sound mixer مدیر صدایرداری [سینما و تلو.]	proprietary software, non-free software
programmable terminal → smart terminal پیشروی [موسیقی]	نرم افزار مالکیتی [رایانه و فن.]
progression proletariat → dictatorship of proletarian	prop(s), properties, scenery, set prop(s)
prop assistant → property assistant	وسایل صحنه [سینما و تلو.]
propeller ملخ [ح. هوایی]	propulsion system سامانه پیش‌ران [ح. هوایی]
propeller area سطح ملخ [ح. هوایی]	propwash ملخ شار [ح. هوایی]
	protanope سرخ‌کور [پزشکی]
	protanopia سرخ‌کوری [پزشکی]
	protected thermometer
	دماسنج حفاظدار [ع. جو]
	protection forest
	جنگل حفاظتی [م. منابع < جنگل]
	protection forest management
	مدیریت جنگل حفاظتی [م. منابع < جنگل]

potato planting machine → potato planter

pot bound گلدان فشرده [کشا. < باغ.]

pottery سفالینه [هنر تج.]

power output, output power توان خروجی [فیزیک]

praemorse, bitten off

نوک جویده [کشا. < باغ.]

pragmatic کاربردشناختی [زبان.]

pragmatic competence توانش کاربردشناختی [زبان.]

pragmatics کاربردشناسی [زبان.]

predicate 1 گزاره ۱ [زبان.]

predicate 2, predicator محمول [زبان.]

predication إسناد ۲ [زبان.]

predicative إسنادی ۲ [زبان.]

predicator → predicate 2

preferential bus lane → bus lane

preffloration → aestivation 1

premrose → praemorse

prepayment of postage, affranchissement (fr.) پرداخت هزینه پستی [مخابرات < پست]

prepheral scotoma سیاه نقطه محیطی [پزشکی]

pre-production پیش تولید [سینما و تلو.]

presbyope پیرچشم [پزشکی]

presbyopia پیرچشمی [پزشکی]

prestack migration کوچ پیش‌انباشت [ژئوفیزیک]

prevernal سربهاری [زیست.]

primary drive سائق اولیه [روان.]

primary memory → short term memory

primary reflection بازتاب اولیه [ژئوفیزیک]

primary sedimentation tank

حوض ته‌نشینی اولیه [م. محیط.]

primary storage ذخیره‌ساز اولیه [رایانه و فن.]

primary trainer هواپیمای آموزشی مقدماتی، آموزشی مقدماتی [ح. هوایی]

primary treatment تصفیه اولیه [م. محیط.]

prime time, peak time, class A time

زمان اوج [سینما و تلو.]

priming coat آسترپوشه [م. پلیمر < رنگ]

primitive آغازین [هنر تج.]

principal automorphism

خودریختی اصلی [ریاضی]

principle of detailed balancing

اصل موازنه تفصیلی [شیمی]

principles of war اصول جنگ [ع. نظامی]

prior density, a priori density

چگالی پیشینی [ریاضی]

prior distribution, a priori distribution

توزیع پیشینی [ریاضی]

priority bus lane → bus lane

prior probability, a priori probability

احتمال پیشینی [ریاضی]

private letter-box, boîte aux lettres

particulière (fr.)

صندوق پستی شخصی [مخابرات < پست]

probing گمانه‌زنی [مخابرات]

- portable rail saw [ریل بُر دستی [ح. ریلی]
- portrait [تک چهره [هنر تج.]
- portraitist [تک چهره نگار [هنر تج.]
- portraiture [تک چهره نگاری [هنر تج.]
- position 1 [حالت [موسیقی]
- position 2 [وضعیت [موسیقی]
- position finder [موقعیت یاب ۲ [ع. نظامی]
- position finding [موقعیت یابی [ع. نظامی]
- positive accommodation [تطابق مثبت [پزشکی]
- positive afterimage [پس تصویر مثبت [پزشکی]
- positive scotoma [سیاه نقطه مثبت [پزشکی]
- possibilities → capabilities
- postmodern art [هنر پسانوگرا [هنر تج.]
- postage stamp, timbre-poste (fr.)
تمبر پُستی [مخابرات < پست]
- postal agency, agence postale (fr.)
نمایندگی پُستی [مخابرات < پست]
- postal card → postcard
- postal item, envoi postal (fr.)
مرسوله پُستی [مخابرات < پست]
- postal money order → postal order
- postal order, post office order, postal money order, bon de poste (fr.)
حواله پُستی [مخابرات < پست]
- postal parcel, colis postal (fr.), CP (fr.)
بسته پُستی [مخابرات < پست]
- postal savings bank book, livret d'épargne postal (fr.)
دفترچه پس انداز پُستی [مخابرات < پست]
- postcard, postal card, carte postale (fr.)
کارت پستال [مخابرات < پست]
- postcuring [پس پزی، پخت تکمیلی [م. پلیمر < رنگ]
- posterior chamber [اتاقک پسین [پزشکی]
- posterior density, a posteriori density
چگالی پسینی [ریاضی]
- posterior distribution, a posteriori distribution
توزیع پسینی [ریاضی]
- posterior probability, a posteriori probability
احتمال پسینی [ریاضی]
- posting, dépôt (fr.)
پُست سپاری [مخابرات < پست]
- posting box collection → letter-box collection
- postman, facteur (fr.), facteur des postes (fr.)
پستچی [مخابرات < پست]
- postman's round, letter carrier's route, itinéraire (fr.)
گشت پستچی [مخابرات < پست]
- post office box, boîte postale (fr.)
صندوق شخصی [مخابرات < پست]
- post office order → postal order
- post-production [پس تولید [سینما و تلو.]
- post-production coordinator
هماهنگ کننده پس تولید [سینما و تلو.]
- post production supervisor
ناظر پس تولید [سینما و تلو.]
- poststack migration
کوچ پس انباشت [ژئوفیزیک]
- potable water [آب آشامیدنی [زمین.]
- potato planter, potato planting machine
سیب زمینی کار [کشا. < زراع.]

plant formation → phytocoenosis
 plant groupment → phytocoenosis
 plant population جمعیت گیاهی [زیست]
 plastic arts, visual arts هنرهای تجسمی [هنر تجـ]
 plate freezer یخ‌زن صفحه‌ای [تغذیه و صنـ]
 plesiochronous شبه‌همزمان [ارایانه و فنـ]
 plunging fold چین شیب‌محور [زمین]
 plunging inclined fold چین مایل شیب‌محور [زمین]
 plurality اکثریت نسبی [ع. سیاسی]
 PM → production manager
 point accessibility دسترسی پذیری ایستگاه [ح. شهری]
 pointillism نقطه‌گرایی [هنر تجـ]
 pointillist نقطه‌گرا [هنر تجـ]
 pointillistic نقطه‌گرایانه [هنر تجـ]
 point source چشمه نقطه‌سان، چشمه نقطه‌ای [ع. جو]
 polar cyclone چرخند قطبی [ع. جو]
 polarimeter قطبش‌سنج [شیمی]
 polarimetry قطبش‌سنجی [شیمی]
 polarizer قطبنده [شیمی]
 polarogram قطبش‌نگاشت [شیمی]
 polarographic قطبش‌نگاشتی [شیمی]
 polarographic analysis تجزیه قطبش‌نگاشتی [شیمی]
 polarographic cell پیل قطبش‌نگاشتی [شیمی]
 polarography قطبش‌نگاری [شیمی]

polar low کم فشار قطبی [ع. جو]
 polar vortex تاوه قطبی [ع. جو]
 polar wandering سرگردانی قطبی [زمین]
 policy سیاست ۱ [ع. سیاسی]
 policy maker سیاست‌گذار [ع. سیاسی]
 policy making سیاست‌گذاری [ع. سیاسی]
 policy studies مطالعات سیاست‌گذاری [ع. سیاسی]
 political سیاسی [ع. سیاسی]
 political philosophy فلسفه سیاسی [ع. سیاسی]
 politics 1 سیاست ۱ [ع. سیاسی]
 politics 2 سیاسیات [ع. سیاسی]
 pollen culture کشت کرده [کشا. باغد]
 polyglot dictionary → multilingual dictionary
 polimeter چندوزنی [موسیقی]
 polymetric چندوزن [موسیقی]
 polyrhythm چندریتمی [موسیقی]
 polyrhythmic چندریتم [موسیقی]
 population جمعیت [زیست]
 population biology زیست‌شناسی جمعیت [زیست]
 population cycle چرخه جمعیت [زیست]
 population ecology بوم‌شناسی جمعیت [زیست]
 population growth رشد جمعیت [زیست]
 population pyramid هرم جمعیت [زیست]
 population size اندازه جمعیت [زیست]
 population structure ساختار جمعیت [زیست]
 porcelain چینی [هنر تجـ]

- personalization [شخصی سازی [رایانه و فن.]
- personalize [شخصی کردن [رایانه و فن.]
- personalized شخصی سازی شده،
شخصی شده [رایانه و فن.]
- personal rapid transit system
سامانه جابه جایی سریع شخصی [ح. شهری]
- perspiration 1, sudation 2, sweating
تعریق ۲ [زیست.]
- perspiration 2, sweat, sudor عرق [زیست.]
- phase change تغییر فاز [فیزیک]
- phase transformation تبدیل حالت [فیزیک]
- phase transition گذار فاز [فیزیک]
- phobic neurosis روان نژندی هراسی [روان.]
- phonological structure ساخت واجی [زبان.]
- photoblog وب نوشت عکسی [رایانه و فن.]
- photoblogger وب نویس عکسی [رایانه و فن.]
- photoblogging وب نویسی عکسی [رایانه و فن.]
- photo control point, photogrammetric
نقطه کنترل عکسی [م. نقشه.]
- photogrammetric control point → photo
control point
- photogrammetric plotter → stereoplotter
- photogrammetric plotting instrument →
stereoplotter
- photogrammetrist تصویرسنج [م. نقشه.]
- photogrammetry تصویرسنجی [م. نقشه.]
- photographic mosaic → photomosaic
- photomap نقشه عکسی [م. نقشه.]
- photomosaic, photographic mosaic, mosaic 2
پاره چین عکسی [م. نقشه.]
- phrase عبارت [موسیقی]
- phrasing عبارت پردازی [موسیقی]
- Phrygian half cadence
نیم فرود فربجیه ای [موسیقی]
- physical bibliography → descriptive
bibliography
- physiological race نژاد کاراندام شناختی [زیست.]
- physiological saturation deficit,
saturation deficit 2
کمبود سیری کاراندام شناختی، کمبود سیری [ع. جو]
- phytocenology → phytocoenology
- phytocoenology گیاسازندشناسی [زیست.]
- phytocoenosis, plant community, plant
formation, plant groupment
گیاسازند [زیست.]
- phytophagous → herbivore
- pick up → upbeat
- pilot trace رد راهنما [ژئوفیزیک]
- pitch accent تکیه زیروبمی [زبان.]
- plagal cadence, Greek cadence
فرود فرعی [موسیقی]
- Planck length طول پلانک [فیزیک]
- Planck time زمان پلانک [فیزیک]
- planetary boundary layer, PBL
لایه مرزی سیاره ای [ع. جو]
- planimetric base map
نقشه پایه مسطحاتی [م. نقشه.]
- plant breeding
بهترادی گیاهی، اصلاح نباتات [کشا. < زراعت.]
- plant community → phytocoenosis

parallel motion حرکت موازی [موسیقی]

paramilitary forces

نیروهای شبه نظامی [ع. نظامی]

paranormal cognition → extrasensory perception

paraxial optics اپتیک پیرامحوری [فیزیک]

paraxial rays پرتوهای پیرامحوری [فیزیک]

parking supply ظرفیت توقفگاهی [ح. شهری]

parking turnover کارکرد توقفگاه [ح. شهری]

partial bibliography → selective bibliography

partial melting ذوب بخشی [زمین.]

pass point گذر نقطه [م. نقشه.]

passage 1 بازارچه [عمومی]

passage 2 گذر [موسیقی]

passenger flow جریان مسافر [ح. شهری]

passenger trip مسافر [ح. شهری]

passive electronic warfare جنگ الکترونیکی غیر عامل [ع. نظامی]

passive transport ترابرد غیر فعال [زیست.]

pastel گچ رنگ [هنر تج.]

pastel paper کاغذ گچ رنگ [هنر تج.]

pastel pencil مداد گچ رنگ [هنر تج.]

patriot, patriotic 1 میهن پرست [ع. سیاسی]

patriotic 1 → patriot

patriotic 2 میهن پرستانه [ع. سیاسی]

patriotism میهن پرستی [ع. سیاسی]

PBL → planetary boundary layer

PDA → personal digital assistant

peaceful coexistence

همزیستی مسالمت آمیز [ع. سیاسی]

peak season فصل اوج [گردشگری]

peak time → prime time

pebble ریگ [زمین.]

pebbly ریگ دار [زمین.]

pebbly sand ماسه ریگ دار [زمین.]

pedigree breeding بهنژادی شجره‌ای [کشا. < زراعت.]

peg-leg multiple چندباره چوب پای [ژئوفیزیک]

penetration aids رخنه ابزار [ع. نظامی]

perception ادراک [روان.]

perception ادراک حسی [روان.]

perceptive → perceptual

perceptual, perceptive ادراکی [روان.]

perfect cadence, final cadence, full cadence, full close, complete cadence
فرود کامل [موسیقی]

performance کنش [زبان.]

period, sentence جمله [موسیقی]

peripheral parking → fringe parking

perlocutionary act, perlocutionary effect
کنش تأثیری [زبان.]

perlocutionary effect → perlocutionary act

permalink, permanent link پایاپیوند [رایانه و فن.]

permanent link → permalink

permanent memory → long memory term

personal digital assistant, PDA

دستیار رقمی شخصی، دستیار [رایانه و فن.]

ordinary wave → ordinary ray

organic psychosis [روان‌پریشی عضوی [روان.]

ornamental arts [هنرهای تزیینی [هنر تجر.]

ornamentation [تزیین [هنر تجر.]

ornithochory [پرنده‌برافشانی [کشا. < باغ.]

orogenesis → orogeny

orogenic [کوهزادی [زمین.]

orogenic belt [کمربند کوهزایی [زمین.]

orogenic cycle [چرخه کوهزایی [زمین.]

orogeny, orogenesis [کوهزایی [زمین.]

orographic fog [مه کوهسار [ع. جو]

orthophotomap [نقشه راست‌عکس [م. نقشه.]

orthophoto mosaic [پاره‌چین راست‌عکس [م. نقشه.]

oscillation [نوسان [فیزیک]

outbound trip [سفر برون‌سو [ح. شهری]

outcrop [برون‌زد [زمین.]

outcrop map [نقشه برون‌زد [زمین.]

outcropped [برون‌زده [زمین.]

outcropping [برون‌زدن، برون‌زنش [زمین.]

outer automorphism [خودریختی برونی [ریاضی]

outflow [برون‌شارش [ع. جو]

output power → power output

outsourcing [برون‌سپاری [مخابرات]

outsourcing of calls [برون‌سپاری برخوانیها [مخابرات]

overbaking [بیش‌پزی کوره‌ای [م. پلیمر < رنگ]

overcoat [گرم‌پوش [ع. نظامی]

overcure [بیش‌پختگی [م. پلیمر < رنگ]

overturned fold, inverted fold, reversed fold [چین واژگون [زمین.]

own capabilities [توانمندیهای خودی [ع. نظامی]

oxidation pond → stabilization pond

oxidative browning reaction [واکنش قهوه‌ای شدن اکسایشی [تغذیه و صنایع]

oxid superconductor [آبرسانای اکسیدی [فیزیک]

ozone layer [لایه ازن [ع. جو]

ozonosphere [ازن‌سپهر [ع. جو]

P

pacifism [صلح‌باوری [ع. سیاسی]

pacifist [صلح‌باور [ع. سیاسی]

Packer's can → key-opening can

packing → cover

paid transfer [انتقال پولی [ح. شهری]

paid transfer system [سامانه انتقال پولی [ح. شهری]

painter → scenic artist

paleospecies, chronospecies [دیرین‌گونه]

panchronic linguistics [زبان‌شناسی همه‌زمانی [زبان.]

panchrony [همه‌زمانی [زبان.]

paracellular transport [تراژد پیرایاخته‌ای [زیست.]

paraelectricity [پاراالکتریسته [فیزیک]

parallel access, simultaneous access [دستیابی موازی [رایانه و فن.]

oblique-slip fault, diagonal-slip fault

گسل اریب لغز [زمین]

obscuration

پنهان ساز [ع. جو]

obscuring phenomenon

پدیده پنهان ساز [ع. جو]

occupancy rate, room occupancy rate

میزان اشغال اتاق [گردشگری]

oceanic ridge → mid-oceanic ridge

OCR → optical character recognition

October, octobre (fr.)

اکتبر [عمومی]

octobre (fr.) → October

office of mailing → office of posting

office of posting, office of mailing,

bureau de dépôt (fr.), bureau d'origine (fr.)

دفتر قبول [مخابرات < پست]

off-line station

ایستگاه برون خط [ح. شهری]

offset 1

پاگیاه [کشا. < باغ.]

offset 2

دورآفت [ژئوفیزیک]

offshoot

تنه جوش [کشا. < باغ.]

off-street terminal

دورپایانه [ح. شهری]

oil trap

تله نفتی [زمین]

omnivore, omnivorous animal, omnivorous,

diversivore

همه چیزخوار [زیست]

omnivorous → omnivore

omnivorous animal → omnivore

one-grained wheat → einkorn

online reference

خدمات مرجع برخط [ع. کتابداری]

online-station

ایستگاه برخط [ح. شهری]

open forest

جنگل تُتک [م. منابع < جنگل]

open position

وضعیت باز [موسیقی]

operating system

سامانه عامل [رایانه و فن.]

operation plan

طرح عملیاتی [ع. نظامی]

ophthalmorrhaxis

چشم پارگی [بزشکی]

opposite leaves

برگهای متقابل [کشا. < باغ.]

optical activity

فعالیت نوری [فیزیک]

optical character reading → optical reading

optical character recognition, OCR

نویسه خوانی نوری [رایانه و فن.]

optical constants

ثابت های اپتیکی [فیزیک]

optical density

چگالی اپتیکی [فیزیک]

optical hygrometer

نم سنج نورشناختی [ع. جو]

optical reader, lecteur optique (fr.)

خوانش گر نوری [مخابرات < پست]

optical reading, optical character reading,

lecture optique (fr.)

خواندن نوری [مخابرات < پست]

optical system

سامانه اپتیکی [فیزیک]

optic disc, optic papilla, discus nervi

optici

صفحه بینایی [بزشکی]

optic papilla → optic disc

orcanelle → alkannet

order statistic

آماره ترتیبی [ریاضی]

ordinary item, envoi ordinaire (fr.)

مرسوله عادی [مخابرات < پست]

ordinary parcel, colis ordinaire (fr.)

بسته عادی [مخابرات < پست]

ordinary ray, ordinary wave

پرتو عادی [فیزیک]

nocturnal cooling سرمایش شبانه [ع. جو]
 nocturnal minimum temperature
 دمای کمینه شبانه [ع. جو]
 nofrost freezer یخ‌زن بی‌برفک [تغذیه و صنا.]
 non-adiabatic process → diabatic process
 non-aqueous dispersion
 پراکنه غیرآبی [م. پلیمر < رنگ]
 nonbonding electron pair → lone pair
 noncommutative algebra
 جبر ناجابه‌جایی [ریاضی]
 non-convertible coating material
 ماده پوششی تبدیل‌ناپذیر [م. پلیمر < رنگ]
 nondirective interview
 مصاحبه غیرمستقیم [روان.]
 non-enzymatic browning reaction
 واکنش قهوه‌ای شدن غیرآنزیمی [تغذیه و صنا.]
 non-figurative art هنر ناتصویری [هنر تج.]
 non-free software → proprietary software
 non-governmental organization, NGO
 سازمان مردم‌نهاد، سمن [عمومی]
 non-hygroscopic particles ذرات نانم‌گیر [ع. جو]
 non-managed forest
 جنگل فاقد مدیریت [م. منابع < جنگل]
 non-oxidative browning reaction
 واکنش قهوه‌ای شدن غیراکسایشی [تغذیه و صنا.]
 non-plunging fold چین ناشیب‌محور [زمین.]
 non-proprietary software
 نرم‌افزار غیرمالکیتی [رایانه و فن.]
 nonreference materials
 مواد غیرمرجع [ع. کتابداری]

nonsecretor ناترشح‌ساز [زیست.]
 normal autism درخودماندگی بهنجار [روان.]
 normal delivery, distribution générale (fr.)
 توزیع عادی [مخابرات < پست]
 normal fault گسل عادی [زمین.]
 normal moveout برون‌راند بهنجار [ژئوفیزیک]
 normal period → regular period
 northern lights نورهای شمالی [ژئوفیزیک]
 November, novembre (fr.) نوامبر [عمومی]
 novembre (fr.) → November
 nuclear capabilities
 توانمندی‌های هسته‌ای [ع. نظامی]
 nuclear deterrence
 بازدارندگی هسته‌ای [ع. سیاسی]
 numerator, antecedent 2 صورت [ریاضی]
 nurse crop دار دایه، دار پرستار [م. منابع < جنگل]
 nursery نهالستان [م. منابع < جنگل]
 nursery bed بستر کاشت [م. منابع < جنگل]
 nursery stock
 محصول نهالستان [م. منابع < جنگل]

O

obducted فرارنده [زمین.]
 obducting plate صفحه فراور [زمین.]
 obduction فرارانش [زمین.]
 object شیء [ریاضی]
 oblique motion حرکت مایل [موسیقی]

multi task چند وظیفه [رایانه و فن.]

multi-tasking چندوظیفگی [رایانه و فن.]

multi-threaded چندریسه [رایانه و فن.]

multi-threading چندریسی [رایانه و فن.]

multilingual dictionary, polyglot

فرهنگ چندزبانه،
واژه‌نامه چندزبانه [ع. کتابداری]

multimedia message service خدمات پیام
چندرسانه‌ای، پیام چندرسانه‌ای [مخابرات]

mural, wall-painting نقاشی دیواری [هنر تج.]

musculus ciliare → ciliary muscle

music editor تدوینگر موسیقی [سینما و تلر.]

mutation breeding

به‌نژادی جهشی [کشا. < زراع.]

myope نزدیک‌بین [بزشکی]

myopia نزدیک‌بینی [بزشکی]

myrmecophilous مورگرده‌افشان [کشا. < باغد.]

myrmecophily مورگرده‌افشانی [کشا. < باغد.]

N

nagware, begware, annoyware

یَقْاَفْزار [رایانه و فن.]

narrow leaved plant → grass

national bibliography

کتاب‌نگاشت ملی [ع. کتابداری]

national politics سیاسیات کشوری [ع. سیاسی]

national union catalogue

فهرستگان ملی [ع. کتابداری]

natural forest جنگل طبیعی [م. منابع < جنگل]

natural grafting چوپیوند طبیعی [کشا. < باغد.]

needle-leaved, acicular, aciculum,
aciculate, aciculiform

سوزنی‌برگ [کشا. < باغد.]

near-side stop ایستگاه پیش تقاطع [ح. شهری]

needle-leaved forest, conifer forest,
coniferous forest, resinous forest

جنگل سوزنی‌برگ [م. منابع < جنگل]

negative accommodation تطابق منفی [بزشکی]

negative afterimage پس‌تصویر منفی [بزشکی]

negative image → afterimage 1

negative scotoma سیاه‌نقطه منفی [بزشکی]

neighbouring-group participation →
anchimeric assistance

network affiliated station, affiliate,
affiliated stations

ایستگاه پخش وابسته [سینما و تلر.]

network information center, NIC

مرکز اطلاعات شبکه، ماش [رایانه و فن.]

neurolinguist عصب‌شناس زبان [زبان.]

neurolinguistics عصب‌شناسی زبان [زبان.]

neuropsychiatry عصب‌روان پزشکی [روان.]

neurosis روان‌نژندی [روان.]

neurotic روان‌نژند [روان.]

neutropause خنثی‌ایست [ع. جو.]

neutrosphere خنثی‌سپهر [ع. جو.]

NGO → non-governmental organization

NIC → network information center

- missile seeker جست‌وجوگر موشک [ع. نظامی]
- mixed layer لایه آمیخته [ع. جو]
- mixed mode street خیابان عادی [ح. شهری]
- mixed position وضعیت آمیخته [موسیقی]
- mixer 1 → sound console
- mixer 2 → sound mixer 2
- mixing board → sound console
- mixing console → sound console
- mixing layer لایه آمیختگی [ع. جو]
- mixing ratio, humidity mixing ratio نسبت آمیختگی [ع. جو]
- MMS message پیام چندرسانه‌ای
- mobile collection platform سکوی متحرک جمع‌آوری اطلاعات، سکوی متحرک جمع‌آوری [ع. نظامی]
- mobile element → transposon
- mobile genetic element → transposon
- mobile post office, bureau de poste دفتر پست سیار [مخابرات < پست] (fr.)
- moblog وب‌نوشت سیار [رایانه و فن.]
- moblogger وب‌نویس سیار [رایانه و فن.]
- moblogging وب‌نویسی سیار [رایانه و فن.]
- moderate میانداری کردن [رایانه و فن.]
- moderated بامیاندار [رایانه و فن.]
- moderation میانداری [رایانه و فن.]
- moderator میاندار [رایانه و فن.]
- modulating period جمله مقام‌گردان [موسیقی]
- moisture curing رطوبت‌پزی [م. پلیمر < رنگ]
- molasses شیره، ملاس [کشا. < زراع.]
- moment magnitude بزرگی گشتاوری [ژئوفیزیک]
- monolingual dictionary فرهنگ یک‌زبانه، واژه‌نامه یک‌زبانه [ع. کتابداری]
- monthly minimum temperature دمای کمینه ماهانه [ع. جو]
- morphism ریختار [ریاضی]
- morphospecies ریخت‌گونه [زیست.]
- mosaic 1 پاره‌چین [هنر تجر.]
- mosaic 2 → photomosaic
- mosaicking پاره‌چین‌سازی [م. نقشه.]
- mosaic strip نوار پاره‌چین [م. نقشه.]
- motif → motive
- motive, motif, figure 1 انگاره [موسیقی]
- motivic انگاره‌ای [موسیقی]
- mountain resort تفریحگاه کوهستانی [گردشگری]
- moveout, stepout برون‌راند [ژئوفیزیک]
- mucronate نوک‌منقاری [کشا. < باغ.]
- multinational operation, allied forces operation, allied countries operation عملیات چندملیتی [ع. نظامی]
- multinational operation commander فرمانده عملیات چندملیتی [ع. نظامی]
- multinational operation forces نیروهای عملیات چندملیتی [ع. نظامی]
- multinational operation theater صحنه عملیات چندملیتی [ع. نظامی]
- multiple reflection بازتاب چندباره [ژئوفیزیک]
- multiple tropopause وردآیست چندتایی [ع. جو]
- multiple-use area منطقه چندمنظوره [ح. شهری]

- mendelian genetics, mendelism** ژن‌شناسی مندلی [زیست].
- mendelism → mendelian genetics**
- menu bar** نوار گزینه [رایانه و فن].
- mercury-in-glass thermometer** دماسنج جیوه‌ای شیشه‌ای [ع. جو].
- mercury-in-steel thermometer** دماسنج جیوه‌ای فولادی [ع. جو].
- mercury thermometer** دماسنج جیوه‌ای [ع. جو].
- mesopause** میان‌ایست [ع. جو].
- mesosphere** میان‌سپهر [ع. جو].
- mesospheric** میان‌سپهری [ع. جو].
- mesospheric jet** جت میان‌سپهری [ع. جو].
- messenger** پیام‌رسان [رایانه و فن].
- meteorogram** هوانگاشت [ع. جو].
- meteorograph** هوانگار [ع. جو].
- meteorological equator** استوای هواشناختی [ع. جو].
- meter, time** وزن [موسیقی].
- metrical 1** موزون [موسیقی].
- metric, metrical 2** وزنی [موسیقی].
- metric modulation** وزن‌گردانی [موسیقی].
- metric variant** بدیل وزنی [موسیقی].
- metronome** تندانما [موسیقی].
- microbiocenosis → microbiocoenosis**
- microbiocoenosis** ریزی‌سازند؛ ریزی‌سازند [زیست].
- microspecies, jordanon** ریزگونه [زیست].
- microthesaurus** اصطلاحنامه خرد [ع. کتابداری].
- midblock stop** ایستگاه میانی [ح. شهری].
- middleware** میان‌افزار [رایانه و فن].
- mid-oceanic ridge, oceanic ridge** پشته میان‌اقیانوسی [زمین].
- migrated section** مقطع کوچیده [ژئوفیزیک].
- migration aperture** دریچه کوچ [ژئوفیزیک].
- military 1** نظامی [ع. نظامی].
- military 2** نیروهای مسلح [ع. نظامی].
- military dictatorship** استبداد نظامی [ع. سیاسی].
- mine surveying** نقشه‌برداری معدن [م. نقشه].
- miniaturer 1** خردنگاره [هنر تج.].
- miniature 2** نگارگری [هنر تج.].
- miniature sheet → miniature sheet of postage stamps**
- miniature sheet of postage stamps, miniature sheet, souvenir sheet, bloc-feuillet (fr.)** برگه تمبر [مخابرات < پست].
- miniaturist** نگارگر [هنر تج.].
- minimal art** هنر کمینه [هنر تج.].
- minimalism** کمینه‌گرایی [هنر تج.].
- minimalist** کمینه‌گرا [هنر تج.].
- minimum temperature** دمای کمینه [ع. جو].
- minimum thermometer** دماسنج کمینه [ع. جو].
- mirror 1** آینه [رایانه و فن].
- mirror 2** آینه کردن ۱ [رایانه و فن].
- mirrored** آینه‌شده [رایانه و فن].
- mirroring** آینه‌کردن ۲ [رایانه و فن].
- misclosure → error of closure**

mask shot → matte shot	medium close shot, medium close up
mass storage ذخیره‌سازی انبوه [رایانه و فن.]	نمای نیمه‌نزدیک [سینما و تلو.]
mathematical linguistics	medium close up → medium close shot
زبان‌شناسی ریاضی [زبان.]	medium long shot, American shot
matte artist, matte painter	نمای نیمه‌دور [سینما و تلو.]
نقاب‌پرداز [سینما و تلو.]	megalocornea → keratoglobus
matte painter → matte artist	گاوچشم [پزشکی]
matte shot, masked shot, mask shot	megophthalmos → buphthalmos
نمای نقابی [سینما و تلو.]	mélange آمیزه [زمین.]
maximum temperature دمای بیشینه [ع. جو]	melodic لحنی [موسیقی]
maximum thermometer دماسنج بیشینه [ع. جو]	نمای لحنی [موسیقی]
May, mai (fr.) مه [عمومی]	melodic contour, contour انحنای لحنی [موسیقی]
meaconing گمراه‌ساز ناوبری [ع. نظامی]	melodic curve فاصله لحنی [موسیقی]
meaconing techniques فنون گمراه‌سازی ناوبری [ع. نظامی]	melodic interval خط لحنی [موسیقی]
mean, mean value میانگین [ریاضی]	melodic line melodic-outline variation
mean value → mean مبدل با طرح لحنی ثابت [موسیقی]	melodic progression پیشروی لحنی [موسیقی]
mean value of a function مقدار میانگین تابع [ریاضی]	melodic sequence پیابند لحنی [موسیقی]
mean value theorems, laws of the mean قضیه‌های مقدار میانگین [ریاضی]	melodic variant بدیل لحنی [موسیقی]
measuration → forest measuration لحن [موسیقی]	melody لحن [موسیقی]
measure, bar میزان [موسیقی]	melody chorale کُرال لحن [موسیقی]
measure of association معیار پیوند [ریاضی]	melody model لحن الگو [موسیقی]
meatware → liveware لحن نمونه [موسیقی]	membrane potential, transmembrane potential
mechanical hygrometer نم‌سنج مکانیکی [ع. جو]	پتانسیل غشا [زیست.]
medial cadence → imperfect cadence حافظه [روان.]	memory اختلال حافظه [روان.]
medical photogrammetry تصویرسنجی پزشکی [م. نقشه.]	memory disorder گستره حافظه [روان.]
	memory span

low floor wagon → low floor car

low-oblique photograph

عکس کمی مایل [م. نقشه].

low rate activated sludge process

فرایند لجن فعال کم بار [م. محیط].

low season

فصل کساد [گردشگری]

LPG → liquefied petroleum gas

Lyman-alpha hygrometer

نم سنج لیمن-آلفا [ع. جر]

M

machine à enliasser (fr.) → bundling machine

machine à trier (fr.) → sorting machine

macrothesaurus [ع. کتابداری] اصطلاحنامه کلان

macula → macula lutea

macula flava → macula lutea

macula lutea retina → macula lutea

macula lutea, macula, macula flava,

macula lutea retina, yellow spot,

limbus luteus, punctum luteum,

Soemmering's spot, Soemmering's foramen

لکه زرد [پزشکی]

magnetic polarity

قطبایی مغناطیسی [ژئوفیزیک]

magnetic polarization

قطبش مغناطیسی [ژئوفیزیک]

magnetic pole [ژئوفیزیک] قطب مغناطیسی

magnetotelluric method

روش زمین مغناطی برقی [ژئوفیزیک]

mai (fr.) → May

mail box → letter-box

mail box collection → letter-box collection

mail involved in an accident, dépêche

accidentée (fr.)

فرسته آسیب دیده [مخابرات] پست

main holiday [گردشگری] تعطیلات اصلی

male connector

اتصال دهنده نر

malicious ware → malware

malware, malicious ware [رایانه و فن.] بدافزار

mammaliochory [کشاورزی] پستاندارپراشانی

managed forest

جنگل تحت مدیریت [م. منابع] جنگل

man aloft

هشدار دکل [ع. نظامی]

manifest deviation → strabismus

manuscriptological → codicological

manuscriptologist → codicologist

manuscriptology → codicology

March, mars (fr.)

مارس [عمومی]

marine biocoenosis [زیست.] زی سازند دریایی

marine thermometer, seawater thermometer

دماسنج دریایی [ع. جو]

mars (fr.) → March

marshaller

راهبر زمینی [ح. هوایی]

marshalling point

نقطه راهبری [ح. هوایی]

marshalling signal [ح. هوایی] نشانک راهبری

marshalling yard, shunting yard

تنظیم گاه [ح. ریلی]

masked shot → matte shot

- liquefied natural gas, LNG گاز طبیعی مایع، گاز مایع [شیمی]
- liquefied petroleum gas, LPG گاز نفت مایع، گاز نفت [شیمی]
- liquid-in-glass thermometer دماسنج مایعی شیشه‌ای [ع. جو]
- liquid-in-metal thermometer دماسنج مایعی فلزی [ع. جو]
- liquid thermometer دماسنج مایعی [ع. جو]
- liquid water mixing ratio نسبت آمیختگی آب مایع [ع. جو]
- LIS → land information system
- lithograph سنگ‌نگاره [هنر تج.]
- lithographer سنگ‌نگار [هنر تج.]
- lithographic سنگ‌نگاشتی [هنر تج.]
- lithography سنگ‌نگاری [هنر تج.]
- liveware, wetware, meatware, jellyware زنده‌افزار [رایانه و فن.]
- livret d'épargne postal (fr.) → postal savings bank book
- LNG → liquefied natural gas
- load 1 بار [رایانه و فن.]
- load 2 بار کردن [رایانه و فن.]
- load-balance بارتراز کردن [رایانه و فن.]
- load-balanced بارتراز شده [رایانه و فن.]
- load-balancing بارترازی [رایانه و فن.]
- loaded بارشده [رایانه و فن.]
- loader بارکن [رایانه و فن.]
- loading gauge قواره بارگیری [ج. ریلی]
- loading platform, goods platform سکوی بارگیری [ج. ریلی]
- loading ramp, slop of platform شیب‌راهه بارگیری [ج. ریلی]
- load shedding تعدیل بار [ج. شهری]
- local magnitude بزرگی محلی [ژئوفیزیک]
- local politics سیاسیات محلی [ع. سیاسی]
- location mixer → location sound mixer
- location sound mixer, location mixer صدایردار مکان [سینما و تلو.]
- locomotive hangar → engine shed
- locomotive shed → engine shed
- locutionary act کنش مفهومی [زبان]
- log نگاره [ژئوفیزیک]
- log in → log on
- log off, sign out, log out ثبت خروج [رایانه و فن.]
- log on, sign in, log in ثبت ورود [رایانه و فن.]
- log out → log off
- lone pair, unshared pair, nonbonding زوج تنها [شیمی]
- electron pair
- long-path multiple چندباره بلندمسیر [ژئوفیزیک]
- long range navigation ناوبری دوربرد [ع. نظامی]
- long term memory, secondary memory, long term store, permanent memory حافظه بلندمدت [روان]
- long term store → long term memory
- low floor boarding → low floor car
- low floor car, low floor wagon, low floor boarding واگن کف پایین [ج. ریلی]

latent deviation → heterophoria

lateral bud [جوانه جانبی [کشا. > باغ.]

lattice [شبکه [ریاضی]

lattice distribution [توزیع شبکه‌ای [ریاضی]

lattice homomorphism
همریختی شبکه‌ای [ریاضی]

lattice isomorphism [یکریختی شبکه‌ای [ریاضی]

laws of the mean → mean value theorems

leading motive → leitmotif

leading wheelset [چرخ-محور پیشرو [ح. ریلی]

leadman 1, lead person
سرپرست آرایه کاران [سینما و تلو.]

leadman 2 → assistant track foreman

lead person → leadman 1

leaf abscission [برگریزی [کشا. > باغ.]

lecteur optique (fr.) → optical reader

lecture optique (fr.) → optical reading

lee wave [موج بادپناه [ع. جو]

leitmotif, leading motive
لحن معرف [موسیقی]

lending → interlibrary

letter-box, mail box, boîte aux lettres (fr.)
صندوق پُست [مخابرات > پست]letter-box collection, mail box collection,
posting box collection,
levée de la boîte aux lettres (fr.)
جمع‌آوری مرسولات [مخابرات > پست]

letter carrier's route → postman's round

levée de la boîte aux lettres (fr.) →
letter-box collection

level fold → horizontal fold

lexicographer [فرهنگ‌نگار [زبان.]

lexicographical [فرهنگ‌نگاشتی [زبان.]

lexicography [فرهنگ‌نگاری [زبان.]

lexicon 1 [قاموس [ع. کتابداری]

lexicon 2 → vocabulary

liasse (fr.) → bundle

library cooperation
همکاری بین کتابخانه‌ای [ع. کتابداری]

lift-off [خیزش [ح. هوایی]

light adaptation [سازگاری با روشنایی [پزشکی]

lighting crew, lighting technician(s)
گروه نور [سینما و تلو.]

lighting department [بخش نور [سینما و تلو.]

lighting technician(s) → lighting crew

limbus luteus → macula lutea

limit point → accumulation point

linear algebra [جبر خطی [ریاضی]

linear congruence [همنهشتی خطی [ریاضی]

linear estimator [برآوردگر خطی [ریاضی]

line driver [خطران [مخابرات]

line producer [مجری طرح [سینما و تلو.]

linguistic competence, competence
توانش زبانی، توانش

linguistic performance [کنش زبانی [زبان.]

link load → link volume

link volume, link load [حجم رابط [ح. شهری]

lipid bilayer [دولایه لیپیدی [زیست.]

liquefaction [روانگرایی [ژئوفیزیک]

J

jack pool	موج زن [عمومی]
jammer	اختلال گر [ع. نظامی]
jamming	اختلال [ع. نظامی]
January, janvier (fr.)	ژانویه [عمومی]
janvier (fr.) → January	
jellyware → live ware	
jet stream	جریان جتی [ع. جو]
joint operations	عملیات مشترک [ع. نظامی]
jordanon → microspecies	
juillet (fr.) → July	
juin (fr.) → June	
July, juillet (fr.)	ژوئیه [عمومی]
jumping gene → transposon	
June, juin (fr.)	ژوئن [عمومی]
just war	جنگ عادلانه [ع. سیاسی]

K

katathermometer, catathermometer	فرودماسنج [ع. جو]
keratectomy	قرنیه برداری [بزشکی]
keratocele, descemetocle	فتق قرنیه [بزشکی]
keratoglobus, megalocornea	قرنیه درشتی [بزشکی]
keratometer	قرنیه سنج [بزشکی]
keratometric	قرنیه سنجشی [بزشکی]
keratometry	قرنیه سنجی [بزشکی]

key logger	کلیدخوان [رایانه و فن.]
key logging	کلیدخوانی [رایانه و فن.]
key-opening can, Packer's can	قوطی کلیددار [تغذیه و صنا.]
king bed → king size bed	
king size bed, king bed, royal bed	تخت بزرگ [گردشگری]
knapsack sprayer	محلول پاش پشتی [کشا. < زراع.]
Kraus process	فرایند کراس [م. محیط.]
Krypton hygrometer	نم سنج کریپتونمی [ع. جو]

L

label, étiquette (fr.)	شناس برگ [مخابرات < پست]
labilized gravimeter → astatized gravimeter	
lag growth phase → lag phase	
lagoon → stabilization pond	
lag period → lag phase	
lag phase, lag growth phase, lag period	مرحله تأخیر [زیست.]
land information system, LIS	سامانه اطلاعات زمین، ساز [م. نقشه.]
landing roll → landing run	
landing run, landing roll	طول نشست [ح. هوایی]
land surveying	نقشه برداری زمینی [م. نقشه.]
language	زبان [زبان.]

- interrupted cadence, abrupt cadence,
evaded cadence, deceptive cadence,
broken cadence, irregular cadence,
surprise cadence [فرود فریبنده [موسیقی]
- interspecific [بین گونه ای [زیست.]
- interspecific competition
رقابت بین گونه ای [زیست.]
- interspecific hybrid [دورگه بین گونه ای [زیست.]
- interspecific relation [رابطه بین گونه ای [زیست.]
- interstem → interstock
- interstock, interstem, intermediate stock,
intermediate scone [میان پایه [کشا. > باغ.]
- intertropical front
جبهه درون حاره ای [ع. جو]
- interval velocity [سرعت بازه ای [ژئوفیزیک]
- interview [مصاحبه [روان.]
- interviewee [مصاحبه شونده [روان.]
- interviewer [مصاحبه گر [روان.]
- intramolecular [درون مولکولی [شیمی]
- intramolecular interaction
برهم کنش درون مولکولی [فیزیک، شیمی]
- intramolecular reaction
واکنش درون مولکولی [شیمی]
- intraspecific [درون گونه ای [زیست.]
- introspection [درون نگری [روان.]
- introspective [درون نگر [روان.]
- invaded zone [زون تاخته [ژئوفیزیک]
- inverse morphism [ریختار وارون [ریاضی]
- inverted cadence → imperfect cadence
- inverted fold → overturned fold
- iris shot [نمای روزنه ای [سینما و تلو.]
- iris wipe [رویش روزنه ای [سینما و تلو.]
- iritis [عنبیه آماس [پزشکی]
- irregular cadence → interrupted cadence
- isanomalous line → isoanomalous line
- isanomaly → isoanomaly
- isanomlay curve → isoanomaly curve
- isoanomalous line [خط هم بی هنجاری،
هم بی هنجاری [ژئوفیزیک]
- isoanomaly [خط هم بی هنجاری،
هم بی هنجاری [ژئوفیزیک]
- isoanomaly curve [خم هم بی هنجاری [ژئوفیزیک]
- isobaric chart [نقشه هم فشار [ع. جو]
- isobaric contour chart
نقشه پربند هم فشار [ع. جو]
- isobront, homobront [خط هم تندر،
هم تندر [ع. جو]
- isochronous [همگام [رایانه و فن.]
- isocline [خط هم میل، هم میل [ژئوفیزیک]
- isodynamic [خط هم دینامیک [ژئوفیزیک]
- isogal [خط هم گرانی، هم گرانی [ژئوفیزیک]
- isogam [خط هم شدت، هم شدت [ژئوفیزیک]
- isogonic line [خط هم انحراف،
هم انحراف [ژئوفیزیک]
- isohypsic chart [نقشه هم ارتفاع [ع. جو]
- isomagnetic map [نقشه هم مغناطیسی [ژئوفیزیک]
- isometric → homorhythmic
- isopor line [خط هم تغییر [ژئوفیزیک]
- isoseismal line [خط هم لرز [ژئوفیزیک]
- itinéraire (fr.) → postman's round

- instrument runway [باند مجهز [ح. هوایی]
- instrument shelter, thermometer screen,
thermometer shelter, thermoscreen
ابزارپوش [ع. جو]
- insured parcel, colis avec valeur
déclarée (fr.)
بسته با ارزش اظهارشده [مخابرات > پست]
- intelligent terminal [پایانه هوشمند [رایانه و فن.]]
- intensional language → internalized
language
شدت [فیزیک]
- intensity [کمیت نافزایشی [فیزیک]]
- intensive quantity [نیت [ع. نظامی]]
- intention [یادگیری ارادی [روان.]]
- intentional learning [تعامل [روان.]]
- interaction [internalized language, internal language,
intensional language [زبان درونی [زبان.]]]
- interactional, interactive [تعاملی [روان.]]
- interaction effect [اثر تعامل [روان.]]
- interactionism [تعامل‌گرایی [روان.]]
- interactive → interactional
رتبه درون گونه‌ای [زیست.]]
- interspecific rank [نیروهای بین‌اتمی [فیزیک]]
- interatomic forces [interatomic interaction
برهم‌کنش بین‌اتمی [فیزیک]]]
- intercept time [زمان برخوردگاه [ژئوفیزیک]]
- interchange → interchange station
interchange station, transfer, interchange
ایستگاه تغییر خط [ح. ریلی]
- intercity transportation
حمل‌ونقل بین‌شهری [ح. شهری]
- intercloud discharge → cloud-to-cloud
discharge
- interlending → interlibrary loan
- interlibrary lending → interlibrary loan
- interlibrary loan, interlending,
interlibrary lending
امانت بین‌کتابخانه‌ای [ع. کتابداری]
- interline transportation
حمل‌ونقل میان‌خطی [ح. شهری]
- intermediate scon → interstock
- intermediate state [حالت میانی [فیزیک]]
- intermediate stock → interstock
- intermediate vector boson
بوزون برداری میانجی [فیزیک]
- intermolecular [بین‌مولکولی [شیمی]]]
- intermolecular forces
نیروهای بین‌مولکولی [فیزیک]
- intermolecular interaction
برهم‌کنش بین‌مولکولی [فیزیک، شیمی]
- internal hordeolum [گل‌مژه درونی [پزشکی]]]
- internal-internal trip [سفر درون-درون،
سفر دوسردرون [ح. شهری]]]
- internal language → internalized language
- internal war → civil war
- international bibliography
کتاب‌نگاشت بین‌المللی [ع. کتابداری]
- international politics
سیاست بین‌الملل [ع. سیاسی]
- Internet worm [کرم اینترنتی [رایانه و فن.]]]
- interrogation [استعلام [مخابرات]]]

independent film [فیلم مستقل [سینما و تلو.]

independent film-maker

فیلمساز مستقل [سینما و تلو.]

independent film-making

فیلمسازی مستقل [سینما و تلو.]

independent producer

تهیه کننده مستقل [سینما و تلو.]

independent production, indie 2

تولید مستقل [سینما و تلو.]

independent station → independent
broadcast station

independent variable, argument of a

function [متغیر مستقل [ریاضی]

index fossil

فسیل شاخص [زمین.]

indicated airspeed [سرعت نموده [ح. هوایی]

indirect speech act [کنش گفتاری غیرمستقیم [زبان.]

indie 1 → independent broadcast station

indie 2 → independent production

individual [فرد [زیست.]

indoor air pollution

آلودگی هوای داخل [م. محیط.]

induced homomorphism

همریختی القایی [ریاضی]

induced magnetization

مغناطش القایی [ژئوفیزیک]

industrial photogrammetry

تصویرسنجی صنعتی [م. نقشه.]

industrial surveying

نقشه برداری صنعتی [م. نقشه.]

inefficient estimator [برآوردگر ناکارا [ریاضی]

inelastic collision [برخورد ناکشسان [فیزیک]

inelasticity [ناکشسانی [فیزیک]

inelastic scattering [پراکندگی ناکشسان [فیزیک]

inelastic stress [تنش ناکشسان [فیزیک]

inferiority feeling [احساس کهتری [روان.]

infrared hygrometer [نم سنج فروسرخ [ع. جو]

infrared seeker [جست و جوگر فروسرخ [ع. نظامی]

infraspecific [فروگونه ای [زیست.]

infraspecific level [تراز فراگونه ای [زیست.]

infrastructure [زیرساخت [ح. شهری]

infrasubspecific [فروزیرگونه [زیست.]

ingredients → food ingredients

inherent case [حالت ذاتی [زبان.]

initial object, cofinal object

شیء آغازی [ریاضی]

inn

مهمانسرا [گردشگری]

inner automorphism [خودریختی درونی [ریاضی]

inner fovea → fovea centralis

insensible perspiration, transpiration 1

تعریق نامحسوس [زیست.]

insolation 1 [خورتاب [ع. جو]

insolation 2 [خورتابگیری [ع. جو]

insourcing [درون سپاری [ع. جو]

instantaneous power [توان لحظه ای [فیزیک]

instantaneous power output

توان خروجی لحظه ای [فیزیک]

instant message [پیام فوری [رایانه و فن.]

instant messenger [پیام رسانی فوری [رایانه و فن.]

ice water mixing ratio → ice mixing ratio	اندیشه‌نگاشتی [هنر تج.] ideographic
ichthyochory ماهی‌پرافشانی [کشا. < باغ.]	اندیشه‌نگاری [هنر تج.] ideography
icon 1 شمایل [هنر تج.]	گوش فردی [زبان.] idiolect
icon 2 نقشک [رایانه و فن.]	دور درجا [ح. هوایی] idle speed
iconoclasm شمایل‌شکنی [هنر تج.]	کنش منظوری [زبان.] illocutionary force
iconoclast شمایل‌شکن [هنر تج.]	مصورسازی [هنر تج.] illustration
iconograph شمایل‌نگار ۱ [هنر تج.]	هنر مصورسازی [هنر تج.] illustration art
iconographer, iconographist شمایل‌نگار ۲ [هنر تج.]	مصورساز [هنر تج.] illustrator
iconographic شمایل‌نگاشتی [هنر تج.]	immediate memory → short term memory
iconographist → iconographer	تالی بلافصل [ریاضی] immediate successor
iconography شمایل‌نگاری [هنر تج.]	یخ‌زن غرقه‌ای [تغذیه و صنا.] immersion freezer
iconological شمایل‌شناختی [هنر تج.]	immunodiffusion, gel diffusion پخش ایمنی‌شناختی [زیست.]
iconologist شمایل‌شناس [هنر تج.]	imperfect cadence, inverted cadence, medial cadence
iconology شمایل‌شناسی [هنر تج.]	فروود ناکامل [موسیقی]
ideal آرمان [هنر تج.]	عاطفه نابجا [روان.] inappropriate affect
ideal form صورت آرمانی [هنر تج.]	چوپوند اتصالی [کشا. < باغ.] inarching
idealism آرمان‌گرایی [هنر تج.]	سفر درون‌سو [ح. شهری] inbound trip
idealist آرمان‌گرا [هنر تج.]	مشوق [روان.] incentive
idealization آرمانی‌سازی [هنر تج.]	نظریه تشویق [روان.] incentive theory
identity هویت [روان.]	incipient species → semispecies
identity crisis بحران هویت [روان.]	ناسازگاری [م. پلیمر < رنگ] incompatibility
identity disorder اختلال هویت [روان.]	incremental trip assignment
identity formation تشکیل هویت [روان.]	تخصیص فزاینده سفر، تخصیص فزاینده [ح. شهری]
identity status وضعیت هویتی [روان.]	independent broadcast station, independent station, indie 1
identity theory نظریه هویت [روان.]	ایستگاه پخش مستقل [سینما و تلو.]
ideogram, ideograph اندیشه‌نگاشت [هنر تج.]	independent cinema
ideograph → ideogram	سینمای مستقل [سینما و تلو.]

Howitzer	توپ‌وار [ع. نظامی]	hygroscope	نم‌نما [ع. جو]
HSP → hosting service provider		hygroscopic	نم‌گیر [ع. جو]
HTTP cookie → cookie		hygroscopic coefficient	ضریب نم‌گیری [ع. جو]
humidity mixing ratio → mixing ratio		hygroscopicity	نم‌گیرایی [ع. جو]
humpback → rerailing frog		hygroscopic moisture	نمداشت [ع. جو]
hydrochory	آب‌برافشانی [کشا. < باغد.]	hygroscopic nucleus	هسته نم‌گیر [ع. جو]
hydrogen bond	پیوند هیدروژنی [شیمی]	hygroscopic particles	ذرات نم‌گیر [ع. جو]
hydrogen swell	بادکردگی هیدروژنی [تغذیه و صنا.]	hygroscopic water	آبداشت [ع. جو]
hydrographic surveying	نقشه‌برداری آب‌نگاشتی [م. نقشه.]	hygroscopy	نم‌گیری [ع. جو]
hydrophily	آب‌گرده‌افشانی [کشا. < باغد.]	hygrothermogram, thermohygrogram	نم-دمانگاشت [ع. جو]
hydrophthalmos → buphthalmos		hygrothermograph, thermohygrograph	نم-دمانگار [ع. جو]
hygrodeik	رطوبت‌نما [ع. جو]	hygrothermometer, thermohyrometer	نم-دماسنج [ع. جو]
hygogram	نم‌نگاشت [ع. جو]	hyperactivity	بیش‌فعالی [روان.]
hygograph	نم‌نگار [ع. جو]	hyperfine structure	ساختار فوق ریز [فیزیک]
hygrokinematics	نم حرکت‌شناسی [ع. جو]	hyperope	دوربین [بزشکی]
hygrologic	نم‌شناختی [ع. جو]	hyperopia	دوربینی [بزشکی]
hygrological → hygrologic		hyper-threaded	پُرریسه [رایانه و فن.]
hygrology	نم‌شناسی [ع. جو]	hyper-threading	پُرریسگی [رایانه و فن.]
hygrometer	نم‌سنج [ع. جو]	hysterical neurosis	روان‌نژندی هیستریک [روان.]
hygrometric	نم‌سنجشی [ع. جو]		
hygrometric chart	نمودار نم‌سنجی، نمودار نم‌سنجشی [ع. جو]		
hygrometric formula	فرمول نم‌سنجی [ع. جو]		
		I	
hygrometric table	جدول نم‌سنجی، جدول نم‌سنجشی [ع. جو]	ice crystal	یخ‌بلور [ع. جو]
hygrometry	نم‌سنجی [ع. جو]	ice mixing ratio, ice water mixing ratio	نسبت آمیختگی یخ [ع. جو]

hinge line fault	گسل خط لولایی [زمین]	homorhythm	هم‌ریتی [موسیقی]
historical linguistics	زبان‌شناسی تاریخی [زبان]	homorhythmic, isometric	هم‌ریتم [موسیقی]
hitch	مالبند [کشا. > زراع.]	homosphere	همگن سپهر [ع. جو]
hoax 1	کلک [رایانه و فن.]	hordeolum, sty	گل‌مژه [پزشکی]
hoax 2	کلک زدن [رایانه و فن.]	horizontal asymptote	مجاانب افقی [ریاضی]
hoaxer	کلک‌زن، کلک‌باز [رایانه و فن.]	horizontal control network	شبکه کنترل مسطحاتی [م. نقشه.]
hoe	خاک‌همزن [کشا. > زراع.]	horizontal control point	نقطه کنترل مسطحاتی [م. نقشه.]
holding fix, holding point	نقطه انتظار [ح. هوایی]	horizontal fold, level fold	چین افقی [زمین.]
holding point → holding fix		horizontal pass point	گذر نقطه مسطحاتی [م. نقشه.]
holiday 1	تعطیلات [گردشگری]	horizontal resistance	مقاومت افقی [کشا. > زراع.]
holiday 2	تعطیل رسمی [گردشگری]	horizontal scroll bar	نوار نورد افقی [رایانه و فن.]
holiday center	قطب گردشگری [گردشگری]	host 1	میزبان [رایانه و فن.]
holiday club, holiday saving club	باشگاه گردشگری [گردشگری]	host 2	میزبانی کردن [رایانه و فن.]
holiday frequency, travel propensity	بسامد گردشگری [گردشگری]	hostageware	گروافزار [رایانه و فن.]
holiday insurance, travel insurance	بیمه مسافرتی [گردشگری]	hosted	میزبانی شده [رایانه و فن.]
holiday maker	گردشگر ۲ [گردشگری]	hosting	میزبانی [رایانه و فن.]
holiday saving club → holiday club		hosting package	بسته میزبانی [رایانه و فن.]
holiday season	فصل گردشگری [گردشگری]	hosting service provider, HSP	رساننده خدمات میزبانی [رایانه و فن.]
Holy Alliance	اتحاد مقدس [ع. سیاسی]	hotel chain, chain of hotels	مهمانخانه زنجیره‌ای، هتل زنجیره‌ای [گردشگری]
homebuilt aircraft	هواگرد دست‌ساز [ح. هوایی]	hotel garni	مسافرخانه [گردشگری]
homobront → isobront		hotel group	شرکت هتلداری [گردشگری]
homonymous hemianopia	نیمه‌کوری همسو [پزشکی]	hot-water blanching	آنزیم‌بری با آب داغ،
homopause	همگن‌ایست [ع. جو]		زی‌مایه‌بری با آب داغ [تغذیه و صنایع.]

- harness 2 سامانه ارتباط داخلی، ساد [ع. نظامی]
- harrow چنگه [کشا. < زراع.]
- hay rake شانه [کشا. < زراع.]
- head space سرفضا [تغذیه و صنا.]
- head space aroma عطر سرفضا [تغذیه و صنا.]
- health resort تفریحگاه تندرستی [گردشگری]
- heat conduction رسانش گرما [فیزیک]
- heat convection همرفت گرما [فیزیک]
- heat death گرمای مرگ [فیزیک]
- heat island جزیره گرما [ع. جو]
- heat radiation, thermal radiation تابش گرمایی [فیزیک]
- heat seeker جست و جوگر حرارتی [ع. نظامی]
- heat transfer انتقال گرما [فیزیک]
- heavy-fermion superconductor آبرسانای فرمیون سنگین [فیزیک]
- hemianopia, hemianopsia نیمه کوری [بزشکی]
- hemianopic نیمه کور [بزشکی]
- hemianopsia → hemianopia
- hemiola سه پده دو [موسیقی]
- herbaceous cutting قلمه علفی، تیل علفی [کشا. < باغد.]
- herbivore, herbivorous, herbivorous animal, phytophagous علفخوار [زیست.]
- herbivorous animal → herbivore
- herbivorous → herbivore
- herbivory علفخواری [زیست.]
- hermaphrodite flower → bisexual flower
- heteronymous hemianopia نیمه کوری ناهمسو [بزشکی]
- heterophoralgia ناهمگردی دردناک [بزشکی]
- heterophoria, latent deviation ناهمگردی [بزشکی]
- heterophoric ناهمگرد [بزشکی]
- heterosphere دگرگن سپهر [ع. جو]
- heterotropia → strabismus
- hibernal, hiemal زمستانی [زیست.]
- hibernate خوابیدن، خواب کردن [رایانه و فن.]
- hibernation 1, sleep mode خواب [رایانه و فن.]
- hibernation 2, winter sleep, deep hibernation زمستان خوابی [زیست.]
- hibernator زمستان خواب [زیست.]
- hidden layer لایه پنهان [ژئوفیزیک]
- hiemal → hibernal
- high floor car واگن کف بالا [ح. ربلی]
- high-oblique photograph عکس بسیار مایل [م. نقشه.]
- high power microwave bomb بمب ریزموج پرتوان [ع. نظامی]
- high-rate activated sludge process فرایند لجن فعال پر بار [م. محیط.]
- high season فصل رونق [گردشگری]
- high temperature superconductor آبرسانای دما بالا [فیزیک]
- highway post office, bureau ambulant 1 (fr.) دفتر پستی بزرگراه [مخابرات < پست]
- hinge line خط لولا [زمین.]

graphics → graphic arts

graphist نگاشترگر [هنر تج.]

grass, narrow leaved plant
باریک برگ [کشا. به باغ.]

grass minimum کمینه چمن [ع. جو]

grass minimum temperature
دمای کمینه چمن [ع. جو]

gravel شن [زمین.]

gravely شنی [زمین.]

gravitation گرانش [فیزیک]

gravitational گرانشی [فیزیک]

gravitational acceleration
شتاب گرانشی [فیزیک]

gravitational field میدان گرانشی [فیزیک]

gravitational force نیروی گرانشی [فیزیک]

gravitational instability
ناپایداری گرانشی [فیزیک]

gravitational redshift
انتقال به سرخ گرانشی [فیزیک]

gravitational wave موج گرانشی [فیزیک]

gravure, etching حکاکی [هنر تج.]

Great Patriotic War
جنگ کبیر میهنی [ع. سیاسی]

Greek cadence → plagal cadence

greenback → rerailing frog

grip وردست [سینما و تلو.]

ground collection platform

سکوی زمینی جمع‌آوری اطلاعات، سکوی زمینی
جمع‌آوری [ع. نظامی]

ground control point, control station

نقطه کنترل زمینی [م. نقشه.]

ground effect اثر زمین [ح. هوایی]

ground speed سرعت زمینی [ح. هوایی]

group algebra جبر گروهی [ریاضی]

group psychotherapy روان‌درمانی گروهی [روان.]

group rapid transit system
سامانه جابه‌جایی سریع گروهی [ح. شهری]

guide ناو راهنما [ع. نظامی]

guide fossil فسیل راهنما [زمین.]

guide way هادیراه [ح. شهری]

guttation, sudation ۱ زهش، تعریق ۱ [زیست.]

guttational زهشی، تعریقی [زیست.]

H

hadron هادرون [فیزیک]

hadronic atom اتم هادرونی [فیزیک]

hair hygrometer نم‌سنج مویی [ع. جو]

half cadence, semi-cadence, half close
نیم‌فرود [موسیقی]

half close → half cadence

hangar آشیانه ۲ [ع. نظامی]

hang up قطع برخوانی، قطع [مخابرات]

hang-up signal سیگنال قطع [مخابرات]

hard swell بادکردگی سخت [تغذیه و صنا.]

harmonic oscillator نوسانگر هماهنگ [فیزیک]

harness 1 حمایل [ع. نظامی]

geographical accent [لهجه جغرافیایی (زبان)]

geographic information system →
geospatial information system

geoidal height [ارتفاع زمینوار (ژئوفیزیک)]

geoidal separation
جدایش زمینوار (ژئوفیزیک)

geoid height → geoidal height

geoid separation → geoidal separation

geoid undulation [موجاریگی زمین وار (ژئوفیزیک)]

geomagnetic equator
استوای زمین مغناطیسی (ژئوفیزیک)

geomagnetic secular variation
تغییرات سده‌ای زمین مغناطیس (ژئوفیزیک)

geomatics engineering → surveying
engineering

geopolitics [جغراسیاست (ع. سیاسی)]

geospatial information system, GIS,
spatial information system, geographic
information system, geobased
information system

سامانه اطلاعات مکانی، سام (م. نقشه).

GIS → geospatial information system

glacial age [عصر یخبندان (زمین)]

glacial varve [سال‌چینه یخساری (زمین)]

global positioning system, GPS
سامانه موقعیت‌یابی جهانی (م. نقشه).

glossary فرهنگ موضوعی،
واژه‌نامه موضوعی (ع. کتابداری)

gloun [گلوئون (فیزیک)]

goldbeater's-skin hygrometer
نم‌سنج پوست‌روده‌ای (ع. جر)

gonimeter [زاویه‌سنج (م. نقشه)]

gonimetry [زاویه‌سنجی (م. نقشه)]

gonioscope [گوشه‌بین (پزشکی)]

gonioscopy [گوشه‌بینی (پزشکی)]

goniotomy, Barkan's operation
گوشه‌شکافی (پزشکی)

goods platform → loading platform

gooseneck → bench root

GPS → global positioning system

GPS receiver موقعیت‌یاب جهانی،
موقعیت‌یاب ۱ (م. نقشه).

gradiometer [گرادیان‌سنج (ژئوفیزیک)]

graduated fare [کرایه تصاعدی (ح. شهری)]

graft → grafting 2

graftage → grafting 2

grafting 1 [چوپوند (کشا. باغ.)]

grafting 2, graftage, graft پیوندزنی،
پیوند ۳ (کشا. باغ.)

grafting by approach → approach grafting

grafting wax [چسب پیوند (کشا. باغ.)]

graft union [پیوندگاه (کشا. باغ.)]

grain drier [دانه‌خشک‌کن (کشا. زراعت.)]

grammatical competence [توانش دستوری (زبان)]

grammatical structure [ساخت دستوری (زبان)]

graphic [نگاشتاری (هنر تج.)]

graphic arts, graphics, graphic design

هنرهای نگاشتاری (هنر تج.)

graphic design → graphic arts

free diffusion پخش آزاد [زیست]
 free flight پرواز آزاد [ح. هوایی]
 free software نرم افزار آزاد [رایانه و فن.]
 free variable متغیر آزاد [ریاضی]
 freeware رایگان افزار [رایانه و فن.]

freeze concentration
 تغلیظ انجمادی [تغذیه و صنایع]

freezer burn یخ سوختگی [تغذیه و صنایع]

freighter → air freighter

frequency allocation تخصیص بسامد [مخابرات]

frequency band باند بسامد [مخابرات]

fresco 1 دیوارنگاره [هنر تجر.]

fresco 2, buon fresco, true fresco
 دیوارنگاری [هنر تجر.]

fresh water آب شیرین [زمین.]

fresh water sediment رسوب آب شیرین [زمین.]

fresh water swamp باتلاق آب شیرین [زمین.]

friction layer لایه اصطکاک، لایه مالش [ع. جو]

fringe parking, peripheral parking
 توقفگاه جنبی [ح. شهری]

fruit abscission میوه ریزی [کشت. < باغد.]

F.S.S. → flat sour spoilage

full cadence → perfect cadence

full close → perfect cadence

fumarole دودخان [زمین.]

fumarole field میدان دودخان [زمین.]

fumarolic دودخانی [زمین.]

fumarolic stage مرحله دودخانی [زمین.]

function algebra جبر تابعی [ریاضی]

fundamental position → root position

fun fair → amusement park

fungus food intoxication
 مسمومیت غذایی قارچی [تغذیه و صنایع]

G

game theory نظریه بازی [ع. سیاسی]

gang way پل تردد [ع. نظامی]

gas discharge تخلیه گازی [فیزیک]

gas thermometer دماسنج گازی [ع. جو]

Gauss' law قانون گاوس [فیزیک]

gazetteer جاینامه [ع. کتابداری]

gel diffusion → immunodiffusion

general bibliography
 کتاب نگاشت عام [ع. کتابداری]

general encyclopedia دانشنامه عمومی،
 دائرة المعارف عمومی [ع. کتابداری]

general linguistics زبان شناسی همگانی [زبان.]

general resistance
 مقاومت عمومی [کشت. < زراعت.]

general system theory نظریه عام سامانه [زمین.]

general track foreman
 رئیس خط ناحیه [ح. ریلی]

gene reserve forest
 جنگل اندوختگان ژن [م. منابع < جنگل]

geobased information system →
 geospatial information system

forest aesthetics

زیبایی‌شناسی جنگل [م. منابع < جنگل]

forest capital سرمایه جنگل [م. منابع < جنگل]

forest concession, forest privilege

امتياز بهره‌برداری جنگل [م. منابع < جنگل]

forest concessionar

صاحب امتياز بهره‌برداری جنگل،

صاحب امتياز جنگل [م. منابع < جنگل]

forest cover پوشش جنگل [م. منابع < جنگل]

forest crop, crop دارتوده جنگلی،

دارتوده [م. منابع < جنگل]

forest economics علم اقتصاد جنگل،

اقتصاد جنگل ۱ [م. منابع < جنگل]

forest economy اقتصاد جنگل ۲،

بهره‌دهی جنگل [م. منابع < جنگل]

forest estate ملک جنگلی [م. منابع < جنگل]

forest esthetics → forest aesthetics

forest finance

امور مالی جنگل [م. منابع < جنگل]

forest fragmentation تکه تکه شدن جنگل،

گسستگی جنگل [م. منابع < جنگل]

forest function

کارکرد جنگل [م. منابع < جنگل]

forest function analysis

تجزیه و تحلیل کارکرد جنگل [م. منابع < جنگل]

forest function mapping

نقشه‌کشی کارکرد جنگل [م. منابع < جنگل]

forest function planning

برنامه‌ریزی کارکرد جنگل [م. منابع < جنگل]

forest genetics

ژن‌شناسی جنگل [م. منابع < جنگل]

forest measurement, measuration

اندازه‌گیری جنگل [م. منابع < جنگل]

forest opening جنگل‌گشایی [م. منابع < جنگل]

forest pathologist

آسیب‌شناس جنگل [م. منابع < جنگل]

forest pathology

آسیب‌شناسی جنگل [م. منابع < جنگل]

forest privilege → forest concession

forest produce → forest products

forest products, forest produce

فراورده‌های جنگلی [م. منابع < جنگل]

forest valuation

ارزش‌گذاری جنگل [م. منابع < جنگل]

formal-outline variation

مبدل با طرح شکلی ثابت [موسیقی]

formal variant بدیل شکلی [موسیقی]

formation آرایش [ع. نظامی]

forwarding of postal items, routeing,

transmission of postal items,

acheminement des envois postaux (fr.)

رهسپاری مرسولات پستی [مخابرات < پست]

fouling mark, fouling point

نشانه ایمن‌گاه [ح. ریلی]

fouling point → fouling mark

fovea centralis, fovea centralis retina,

inner fovea گوده مرکزی [پزشکی]

fovea centralis retina → fovea centralis

free area منطقه رایگان [ح. شهری]

free atmosphere جو آزاد [ع. جو]

free chlorine residual

کلر باقیمانده آزاد [م. محیط]

foley operator → foley artist

folk art هنر مردمی [هنر تجر.]

food additives افزودنی‌های غذایی [تغذیه و صنایع]

food analysis تجزیه مواد غذایی [تغذیه و صنایع]

food biochemistry

زیست‌شیمی مواد غذایی [تغذیه و صنایع]

food-borne infection → food infection

food-borne intoxication → food intoxication

food chain, trophic chain, trophic

pathway زنجیره غذایی [زیست]

food chemistry شیمی مواد غذایی [تغذیه و صنایع]

food color → food colorant

food colorant, food color

رنگ خوراک [تغذیه و صنایع]

food composition table

جدول ترکیبات غذا [تغذیه و صنایع]

food cycle

چرخه غذایی [زیست]

food engineer مهندس مواد غذایی [تغذیه و صنایع]

food engineering

مهندسی مواد غذایی [تغذیه و صنایع]

food industry

صنایع غذایی [تغذیه و صنایع]

food infection, food-borne infection

عفونت غذایی [تغذیه و صنایع]

food ingredients, ingredients

اجزای غذا، اجزا [تغذیه و صنایع]

food intoxication, food-borne
intoxication

مسمومیت زیستی غذایی [تغذیه و صنایع]

food losses

تلفات مواد غذایی [تغذیه و صنایع]

food manufacturing

ساخت محصولات غذایی [تغذیه و صنایع]

food microbiology

میکروبیولوژی مواد غذایی [تغذیه و صنایع]

food nexa → food web

food packaging

بسته‌بندی مواد غذایی [تغذیه و صنایع]

food poisoning مسمومیت غذایی [تغذیه و صنایع]

food preservation

نگهداری مواد غذایی [تغذیه و صنایع]

food process engineering

مهندسی فرآوری غذایی [تغذیه و صنایع]

food processing فرآوری مواد غذایی [تغذیه و صنایع]

food pyramid → ecological pyramid

food science علوم غذایی [تغذیه و صنایع]

food science and technology

علوم و فناوری غذایی [تغذیه و صنایع]

food scientist

متخصص علوم غذایی [تغذیه و صنایع]

food spoilage فساد مواد غذایی [تغذیه و صنایع]

food technologist

فناور غذا [تغذیه و صنایع]

food technology

فناوری غذا [تغذیه و صنایع]

food waste ضایعات مواد غذایی [تغذیه و صنایع]

food web, food nexa شبکه غذایی [زیست]

footprint → artifact

forbidden band نوار ممنوع [فیزیک]

forbidden transition گذار ممنوع [فیزیک]

force majeure

قوة قهریه [عمومی]

force planning

طرح‌ریزی نیرو [ع. نظامی]

forensic linguistics زبان‌شناسی قانونی [زبان]

forensic phonetics آواشناسی قانونی [زبان]

- fine screen ریزگیر، آشغال‌گیر ریز [م. محیط.]
- fine structure ساختار ریز [فیزیک]
- fine-structure constant ثابت ساختار ریز [فیزیک]
- finite cell complex مجتمع خانه‌ای متناهی [ریاضی]
- finitely additive set function → additive set function
- finite morphism ریختار متناهی [ریاضی]
- firing level → threshold potential
- firing point → threshold potential
- firmware ثابت افزار [رایانه و فن.]
- first arrival اولین رسید [ژئوفیزیک]
- first break اولین شکن [ژئوفیزیک]
- first cameraman → director of photography 2
- first language زبان اول [زبان.]
- fissile rock سنگ تورق‌پذیر [زمین.]
- fix نقطه کردن [ع. نظامی]
- fixed collection platform سکوی ثابت
جمع‌آوری اطلاعات، جمع‌آوری [ع. نظامی]
- fixed guideway transit system سامانه جابه‌جایی ثابت‌ه‌دیراه [ح. شهری]
- fixed-level chart → constant-level chart
- fixed route transportation system سامانه حمل‌ونقل ثابت‌مسیر [ح. شهری]
- flag carrier شرکت هواپیمایی ملی [ح. هوایی]
- flare منور [ع. نظامی]
- flare dispenser پرتاب‌کننده منور [ع. نظامی]
- flat can قوطی تخت [تغذیه و صنایع]
- flat fare کرایه ثابت [ح. شهری]
- flat morphism ریختار تخت [ریاضی]
- flat sour → flat sour spoilage
- flat sour spoilage, flat sour, F.S.S. ترشیدگی بی‌نشان [تغذیه و صنایع]
- flat wheel چرخ یخ [ح. ریلی]
- flight surgeon پزشک هوایی [ح. هوایی]
- flight time مدت پرواز [ح. هوایی]
- flipper بادکردگی خفیف [تغذیه و صنایع]
- floor mixer صدابردار استودیوی فیلم،
صدابردار استودیو [سینما و تلو.]
- flora گیاهان [زیست.]
- floristic گیاهانی [زیست.]
- floristics گیاه‌شناسی [زیست.]
- flower abscission گل‌ریزی [کشت. > باغد.]
- flower bud abscission غنچه‌ریزی [کشت. > باغد.]
- flowering → anthesis
- fluidized bed freezer یخ‌زن بسترسیمال [تغذیه و صنایع]
- flux aggregation انبوهش شار [ع. جو.]
- fly-off → evapotranspiration
- fog point → dewpoint
- folded tropopause وردآیست تاشده [ع. جو.]
- foley صداسازی [سینما و تلو.]
- foley artist, foley operator صداساز [سینما و تلو.]
- foley mixer صدابردار صداسازی [سینما و تلو.]

fantasy variation	مبدل فانتزی [موسیقی]	ferroelectricity	فروالکتریسته [فیزیک]
faregate	دروازه بلیت خوانی، بلیت خوانی [ح. ریلی]	ferromagnetic domain	حوزه فرومغناطیسی [فیزیک]
far-side stop	ایستگاه پس تقاطع [ح. شهری]	ferry	فرابری [ح. هوایی]
fast breeder reactor	راکتور زاینده تند [فیزیک]	ferry flight	پرواز فرابری [ح. هوایی]
fast fission, fast neutron fission	شکافت تند [فیزیک]	ferry permit	مجوز فرابری [ح. هوایی]
fast fission factor	ضریب شکافت تند [فیزیک]	ferry pilot	خلبان فرابری [ح. هوایی]
fast neutron fission → fast fission		ferry range	برد فرابری [ح. هوایی]
fault segmentation	قطعه‌بندی گسل [ژئوفیزیک]	ferry tank	مخزن فرابری [ح. هوایی]
fauna	زیاگان [زیست.]	février (fr.) → Februry	
faunistic	زیاگانی [زیست.]	fictitious force	نیروی پنداری [فیزیک]
faunistics	زیاگان‌شناسی [زیست.]	field intensity	شدت میدان [فیزیک]
February, février (fr.)	فوریه [عمومی]	field manual	آیین‌نامه رزمی [ع. نظامی]
feeling	احساس [روان.]	field nursery	نهالستان صحرایی [م. منابع < جنگل]
female connector	اتصال‌دهنده ماده	figural	شکل تصویری [هنر تج.]
ferrielectricity	فزی الکتریسته [فیزیک]	figuration	تصویرگری [هنر تج.]
ferrimagnetic	فزی مغناطیسی [فیزیک]	figurative	تصویری [هنر تج.]
ferrimangetic material	ماده فزی مغناطیسی [فیزیک]	figurative art, representational art	هنر تصویری [هنر تج.]
ferrimagnetic resonance	تشدید فزی مغناطیسی [فیزیک]	figure 1 → motive	
ferrimagnetism	فزی مغناطیس [فیزیک]	figure 2	تصویر [هنر تج.]
ferroelectric	فروالکتریکی [فیزیک]	figurine	پیکرک [هنر تج.]
ferroelectric crystal	بلور فروالکتریکی [فیزیک]	filmography 1	فیلم‌نگاری [ع. کتابداری]
ferroelectric domain	حوزه فروالکتریکی [فیزیک]	filmography 2	فیلم‌نگاشت [ع. کتابداری]
		final cadence → perfect cadence	
		final crop tree → crop tree	
		final object	شیء پایانی [ریاضی]
		fine arts	هنرهای زیبا [هنر تج.]

excitable membrane, excitable cell
 غشای تحریک پذیر [زیست.] membrane
 exclusive bus lane → bus lane
 excrement → excretion 2
 excrete دفع کردن [زیست.]
 excretion 1 دفع [زیست.]
 excretion 2, excrement ماده دفعی [زیست.]
 excretory دفعی [زیست.]
 executive officer فرمانده دوم [ع. نظامی]
 exosphere برون سپهر [ع. جو]
 exothermic reaction واکنش گرماده [فیزیک]
 expendable decoy فریب‌گر یک بار مصرف [ع. نظامی]
 exploit بهره‌جو [ارایانه و فن.]
 exploitable forest جنگل قابل برداشت [م. منابع جنگل]
 exploitation بهره‌جویی [ارایانه و فن.]
 extended aeration process فرایند هوادهی گسترده [م. محیط.]
 extensional language → externalized language
 extensive quantity کمیت افزایشی [فیزیک]
 external-external trip سفر برون-برون، سفر دوسریرون [ح. شهری]
 external hordeolum گل‌مژه بیرونی [پزشکی]
 external wave موج برونی [ع. جو]
 external-internal trip سفر برون-درون، سفر یک‌سردرون [ح. شهری]
 externalized language, external language, extensional language زبان برونی [زبان.]
 external language → externalized language

extraordinary ray پرتو غیرعادی [فیزیک]
 extrasensory perception, paranormal cognition ادراک فراحسی [روان.]
 extratropical cyclone چرخند برون حاره‌ای [ع. جو]
 extreme temperature دمای فرین [ع. جو]
 exudate, exudation 1 برون زهه [زیست.]
 exudation 2 برون زهش [زیست.]
 exudation 1 → exudate
 exudative برون زهشی [زیست.]
 eye, eye of tropical cyclone, eye of the storm چشم توفان، چشم [ع. جو]
 eye of the storm → eye
 eye of tropical cyclone → eye
 eyewall چشم دیواره [ع. جو]

F

fabric filter, bag filter, bag house صافی الیافی [م. محیط.]
 facilitated diffusion, uniport, carrier پخش آسان [زیست.] membrane diffusion
 facteur (fr.) → postman
 facteur des postes (fr.) → postman
 falling body جسم افتان [فیزیک]
 fallout فروریزه [فیزیک]
 false color کاذب رنگ [م. نقشه.]
 false color photography عکسبرداری کاذب رنگ [م. نقشه.]

- engraver [حکاک [هنر تج.]
- enliassage (fr.) → bundling
- enlissement (fr.) → bundling
- entertainment [سرگرمی [گردشگری]
- entomophilous [گیاه حشره دوست [کشا. به باغ.]
- entomophily [حشره گرده افشانی [کشا. به باغ.]
- enumerative bibliography → systematic bibliography
- environment(al) art [هنر محیطی [هنر تج.]
- environmental artist [هنرمند محیط [هنر تج.]
- environmental designer [طراح محیط [هنر تج.]
- envoi ordinaire (fr.) → ordinary item
- envoi postal (fr.) → postal item
- enzymatic browning reaction
- واکنش قهوه ای شدن آنزیمی، واکنش قهوه ای شدن
زی مایه ای [تغذیه و صنایع]
- Eötvös balance [ترازوی پیچشی [ژئوفیزیک]
- Eötvös torsion balance
- ترازوی اوتوش [ژئوفیزیک]
- equatorial front [جبهه استوایی [ع. جو.]
- equatorial trough [ناوه استوایی [ع. جو.]
- equipotential line [خط هم پتانسیل [ع. جو.]
- equivalent airspeed [سرعت معادل [ع. هوایی]
- e-reference → electronic reference
- error of closure, misclosure, closing error
- خطای بست [ژئوفیزیک]
- erythrolabe [حساس به سرخ [یزشکی]
- escape learning [گریزآموزی [روان.]
- establishment of mails, création des
dépêches (fr.) [تشکیل فرسته [مخابرات به پست]
- estimand [برآوردنی [ریاضی]
- estimate [برآورد ۱ [ریاضی]
- estimation [برآورد ۲ [ریاضی]
- estimator [برآوردگر [ریاضی]
- estival 1 → aestival 1
- estival 2 → aestival 2
- estivation 1 → aestivation 1
- estivation 2 → aestivation 2
- établissement secondaire (fr.) →
secondary office
- etching → gravure
- ethnolinguistics [زبان شناسی قومی [زبان.]
- ethological [کردارشناسی، کرداری [روان.]
- ethologist [کردارشناس [روان.]
- ethology [کردارشناسی [روان.]
- étiquette (fr.) → label
- European Union [اتحادیه اروپا [ع. سیاسی]
- evaded cadence → interrupted cadence
- evapotranspiration, total evaporation,
water loss, fly-off [برترادش،
تبخیر-تغرق [زیست.]
- evergreen forest
- جنگل همیشه سبز [م. منابع به جنگل]
- examination-pit [چاله بازدید [ح. ریلی]
- exchange diffusion [پخش مبادله ای [زیست.]
- excitable cell [یاخته تحریک پذیر [زیست.]
- excitable cell membrane → excitable
membrane

electronic target simulation	حالت هیجانی [روان.]
شبیه‌سازی الکترونیکی هدف [ع. نظامی]	همدلانه [روان.]
electronic thermometer	همدلی [روان.]
دماسنج الکترونیکی [ع. جو]	آموزش همدلی [روان.]
electronic warfare	تجربه‌گرایی [روان.]
جنگ الکترونیکی، جنگال [ع. نظامی]	تجربه‌گرا [روان.]
electronic warfare officer	دانشنامه،
افسر جنگ الکترونیکی [ع. نظامی]	دائرة المعارف [ع. کتابداری]
electron-sufficient bridged carbocation	دانشنامه‌ای،
کربوکاتیون پلی‌شده بدون کمبود الکترون [شیمی]	دائرة المعارفی [ع. کتابداری]
element	مقاله دانشنامه‌ای،
عنصر [هنر تج.]	مقاله دائرة المعارفی [ع. کتابداری]
elementarism	عنصرگرایی [هنر تج.]
elementarist	عنصرگرا [هنر تج.]
elevated light	چراغ پایه‌دار [ج. هوایی]
Eltonian pyramid → ecological pyramid	یکسوگسترش [ژئوفیزیک]
emarginate	پروفیل لرزه‌ای یکسوگسترش [ژئوفیزیک]
نوک‌چالدار [کشا. > باغ.]	واکنش انرژی‌گیر [فیزیک]
emballage (fr.) → cover	درون‌یختی [ریاضی]
émission commémorative (fr.)	واکنش گرماگیر [فیزیک]
→ commemorative issue	کاربر نهایی [رایانه و فن.]
emission factor	enemy capabilities
ضریب انتشار [م. محیط.]	توانمندیهای دشمن [ع. نظامی]
emmetrope, emmetropic	e-newsletter, e-bulletin
بسازیین [بزشکی]	خبرنامه الکترونیکی [رایانه و فن.]
emmetropia	درگیری [ع. نظامی]
بسازیینی [بزشکی]	engine shed, locomotive shed,
emmetropic → emmetrope	locomotive hangar
emoticon	آشیانه ۱ [ج. ریلی]
شکلک [رایانه و فن.]	engineering seismology
emotion	زلزله‌شناسی مهندسی [ژئوفیزیک]
هیجان [روان.]	engineering surveying
emotional	نقشه‌برداری مهندسی [م. نقشه.]
هیجانی [روان.]	
emotional behaviour	
رفتار هیجانی [روان.]	
emotional liability	
بی‌ثباتی هیجانی [روان.]	
emotional response	
پاسخ هیجانی [روان.]	

earthquake precursors

پیش‌نشانگرهای زمین‌لرزه [ژئوفیزیک]

earth thermometer → soil thermometer

easy-open can, easy-to-open can

قوطی آسان‌بازشو [تغذیه و صنایع]

easy-to-open can → easy-open can

e-bulletin → e-newsletter

échelle des taxes (fr.) → scale of charges

échelon de distance (fr.) → distance step

ecological pyramid, Eltonian pyramid,

food pyramid هرم بوم‌شناختی [زیست]

ecological race نژاد بوم‌شناختی [زیست]

ecological system → ecosystem

ecospecies بوم‌گونه [زیست]

ecosphere بوم‌سفر [ع. جو]

ecosystem, ecological system

بوم‌سازگان [زیست]

ecotone مرزبوم [زیست]

eddy پیچک [ع. جو]

educational linguistics زبان‌شناسی تربیتی،

زبان‌شناسی آموزشی [زبان]

educational research guide

راهنمای پژوهش آموزشی [ع. کتابداری]

efficient estimator برآوردگر کارا [ریاضی]

efficient statistic آماره کارا [ریاضی]

einkorn, one-grained wheat

گندم تک‌دانه [کشاورزی]

Einstein displacement → Einstein shift

Einstein shift, Einstein displacement

جاب‌جایی اینشتینی [فیزیک]

electrical hygrometer [ع. جو] نم‌سنج الکتریکی

electrical resistance thermometer

→ resistance thermometer

electrical thermometer

دماسنج الکتریکی [ع. جو]

electrochemical gradient

شیب الکتروشیمیایی [زیست]

electromagnetic bomb

بمب الکترومغناطیسی [ع. نظامی]

electron beam curing

الکترون‌پزی [م. پلیمر > رنگ]

electron-deficient bridged carbocation

کربوکاتیون پل‌شده با کمبود الکترون [شیمی]

electronic attack → electronic

countermeasures

electronic countermeasures, electronic

attack

اقدامات ضد الکترونیکی [ع. نظامی]

electronic countermeasures techniques

فنون اقدامات ضد الکترونیکی [ع. نظامی]

electronic deception

فریب الکترونیکی [ع. نظامی]

electronic order of battle

آرایش رزمی الکترونیکی [ع. نظامی]

electronic reference, e-reference

خدمات مرجع الکترونیکی [ع. کتابداری]

electronic support measures

پشتیبانی جنگ الکترونیکی [ع. نظامی]

electronic support measures techniques

فنون پشتیبانی جنگ الکترونیکی [ع. نظامی]

domain name system, domain name server,
domain name service سامانه نام دامنه،
ساناد [رایانه و فن.]

donateware, donationware
بخشش افزار [رایانه و فن.]

donationware → donateware

donor parent والد دهنده [کشا. < زراع.]

double bed تخت دونفره [گردشگری]

double chorus همخوانان مضاعف [موسیقی]

double diffusion, double immunodiffusion
پخش دوجانبه [زیست.]

double engine → double heading

double grafting چوپيوند دوگانه [کشا. < باغ.]

double heading, double engine
دوکششی [ح. ریلی]

double immunodiffusion → double diffusion

double-shield budding
کوپيوند دوگانه [کشا. < باغ.]

double working پيوندزنی دوگانه [کشا. < باغ.]

doubly plunging fold
چين دوشيب محور [زمين.]

down beat → strong beat

down quark کوارک پايين [فيزيک]

downsweep فرورويش [ژئوفيزيک]

downward continuation
ادامه فروسو [ژئوفيزيک]

downwash فروشار [ح. هوايي]

DPW → digital photogrammetric workstation

drive سائق [روان.]

drive strength قدرت سائق [روان.]

drop-pit چاله چرخ [ح. ریلی]

drosometer, dew gauge شبنم سنج [ع. جو]

drought, drouth خشکسالی [ع. جو]

drouth → drought

dry-bulb thermometer دماسنج خشک [ع. جو]

dry front جبهه خشک [ع. جو]

dryline خط خشک [ع. جو]

dry spell دوره کم بارش [ع. جو]

dual containment سد نفوذ دوگانه [ع. سياسي]

dubbing mixer, re-recording mixer
صداگذار [سينما و تلو.]

duct راهه [ع. جو]

dumb terminal پایانه غير هوشمند [رایانه و فن.]

duple meter وزن دوتایی [موسیقی]

duration ديرش [موسیقی]

duster گردپاش [کشا. < زراع.]

duty cycle → pulse duty factor

E

early warning, tactical warning
پيش اخطار [ع. نظامی]

earthquake engineering, seismic
engineering
مهندسی زلزله [ژئوفيزيک]

earthquake hazard → seismic hazard

earthquake magnitude
بزرگی زمین لرزه [ژئوفيزيک]

dipolar cycloaddition

حلقه‌زایی دوقطبی [شیمی]

dipolar ion, Zwitterion [شیمی]

dipole-dipole interaction

برهم‌کنش دوقطبی-دوقطبی [شیمی]

dipole moment [شیمی]

dipping → dip coating

diradical → biradical

direct dispatch, *dépêche directe* (fr.)

فرسته مستقیم [مخابرات < پست]

directional distribution

توزیع جهتی [ج.شهری]

direction finder [ع.نظامی]

direction finding [ع.نظامی]

direct motion → similar motion

director of photography 1

(در تلویزیون) مدیر تصویربرداری [سینما و تلو.]

director of photography 2, first

cameraman, chief cameraman

(در سینما) مدیر فیلمبرداری [سینما و تلو.]

directory [ع.کتابداری]

direct speech act [ع.گفتاری مستقیم [زبان.]]

discordant drainage [ع.زمین.]]

discordant junction [ع.زمین.]]

discrimination [ع.روان.]]

discus nervi optici → optic disc

disjunct motion [ع.موسیقی]

dispatch, *dépêche* (fr.)

فرسته [مخابرات < پست]

dispersant → dispersing agent

dispersed phase → disperse phase

disperse phase, dispersed phase

فاز پراکنده [م.پلیمر < رنگ]

dispersing → dispersion 1

dispersing agent, dispersant

عامل پراکنش، پراکنش‌یار [م.پلیمر < رنگ]

dispersion 1, dispersing

پراکنش [م.پلیمر < رنگ]

dispersion 2 [م.پلیمر < رنگ]

dispositional attribution

اسناد‌گرایشی [روان.]]

dispersion resin

رزین پراکنده‌ای [م.پلیمر < رنگ]

dissonance theory → cognitive dissonance

dissipation trail, distrail [ع.جو.]]

distance step, *échelon de distance* (fr.)

مبنای مسافت [مخابرات < پست]

distrail → dissipation trail

distribution générale (fr.) → normal delivery

distribution spéciale (fr.) → special delivery

diversion trip assignment

تخصیص مسافت-زمانی سفر، تخصیص

مسافت-زمانی [ع.شهری]

division algebra [ع.ریاضی]

diversivore → omnivore

dog watch [ع.نظامی]

domain name server → domain name system

domain name service → domain name system

- dialler شماره‌گیر [رایانه و فن.]
- dialler program برنامه‌شماره‌گیر [رایانه و فن.]
- dialling شماره‌گیری [رایانه و فن.]
- dialogue coach, dialogue director, dialect coach مربی بیان و لهجه [سینما و تلو.]
- dialogue director → dialogue coach
- dialogue editor تدوینگر گفت‌وگو [سینما و تلو.]
- DIAL thermometer → differential absorption lidar thermometer
- diapause میان‌آسایی [زیست.]
- diciduous forest → broad-leaved forest
- dictator مستبد [ع. سیاسی]
- dictatorial استبدادی [ع. سیاسی]
- dictatorship استبداد [ع. سیاسی]
- dictatorship of proletariat, proletariat استبداد پرولتاریا [ع. سیاسی]
- dictionary فرهنگ، واژه‌نامه [ع. کتابداری]
- dielectric constant, relative permittivity ثابت دی‌الکتریک [شیمی]
- diene دی‌ان [شیمی]
- dienophile دی‌ان‌دوست [شیمی]
- differential absorption hygrometer نم‌سنج جذب تفاضلی [ع. جو]
- differential absorption lidar thermometer, DIAL thermometer دماسنج لیداری جذب تفاضلی [ع. جو]
- differential equation معادله دیفرانسیل [ریاضی]
- diffused aeration, diffused-air aeration هوادمی پخشیده [م. محیط.]
- diffused air هوای پخشیده [م. محیط.]
- diffused-air aeration → diffused aeration
- diffusion → simple diffusion
- diffusion hygrometer نم‌سنج پخشی [ع. جو]
- diffusion respiration تنفس پخشی [زیست.]
- digestion tank مخزن هضم [م. محیط.]
- digital cartography, automated cartography نقشه‌نگاری رقمی [م. نقشه.]
- digital photogrammetric workstation, DPW, soft copy workstation ایستگاه کاری تصویرسنجی رقمی [م. نقشه.]
- digital photogrammetry, soft copy photogrammetry, soft copy تصویرسنجی رقمی [م. نقشه.]
- digital reference خدمات مرجع رقمی [ع. کتابداری]
- digital stereoplotter دستگاه تبدیل رقمی [م. نقشه.]
- dimerization دوپارش [شیمی]
- dip coat پوشه غرقه‌ای [م. پلیمر < رنگ]
- dip coating, dipping پوشانش غرقه‌ای [م. پلیمر < رنگ]
- dip log, dipmeter شیب‌نگاره [ژئوفیزیک]
- dipmeter → dip log
- dip moveout برون‌راند شیب [ژئوفیزیک]
- dip needle سوزن مغناطیسی [ژئوفیزیک]
- dipolar aprotic solvent حلال دو قطبی بی‌پروتون [شیمی]

detention time, retention time	زمان ماند [م. محیط.]
deterministic trip assignment	تخصیص قطعی سفر، تخصیص قطعی [ح. شهری]
deterrence	بازدارندگی [ع. سیاسی]
detonator	ترقه خط [ح. ریلی]
detriphage → detritivore	
detriphagous → detritivore	
detritivore, detriphage, detriphagous, detritivorous, detritus feeder	پوده خوار [زیست.]
detritus feeder → detritivore	
detritivorous → detritivore	
detritivory	پوده خواری [زیست.]
deuteranopia, deuteranopsia	سبزکوری [پزشکی]
deuteranopic	سبزکور [پزشکی]
deuteranopsia → deuteranopia	
devernalization	وابهارش [کشا. < باغد.]
devernalize	وابهاره کردن [کشا. < باغد.]
dew	شبنم [ع. جو]
dewatering → sludge dewatering	
dew bow	رنگین کمان شبنم [ع. جو]
dewcell	شبنم یاخته [ع. جو]
dew gauge → drosometer	
dewpoint, fog point	نقطه شبنم [ع. جو]
dewpoint deficit → dewpoint depression	
dewpoint depression, dewpoint spread, depression of the dewpoint, spread	شبنم کاستی [ع. جو]
dewpoint formula	فرمول نقطه شبنم [ع. جو]
dewpoint front	جبهه نقطه شبنم [ع. جو]
dewpoint hygrometer	نم سنج نقطه شبنمی [ع. جو]
dewpoint spread → dewpoint depression	
dewpoint temperature, thermodynamic dewpoint temperature	دمای نقطه شبنم [ع. جو]
dew trap	شبنم گیر [ع. جو]
diabatic process, non-adiabatic process	فرایند بادررو [ع. جو]
diachronic linguistics	زبان شناسی در زمانی [زبان.]
diachrony	در زمانی [زبان.]
diagonal-slip fault → oblique-slip fault	
dial-a-ride → dial-a-ride transportation system	
dial-a-ride transportation system, dial-a-ride	سامانه حمل و نقل تلفنی [ح. شهری]
dialect	گویش [زبان.]
dialect coach → dialogue coach	
dialectal	گویشی [زبان.]
dialectology	گویش شناسی [زبان.]
dialer → dialler	
dialer program → dialler program	
dialing → dialling	

- data center مرکز داده‌ها [رایانه و فن.]
- date de dépôt (fr.) → date of posting
- date of posting, date de dépôt (fr.)
تاریخ پست‌سپاری [مخابرات > پست]
- dative bond, coordinate bond,
coordinate valence پیوند یکسویه [شیمی]
- datum plane سطح مبنا [ژئوفیزیک]
- day rate روزنرخ [گردشگری]
- dead-end siding, dead-end track
خط کور [ح. ریلی]
- dead-end-track → dead-end siding
- dead season فصل رکود [گردشگری]
- debri cone → alluvial cone
- December, décembre (fr.) دسامبر [عمومی]
- décembre (fr.) → December
- deception فریب [ع. نظامی]
- deceptive cadence → interrupted
cadence
- decision height ارتفاع تصمیم [ح. هوایی]
- decorative arts هنرهای آذینی [هنر تجر.]
- decoy فریب‌گر [ع. نظامی]
- decoy aircraft هواپیمای فریب‌گر [ع. نظامی]
- decoy ship کشتی فریب‌گر [ع. نظامی]
- deep hibernation → hibernation 2
- defense mechanism سازوکار دفاعی [روان.]
- defensive alliance اتحاد تدافعی [ع. سیاسی]
- deformation thermometer
دماسنج دگرشکلی [ع. جو]
- defroster برف‌زدا [تغذیه و صنا.]
- defrosting 1 برف‌زدایی [تغذیه و صنا.]
- defrosting 2, tawing یخ‌زدایی [تغذیه و صنا.]
- delayed conditioning
شرطی شدن تأخیری [روان.]
- demand-actuated transportation system,
demand responsive transportation
system سامانه حمل‌ونقل تقاضامدار [ح. شهری]
- demand responsive transportation system →
demand-actuated transportation system
- demoware نمودافزار [رایانه و فن.]
- denominator, consequent 3 مخرج [ریاضی]
- dépêche (fr.) → dispatch
- dépêche accidentée (fr.) → mail involved
in an accident
- dépêche-avion (fr.) → airmail dispatch
- dépêche de courrier en nombre (fr.)
→ bulk mails
- dépêche directe (fr.) → direct dispatch
- dépôt (fr.) → posting
- depression of the dewpoint → dewpoint
depression
- descemetocle → keratoclele
- descending contour
نمای لحنی پایین‌رونده [موسیقی]
- descriptive bibliography, physical
bibliography کتاب‌نگاشت توصیفی [ع. کتابداری]
- descriptive linguistics
زبان‌شناسی توصیفی [زبان.]
- design element عناصر طرح [هنر تجر.]
- detail(s) جزء، جزئیات [هنر تجر.]

création des dépêches (fr.) →
establishment of mails

creativity [آفرینندگی، خلاقیت [روان.]

creophagous → carnivore

crippleware [ناقص افزار [رایانه و فن.]

critical bibliography

[کتاب‌نگاشت انتقادی [ع. کتابداری]

critical linguistics [زبان‌شناسی انتقادی [زبان.]

crop → forest crop

crop tree, final crop tree

[درخت چوب‌ده [م. منابع < جنگل]

crop-tree thinning

[تنک کردن درخت چوب‌ده [م. منابع < جنگل]

crosshole method [روش بین‌چاهی [ژئوفیزیک]

crossover distance

[فاصلهٔ همگذری [ژئوفیزیک]

cross-pollination [دگرگرده‌افشانی [کشا. < باغد.]

cross rhythm [ریتم متقاطع [موسیقی]

cross spread [گسترش چلیپایی [ژئوفیزیک]

crown ether [اتر تاجی [شیمی]

cryogenic freezer

[یخ‌زن فوق‌سریع [تغذیه و صنایع.]

cryptic species → sibling species

cumbersome parcel, bulky parcel, colis
encombrant (fr.)

[بستهٔ خارج از اندازه [مخابرات < پست]

cure cycle [چرخهٔ پخت [م. پلیمر < رنگ]

cure time [زمان پخت [م. پلیمر < رنگ]

curing [پخت [م. پلیمر < رنگ]

curing agent [عامل پخت [م. پلیمر < رنگ]

current bibliography

[کتاب‌نگاشت جاری [ع. کتابداری]

curtain coating

[پوشانش پرده‌ای [م. پلیمر < رنگ]

cuspidate [نوک‌نیش‌دار [کشا. < باغد.]

customization [سفارشی‌سازی [رایانه و فن.]

customize [سفارشی کردن [رایانه و فن.]

customized [سفارشی [رایانه و فن.]

cuttage 1 → cutting 1

cuttage 2 → cutting 2

cutting 1, cuttage 1 [قلمه [کشا. < باغد.]

cutting 2, cuttage 2 [قلمه‌زنی،

[قلمه زدن [کشا. < باغد.]

cyanolabe [حساس به آبی [پزشکی]

cylinder can [قوطی استوانه‌ای [تغذیه و صنایع.]

cyclization [حلقه‌ای شدن [شیمی]

cycloaddition [حلقه‌زایی [شیمی]

cyclopedia → encyclopedia

D

dailies → rushes

daily maximum temperature

[دمای بیشینهٔ روزانه [ع. جو]

daily minimum temperature

[دمای کمینهٔ روزانه [ع. جو]

damped oscillation [نوسان میرا [فیزیک]

dark adaptation [سازگاری با تاریکی [پزشکی]

contrastive linguistics, contrastive

analysis [زبان‌شناسی مقابله‌ای] [زبان.]

contributing structure [شیمی] ساختار سهیم

controlled mosaic

پاره‌چین کنترل‌شده [م. نقشه.]

controlled photomosaic

پاره‌چین عکسی کنترل‌شده [م. نقشه.]

controlled vocabulary

واژگان کنترل‌شده [ع. کتابداری]

control net → control network

control network, control net

شبکه کنترل [م. نقشه.]

control point [م. نقشه.] نقطه کنترل

control station → ground control point

conventional activated sludge process

فرایند لجن فعال متعارف [م. محیط.]

conventional cartography → traditional

cartography

conversion coating

پوشش تبدیلی [م. پلیمر] رنگ

convertible coating material

ماده پوششی تبدیل‌پذیر [م. پلیمر] رنگ

cookie, HTTP cookie, Web cookie

کلوچک [رایانه و فن.]

cooperative reference

خدمات مرجع تعاونی [ع. کتابداری]

coordinate bond → dative bond

coordinate valence → dative bond

coordinatively saturated

همارا سیرشده [شیمی]

coordinatively unsaturated

همارا سیرنشده [شیمی]

cooping

مدارا [روان.]

corner reflector [ع. نظامی] بازتابه چندوجهی

corpus linguistics [زبان.] زبان‌شناسی پیکره‌ای

correlation

همبستگی [ریاضی]

correlation coefficient

ضریب همبستگی [ریاضی]

correlation matrix [ریاضی] ماتریس همبستگی

correlation ratio [ریاضی] نسبت همبستگی

cosensus

اجماع [ع. سیاسی]

cotransport

هم‌تراوردی [زیست.]

cotransporter

هم‌ترابر [زیست.]

countercompulsion

ضد اجبار [روان.]

countergradient

پادشیو [ع. جو]

countergradient flux

شار پادشیو [ع. جو]

countergradient wind

باد پادشیو [ع. جو]

countersubject

پادنهاد [موسیقی]

countertrade(s) → antitrade(s)

countertransport

پادتراوردی [زیست.]

country house hotel

مهمانخانه اربابی،

هتل اربابی [گردشگری]

coupure de poids (fr.) → weight step

courseware

درس‌افزار [رایانه و فن.]

cover, packing, wrapping, emballage (fr.)

لقاف [مخابرات] پست

coverage area [مخابرات] منطقه پوشش رادیویی

CP (fr.) → postal parcel

congruent	همنهشت [ریاضی]	constant-level chart, fixed-level chart	نقشه تراز ثابت [ع. جو]
congruent figures	شکلهای همنهشت [ریاضی]	constant-melody variation	مبدل لحن ثابت [موسیقی]
congruent numbers	عددهای همنهشت [ریاضی]	constant-pressure chart	نقشه فشار ثابت [ع. جو]
conifer forest → needle-leaved forest		constant term, absolute term	جمله ثابت [ریاضی]
coniferous evergreen forest	جنگل همیشه سبز سوزنی برگ [م. منابع < جنگل]	construction	ساختار [زیان]
coniferous forest → needle-leaved forest		contact patch	تماسگاه [ح. ریلی]
conjunctiva, tunica conjunctiva	ملتحمة [پزشکی]	contact stabilization process	فرایند تثبیت و تماس [م. محیط]
conjunctival	ملتحمة ای [پزشکی]	contact surface	سطح تماس [ح. ریلی]
conjunct motion	حرکت پیوسته [موسیقی]	containment	سد نفوذ [ع. سیاسی]
connection	اتصال ۲ [مخابرات]	containment of communism	سد نفوذ کمونیسم [ع. سیاسی]
connectivity	اتصال دهنده گی [مخابرات]	contemporary art(s)	هنر(های) معاصر [هنر تج.]
connector	اتصال دهنده [مخابرات]	continuous forest	جنگل پیوسته [م. منابع < جنگل]
consciousness	خودآگاهی [روان]	continuous function	تابع پیوسته [ریاضی]
consciousness disturbance	آشفته گی خودآگاهی [روان]	continuous homomorphism	همریختی پیوسته [ریاضی]
consciousness expansion	بسط خودآگاهی [روان]	continuous transit system	سامانه جابه جایی پیوسته [ح. شهری]
consciousness raising	پرورش خودآگاهی [روان]	contour → melodic contour	خط عبور ناهم سو [ح. شهری]
consciousness span	گستره خودآگاهی [روان]	contraflow lane	حرکت مخالف [موسیقی]
consensus	اجماع [ع. سیاسی]	contrary motion	contrastive analysis → contrastive linguistics
consequent 1	پسایند [موسیقی]		
consequent 2 → successor			
consequent 3 → denominator			
constant-height chart	نقشه ارتفاع ثابت [ع. جو]		

complex number	عدد مختلط [ریاضی]	concentrator	متمرکزساز [مخابرات]
complex variable	متغیر مختلط [ریاضی]	concept	مفهوم [روان]
compliance	پذیرندگی [روان]	concept learning	مفهوم‌آموزی [روان]
compliant	پذیرنده [روان]	Concert of Europe	همنوایی اروپا [ع. سیاسی]
component of a space	مؤلفه فضا [ریاضی]	concise dictionary	فرهنگ فشرده، واژه‌نامه فشرده [ع. کتابداری]
component of a vector	مؤلفه بردار [ریاضی]	concordance	واژه‌یاب، کشاف [ع. کتابداری]
composite number, composite quantity	عدد مرکب [ریاضی]	concordant drainage → accordant drainage	
composite quantity → composite number		concordant junction → accordant junction	
compound aircraft	هواگرد مختلط، [ح. هوایی]	concurrent lines	خطهای هم‌رس [ریاضی]
compound helicopter	بالگرد مرکب [ح. هوایی]	conconcyclic points	نقطه‌های هم‌دایره [ریاضی]
compound meter, compound time	میزان ترکیبی [موسیقی]	condensation trail	رد میعانی [ع. جو]
compound time → compound meter		conditional diapause	میان‌آسایی شرطی [زیست]
comprehensive bibliography	کتاب‌نگاشت جامع [ع. کتابداری]	cone → cone cell	
compressed natural gas, CNG	گاز طبیعی فشرده، گاز فشرده [شیمی]	cone cell, cone, retinal cone	یاخته مخروطی [بزشکی]
compulsion	اجبار [روان]	cone of detritus → alluvial cone	
compulsive, compulsory	اجباری [روان]	conference proceedings → proceedings	
compulsory → compulsive		conflict 1	تعارض [ع. سیاسی]
computer graphics	نگاشتارایانه‌ای [هنر تجر.]	conflict 2	کشمکش [ع. نظامی]
computer farm → server farm		conflict resolution	حل تعارض [ع. سیاسی]
concatenated	سلسله‌ای	conflictual	تعارضی [ع. سیاسی]
concatenation	سلسله‌بندی [مخابرات]	congruence	همنهشتی [ریاضی]
concentrated coding	کدگذاری سلسله‌ای [مخابرات]	congruence axiom	اصل موضوع همنهشتی [ریاضی]
concentration	متمرکزسازی [مخابرات]	congruence transformation	تبدیل همنهشتی [ریاضی]
concentration gradient	شیب غلظت [زیست]		

colis avec valeur déclarée (fr.) →

insured parcel

colis encombrant (fr.) → cumbersome parcel

colis ordinaire (fr.) → ordinary parcel

colis postal (fr.) → postal parcel

collaborative reference

خدمات مرجع مشارکتی [ع. کتابداری]

collage 1 چسبانه [هنر تج.]

collage 2 چسبانه کاری [هنر تج.]

collagist چسبانه کار [هنر تج.]

collection platform سکوی جمع‌آوری
اطلاعات، سکوی جمع‌آوری [ع. نظامی]

collective pitch, collective stick,
collective-pitch lever گام جمعی [ح. هوایی]

collective-pitch lever → collective pitch

collective security امنیت جمعی [ع. سیاسی]

collective stick → collective pitch

colored mélange آمیزه رنگین [زمین.]

combat رزم [ع. نظامی]

combatant رزمنده [ع. نظامی]

combat power توان رزمی [ع. نظامی]

combi هواگرد دوکاره [ح. هوایی]

combined chlorine residual کلر باقیمانده ترکیبی [م. محیط.]

combined sewer فاضلاب‌روی درهم [م. محیط.]

commander intention نیت فرماندهی [ع. نظامی]

command post پاسگاه فرماندهی [ع. نظامی]

commemorative issue, émission

commémorative (fr.)

انتشار تمبر یادبود [مخابرات به‌پست]

commemorative postage stamp,

timbre-poste commémoratif (fr.)

تمبر یادبود [مخابرات به‌پست]

commercial software, shrinkware

نرم‌افزار تجارتی [رایانه و فن.]

common denominator [ریاضی] مخرج مشترک

common-offset gather, common range
gather گردآورد هم‌دورافت [ژئوفیزیک]

common range gather → common-offset
gather

commutative algebra [ریاضی] جبر جابه‌جایی

communicative competence
توانش ارتباطی [زبان.]

comparative linguistics
زبان‌شناسی تطبیقی [زبان.]

compatibility سازگاری ۲ [م. پلیمر به رنگ]

competence → linguistic competence

complementary angles
زاویه‌های متمم [ریاضی]

complementary function [ریاضی] تابع مکمل

complementation [ریاضی] مکمل‌گیری

complementation law
قانون مکمل‌گیری [ریاضی]

complement of an angle [ریاضی] متمم زاویه

complement of a set [ریاضی] مکمل مجموعه

complete accumulation point
نقطه انباشتگی کامل [ریاضی]

complete cadence → perfect cadence

complete lattice شبکه کامل [ریاضی]

complete mix اختلاط کامل [م. محیط.]

cloud-to-cloud discharge, intercloud

discharge و ابارش ابر به ابر [ع. جو]

cluster box → cluster of delivery boxes

cluster of delivery boxes, cluster box,

batterie de boîtes aux lettres (fr.)

صندوق‌های پستی مجتمع [مخابرات > پست]

cluster point → accumulation point

clutter

برفک [ع. نظامی]

CNG → compressed natural gas

c/o → care of ...

coalition

ائتلاف [ع. سیاسی]

coalition cabinet

هیئت وزیران ائتلافی [ع. سیاسی]

coalition government [ع. سیاسی]

coalition parties احزاب ائتلاف [ع. سیاسی]

coalition theory نظریه ائتلاف [ع. سیاسی]

coarse screen

درشت‌گیر

آشغال‌گیر درشت [م. محیط]

coat

پوشه [م. پلیمر > رنگ]

coated paper کاغذ پوشش‌دار [م. پلیمر > رنگ]

coating 1 پوشانش، پوشش‌دهی [م. پلیمر > رنگ]

coating 2 پوشش [م. پلیمر > رنگ]

coating system سامانه پوششی [م. پلیمر > رنگ]

cobble, roundstone قلوه‌سنگ [زمین]

cobble beach, shingle beach

ساحل قلوه‌سنگی [زمین]

cobblestone

سنگ قلوه‌سنگی [زمین]

cobbly

قلوه‌سنگی [زمین]

cockpit

اتاقک خلبان [ح. هوایی]

cocoa butter

کره کاکائو [تغذیه و صنا]

codicological, manuscriptological

نسخه‌شناختی [ع. کتابداری]

codicologist, manuscriptologist

نسخه‌شناس [ع. کتابداری]

codicology, manuscriptology

نسخه‌شناسی [ع. کتابداری]

coexistence

همزیستی [ع. سیاسی]

cofinal object → initial object

cognition

شناخت [روان]

cognitive

شناختی [روان]

cognitive behavior therapy

رفتاردرمانی شناختی [روان]

cognitive dissonance, dissonance theory

ناهماهنگی شناختی [روان]

cognitive map

نقشه شناختی [روان]

cohabitation

همباشی [ع. سیاسی]

coil coating کلاف پوشانی [م. پلیمر > رنگ]

colatitude متمم عرض جغرافیایی [ژئوفیزیک]

cold anticyclone واچرخند سرد [ع. جو]

cold-core anticyclone

واچرخند سردهسته [ع. جو]

cold-core cyclone چرخند سردهسته [ع. جو]

cold-core high پرفشار سردهسته [ع. جو]

cold cyclone چرخند سرد [ع. جو]

cold high پرفشار سرد [ع. جو]

cold low کم‌فشار سرد [ع. جو]

cold sterilization

سترون‌سازی سرد [تغذیه و صنا]

cold tongue زبانۀ سرد [ع. جو]

cold war جنگ سرد [ع. سیاسی]

chorale settings	کُرال نویسی [موسیقی]	cirrus	نوک چنبری [کشا. < باغ.]
chorale variations	مبَدَل کُرال [موسیقی]	city directory	راهنمای شهری [ع. کتابداری]
chorister	همخوان [موسیقی]	civil	غیرنظامی [ع. نظامی]
chorus 1	گروه پرداز [موسیقی]	civil war, internal war	جنگ داخلی [ع. سیاسی]
chorus 2	همخوانی ۱ [موسیقی]	class A time → prime time	
chorus 3, choir 2	همخوانان [موسیقی]	classical genetics → transmission genetics	
chorus 4, refrain, burden	برگردان [موسیقی]	classification yard, sorting yard	محوطه رده بندی [ح. ریلی]
chromatopsia, chromopsia	رنگین بینی [پزشکی]	claustrophobia	تنگناهراسی [روان.]
chromopsia → chromatopsia		clear coat	شفاف پوشه [م. پلیمر < رنگ]
chronicle	رویدادنامه، وقایع نامه [ع. کتابداری]	clear cutting	برش یکسره [م. منابع < جنگل]
chronicler	رویدادنگار، وقایع نگار [ع. کتابداری]	clear cutting system	شیوه برش یکسره [م. منابع < جنگل]
chronospecies → paleospecies		cleft	نوک شکافته [کشا. < باغ.]
chronothermometer	دماسنج ساعتی [ع. جو]	cleft graft	چوپوند اسکنه ای [کشا. < باغ.]
chunking	قطعه بندی [روان.]	click 1	تلیک [رایانه و فن.]
church cadence	فرود کلیسایی [موسیقی]	click 2	تلیک کردن [رایانه و فن.]
ciliary body	جسم مژگانی [پزشکی]	client-centered therapy	درمان مراجع محور [روان.]
ciliary muscle, musculus ciliare	ماهیچه مژگانی [پزشکی]	climax	اوج [زیست.]
cilmax theory	نظریه اوج [زیست.]	clinical psychologist	روان شناس بالینی [روان.]
cion → scion		clinical psychology	روان شناسی بالینی [روان.]
circular error probability → circular error probable		close → cadence	
circular error probable, circular error probability	دایره خطای احتمالی [ع. نظامی]	close position	وضعیت بسته [موسیقی]
circular sedimentation tank	حوض ته نشینی مدور [م. محیط.]	close range photogrammetry	تصویرسنجی برد کوتاه [م. نقشه.]
circumpolar vortex	تاوه پیراقطبی [ع. جو]	closed forest	جنگل انبوه [م. منابع < جنگل]
circumpolar whirl	چرخ پیراقطبی [ع. جو]	closing error → error of closure	

- ceramography [لعبینه شناسی (هنر تج.)]
- certificate of mailing → certificate of posting
- certificate of posting, receipt of mailing,
certificate of mailing, bulletin de dépôt (fr.)
قبض رسید پست [مخابرات > پست]
- chainette → catenary
- chain of hotels → hotel chain
- champ de l'adresse (fr.) → address field
- chantier de tri (fr.) → sorting floor
- characteristic variation
مبدل ویژگی [موسیقی]
- character string [رشته نویسه (رایانه و فن.)]
- charge population [شمار بار (شیمی)]
- charge transfer spectrum
طیف انتقال بار [شیمی]
- charm [افسون (فیزیک)]
- charmed particle [ذره افسون (فیزیک)]
- charmed quark, charm quark
کوارک افسون [فیزیک]
- charm quark → charmed quark
- checklist [بازبینیه (عمومی)]
- check plot [نسخه واری [م. نقشه.]]
- check point [نقطه واری [م. نقشه.]]
- chelate [چنگاله (شیمی)]
- chelated [چنگالیده، چنگاله ای (شیمی)]
- chelate effect [اثر چنگاله ای (شیمی)]
- chelation [چنگالش (شیمی)]
- cheletropic elimination
حذف چنگاله ای (شیمی)
- cheletropic reaction [واکنش چنگاله ای (شیمی)]
- chelometric [چنگاله سنجشی (شیمی)]
- chelometry [چنگاله سنجی (شیمی)]
- chemical conversion coating
پوشش تبدیلی شیمیایی [م. پلیمر > رنگ]
- chemical hygrometer [نم سنج شیمیایی (ع. جو.)]
- chemical species [گونه شیمیایی (شیمی)]
- chemosphere [شیمی سپهر (ع. جو.)]
- chicken game theory [نظریه جا زدن (ع. سیاسی)]
- chief cameraman → director of
photography 1
- chief in command intention
نیت فرماندهی کل قوا [ع. نظامی]
- chilling injury [سرمازدگی (تغذیه و صن.)]
- chin [چانه (ح. هوایی)]
- chin bubble [حباب چانه (ح. هوایی)]
- chin window [دریچه چانه (ح. هوایی)]
- chlorine contact chamber
حوضچه تماس کلر، حوضچه کلرزنی [م. محیط.]
- chlorine demand [کلرخواهی [م. محیط.]]
- chlorine residual → residual chlorine
- chlorolabe [حساس به سبز [پزشکی]]
- chocolate bloom
سفیدک شکلات [تغذیه و صن.]
- choir 1 → section 4
- choir 2 → chorus 1
- choral [همخوانی ۲ (موسیقی)]
- chorale [کُرال (موسیقی)]
- chorale concerto [کنسرتوی کُرال (موسیقی)]

carbon-film hygrometer element

نم‌سنج زغالی [ع. جو]

carbonization, carburization

کربن شدن، کربن کردن [شیمی]

carburization → carbonization

care of ..., c/o, aux bons soins de... (fr.)

توسط [مخابرات به پست]

car frog → rerailling frog

carnivora

گوشتخواران [زیست]

carnivore, carnivorous, carnivor

animal, sarcophagous, creophagous

گوشتخوار [زیست]

carnivorous → carivore

carnivorous animal → carnivore

carnivory

گوشتخواری [زیست]

carrier membrane diffusion → facilitated diffusion

carrier protein → transporter

carte postale (fr.) → postcard

cartobibliography 1

کتاب‌نگاری نقشه [ع. کتابداری]

cartobibliography 2

کتاب‌نگاشت نقشه [ع. کتابداری]

cartographer

نقشه‌نگار [م. نقشه]

cartography

نقشه‌نگاری [م. نقشه]

case 1

حالت، حالت دستوری [زبان]

case 2

حالت، حالت معنایی [زبان]

case grammar

دستور حالت [زبان]

cash crop, cash grain

محصول فروشی [کش. به زراعت]

cash grain → cash crop

casier de tri (fr.) → sorting frame

cast 1

گروه بازیگری [سینما و تلو.]

cast 2 → casting

cast director → casting director

casting assistant

دستیار انتخاب بازیگر [سینما و تلو.]

casting, cast 2

انتخاب بازیگر [سینما و تلو.]

casting director, cast director

مسئول انتخاب بازیگر [سینما و تلو.]

catalepsy

چوب‌وارگی [روان]

catalogue

فهرست [ع. کتابداری]

cataphyll → bud scale

catathermometer → katathermometer

catch crop

گیاه واسطه [کش. به زراعت]

category

رسته [ریاضی]

catenary, alysoid, chainette [ریاضی]

catenoid

زنجیره وار [ریاضی]

cavity

کاواک [ع. جو]

cell complex

مجتمع خانه‌ای [ریاضی]

cell frequency

بسامد خانه‌ای،

فراوانی خانه‌ای [ریاضی]

census

سرشماری [ریاضی]

central angle, angle at centre

زاویه مرکزی [ریاضی]

central scotoma

سیاه‌نقطه مرکزی [بزرگی]

ceramics

لعاینه [هنر تج.]

ceramic superconductor

آبرسانای سرامیکی [فیزیک]

bus stop, transit stop [ح. شهری] ایستگاه اتوبوس

busy season [گردشگری] فصل کاری

butterfly frog → rerailing frog

bypass duct [ح. هوایی] مجرای کنارگذر

bypass ratio [ح. هوایی] نسبت کنارگذر

C

cadence, close [موسیقی] فرود

cadential [موسیقی] فرودی

cadential progression [موسیقی] پیشروی فرودی

cadenza [موسیقی] پیش‌فرود

cake batter [غذیه و صنا.] خمیرابه کیک

calculated cut → allowable cut

calibrated airspeed [ح. هوایی] سرعت واسنجیده

callus [کشا. < باغ.] پینه

callus bridge [کشا. < باغ.] پل پینه‌ای

callus culture [کشا. < باغ.] کشت پینه

callusing [کشا. < باغ.] پینه‌زایی

callusing mound [کشا. < باغ.] کُپّه پینه‌زایی

callusing room [کشا. < باغ.] اتاق پینه‌زایی

calm [ع. جو] آرامه

calm belt [ع. جو] کمربند آرامه

calyx splitting [کشا. < باغ.] کاسه‌شکافی

camera anterior bulbi → anterior chamber

camera crew [سینما و تلو.] گروه دوربین

cameraman 1 → camera operator 1

cameraman 2 → camera operator 2

camera oculi anterior → anterior chamber

camera oculi posterior → posterior chamber

camera operator 1, cameraman 1

[در تلویزیون] تصویربردار [سینما و تلو.]

camera operator 2, cameraman 2

[در سینما] فیلمبردار [سینما و تلو.]

camera posterior bulbi → posterior chamber

camouflage [ع. نظامی] استتار

camouflage measures

[ع. نظامی] اقدامات استتاری

campaign [ع. نظامی] لشکرکشی

canthal [پزشکی] چشم‌گوشه‌ای

cantharophily [کشا. < باغ.] سوسک‌گرده‌افشانی

cantholysis [پزشکی] چشم‌گوشه‌کافت

canthus [پزشکی] چشم‌گوشه

capabilities, abilities, possibilities

[ع. نظامی] توانمندیاها

capacity restraint trip assignment

تخصیص ظرفیتی سفر، تخصیص ظرفیتی [ح. شهری]

cappella → a cappella

capsule transit system

سامانه جابه‌جایی اتاقکی [ح. شهری]

carbocyclic compound

ترکیب حلقه کربنی [شیمی]

broken cadence → interrupted cadence	bundling machine, machine à enliasser (fr.)
browning → browning reaction	ماشین چهارنخ [مخابرات < پست]
browning reaction, browning	bungalow کلبه، بنگالو [گردشگری]
واکنش قهوه‌ای شدن [تغذیه و صنایع]	bunk beds تخت دو طبقه [گردشگری]
bubble effect اثر حباب [ژئوفیزیک]	buon fresco → fresco 2
bubble pulse تپ حباب [ژئوفیزیک]	buphthalmia → buphthalmos
دماسنج سطی [ع. جو]	buphthalmos, buphthalmus, buphthalmia, megophthalmos, hydrophthalmos
bud abscission جوانه‌ریزی [کشای < باغبانی]	گاوچشمی [پزشکی]
budding کوبیوند [کشای < باغبانی]	buphthalmus → buphthalmos
bud mutation → bud sport	burden → chorus 3
bud scale, cataphyll فلس جوانه [کشای < باغبانی]	bureau à libre service (fr.) → self-service office
bud sport, bud mutation, sport جهش جوانه‌ای [کشای < باغبانی]	bureau ambulant 1 (fr.) → highway post office
buffer stop, bump stop سپر انتهایی [ح. ریلی]	bureau ambulant 2 (fr.) → railway post office
bulk breeding بهنژادی جمعی [کشای < زراعت]	bureau de dépôt (fr.) → office of posting
bulk density چگالی-کپه‌ای [ژئوفیزیک]	bureau de poste mobile (fr.) → mobile post office
bulk mails, dépêche de courrier en فرستۀ انبوه [مخابرات < پست]	bureau d'origine (fr.) → office of posting
bulky parcel → cumbersome parcel	bus bay بهلگاه، ویژه اتوبوس، بهلگاه [ح. شهری]
bulk-pedigree breeding بهنژادی جمعی-شجره‌ای [کشای < زراعت]	bus gate ورودی اتوبوس [ح. شهری]
bulletin de dépôt (fr.) → certificate of posting	business aircraft هواگرد بازرگانی [ح. هوایی]
bulk transport ترابرد توده‌ای [زیست]	bus lane, preferential bus lane, priority bus lane, exclusive bus lane
bump stop → buffer stop	خط ویژه اتوبوس [ح. شهری]
bundle, liasse (fr.) چهارنخ [مخابرات < پست]	bus only street خیابان ویژه اتوبوس [ح. شهری]
bundle morphism ریختار کلانی [ریاضی]	bus priority system سامانه اولویت اتوبوس [ح. شهری]
bundling, enlissement (fr.), enlissage (fr.) چهارنخ کردن [مخابرات < پست]	bus shelter سرپناه [ح. شهری]

boot 1 راه‌اندازی کردن [رایانه و فن.]
 boot 2, bootstrap راه‌اندازی [رایانه و فن.]
 bootable disk دیسک راه‌انداز [رایانه و فن.]
 bootstrap → boot 2
 borderline mechanism سازوکار بینابینی [شیمی]
 border plants گیاهان مرز نما [کشا. < باغ.]
 borehole چاه گمانه، چاه [ژئوفیزیک]
 borehole effect اثر چاه [ژئوفیزیک]
 borehole geophone چاه‌لرزه‌یاب [ژئوفیزیک]
 borehole gravimeter چاه‌گرانی‌سنج [ژئوفیزیک]
 borehole televiewer دوربین درون‌چاهی [ژئوفیزیک]
 borehole-to-borehole method روش چاه‌به‌چاه [ژئوفیزیک]
 borrowed division تقسیم عاریتی [موسیقی]
 botton quark کوارک ته [فیزیک]
 bottle thermometer دماسنج بطری‌دار [ع. جر.]
 Bouguer correction → Bouguer reduction
 Bouguer reduction, Bouguer correction برگردان بوگه [ژئوفیزیک]
 boulder تخته‌سنگ [زمین.]
 boulder clay رس تخته‌سنگی [زمین.]
 boundary strip → balk
 bound variable متغیر پابند [ریاضی]
 Bourdon tube لوله‌بوردن [ع. جر.]
 Bourdon tube thermometer دماسنج بوردن [ع. جر.]

boutique hotel مهمانخانه اختصاصی، هتل اختصاصی [گردشگری]
 branch line → siding
 bread improver, bread modifier بهبود دهنده نان [تغذیه و صنایع]
 bread modifier → bread improver
 break نوشاخه [کشا. < باغ.]
 breakpoint chlorination, breakthrough chlorination کلرزنی تا نقطه شکست [م. محیط.]
 breakthrough chlorination → breakpoint chlorination
 breeder's seed بذر به‌نژادگر [کشا. < زراعت.]
 breeding به‌نژادی، اصلاح نژاد، اصلاح [کشا. < زراعت.]
 breeding value ارزش به‌نژادی [کشا. < زراعت.]
 bridge graft → bridge grafting
 bridge grafting, bridge graft چوپیوند پلی [کشا. < باغ.]
 bridged carbocation کربوکاتیون پل‌شده [شیمی]
 brief reactive psychosis روان‌پریشی واکنشی گذرا [روان.]
 brine آب نمک [تغذیه و صنایع]
 broad-leaved پهن‌برگ [کشا. < باغ.]
 broad-leaved evergreen forest جنگل همیشه‌سبز پهن‌برگ [م. منابع < جنگل]
 broad-leaved forest, deciduous forest جنگل پهن‌برگ [م. منابع < جنگل]
 broil بریان کردن [تغذیه و صنایع]
 broiler بریان‌کن [تغذیه و صنایع]

biospecies	زی گونه [زیست.]	bloc de timbres-poste (fr.) → block of postage stamps
biota	زیواگان [زیست.]	block coat → barrier coat
biotope	زی جا [زیست.]	blocking
biradical, diradical	دورادیکال [شیمی]	جایابی [سینما و تلو.]
birth-and-death process	فرایند زاد و مرگ [ریاضی]	block of postage stamps, bloc de timbres-poste (fr.)
birth process	فرایند زاد [ریاضی]	چهارتمبر [مخابرات < پست]
bisexual flower, hermaphrodite flower	گل دوجنسی [کشا. < باغ.]	blossom-end clearing, stylar-end clearing
bitten off → praemorse		شفافیت گلگاه [کشا. < باغ.]
bivariate binomial distribution	توزیع دوجمله‌ای دومتغیره [ریاضی]	blossom-end rot [کشا. < باغ.]
bivariate normal distribution	توزیع بهنجار دومتغیره، توزیع نرمال دومتغیره [ریاضی]	blowback → backwash
blackbody radiation	تابش جسم سیاه [فیزیک]	blowing snow
black-bulb thermometer	دماسنج سیاه‌مخزن [ع. جو.]	کولاک برف [ع. جو.]
black clothing → blackout system		بهمانخانه شناور، هتل شناور [گردشگری]
black end	ته‌سیاهی [کشا. < باغ.]	body awareness
blackout system, black clothing	تاریک‌سازی [کشا. < باغ.]	تن‌آگاهی [روان.]
blade → share		body image
blancher	آنزیم‌بر، زی‌مایه بر [تغذیه و صنا.]	تن‌انگاره [روان.]
blanching	آنزیم‌بری،	body-wave magnitude
	زی‌مایه بری [تغذیه و صنا.]	بزرگی موج حجمی [ژئوفیزیک]
blast freezer, air blast freezer	یخزن دمشی [تغذیه و صنا.]	boîte aux lettres (fr.) → letter-box
blind spot	نقطه کور [بزشکی]	boîte aux lettres particulière (fr.)
blind zone	زون کور [ژئوفیزیک]	→ private letter-box
bloc-feuillet (fr.) → miniature sheet of postage stamps		boîte postale (fr.) → post office box
		bond energy
		انرژی پیوند [شیمی]
		bon de poste (fr.) → postal order
		bonding 1
		پیوند ۱ [روان.]
		bonding 2
		تشکیل پیوند [شیمی]
		bond moment
		گشتاور پیوند [شیمی]
		bond number
		عدد پیوند [شیمی]
		bone charcoal
		زغال استخوان [تغذیه و صنا.]
		bone meal
		آرد استخوان [تغذیه و صنا.]

bench root, gooseneck

ریشه چنبری [کشا. < باغ.]

berry

سته [کشا. < باغ.]

beverage crops → beverage plants

beverage plants, beverage crops

گیاهان نوشایی [کشا. < باغ.]

bias

اریبی [ریاضی]

biased

اریب [ریاضی]

biased estimator

برآوردگر اریب [ریاضی]

biased sample

نمونه اریب [ریاضی]

biased statistic

آماره اریب [ریاضی]

biased test

آزمون اریب [ریاضی]

bias error

خطای اریبی [ریاضی]

biavariate distribution

توزیع دو متغیره [ریاضی]

bibliograph → bibliographer 1

bibliographer 1, bibliograph

کتاب نگار [ع. کتابداری]

bibliographer 2

نسخه نگار [ع. کتابداری]

bibliographic

کتاب نگاشتی [ع. کتابداری]

bibliographical → bibliographic

bibliography 1

کتاب نگاری [ع. کتابداری]

bibliography 2

کتاب نگاشت [ع. کتابداری]

bibliography 3

نسخه نگاری [ع. کتابداری]

bibliography 4, references

مراجع،
ماخذ [ع. کتابداری]

bibliography of bibliographies

کتاب نگاشت کتاب نگاشت ها [ع. کتابداری]

bibliological

کتابشناختی [ع. کتابداری]

bibliologist

کتابشناس [ع. کتابداری]

bibliology

کتابشناسی [ع. کتابداری]

bilingual dictionary

فرهنگ دوزبانه،

واژه نامه دوزبانه [ع. کتابداری]

bimetallic thermometer

دماسنج دوفلزی [ع. جو]

binder

پیونده [م. پلیمر < رنگ]

binomial congruence

همنهشتی دو جمله ای [ریاضی]

bio-bibliography

زندگی-کتاب نگاشت [ع. کتابداری]

biocenose → biocoenosis

biochronology

زیست گاه شماری [زمین.]

biocoenose → biocoenosis

biocoenosis, biocoenose

زی سازند [زیست.]

biofacial

زیست رخساره ای [زمین.]

biofacial zone

زون زیست رخساره ای [زمین.]

biofacies

زیست رخساره [زمین.]

biofacies map

نقشه زیست رخساره [زمین.]

biofog

زیست مه [ع. جو]

biological mass → biomass 2

biological race

نژاد زیست شناختی [زیست.]

biomass 1

زی توده [زیست.]

biomass 2, biological mass

زیست توده [م. محیط.]

biomass energy

انرژی زی توده ای [زیست.]

biome

زیمان [زیست.]

biometric

زیست سنجشی [رایانه و فن.]

biometrics 1

زیست سنجه [رایانه و فن.]

biometrics 2

زیست سنجی [رایانه و فن.]

Banach algebra	جبر باناخ [ریاضی]	basin	چال گلگاه [کشا. < باغد.]
bank	پهلوگرد [ح. هوایی]	basitony	پاشاخدهی [کشا. < باغد.]
bank angle	زاویه پهلوگرد [ح. هوایی]	batter	خمیرابه [تغذیه و صنا.]
banking	پهلوگردی [ح. هوایی]	batterie de boîtes aux lettres (fr.)	
banner crop	گیاه برتر [کشا. < زراع.]	→ cluster of delivery boxes	
bar → measure		battle	نبرد [ع. نظامی]
bargaining theory	نظریه چانه‌زنی [ع. سیاسی]	baulk → balk	
Barkan's operation → goniotomy		beaching	ساحل‌نشینی [ع. نظامی]
bark grafting	چوپوند پوستی [کشا. < باغد.]	bedding plants	گیاهان بسترساز [کشا. < باغد.]
bar magnet	آهن‌ربای میله‌ای [ژئوفیزیک]	bed load	بار بستر [زمین.]
barochory	گراناش‌برافشانی [کشا. < باغد.]	bed occupancy rate	میزان اشغال تخت [گردشگری]
barrier 1	بازدار [ع. نظامی]	bed rock	سنگ بستر [زمین.]
barrier 2	سد جنبش، سد [ژئوفیزیک]	begware → nagware	
barrier coat, block coat	سدپوشه [م. پلیمر < رنگ]	behavior	رفتار [روان.]
barrier island	جزیره سدی [زمین.]	behavior disorder	اختلال رفتاری [روان.]
base coat	بن‌پوشه [م. پلیمر < رنگ]	behavior pattern	الگوی رفتاری [روان.]
base fare, basic fare, regular fare	کرایه پایه [ح. شهری]	behavior therapist	رفتاردرمان‌گر [روان.]
base map	نقشه پایه [م. نقشه.]	behavior therapy	رفتاردرمانی [روان.]
base period	دوره مبنا [ح. شهری]	behavioral	رفتاری [روان.]
base period fleet	ناوگان مبنا [ح. شهری]	behaviorist	رفتارگرا [روان.]
base rate	نرخ مبنا [ح. شهری]	behavioristic	رفتارگرایانه [روان.]
base year	سال مبنا [ح. شهری]	belligerence	ستیزه‌جویی [ع. سیاسی]
basic aircraft	هواگرد ساده [ح. هوایی]	belligerency	ستیزگی [ع. سیاسی]
basic fare → base fare		belligerent	ستیزه‌جو [ع. سیاسی]
basic runway	باند ساده [ح. هوایی]	below-the-line budget	بودجه زیرخط [سینما و تلو.]
basic trainer	هواپیمای آموزشی پایه، آموزشی پایه [ح. هوایی]	belt freezer	یخ‌زن نقاله‌ای [تغذیه و صنا.]
		bench graftage	چوپوند رومیزی [کشا. < باغد.]

autosegmental phonology

واج شناسی خودواحد، واج شناسی جزءمستقل [زبان.]

autumnal پاییزی [زیست.]

aux bons soins de... (fr.) → care of ...

auxiliary fault plane, auxiliary plane
صفحه کمکی [ژئوفیزیک]

auxiliary plane → auxiliary fault plane

auxiliary thermometer دماسنج کمکی [ع. جو.]

Avatar چهرک [رایانه و فن.]

average متوسط [ریاضی]

average daily flow, ADF میانگین جریان روزانه،
میانگین شارش روزانه [م. محیط.]

aversion بیزاری [روان.]

aversion therapy بیزاری‌درسانی [روان.]

avis d'arrivée (fr.) → advice of arrival

avis de réception (fr.) → advice of receipt

avoidance اجتناب [روان.]

avoidance learning اجتناب‌آموزی [روان.]

avril (fr.) → April

awareness آگاهی [روان.]

axial aniseikonia
ناهمگون‌تصویری محوری [بزشکی]

axis of trough → trough line

B

baccate سته‌گون [کشا. < باغ.]

bacciferous سته‌آور [کشا. < باغ.]

bacciform سته‌شکل [کشا. < باغ.]

baccivorous سته‌خوار [کشا. < باغ.]

backdoor, trapdoor درِ پشتی [رایانه و فن.]

backwash, blowback واشویه [م. محیط.]

backwashing واشویی [م. محیط.]

backwash pump تلمبه واشویه [م. محیط.]

bacterial food intoxication

مسمومیت غذایی باکتریایی [تغذیه و صنا.]

bactericide باکتری‌کش [تغذیه و صنا.]

bacteriostat, bacteriostatic agent

باکتری‌ایستان [تغذیه و صنا.]

bacteriostatic agent → bacteriostat

bag filter → fabric filter

bag house → fabric filter

bagasse تفاله [کشا. < زراع.]

baitware طعمه‌افزار [رایانه و فن.]

baker's yeast مخمر نانوائی [تغذیه و صنا.]

baking, stoving کوره‌پزی [م. پلیمر < رنگ]

baking schedule

جدول کوره‌پزی [م. پلیمر < رنگ]

baking time زمان کوره‌پزی [م. پلیمر < رنگ]

balanced transportation system

سامانه حمل‌ونقل متوازن [ح. شهری]

balance of power موازنه قدرت [ع. سیاسی]

bale بسته، عدل [کشا. < زراع.]

baler علوفه‌بند [کشا. < زراع.]

balk, baulk, boundary strip

مرز ناشخم [کشا. < زراع.]

ballast water آب توازن [م. محیط.]

atomization	ذره‌سازی [تغذیه و صنا.]	autistic	درخودمانده [روان.]
atomizer	ذره‌ساز [تغذیه و صنا.]	autofree area → autofree zone	
attached thermometer	دماسنج پیوست [ع. جو]	autofree zone, autofree area	حوزه پیاده‌گرد [ح. شهری]
attachment 1	اتصال ۱ [شیمی]	autochory	خودبرافشانی [کشا. < باغ.]
attachment 2	دلبستگی [روان.]	autocorrelation	خودهمبستگی [ریاضی]
attachment disorder	اختلال دلبستگی [روان.]	autocorrelation function	تابع خودهمبستگی [ریاضی]
attachment theory	نظریه دلبستگی [روان.]	autogenic, succession 2	خودزا [کشا. < باغ.]
attention	توجه [روان.]	autoland	دستگاه خودنشست [ح. هوایی]
attention seeking	توجه‌طلبی [روان.]	autolysis	خودکافت [تغذیه و صنا.]
attention span	گستره توجه [روان.]	automated cartography → digital cartography	
at the dip	نیمه‌افراشته [ع. نظامی]	automatic fare collection	بلیت‌فروشی خودکار [ح. ریلی]
attribute	صفت کیفی [ریاضی]	automatic landing	نشست خودکار [ح. هوایی]
attribution	إسناد ۱ [روان.]	automatic picking	گزینش خودکار [ژئوفیزیک]
attributional	إسنادی ۱ [روان.]	automatic stereoplotter	دستگاه تبدیل خودکار [م. نقشه.]
attributional style	سبک اسنادی [روان.]	automation	خودکارسازی [رایانه و فن.]
augmented matrix	ماتریس افزوده [ریاضی]	automatism	خودکاری [رایانه و فن.]
August, août (fr.)	اوت [عمومی]	automaton	خودکاره [رایانه و فن.]
aurora australis	شفق جنوبگان [ژئوفیزیک]	automorphism	خودریختی [ریاضی]
aurora borealis	شفق شمالگان [ژئوفیزیک]	autonomous	خودگردان [روان.]
authentic cadence	فرود اصلی [موسیقی]	autonomy	خودگردانی [روان.]
author bibliography	کتاب‌نگاشت پدیدآور [ع. کتابداری]	autoprolysis	خودپروتون‌کافت [شیمی]
authoritarian personality	شخصیت اقتدارمدار [روان.]	autoprolysis constant	ثابت خودپروتون‌کافت [شیمی]
authoritative	اقتداری [روان.]	autoregressive series	سری خودرایاز [ریاضی]
authority	اقتدار [روان.]		
autism	درخودماندگی [روان.]		

- asperifolius → asperifoliate
- asperity [کشگاه [ژئوفیزیک]
- aspirated psychrometer → aspiration psychrometer
- aspiration meteorograph
هوانگار دَمشی [ع. جو]
- aspiration psychrometer, aspirated psychrometer
رطوبت سنج دَمشی [ع. جو]
- aspiration thermograph
دمانگار دَمشی [ع. جو]
- aspirated thermometer
دماسنج دَمشی [ع. جو]
- assistant track foreman, sub-foreman,
leadman 2 [معاون خط ناحیه [ح. ریلی]
- Assmann psychrometer
رطوبت سنج آسمن [ع. جو]
- association [پیوند ۱ [ریاضی]
- association coefficient [ضریب پیوند [ریاضی]
- astatic gravimeter → astatized gravimeter
- astatized gravimeter, unstable gravimeter,
labilized gravimeter, astatic gravimeter,
pseudoastatized gravimeter
گرانی سنج ناپایدارنما [ژئوفیزیک]
- astomatal, astomouse [بی‌روزنه [کشا. > باغد.]
- astroid [ستاره‌وار [ریاضی]
- astomouse → astomatal
- asymmetric engagement
درگیری ناهمگون [ع. نظامی]
- asymmetric induction [القای بی‌تقارنی [شیمی]
- asymmetric period [جمله غیرمقارن [موسیقی]
- asymmetric strategy [راهبرد ناهمگون [ع. نظامی]
- asymmetric tactic [تاکتیک ناهمگون [ع. نظامی]
- asymmetric threat [تهدید ناهمگون [ع. نظامی]
- asymmetric warfare [جنگ ناهمگون [ع. نظامی]
- asymptote [مجانِب [ریاضی]
- asymptotic [مجانِبی [ریاضی]
- asymptotically unbiased estimator
برآوردگر مجانبی نااریب [ریاضی]
- asymptotic curve [خم مجانبی [ریاضی]
- asymptotic distribution [توزیع مجانبی [ریاضی]
- asymptotic efficiency [کارایی مجانبی [ریاضی]
- asymptotic efficient estimator
برآوردگر کارای مجانبی [ریاضی]
- asymptotic normality [بهنجاری مجانبی،
نرمال بودن مجانبی [ریاضی]
- asymptotic relative efficiency
کارایی نسبی مجانبی [ریاضی]
- asymptotic standard error
خطای معیار مجانبی [ریاضی]
- asymptotic tangent [مماس مجانبی [ریاضی]
- asynchronous [ناهمزمان [رایانه و فن.]
- atmospheric boundary layer, ABL
لایه مرزی جو [ع. جو]
- atmospheric duct [جَوَراهه [ع. جو]
- atmospheric layer, atmospheric shell
لایه جو [ع. جو]
- atmospheric region [منطقه جو [ع. جو]
- atmospheric shell → atmospheric layer
- atomic fallout [فروریزه اتمی [فیزیک]

approach area	منطقهٔ تقرب [ح. هوایی]	arc shot	نمای قوسی [سینما و تلو.]
approach control	مراقبت تقرب [ح. هوایی]	arched contour	نمای لحنی کمانی [موسیقی]
approach grafting, grafting by approach	پیوند مجاورتی [کشا. < باغ.]	architectural photogrammetry	تصویرسنجی معماری [م. نقشه.]
approximate 1	تقریب زدن ۱ [ریاضی]	arctic sea smoke	دریادود شمالگان [ع. جو]
approximate 2	تقریبی [ریاضی]	area occupancy	ضریب اشغال، ضریب اشغال سطح [ح. شهری]
approximate derivative	مشتق تقریبی [ریاضی]	argument 1	شناسه ۱ [ریاضی]
approximate solution	جواب تقریبی [ریاضی]	argument 2, amplitude	شناسه ۲ [ریاضی]
approximate value	مقدار تقریبی [ریاضی]	argument of a function → independent variable	
approximation 1	تقریب [ریاضی]	arid	خشک [ع. جو]
approximation 2	تقریب زدن ۲ [ریاضی]	aridity	خشکی [ع. جو]
approximation formula	فرمول تقریب [ریاضی]	aristate	نوک‌ریشکی [کشا. < باغ.]
approximation theorems	قضیه‌های تقریب [ریاضی]	arithmetic mean	میانگین حسابی [ریاضی]
approximation theory	نظریهٔ تقریب [ریاضی]	armed forces intention	نیت نیروهای مسلح [ع. نظامی]
April, avril (fr.)	آوریل [عمومی]	army regulations	مقررات نظامی [ع. نظامی]
a priori density → prior density		arrival time	زمان رسید [ژئوفیزیک]
a priori distribution → prior distribution		artifact, footprint	پردازش‌ماند [ژئوفیزیک]
a priori probability → prior probability		ascending contour	نمای لحنی بالارونده [موسیقی]
aprotic solvent	حلال بی‌پروتون [شیمی]	aseasonal	بی‌فصل [کشا. < باغ.]
aqueous dispersion	پراکنهٔ آبی [م. پلیمر < رنگ]	aseismic	بی‌لرزه [ژئوفیزیک]
aquiclude, aquitard	آبخوان کم‌تراوا [زمین.]	asocial behavior, unsocial behavior	رفتار غیراجتماعی [روان.]
aquitard → aquiclude		ASP → active server page	
arabesque	اسلیمی [هنر تج.]	asperifoliate, asperifolius	خشن‌برگ [کشا. < باغ.]
arabesque motif	نقش اسلیمی [هنر تج.]		
arable land	زمین قابل‌کشت [کشا. < باغ.]		

anticlinal theory	نظریه طاق‌دیی [زمین.]	anti-virus	ضد ویروس [رایانه و فن.]
anticlinal valley	دره طاق‌دیی [زمین.]	anti-virus software	برنامه ضد ویروس، نرم افزار ضد ویروس [رایانه و فن.]
anticline	طاق‌دیس [زمین.]	anxiety	اضطراب [روان.]
anticyclonic gloom	تیرگی و اچرخندی [ع. جو]	anxiety reaction	واکنش اضطرابی [روان.]
anticyclonic gloom days	روزهای تیرگی و اچرخندی [ع. جو]	anxious 1	اضطرابی [روان.]
antiendomorphism	پاددرون ریختی [ریاضی]	anxious 2	مضطرب [روان.]
antiferromagnetic	پادفرومغناطیسی [فیزیک]	août (fr.) → August	
antiferromagnetic domain	حوزه پادفرومغناطیسی [فیزیک]	apartheid	جدانژادی [ع. سیاسی]
antiferromagnetic resonance	تشدید پادفرومغناطیسی [فیزیک]	aphacia → aphakia	
antiferromagnetism	پادفرومغناطیس [فیزیک]	aphakia, aphacia	نبود عدسی [پزشکی]
antifoaming agent	ماده ضدکف، ضدکف [تغذیه و صنا.]	aphakic	بی عدسی [پزشکی]
antiknock additive → antiknock agent		aphanic species → sibling species	
antiknock agent, antiknock additive	خوش سوزکننده [م. محیط.]	apiculate	نوکریز [کشا. باغ.]
antiport	پادبری [زیست.]	a posteriori density → posteriori density	
antiporter	پادبر [زیست.]	a posteriori distribution → posterior distribution	
anti-spam	پادهرز [رایانه و فن.]	a posteriori probability → posterior probability	
anti-spattering agent	ماده ضدپاشش، ضدپاشش [تغذیه و صنا.]	apothem, short radius	سهم [ریاضی]
anti-spot jamming	ضد اختلال نقطه‌ای [ع. نظامی]	apparent density	چگالی ظاهری [ژئوفیزیک]
antistaling agent	ماده ضدبیاتی، ضدبیاتی [تغذیه و صنا.]	apparent depth	عمق ظاهری [فیزیک]
antitrade(s), countertrade(s)	پادبسامان (ها) [ع. جو]	applet	برنامک [رایانه و فن.]
		application program, application software	برنامه کاربردی [رایانه و فن.]
		application software → application program	
		applied arts	هنرهای کاربردی [هنر تجر.]
		applied linguistics	زبان‌شناسی کاربردی [زبان.]

ancillary information	اطلاع کمکی [ریاضی]	anoxic	بی اکسیژن محلول، بی اکسل [م. محیط.]
ancillary statistic	آماره کمکی [ریاضی]	anoxic denitrification	نیترات زدایی بی اکسل [م. محیط.]
androgenesis	نرزیای [کشا. < باغ.]	antialias filter → alias filter	
androgynous	نرماده [کشا. < باغ.]	Antarctica	قاره جنوبگان [ع. جو]
anemochory	بادپراشانی [کشا. < باغ.]	Antarctic Circle	مدار جنوبگان [ع. جو]
anemophilous	بادگرده افشان [کشا. < باغ.]	antarctic sea smoke	دریادود جنوبگان [ع. جو]
anemophily	بادگرده افشانی [کشا. < باغ.]	antecedent 1	پیشایند [موسیقی]
angle at centre → central angle		antecedent 2 → numerator	
angle of impact	زاویه برخورد [فیزیک]	antecedent 3	مقدم [ریاضی]
angular aperture	گشودگی زاویه ای [فیزیک]	anterior chamber, camera anterior	
angular momentum	تکانه زاویه ای [فیزیک]	bulbi, camera oculi anterior	
anharmonic oscillator	نوسانگر ناهماهنگ [فیزیک]		اتاقک پیشین [بزشکی]
animal charcoal	زغال حیوانی [تغذیه و صنا.]	anther culture	کشت بساک [کشا. < باغ.]
aniseikonia	ناهمگون تصویری [بزشکی]	anthesis, flowering	گلدهی [کشا. < باغ.]
anisochronous	ناهمگام [رایانه و فن.]	anthoecology	گل بوم شناسی [کشا. < باغ.]
anisogynous	ناجورماده [کشا. < باغ.]	anthography	گل نگاری [کشا. < باغ.]
annalist	سال نگار [ع. کتابداری]	anthotaxy	گل آرای، آرایش گل [کشا. < باغ.]
annals	سال نگاشت [ع. کتابداری]	anthropological linguistics	مردم شناسی زبان، زبان شناسی مردم شناختی [زبان.]
annotated, annotative	گزارمانی [ع. کتابداری]	antiautomorphism	پادخودریختی [ریاضی]
annotated bibliography	کتاب نگاشت گزارمانی [ع. کتابداری]	anti(-)caking agent	ماده ضدکلوخه، ضدکلوخه [تغذیه و صنا.]
annotation	گزارمان [ع. کتابداری]	anticlinal	طاقدیی [زمین.]
annotative → annotated		anticlinal axis	محور طاقدیی [زمین.]
annoyware → nagware		anticlinal crest	ستیف طاقدیی [زمین.]
annual maximum temperature	دمای بیشینه سالانه [ع. جو]	anticlinal nose	دماغه طاقدیی [زمین.]
annulation	حلقه جوشی [شیمی]	anticlinal reservoir	مخزن طاقدیی [زمین.]

- alliance اتحاد [ع. سیاسی]
- allied countries operation
→ multinational operation
- allied forces operation → multinational operation
- allogenic دگرزا [کشا. < باغ.]
- all-or-nothing trip تخصیص همه یا هیچ سفر،
تخصیص همه یا هیچ [ح. شهری]
- allospecies → semispecies
- allowable cut, calculated cut, allowable sale
برداشت مجاز [م. منابع < جنگل]
- allowable cut effect, ACE
اثر برش مجاز [م. منابع < جنگل]
- allowable sale → allowable cut
- all-purpose register
ثبتات همه منظوره [رایانه و فن.]
- all-stop station ایستگاه اصلی [ح. شهری]
- all suite hotel سراچه مهمانخانه،
سراچه هتل [گردشگری]
- alluvial cone, cone of detritus, debris cone
مخروط آبرفتی [زمین.]
- alluvial fan پنجه آبرفتی [زمین.]
- alternate leaves برگهای متناوب [کشا. < باغ.]
- alternate strip clear cutting
برش یکسره نواری متناوب [م. منابع < جنگل]
- alysoid → catenary
- Amen cadence فرود آمین [موسیقی]
- American shot → medium long shot
- ametropia ناسازی بینی [پزشکی]
- amphibian وسیله آبخاکی [ع. نظامی]
- amphibious آبخاکی [ع. نظامی]
- amplitude → argument 1
- amplitude of accommodation دامنه تطابق [پزشکی]
- amplitude splitting دامنه شکافی [فیزیک]
- amusement park, fun fair شهر بازی [گردشگری]
- anacrusis → upbeat
- anaerobic contact process
فرایند تماس بی هوازی [م. محیط.]
- analogue photogrammetry
تصویرسنجی قیاسی [م. نقشه.]
- analogue stereoplotter
دستگاه تبدیل قیاسی [م. نقشه.]
- analytical bibliography کتاب نگاشت تحلیلی [ع. کتابداری]
- analytical photogrammetry
تصویرسنجی تحلیلی [م. نقشه.]
- analytical stereoplotter
دستگاه تبدیل تحلیلی [م. نقشه.]
- analytic isomorphism
یکریختی تحلیلی [ریاضی]
- anamorphic lens, anamorphote lens
عدسی واریخت [فیزیک]
- anamorphoscope واریخت نما [فیزیک]
- anamorphosis واریخت سازی [فیزیک]
- anamorphote lens → anamorphic lens
- anatomical aniseikonia
ناهمگون تصویری کالبدشناختی [پزشکی]
- anchimeric assistance, neighbouring-group participation
همیاری مجاورتی [شیمی]

agence postale (fr.) → postal agency	سرعت هوایی [ح. هوایی] airspeed, air speed
aggregation [انبوهش ع. جو]	air speed → airspeed
agnosia [ادراک پریشی روان.]	airspeed indicator
agricultural drought	نشانگر سرعت هوایی [ح. هوایی]
خشکسالی کشاورزی [ع. جو]	air trap [هوابند ع. جو]
aground [به گیل نشسته ع. نظامی]	airwave [هواموج [ژئوفیزیک]]
aileron [شهر [ح. هوایی]]	alcohol-in-glass thermometer → spirit thermometer
air blast freezer → blast freezer	alcohol thermometer → spirit thermometer
airborne [هوابرد ح. هوایی]	aleph nought → aleph null
airborne collection platform	aleph null, aleph nought, aleph zero
سکوی هوایی جمع آوری اطلاعات، سکوی هوایی جمع آوری [ع. نظامی]	الف صفر [ریاضی]
airborne magnetometer	aleph zero → aleph null
مغناطیس سنج هوابرد [ژئوفیزیک]	algebra [جبر [ریاضی]]
airborne magnetometry	algebra homomorphism
مغناطیس سنجی هوابرد [ژئوفیزیک]	همریختی جبرها [ریاضی]
air carrier [شرکت حمل و نقل هوایی ح. هوایی]	algebra isomorphism
aircushion transportation system	یکریختی جبرها [ریاضی]
سامانه حمل و نقل هواپیما [ح. شهری]	algebraic [جبری [ریاضی]]
air defense artillery	alias band [نوار دگر نام [ژئوفیزیک]]
توپخانه پدافند هوایی [ع. نظامی]	alias filter, antialias filter
air diffuser [هواپخشگر م. محیط.]	صافی دگر نام [ژئوفیزیک]
airframe [پیکر ح. هوایی]	aliasing [دگر نامی [ژئوفیزیک]]
air freighter, freighter [هواگرد باری، باری ح. هوایی]	alkanet → alkannet
air gun [تفنگ هوا [ژئوفیزیک]]	alkanin → alkannet
airmail dispatch, dépêche-avion (fr.)	alkanna → alkannet
فرسته هوایی [مخابرات > پست]	alkannet, orcanella, alkanin, alkanna
air seeding → aerial seeding	رنگ شنکار، شنکار [تغذیه و صنایع]
airship [کشتی هوایی ح. هوایی]	

aerial photogrammetry

تصویرسنجی هوایی [م. نقشه.]

aerial root

ریشه هوایی [کشا. > باغ.]

aerial seeding, aerial sowing, air seeding

بذرپاشی هوایی [م. منابع > جنگل]

aerial sowing → aerial seeding

aerial surveying [م. نقشه.]

aerobiology

هوازیست‌شناسی [ع. جر.]

aerodyne

هواپویه [ح. هوایی]

aerogramme, aérogramme (fr.)

آئروگرام، پاکت - نامه هوایی [مخابرات > پست]

aérogramme (fr.) → aerogramme

aeromagnetic map

نقشه هوامغناطیسی [ژئوفیزیک]

aeronaut

بالون‌ران [ح. هوایی]

aerospace craft

هوافضاگرد [ح. هوایی]

aerospace plane

هوافضاپیما [ح. هوایی]

aerostat

هواایست [ح. هوایی]

aero-towing

یدک‌کشی هوایی [ح. هوایی]

aestival 1

تابستانی [زیست.]

aestival 2

سرتابستانی [زیست.]

aestivation 1, prefloration

پوش‌آذین [زیست.]

aestivation 2, summer dormancy,

torpidity

تابستان‌خوایی [زیست.]

affect

عاطفه [روان.]

affectability

عاطفه‌پذیری [روان.]

affective

عاطفی [روان.]

affective disorder

اختلال عاطفی [روان.]

affectivity

عاطفی بودن [روان.]

affiliate → network affiliated station

affiliated stations → network

affiliated station

affine morphism

ریختار همگر [ریاضی]

affranchissement (fr.) → prepayment of postage

afterburner, reheat

پس‌سوز [ح. هوایی]

afterburn(ing)

پس‌سوزی [ح. هوایی]

afterimage 1

پس‌تصویر [روان.]

afterimage 2, aftervision, negative image, accidental image

پس‌تصویر [بزشکی]

after-hyperpolarization → afterpotential

after-hyperpolarizing potential → afterpotential

afterpotential, after-hyperpolarization, after-hyperpolarizing potential

پس‌پتانسیل [زیست.]

aftervision → afterimage 1

age class

رده سنی [م. منابع > جنگل]

age class distribution

پراکنش رده سنی [م. منابع > جنگل]

age class forest

جنگل رده سنی [م. منابع > جنگل]

age class interval

فاصله رده سنی [م. منابع > جنگل]

age class structure

ساختار رده سنی [م. منابع > جنگل]

age class table

جدول رده سنی [م. منابع > جنگل]

- active transport تراژد فعال [زیست]
- acuminate نوک‌دار [کشا. < باغ.]
- acute نوک‌تیز [کشاورزی < باغ.]
- adaptation سازگاری ۱ [پزشکی]
- adaptometer سازگاری‌سنج [پزشکی]
- additional holiday تعطیلات فرعی [گردشگری]
- additive category رسته جمعی [ریاضی]
- additive function تابع جمعی [ریاضی]
- additive inverse → additive inverse element
- additive inverse element, additive inverse عنصر وارون جمعی [ریاضی]
- additive set function, finitely additive set function تابع مجموعه‌ای جمعی [ریاضی]
- address field, champ de l'adresse (fr.) جای درج نشانی [مخابرات < پست]
- address of items, adresse des envois (fr.) نشانی مرسولات [مخابرات < پست]
- ADF → average daily flow
- adfreezing یخ‌چسبی [ع. جر.]
- ad infinitum تایی‌نهایت [ریاضی]
- admissible estimator برآوردگر پذیرفتنی [ریاضی]
- admissible homomorphism هم‌ریختی پذیرفتنی [ریاضی]
- adresse des envois (fr.) → address of items
- advanced trainer هواپیمای آموزشی پیشرفته، آموزشی پیشرفته [ح. هوایی]
- advanced treatment → advanced wastewater treatment
- advanced waste treatment → advanced wastewater treatment
- advanced wastewater treatment, advanced waste treatment, advanced treatment, tertiary treatment تصفیه تکمیلی فاضلاب [م. محیط.]
- advance felling برش پیش‌هنگام [م. منابع < جنگل]
- advance regeneration زادآوری پیش‌هنگام [م. منابع < جنگل]
- adventitious bud جوانه نابجا [کشا. < باغ.]
- adventure holidays, adventure travel تعطیلات پرماجر [گردشگری]
- adventure travel → adventure holidays
- advertising supported software → adware
- advice of arrival, avis d'arrivée (fr.) اعلام ورود [مخابرات < پست]
- advice of receipt, avis de réception (fr.) اعلام وصول [مخابرات < پست]
- adware, advertising supported software آگهی‌افزار [رایانه و فن.]
- aerated lagoon برکهٔ هواده‌شده [م. محیط.]
- aerated pond استخر هواده‌شده [م. محیط.]
- aeration tank حوض هواده‌ی [م. محیط.]
- aerial gravimetry [ژئوفیزیک] گرانی‌سنجی هوایی
- aerial magnetometry مغناطیس‌سنجی هوایی [ژئوفیزیک]
- aerial mosaic پاره‌چین عکسی هوایی، پاره‌چین هوایی [م. نقشه.]

acauline → acaulescent

accent 1 لهجه [زبان.]

accent 2, stress, word accent تکیه [زبان.]

accented تکیه‌دار [زبان.]

accented beat → strong beat

accental تکیه‌ای [زبان.]

accessibility دسترسی پذیری [ح. شهری]

accessible transit system

سامانه جابه‌جایی کم‌توانان [ح. شهری]

accessory bud جوانه فرعی [کشا. > باغ.]

accidental image → afterimage 1

accommodation تطابق [بزشکی]

accommodative تطابقی [بزشکی]

acommodometer تطابق‌سنج [بزشکی]

accordant drainage, concordant drainage

زهکش همساز [زمین.]

accordant fold چین همساز [زمین.]

accordant junction, concordant junction

پیوستگاه همساز، پیوستگاه [زمین.]

accumulation point, cluster point, limit

نقطه انباشتگی [ریاضی]

accuracy landing → spot landing

ACE → allowable cut effect

acheminement des envois postaux (fr.)

→ forwarding of postal items

achievement موفقیت [روان.]

achievement age سن موفقیت [روان.]

achievement motive انگیزه موفقیت [روان.]

achievement test آزمون موفقیت [روان.]

achiever موفق [روان.]

acid tolerant → aciduric microorganism

acicular → needle-leaved

aciculate → needle-leaved

aciculiform → needle-leaved

aciculum → needle-leaved

acidulant, acidulent

اسیدی‌کننده [تغذیه و صنایع]

acidulent → acidulant

aciduric microorganism, acid tolerant

ریزاندامگان اسیدپای [تغذیه و صنایع]

acoustic log نگاره آکوستیکی [ژئوفیزیک]

acoustic well logging

چاه‌نگاری آکوستیکی [ژئوفیزیک]

acquisition

فراگیری [روان.]

acquisition motive انگیزه فراگیری [روان.]

acrotony سرشاخه‌دهی [کشا. > باغ.]

acting executive officer

فرمانده‌دوم موقت [ع. نظامی]

action potential پتانسیل کنش [زیست.]

activated carbon, activated charcoal

کربن فعال [م. محیط.]

activated charcoal → activated carbon

activated sludge process

فرایند لجن فعال [م. محیط.]

active electronic warfare

جنگ الکترونیکی عامل [ع. نظامی]

active runway باند فعال [ح. هوایی]

active server page, ASP صفحه فعال کارساز،

صفحه [رایانه و فن.]

A

abandon d'un colis (fr.) → abandonment
of a parcel

abandonment of a parcel, abandon
d'un colis (fr.)

رهايش بسته [مخابرات < پست]

Abelian category رسته آبلی [ریاضی]

abilities → capabilities

ab initio computation → ab initio
calculation

ability توانایی [روان.]

ability test آزمون توانایی [روان.]

ab initio calculation, ab initio
computation محاسبه از آغاز [شیمی]

ABL → atmospheric boundary layer

aborted start راه‌اندازی نافرجام [ح. هوایی]

aborted take-off برخاست نافرجام [ح. هوایی]

abortion سقط [کشا. < باغ.]

above-the-line budget بودجه بالاسری [سینما و تلو.]

abreaction برون‌ریزش هیجان، برون‌ریزش [روان.]

abrupt cadence → interrupted cadence

abscission layer لایه ریزشی [کشا. < باغ.]

absolute accommodation تطابق مطلق [پزشکی]

absolute drought خشکسالی مطلق [ع. جو]

absolute frequency مطلق،
تراوانی مطلق [ریاضی]

absolute hemioanopia
لب‌بخش‌محلی، لب‌شلیمه‌کوری مطلق [پزشکی]

absolute humidity, vapour concentration
رطوبت مطلق [ع. جو]

absolute maximum temperature
دمای بیشینه مطلق [ع. جو]

absolute monthly maximum temperature
دمای بیشینه مطلق ماهانه [ع. جو]

absolute monthly minimum temperature
دمای کمینه مطلق ماهانه [ع. جو]

absolute number عدد مطلق [ریاضی]

absolutely continuous function
تابع مطلقاً پیوسته [ریاضی]

absolute scotoma سیاه‌نقطه مطلق [پزشکی]

absolute temperature extremes
فرین‌های مطلق دما [ع. جو]

absolute term → constant term

absorbing set مجموعه جاذب [ریاضی]

absorbing subset زیرمجموعه جاذب [ریاضی]

absorption hygrometer نم‌سنج جذبی [ع. جو]

absorption law, absorption rule,
absorptive law قانون جذب [ریاضی]

absorption rule → absorption law

absorptive law → absorption law

abstract case حالت انتزاعی [زبان.]

abstract film فیلم انتزاعی،
فیلم تجریدی [سینما و تلو.]

a cappella, cappella بی‌ساز [موسیقی]

acarpic → acarpous
acarpous, acarpic بی‌بر [کشا. < باغ.]

acaulescent, acauline, stemless
بی‌ساقه [کشا. < باغ.]

فهرست واژه‌ها به ترتیب الفبای لاتین

A Collection of Terms



کتابخانه ملی ایران
تأیید شده است
۱۳۷۶

Approved by

**The Academy of Persian
Language and Literature**

volume 4

**Terminology Department
July 2007**